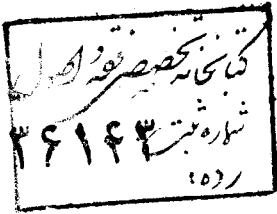


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وصلی اللہ علی محمد وآلہ الطاہرین



تکافل کاربردی و بیمه مدرن

قوانین و اصول کاربردی



تألیف: مهد معصوم بالله

مترجم: سید محسن روحانی



تکافل کاربردی و بیمه مدرن

مهد معصوم بالله

ترجمه: سید محسن روحانی

ناشر: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

طرح جلد: محمد فدایی

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۸۹

چاپ و صحافی: زلال کوثر

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۵۵-۵

ISBN: 978-600-5574-55-5

حق چاپ و نشر و نسخه برداری دیجیتال محفوظ است.

تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ص. پ، ۱۵۹-۱۴۶۵۵

سرشناسه : معصوم بالله، مهد، ۱۹۶۸ - م. Ma'sum Billah, Mohd.

عنوان و نام پدیدآور : تکافل کاربردی و بیمه مدرن : قوانین و اصول کاربردی / تألیف مهد معصوم بالله؛ مترجم محسن روحانی.

مشخصات نشر : تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۱۷ص.

شابک : ۹۰۰۰۰ ریال: 978-600-5574-55-5

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : عنوان اصلی: Applied takaful and modern insurance : law and practice ,3rd ,2007.

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : حقوق بیمه (فقه)

شناسه افزوده : روحانی، محسن، ۱۳۶۴ - ، مترجم

شناسه افزوده : دانشگاه امام صادق (ع)

رده بندی کنگره : ۱۳۸۹ ب ۹م ۱۹۸/۷۶۵ BP

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۴۷۹۷۹۰۲

فهرست مطالب

۱۷	 سخن ناشر
۱۹	 پیشگفتار
۲۱	 سپاسگزاری
۲۳	 درباره نویسنده
۲۵	 واژه نامه
۳۵	 جدول نظام نامه ها
۴۱	 جدول قوانین
۴۵	 مقدمه
۴۸	 پی نوشت ها

۴۹	 فصل ۱. خاستگاه ها و چگونگی پیدایش تکافل و بیمه
۴۹	 ۱-۱. خاستگاه و چگونگی پیدایش تکافل
۴۹	 ۱-۲. اصل العاقله به عنوان سستی قبیله ای
۵۰	 ۱-۲-۱. شیوه پیامبر اسلام (ﷺ)
۵۲	 ۱-۲-۲. شیوه اصحاب پیامبر اسلام (ﷺ)
۵۲	 ۱-۲-۳. توسعه طی قرن چهاردهم تا هفدهم میلادی

۵۳	 ۱-۲-۴. توسعه در قرن نوزدهم
۵۳	 ۱-۲-۵. توسعه در قرن بیستم
۵۶	 ۱-۳. خاستگاه و پیدایش بیمه
۶۰	 ۱-۴. چارچوب مفهومی
۶۰	 ۱-۴-۱. چارچوب مفهومی تکافل
۶۲	 ۱-۴-۲. چارچوب مفهومی بیمه
۶۲	 ۱-۵. الگوهای جهانی تکافل
۷۱	 ۱-۶. نتیجه‌گیری
۷۱	 ۱-۷. جدول تطبیقی
۷۲	 پی‌نوشت‌ها

فصل ۲. تکافل و بیمه: ایده‌ی اصلی و اصول کلی ۷۹

۷۹	 مقدمه
۸۰	 ۲-۱. ماهیت قراردادهای تکافل و بیمه
۸۰	 ۲-۱-۱. ماهیت قراردادهای تکافل
۸۲	 ۲-۱-۲. ماهیت قراردادهای بیمه
۸۴	 ۲-۲. حوزه عمل قراردادهای تکافل و بیمه
۸۴	 ۲-۲-۱. حوزه عمل قراردادهای تکافل
۸۵	 اول. سن
۸۶	 دوم. عدم صلاحیت عقلانی یا عدم تندرستی
۸۷	 ۲-۲-۲. حوزه عمل قراردادهای بیمه
۸۸	 ۲-۳. دیدگاه منطقی
۸۸	 ۲-۳-۱. دیدگاه منطقی تکافل
۹۳	 ۲-۳-۲. دیدگاه منطقی بیمه
۹۳	 ۲-۴. ویژگی‌های قراردادهای تکافل و بیمه

۹۳	۱-۴-۲. ویژگی‌های تکافل.....
۹۴	اول. صداقت.....
۹۵	دوم. اصول مطلقه شریعت.....
۹۶	سوم. ویژگی‌های اخلاقی.....
۹۶	۲-۴-۲. عناصر قرارداد بیمه.....
۹۷	۳-۴-۲. ویژگی‌های بیمه.....
۹۸	۵-۲. منابع قانونی موثر بر تکافل.....
۹۸	۱-۵-۲. منابع کلی.....
۹۹	اول. قرآن کریم.....
۹۹	دوم. سنت.....
۱۰۱	سوم. سیره صحابه.....
۱۰۱	چهارم. اجتهاد و اجماع دانشمندان مسلمان.....
۱۰۳	۲-۵-۲. منابع قیاسی.....
۱۰۳	اول. المصالح المرسله.....
۱۰۴	دوم. عرف.....
۱۰۴	سوم. فقه.....
۱۰۵	چهارم. آثار مرتبط دانشمندان مسلمان.....
۱۰۵	پنجم. آراء مجلس.....
۱۰۶	ششم. قوانین هیئت نظارت بر امور شریعت.....
۱۰۶	هفتم. رویه‌های قضایی.....
۱۰۷	هشتم. تصمیمات مشترک دانشمندان مسلمان.....
۱۰۷	۳-۵-۲. منابع خاص.....
۱۰۷	یک. اصول قرارداد.....
۱۰۸	دو. اصول تعهد.....
۱۰۹	سه. اصل نهایت حسن نیت.....

چهار. اصول میراث و وصیت	۱۰۹
پنج. اصول وکالت (نمایندگی)	۱۱۰
شش. اصول ضمان (تضمین)	۱۱۰
هفت. اصول مضاربه و مشارکت	۱۱۱
هشت. اصول حقوق و تعهدات	۱۱۱
نه. اصول حقوق بشر	۱۱۲
ده. اصول همکاری دو جانبه	۱۱۳
۲-۶. منابع قانونی موثر بر بیمه	۱۱۳
۲-۶-۱. قوانین مصوب	۱۱۴
۲-۶-۲. اصول قرارداد	۱۱۴
۲-۶-۳. اصول تعهد	۱۱۴
۲-۶-۴. اصل عمل به روال همیشگی	۱۱۵
۲-۶-۵. سنت‌ها/عرف‌ها	۱۱۵
۲-۷. نتیجه	۱۱۶
۲-۸. جدول تطبیقی	۱۱۷
پی‌نوشت‌ها	۱۱۸
 فصل ۳. دیدگاه‌های موافق و مخالف درباره ی تکافل و بیمه	۱۲۷
مقدمه	۱۲۷
۳-۱. اختلاف نظرهای موجود درباره ی تکافل	۱۲۸
۳-۱-۱. اختلاف نظر علما	۱۲۸
۳-۲. برداشت‌های نادرست	۱۲۹
۳-۳. رد برداشت‌های نادرست	۱۳۲
۳-۴. توجیه بیشتر	۱۳۷
۳-۵. ارزیابی دیدگاه منفی موجود نسبت به بیمه	۱۴۲

۱۴۳.....	۳-۶. نتیجه گیری.....
۱۴۴.....	پی نوشت ها.....
۱۴۹.....	فصل ۴. عوامل خارجی تاثیرگذار بر قراردادهای تکافل و بیمه.....
۱۴۹.....	مقدمه.....
۱۵۰.....	۴-۱. موضوع بیمه نامه.....
۱۵۰.....	۴-۱-۱. رویه ی تکافل.....
۱۵۳.....	۴-۲. موضوع بیمه تحت خطر.....
۱۵۳.....	۴-۲-۱. تعالیم بیمه.....
۱۵۵.....	۴-۳. مدیریت خطر.....
۱۵۵.....	۴-۳-۱. تعالیم تکافل.....
۱۵۹.....	یک. خطر ذهنی.....
۱۵۹.....	دو. خطر واقعی.....
۱۵۹.....	سه. خطر محض و تعریف شده.....
۱۵۹.....	چهار. خطر حدسی.....
۱۶۰.....	پنج. خطر وقایع خاص.....
۱۶۰.....	شش. خطرات تعمدی.....
۱۶۱.....	هفت. خطر موضوعات غیرقانونی.....
۱۶۱.....	هشت. خطر مسائل پذیرفته نشده.....
۱۶۱.....	نه. خطر مسائل ناشناخته.....
۱۶۲.....	۴-۳-۲. تعالیم بیمه.....
۱۶۲.....	یک. خطر ذهنی.....
۱۶۲.....	دو. خطر واقعی.....
۱۶۳.....	سه. خطر محض.....
۱۶۳.....	چهار. خطر حدسی.....

- ۴-۴. ظرفیت قانونی طرفین قرار داد بیمه و تکافل ۱۶۴
- ۴-۵. تعالیم بیمه‌ی تکافل ۱۶۴
- ۴-۵-۱. عامل تکافل ۱۶۴
- ۴-۵-۲. بیمه شده ۱۶۸
- اول. عامل سن ۱۶۹
- دوم. عدم سلامت جسمی ۱۷۲
- سوم. ورشکستگی (افلاس) ۱۷۳
- چهارم. اسیر ۱۷۳
- پنجم. فرد غیرمجاز ۱۷۳
- ۴-۶. فعالیت‌های تحت بیمه ۱۷۴
- ۴-۶-۱. بیمه گر ۱۷۴
- ۴-۶-۲. بیمه شده ۱۷۵
- یک. فاکتور سن ۱۷۵
- ۴-۷. تکافل و واسطه‌گری بیمه ۱۷۸
- ۴-۷-۱. صنعت تکافل ۱۷۸
- اول. واسطه (وکیل) ۱۷۹
- دوم. کارگزار ۱۸۰
- ۴-۷-۲. واسطه‌ی بیمه ۱۸۱
- اول. واسطه ۱۸۱
- دوم. کارگزار بیمه ۱۸۲
- یک. تامین بیمه نامه ۱۸۴
- دو. تکمیل فرم درخواست ۱۸۵
- سه. یافتن بهترین معامله برای مشتری ۱۸۵
- چهار. ارائه‌ی پوشش موقت ۱۸۵
- پنج. مدیریت حق بیمه ۱۸۵

شش. فاش سازی حقایق و مسائل.....	۱۸۶
۴-۸. ذی نفع.....	۱۸۶
۴-۸-۱. تأثیرات نقش ذی نفع.....	۱۸۶
۴-۸-۲. تأثیر انتصاب نماینده در بیمه.....	۱۹۱
۴-۹. ذینفع.....	۱۹۵
۴-۹-۱. ذینفع در فعالیتهای تکافل.....	۱۹۵
۴-۹-۲. ذی نفع در فعالیتهای بیمه.....	۲۰۱
۴-۱۰. توافق و رضایت دوجانبه‌ی آزاد.....	۲۰۲
۴-۱۰-۱. فعالیتهای تکافل.....	۲۰۲
۴-۱۰-۲. فعالیتهای بیمه.....	۲۰۷
۴-۱۱. نتیجه‌گیری.....	۲۰۸
۴-۱۲. جدول تطبیقی.....	۲۰۹
پی‌نوشت‌ها.....	۲۱۰

فصل ۵. عوامل ضروری مؤثر بر قراردادهای بیمه و تکافل.....	۲۲۵
مقدمه.....	۲۲۵
۵-۱. سود بیمه.....	۲۲۶
۵-۱-۱. تحت تکافل.....	۲۲۶
۵-۱-۲. توجیه قراردادهای بیمه در تعالیم تکافل.....	۲۲۷
یک. مال/جان بیمه شده.....	۲۲۷
دو. موقوف علیه (متولی خیریه).....	۲۲۸
سه. مدیون اصلی.....	۲۲۹
چهار. جسد بیمه شده.....	۲۳۳
پنج. مورث.....	۲۳۳
شش. ورثه.....	۲۳۵

- ۳-۱-۵. موانع سود بیمه‌ی تکافل ۲۳۷
- اول. مرگ ۲۳۷
- دوم. مرگ هنگام تولد یا پیش از آن ۲۴۴
- سوم. قاتل ۲۴۶
- چهارم. مرتد ۲۴۸
- پنجم. نماینده (متولی) ۲۴۹
- ششم. ناقض حسن نیت ۲۴۹
- هفتم. فرزند نامشروع ۲۵۱
- ۲-۵. سود بیمه ۲۵۵
- ۱-۲-۵. تحت بیمه ۲۵۵
- اول. افراد تعیین شده بر مبنای دوافکتو (بالفعل) ۲۵۶
- دوم. افراد تعیین شده بر مبنای انتصاب (قانونی) ۲۵۷
- ۲-۲-۵. نهایت حسن نیت ۲۵۹
- اول. فعالیت‌های تکافل ۲۵۹
- دوم. شیوه‌های عدم فاش حقایق ۲۶۴
- الف. تدلیس ۲۶۴
- ب. کلاهبرداری ۲۶۵
- ج. کتمان ۲۶۷
- ۳-۲-۵. محدودیت در افشاء حقایق ۲۷۰
- اول. خطرات اخلاقی ۲۷۱
- الف. ویژگی‌ها و نگرش‌های کنونی ۲۷۳
- ب. شرایط مالی کنونی ۲۷۴
- دوم. خطرات فیزیکی ۲۷۴
- الف. پیشینه‌ی تکافل ۲۷۶
- ب. موقعیت فعلی موضوع قرارداد ۲۷۷

ج. پیشنهادی پزشکی.....	۲۷۸
د. حقایق دیگری که در بیمه نامه اهمیت دارند.....	۲۷۹
و. حقایقی که در بیمه نامه اهمیت ندارند.....	۲۸۰
۴-۲-۵. مدت افشاء.....	۲۸۰
۵-۲-۵. عواقب نقض نهایت حسن نیت در تکافل.....	۲۸۳
۶-۲-۵. نهایت حسن نیت.....	۲۸۴
اول. فعالیت‌های بیمه.....	۲۸۴
دوم. خطرات اخلاقی.....	۲۸۸
یک. محکومیت جنایی، تخلفات یا اتهامات کیفری.....	۲۸۸
دو. ملیت و ریشه‌ی ملی.....	۲۸۸
سه. تاریخچه‌ی بیمه.....	۲۸۹
چهار. موقعیت مالی.....	۲۹۰
پنج. ضررها و تقاضاهای پیشین.....	۲۹۰
شش. سابقه نقض تعهد نهایت حسن نیت.....	۲۹۰
هفت. وجود قراردادهای دیگری با همان موضوع.....	۲۹۱
دوم. خطر فیزیکی.....	۲۹۱
یک. محل سکونت.....	۲۹۲
دو. شغل و سرگرمی‌ها.....	۲۹۲
سه. عادات متعادل.....	۲۹۲
چهار. پیشنهادی پزشکی.....	۲۹۲
پنج. هدف استفاده از موضوع مربوطه.....	۲۹۳
شش. نوع، ماهیت و شرایط دارایی.....	۲۹۳
۳-۵. سایر حقایقی که مهم تلقی می‌شوند.....	۲۹۳
۱-۳-۵. حقایقی که نباید فاش شوند.....	۲۹۴
۲-۳-۵. مدت زمان افشاء.....	۲۹۵

۲۹۷.....	۵-۴. عواقب نقض حسن نیت
۲۹۷.....	۵-۵. نتیجه‌گیری
۲۹۸.....	۵-۶. جدول تطبیقی
۲۹۹.....	پی‌نوشت‌ها
۳۱۳.....	فصل ۶. عوامل قراردادی موثر بر بیمه و تکافل
۳۱۳.....	مقدمه
۳۱۴.....	۶-۱. تشریفات
۳۱۴.....	۶-۱-۱. فعالیت‌های تکافل
۳۱۵.....	اول. تقاضا (ایجاب)
۳۱۸.....	دوم. پذیرش (قبول)
۳۱۹.....	سوم. صدور بیمه نامه‌ی موقت
۳۲۱.....	۶-۱-۲. فعالیت‌های بیمه
۳۲۱.....	اول. درخواست
۳۲۲.....	دوم. پذیرش (قبول)
۳۲۳.....	سوم. صدور بیمه نامه‌ی موقت
۳۲۴.....	۶-۲. ضمانت اجرای قرارداد
۳۲۵.....	۶-۲-۱. فعالیت‌های تکافل
۳۲۵.....	اول. سهمیه
۳۳۶.....	دوم. غرامت
۳۴۱.....	سوم. موارد عدم ادعای خسارت
۳۴۳.....	۶-۲-۲. قراردادهای بیمه
۳۴۳.....	اول. حق بیمه
۳۴۵.....	دوم. غرامت
۳۴۷.....	سوم. موارد عدم ادعای خسارت (NCB)

۳۴۷.....	۶-۳. میزان خسارت
۳۴۷.....	۶-۳-۱. فعالیت‌های تکافل
۳۴۹.....	۶-۳-۲. فعالیت‌های بیمه
۳۵۳.....	۶-۴. نتیجه‌گیری
۳۵۵.....	۶-۵. جدول تطبیقی
۳۵۶.....	پی‌نوشت‌ها

فصل ۷. سازوکارهای عملی تکافل ۳۶۵

۳۶۵.....	مقدمه
۳۶۶.....	۷-۱. بررسی صنعت تکافل در مالزی
۳۶۷.....	۷-۱-۱. اصول تکافل
۳۶۸.....	۷-۱-۲. فعالیت‌های تکافل
۳۷۰.....	۷-۱-۳. دیدگاه‌های احتمالی در خصوص اصول نظری و عملی تکافل
۳۷۱.....	۷-۱-۴. اصول تکافل
۳۷۳.....	۷-۱-۵. فعالیت‌های تکافل
۳۷۵.....	۷-۲. توصیه‌ها
۳۷۶.....	۷-۲-۱. توصیه‌هایی در خصوص اصول تکافل
۳۷۸.....	۷-۲-۲. توصیه‌هایی در خصوص فعالیت‌های تکافل
۳۸۱.....	۷-۳. نتیجه‌گیری
۳۸۳.....	پی‌نوشت‌ها

فصل ۸. دیدگاه‌های نهایی ۳۸۷

۳۸۷.....	مقدمه
۳۸۸.....	۸-۱. خلاصه اصول نظری و عملی تکافل
۳۹۰.....	۸-۲. خلاصه اصول نظری و عملی بیمه

- ۸-۳ خلاصه تفاوت‌ها ۳۹۲
- ۸-۴ جدول تفاوت‌ها ۳۹۵
- ۸-۵ دیدگاه‌های تحلیلی ۳۹۷
- ۸-۵-۱ دیدگاه‌های کلی درباره شیوه‌های تکافل ۳۹۷
- ۸-۵-۲ دیدگاه‌های کلی درباره شیوه‌های بیمه ۴۰۱
- ۸-۶ پیشنهادات و توصیه‌های انجام پذیر ۴۰۵
- ۸-۶-۱ توصیه‌هایی برای گسترش کاربرد تکافل در حقیقت اقتصادی عصر حاضر ۴۰۵
- ۸-۶-۲ توصیه‌هایی برای گسترش توسعه کاربرد بیمه در حقیقت اقتصادی عصر حاضر ۴۱۰
- ۸-۷ پیشنهاد نهایی ۴۱۴
- پی‌نوشت‌ها ۴۱۵

تربیت اسلامی، مرجعیت علمی

«کاری کنید که دانشگاه امام صادق علیه السلام ... مرجع تحقیقات مراکز علمی و دانشگاه‌های دنیا بشود» مقام معظم رهبری^۱

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته است، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در عرصه نظر و عمل به انجام رساند. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد زیرا که علم بدون تزکیه پیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در ملاقات اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که «ربع قرن» تجربه شده و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران این نهاد است که امید می‌رود بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند، درک کاستی‌ها و اصلاح آنها زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق را نیز فراهم خواهد کرد.

در این راستا، اثر حاضر از مجموعه مطالعاتی «مالی اسلامی» تقدیم جامعه علمی کشور می‌شود. لازم به ذکر است که سیاست «موضوع محور نمودن» پژوهش‌های دانشگاه طی سه سال گذشته آثار و نتایج مبارکی در پی داشته که از آن جمله می‌توان به غنای موضوعی پژوهش‌های دانشگاه اشاره داشت. در قالب این سیاست، موضوعات با اولویت نخست شناسایی و از منظرهای مختلف علمی به بحث گذارده می‌شوند که «مالی اسلامی» به دلیل کمبود متون تخصصی، نیاز فزاینده جامعه علمی و بویژه عملیاتی کشور، از جمله آنها می‌باشد.

ناشر بسیار خرسند است که اثری که از این مجموعه را در دستور نشر دارد و امیدوار است که بسته مطالعاتی ارایه شده که از حیث تعداد و محتوا در سطح کشور بی‌نظیر است، به همت سایر پژوهشگران تقویت شده و رشد مطالعات مالی اسلامی را در آینده نزدیک شاهد باشیم.

معاونت پژوهشی

پیشگفتار

جهان پیشرفته تجارت و سرمایه‌گذاری امروز، شاهد ایجاد زیرساختی قابل قبول برای فعالیت‌های مربوط به تکافل (بیمه اسلامی) براساس اصول شریعت و به موازات فعالیت‌های بیمه‌ای بر محور اصول مدرن بوده است. به رغم پیشرفت سریع اقتصاد اسلامی، تلاش برای ایجاد قوانین بیمه اسلامی همچنان در حاشیه مانده است. بدون ایجاد و گسترش چارچوبی نظام دهنده، توسعه صرف فعالیت‌های تکافلی براساس اصول شریعت ممکن است منجر به مشکلات بسیاری شود. بنابراین، در آخرین ویراست کتاب حاضر تلاش شده است تا از طریق بررسی تطبیقی راه حل قانونی و شریعت محوری ارائه گردد که همزمان دربرگیرنده تکافل و فعالیت‌های بیمه‌ای مدرن نیز باشد.

کتاب حاضر دارای هشت فصل است. در فصل اول به شیوه‌ای تطبیقی و با مقایسه اصول قوانین عرفی و تفکر قانونی اسلامی به بررسی خاستگاه و چگونگی گسترش مفهوم تکافل و بیمه خواهیم پرداخت. به نظر می‌رسد که براساس قوانین عرفی هیچ مباحثه‌ای در خصوص اعتبار فعالیت‌های بیمه‌ای وجود ندارد، اما با پیاده کردن قوانین اسلامی، اعتبار فعالیت‌های تکافلی از لحاظ مفهومی و بنیادی مورد سوال قرار گرفته است. در این فصل پس از روشن ساختن خاستگاه و چگونگی گسترش (مفهوم) تکافل و بیمه، با دیدگاهی تحلیلی - تطبیقی به بیان توجیه شریعت در این خصوص خواهیم پرداخت. در فصل دوم اندیشه اصلی و اصول کلی تکافل و بیمه براساس دیدگاهی تطبیقی، و با

مقایسه اصول قوانین عرفی و تفکر شریعت محور، مورد بررسی قرار می‌گیرد. منابع قانونی تأثیرگذار بر تکافل و بیمه نیز از موضوعات مورد بحث این فصل است. در فصل سوم ابتدا به مساله/اختلاف (اختلاف آراء دانشمندان مسلمان درباره اعتبار بیمه) می‌پردازیم، سپس با دلایل مستدل به بیان توجیه منطقی تکافل و امکان پذیرش آن در محیط تجاری اسلامی فعلی، به عنوان جایگزینی برای شیوه اتخاذ شده فعلی پرداخته‌ایم؛ چرا که شیوه‌ی اخیر بر محور نظام عرفی حرکت می‌کند. سپس در فصل چهارم به بیان تحلیلی تطبیقی از عوامل خارجی مؤثر بر اصول و سیاست‌های تکافل و بیمه می‌پردازیم. نقش و کارکرد واسطه‌های بیمه‌ای و تأثیر انتصاب و جایگاه بهره‌وران نیز از موضوعات مورد بحث این فصل است. در فصل پنجم به ارائه بررسی تطبیقی عناصر ضروری (سود قابل تضمین و ایمان والا) تکافل و بیمه و نیز الگویی مطابق با شریعت و قابل کاربرد در حقیقت دنیای امروز می‌پردازیم. در فصل ششم به بیان نظریه‌ای کاربردی در مورد اسلوب مندی‌های مؤثر بر تکافل و بیمه و نیز بررسی موضوعاتی نظیر پیشنهاد و پذیرش، صدور بیمه نامه موقت، پرداخت حق بیمه، و سود بدون ادعا می‌پردازیم. در فصل هفتم به بررسی کارکرد عملی تکافل در دنیای امروز می‌پردازیم. در فصل هشتم با ارائه توصیه‌هایی آینده‌نگرانه به بیان خلاصه‌ای از اصول و مباحث مطرح شده در کتاب حاضر پرداخته‌ایم، باشد که در آینده شاهد گسترش حضور صنعت تکافل در عرصه بین‌المللی باشیم.

مهد معصوم بالله

JCCI، جده

۱۵ جمادی الآخر ۱۴۲۸

(۳۰ ژوئن ۲۰۰۷)

سپاسگزاری

تشویق و همکاری اشخاص بسیاری در تسهیل فرآیند آماده سازی کتاب حاضر موثر بود، و من در اینجا امتنان خود را از کمک‌های انکارناپذیر آنها ابراز می‌دارم. سپاسمند دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی هستم، چراکه نظام آموزشی پویا، راهنمایی، روش‌های آموزش و حمایت مالی سخاوتمندانه این دانشگاه موجب شد که بتوانم به آرزوی صادقانه خود برای تکمیل این کتاب جامه عمل بپوشانم.

می‌خواهم تشکر صمیمانه خود را نسبت به دکتر عبدالحمید احمد ابو سلیمان، رئیس سابق دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی ابراز دارم، چرا که راهنمایی‌های بی‌نظیر وی افراد بسیاری را قادر به برخورداری از دانش گسترده، موفقیت‌های علمی، و پویایی اندیشه در زمینه تفکر به جهان پیشرفته امروز در پرتو دانش الهی، ساخته است.

ابتدا و بیش از هر فرد دیگری سپاس خود را نسبت به پرفسور امریتوس تان سری داتوک احمد ابراهیم، پرفسور و دکتر احمد سبری سلیمان، و پرفسور وینسنت پاول اسمیت به دلیل راهنمایی‌های بسیار ارزشمند و نظارت دقیق ایشان، ابراز می‌دارم. و به واقع مدیون آنها هستم. صمیمانه‌ترین تشکرات خود را نسبت به مدرس‌ها و اساتیدم ابراز می‌دارم، چرا که با راهنمایی پویا، انگیزه بخشی و آموزه‌های خویش امکان بهره‌مندی از دانش ارزشمندی را برای من فراهم ساختند. رحمت خداوند بر آنان باد. شادمانم که تشکر صمیمانه خود را نسبت به آقای احمد اعظم شریف (مدرس قانون، UKM) ابراز

می‌دارم، چرا که همکاری محبت آمیز وی در تکمیل موفقیت آمیز اثر حاضر را به نحوی انکار ناپذیر می‌ستایم.

از موسسات مختلفی که در این زمینه با من همکاری داشتند نیز سپاسگزارم. از میان این موسسات می‌توان کتابخانه IIUM، بنیاد اسلامی بریتانیا، دانشگاه کبانگسان مالزی، دانشگاه مالایا، بانک نگارای مالزی، Bhd تکافل سیاریکات مالزی، بانک اسلام، شرکت بیمه پرودنشال، و شرکت بیمه گریت ایسترن لایف را نام برد؛ همکاری این موسسات در پیشرفت و موفقیت تحقیق حاضر بسیار موثر بود. به علاوه، خود را مرهون دوستان و همکارانی می‌دانم که به مدد انگیزه بخشی، صلاحدید و همکاری عملی آنها موفق به اتمام تحقیق مرتبط با کتاب حاضر شدم.

سرانجام، و نه کمتر از دیگران، تشکر خاص خود را نسبت به همسر، دکتر خمسیه، و فرزندان دوست داشتینمان، احمد معز، احمد مانیف و اختارون نبا، که با ایمان، حمایت، تشویق، و صبر بی پایان خود به من امکان اتمام این تحقیق را دادند، ابراز می‌دارم.

مهد معصوم بالله

۳۰ ژوئن ۲۰۰۷

درباره نویسنده

دکتر مهد معصوم بالله، متولد ۱۹۶۸، متخصص امور مالی اسلامی کاربردی و دارای شهرت جهانی است. وی در حال حاضر دارای سمت رییس تعاونی تجارت و سرمایه گذاری جهانی کشورهای عضو OIC در اطاق صنعت و تجارت اسلامی (ICCI) در جده است. معصوم بالله، بنیان‌گذار مرکز بین المللی امور مالی اسلامی کاربردی، مؤلف وبگاه <http://www.applied-islamicfinance.com> و نیز بیش از ۲۵ کتاب و ۱۰۰ مقاله در حوزه‌های اصلی بانکداری، امور مالی، تجارت، بازرگانی و تجارت الکترونیک اسلامی و تطبیقی است.

معصوم بالله شخصیت حقوقی و مشاور مالی اسلامی در نقاط مختلف جهان و در مواردی شامل پیروی از شریعت، امور مالی اسلامی کاربردی، نوآوری در زمینه فرآورده‌های مالی اسلامی، تکافل، تکافل مجدد، بازار سرمایه اسلامی، اوراق قرضه، بازار پول اسلامی، معاملات مشارکتی و تجارت الکترونیکی اسلامی، است. وی همچنین رئیس کل، رئیس، مدیر، عضو هیئت مدیره، مشاور، دستیار استاد و عضو موسسات، ان جی اوها، و گروه‌های حرفه ای مختلف در سطح بین المللی، منطقه ای و بومی است.

آدرس الکترونیکی نویسنده: Masum2001@yahoo.com

واژه نامه

عهد: پیمان

عمل: کار، خدمت

عقد: قرارداد

عاقلة: اقوام پدری که خونبها را می پردازند. قانون عاقلة در عصر جاهلیت در میان قبایل عرب بدوی رایج بود: توافق ضمنی دو جانبه ای میان قبایل که براساس آن اگر عضوی از یک قبیله در مورد عضوی از قبیله دیگر مرتکب قتل غیر عمد می شد، اقوام پدری قاتل مسئولیت پرداخت متقابل مالی را، به عنوان خونبها و از سوی قاتل، به خانواده قربانی بر عهده می گرفتند. این قانون بعدها توسط پیامبر اسلام و در یکی از قضاوت های وی درباره زنی از قبیله هذیل به رسمیت شناخته شد. عاقلة قانونی مبنایی است که شیوه های بیمه اسلامی عصر حاضر بر پایه آن شکل گرفته است.

علم: دانش

عواد: وجه التزام، خسارت عدم انجام تعهد

علما: دانشمندان

عمر: سن و سال

عرف: روال، رسم، شیوه معمول

احکام: جمع حکم، به معنای قوانین، تبصره‌ها و مقررات

امانت: سپرده، هرچیز به امانت گذاشته شده

انصار: یاران؛ مردم مدینه که پیامبر اسلام (ﷺ) و همراهان وی را که از مکه و شهرهای

دیگر به مدینه مهاجرت کرده بودند، با آغوش باز پذیرفتند.

اصل: منشا، خاستگاه

بدر: مکانی ساحلی واقع در ۱۵۳ کیلومتری جنوب مدینه. در سال دوم هجرت، اولین نبرد

میان مسلمانان و کفار در آنجا در گرفت.

بیت المال: صندوق دولت

بالغ: فردی که به سن بلوغ رسیده است.

بنی: قبیله یا طایفه

باطل: فاقد ارزش قانونی، بی اعتبار، الغا شدگی

بیع: معامله، فروش

بینه: مدرک، دلیلی

دعوی: ادعا

ضاللت: انحراف، گمراهی

دلیل: قدرت اجرایی

ضمان: تعهد جبران ضرر، مسئولیت، ضمانت، تضمین

دوا: دارو

دین: بدهی، تعهد

ضرورت: لزوم

ذوی الارحام: رابطه وابستگی از طریق زن، واژه‌ی مورد استفاده در قانون ارث به معنای

گروه یا شخص خاصی که سهم الارث دارد.

ذوالفراید: شخص خاصی که سهم الارث وی در قرآن کریم مشخص شده است.

ذمه: مسئولیت، تعهد

ذمی: غیر مسلمانی که تحت حمایت حاکم مسلمان زندگی کند.

دین: مذهب

دینار: واحد پول اسلامی

درهم: واحد پول اسلامی

دیوان: بخش مالی جوامع مسلمان اولیه

دیه: خونبها، غرامت پولی در برابر کشتن انسان دیگر به ناحق.

فضل: مازاد، اضافه، باقیمانده

فضیه: اضافی

فلاح: موفقیت، پیروزی

فلس: پول رایج

فقیه: کارشناس قضایی/حقوقی

فقیر: نیازمند

فقر: بینوایی، ناداری

فرا: مورد قانونی فردی، متمایز شده از منابع اصلی

فراید: ارثیه

فرض: الزامی، اجباری

فاسد: بی اعتبار، بدون ارزش قانونی

فتوا: نظر کارشناس حقوقی، تصمیم حقوقی

فدیه: غرامت، خسارت

فقه: دانش شریعت، یعنی قانون اسلامی

فقه‌ا: کارشناسان قضایی

غیر مملوک: چیز بدون مالکی که هیچ مالکیتی در مورد آن ادعا نشده است، چیزی که

متعلق به هیچ کس نیست.

غنی: ثروتمند

غنیمت: چیزهایی که به آسانی به دست آمده است.

گرام: خسارت، ضرر

غریم: ورشکسته

قرار: عدم قطعیت/ بی ثباتی. بر اساس قوانین اسلامی معامله‌ای که عنصر قرار در آن وجود داشته باشد باطل است.

حبل الحبل: نوعی فروش غیرقطعی که پیش از اسلام و در زمان جاهلیت رواج داشت.
حدیث: سنت پیامبر اسلام (ﷺ)

حج: زیارت اجباری

حلال: مجاز، مشروع

حق: آنچه درست است.

حرام: غیر مشروع، غیر مجاز

حواله: سند انتقال، انتقال

هبه: هدیه

هجرت: مهاجرت

حسبه: نهاد بازرس ویژه

حدود: جمع حد، به معنای مجازات تعیین شده برای بعضی از جرائم خاص در قانون الهی.

حجت: دلیل، شاهد

حکم: دستور، فرمان

هذیل: نام قبیله‌ای در زمان اعراب دیرین.

جایز: مجاز از نظر قانونی

جهنم: دوزخ

جنین: زهسان (جنین انسان از هفته هشتم تا زایمان)

جهاد: مبارزه در راه خدا.

جزیه: نوعی مالیات که پرداخت آن بر غیر مسلمانان ساکن در یک کشور مسلمان واجب است.

جمهور: اکثریت کارشناسان حقوقی

جنون: دیوانگی، عدم صلاحیت عقلانی (موقت یا دائم)

کفاره: خسارت، غرامت، توجیه

کافر: بی‌ایمان، بی‌دین

کاتب: منشی، دبیر

خیرات: بخشش، دهش

خمر: مشروب الکلی

خراج: مالیات سرزمین

خیار: گزینش، حق انتخاب، حق خرید یا فروش یا اجاره.

خطبه: سخنرانی مذهبی قبل از نماز جمعه، عید فطر و عید قربان.

کفالت: وثیقه، وجه الضمان، ضمانت

لنجه: کمیته، شورا

لازم: تعهد، ضروری، کاملاً اجباری

لعان: سوگند نهایی زن و شوهر هنگامی که شوهر همسرش را به خیانت متهم کرده و زن آن را انکار می‌کند.

مقیل: جوامع بیمه‌ای متقابل دوران پیش از اسلام که با هدف جمع‌آوری سرمایه‌ای متقابل به نام الکنزو، برای تضمین جبران خسارت یا آسیب تاسیس شده بود.

مذهب: مکتب حقوقی

محروم: مسکین

میسر: قمار کردن

مجنون: دیوانه، دارای عدم صلاحیت عقلی (موقت یا دائم)

مخلوق: آفریده

مکروه: نکوهیده، مردود

مال: ثروت، اموال، چیزها

مندوب: توصیه شده

مقاصد: هدف

مرض الموت: بیماری که ممکن است منجر به مرگ شود؛ زمین گیر

مرض: بیماری

مريض: بیمار

مصادر: منابع

مصالح المرسله: قانون منافع ملی / همگانی

مصلحت: کاروری منافع، که حفظ ایمان، حیات، اعقاب، اموال و ملیت لازمه آن است.

موت: مرگ

میراث: ما ترک

ملک: دارندگی

مسکین: مفلس، بی چیز، بسیار تهی دست

مثل: مشابه؛ جایگزین؛ تبدیل پذیر، معاوضه پذیر

معامله: داد و ستد تجاری

مباح: مجاز

مضره: آسیب، ضرر

مضاربه: شراکت متقابل که در آن حداقل دو گروه در معامله‌ای شریک می‌شوند؛ یک

گروه سرمایه را تامین می‌کند و گروه دیگر مهارت لازم در پیشبرد موفقیت آمیز

تجارت را. هر دو گروه در منافع، یا احیاناً ضرر حاصل شریک خواهند بود.

مضاربه نوعی راهبرد مالی است که در تمام موسسات مالی اسلامی و در تمام

فعالیت‌های تجاری دنیای امروز به کار می‌رود و در تقابل با راهبرد مالی ربا

(سود) محور قرار می‌گیرد.

منفعت: سود

مشارکت: انبازی

مشقت: سختی

مشرک: دارای آیین چند خدایی

نفقه: خرجی، معاش

نفس: خود، زندگی

نجش: پیشنهاد قیمت بالاتر برای چیزی بدون قصد خرید و با هدف صرف فریب دادن

خریدار واقعی. چنین شخصی ممکن است پیشاپیش با فروشنده توافق کند که

برای فریب دادن خریدار اصلی، قبل از وی قیمت بالاتری را پیشنهاد کند؛ در

چنین موردی هم فروشنده و هم خریدار ظاهری گناهکار هستند. فروشنده ممکن است به خریدار بگوید که قبلاً کالاها را به قیمت مشخصی، که در واقع از قیمت واقعی بالاتر است، خریداری کرده است. (صحیح البخاری، ترجمه انگلیسی، دکتر محمد محسن خان، جلد سوم، صفحه ۱۰)

نقد: پول، سکه

نص: متن، دلالت قطعی متن

نسب: خویشاوند، از تبار

نصیب: شانس

نسل: اعقاب

نکاح: ازدواج

نیت: قصد، منظور

نظام: نظم و ترتیب، انضباط

قبول: پذیرش

قضا: قضاوت، دادرسی، داوری

قدر: سرنوشت، قسمت

قانون: مقررات، اصول، قواعد

قرض الحسنه: وام بزرگمنشانه

قرض: وام

قریب: اخیر

قرن: صده

قاطع: مشخص، معلوم، بدون محتوای حدسی

قتل: آدمکشی

قول: گفتار، دیدگاه، سخن

قواعد الفقہیہ: قواعد حقوقی

قذف: اتهام نادرست در مورد ارتباط نامشروع جنسی

قبله: جهتی که مسلمانان هنگام نماز بدان رو می‌کنند.

قیراد: توافق

قصاص: جزا دادن، خونخواهی کردن

قیاس: همسانی، فراسنجی؛ استدلال قانونی

قرآن: کتاب مقدس نازل شده بر آخرین پیامبر محمد (ﷺ)، از جانب خداوند و به واسطه جبرئیل، به عنوان مجموعه‌ای کامل برای همه انسان‌ها.

قریش: سرشناس‌ترین قبیله در میان قبایل عربستان قدیم، که حضرت محمد (ﷺ) در آن زاده شد.

رب المال: تامین کننده سرمایه در راهبرد مالی مشارکت در سود و ضرر (مضاربه)

رکعت: واحد نماز

رسول: پیامبر

ربا: تنزیل پول، که در شریعت اسلام حرام است. بنابراین ربا به معنای دریافت مازاد ناحق یا غیر خسارت در تبادل مبالغ در معامله تبادلی با ارزش افزوده است، که در صورت عدم پرداخت به موقع بر وزن، میزان یا مبلغ افزوده می‌شود. امروزه بیشتر معاملات تجاری براساس اقتصاد متداول بر محور عناصر ربا استوارند.

رزق: معیشت، وسیله امرارمعاش؛ حداقل لازم برای ادامه حیات

رشد: سن اختیار، بلوغ ذهنی و جسمی، سن قانونی

سبب: علت، دلیل

صبی: نوزاد

صبر: شکیبایی

صدقه: نیکوکاری، نیکخواهی، خیرات

صدقه جاریه: نوعی نیکوکاری و خیرات

سفیه: مسرف، مبذر، ولخرج

صغیر: به سن قانونی نرسیده

صحیح: معتبر، درست، مورد قبول، معتبر و قانونی بودن

سجده: حالت سجود در هنگام نماز

سلام: عبارت پایانی نماز

سنه: سال

صرف: پولی، پول

سید: آقا، رهبر

شهادت: گواهی دادن

شهر: ماه

شرائط: شرایط، التزام

شرب: نوشیدن

شریعت: قانون اسلامی

شراکت: انبازی

شفا: معالجه، مداوا، درمان

سود ضره: استفاده از ابزارهای قانونی برای دستیابی به اهداف غیر قانونی

سیاست شریعه: اجرای عدالت

سلطان: حاکم، رئیس کشور

سنت: گفتار، رفتار و تأیید پیامبر اسلام (ﷺ)

سوره: واحد بزرگی از واحدهای قرآن کریم. قرآن کریم دارای ۱۱۴ سوره است.

طعام: غذا

تامین: بیمه

تبرع: اهدا، پیشکش، صدقه، خیرات

طبقه: مرحله

تفسیر: گزاره، ترجمان

تنقیح منات: تأیید ویژگی‌های پرونده‌ای به اثبات رسیده در مورد پرونده جدیدی که برای

دادرسی مجدد ارائه شده است.

تحریم: منع، بازداری

تکافل: مسئولیت متقابل، واژه معادل بیمه اسلامی

طلاق: جدایی زن و شوهر

تملیک: مالکیت

تقلید: پیروی از دید گاه دیگری بدون پرسش بیشتر

طریقت: راه، روش، شیوه

توکل: اتکا کردن، اعتماد و تکیه کردن

ثمن: ارزش، قیمت

ثواب: پاداش در جهان دیگر

تجارت: داد و ستد، بازرگانی

امت: ملت (اسلامی)

ودیعہ: وجه الضمان، وثیقه

واجب: تعهد، الزامی، اجباری

وکالت: نمایندگی

ولع: رابطه‌ای میان برده‌داری که برده‌اش را آزاد می‌کند و برده آزاد شده.

ولی: سرپرست، کفیل

وقف: صدقه، خیرات، اهدای مذهبی میراث منقول با سند

وسیلہ: واسطه، عامل

وصیت: خواستنامه

ید: دست

یمین: سوگند، قسم

ظہر: بدون ابهام

زکات: مالیات اجباری برای طبقات خاصی از افراد ثروتمند

زوج: همسر

ظلم: ستم، سرکوبی

جدول نظام‌نامه‌ها

شرکت تاجران انگلو- افریکن و بیلی
[۱۹۷۰] QB ۱ ۳۱۱.

هتل آسیا Sdn Bhd و شرکت بیمه مالزی
[۱۹۹۲] Sdn Bhd ۲ MLJ ۶۱۵.

شرکت بیمه آسیا با مسئولیت محدود و
شرکت بین المللی بیمه آمریکا با مسئولیت
محدود [۱۹۵۳] ۸۷ MLJ

شرکت تهیه فیلم آبری (ریچارد) و گراهام
[۱۹۶۰] ۲ گزارش لویدز ۱۰۱.

آرانگ زب و داود خان [۱۹۵۷] PLD
(پیشاور) ۸۵.

بهادون ابن حاجی حسن، متوفی، عطف به
[۱۹۷۴] ۱ MLJ ۱۴.

بالاچاندار پالانیسامی و شرکت توسعه
آسیایی Bhd [۱۹۹۵] ۲ CLJ ۷۸۳.

شرکت کفپوش‌های چوبی آکمه و مارتم
(۱۹۰۴) ۹۰ LT ۳۱۳؛ (۱۹۰۴) کمیسیون
۹ پرونده ۱۷۵.

احمد دمان حوری و کو چین یائو [۱۹۹۰]
۷۴۷ CLJ ۱.

الکورن و فاویل (۱۸۲۵) ۴۷ Ch (OS) LJ
۴.

شرکت آلیس چالمرز و شرکت پیماننداری
و امانت مری لند (۱۹۱۶) ۱۱۴ LT ۴۳۳.

Amanah Raya Bhd و Jerneh Bhd
Insurance, [۲۰۰۵] ۳ AMR ۹۳, CA.

امتول حبیب و مسرت پروین [۱۹۷۴]
PLD (SC) ۱۸۵.

کارتر و بوئم (۱۷۶۶) ۳ Burr ۱۹۰۵؛ ۹۷ ER ۱۱۶۲.

کستلین و پرستون و ارس (۱۸۸۳) ۱۱ QBD ۳۸۰.

کیث و عضو کمیسیون خدمات تمبر (۱۹۵۹) ۲۹ WN ۲۷۱ (NSW).

شرکت چاپ انگ تای و شرکت ملی بیمه مالزی Sdn Bhd [۱۹۷۷] ۱ MLJ ۱۶۱.

شرکت بین المللی حمل و نقل کانتینر و انجمن بیمه متقابل اوشنس (برمودا) با مسئولیت محدود (شماره ۱) [۱۹۸۴] ۱ گزارش لویدز ۴۷۶.

دماریر (جواهرات) با مسئولیت محدود و شرکت بیمه بسشن با مسئولیت محدود [۱۹۶۷] ۲ گزارش لویدز ۵۵۰.

الکاک و تامپسون [۱۹۴۹] ۲ KB ۷۵۵. شهرک انگلباخ، عطف به؛ لیبتز و انگلباخ [۱۹۲۴] ۲ CH ۳۴۸.

شرکت بیمه یورکا و رابینسون (۱۸۶۷) ۵۶ Pa ۲۶۴۶.

اورت و دسپورو (۱۸۲۹) ۵ Bing ۵۰۳. یوور و انجمن بیمه عمومی متقابل کارمندان با مسئولیت محدود [۱۹۳۷] ۲ ER ALL ۱۹۳.

فیتزهربرت و ماتر (۱۷۸۵) ۱ TR ۱۲. شرکت الوار فوک یوو شرکت بیمه پابلیک با مسئولیت محدود [۱۹۶۰] ۷۲ MLJ.

Banque Financier e de la cite SA و شرکت بیمه وست گیت با مسئولیت محدود [۱۹۸۰] (گزارش نشده).

Banque Keyser Ullman SA و شرکت بیمه اسکاندیا (انگلستان) با مسئولیت محدود و ارس [۱۹۸۷] ۱ گزارش لویدز ۶۹.

بیتز و هیویت (۱۸۶۷) ۲ LR QB ۵۹۵. بکر و مارشال (۱۹۲۲) ۱۱ L LI گزارش ۱۱۴.

برسفورد و شرکت بیمه رویال با مسئولیت محدود [۱۹۳۸] AC ۵۶۸.

بیگار و شرکت بیمه راک لایف [۱۹۰۲] ۱ KB ۵۱۶.

برهان الدین ابن حاجی جتیره و آنور و شرکت بین المللی بیمه آمریکا با مسئولیت محدود [۱۹۸۷] ۱ MLJ ۲۲.

مجمع پرداخت خسارت بردلی و اسکس و سوفولک، عطف به [۱۹۱۲] ۱ KB ۴۱۵. بریتون و شرکت بیمه رویال (۱۸۶۶) ۴ F و ۹۰۵ F.

باتلر مدن و کریشناسامی [۱۹۴۷] MULR ۱۶۳.

سی (کمتر از سن قانونی) و وایزمن [۱۹۸۲] ۱ WLR ۷۲.

کایر، عطف به [۱۹۷۲] SASR ۲۲۰.

کنینگ و فرقهوهر (۱۸۸۶) ۱۶ QBD ۷۲۷.

کنینگ و هوآر (۱۸۸۵) ۱ TLR ۵۲۶.

جوول و اتحادیه قانونی و شرکت بیمه
کرون [۱۹۰۸] ۲ KB ۸۶۳

کریم و حنیفا [۱۹۷۰] PLD (کراچی)
۶۱۳

کلینگ و شرکت بیمه پرل [۱۹۲۳] ۱۲۹
۵۷۳ LT

خالد پانجانگ و شاکی عمومی (شماره ۲)
[۱۹۶۴] ۱۰۸ MLJ

کولدپ سینگ و ۲ ارس و الف بکر ب
محمد [۱۹۹۶] ۲ CLJ در ۳۳۱

کومار و شرکت بیمه عمر هند [۱۹۷۴] ۱
گزارش لوید ۱۴۷

لای آ هنگ و آنور و شرکت بیمه چین با
مسئولیت محدود [۴۹-۱۹۴۸] MLJ
(Supp) ۸۵

لمبرت و انجمن بیمه مشارکتی با
مسئولیت محدود [۱۹۷۵] گزارش لوید
۴۸۵

لی بی سون و ارس و شرکت بیمه ملی
مالزی Sdn Bhd [۱۹۸۰] ۲ MLJ ۲۵۲

لی چنگ او و ارس و شرکت بیمه چین با
مسئولیت محدود [۱۹۶۲] ۲۹۷ MLJ

لیونگ کوم وای و بیمه Sdn Bhd QBE
[۲۰۰۶] ۶۶۸ AMR۱ CA

انجمن بیمه عمر اسکاتلند و فاستر
[۱۸۷۳] ۱۱ Ph Mac ۳۵۱

قیمومیت فرانک آستر و نظام خطوط
هوایی مالزی Bhd [۱۹۹۱] ۳ CLJ ۲۰۵۳

شرکت بیمه حوادث جنرال و کرانک
[۱۹۰۱] ۱۷ TLR ۲۳۳

گلیکزمین و لانکاشایر و شرکت بیمه
جنرال [۱۹۲۷] ۱۳۹ AC

گو چو لیونگ و شرکت بیمه عمر پابلیک
با مسئولیت محدود [۱۹۶۴] ۵ MLJ

گریفیتز و برملی - مور (۱۸۷۸) ۴ QBD
۷۰

هیلز و شرکت بیمه حوادث و آتش
سوزی ریلاینس با مسئولیت محدود
[۱۹۶۰] ۲ گزارش لویدز ۳۹۱

بانک رهنی دائمی هارتز آو اوک و اتحادیه
قانونی و شرکت بیمه راک با مسئولیت
محدود [۱۹۳۶] ۲ ALL ER ۶۱۹

هدایت الله و رحیمان AIR ۱۹۳۵ سند
۷۳

هندری و د کروز [۱۹۴۹] ۲۵ MLJ

هورن و پولند [۱۹۲۲] ۲ KB ۳۶۴

هوجنین و بیللی (۱۸۱۵) ۶ Taunt ۱۸۶

ایندرجیت سینگ و مظلان بن جسمان و
۲ ارس [۱۹۹۵] ۳ CLJ ۳۹۵

تراستهای بیمه نامه لوکیمیدز، عطف به
[۱۹۲۵] فصل ۴۰۳

اسماعیل بن رنته، متوفی، عطف به
[۱۹۴۰] ۹۸ MLJ

مک الوری و انجمن بیمه لندن (۱۸۹۷)
۲۴ R ۲۸۷.

مک نیلی و شرکت بیمه بنین با مسئولیت
محدود [۱۹۷۸] ۲ گزارش لوید ۱۸.
اتحادیه حمایت پزشکی با مسئولیت
محدود و وزارت بازرگانی [۱۹۷۹] ۲
۶۸۶ WLR.

میرزا اکبر و شاه ۶۷ LR IA ۳۳۶.
مهد افضل و خورشید بیگم [۱۹۷۵] PLD
(پیشاور) ۲۴.

محمد و سردار خاتون [۱۹۴۹] ۳۸ AIR
مقدر خان و بورماشل [۱۹۶۸] PLD
(کراچی) ۵۲۳.

مورٹیف و شرکت بیمه رویال (۱۹۲۲) ۱۰
L LI گزارش ۱۹۱؛ (۱۹۲۲) ۳۸ TLR
۳۳۴.

بیمه عمر مقابل نورت وسترن و جانسون
۱۵۵ Ed L ۶۵، ۴۷ CI ۴۱۵، ۹۶ US ۲۴۵
(۱۹۲۰)

بانک رهنی تعاونی دائمی ناتینگهام و
توستان [۱۹۰۳] ۶ AC.
نورمحمد خان و حبیب الله خان [۱۹۸۵]
ff ۱۶۹ ILJ.

نور محمد و سردار خاتون ۱۹۴۹ AIR
(سند) ۳۸.

اکانر و کربی و شرکا [۱۹۷۲] ۱ QB ۹۰.
شرکت بیمه Sdn Bhd Pacific & Orient
و خاطرولو [۱۹۹۲] ۱ MLJ ۲۴۹.

لیم پو چو و کامدن و کارشناس بهداشت
و سلامت ناحیه ایسلینگتون [۱۹۷۹] QB
۱۹۶؛ [۱۹۷۹] ۱ All ER ۳۳۲.

لینفورد و شرکت بیمه ایالتی اسب و
احشام (۱۸۶۴) ۳۴ Beav ۲۹۱.
شرکت لاکر اند وولف با مسئولیت محدود
و شرکت بیمه استرالیایی غربی با
مسئولیت محدود [۱۹۳۶] ۱ KB ۴۰۶.

لوکر و اتحادیه قانونی و شرکت بیمه راک
با مسئولیت محدود [۱۹۲۸] ۱ KB ۵۵۴.
لوسنا و کرافورد (۱۸۰۶) ۲ Bos & Pul
(NR) ۲۶۹.

ام اندرو و بل (۱۷۹۵) ۱ ESP ۳۷۳.
شرکت بیمه Sdn Bhd MBf و پنانگ
گاردن Sdn Bhd [۲۰۰۵] ۵ AMR ۵۶۱،
CA
مکی و انجمن بیمه اروپا (۱۸۶۹) ۲۱ LT
۱۰۲.

من بن میهات، متوفی، عطف به [۱۹۶۵] ۲
۱ MLJ.

منونمانی و شرکت بیمه عمر گریٹ
ایسترن با مسئولیت محدود [۱۹۹۱] ۱
۳۶۴ MLJ.

مای و انجمن بیمه عمر مقابل کولونیال
با مسئولیت محدود [۱۹۲۴] ۳۵ CLR ۱۴.
مازارول و بیمه یونایتد اورینتال Sdn Bhd
[۱۹۸۳] ۳۲۸ MLJ.

ریچی و بیمه سلویشن آرمی [۱۹۰۳] IAC
۳۱.

رابرتز و شرکت سکیوریتی [۱۸۹۷] QB ۱
۱۱۱.

رزلاج و کسل [۱۹۶۶] ۲ گزارش لوید
۱۱۳.

شرکت بیمه رویال اکسچنج و تاد (۱۹۸۲)
۸ TLR ۶۶۹.

گروه بیمه رویال و دیوید [۱۹۷۶] ۱
MLJ ۱۲۸.

رزائر و باون (۱۹۲۸) ۳۲ L LI گزارش
۹۸.

راست و شرکت بیمه عمر ابی [۱۹۷۹] ۲
گزارش لوید ۳۳۴.

اسکبمن متوفی، عطف به [۱۹۴۴] Ch ۸۳
اسکولمن وهال [۱۹۵۱] ۱ گزارش لوید
۱۳۹.

شفیع الله و غلام جبار [۱۹۵۵] PLD ۱۹۱.
سیتی و محمد نور (۱۹۲۸) ۶ FMSLR
۱۳۵.

سیتی رحمان و ماراپان [۱۹۸۹] ۱ CLJ
۲۵۲.

اسپرنبرگ و شرکت بیمه عمر ادینبو
[۱۹۱۲] KB ۱

اشتاینبرگ و اسکالا [۱۹۲۳] ۲ Ch ۴۵۲.

استیونسون و اسنو ۹۷ ER ۸۰۸

استاکتون و میسون [۱۹۷۸] ۲ گزارش
لوید ۴۳۰.

شرکت بیمه پان آتلانتیک با مسئولیت
محدود و آنور و شرکت بیمه پاین تاب
[۱۹۹۴] ۳ ER ALL ۵۸۱.

پانا وانا لچومانان چتیار و شرکت بیمه
عمومی ژوپتر با مسئولیت محدود
[۱۹۳۹] MLJ (گزارش) ۳۱.

پرینز و انجمن بیمه مسافران دریایی و
عمومی (۱۸۵۹) ۲ E و ۳۱۷ E (فصل
پیشین).

شرکت بیمه عمومی فونیکس یونان و
بیمه هالوانون با مسئولیت محدود [۱۹۸۶]
۲ گزارش لوید ۵۵۲.

پو سیو چیونگ و شرکت بیمه بین المللی
آمریکن با مسئولیت محدود [۲۰۰۶] ۱
AMR ۶۰۲, HC.

شرکت بیمه پرودنشال و IRC [۱۹۰۴] ۲
KB ۶۵۸.

شرکت ساختمانی پورتا پارادانا Sdn Bhd
و بیمه Bhd AMI و ۲ ارس [۲۰۰۵] ۲
AMR ۲۳۳, HC.

رجا خوشبخت رحمان و حوزه پنجاب
[۱۹۸۶] ILJ ۲۳۹.

راینر و پرستون (۱۸۸۱) ۱۸ D Ch ۱.

شرکت بیمه رفیوج با مسئولیت محدود و
کتلول [۱۹۰۹] AC ۲۴۳.

خز رجینا و بوزم [۱۹۵۷] ۲ گزارش لوید
۴۶۶.

رلومال و حضور بخش [۱۹۴۷] ILJ ۳.

یورک و شرکت بیمه یورکشایر [۱۹۱۸] ۱
۶۶۲ KB

استون، عطف به (۱۹۸۹) ۱ QDR ۳۵۱.
سورایزام بن آکودوری و مهد اسماعیل بن
عیسی و آنور [۱۹۹۶] ۲ CLJ ۳۹۱.
تان کانگ هوا و شرکت بیمه سیفتی با
مسئولیت محدود [۱۹۷۳] ۱ MLJ ۶.
تان تای و آنور و انجمن بیمه کانلون
(۱۸۷۹) ۱ Ky ۴۸۲.

تیت و پسران و هیسلاپ (۱۸۸۵) ۱۵
۳۶۸ QBD

تای هین سنگ و شرکت بیمه چین با
مسئولیت محدود [۱۹۵۳] ۳۸ MLJ.
ته سی چنگ و شرکت بیمه نورت بریتیش
و مرکنتایل با مسئولیت محدود (۱۹۲۱) ۲
۲۴۸ FMSLR.

بیمه دریایی تیمز و مرسی و شرکت
کشتیرانی گانفورد (۱۹۱۱) ۱۰۵ LT ۳۱۲؛
[۱۹۱۱] ۵۲۹ AC.

شرکت بیمه یونایتد مالیزن با مسئولیت
محدود و لی یون هنگ [۱۹۶۴] MLJ
۴۵۳.

شرکت بیمه وسترن آسترلین با مسئولیت
محدود و دیتون (۱۹۲۴) ۳۵ CLR ۳۵۵.
ویتول و شرکت بیمه حوادث و آتش
سوزی اتوکار با مسئولیت محدود (۱۹۲۷)
۲۷ LI L گزارش ۴۱۸.

بیمه ویلسون و اسکاتیش، عطف به
[۱۹۲۰] ۲ Ch ۲۸.

جدول قوانین

بند ۱۳۴	بند ۵ (۱)	مالزی
بند ۱۴۱	بند ۵ (۲)	قانون سن بلوغ ۱۹۷۱
بند ۱۷۵	بند ۹	بند ۲
بند ۱۷۶	بند ۱۰ (۱)	بند ۴ (C)
بند ۱۸۱	بند ۱۱	قانون مدنی ۱۹۵۶
قانون توزیع ۱۹۵۸	بند ۱۳	بند ۵
قانون بیمه ۱۹۹۶	بند ۱۴ (a)	بند ۵ (۱)
بند ۲	بند ۱۴ (b)	بند ۵ (۲)
بند ۹ (۱)	بند ۱۴ (c)	بند ۷
بند ۹ (۱) (a)	بند ۱۴ (d)	بند ۸
بند ۱۰ (۱)	بند ۱۴ (e)	بند ۱۲
بند ۱۴۱ (۱)	بند ۱۵	بند ۲۳
بند ۱۴۱ (۲)	بند ۱۷	بند ۲۳ (۱)
بند ۱۴۷ (۱)	بند ۱۸	بند ۲۵
بند ۱۴۷ (۲)	بند ۱۹	بخش ۷
بند ۱۴۷ (۴)	بند ۳۱ (۱)	قانون شرکت‌ها ۱۹۵۶
بند ۱۴۷ (۵)	بند ۷۵	قانون قراردادها ۱۹۵۰

بند ۵۴ (۱)	بند ۱۶۷ (۱)	بند ۱۵۰
بند ۶۴	بند ۱۶۷ (۲)	بند ۱۵۰ (۱)
قانون بیمه دریایی ۱۹۹۰	بند ۱۷۶ (۱)	بند ۱۵۰ (۲)
قانون کیفری	بند ۱۷۶ (۲)	بند ۱۵۰ (۳)
بند ۳۰۵	بند ۱۸۴	بند ۱۵۰ (۴)
بند ۳۰۶	بند ۱۸۴ (۱)	بند ۱۵۲ (۱)
بند ۳۰۷	بند ۱۸۵	بند ۱۵۲ (۲)
بند ۳۰۸	بند ۱۸۶	بند ۱۵۲ (۲) (c)
بند ۳۰۹	قانون تکافل ۱۹۸۴	بند ۱۵۳
قانون ترافیک جاده‌ای	بند ۲	بند ۱۵۳ (۱)
۱۹۵۸	بند ۴ (۱)	بند ۱۵۳ (۱) (a)
بند ۸۰	بند ۴ (۱) (a)	بند ۱۵۳ (۱) (b)
بند ۸۰ (۳)	بند ۴ (۱) (b)	بند ۱۵۳ (۲)
بند ۸۰ (۵)	بند ۴ (۲)	بند ۱۵۵
قانون حمل و نقل	بند ۴ (۲) (b)	بند ۱۵۵ (۱)
جاده‌ای ۱۹۸۷	بند ۵	بند ۱۵۵ (۲)
بند ۹۱ (۴)	بند ۸ (۴)	بند ۱۵۵ (۳)
بند ۹۶ (۵)	بند ۸ (۵)	بند ۱۶۰
استرالیا	بند ۸ (۵) (a)	بند ۱۶۰ (۱)
قانون بیمه ۱۹۷۳	بند ۸ (۵) (b)	بند ۱۶۰ (۲)
بند ۲۱	بند ۸ (۷)	بند ۱۶۳ (۳) (a)
قانون بیمه	بند ۱۱ (۱)	بند ۱۶۶
۱۹۴۵	بند ۱۱ (۱) (a)	بند ۱۶۶ (۱)
بند ۱۵	بند ۱۸ (۵)	بند ۱۶۶ (۱) (a)
بند ۸۵	بند ۲۶	بند ۱۶۶ (۱) (b)
بند ۸۵ (۱) (a)	بند ۲۸	بند ۱۶۶ (۲)
بند ۸۵ (۱) (b)	بند ۳۵	بند ۱۶۶ (۳)
	بند ۳۷	بند ۱۶۷

امارات متحده عربی	اصل ۱۵۱	بند ۱۱۴ (۱)
قانون مدنی امارات	اصل ۸۸ (۱)	بند ۱۲۰
متحده عربی	نیوزیلند	بحرین
اصل ۱۸۵	قانون شرط بندی و	قانون قرارداد ۱۹۶۹
پادشاهی انگلستان	بخت آزمایی ۱۹۷۷	اصل ۲۰ (۱)
قانون دسترسی به	بند ۱۲۸ (۲)	مصر
گزارش‌های پزشکی	پاکستان	قانون مدنی ۱۹۴۸
۱۹۸۸	قانون پیش نویس ۱۹۸۱	اصل ۱۲۵
بند ۲	بند ۹۴	قانون وصیت ۱۹۴۶
قانون اصلاح قانون	قانون شرکت‌های	بند ۱
خانواده ۱۹۶۹	مضاربه‌ای و تعهدنامه	هند
بند ۱۹ (۱)	مضاربه ۱۹۸۰	انجمن‌های تعاونی بمبئی
قانون خدمات مالی	فیلیپین	قانون ۱۹۷۲
۱۹۸۶	قانون بیمه‌گر ۱۹۷۸	بند ۲۷
بند ۱۳۲	بند ۶	قانون بیمه ۱۹۳۸
قانون انجمن‌های	سنگاپور	بند ۲ (۹) (a)
مددگر ۱۹۷۴	قانون واگذاری و اموال	بند ۳
بند ۶۰	۱۹۰۹	بند ۳۹
بند ۶۰ (۱)	بند ۷۳	بند ۳۹ (۱)
بند ۶۰ (۲)	قانون بیمه ۱۹۶۵	قانون اموال زنان متأهل
قانون شرط بندی ۱۷۱۰	بند ۵۷ (۲)	۱۸۷۴
بند ۱۸	قانون وسایل نقلیه	بند ۶
قانون شرط بندی ۱۸۴۵	موتوری (خطر شخص	یمن
بند ۱۸	ثالث و جبران خسارت)	قانون مدنی ۱۹۷۶
قانون پشتیبانی از صغیر	۱۹۸۵	اصل ۱۴۳
۱۸۷۴	بند ۴ (۵)	کویت
بند ۱	بند ۹ (۶)	قانون مدنی ۱۹۸۰

قانون وساطت (ثبت)	قانون بیمه دریایی	قانون اموال زنان متأهل
بیمه ۱۹۷۷	(سیاست‌های خطر	۱۸۸۲
بند ۱ (a)	کردن) ۱۹۰۹	بند ۱۱
بند ۱ (b)	بند ۱ (۱)	قانون روابط نژادی ۱۹۷۶
قانون شرکت‌های بیمه	بند ۱ (۲)	بند ۱ (۱)
۱۹۸۲	قانون بیمه دریایی ۱۹۰۶	بند ۳ (۱)
بند ۱	بند ۱ (۲)	بند ۲۰ (۲) (c)
بند ۱۴	بند ۴ (۱)	قانون توانبخشی
قانون تعبیر ۱۹۶۳	بند ۴ (۲)	متخلفان ۱۹۷۴
بند ۳	بند ۵ (۲)	بند ۱ (۴)
قانون بیمه عمر ۱۷۷۴	بند ۱۷	قانون ترافیک جاده‌ای
بند ۱	بند ۱۸ (۱)	۱۹۳۴
بند ۲	بند ۱۸ (۲)	بند ۱۰ (۵)
بند ۳	بند ۱۸ (۳)	قانون خودکشی ۱۹۶۱
قانون بیمه عمر ۱۷۷۴	بند ۱۸ (۳) (d)	بند ۱
بند ۱	بند ۱۹	ایالات متحده آمریکا
بند ۲	بند ۲۱	قانون حقوق مدنی
قانون لوید ۱۸۷۱	بند ۲۲	۱۹۶۴
	بند ۳۲	قانون بارداری ۱۹۷۸
	بند ۵۵	

مقدمه

مواجهه با انواع خطرهای پیش بینی نشده، پدیده‌ای طبیعی در هر جامعه است. چنین خطری ممکن است زندگی، اموال یا حتی کسب و کار فرد را مورد تهدید قرار دهد. چنین خطرهایی غالباً چنان بر زندگی قشر وسیعی از جامعه تاثیر می‌گذارد که موجب آسیب پذیری و درماندگی آنها می‌شود. بنابراین سوالی که در اینجا به وجود می‌آید این است که چگونه می‌توان به این افراد بداقبال کمک کرد. راه حل پیشنهادی استفاده از بیمه است. هدف اولیه بیمه، حفظ مسئولیت‌های مشترک میان طرفین از طریق همکاری دو جانبه و در نتیجه حمایت از افراد در برابر خطرهای پیش بینی نشده است.

از ابتدای تکوین ایده بیمه در ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد در بابل، و اجرای قرارداد/ رهن تعهد، هیچ مدرکی دال بر مخالفت با این دیدگاه یافت نشده است. در حقیقت، ایده و اصول بیمه در بسیاری از کشورها تدریجاً گسترش یافت.^۱

در قانون غیرمدون، فعالیت‌های بیمه‌ای به طور اصولی به رسمیت شناخته شد، و همین امر موجب گسترش سریع این حوزه در سال‌های اخیر شده است. چنین گسترش سریعی تا حدودی ناشی از رشد سریع نظام قانونی در زمینه تجارت و داد و ستد است. در حال حاضر نوشتارهای بسیار، سابقه و روال اتاق‌های قضایی، و تبصره‌های قانونی در قانون غیر مدون به مبحث بیمه پرداخته اند. این عوامل موجب شناخت بهتر بسیاری از موضوعات بیمه و کمک به پیشبرد تحقیقات گسترده‌تر در زمینه بیمه شده‌اند.

ایده بیمه در قوانین اسلامی در قانون العاقله که در میان قبایل عرب بدوی در سال‌های پیش از ۵۷۰ میلادی رواج داشت، ریشه دارد. پس از آن‌که پیامبر اسلام، حضرت محمد (ﷺ) این قانون را در یکی از قضاوت‌های خود درمورد زنی از قبیله هذیل تأیید کرد، العاقله در قوانین اسلامی به رسمیت شناخته شد.^۲ متأسفانه روند توسعه کاربرد بیمه اسلامی چندان رضایت بخش نبوده و همگام با دیگر وجوه قانون تجارت^۳ گسترش نیافته است.

علت اصلی چنین پیشرفت کندی در روند گسترش بیمه (هم به لحاظ اصول و هم به لحاظ کاربرد) را می‌توان در تفاوت دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان در مورد اعتبار فعالیت‌های بیمه‌ای یافت. علت این اختلاف عقیده، برداشت غلط حاکم بر ذهن بسیاری از دانشمندان مسلمان و مسلمانان^۴ در مورد مفهوم بیمه است. در نتیجه امروزه به دلیل اکراه بسیاری از دانشمندان مسلمان نسبت به پرداختن به تحقیقات گسترده با هدف تولید آثار مرتبط در این زمینه، شاهد گسترش بسیار کند بیمه اسلامی هستیم.

بی‌شک بیمه نقش مهمی در فعالیت‌های تجاری ایفا کرده و منجر به ثبات اقتصادی می‌شود. اما بیمه عادی دربرگیرنده عناصری مانند ربا، شرط انتصاب اجباری و غیره است، که در تناقض با دستورات الهی قرار دارد. اما از آنجا که هدف اولیه بیمه ایجاد مسئولیت مشترک میان طرفین براساس همکاری دو جانبه و به منظور حمایت از افراد در برابر خطرهای پیش‌بینی نشده است، می‌توان آن را با دستورات الهی توجیه کرد.^۵ بنابراین نمی‌توان تنها با درنظر گرفتن عناصر غیر شرعی موجود در فعالیت‌های بیمه‌ای متداول، نقش و اهمیت بیمه را در ایجاد امنیت اقتصادی برای افراد نادیده گرفت.

تأمین امنیت اجتماعی و اقتصادی امت مسلمان نیازمند الگوی بیمه‌ای جایگزینی (شاخه‌ای از سیاست بیمه‌ای متداول) است که مورد تأیید قرآن و سنت باشد. اساس الگوی بیمه اسلامی می‌تواند، علاوه بر اصول دیگر، اصول سرمایه‌گذاری مضاربه‌ای، و در نتیجه به موازات اصل اسلامی ارثیه باشد. شاید این پیشنهاد راه حل نهایی برای این اختلاف نظر/مشکل باشد؛ چراکه این نوع بیمه با آموزه‌های اسلام که در قرآن و سنت بیان شده است،^۶ همخوانی کامل دارد.

بنابراین، صمیمانه امید می‌رود که دانشمندان مسلمان از تأکید بر دیدگاه‌های خود درباره مسأله اعتبار بیمه که از بررسی صرف فعالیت‌های بیمه‌ای متداول ناشی می‌شود، دست بردارند. در عوض آنها باید در ایجاد الگویی جایگزین و فراگیر برای فعالیت‌های بیمه‌ای، که مورد تأیید اصول شریعت نیز باشد، بکوشند تا بدین ترتیب امت اسلامی امروز از امنیت اجتماعی- اقتصادی بیشتری در مقابل ریسک‌های پیش‌بینی نشده یا فجایع برخوردار شود.

کتاب حاضر بر سه فرضیه زیر استوار است:

(الف) تلاش برای مشخص ساختن اصول بیمه‌ای قانون غیرمدون، با هدف یافتن اصولی قابل جایگزینی و برگرفته از قواعد شریعت؛

(ب) بررسی اختلاف اصلی موجود میان اصول و شیوه‌های کاربردی دو سیستم حقوقی (قانون غیر مدون و قانون اسلامی) در موضوعات و مسائل بیمه؛ و

(پ) پیشنهاد الگویی اسلامی برای فعالیت‌های بیمه‌ای، که بر محور دستورات الهی استوار بوده و جایگزینی برای الگوی متعارف بیمه باشد. الگوی اسلامی بیمه در مقابل برداشت‌های نادرست موجود درباره اهمیت و اعتبار فعالیت‌های بیمه‌ای در دیدگاه شریعت، حافظ امت خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. از میان این کشورها می‌توان بابل، یونان، روم، ایتالیا و هند را نام برد.
۲. رجوع شود به صحیح البخاری، کتاب الديات (ترجمه انگلیسی)، ترجمه دکتر م. محسن خان، ترجمه معانی صحیح البخاری، (لاهور، پاکستان: انتشارات قاضی، ۱۹۷۹)، جلد ۹، شماره ۴۵، صفحه ۳۴.
۳. بانکداری، قراردادها و دیگر معاملات تجاری
۴. موضوع اختلاف دیدگاه‌ها و برداشت‌های نادرست از مسأله بیمه در فصل سوم مطرح شده است.
۵. رجوع شود به قرآن، سوره مائده، ۲: ۵.
۶. توجیه فعالیت‌های بیمه‌ای بر اساس شریعت اسلام در فصل سوم به تفصیل شرح داده شده است.



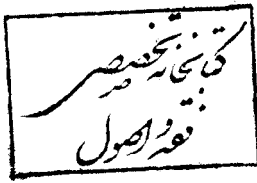
خاستگاه‌ها و چگونگی پیدایش تکافل و بیمه

۱-۱. خاستگاه و چگونگی پیدایش تکافل

اگرچه بیان زمان دقیق و قطعی آغاز فعالیت‌های بیمه‌ای در تاریخ اسلام مشخص نیست، اما براساس ماهیت قراردادهای بیمه امروزی می‌توان چنین استنباط کرد که فعالیت‌های بیمه‌ای از پیش از ظهور پیامبر اسلام (ﷺ)^۱ در عربستان شناخته شده و از آن زمان تا آغاز قرن نوزدهم میلادی تدریجاً توسعه یافته‌اند. در این زمان وکیلی حنفی به نام ابن عابدین (۱۷۸۴-۱۸۳۶) اولین دانشمند مسلمانی بود که به بررسی معنا، مفهوم و مبنای قانونی قرارداد بیمه پرداخت.^۲ امروزه شاهد تأسیس و فعالیت شرکت‌های بیمه‌ی اسلامی متعددی در کشورهای مسلمان و غیرمسلمان هستیم. فرآیند رشد و توسعه بیمه اسلامی را می‌توان به شش مرحله زیر طبقه‌بندی کرد:

۱-۲. اصل العاقله به عنوان ستنی قبیله‌ای

در میان قبایل عرب بدوی رسم چنین بود که اگر عضوی از یک قبیله عضوی از قبیله دیگر را به قتل می‌رساند، خویشان نزدیک وی موظف بودند خونبهای نقدی به عنوان



تاوان به وارث یا وارثان وی پرداختند. خویشان نزدیک قاتل، یا عاقله^۳، باید از جانب قاتل خونبهای مقتول^۴ را پرداخت می‌کردند.

بنابریدگاه دکتر محمد محسن خان کلمه عاقله به معنای "عصبه"، یعنی اقوام پدری قاتل است.^۵ بنابراین ایده اصلی عاقله چنین بود که قبایل عرب بدوی باید برای پرداخت تاوان مالی برای جبران فقدان وارد بر وارث یا وارثان قربانی، واز سوی قاتل همواره آمادگی می‌داشتند.^۶ آمادگی برای پرداخت تاوان مالی مانند حق بیمه‌ای است که امروزه در فعالیت‌های بیمه‌ای پرداخت می‌شود، تاوان پرداخت شده بر اساس اصل العاقله را می‌توان به اصل تضمین پرداخت خسارت در فعالیت‌های بیمه‌ای امروز تشبیه کرد، چرا که مورد اخیر نوعی حمایت مالی از وارث یا وارثان در برابر مرگ غیرمنتظره قربانی است.

۱-۲-۱. شیوه پیامبر اسلام (ﷺ)

گسترش فعالیت‌های بیمه‌ای در زمان پیامبر اسلام (ﷺ) ناشی از دو موقعیت (منبع) زیر بود:

۱. پذیرش شیوه‌های عاقله متداول در میان اعراب بدوی.^۷

پیامبر اسلام مفهوم العاقله را در حکمی که در مورد اختلاف میان دو زن از قبیله‌ی هذیل صادر نمود، به رسمیت شناخت.^۹

ابوهریره چنین روایت می‌کند: دو زن از قبیله هذیل با هم اختلاف پیدا کردند، یکی از زنان سنگی به سوی دیگری پرتاب نمود که موجب مرگ وی و جنینی که در رحم او بود شد. وارثان قربانی در محضر پیامبر اسلام (ﷺ) اقامه دعوی کردند؛ پیامبر اسلام (ﷺ) چنین حکم داد که تاوان نوزادکشی آزاد ساختن یک برده زن یا مرد و تاوان کشتن زن پرداخت خونبها (دیه) است که باید توسط عاقله (اقوام پدری) متهم پرداخت شود.^{۱۰}

۲. مواد پیش بینی شده موجود در اولین قانون غیرمدون مدینه در ۶۲۲ پس از میلاد.

اولین قانون غیرمدون در جهان اسلام، توسط رسول اکرم (ﷺ) و بلافاصله پس از ورود وی به مدینه در سال ۶۲۲ پس از میلاد، تنظیم شد. مخاطب این قانون مردم مدینه یعنی مهاجرین، انصار، یهودیان و مسیحیان بودند. قانون مذکور سرآغاز و مشتمل بر نوعی بیمه اجتماعی بود که اشکال زیر^{۱۱} را شامل می‌شد:

■ اعمال (اصل) دیه:

دیه یا خونبها توسط عاقلة (اقوام نزدیک قاتل) به وارثان متوفی (قربانی) پرداخت می‌شد تا بدین ترتیب قاتل از بار قانونی نجات یابد.^{۱۲} بند سوم قانون غیرمدون مدینه چنین می‌گوید:^{۱۳}

«مهاجران قریش مسئول گفته‌های خود بوده و موظفند خون‌بهای خود را به صورت مشارکتی بپردازند.»^{۱۴}

بنو عوف، بنو حارث و دیگر قبایل ساکن مدینه نیز براساس اصل العاقلة‌ی به رسمیت شناخته شده در قانون غیرمدون، موظف به پرداخت خونبها بودند.

■ پرداخت فدیة (سربها):

در قانون غیرمدون اول، پیامبر اسلام (ﷺ) ماده‌ای را نیز در مورد نجات زندگی زندانیان تصویب نمود، براساس این ماده در صورتی که شخصی در جنگ اسیر دشمن می‌شد، عاقلة‌ی وی باید با پرداخت سربهایی به دشمن، وی را آزاد می‌کردند.^{۱۵} الزام پرداخت چنین مبلغی، شکل دیگری از بیمه اجتماعی بود. براساس قانون غیرمدون مدینه: مهاجران قریش باید مسئولیت آزاد سازی زندانیان از طریق پرداخت سربهای آنها را بر عهده گیرند، تا مشارکت متقابل میان رهروان راه خدا بر اساس اصل خلوص نیت و عدالت استوار باشد.^{۱۶}

این قاعده درباره قبیله‌های دیگر نظیر بنو حارث، بنو نجار، بنو جوشم و دیگر قبایل ساکن در مدینه در آن زمان نیز لازم الاجرا بود.^{۱۷}

■ دیگر اشکال موجود بیمه اجتماعی در اولین قانون غیرمدون:

براساس بندهای ۴-۲۰ الف قانون مدینه، جامعه موظف است طرح تجاری مشترکی را بر مبنای تفاهم متقابل برای تامین نیازهای ضروری نیازمندان، بیماران و فقرا و کمک به آنان بنیان نهد.^{۱۸}

۲-۲-۱. شیوه اصحاب پیامبر اسلام (ﷺ)

در دوران خلیفه دوم شاهد گسترش بیشتر معاملات بیمه محور هستیم. در دوران وی، حکومت مردم را به کاربرد هرچه بیشتر اصل العاقله تشویق می کرد. بنا به دستور وی در نواحی مختلف کشور دیوان مجاهدین تاسیس شد؛ افرادی که نامشان در دیوان ثبت شده بود موظف بودند که در صورت انجام قتل توسط هر یک از افراد هم قبیله شان، در پرداخت خونبهای قربانی مشارکت کنند.^{۱۹}

بدین ترتیب کاربرد اصل العاقله و بعضی از عناصر شیوه های بیمه ای متداول، در دوران خلافت وی گسترش یافت.

۳-۲-۱. توسعه طی قرن چهاردهم تا هفدهم میلادی

در فاصله قرن چهاردهم تا هفدهم میلادی، فرقه ای از صوفیان به نام کازرونیه در شهرهای بندری مالابار (نزدیک ساحل هند) و چین فعالیت داشتند. این فرقه فعالیتی مشابه شرکت های بیمه ای سفرهای دریایی داشت. فرقه مذکور وابسته به مزار ابواسحاق ابراهیم ابن شهریه (۹۶۳-۱۰۳۵ پس از میلاد) بود که فیض و برکتش محافظی در برابر خطرات سفرهای دریایی محسوب می شد.^{۲۰}

تاجر، پیش از آغاز سفر دریایی به چین یا مالابار سندی را امضا می کرد و طی آن مقدار یا مبلغی را که در صورت به پایان بردن سفر به سلامت به فرقه مذکور می پرداخت، تعیین می نمود. پس از ورود کشتی به بندر، نماینده ای از سوی فرقه به عرشه رفته و مبالغ مشخص شده در سند را از تمام مسافران دریافت می کرد.^{۲۱} اما در صورت دیرکرد در پرداخت مقدار توافق شده، خسارات وارده بر تاجر هیچ خطر مالی را متوجه فرقه مذکور

نمی‌کرد، مگر آن‌که خود فرقه در کشتی‌ها سهم بود یا اعضای آن کشتی را طی سفر دریایی به روش‌های دیگری هم محافظت کرده بودند.^{۲۲}

فرقه کازرونیه تنها تا آغاز قرن هفدهم به حیات مؤثر خود ادامه داد؛ در این زمان به دلیل افول روح برکت ابواسحاق، فرقه مذکور از بین رفت.^{۲۳} چنین افولی را می‌توان ناشی از این حقیقت نیز دانست که در آغاز قرن هفدهم شرکت‌های بیمه اروپایی متعددی در سواحل اقیانوس هند تأسیس شده بودند که جایگزین‌های حمایتی جذابتری را برای مقابله با چنین خطراتی ارائه می‌دادند.^{۲۴}

۴-۲-۱. توسعه در قرن نوزدهم

در قرن نوزدهم، وکیلی حنفی به نام ابن عابدین (۱۷۸۴-۱۸۳۶) به بحث و بررسی در مورد ایده بیمه و مبنای قانونی آن پرداخت.^{۲۵} او اولین کسی بود که بیمه را به عنوان نهادی قانونی و نه روالی مرسوم، مورد بررسی قرار داد.^{۲۶}

دیدگاه‌های ابن عابدین موجب آگاهی و هشجاری بسیاری از مسلمانانی شد که پیش از آن قانونی بودن فعالیت‌های بیمه‌ای را زیر سوال می‌بردند. بنابراین دیدگاه‌های وی مسلمانان دیگر را بر آن داشت تا ایده مشارکت در صنعت بیمه را بپذیرند. کلینگمولر می‌گوید: «پس از این واقعه، مسلمانان نه تنها از طریق خرید شرکت‌های خارجی، بلکه از طریق تأسیس شرکت‌های بیمه به نام خود و تبدیل شدن به بیمه‌گران مستقل، پای در عرصه فعالیت‌های بیمه‌ای گذاشتند.»^{۲۷}

۵-۲-۱. توسعه در قرن بیستم

در قرن بیستم، کارشناس قضایی مسلمان سرشناسی به نام محمد عبده در فاصله سال‌های ۱۹۰۰-۱۹۰۱ با صدور دو فتوا به فعالیت‌های بیمه‌ای مشروعیت بخشید.^{۲۸} وی در فتوای خود با استفاده از منابع مخالف، علت تأیید و موافقت با بیمه عمر را بیان داشت. در یکی از فتواها، رابطه میان بیمه‌گذار و گروه بیمه‌گر به صورت نوعی قرارداد مضاربه تعریف شده است. فتوای دیگر معامله‌های مشابه با اعطای بیمه عمر را مشروعیت می‌بخشد.^{۲۹}

در قرن بیستم شاهد توسعه تدریجی فعالیت‌های بیمه‌ای شریعت محور در کشورهای اسلامی و غیراسلامی بوده‌ایم. توسعه‌های مذکور نسبتاً رضایت بخش است، اگرچه هنوز حوزه‌هایی نیز وجود دارد که گسترش آنها لازمه برآوردن نیازها و ضرورت‌های جامعه امروز است. با کمال تأسف این نکته را نیز باید خاطر نشان کرد که هنوز علمایی وجود دارند که به مخالفت با فعالیت‌های بیمه، خصوصاً مسأله بیمه عمر می‌پردازند، بدون آن‌که در این زمینه جایگزینی برای امت مسلمان ارائه دهند. این حقیقت را نمی‌توان انکار کرد که در فعالیت‌های بیمه‌ای متداول امروز عناصری وجود دارد که مورد تأیید شریعت نیست، اما وجود این عناصر به این معنا نیست که تمام فعالیت‌های بیمه‌ای کاملاً غیر شرعی، و در نتیجه غیر قانونی هستند.

فعالیت‌های بیمه‌ای متداول نمودهایی دارد که کاربرد آنها به دلیل در برداشتن عناصر مخالف شریعت، در کشورهای اسلامی و در میان مسلمانان امکان پذیر نیست؛ اما دانشمندان مسلمان موظفند با به کار گیری قوه ابتکار خود به نوعی الگوی جایگزین بیمه اسلامی دست یابند که خالی از عناصر غیر شرعی منع شده در قانون اسلامی باشد.^{۳۰} امت اسلامی نیازمند حفاظت در برابر خطرات غیر قابل پیش بینی نیز هست. جدول زیر فهرستی از بعضی شرکت‌های بیمه‌ای اسلامی فعال را ارائه می‌دهد.

فهرست شرکت‌های بیمه اسلامی^{۳۱}

کشور	عامل تکافل/بیمه
کویت	اولین شرکت بیمه تکافل
امارات متحده عربی	شرکت تکافل ملی ابوظبی
عربستان سعودی	شرکت بیمه الاهلیه (Al Ahlia) (بیمه مشارکتی)
سودان	شرکت بیمه البکره (Al Bakara) (سودان) با مسئولیت محدود
ایران	شرکت بیمه البرز
عربستان سعودی	شرکت السجر (Al SAGR) (بیمه مشارکتی)
سری لانکا	شرکت تکافل امانت با مسئولیت محدود
ایران	شرکت بیمه مجدد امین
بحرین	شرکت بیمه امیتی (Amity)
اندونزی	Ansuransi Syari'a Mubarakah
یمن	شرکت بیمه تکافل عرب-آمریکایی با مسئولیت محدود

بحرین	شرکت بیمه ACE عربستان با مسئولیت محدود
بحرین	شرکت تکافل عرب- مالزیایی
مالزی	شرکت بین‌المللی تکافل مجدد ASEAN با مسئولیت محدود
تونس	Beit EaadatEttamine Tounsi Saoudi (BEST-RE)- Tunisia
اندونزی	بیمه همگانی بومپوترامودا (Bumiputeramuda) ۱۹۶۷
مالزی	تکافل تجاری
عربستان سعودی	شرکت خدمات تجاری عربستان
ایران	شرکت بیمه دانا
ایران	شرکت بیمه دی
امارات متحده عربی	شرکت بیمه و بیمه مجدد اسلامی دبی (AMAN)
مصر	خانه بیمه مصر- سعودی
سودان	شرکت بیمه النیلین با مسئولیت محدود
ایران	شرکت بیمه صادرات و سرمایه گذاری
کویت	شرکت بیمه تکافل خلیج
مالزی	تکافل Hong Leong Tokio Marine
مالزی	تکافل امانت HSBC (مالزی)
برونئی	TAIB بیمه اسلامی
بحرین	شرکت بیمه اسلامی بین‌المللی
	شرکت بیمه تکافل اسلامی
مالزی	تکافل MAA
مالزی	تکافل Mayban
مالزی	تکافل پرودنشال BSN
اندونزی	تکافل عمومی Ansuransi
قطر	شرکت بیمه اسلامی قطر
سودان	شرکت بیمه ساوانا با مسئولیت محدود
موریتانی	SMAI Islamique
سنگال	SOSAR AL AMANE (شرکت بیمه و بیمه مجدد سنگال)
مالزی	شرکت تکافل برهاد مالزی
موریتانی	Taamin Assurances Islamiques
برونئی	تکافل IBB
مالزی	تکافل اخلاص

مالزی	تکافل ملی
ژاپن	شرکت بیمه دریایی توکیو و آتش سوزی نیچیدو با مسئولیت محدود
سنگاپور	شرکت بیمه دریایی و تکافل مجدد نیچیدو با مسئولیت محدود
یمن	شرکت بیمه اسلامی یمن (YSC)

در تمام نقاط جهان بررسی‌ها و تحقیقات جدی در خصوص بیمه مطابق با شریعت انجام یافته و هنوز هم در جریان است.^{۳۲} امید است که مفهوم بیمه و فعالیت‌های بیمه‌ای بر همگان روشن شود تا امت اسلامی امروز بتواند از مزایای آن بهره‌برد.

۳-۱. خاستگاه و پیدایش بیمه

مردم جوامع بدوی در مجاورت خانواده و قبیله خود در محیطی روستایی می‌زیستند. بنابراین نیازها و ضرورت‌های آنها از طریق همیاری متقابل و همکاری میان اعضای جامعه، کاملاً تأمین می‌شد.^{۳۳} به همین دلیل آنها نیازی به بیمه نداشتند. تغییر شیوه زندگی از روستایی به شهری، موجب مواجهه افراد با خطرات متعدد، بدون برخورداری از حمایت متقابل افراد خانواده و قبیله شده است.^{۳۴} تغییر شیوه زندگی انسان‌ها را ناگزیر به یافتن راه حلی برای تأمین امنیت زندگی و اموال خود در برابر خطرات غیر قابل پیش‌بینی کرد.

کلیتون مدعی است که ایده بیمه اولین بار در زمان بابلی‌ها و تمدن آنها، که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح به اوج خود رسید، مطرح شد.^{۳۵} قانون بابلی، یا قانون حمورابی،^{۳۶} که شامل ۲۸۲ بند بود، در ۲۲۵۰ سال پیش از میلاد توسط پادشاه بابل تدوین شد.^{۳۷} این قانون نشان می‌دهد که بابلیان باستان قراردادهای تجاری مشتمل بر داد و ستد مالی منعقد می‌کردند؛ بر اساس این قراردادها مردم پول خود را در برابر درصد مشخصی از سود، به بازرگانان قرض می‌دادند.^{۳۸} بعدها این گونه داد و ستد مالی در سراسر جهان به عنوان قرارداد رهن تعهد شناخته شد.^{۳۹}

مفهوم رهن تعهد در سال‌های ۴۰۰۰ تا ۳۰۰۰ پیش از میلاد و توسط بازرگانان بابلی باب گردید.^{۴۰} در این شیوه پول یا کالاها از قبل به صورت قرض در اختیار تاجر قرار می‌گرفت تا با آن تجارت کند.^{۴۱} این پیش پرداخت به دو صورت زیر بود: پرداخت مبلغی به عنوان قرض کامل با بهره؛ در چنین مواردی قرض دهندگان از حق دریافت

میزان مشخصی از بهره و بیش از مبلغ وام از تاجر برخوردار بودند؛^{۴۲} یا پرداخت مبلغی هم به عنوان قرض با بهره و هم سرمایه‌ای برای مشارکت در منافع تجارت.^{۴۳} مبنای چنین معاملاتی میان قرض دهنده و قرض گیرنده تفاهم متقابل بر این موضوع بود که قرض دهنده در مقابل پرداخت بهره باید از هرگونه مسئولیتی در قبال حوادث پیش بینی نشده و تصادفی در بازرگانی بری باشد.^{۴۴} بهره پرداختی در رهن تعهد^{۴۵} مشابه حق بیمه امروزی است. قرض گیرنده (تاجر) در جایگاه بیمه گذار و قرض دهنده در جایگاه عامل بیمه است و در قبال بهره پرداختی، مسئول حفاظت قرض گیرنده از مسئولیت ناشی از حوادث غیر منتظره و اتفاقاتی است که ممکن است در روند تجارت روی دهد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فعالیت‌های بیمه جهان امروز ریشه در فعالیت‌های قرارداد رهن تعهد جهان باستان دارد.

پس از بابلی‌ها، فینیقی‌ها در حدود ۱۶۰۰-۱۰۰۰ پیش از میلاد^{۴۶} شیوه قرارداد رهن تعهد را اتخاذ کردند؛ سپس در ابتدای قرن چهارم پیش از میلاد یونانی‌ها نیز همین رویه را اختیار کردند.^{۴۷} کاربرد این شیوه در میان یونانیان چنان رایج بود که بعضی از وکلای حقوق دریایی در قرن نوزدهم چنین ادعا کردند که ماهیت کاربردی این نوع قرارداد در میان یونانیان، آن‌گونه که دموستن در سخنان خود علیه لوکریتوس می‌گوید، مانند ماهیت کاربردی روش‌های رایج در لندن در ۱۸۶۰ بود.^{۴۸}

بابلی‌ها با هند روابط تجاری داشتند^{۴۹} و به معنای دقیق کلمه درمی‌یابیم که هندی‌ها از ابتدای ۶۰۰ پیش از میلاد رهن تعهد را به کار می‌برده‌اند.^{۵۰}

مرحله بعدی توسعه اصل رهن تعهد در روم، و پس از آن‌که این ملت آن را از یونانیان به میراث بردند، آغاز شد.^{۵۱} رومی‌ها کاربرد این اصل را پس از پیاده کردن اصلاحاتی بر آن آغاز کردند؛ این اصلاحات موارد خسران را برای قرض دهندگان محدود می‌کرد، اما قطعاً قرض گیرندگان را از هرگونه مسئولیتی مصون می‌داشت.^{۵۲} بنابه گفته ترنری رومی‌ها این اصل را در مورد تجارت زمینی پیاده می‌کردند. بنابراین در روم بیمه خشکی پیش از بیمه دریایی آغاز به کار کرد.^{۵۳}

بعضی از نویسندگان بر این باورند که در روم، اصول ادغام شده در این اصل به صورت بیمه‌ای که امروز به کار می‌بریم، تغییر شکل یافتند.^{۵۴} از میان عناصر تشکیل

دهنده قرارداد بیمه امروزی می‌توان عامل بیمه، بیمه‌گذار، حق بیمه و غیره را نام برد. عامل بیمه در برابر دریافت حق بیمه، مسئولیت حمایت و حفاظت از بیمه‌گذار در مقابل هرگونه آسیب یا خسران مرتبط با موضوع قرارداد را بر عهده می‌گیرد. اعتبار قرارداد بیمه امروزی به شرایط زیر بستگی دارد:

- احتمال پیشامد خطری که مقابله با آن نیازمند بیمه است؛
- ارزش اموال؛
- عدم احتمال وجود سود؛^{۵۵}
- پرداخت حق بیمه؛^{۵۶} و
- سود قابل بیمه.

ترنری در نوشته‌های خود چنین استدلال می‌کند که همه این عناصر و شرایط در اواخر دوره کلاسیک روم در قراردادهای رهن تعهد موجود بوده است.^{۵۷}

مرحله بعد توسعه بیمه در ایتالیا و با گسترش فعالیت‌های بیمه دریایی در قرن چهاردهم میلادی آغاز شد؛^{۵۸} و در قرن پانزدهم به سرعت گسترش یافت.^{۵۹}

طی قرن پانزدهم و شانزدهم، ایده بیمه کردن کشتی‌ها و کالاها به سرعت در تمام بخش‌های قاره اروپا گسترش یافت.^{۶۰} در اواخر قرن شانزدهم، سر توماس گرشام اولین مرکز مبادله و تبدیل پول سلطنتی را تأسیس نمود؛ این مرکز در ۲۳ جولای ۱۵۷۰ توسط ملکه الیزابت اول رسماً افتتاح شد.^{۶۱} پس از تأسیس مرکز مبادله و تبدیل پول سلطنتی به عنوان بازار پول خارجی، لندن تبدیل به مرکز بیمه بین‌المللی شد.^{۶۲}

به موازات پیشرفت تجارت و صنعت در بریتانیا، چهارگونه بیمه پدید آمد: بیمه دریایی، بیمه آتش سوزی، بیمه عمر و بیمه حوادث.^{۶۳} ایده بیمه آتش سوزی پس از آتش‌سوزی بزرگ لندن در ۱۶۶۶ مطرح شد، اما تنها در قرن هجدهم کاملاً به مورد اجرا درآمد. در نتیجه چندین دفتر بیمه آتش سوزی در لندن، بریستول، و ادینبورو تأسیس شد.^{۶۴} بیمه عمر اولین بار در ۱۵۸۳ در مورد ویلیام گیو اجرا شد،^{۶۵} اما ایده کامل آن، آن‌گونه که امروز اجرا می‌شود، در قرن هجدهم شکل گرفت.^{۶۶} پس از ۱۷۱۱، چندین شرکت بیمه در انگلستان تأسیس شد. از میان این شرکت‌ها، دو شرکت از نفوذ بیشتری برخوردار بودند: شرکت بیمه لندن و شرکت بیمه مرکز مبادله و تبدیل پول سلطنتی؛^{۶۷}

شرکت‌های مذکور فعالیت‌های خود را عمدتاً با صدور بیمه نامه‌های دیون و اموال آغاز کردند.^{۷۸} لویدز لندن، بزرگترین شرکت بیمه جهان امروز،^{۷۹} در سال ۱۶۸۸ و در زمان جیمز دوم^{۸۰} در قهوه خانه‌ای در لندن آغاز به کار کرد.^{۸۱} لویدز شرکتی است که به طور مستقل و بدون تصویب هرگونه مصوبه در پارلمان، تأسیس شد^{۸۲} و در نتیجه به عنوان شرکتی که قانوناً به ثبت نرسیده، شناخته شد. اما سرانجام از طریق مصوبه ۱۸۷۱، لویدز قانوناً در پارلمان به ثبت رسید.^{۸۳} لویدز پیشگام صنعت بیمه است؛ این شرکت نه تنها بیمه خطرات دریایی بلکه تقریباً انواع بیمه‌های مربوط به خسارات ناشی از انواع خطرات دیگر^{۸۴}، مانند سرقت، تجارت، زلزله^{۸۵} و غیره را نیز ارائه می‌دهد. امروزه لویدز یکی از شرکت‌های اصلی بیمه مجدد خطرات شرکت‌های دیگر در سرتاسر جهان محسوب می‌شود.^{۸۶}

شرکت مشارکتی فیلادلفیا (Philadelphia Contributionship) اولین شرکت بیمه در ایالات متحده بود که در سال ۱۷۵۲ توسط بنجامین فرانکلین تأسیس شد.^{۸۷} اولین شرکت بیمه عمر در این کشور صندوق پرسبایتترین مینیستر (Presbyterian Minister's Fund) بود که در سال ۱۷۵۹ تأسیس شد.^{۸۸} به فاصله ۶۰ سال یعنی تا آغاز ۱۸۲۰، تعداد شرکت‌های سهامی بیمه عمر، تنها در نیویورک، به ۱۷ شرکت رسید.^{۸۹} پس از ۱۹۱۰، گسترش شرکت‌های بیمه عمر روندی یکنواخت یافت.^{۹۰}

سرعت گسترش فعالیت‌های بیمه‌ای در اتحاد جماهیر شوروی نیز زیاد بود. پس از انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷، صنعت بیمه ملی شد.^{۹۱} بیمه تحت نظارت سازمان گلاستاز (Glosstazkh) بود. کار اصلی گلاستاز تنظیم بیمه نامه‌های اموال شخصی بود. این سازمان مسئولیت کلیه بیمه‌های خارجی، از جمله پذیرش بیمه مجدد از شرکت‌های دیگر را نیز عهده‌دار بود.^{۹۲}

تا سال ۱۹۶۳ هیچ قانون مصوب انحصاری برای سامان دهی فعالیت‌های بیمه‌ای در مالزی وجود نداشت. قانون موجود درخصوص بیمه در فدراسیون مالایای آن زمان، برگرفته از قانون مصوب ۱۹۰۹ انگلستان بود.^{۹۳} پیش از تقدیم لایحه قانون بیمه ۱۹۶۳، مطابق بند ۵ (۱) لایحه قانون ملی تمام فعالیت‌های بیمه‌ای در مالزی براساس قوانین انگلستان انجام می‌شد.^{۹۴}

در ۱۹۶۰ دولت گزارش و توصیه‌هایی فراگیر از سوی آقای کفین (عضو کمیسیون بیمه استرالیا) دریافت داشت^{۸۵}؛ که بر اساس آن توانست قوانین بیمه ملی را تنظیم کند. در نتیجه، قانون بیمه ۱۹۶۳ مورد تصویب پارلمان مالزی قرار گرفته و در ۲۱ ژانویه ۱۹۶۳ به مورد اجرا درآمد.^{۸۶}

بر اساس گزارش آماری ارائه شده از سوی صنعت بیمه مالزی، در حال حاضر حدود ۵۶ شرکت بیمه فعال بر اساس قانون بیمه ۱۹۹۶^{۸۷}، تحت نظارت بانک ملی مالزی؛ بانک نگارا، در این کشور فعالیت دارند. از میان این ۵۶ شرکت، ۸ شرکت عامل تکافل و ۴۲ شرکت بیمه کننده مستقیم هستند؛ شرکت‌های اخیر شامل ۸ شرکت بیمه عمر، ۲۶ شرکت بیمه عمومی و ۸ شرکت بیمه مختلط هستند. به علاوه ۶ شرکت حرفه‌ای بیمه مجدد نیز در این کشور فعال است. اما هیچ عامل تکافل مجددی در مالزی فعال نیست. کلیه این شرکت‌ها نمایندگی‌هایی در سراسر کشور دارند تا از عملکرد صحیح صنعت بیمه در مالزی، براساس قانون بیمه ۱۹۹۶، که در اول ژانویه ۱۹۹۷ به مورد اجرا در آمد، اطمینان یابند.

در حال حاضر در مالزی دو نظامنامه، با دو مبنای مقرراتی متفاوت، بر صنعت بیمه حاکم است. این دو نظامنامه عبارتند از قانون بیمه ۱۹۹۶ که بر اساس اصول قانون غیرمدون ملی تنظیم شده^{۸۸}، و قانون تکافل ۱۹۸۴ که براساس اصول شریعت تنظیم شده است.^{۸۹} دو شرکت بیمه با محور قانون تکافل در مالزی فعال هستند: شرکت تکافل مالزی Bhd که در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۴ تاسیس شد؛ و تکافل Sdn Bhd MNI که در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۳ تاسیس شد. هردو شرکت در زمینه تنظیم دونهوع قرارداد فعالند: تکافل خانواده و تکافل عمومی. هردو شرکت نمایندگی‌هایی در سراسر کشور دارند (به علاوه تکافل MNI برای اطمینان از عملکرد صحیح صنعت تکافل عواملی را نیز به کار گمارده است).^{۹۰}

۴-۱. چارچوب مفهومی

۴-۱-۱. چارچوب مفهومی تکافل

یکی از جایگزین‌های مفهوم بیمه، اصل اسلامی تکافل است که امروزه مورد کاربرد شمار زیادی از عوامل بیمه اسلامی است. چرا که بیمه در صورتی می‌تواند در شریعت

جایگاهی داشته باشد که برای حفاظت از فرد در برابر خطری تعریف شده، بر اصول شریعت، یعنی مسئولیت مشترک، همکاری متقابل، و اتفاق نظر^{۹۱} استوار باشد.

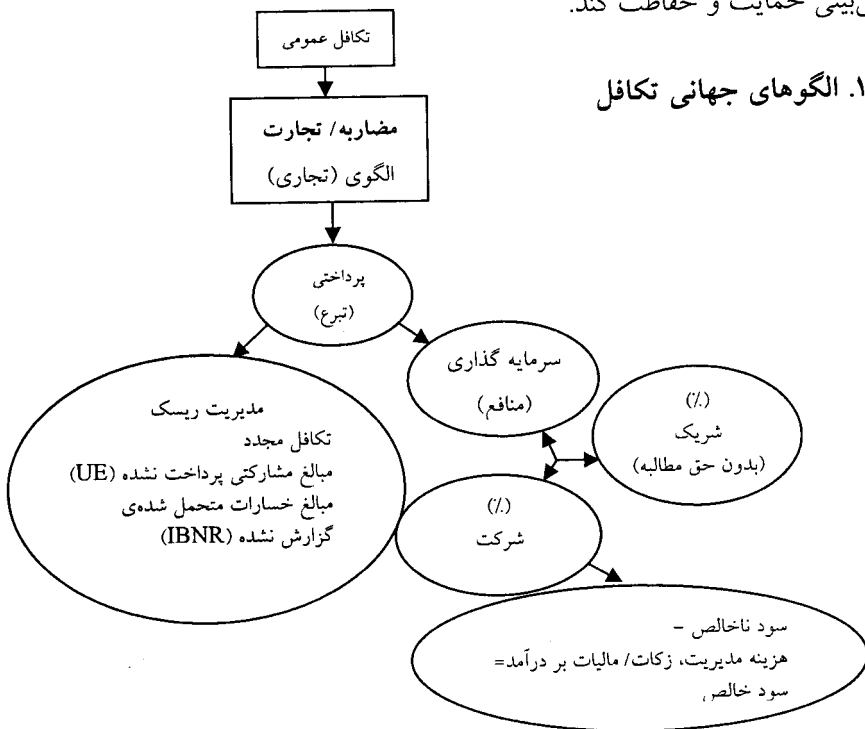
واژه تکافل مصدر مشتق از ریشه ک-ف-ل است. واژه ک-ف-ل به معنای "ضمانت" است. واژه تکافل که ویژگی اصلی آن مشارکت است به معنای "شراکت" است. بنابراین تکافل به معنای مسئولیت یا ضمانت مشترک، مسئولیت، بیمه، تضمین و اطمینان است.^{۹۲} از دیدگاه تخصصی علم اقتصاد، تکافل به معنای تضمین متقابل گروهی از مردم ساکن در یک جامعه در برابر خطر تعریف شده یا فاجعه ای است که برای زندگی، اموال، یا هرچیزی که در نظر افراد جامعه ارزشمند باشد، روی دهد. بنابراین تعریف بهتر تکافل بیمه مشارکتی است.^{۹۳}

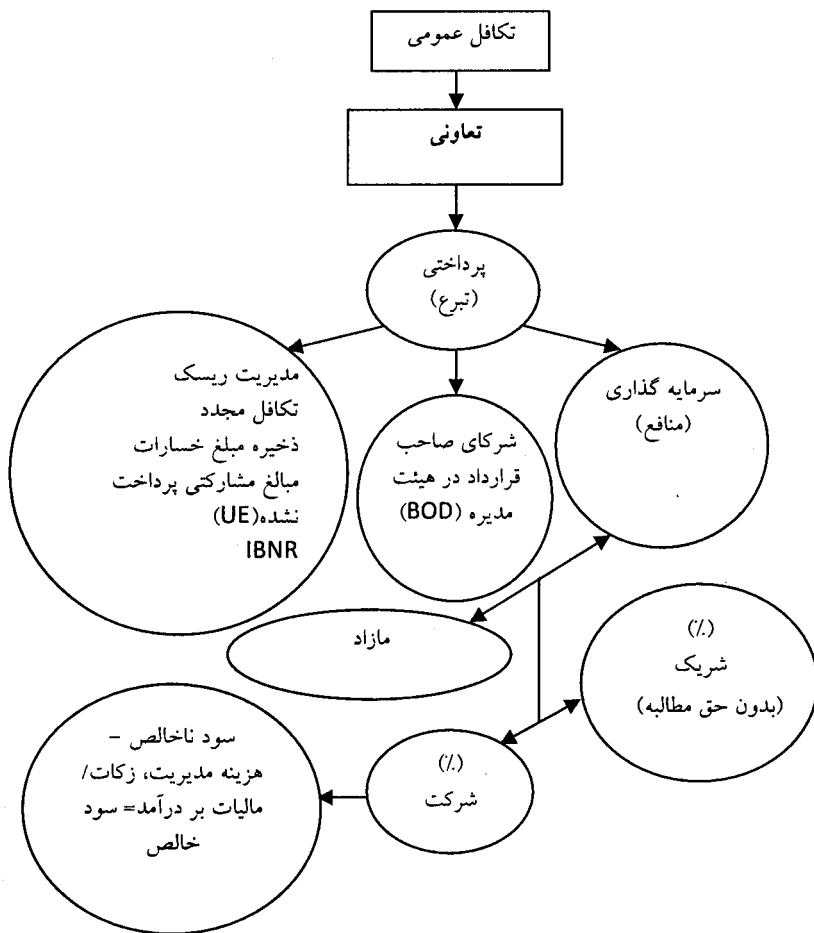
قرارداد تکافل معمولاً چهار طرف دارد: شریک، عامل، بیمه گذار، و بهره ور. ماهیت تکافل چنین است: هریک از اعضای برخوردار از صلاحیت قانونی در جامعه، می‌تواند مبلغی پول به صندوق تعاونی مشارکتی واریز کند، بدین ترتیب می‌توان امنیت مادی دیگران را در برابر خطری تعریف شده که جان و مال آنها را تهدید می‌کند، تامین نمود. افرادی که در پرداخت پول به صندوق مشترک مشارکت می‌کنند، شریک نامیده می‌شوند. شرکایی که با خطری مواجه می‌شوند و از محل صندوق مورد حمایت مالی قرار می‌گیرند، بیمه گذار نامیده می‌شوند. افرادی که حقیقتاً از صندوق سود می‌برند، بهره وران صندوق تعاونی هستند. پرداخت‌های مالی شرکای صندوق، پرداختی مشارکتی نامیده می‌شود. مدیریت صندوق بر عهده مجموعه حقوقی یا شرکتی ثبت شده و دارای مجوز قانونی است.^{۹۴} که عامل تکافل نامیده می‌شود؛ این مجموعه یا شرکت به صورت یک جانبه مسئول مدیریت شریعت محور بر مبالغ پرداختی و تامین امنیت مالی افرادی است که به دلیل فقدان یا خسارت وارد آمده بر اثر خطری تعریف شده، حقیقتاً نیازمند کمک هستند. به علاوه مبالغ پرداختی از سوی شرکا در دو صندوق گذاشته می‌شود: صندوق سرمایه‌گذاری بر اساس اصول مضاربه (مشارکت در سود و ضرر) و صندوق خیریه بر اساس اصول تبرع.^{۹۵} توضیحات بیشتر در خصوص نظام عملکرد تکافل در فصل هفتم ارائه شده است.

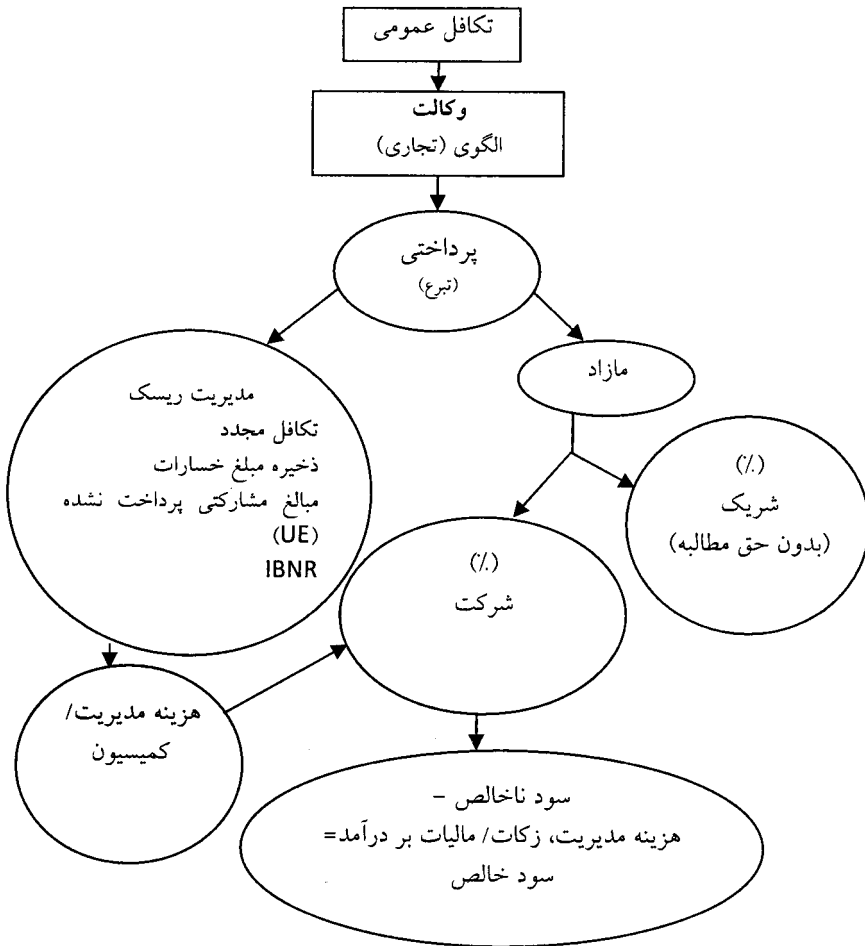
۲-۴-۱. چارچوب مفهومی بیمه

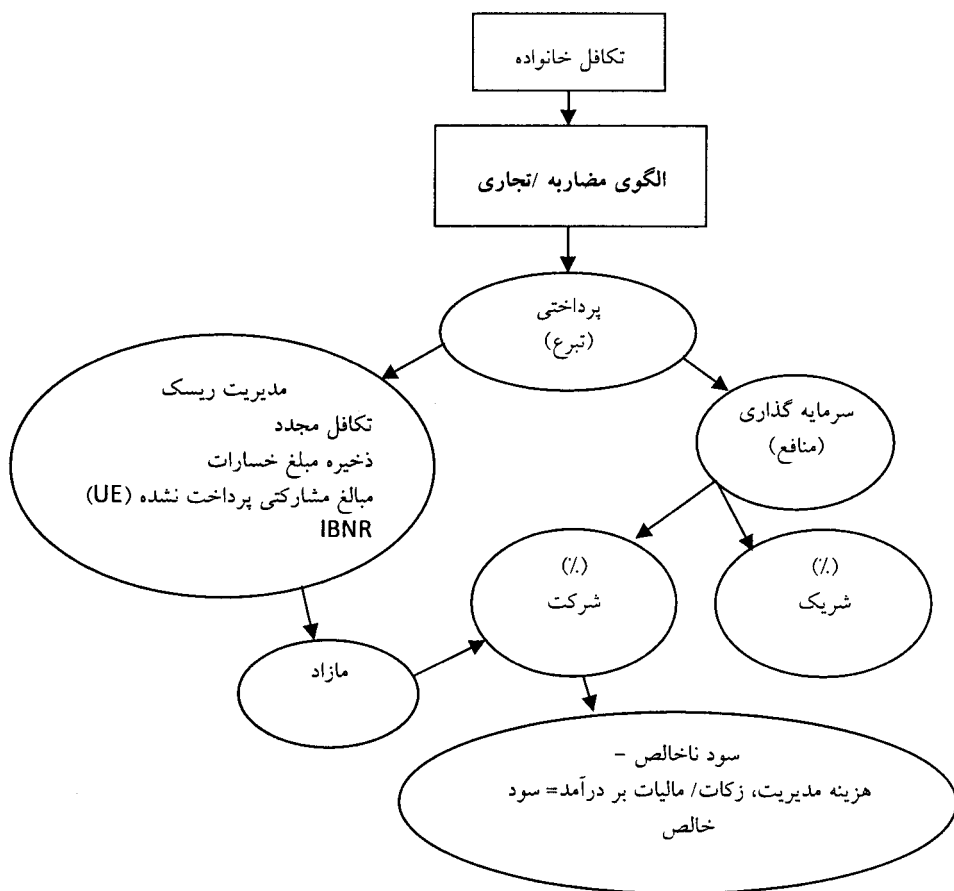
براساس قانون غیرمدون، بیمه نوعی معامله مالی مشارکتی است که در صورت وقوع هرگونه خطر پیش بینی نشده در مورد زندگی، اموال یا کسب و کار فرد، به حمایت از وی می‌پردازد. در این معامله، طرفی که مسئولیت تامین مالی در برابر خطرات را برعهده می‌گیرد، بیمه‌گر یا عامل بیمه نامیده می‌شود؛ عامل بیمه به صورت یک جانبه نسبت به طرف دیگر متعهد است.^{۹۷} در عمل، عامل بیمه ممکن است فرد یا مجموعه‌ای حقوقی باشد، که به عنوان عامل بیمه، هدایت کننده نوعی فعالیت بیمه‌ای است.^{۹۸} شخصی که در مقابل پرداخت حق بیمه‌ای مشخص در برابر خطر ضمانت می‌شود، بیمه‌گذار نام دارد. بنابراین مطابق قانون غیرمدون، اساس معامله بیمه اصل قرارداد دوجانبه است؛ بر اساس این قرارداد عامل بیمه متعهد می‌شود که بیمه‌گذار را در برابر هرگونه حادثه غیرقابل پیش‌بینی حمایت و حفاظت کند.^{۹۹}

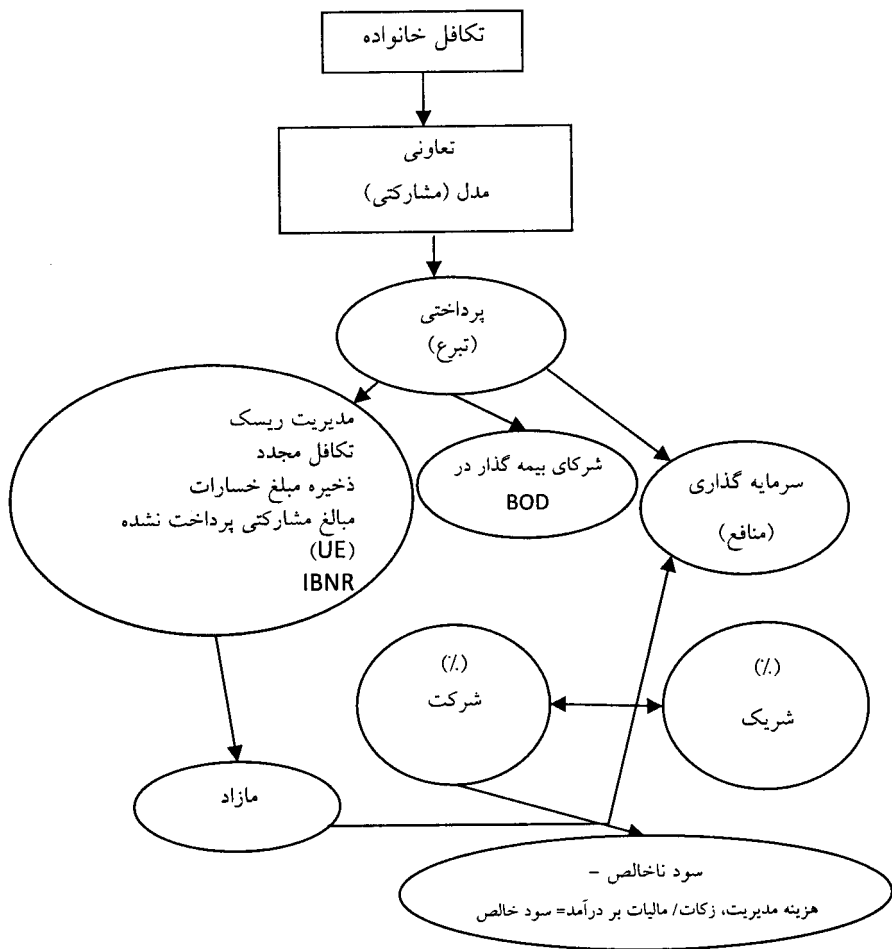
۵-۱. الگوهای جهانی تکافل

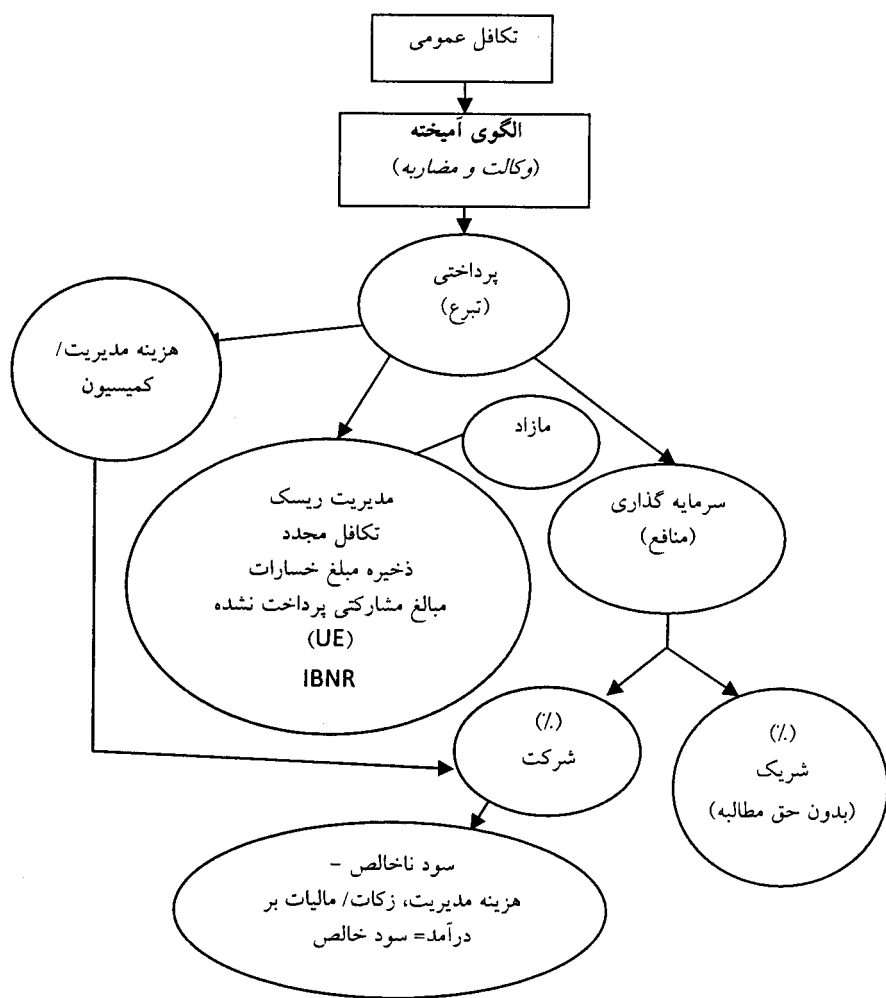


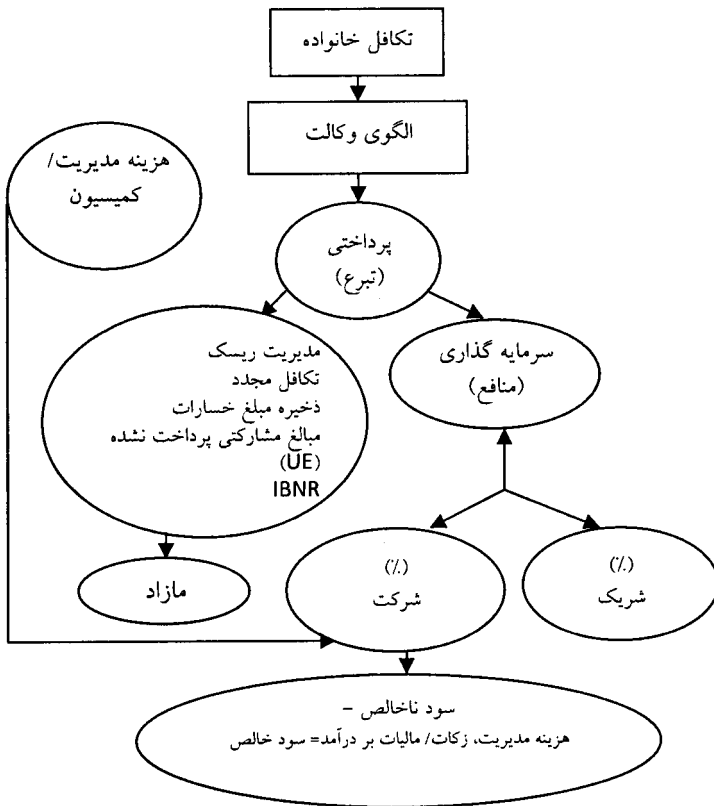


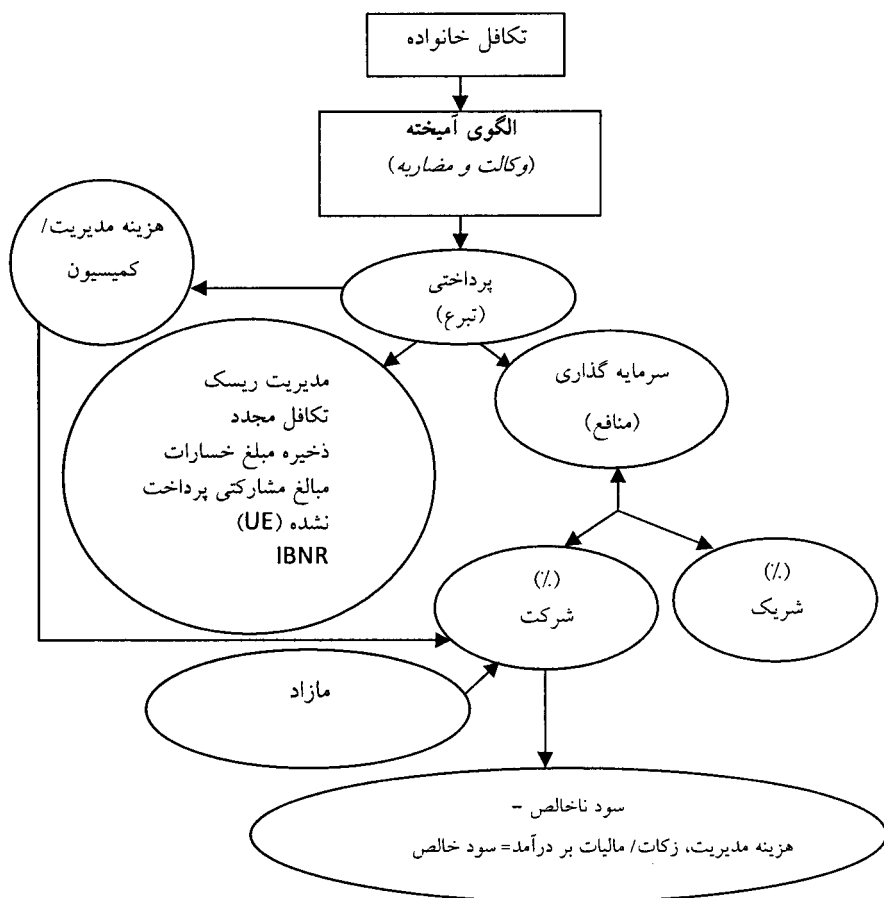


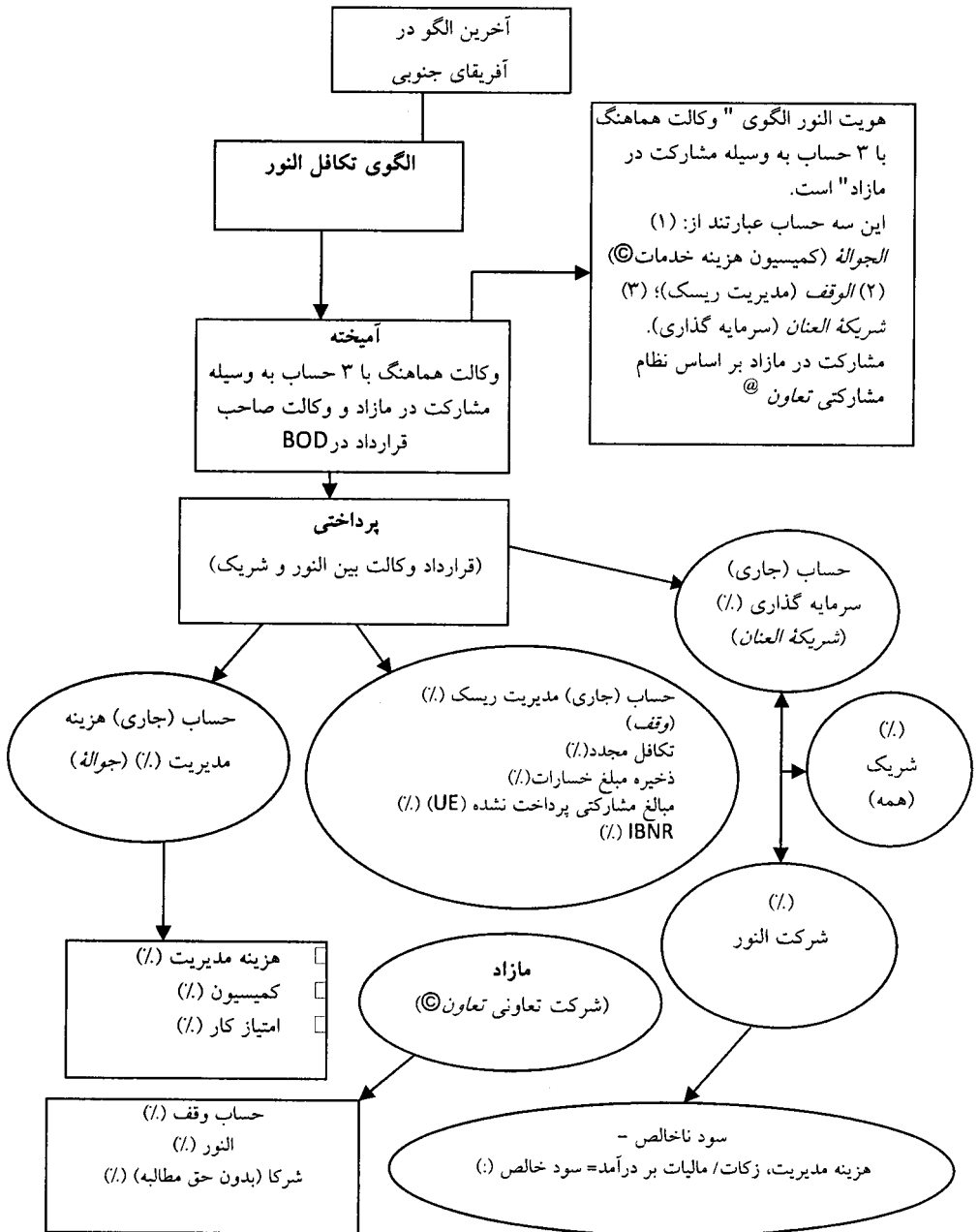












۶-۱. نتیجه‌گیری

بنابراین مفهوم بیمه، چه براساس قانون غیرمدون و چه براساس قانون اسلامی، با سنت‌های قبیله‌ای کهن مرتبط، آغاز شد. خاستگاه‌های فعالیت‌های بیمه براساس قانون غیرمدون را می‌توان در رسوم قبیله‌ای اولیه در بابل یافت. از سوی دیگر خاستگاه‌های بیمه‌اسلامی را می‌توان در رسوم قبیله‌ای اعراب بدوی در دوران پیش از تولد پیامبر اسلام (ﷺ) در سال ۵۷۰ پس از میلاد یافت. مبنای گسترش فعالیت‌های بیمه‌ای بر محور قانون غیرمدون، انعقاد قراردادهای رهن تعهد و معاملات مالی با بهره بود. بالعکس، مبنای گسترش فعالیت‌های بیمه‌ای در قانون اسلامی اجرای اصل عاقله بود، که خود بر اصل همکاری متقابل میان قبایل عرب بدوی استوار بود. امروزه توسعه اصول و فعالیت‌های بیمه در قانون غیرمدون همچنان بر مبنای اصل بهره/ سود استوار است. در مقابل، اصول و فعالیت‌های بیمه اسلامی در جهان امروز بر اساس اصول مضاربه (مشارکت در سود و ضرر) استوار است؛ مورد اخیر جایگزینی برای معاملات معمول بهره محور محسوب می‌شود.

۷-۱. جدول تطبیقی

خاستگاه‌ها و چگونگی پیدایش تکافل و بیمه

تکافل	بیمه
خاستگاه بیمه، سنن قبیله‌ای اعراب بدوی پیش از ۵۷۰ پس از میلاد بود.	خاستگاه بیمه سنن قبیله‌ای اولیه بابل در ۴۰۰۰-۳۰۰۰ پیش از میلاد بود.
نقطه آغاز توسعه، سنت عاقله بود.	نقطه آغاز توسعه، سنت قرارداد رهن تعهد بود.
مبنای اصل عاقله همکاری متقابل میان قبایل بود.	مبنای قرارداد رهن تعهد بهره/سود بود.
مبنای فعالیت‌های بیمه اسلامی عصر حاضر اصول مضاربه یعنی شیوه مشارکت در سود و زیان است.	امروزه، همچنان مبنای اصول و فعالیت‌های بیمه‌ای بهره/سود است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ۵۷۰ پس از میلاد.
۲. ارنست کلینگمولر، "مفهوم توسعه بیمه در کشورهای اسلامی"، در فرهنگ اسلامی، جلد ۴۳، ژانویه ۱۹۶۹، صفحه ۳۰
۳. رجوع شود به مدخل عاقله درهاگر، توماس پاتریک، فرهنگنامه اسلام، (دهلی نو، هند: انتشارات کازمو، ۱۹۸۲)
۴. رجوع شود به علی ابن ابی سکر مرغینانی، (ترجمه انگلیسی) چارلز هامیلتون، هدایت، جلد ۴، کتاب ۵۱، (لاهور، پاکستان: انتشارات پر میر، ۱۹۸۲)، صفحه ۶۷۰
۵. رجوع شود به دکتر محمد محسن خان، ترجمه معانی صحیح البخاری، (لاهور، پاکستان: انتشارات قاضی، ۱۹۷۹)، صفحه ۳۴
۶. رجوع شود به مدخل عاقله در دایرة المعارف کوتاه اسلام، به ویراستاری گیب-هار و دیگران، انتشارات ای جی بریل لیدن، ۱۹۵۳
۷. پس از ۶۱۰ پس از میلاد.
۸. رجوع شود به اس کی رشید، "اسلامی سازی بیمه- تجربه‌ای مذهبی- قانونی در مالزی" در مروری بر مذهب و قانون، جلد دوم، شماره ۱۹۹۳، ۱، ص ۱۶-۱۷
۹. رجوع شود به احمد ابن‌هاجر، فتح البارع، جلد ۱۲، (لاهور، پاکستان: الان نشر الکتب الاسلامیه، ۱۹۸۱)، صفحه ۲۹۶
۱۰. صحیح البخاری، (ترجمه انگلیسی) توسط دکتر م. محسن خان، اثر فوق الذکر، جلد ۹ کتاب الدیة، شماره ۴۵، صفحه ۳۴.
۱۱. رجوع شود به سلال ینیسری، *Islam' da Devlet Butcesi* استانبول، ۱۹۸۴، صفحه ۳۸۳-۳۸۲، نقل شده در ریسپلر واردیت، بیمه در جهان اسلام، خاستگاه‌ها و شیوه‌های امروزی، (ایالات متحده آمریکا: UMI، ۱۹۸۵)، صفحه ۲۸.
۱۲. رحسیم ام ای، *Islamic Arthanaitik Nirapatta wa Bima* (سنگالا) (داکا بنگلادش: بنیاد اسلامی، ۱۹۸۳)، صفحه ۱۰۶.
۱۳. محمد حمیدالله، اولین قانون غیرمدون نوشتاری در جهان، ش. محمد اشرف، لاهور، ۱۹۸۱، مقاله شماره ۳، صفحه ۵۵.

فصل ۱. خاستگاه‌ها و چگونگی پیدایش تکافل و بیمه □ ۷۳

۱۴. مقالات شماره ۳-۱۲ قانون غیرمدون پرداخت خون بها براساس اصل عاقله؛ رجوع شود به حمیدالله، اثر فوق الذکر، مقالات ۴-۱۲، ff۴۲.
۱۵. دکتر م. حمیدالله، مقدمه ای بر اسلام، ش. محمد اشرف، لاهور، ۱۹۸۳، پاراگراف ۳۶۲، صفحه ۱۴۶.
۱۶. رجوع شود به حمیدالله، اولین قانون غیرمدون نوشتاری در جهان، اثر فوق الذکر، مقاله شماره ۳، صفحه ۵۵.
۱۷. رجوع شود به پیشین، مقالات ۴-۱۲، صفحه ff۴۲.
۱۸. *Islam' da Devlet Butcesi* صفحه ۳۸۳-۳۸۲ نقل شده در واردیت، اثر فوق الذکر، پانویشت شماره ۸۴ صفحه ۲۸.
۱۹. رجوع شود به مدخل "عاقله" در گیب، و دیگران، اثر فوق الذکر، صفحه ۲۹ مکرر.
۲۰. وردیت، اثر فوق الذکر، صفحه ۲۹ مکرر.
۲۱. جی اسپنسر تیرمیگام، مسلک صوفی در اسلام، (انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۷۳)، صفحه ۲۳۶.
۲۲. رجوع شود به وردیت، اثر فوق الذکر، صفحه ۲۹ مکرر.
۲۳. پیشین.
۲۴. رجوع شود به وردیت، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۰.
۲۵. نظر ابن عابدین درباره بیمه در فصل دوم عینا نقل شده است؛ (رجوع شود به اجتهاد و اجماع در میان دانشمندان مسلمان)
۲۶. رجوع شود به ای. کلینگمولر، "مفهوم و توسعه بیمه در کشورهای اسلامی"، در فرهنگ اسلامی، جلد XLIII، ۱۹۶۹، صفحه ۳۰.
۲۷. پیشین.
۲۸. رجوع شود به وردیت، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۲.
۲۹. رجوع شود به محمد الصیاد الدسوقی، *Al-Tamim wa Mawqif ala Al-Shariyah*، *Islamiyah Min Hu* قاهره ۱۹۶۷، صفحه ۷۴ مکرر.
۳۰. رجوع شود به محمد صادق، "نظام بیمه اسلامی اجرایی شرکت بیمه اسلامی با مسئولیت محدود (سودان)" در العلم، جلد ۱۵، ۱۹۹۵، صفحه ۱۰۹ و ۱۱۸.

۳۱. منبع اطلاعات بالا فهرست سرپرستی شرکت‌های بیمه اسلامی است. برای کسب اطلاعات بیشتر و فهرست شرکت‌ها به آدرس زیر رجوع شود: www.arig.net یا <http://www.takaful-re.ae>.
۳۲. اساس این اطلاعات چگونگی تأسیس شرکت‌ها، پایه‌گذاری طرح‌های تحقیقاتی، دوره‌ها و سمینارهای برگزار شده در خصوص بیمه اسلامی در دنیای امروز است.
۳۳. رجوع شود به جی. کلیتون، بیمه بریتانیایی، (لندن: کتاب‌های الک، ۱۹۷۱)، صفحه ۱۳.
۳۴. افضل الرحمن، اصول اقتصادی اسلام، جلد ۴، (پاکستان: انتشارات اسلامی با مسئولیت محدود، ۱۹۸۲)، صفحه ۱۹.
۳۵. جی. کلیتون، بیمه بریتانیایی، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۳.
۳۶. این قانون در سال ۱۹۰۲ حک شده برقطعه‌ای از سنگ دیوریت سیاه، کشف شد. رجوع شود به جی. کلیتون، بیمه بریتانیایی، در محل ذکر شده، صفحات ۱۳، ۲۱، شماره ۲.
۳۷. کلیتون، محل فوق‌الذکر، صفحه ۱۳.
۳۸. پیشین.
۳۹. پیشین.
۴۰. رجوع شود به مدخل "بیمه" در "دایرة المعارف بریتانیکا"، ویراست پانزدهم، (شیکاگو: شرکت دایرة‌المعارف بریتانیکا، ۱۹۸۹)، جلد ۲۱، صفحه ۶۹۰.
۴۱. پیشین.
۴۲. پیشین.
۴۳. پیشین.
۴۴. پیشین، صفحه ۱۳ مکرر.
۴۵. رجوع شود به آرتور کوهن، "یادداشت‌هایی بر قانون بیمه"، در *The Law Quarterly Review*، (۱۸۹۵)، شماره ۱۱، صفحه ۱۱۸-۱۱۹.
۴۶. ریسپلر واردیت، بیمه در جهان اسلام: خاستگاه‌ها، مشکلات و شیوه‌های فعلی، (ایالات متحده آمریکا: UMI، ۱۹۸۵)، صفحه ۱۵.
۴۷. دایرة‌المعارف جدید بریتانیکا، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۶۹۰.
۴۸. کلیتون، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۴.
۴۹. واردیت، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۵.
۵۰. دایرة‌المعارف جدید بریتانیکا، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۶۹۰.

۵۱. رجوع شود به واردیت، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۶.
۵۲. پیشین.
۵۳. ترنری، مقایسه شود، خاستگاه و تاریخچه اولیه بیمه، لندن، ۱۹۲۶، صفحه ۱۱-۱۲.
۵۴. کلیتون، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۴.
۵۵. پیشین.
۵۶. پیشین، صفحه ۱۴ مکرر.
۵۷. رجوع شود به ترنری، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۰۷-۱۲۴.
۵۸. رونالد اسمرت ویت، بیمه، اوقات یکشنبه، لندن، ۱۹۶۰، صفحه ۱۱.
۵۹. دایرة المعارف جدید بریتانیکا، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۶۹۰؛ همچنین رجوع شود به مک‌کینور، خاستگاه‌های قانون تجارت، در "The Law Quarterly Review"، (۱۹۳۶)، صفحه ۳۰.
۶۰. اسمرت ویت، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۱.
۶۱. هارولد ای راینس، بیمه، (لندن: انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۶۰)، صفحه ۱.
۶۲. اسمرت ویت، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۱.
۶۳. پیشین، صفحه ۱۰؛ همچنین رجوع شود به توسعه بیمه [۱۹۳۴] MLJ lix.
۶۴. پیشین، صفحه ۱۱.
۶۵. لی کام کوان، بیمه عمر در مالزی، انجمن بیمه عمر مالزی، کوالالامپور، ۱۹۸۵، صفحه ۱.
۶۶. رجوع شود به اسمرت ویت، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۱.
۶۷. رجوع شود به دایرة المعارف جدید بریتانیکا، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۶۹۰.
۶۸. پیشین.
۶۹. دایرة المعارف کتاب جهان، جلد ۱۲، (لندن: شرکت انتشاراتی کتاب جهان، ۱۹۹۲)، صفحه ۳۴۳.
۷۰. رجوع شود به "لویدز" در ارل جاویت، و دیگران، فرهنگ‌نامه قوانین انگلیسی جاویت، جلد دوم، (لندن: سویت و ماکسول با مسئولیت محدود، ۱۹۷۷)، صفحه ۱۱۰.
۷۱. دایرة المعارف کتاب جهان، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۳۴۴.
۷۲. رجوع شود به "لویدز" در جاویت، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۱۰.
۷۳. پیشین، همچنین رجوع شود به "لویدز" در هاردی ای آر ایوامی، فرهنگ‌نامه قانون بیمه، (لندن: باترورت، ۱۹۸۱)، صفحه ۷۶.
۷۴. رجوع شود به "لویدز" در جاویت، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۱۰۹.

۷۵. رجوع شود به "لویدز" در دایرة المعارف کتاب جهان، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۴۳. پیشین.

۷۷. دایرة المعارف جدید بریتانیکا، اثر فوق الذکر، صفحه ۶۹۰. پیشین.

۷۸. پیشین.

۷۹. پیشین.

۸۰. پیشین.

۸۱. پیشین.

۸۲. پیشین.

۸۳. مینت سئو، قانون بیمه مالزی، (مالزی: کوینز، ۱۹۷۹)، صفحه ۱.

۸۴. رجوع شود به بند ۵(۱) لایحه قانون ملی ۱۹۵۶. تفاوت‌های میان دیدگاه‌های انگلیسی و مالزیایی در مورد سود قابل بیمه در فصل دوم به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

۸۵. رجوع شود به مینت سئو، اثر فوق الذکر، صفحه ۱.

۸۶. مطابق بند ۵(۱) لایحه قانون ملی ۱۹۵۶، مقررات صنایع بیمه هنوز براساس قانون انگلستان است، اما نه کاملاً. به عنوان مثال، اصول مربوط به سود قابل بیمه یا پر کردن فرم درخواست توسط عامل بیمه دقیقاً بر اساس قانون انگلستان نیست.

۸۷. قانون مذکور پس از جایگزینی قانون بیمه ۱۹۹۶ لغو شد.

۸۸. مطابق بند ۵(۱) قانون ملی ۱۹۵۶.

۸۹. رجوع شود به بند ۵(a) و ۵(b) قانون تکافل ۱۹۸۴.

۹۰. رجوع شود به تاریخچه شرکت، تکافل مالزی Bhd، ۱۹۹۷، صفحه ۱۰.

۹۱. اکرام شاکر، پیامدهای آینده تکافل، در *افق نو* (New Horizon)، ۶۶: ۱۹۷۷، صفحه ۵.

۹۲. اساس این دیدگاه مصاحبه ای است با دکتر ابو سعید الف مجید، گروه زبان عربی، کلیات

IIUM JKHK

۹۳. اساس این دیدگاه مصاحبه ای است با احمد مظان ذوالکفلی، مشاور تکافل، BIRT، مالزی. پیشین.

۹۵. روش اجرایی تکافل در مالزی، سودان و کشورهای دیگر.

۹۶. براساس مباحثه با احمد مظان ذوالکفلی، اثر فوق الذکر.

۹۷. رجوع شود به بند ۹(۱(a)) قانون بیمه ۱۹۹۶.

فصل ۱. خاستگاه‌ها و چگونگی پیدایش تکافل و بیمه □ ۷۷

۹۸. رجوع شود به ای جرج رجا، اصول بیمه، ویراست سوم (لندن: اسکات، فرسمن و شرکا، ۱۹۸۷)، صفحه ۷۱.

۹۹. برای جزئیات بیشتر رجوع شود به فصل دوم، حوزه عمل قراردادهای بیمه (براساس قانون غیرمدون). همچنین رجوع شود به *Amanah Raya Bhd v Jerneh Insurance Bhd* [۲۰۰۵] ۳ AMR ۹۳، CA.

تکافل و بیمه: ایده‌ی اصلی و اصول کلی

مقدمه

هدف اولیه بیمه ایجاد همکاری متقابل میان دو طرف است، که طی آن یکی از طرفین تعهد می‌کند که از طرف دیگر در برابر هرگونه خطر غیرقابل پیش بینی حمایت کند. براساس چنین توافقی طرفین چنین موافقت می‌کنند: یکی از طرفین از قبل مبلغ مشخصی را به عنوان حق بیمه به طرف دیگر می‌پردازد، و وی در مقابل تعهد می‌کند که در ازای دریافت حق بیمه طرف اول^۱ را در برابر هرگونه خسران یا آسیب تصادفی حمایت کرده و هرگونه خسارت وارده به خود شخص یا اموال وی را جبران نماید. در قرارداد بیمه طرف پرداخت کننده حق بیمه، بیمه گذار یا صاحب ورقه بیمه و طرف تعهد کننده برای جبران خسارات وارده، عامل بیمه نامیده می‌شود. مبلغ پرداختی از سوی بیمه گذار، حق بیمه و حادثه‌ای که وی در برابر آن بیمه می‌شود، خطر یا ریسک نامیده می‌شود.^۲

اصول حاکم بر بیمه‌ی تحت قانون غیرمدون، براساس اصول قانون موضوعه و قانون سنتی (قوانین مدون) تنظیم شده است، اما اجرای آنها بر اصل بهره یا سود استوار است.

ایده اصلی بیمه بر اساس قوانین اسلامی، تلقی بیمه به عنوان معامله مالی متقابل میان دو طرف است. براساس این معامله یکی از طرفین مسئولیت حمایت مالی از طرف دیگر، در برابر خطری تعریف شده را بر عهده می‌گیرد. براساس اصول مضاربه، در قرارداد بیمه،

عامل بیمه تعهد پرداخت خسارت در برابر هرگونه خسران یا زیان وارده را عهده‌دار می‌شود، اما در صورتی که در مدت زمان مورد توافق، خطر ذکر شده در بیمه نامه رخ ندهد، طرف بیمه گذار پس از سررسید قرارداد^۲، از حق دریافت کل مبلغ پرداختی مشارکتی (در بیمه عمر) و سود پرداختی به بیمه گذاران (پس از کسر هزینه‌ها^۳ در بیمه نامه‌های عمومی) و نیز سود حاصل از مبالغ پرداختی، برخوردار است.^۴ در چنین معامله‌ای عامل بیمه و شریک برای برخورداری از حمایت مالی، به طور متقابل به هم کمک می‌کنند.

قانون غیر مدون و قانون اسلامی در زمینه ایده کلی بیمه و اصول تنظیم قراردادهای آن، با هم تفاوت‌هایی دارند. در این فصل به تحلیل ایده‌های کلی و اصول قراردادهای بیمه و تفاوت‌های احتمالی موجود میان قانون غیرمدون و قانون اسلامی خواهیم پرداخت.^۵

۲-۱. ماهیت قراردادهای تکافل و بیمه

۲-۱-۱. ماهیت قراردادهای تکافل

قرارداد بیمه اسلامی با قراردادهای بیمه متداول متفاوت است. علت این تفاوت آن است که مبنای سیاست بیمه اسلامی مفهوم مضاربه، یعنی طرح مشارکت در سود و ضرر است، به علاوه چنین قراردادی باید فاقد هرگونه عنصر خلاف شرع باشد. اساس مخالفت دانشمندان مسلمان مخالف تصویب بیمه، دیدگاه‌ها و قضاوت‌های آنها در مورد فعالیت‌های بیمه‌ای متداولی است که عناصر غیر شرعی خاصی در آنها وجود دارد. امید بر آن است که بتوانیم در این کتاب الگویی از بعضی از جنبه‌های بیمه اسلامی ارائه دهیم که متفاوت از فعالیت‌های بیمه‌ای متداول باشد.

قرارداد بیمه عامل بیمه را به نحوی یک سویه متعهد می‌کند؛ یعنی عامل بیمه موظف به جبران هرگونه خسران یا آسیب وارده در خصوص موضوع بیمه نامه است. شریک در صورت عدم تمایل اجباری به ادامه پرداخت حق بیمه ندارد، اما بیمه گذار برای برخورداری از شرایط بیمه نامه باید حق بیمه خود را به طور پیوسته بپردازد. بر اساس قانون غیر مدون، در صورت توقف پرداخت حق بیمه از جانب بیمه گذار، مبالغ پرداختی

به عنوان جریمه ضبط نمی‌شود، بلکه به عنوان مبلغ بازخرید (فسخ بیمه نامه در برابر پول نقد) به وی بازگردانده خواهد شد.

مبنای الگوی اسلامی سیاست بیمه‌ای، اصول الهی همکاری متقابل و همبستگی است، همانگونه که خداوند آن را بدین مضمون ارج می‌نهد:

و تعاونوا علی البر و التقوی

... و با پرهیزکاری و تقوا با یکدیگر همکاری کنید.^۷

بیمه نامه‌ای که براساس اصول شریعت تنظیم شود شامل عنصر غیرشرعی ربا نیست، بلکه مبنای آن مضاربه (شیوه مالی مشارکت در سود و ضرر) است. در این معامله شریک حق بیمه‌ای را به عامل تکافل می‌پردازد، و وی با مبالغ جمع شده تجارتي را راه اندازی می‌کند. سپس منافع حاصله از این معاملات به همان صورت، به نسبت مساوی میان عامل و شریک تقسیم می‌شود.^۸

در الگوی اسلامی بیمه عمر، مالک اسمی، بهره‌ور مطلق نیست، وی تنها قیم و معتمدی است که موظف به دریافت منافع ناشی از بیمه نامه و توزیع آن در میان وارثان قانونی متوفی، بر اساس اصول میراث و وصیت است.^۹

در قرارداد بیمه، عامل برای شرکت کار می‌کند. بنابراین آنچه در اینجا پیشنهاد می‌شود این است که حقوق عامل از سهم منافع تجاری شرکت پرداخت شود. بنابراین حقوق عامل نباید از محل حق بیمه شریک پرداخت شود.

در قرارداد بیمه عمر، در صورت فوت بیمه‌گذار پیش از سررسید قرارداد، بهره‌ور می‌تواند مبالغ زیر را مدعی شود: کل مبلغ حق بیمه‌های پرداخت شده و سود حاصل از آنها، براساس شیوه مالی مضاربه، به علاوه مبلغی اضافه، مبلغ اهدایی شرکت از محل صندوق خیریه، با در نظر گرفتن وضعیت مالی بهره‌ور.^{۱۰} اما در صورتی که هنگام سررسید قرارداد بیمه‌گذار در قید حیات باشد، می‌تواند مبالغ زیر را از عامل بیمه مطالبه کند: کل مبلغ حق بیمه پرداخت شده و بخشی از منافع یا سود حاصل، براساس مفاد قرارداد.

در قرارداد بیمه همگانی هم عامل و هم شریک به خوبی می‌دانند که براساس اصل مسامحه^{۱۱}، مبالغ پرداختی شریک به صورت حق مشارکت به وی بازگردانده خواهد شد،

در عین حال شریک در صورت عدم وارد آمدن هرگونه خسارت در مورد موضوع قرارداد، از حق قانونی ادعا در خصوص بازپرداخت حق بیمه (پس از کسر هزینه‌های شرکت بر اساس شیوه مالی مضاربه) برخوردار است.^{۱۲} اما در صورت بروز هرگونه خسران یا آسیب در مورد موضوع قرارداد در زمان اعتبار آن، عامل به طور یکسویه موظف به پرداخت خسارت مورد توافق برای خسران یا آسیب موضوع قرارداد به بیمه‌گذار است.

فرد مدعی سود براساس قرارداد بیمه، باید از سود قابل بیمه در مورد موضوع قرارداد برخوردار باشد. طرفین قرارداد بیمه باید از صلاحیت قانونی برای ورود به قرارداد برخوردار باشند. منظور از صلاحیت قانونی بیمه‌گذار، عواملی نظیر عامل سن، و سلامت عقل و جسم و عوامل متعدد دیگر است.

۲-۱-۲. ماهیت قراردادهای بیمه

همان‌گونه که پیشتر بیان شد قرارداد بیمه، قرارداد مالی دو جانبه‌ای است که بر اساس آن یک طرف در مقابل دریافت مبلغ مشخصی به عنوان حق بیمه از طرف دیگر، وی را در برابر هرگونه خسارت پیش بینی نشده، از لحاظ مادی حمایت می‌کند. در قرارداد بیمه، طرفی که مسئولیت حمایت از دیگری را بر عهده می‌گیرد، عامل بیمه؛ طرف دیگر که حمایت از وی در مقابل خسارت تضمین می‌شود بیمه‌گذار؛ و مبلغی که از جانب بیمه‌گذار پرداخت می‌شود حق بیمه نامیده می‌شود.^{۱۳} حادثه پیش بینی نشده مورد توافق طرفین، خطرنامیده می‌شود.

«پو چو چای» معتقد است که بیشتر اصول قرارداد بیمه مشابه اصول اصلی اکثر انواع قراردادهای دیگر است. تنها تفاوت موجود میان قرارداد بیمه و دیگر قراردادهای آن است که انگیزه انعقاد قرارداد بیمه، حادثه‌ای خاص اما احتمالی است، که بر اساس آن عامل بیمه متعهد می‌شود که در صورت وقوع خسران یا آسیب احتمالی از بیمه‌گذار حمایت کند.^{۱۴} در قراردادهای دیگر، عنصر عدم قطعیت وجود ندارد. مگاری وی سی در پرونده اتحادیه حمایت پزشکی با مسئولیت محدود و وزارت بازرگانی^{۱۵} متوجه شد که ماهیت

قرارداد بیمه چنان است که باید پرداخت خسارت به بیمه‌گذار را در صورت وقوع حادثه‌ای خاص متعهد شود؛ حادثه‌ای که باید مشتمل بر عنصر عدم قطعیت باشد.

به همین ترتیب «چنل جی» در پرونده شرکت بیمه پرودنشال و ^{۱۶}IRC^{۱۶} خاطرنشان کرد، قرارداد بیمه در مقابل حق بیمه پرداختی، منافع بیمه‌گذار را در برابر وقوع حادثه حفاظت می‌کند؛ در عین حال چنین قراردادی باید مشتمل بر عنصر عدم قطعیت نیز بوده؛ و با هدف مقابله با خطر تنظیم شده باشد.^{۱۷} «کاتن ال جی» در دادگاه فرجام‌خواهی کستلین در برابر پرستون وارس^{۱۸} به طور مختصر بیان داشت که قرارداد بیمه، قراردادی برای تضمین بیمه‌گذار در مقابل زبانی است که در برابر خطر مورد بیمه حفاظت شده است.^{۱۹} به عبارت دیگر قرارداد بیمه، نوعی قرارداد پیش‌سنجی است که با هدف حفاظت از فرد در برابر خطر، منعقد می‌شود.^{۲۰}

قراردادی که براساس قانون غیرمدون تنظیم شده باشد، مستلزم سود است. به عنوان مثال، بیمه‌گذار پس از دستیابی به منافع قرارداد، مبلغ موافقت‌شده براساس قرارداد و مبلغی بهره را، براساس سیاست شرکت، دریافت می‌کند. هدف قرارداد بیمه حمایت مادی در برابر خطرات است. در هر قراردادی، حادثه خطرزا باید مشخص شود، اما امکان وقوع آن به صورت غیرقطعی باقی می‌ماند. به عبارت دیگر، چنین قراردادی مستلزم عنصری از عدم قطعیت است.^{۲۱} بهره‌ور قرارداد باید از سود قابل بیمه^{۲۲} در قرارداد برخوردار باشد. مالک اسمی منصوب شده از جانب طرف قرارداد غیرمسلمان در قرارداد بیمه، بهره‌ور مطلق است.^{۲۳} مبانی پایه حاکم بر قرارداد بیمه، تابع اصول کلی انعقاد قرارداد است. تنها تفاوت موجود آن است که قرارداد بیمه، عامل بیمه را موظف به برعهده گرفتن مسئولیت ارائه حمایت مادی و مالی از بیمه‌گذار در برابر هرگونه خطر غیر قابل پیش‌بینی در آینده می‌کند.

و سرانجام، قرارداد بیمه نوعی قرارداد همکاری متقابل و یگانگی است که طی آن بیمه‌گذار حق بیمه‌ای به عامل بیمه می‌پردازد؛ عامل بیمه می‌تواند بر حق بیمه‌های پرداخت شده سودی بیفزاید و همزمان مسئولیت حمایت مالی و مادی بیمه‌گذار را در برابر وقوع حوادث غیرقابل پیش‌بینی موضوع قرارداد، بر عهده گیرد.

۲-۲. حوزه عمل قراردادهای تکافل و بیمه

۲-۲-۱. حوزه عمل قراردادهای تکافل

حوزه عمل کلی قرارداد بیمه اسلامی بسیار گسترده و قابل انعطاف است. یکی از اهداف ایجاد حوزه عمل وسیع و انعطاف پذیری بالا، تداوم زندگی بی دغدغه در این جهان است، این هدف همساز با جمله زیر است:

ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة....

خداوند، در این دنیا و در جهان پس از مرگ به ما نیکی و سعادت عطا فرما.^{۲۴}

به رغم وسعت حوزه عمل و بالا بودن میزان انعطاف پذیری قرارداد بیمه اسلامی، شریعت محدودیت‌های خاصی را به منظور تذهیب معامله مقرر داشته است. به عنوان مثال، خداوند هرگونه تراکم سرمایه و ثروت و ثروتمند شدن از طرق غیرعادلانه را منع می‌کند. و بدین مضمون فرمان می‌دهد:

«لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض منکم»

«اموالتان را در میان خودتان به بیهودگی مصرف نکنید بلکه بگذارید در میانتان تجارت و خرید و فروش براساس حسن نیت متقابل برقرار شود.»^{۲۵}

محدودیت‌های اعمال شده بر قرارداد بیمه، از جانب شریعت را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: قرارداد بیمه نباید مشتمل بر هرگونه عنصر ربا در سرمایه گذاری یا دیگر فعالیت‌ها باشد.^{۲۶} ربا در اسلام کاملاً منع شده است زیرا در سطح شخصی منجر به ایجاد عادت خودخواهی، تنگ نظری، حرص و بدخواهی شده و ممکن است به ایجاد جامعه‌ای تیره بخت و متزلزل منجر شود.^{۲۷} خداوند به مومنان هشدار می‌دهد که عنصر ربا را وارد معاملات خود نکنند. ربا در آیه زیر منع شده است:

«احل الله البيع و حرم الربا»

«... خداوند تجارت را مجاز و ربا را منع کرده است...»^{۲۸}

در آیه زیر نیز خداوند به مومنان هشدار می‌دهد:

«یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا الربوا اضعافا مضاعفة»

«ای مومنان، ربا نخورید، مضاعف و افزوده شده...»^{۲۹}

بنابراین مبنای قراردادهای بیمه اصل مضاربه است، که جایگزینی برای اصل بهره با نرخ ثابت محسوب می‌شود.^{۳۰}

بر خلاف اصول قانون غیرمدون، مالک اسمی در قرارداد بیمه عمر، بهره‌ور مطلق نیست.^{۳۱} مالک اسمی تنها معتمدی است که وظیفه دریافت منافع قرارداد و توزیع آن در میان وراث قانونی متوفی (بیمه‌گذار)^{۳۲} براساس اصول قانونی میراث و وصیت را برعهده دارد.^{۳۳} مالک اسمی به عنوان معتمد چنین مسئولیتی را بر عهده می‌گیرد تا وارثان بیمه‌گذار از سهم منصفانه‌ای از منافع قرارداد برخوردار گردند.

قرارداد بیمه تنها زمانی قابل اجراست که هیچیک از اصول شریعت را نقض نکند. این اصل در قانون تکافل ۱۹۸۴ مالزی مورد تاکید قرار گرفته است:

«منظور از تجارت تکافل، تجارتی است که اهداف و عملکرد

آن مشتمل بر هیچگونه عنصر مغایر با شریعت نباشد.»^{۳۴}

هریک از افراد جامعه از حق ورود به قرارداد بیمه برخوردار است. اما در شرایط

خاصی شخص نمی‌تواند وارد چنین قراردادی شود. این شرایط عبارتند از:

اول. سن

براساس اصول کلی انعقاد قرارداد، صغیری که به سن پانزده سال (سن رشد) رسیده باشد، بدون تفاوت جنسیت^{۳۵}، از حق قانونی خرید قرارداد برخوردار است. اما صغیر یا کودک زیر پانزده سال به رغم برخورداری از حق قرارگرفتن تحت پوشش بیمه، تنها زمانی می‌تواند وارد قرارداد شود که قرارداد مذکور تحت نظارت کامل قیم وی و در جهت تامین منافع شخص غیربالغ باشد.

دوم. عدم صلاحیت عقلانی یا عدم تندرستی

شخصی که براساس تاییدیه پزشک، صلاحیت عقلی نداشته یا از سلامت جسمانی برخوردار نباشد نمی‌تواند وارد قرارداد بیمه شود.^{۳۶}

هدف از انعقاد قرارداد بیمه کسب منافع شخصی نیست؛ قرارداد بیمه معامله‌ای متقابل با هدف ایجاد همکاری متقابل میان طرفین قرارداد و ایجاد حس برادری و همبستگی میان آنان است. بنابراین قرارداد بیمه مبنای همکاری متقابل میان طرفین است، بدین معنا که بیمه‌گذار متعهد می‌شود که مبلغ حق بیمه را طی زمان اعتبار قرارداد بپردازد، در مقابل عامل بیمه موافقت می‌کند که مسئولیت تامین وجوه لازم برای حمایت از بیمه‌گذار در مقابل خطر یا خسران غیرقابل پیش‌بینی را برعهده گیرد. خداوند در قرآن مردم را به چنین همکاری متقابلی حکم می‌کند:

«و تعاونوا علی البر و التقوی»

«... و با پرهیزکاری و تقوا با یکدیگر همکاری کنید.»^{۳۷}

قرارداد بیمه در صورتی قابل اجرا است که توافق موجود در قرارداد براساس ترس از خطر مطلق در برابر موضوع قرارداد بیمه در برابر چنین خطری باشد. در صورتی که هریک از طرفین قرارداد بیمه به جای همکاری متقابل با هدف به دست آوردن سود وارد قرارداد شود، معامله از لحاظ اخلاقی و معنوی غیر قانونی و حرام است. بنابراین دو طرف قرارداد باید با صداقت و خلوص نیت در قلب خود متعهد باشند که از اصول همکاری متقابل پیروی کنند. این ویژگی در قرآن کریم چنین ارج نهاده شده است:

و تعاونوا علی البر و التقوی

... و با پرهیزکاری و تقوا با یکدیگر همکاری کنید.^{۳۸}

اصول بنیادین قرارداد بیمه باید تحت کنترل و نظارت مقامات دولتی و براساس قوانین شریعت باشد و هیچ موردی نباید بدون کنترل باقی بماند. هدف از این حرکت خردمندانه تضمین قانونیت و عدالت کلیه معاملات انجام شده توسط شرکت‌های بیمه است. تجارت‌های بیمه‌ای که در آنها شرکت‌های بیمه مسئولیت حمایت از بیمه‌گذار را

در برابر خسارات، آسیب‌ها و خطرات پیش بینی نشده آینده برعهده می‌گیرند امانت یا تراست نامیده می‌شوند. م. نجات الله صدیقی می‌گوید:

کلیه بیمه‌های مربوط به خطرات وارد بر حیات، اعضا و سلامتی باید انحصارا تحت نظارت دولت منعقد شوند.^{۳۹}

وی همچنین می‌افزاید:

بیمه مربوط به خطرات وارد بر پول و اموال نیز باید توسط دولت اداره شود.^{۴۰}

وی در پایان می‌گوید که تمام گونه‌های فعالیت بیمه‌ای باید تحت نظارت مقامات دولتی باشد.^{۴۱}

۲-۲-۲. حوزه عمل قراردادهای بیمه

اساس قرارداد بیمه، اصول کلی انعقاد قرارداد است. اما قطعاً قرارداد بیمه ویژگی‌هایی دارد که آن را از انواع دیگر قرارداد متمایز می‌سازد.

بیشتر قراردادهای تجاری ماهیتی دو جانبه دارند. هردو طرف به یک اندازه در خصوص اجرای قرارداد، به صورت تنظیم شده، مسئول هستند.^{۴۲} اما قرارداد بیمه، قراردادی یک جانبه است.^{۴۳} براساس قرارداد بیمه تنها عامل بیمه متعهد می‌شود که خواسته‌های بیمه‌گذار را تامین کند، اما بیمه‌گذار پس از پرداخت اولین حق بیمه، دیگر تعهد قانونی برای ادامه پرداخت حق بیمه ندارد.^{۴۴} اما اگر بیمه‌گذار بخواهد بر اساس قرارداد ادعایی را مطرح سازد، باید مبلغ حق بیمه را به صورت منظم بپردازد.^{۴۵}

قرارداد بیمه، قرارداد همکاری متقابل و همبستگی است. هدف از این قرارداد حمایت از بیمه‌گذار در برابر هرگونه خسران یا آسیب احتمالی است. این قرارداد تنها در صورتی قابل اجرا است که بهره‌ور یا بهره‌وران آن از سود قابل بیمه در مورد موضوع قرارداد برخوردار باشند. تمام قراردادهای بیمه ضرورتاً قرارداد پرداخت خسارت یا غرامت^{۴۶} نیستند. به عنوان مثال قراردادهای بیمه عمر (دراز مدت)، قرارداد حمایت در برابر سانحه هستند.^{۴۷} در Re-Caire^{۴۸} مشخص شد که در قرارداد بیمه عمر (دراز مدت) وظیفه عامل بیمه جبران خسران یا آسیب وارده به بیمه‌گذار نیست، بلکه وی موظف

است که در صورت وقوع حادثه خاص ذکر شده در موضوع قرارداد، یا فرا رسیدن سر رسید قرارداد، مبلغ مورد موافقت در قرارداد را به بیمه گذار پرداخت نماید. تاثیر چنین قراردادی دائم نیست، بلکه موقت است، بدین معنا که در صورت وقوع حادثه‌ای غیرمنتظره در خصوص موضوع قرارداد یا در صورت سر رسید قرارداد قابل اجرا است. موضوع قرارداد باید ارزش پولی داشته باشد.^{۴۹} به عنوان مثال خطر هتک حرمت اگرچه نوعی خطر است، اما قابل بیمه شدن نیست، چرا که چنین خطری را نمی‌توان با پول ارزش‌گذاری کرد. در صورتی که قرارداد بیمه با هدف جبران خسارت وارده به موضوع قرارداد غیر قانونی تنظیم شده باشد، قابل اجرا نیست.^{۵۰} به عنوان مثال اگر قرارداد با هدف تضمین پرداخت خسارت وارده به کالاهای قاچاق تنظیم شده باشد، موضوع قرارداد شامل عنصری از تدلیس باشد یا بیمه گذار تعمداً خطری را پدید آورد، قرارداد بیمه فاقد اعتبار خواهد بود.

به طور کلی، هریک از افراد جامعه از حق ورود به قرارداد بیمه برخوردار است. اما در شرایطی خاص، افراد خاصی از چنین حقی برخوردار نیستند، به عنوان مثال افراد زیر ده سال، افراد مجنون یا کسانی که از لحاظ جسمانی سالم نیستند، نمی‌توانند وارد چنین قراردادی شوند.

۳-۲. دیدگاه منطقی

۳-۱-۲. دیدگاه منطقی تکافل

قرارداد بیمه به معنی احتمال برخورداری از سود مادی نیست و قدرت اراده خداوند متعال را در زندگی، مرگ و سرنوشت فرد نادیده نمی‌انگارد؛ هدف چنین قراردادی دستیابی به رضای خدا از طریق مفهوم همیاری متقابل و همکاری، با هدف ارائه کمک مادی در مقابل خسران یا آسیب غیرقابل پیش بینی در آینده است. خداوند افراد را از تلاش برای غلبه بر مشکلات و موانع زندگی منع نمی‌کند. اما می‌توان اهداف اصلی انعقاد قرارداد بیمه را به صورت زیر خلاصه نمود:

قرارداد بیمه می‌تواند افراد خاصی را از خطرات مادی غیرقابل پیش بینی در آینده، که ممکن است موجب گرفتاری آنها در تنگنا یا ادبار شود، نجات دهد. پیامبر

اسلام (ﷺ) از امت خواسته است که برای حل مشکلات دیگران قدم پیش بگذارند. پیامبر (ﷺ) می‌فرماید:

عن ابی هريرة عن النبی (ﷺ) قال: من نفس عن مومن كربة من كرب الدنيا نفس الله عنه كربة من كرب يوم القيامة و من يسر على معسر يسر الله عليه في الدنيا و الآخرة.

...ابوهریره از پیامبر اسلام چنین نقل می‌کند: کسی که مومنی را از سختی دنیوی نجات دهد، خداوند وی را از یکی از سختیهای آخرت نجات می‌دهد. کسی که درد نیازمندی را تسکین دهد، خداوند دردهای دنیوی و اخروی وی را تسکین می‌دهد...^{۵۱}

قرارداد بیمه موجب کاهش فقر در جامعه و در عین حال تضمین زندگی آسوده برای بیمه‌گذار و بهره‌وران وی می‌شود. هرکسی ممکن است در نتیجه حادثه غیرقابل پیش بینی منجر به خسران یا آسیب، با محدودیت‌های مالی مواجه شود. برخورداری از قرارداد بیمه‌ای که فرد را در برابر چنین خطر آسیب یا خسرانی حمایت کند، موجب کاهش دشواری‌های مالی فرد می‌شود. بنابراین قرارداد بیمه، برخورداری بیمه‌گذار از زندگی آسوده یا امنیت مالی، حتی پس از بروز حوادث غیر قابل پیش بینی منجر به ضرر یا خطر تضمین می‌کند. به راستی خداوند درجمله زیر افراد را تشویق می‌کند که برای دستیابی به زندگی بهتر در این جهان و جهان آخرت بکوشند:

ربنا آتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة....

خداوندا، در این دنیا و در جهان پس از مرگ به ما نیکی و سعادت عطا فرما..^{۵۲}

برخورداری از قرارداد بیمه تضمین‌کننده توسعه همکاری متقابل و روح برادری در جامعه و گسترش همبستگی از طریق تلاش برای دستیابی به زندگی مرفه است. همچنین قانون تکافل ۱۹۸۴ هدف تجارت بیمه را بدین‌گونه مورد تأکید قرار می‌دهد:

«تکافل به معنای طرح برادری، همبستگی و همیاری متقابل است که شرایط کمک و همیاری مالی متقابل را در صورت نیاز برای شرکا فراهم می‌کند، و شرکا به طور متقابل موافقت می‌کنند که برای تامین این هدف مبالغی را به صورت مشارکتی پرداخت کنند.»^{۵۳}

به عنوان مثال، بیمه گذار قرارداد، مبالغی را به طور منظم به عامل بیمه (شرکت بیمه) پرداخت می‌کند، شرکت می‌تواند با این مبالغ سرمایه گذاری کرده و سودی به دست آورد. همزمان عامل بیمه تعهد می‌کند که امنیت مادی و مالی بیمه گذار را در برابر خسران، آسیب یا خطر غیرقابل پیش بینی تضمین کند. چنین همکاری مالی متقابلی حس برادری موجود میان طرفین قرارداد را تقویت کرده و همچنین ضامن رشد و خودکفایی اقتصادی در جامعه است. به علاوه خداوند نیز چنین همکاری متقابلی را توصیه می‌کند:

و تعاونوا علی البر و التقوی

... و با پرهیزکاری و تقوا با یکدیگر همکاری کنید.^{۵۴}

قرارداد بیمه موجب ایجاد جامعه‌ای خودکفا می‌شود. بنابراین قرارداد بیمه‌گذار را از لحاظ مادی و مالی در برابر هرگونه فاجعه، خسران یا آسیب حمایت می‌کند، و وجود حمایت مالی ضامن عدم وابستگی بیمه‌گذار به کمک و یاری دیگران در مواقع دشواری است. در این خصوص خداوند همواره آسان و راحت ساختن زندگی برای مردم را مد نظر داشته است. خداوند می‌فرماید:

یرید الله بکم اليسر و لا یرید بکم العسر

... خداوند هرگونه آسانی را برای شما می‌خواهد، اما

نمی‌خواهد شما در سختی‌ها بیفتید...^{۵۵}

اساس قرارداد بیمه اصل مضاربه است، بدین معنا که طرفین قرارداد با درصد مورد توافق در سود قرارداد سهیم می‌شوند، و در عین حال می‌کوشند که از ربا اجتناب کنند. معامله‌ای که بر اساس ربا باشد، همواره منجر به ایجاد بی عدالتی در جامعه تجاری می‌شود. ربا خواری تنها از جانب خداوند در قرآن کریم منع نشده است، ادیان دیگر نیز این عمل را نادرست می‌شمارند. پرویز امتیاز احمد (اقتصاددان اسلامی معاصر) می‌گوید که ارسطو ربا گرفتن را رد کرده است و کاتو در رد چنین عملی، آن را با ممنوع کشی برابر دانسته است.^{۵۶} در ۳۴۰ پیش از میلاد Lex Genucia اعلام کرد که رباخواری در رم

غیر قانونی است.^{۵۷} براساس آموزه‌های دین یهود، ربا تملک غیر عادلانه و خصمانه است. در ۱۳۱۱ پس از میلاد، پاپ کلمنت اعلام کرد که کلیه معاملات متضمن ربا ممنوع است؛ بنابراین وی به طور رسمی اعلام داشت که کلیه قوانین مصوب سکولار در تایید ربا، فاقد ارزش حقوقی هستند.^{۵۸} تا آنجا که به اسلام مربوط می‌شود، خداوند ربا خوردن را حرام دانسته است، چرا که این عمل آشکارا غیرعادلانه است. خداوند می‌فرماید:

یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا الربوا اضعافا مضاعفة

ای مومنان، ربا نخورید، مضاعف و افزوده شده...^{۵۹}

از سوی دیگر کارشناسان حقوقی اسلامی شیوه مالی مضاربه را معامله‌ای عادلانه می‌دانند که داد و ستد منصفانه‌ای را به جامعه ارائه می‌دهد و بهترین جایگزین برای معاملات غیر عادلانه ربا محور است.^{۶۰}

بسیاری از دانشمندان مسلمان، برداشت نادرستی از قرارداد بیمه عمر دارند، و تصور می‌کنند که معامله‌ای است که زندگی و سرنوشت فرد را تعیین می‌کند.^{۶۱} البته چنین برداشت نادرستی مستدل نیست. چرا که بیمه عمر معامله‌ای رفاهی با هدف جبران و حمایت مالی از فرزندان بداقبال متوفی (بیمه‌گذار) است که پس از مرگ وی تنها مانده‌اند. پیامبر اسلام (ﷺ) هم مردم را به تامین آینده فرزندان و تضمین حمایت مالی آنها در آینده توصیه می‌کرد.

عن عامر بن سعد بن ابی وقاص قال: قال رسول الله (ﷺ) ...
ان ترک و لدک اغنیاء خیر من ان تترکهم عالت یتکففون
الناس...

عامر بن سعد بن ابی وقاص از قول پیامبر (ﷺ) چنین نقل می‌کند: به درستی که بهتر آن است که فرزندان خود را (پس از مرگتان) ثروتمند باقی بگذارید نه فقیر و نیازمند به کمک دیگران.^{۶۲}

قرارداد بیمه عمر ضامن امنیت مالی بیوه و دیگر افراد تحت تکافل متوفی (بیمه گذار) در آینده است. پیامبر اکرم (ﷺ) نیز مردم را به تلاش برای تضمین امنیت بیوه زنان و فقرای جامعه تشویق می نمود. و می فرمود:

عن صفوان بن سلیم قال: قال رسول الله (ﷺ) الساعي على الارملة والمسكين كالمجاهد في سبيل الله او كالذي يصوم النهار و يقوم الليل...

صفوان بن سلیم از قول (ﷺ) چنین نقل می کند: کسی که از بیوه زنان و فقرا حمایت می کند مانند مجاهد راه خدا یا کسی است که تمام روز روزه می گیرد و تمام شب را به نیایش می گذراند...^{۶۳}

به علاوه قرارداد بیمه عمر ضامن امنیت مالی یتیمان در آینده است. حمایت از یتیمان نیز از سستهای پیامبر اسلام (ﷺ) بود، بر اساس روایت، پیامبر مردم را به حمایت از یتیمان توصیه می کند، تا در آخرت از شفاعت و حمایت برخوردار شوند. پیامبر می فرماید:

عن سهل بن سعد قال: قال رسول الله (ﷺ) انا و كافل اليتيم في الجنة هكذا و قال باصبعه السبابة و الوسطى

سهل بن سعد از قول پیامبر (ﷺ) نقل می کند که پیامبر در حالیکه انگشت اشاره و انگشت های میانی را به هم چسبانده بود فرمود: من و کسی که از یتیمی حمایت و امنیت او را تامین می کند، در بهشت چنین درکنار هم خواهیم بود.^{۶۴}

و سرانجام این که قرارداد بیمه منطبق نهاد خود را دارد، به این معنا که این قرارداد به طور کلی ضامن امنیت شخص در برابر خطری پیش بینی نشده است؛ همین امر می تواند دیگر اعضای جامعه را به شرکت در هرگونه معامله قانونی، بدون تعلل و ترس از مواجهه با زیان یا آسیب، تشویق نماید. خداوند همواره انسان ها را به شرکت در تجارت قانونی و مشروع تشویق می کند:

احل الله البيع و حرم الربا

... خداوند تجارت را مجاز و ربا را منع کرده است...^{۶۵}

۲-۳-۲. دیدگاه منطقی بیمه

بررسی خاستگاه فعالیت‌های بیمه‌ای و توسعه تدریجی آنها نشان می‌دهد که نیاز به بیمه در پی دریافت نیاز به حمایت جامعه در برابر خطرات غیر قابل پیش بینی پدید آمد.^{۶۶} مردم جامعه بدوی بابل تحت حمایت خانواده و قبیله خود بودند. بنابراین نیازی به بیمه نداشتند. پس از مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری، به دلیل نبود حمایت خانواده و قبیله در برابر خطرات، مردم احساس کردند که به قراردادهای بیمه نیاز دارند.^{۶۷} این حقیقت را نمی‌توان انکار کرد که قرارداد بیمه هم فرد و هم کلیت جامعه را در برابر خطرات غیر قابل پیش بینی مورد حمایت مادی قرار می‌دهد. مزیت اصلی نهان در قرارداد بیمه را می‌توان چنین خلاصه کرد: قرارداد بیمه، قراردادی است که با رضایت طرفین برای حمایت از یک طرف در برابر خطرات مادی غیر قابل پیش بینی در آینده، تنظیم می‌شود.^{۶۸} قرارداد بیمه به معنای تضمین جبران خسارت در صورت وارد آمدن زیان غیرقابل پیش بینی و هموار کننده راه همبستگی اجتماعی است. چرا که بیمه گذار با پرداخت پول به عامل (شرکت) بیمه، امکان سرمایه گذاری را برای وی فراهم می‌کند، و عامل بیمه تعهد می‌کند که در صورت وقوع خطری پیش بینی نشده، حمایت‌های مالی لازم را از بیمه گذار به عمل آورد.^{۶۹} بی شک چنین همکاری منجر به ایجاد حس برادری میان بیمه گذاران و عوامل بیمه، و نیز تمام اعضای جامعه می‌شود.

۲-۴. ویژگی‌های قراردادهای تکافل و بیمه

۲-۴-۱. ویژگی‌های تکافل

براساس آموزه‌های اسلامی، قرارداد بیمه باید از ویژگی‌های اساسی خاصی برخوردار باشد تا به رسمیت شناخته شود. این ویژگی‌های اساسی را می‌توان به چهار مقوله اصلی تقسیم‌بندی کرد:

اول. صداقت

لازمه ورود به هر قرارداد یا معامله‌ای صداقت و نیت خالص است، تا بدین ترتیب قرارداد مورد رضای خداوند باشد. خداوند می‌فرماید:

و ما امرؤ الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفا
و به آنها فرمانی داده نشده است مگر آنکه خداوند را پرستند
و صادقانه در راه او جانفشانی کنند.^{۷۰}

در سنت پیامبر آمده است:

قال رسول الله (ﷺ): انما الاعمال بالنيات و انما لكل امری
ما نوا.

از قول پیامبر (ﷺ) چنین نقل می‌کنند: پاداش اعمال به
نیات بستگی دارد و هرکسی پاداش عملش را براساس نیتش
می‌گیرد.^{۷۱}

به علاوه طرفین قرارداد بیمه باید صادقانه تنها به دنبال منافع خود نباشند، بلکه تعهد
آنها به معامله براساس اصول همکاری متقابل، همبستگی، و برادری و در جهت نجات
انسانی، از زیان‌ها و آسیب‌های پیش‌بینی نشده باشد. چراکه خداوند هیچگاه منافع مادی
را در نظر نمی‌گیرد بلکه به صداقت قلبی مخلوقات خویش توجه می‌کند. پیامبر (ﷺ)
می‌فرماید:

عن ابی هريرة قال: قال رسول الله (ﷺ) ان الله لا ينظر الى
اجسامكم و لا الى صوركم و لكن ينظر الى قلوبكم (رواه
مسلم).

ابو هریره از قول پیامبر (ﷺ) چنین نقل می‌کند: به راستی
که خداوند هیچگاه به جسم یا ظاهر شما نمی‌نگرد بلکه به
صداقت قلب شما توجه می‌کند...^{۷۲}

این امر در معامله بیمه که طرفین قرارداد باید با نیست اعتماد و ایمان به خداوند^{۷۳} وارد قرارداد شوند، تا با حمایت وی از هرگونه زیان پیش بینی نشده در آینده مصون بمانند نیز، صادق است. چرا که به طور کلی عامل بیمه تنها تعهد پرداخت خسارت ناشی از زیان یا آسیب وارد بر بیمه گذار را بر عهده می‌گیرد، اما مسئولیتی برای تضمین حمایت نهایی بر عهده وی نیست. زیرا خداوند تنها کسی است که از قدرت مطلق برای حمایت از کلیه مخلوقات جهان برخوردار است.

له ملک السموات و الارض یحی و یمیت و هو علی کل شیء
قدیر.

قلمرو آسمانها و زمین به او تعلق دارد: او زنده می‌کند و
می‌میراند: و بر همه چیز قادر است.^{۷۴}

دوم. اصول مطلقه شریعت

در صورت تناقض هریک از جنبه‌های معامله بیمه با اصول شریعت، آن معامله باطل است. بر اساس قانون تکافل ۱۹۸۴، قرارداد بیمه در صورتی قابل اجرا است که "اهداف و عملکرد آن در برگیرنده عنصری که مورد تایید شریعت نیست، نباشد."^{۷۵} بنابراین لازمه اعتبار قرارداد تکافل این است که هیچیک از جنبه‌های آن متضمن نقض آشکار یا ضمنی اصول شریعت نباشد. اسلام شیوه زندگی به رسمیت شناخته شده از سوی خداوند است^{۷۶}، بنابراین هر معامله‌ای (از جمله معامله بیمه) باید مطابق با اصول و قوانین الهی باشد. بنابراین معامله‌ای که مطابق با این اصول و قوانین الهی نباشد، غیر معتبر و باطل است. خداوند می‌فرماید:

و من یتتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه.

دین کسی که خواهان دین دیگری غیر از اسلام باشد، از
جانب خداوند پذیرفته نخواهد بود....^{۷۷}

سوم. ویژگی‌های اخلاقی

قراردادها و فعالیت‌های بیمه‌ای باید مطابق با قیود اخلاقی نیز باشد. به عنوان مثال، در قرارداد بیمه اسلامی، طرفین باید به اصول نهایت حسن نیت، صداقت، افشای حقایق و راستگویی پایبند باشند. این اصول را می‌توان با اصل الزامی زیر که در قرآن ذکر شده است، توجیه نمود. خداوند می‌فرماید:

لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل.

... اموالتان را در میان خودتان به بیهودگی مصرف نکنید...^{۷۸}

طرفین قرارداد بیمه نباید برای به دست آوردن چیزی حریص باشند، بلکه اهداف آنها باید بر اصل همکاری متقابل و نجات انسان‌ها از زیان یا فاجعه غیر قابل پیش بینی استوار باشد. این دیدگاه به موازات اصل الزامی زیر است:

و تعاونوا علی البر و التقوی

... و با پرهیزکاری و تقوا با یکدیگر همکاری کنید...^{۷۹}

۲-۴-۲. عناصر قرارداد بیمه

وجود عناصر زیر در معامله بیمه شریعت محور ضروری است:

طرفین قرارداد باید از صلاحیت قانونی لازم برای ورود به قرارداد بیمه برخوردار باشند. مراد از صلاحیت قانونی برای ورود به قرارداد، برخورداری از این شرایط است: رسیدن به سن قانونی؛^{۸۰} سلامت عقلی و جسمی. طرف سود برنده از قرارداد باید از سود قابل بیمه^{۸۱} در موضوع قرارداد برخوردار باشد. طرفین، متعهد به قرارداد یک جانبه‌ای هستند که بر اساس آن عامل بیمه در صورت رخداد آسیبی که در موضوع قرارداد مورد توافق قرار گرفته است به صورت یک جانبه مسئول جبران خسارات وارد بر بیمه‌گذار است. شریک باید اولین سهم خود را بپردازد. پرداخت مبالغ بعدی اجباری نیست، اما بیمه‌گذار تنها در صورتی از حق ادعای خسارت در خصوص قرارداد برخوردار می‌شود که آن را بپردازد. قرارداد در صورتی معتبر است که با رضایت طرفین؛ عامل بیمه و بیمه‌گذار، منعقد شده باشد. اصل قرآنی زیر ضرورت چنین نیازی را توجیه می‌کند:

لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض منكم.

اموالتان را در میان خودتان به بیهودگی مصرف نکنید بلکه بگذارید در میانتان تجارت و خرید و فروش براساس حسن نیت متقابل برقرار شود.^{۸۲}

قرارداد باید با پیشنهاد و پذیرش و انعقاد موافقت نامه رسمی میان عامل بیمه و بیمه‌گذار منعقد شود؛ مبنای شرایط قرارداد رعایت اصل نهایت حسن نیت و تبعیت از اصول شریعت است.^{۸۳} مدت اعتبار هر قراردادی باید پیش از امضای آن تعیین شده و در قرارداد ثبت شود.

اساس عملکرد قرارداد نباید اصل ربا باشد؛ بلکه باید بر اساس اصول مالی مضاربه عمل کند.^{۸۴} بر اساس اصل مضاربه طرفین قرارداد براساس نوع سیاست‌های شرکت، در منافع، سود پرداختی و سود سهام افزوده حاصل از مبالغ پرداختی (حق بیمه) شریک هستند.

۳-۴-۲. ویژگی‌های بیمه

ویژگی‌های قرارداد بیمه بدین صورت است که قرارداد بیمه باید به طور کلی تمام عناصر ضروری یک قرارداد معتبر را شامل شود.^{۸۵} مگاری وی سی در پرونده/اتحادیه حمایت پزشکی با مسئولیت محدود و وزارت بازرگانی^{۸۶} اظهار داشت که ورود به قرارداد بیمه مستلزم وقوع حادثه‌ای خاص اما غیر قطعی است. هدف از انعقاد قرارداد بیمه اجتناب از خطری صرف است. قرارداد باید ماهیتی یک جانبه داشته باشد،^{۸۷} بدین معنا که تنها عامل بیمه در برابر پرداخت خسارت ناشی از آسیب موضوع قرارداد به بیمه‌گذار مسئول است.^{۸۸} در صورتی که هریک از طرفین (عامل بیمه یا بیمه‌گذار) اصل نهایت حسن نیت^{۸۹} در قرارداد یا موضوع آن^{۹۰} را نقض کنند، قرارداد بیمه قابل اجرا نخواهد بود.^{۹۱} تامین منافع قرارداد امکان پذیر نخواهد بود مگر آن‌که بهره‌ور سود قابل بیمه‌ای در موضوع قرارداد داشته باشد.^{۹۲}

یکی از مبناهای اجرایی قرارداد بیمه، پرداخت حق بیمه است. در مقابل حق بیمه پرداختی، عامل بیمه تعهد می‌کند که بیمه‌گذار را در برابر خطرات پیش بینی نشده موضوع قرارداد حمایت کند. چنان نشان می‌دهد^{۹۳} که مبنای انعقاد هر قرارداد بیمه‌ای موقت است. هر قرارداد بیمه‌ای باید برای مدت زمان مشخصی منعقد شود. با پایان این زمان، اعتبار قرارداد هم پایان می‌یابد. به علاوه، قرارداد بیمه تنها در صورتی معتبر است که با هدف قانونی تنظیم شده و شامل هیچ عنصر غیر قانونی نباشد. طرفین قرارداد بیمه باید از صلاحیت قانونی برخوردار باشند، بنابراین فردی که از سلامت ذهنی برخوردار نباشد یا کودک زیر ده سال^{۹۴} نمی‌تواند از قرارداد بیمه برخوردار شوند. باید میان بیمه‌گذار و عامل بیمه نوعی هماهنگی ذهنی یا رضایت متقابل وجود داشته باشد. بنابراین قراردادی که بر اثر اجبار یا نفوذ بیش از حد یا تدلیس یا فریب کاری و تقلب تنظیم شود، ناقض اصل نهایت حسن نیت بوده و از لحاظ قانونی، قابل اجرا نیست.^{۹۵}

۲-۵. منابع قانونی موثر بر تکافل

قرارداد بیمه در صورتی به اعتبار خود باقی می‌ماند که هیچیک از جنبه‌های آن ناقض اصول شریعت نباشد.^{۹۶} بنابراین تک تک عناصر قرارداد بیمه اسلامی باید بر اساس شریعت باشد.^{۹۷} این بخش تلاشی برای تاکید بر منابع قرارداد بیمه اسلامی است؛ این منابع را می‌توان به سه دسته طبقه بندی کرد: منابع کلی، منابع قیاسی، و منابع خاص.

۲-۵-۱. منابع کلی

سرآغاز منابع کلی قانون اسلامی قرآن کریم و سنت پیامبر (ﷺ) است. این دو، دو منبع اصلی و اولیه قانون اسلامی هستند. منابع ثانویه قانون اسلامی باید کاملاً پیرو این دو منبع اولیه باشد. فرمان الهی زیر دال بر این امر است:

یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم
فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تومنون
بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تاویلا.

ای کسانی که ایمان آورده اید! خداوند را اطاعت کنید و پیامبر را و افرادی را از میان خودتان که دارای صلاحیت هستند. اگر اختلافی میانتان پدید آمد آن را نزد خداوند و پیامبرش ببرید، اگر به خداوند و روز قیامت ایمان دارید. این بهترین و مناسبترین عمل برای تعیین نهایی است.^{۹۸}

اول. قرآن کریم

پانصد آیه از آیات قرآن کریم به مساله الزامات قانونی می‌پردازد.^{۹۹} بی شک دستورات الهی بسیاری در قرآن وجود دارد که اعتبار قرارداد بیمه را توجیه می‌کند. یکی از عناصر قرارداد بیمه همکاری متقابل است.^{۱۰۰} این همکاری، تعهدی الزام آور است که بر اساس آن هم عامل بیمه و هم بیمه گذار متعهد به اجرای اصول کلی قرارداد هستند.^{۱۰۱} از دیگر عناصر قرارداد بیمه می‌توان تسکین اندوه و کاهش سختی‌ها، تامین امنیت مادی و مالی، و کمک به افرادی که با مخاطرات غیر قابل پیش بینی مواجه می‌شوند، از طریق تضمین زندگی راحت برای آنها را، نام برد.^{۱۰۲} کلیه عناصر نام برده شده در قرارداد بیمه با اصول قرآنی قابل توجیه است. بنابراین قرآن کریم راهنمای اصلی در ارائه توجیهی برای کاربرد قرارداد بیمه است. آیه قرآنی زیر دال بر این حقیقت است:

هذا بیان للناس و موعظة للمتقين

... این گزاره‌ای آسان برای انسان، و راهنما و دستورالعملی

برای خدا ترسان است...^{۱۰۳}

قیود بالا موقعیتی را در اختیار انسان قرار می‌دهد تا بدون نقض مستقیم یا غیرمستقیم قیود الهی، به فعالیت‌های بیمه‌ای بپردازد.

دوم. سنت

سنت پیامبر اسلام (ﷺ) دومین منبع اولیه قانون اسلامی است.^{۱۰۴} سنت‌های بسیاری وجود دارد که مؤید اعتبار مفهوم بیمه و مجاز بودن فعالیت‌های بیمه‌ای است. به عنوان

مثال، قرارداد بیمه نمایانگر مفهوم توکل است؛ هرکسی باید پیش از سپردن سرنوشت و آینده خود به دست خداوند، نهایت تلاش خود را برای غلبه بر مخاطرات غیر قابل پیش بینی آینده به کار برد. این مفهوم در یکی از سنت‌های پیامبر (ﷺ) به روشنی توجیه شده است:

عن انس بن مالک قال: قال رجل يا رسول الله (ﷺ) اعقلها و اتوكل؟ قال: اعقلها و توكل

انس بن مالک چنین نقل می‌کند که پیامبر (ﷺ) به عربی بدوی که بدون آن‌که شتر خود را با طناب ببندد، آن را به امید خداوند رها کرده بود، فرمود: ابتدا شتر را ببند، سپس آن را به خداوند بسپار...^{۱۰۵}

هدف از انعقاد قرارداد بیمه، حمایت از بیمه‌گذار در برابر محدودیت‌های مالی ناشی از وقوع خطری پیش بینی نشده در آینده است. ایده حمایت از افراد نیازمند (به کمک) در سنت زیر توجیه شده است:

عن ابی هريرة قال: قال رسول الله (ﷺ) من نفس عن مومن كربة من كرب الدنيا نفس الله عنه كربة من كرب يوم القيامة و من يسر على معسر يسر الله عليه في الدنيا و الآخرة (مسلم)

ابو هريره از قول پیامبر (ﷺ) چنین نقل می‌کند: کسی که مؤمنی را از سختی دنیوی نجات دهد، خداوند وی را از یکی از سختی‌های روز جزا نجات می‌دهد. کسی که دشواری‌های دیگری را تسکین دهد، خداوند تقدیر وی در دنیا و آخرت را آسان می‌سازد.^{۱۰۶}

قرارداد بیمه جنبه‌های اساسی دیگری نیز دارد که همگی در سنت پیامبر (ﷺ) توجیه شده‌اند، از میان این جنبه‌ها می‌توان به این حقیقت که خاستگاه قرارداد بیمه، سنت قدیمی عاقله در میان اعراب بوده است، اشاره کرد. پیامبر در زمان خود این اصل و سنت

را تایید نمود.^{۱۰۷} هدف قرارداد بیمه عمر تامین امنیت مالی فرزندان متوفی (بیمه گذار) پیش از وقوع حادثه است، این اصل نیز در یکی از سنت‌های پیامبر توجیه شده است:

عن عامر بن سعد بن ابی وقاص قال: قال رسول الله (ﷺ)
ان ترک و لدک اغنیاء خیر من ان تترکهم عالة یتکفون الناس
(البخاری)

عامر بن سعد بن ابی وقاص از قول پیامبر (ﷺ) چنین نقل می‌کند:

به درستی که بهتر آن است که فرزندان خود را (پس
از مرگتان) ثروتمند باقی بگذارید نه فقیر و نیازمند به کمک
دیگران...^{۱۰۸}

سوم. سیره صحابه

خاستگاه بیمه اصل عاقلة بود. در اواخر دوران خلافت خلیفه دوم، وی فرمان داد که در مناطق مختلف کشور، فهرست‌هایی از نام سربازان هم مسلک مسلمان تهیه شود. افرادی که نامشان در این فهرست‌ها بود، موظف به همیاری یا همکاری متقابل نسبت به یکدیگر بودند، و در صورت ارتکاب قتل نفس از سوی هریک از افراد قبیله خود، باید در پرداخت دیه مقتول مشارکت می‌کردند.^{۱۰۹} وی به این شیوه اصل عاقلة را به مورد اجرا گذاشت.

چهارم. اجتهاد و اجماع دانشمندان مسلمان

ایده، معنا، و ویژگی‌های قانونی قرارداد بیمه به صورت امروزی، اولین بار توسط وکیل حنفی مشهور، ابن عابدین (۱۷۸۴-۱۸۳۶) و احتمالاً در اوایل قرن نوزدهم مطرح شد. نظریه ابن عابدین چنین نقل شده است:

و از دیدگاه ما مساله‌ای که سوالات زیادی درباره آن مطرح
شده است قبلاً پاسخ داده شده است؛ وقتی تاجران کشتی‌هایی
را که تحت مالکیت تبعه‌های کشورهای متخاصم است، اجاره

کنند، باید علاوه بر کرایه کشتی مبلغ دیگری را نیز جداگانه به همان تبعه یا تبعه دیگری از کشور متخاصم بپردازند. مبلغ اخیر "سکرا" یا حق بیمه نامیده می‌شود و پرداخت آن بدین معناست که در صورت آتش گرفتن کالاهای غرق شدن کشتی، شخص دریافت کننده حق بیمه مسئول جبران خسارت وارده به تاجر است. یکی از عوامل آن شخص پس از کسب اجازه از دولت، حق بیمه را دریافت داشته و در شهرهای ساحلی سرزمین ما ساکن می‌شود. وی حق بیمه را به نمایندگی از روسای خود دریافت کرده و در صورت از بین رفتن کالاهای، کل مبلغ خسارت وارد بر بیمه گذار را به وی پرداخت می‌کند.^{۱۱۱}

از نظر مطرح شده در بالا می‌توان دریافت که تاجران براساس موافقت متقابل کشتی را از مالک آن اجاره کرده و مبلغی را نیز به عنوان سکرا (حق بیمه امروزی)، علاوه بر اجاره، به اجاره دار می‌پرداختند. مالک، در مقابل پرداخت سکرا، در صورت بروز هرگونه خطری، خسارت وارد بر تاجر (اجاره کننده کشتی) را به وی بازمی‌گرداند. نماینده منصوب صاحب کشتی، به نمایندگی از وی سکرا را دریافت کرده و در صورت لزوم خسارت مورد ادعای تاجر را به وی بازمی‌گرداند.

بنابراین، می‌توان این نظریه را مبنایی برای توجیه فعالیت بیمه اسلامی (تکافل) در دنیای امروز قلمداد کرد. به عنوان مثال، در تکافل، شرکا همانند تاجر نظریه بالا، مبالغ پرداختی شرکا همانند سکرا، و خسارت پرداخت شده در مقابل خطر همانند خسارت پرداختی در فعالیت‌های تکافل است. تفاهم متقابل میان تاجر و مالک کشتی نیز همانند توافق میان شرکا و عامل بیمه در قرارداد تکافل است.

مفتی محمد عبده نیز اعتبار فعالیت‌های بیمه‌ای را به طور کلی تایید کرده است.^{۱۱۲} در ۱۹۰۶، مفتی مصر، شیخ محمد بقیت هم ایده بیمه را به صورتی که از سوی ابن عابدین مطرح شده بود، پذیرفت.^{۱۱۳} جمعی از دانشمندان مسلمان نیز با ایده بیمه و اعتبار

فعالیت‌های بیمه‌ای مخالفتی نکرده‌اند، از میان دانشمندان معاصر می‌توان محمد موسی، احمد ابراهیم، خان محمد یوسف موسی، احمد طه سنوسی، عبدالرحمن عیسی، علی خفیف،^{۱۱۴} مصطفی احمد زرقا، و دکتر نجات الله صدیقی را نام برد. اما به رغم توافق موجود میان دانشمندان مسلمان بالا، عده‌ای از دانشمندان مسلمان معاصر بنابر دلایل خاص خود، از تایید و پذیرش بیمه، خصوصاً بیمه عمر اجتناب می‌کنند. آنها با عناصر غرر، ربا، و غیره مخالفت می‌کنند.^{۱۱۵} در فصل سوم به بررسی تأکیدی دیدگاه‌های مختلف علما در خصوص این مسأله خواهیم پرداخت.

۲-۵-۲. منابع قیاسی

منابع قیاسی نظیر قیاس، استحسان و استصحاب را می‌توان برای توجیه نظری و عملی بیمه به کار برد، مشروط بر آن‌که ناقض قیود قرآن کریم و سنت پیامبر (ﷺ) نباشد. خداوند به انسان‌ها توصیه می‌کند که در صورت لزوم، و تا حدی که برخلاف قرآن و سنت نباشد، به شیوه قیاسی تصمیم‌گیری نمایند.^{۱۱۶}

اول. المصالح المرسلة

قرارداد بیمه‌ای که امروز می‌شناسیم، با آنچه در زمان پیامبر اسلام (ﷺ) رایج بود، یکسان نیست. اما زندگی، نیازها و موقعیت انسان‌ها تغییر کرده است و چنین تغییراتی مستلزم یافتن شیوه‌های جدید بیمه‌ای است که متناسب با محیط در حال تغییر باشد. در حال حاضر یافتن راهی برای حمایت مادی از کسانی که در اثر زیان، آسیب یا خطر دور از انتظار از پای در آمده‌اند، ضروری است. بنابراین، وجود بیمه برای تامین منافع کل جامعه ضروری است؛ بیمه ابزار نجات قربانی از خطری پیش‌بینی نشده است. به علاوه بیمه به واسطه اصل المصالح المرسلة توجیه پذیر است. اگرچه اساس فعالیت عملی بیمه را می‌توان بر اصل مذکور گذاشت، اما اعتبار آن همچنان در گرو پیروی از اصول الهی ذکر شده در قرآن کریم و سنت پیامبر (ﷺ) است. یکی از جنبه‌های مهم بیمه اجرایی

بر محور اصل المصالح المرسله تضمین بر خورداری از زندگی راحت است؛ همان گونه که آیه زیر نشان می دهد، بر خورداری از آسایش در زندگی خواسته خداوند نیز هست:

یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر

خداوند هر گونه آسانی را برای شما می خواهد، اما نمی خواهد شما در سختی ها بیفتید...^{۱۱۷}

دوم. عرف

عرف به معنای رسم، شیوه یا رویه جامعه است. عرف نیز می تواند توجیهی برای موضوعی خاص باشد، مشروط بر آن که مغایرتی با قیود الهی نداشته باشد. خاستگاه ابتدایی اندیشه فعالیت های بیمه اسلامی سنت قبیله ای عاقله در میان اعراب بود، که در اختلافی که میان دو زن از قبیله هذیل رخ داد، مورد تأیید پیامبر اسلام (ﷺ) قرار گرفت.^{۱۱۸} بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که عرف عاقله رایج در میان قبایل عرب بدوی و تأیید آن از جانب پیامبر اسلام (ﷺ)، توجیهی است بر وجود قرارداد بیمه در اسلام.

سوم. فقه

در فقه قراردایی در خصوص فعالیت های بیمه ای وجود دارد. به عنوان مثال سید سابق در کتاب خود با عنوان فقه السنه به بحث در خصوص اعتبار قراردادهای بیمه می پردازد. مبنای قرارداد بیمه اصول کلی عقد، مضاربه، وکالت و شراکت است؛ کلیه این اصول به تفصیل در کتاب سید سابق مورد بحث قرار گرفته است.^{۱۱۹} منابع فقهی بسیاری وجود دارد^{۱۲۰} که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، و کلی یا جزئی به بررسی مسائل مرتبط با بیمه می پردازد.

چهارم. آثار مرتبط دانشمندان مسلمان

دانشمندان مسلمان بسیاری از اعتبار بیمه و نیز روال اصلی و راه حل‌های اجرایی آن، حمایت کرده‌اند. به عنوان مثال در ۱۹۸۲ عبدالله بن جید المحمود کتابی با عنوان /حکام عقوده التامین و مکان‌ها من شریعة الدین، در مورد بیمه نوشت؛ در ۱۹۸۹ سعد ابو زید کتاب التامین بین الخاطور و الایبهات را منتشر کرد؛ و در ۱۹۸۴ مصطفی احمد زرقا نظام التامین را نوشت. در ۱۹۶۹ دکتر محمد مصلح الدین بیمه و قانون اسلامی را نوشت و در ۱۹۸۵ دکتر نجات الله صدیقی بیمه در اقتصاد اسلامی را منتشر نمود. در ۲۰۰۶ دکتر عبدالستار عبدالقوده کتابی در مورد تکافل نوشت که در عربستان سعودی منتشر شد. مقالات متعددی نیز توسط دانشمندان مسلمان نوشته شده است. یکی از نمونه‌های این مقالات، مقاله پروفیسور شامیر منکابادی است که در ۱۹۸۹ با عنوان بیمه و قانون اسلامی در نشریه قانون عرب منتشر شد. پروفیسور ای. کلینگمولر مقاله‌ای با عنوان مفهوم و توسعه بیمه در کشورهای اسلامی نوشت که در ۱۹۶۹ در فرهنگ اسلامی منتشر شد؛ این‌ها نمونه از مقاله‌ای است که توسط دانشمندی غیر مسلمان نوشته شده است. آثار منتشره دانشمندان دال بر اعتبار فعالیت‌های بیمه‌ای در جهان معاصر اسلام است.

پنجم. آراء مجلس

در جهان امروز، شرکت‌های بیمه شریعت محور بسیاری تأسیس شده و در حال فعالیت هستند- تعدادی از این شرکت‌ها در مالزی، سودان، بروئی، قطر و عربستان سعودی واقع شده‌اند. شرکت‌های بیمه اسلامی مذکور براساس لوایح و قوانین شریعت محور مصوب در مجلس کشور متبوع خود، تأسیس شده و فعالیت می‌کنند. یکی از نمونه‌های روشن این لوایح و قوانین، قانون تکافل ۱۹۸۴ (قانون ۳۱۲) است؛ نمونه‌ای از قانون مصوب مجلس با هدف نظارت بر فعالیت‌های بیمه‌ای شریعت محور در مالزی.

ششم. قوانین هیئت نظارت بر امور شریعت

هر شرکت بیمه شریعت محور، تحت نظارت شورا یا هیئتی به نام هیئت نظارت بر امور شریعت است. وظیفه این هیئت نظارتی، نظارت بر کلیه فعالیت‌های بیمه اسلامی آن شرکت و تضمین تطابق فعالیت‌های بیمه با اصول الهی است. به عنوان فعالیت‌های تکافل در مالزی، بر اساس بند ۵۸(b) (قانون تکافل ۱۹۸۴)، تحت نظارت شورای نظارت بر امور شریعت است.^{۱۲۱} یکی از وظایف شورای نظارت بر امور شریعت در سودان، نظارت بر فعالیت‌های بیمه در کشور است. قوانین شورای نظارت بر امور شریعت توسط بانک اسلامی فیصل سودان منتشر شده و به تصویب مجلس رسیده است.

هفتم. رویه‌های قضایی

رویه‌های قضایی یکی از منابع اصلی قانون بیمه و چگونگی اجرای آن هستند. بعضی از دانشمندان مسلمان دیدگاه‌های خاصی را در مورد موضوعات مختلف مربوط به قرارداد بیمه و چگونگی عملکرد آن مطرح کرده‌اند. کاربرد این دیدگاه‌ها می‌تواند در تنظیم فعالیت‌های بیمه اسلامی مؤثر باشد. به عنوان مثال دیدگاه ابن عابدین، بعدها به صورت رویه‌ای قضایی در آمد که در توصیه‌های مفتی‌ها به بخش‌های دولتی و سازمان‌های مختلف بیمه‌ای انعکاس یافت.^{۱۲۲}

مفتی محمد عبده بارها در گفته‌های خود اعتبار قرارداد بیمه و فعالیت‌های بیمه‌ای را تأیید نمود.^{۱۲۳} علاوه بر رویه‌های قضایی تنظیم شده توسط دانشمندان مسلمان، نوع دیگری از رویه قضایی نیز وجود دارد که توسط دادگاه‌های امروزی مرتبط با فعالیت‌های بیمه‌ای، تنظیم شده است.^{۱۲۴} این رویه‌ها نیز منبعی معتبر برای قانون بیمه محسوب می‌شوند.

هشتم. تصمیمات مشترک دانشمندان مسلمان

در همایش‌های متعددی که با موضوع بیمه اسلامی در سراسر جهان برگزار شده است، دانشمندان مسلمان به اتفاق در مورد اعتبار فعالیت‌های بیمه‌ای پیرو الگوهای شریعت محور، به توافق رسیده‌اند. در زیر به برخی از این همایش‌ها اشاره می‌کنیم:

- هفته فقه اسلامی در دمشق، ۱-۶ آوریل ۱۹۶۱؛^{۱۲۵}
- سمینار برگزار شده در مراکش، ۶ می ۱۹۷۲ که اعتبار کلیه فعالیت‌های بیمه‌ای به استثنای بیمه عمر را تایید نمود؛^{۱۲۶}
- دومین همایش دانشمندان مسلمان در قاهره، ۱۹۶۵؛^{۱۲۷}
- همایش حقوق اسلامی، لیبی، ۶-۱۱ می ۱۹۷۲؛^{۱۲۸}
- اولین همایش بین المللی اقتصاد اسلامی، مکه، ۲۱-۲۶ فوریه ۱۹۷۶؛^{۱۲۹}
- همایش اسلامی، مکه، اکتبر ۱۹۷۶؛^{۱۳۰}
- اولین نشست بین المللی بیمه اسلامی، دبی، ۱۱ نوامبر ۱۹۹۶؛ و
- نشست بین المللی لابوان در موضوع تکافل (بیمه اسلامی)، لابوان، مالزی، ۱۹-۲۰ ژوئن ۱۹۹۷.
- دومین همایش آسیایی تکافل، ۲۶-۲۷ مارس ۲۰۰۷، سنگاپور.

۳-۵-۲. منابع خاص

یک. اصول قرارداد

قرارداد بیمه طرفین را به صورت یک جانبه، طی فرآیند پیشنهاد و پذیرش و با تکیه بر اصول قرارداد متعهد می‌سازد. عناصر ضروری قرارداد بیمه عبارتند از طرفین قرارداد، صلاحیت قانونی طرفین، پیشنهاد و پذیرش، وجه التزام، موضوع قرارداد، سود قابل بیمه و حسن نیت؛ بیشتر این موارد در قراردادهای کلی نیز یافت می‌شود. به عنوان مثال، همانگونه که خداوند به این مضمون فرمان می‌دهد، قرارداد قولی است مستلزم پیشنهاد و پذیرش که باید به انجام برسد:

یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود

ای کسانی که ایمان آورده اید! به قول خود وفا کنید.^{۱۳۱}

صلاحیت قانونی ناشی از سن طرفین قرارداد بیمه نیز باید مورد توجه قرار گیرد. صغیر زیر ۱۵ سال (که به سن رشد نرسیده باشد) نمی تواند قراردادی ببرد، مگر آن که قیم وی مسئولیت نظارت بر قرارداد را بر عهده بگیرد و انعقاد قرارداد به نفع صغیر باشد.^{۱۳۲} براساس تکافل سیسوا (Takaful Siswa) که توسط Takaful Malaysia Bhd اجرا می شود، کودکی که سنش بین پانزده روز تا سن رشد باشد می تواند تحت نظارت قیم خود، از قرارداد تکافل تحصیلی برخوردار شود.^{۱۳۳} این روش عملی را می توان براساس آیه قرآنی زیر توجیه نمود:

و ابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشدا فادفعوا علیهم اموالهم و لا تاكلوها اسرافا.

سرپرستی اموال یتیمان را تا رسیدن به سن ازدواج بر عهده بگیرد؛ چون در آن هنگام دریافتید که از قدرت قضاوت منطقی برخوردار شده اند، اموالشان را به خودشان واگذار کنید؛ اما آن را مسرفانه مصرف نکنید.^{۱۳۴}

الزام برخورداری از حداقل سن صلاحیت قانونی برای طرفین قرارداد، در همه قراردادهای یکسان است. بنابراین اصول بالا و دیگر اصول مرتبط با کلیه قراردادهای بیمه نیز به مورد اجرا گذاشته شود.

دو. اصول تعهد

قرارداد بیمه خسارات ناشی از مرگ، تصادف، فاجعه و دیگر خسارات وارد بر زندگی، اموال یا کسب و کار افراد را تحت پوشش قرار می دهد. عامل (شرکت) بیمه در قرارداد تعهد می کند که بر اساس موضوع قرارداد مورد توافق، هرگونه خسارت وارده را جبران کند. چنین تعهدی، مسئولیت نیابتی محسوب می شود. به عنوان مثال بر اساس اصل عاقله که در میان قبایل عرب بدوی رواج داشت و بعدها مورد تایید پیامبر (ﷺ) قرار گرفت،

اگر عضوی از یک قبیله عضوی از قبیله دیگر را اشتباهاً یا از روی سهل‌انگاری و مسامحه به قتل برساند، اعضای قبیله قاتل موظف هستند که خونبهای مقتول را به وارثان وی بپردازند.^{۱۳۵}

به علاوه حقوق و تعهدات قرارداد بیمه عمدتاً بر پایه قانون قرارداد و خسارت است. به عنوان مثال در حادثه تصادف رانندگی، عامل (شرکت) بیمه به نمایندگی از عامل تصادف (بیمه‌گذار) مسئول جبران خسارات وارده به قربانی است. بر اساس اصول مسئولیت نیابتی در قانون خسارت، عامل بیمه برپایه شرایط مقرر در قرارداد بیمه، موظف به پرداخت خسارات وارده است.

سه. اصل نهایت حسن نیت

لازمه اجرای قرارداد بیمه، حسن نیت طرفین قرارداد است. بنابراین عدم افشای حقایق مادی، دست اندر کار فعالیت‌های فریب کارانه بودن، تدلیس و اظهارات نادرست از سوی هریک از طرفین موجب ابطال قرارداد بیمه می‌شود. خداوند می‌فرماید:

لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض
منکم.

اموالتان را در میان خودتان به بیهودگی مصرف نکنید بلکه
بگذارید در میانتان تجارت و خرید و فروش براساس حسن
نیت متقابل برقرار شود.^{۱۳۶}

چهار. اصول میراث و وصیت

در قرارداد بیمه عمر، بیمه‌گذار (مسلمان) فردی را به عنوان مالک اسمی تعیین می‌کند، اما این فرد نباید بهره‌ور مطلق باشد. این حکم در ۱۹۷۲ طی فتوای جانشینی و وصیت شورای ملی امور مذهبی مسلمانان در مالزی^{۱۳۷} و نیز در رأی پرونده /متول حبیب و مسرت پروین^{۱۳۸} در ۱۹۷۴، اعلام گردید. بر اساس فتوا و رأی مذکور اعلام شد که مالک اسمی در قرارداد بیمه عمر بیمه‌گذار مسلمان، تنها معتمدی است که منافع قرارداد را

دریافت کرده و براساس اصول میراث و وصیت میان وارثان متوفی توزیع می‌کند.^{۱۳۹} فتوا و رأی بالا در قانون بیمه ۱۹۹۶ مالزی ارزش قانونی یافته و در اول ژانویه ۱۹۹۷ به مورد اجرا گذاشته شد. بر اساس بند ۱۶۷ (۱) این قانون: «مالک اسمی، به استثنای مالک اسمی ذکر شده در زیربند ۱۶۶ (۱)، باید پس از فوت صاحب قرارداد مبالغ قابل پرداخت قرارداد را به عنوان عامل دریافت دارد، نه بهره‌ور مطلق و هر مبلغ پرداختی به مالک اسمی بخشی از دارایی صاحب قرارداد متوفی محسوب شده و بدهی‌های وی را نیز شامل می‌شود و عامل رسمی بیمه پس از پرداخت مبالغ قرارداد، از هرگونه مسئولیتی معاف خواهد بود.»

از این مصوبه می‌توان نتیجه گرفت که مالک اسمی در قرارداد بیمه عمر بیمه‌گذار مسلمان، تنها عامل اجرایی است و بهره‌ور مطلق قرارداد محسوب نمی‌شود.

پنج. اصول وکالت (نمایندگی)

انتصاب نماینده‌ای از سوی عامل بیمه و واسطه‌ای از سوی بیمه‌گذار از اهمیت بسیاری برخوردار است. در حقیقت، چنین انتصابات، که هدف کارآمد سازی معامله میان عامل بیمه و بیمه‌گذار را دنبال می‌کند، کاربرد وسیعی دارد. اصول حاکم بر (انتصاب) نماینده و واسطه در مجله چنین ذکر شده است:

وکالت یعنی فرد امور خود را به دیگری واگذار کرده و وی را در آن امر، نایب و نماینده خود سازد.^{۱۴۰}

شش. اصول ضمان (تضمین)

در قرارداد بیمه، عامل بیمه متعهد می‌شود که بیمه‌گذار را در مقابل خطرات و آسیب‌های غیر قابل پیش‌بینی در آینده، از لحاظ مالی حمایت کند. اندیشه چنین پشتیبانی را می‌توان با استفاده از اصل "ضمان" در قانون اسلامی توجیه نمود.^{۱۴۱} بر اساس دیدگاه‌های فقهی، بیمه را تنها می‌توان به عنوان زیرمجموعه‌ای از "ضمان" طبقه‌بندی نمود؛ چنین تعریفی از بیمه مستلزم حاکمیت شرایط خاصی است. یکی از شرایط لازم این است که ضمانت‌کننده تنها می‌تواند تعهد (خسارتی) را بپذیرد که متوجه خود شخص یا اموال وی شده

باشد یا احتمال وقوع آن برود.^{۱۴۲} بنابراین ضمان یا ضمانت تنها قابل پرداخت به قربانی (بیمه گذار) است، در صورت فوت بیمه گذار ضمان به وراث قانونی وی و به نسبت سهم هریک از ارثیه، پرداخت می‌شود.^{۱۴۳}

هفت. اصول مضاربه و مشارکت

اساس عملکرد قراردادهای بیمه شریعت محور اصول طرح سرمایه گذاری مضاربه است؛ در واقع مضاربه جایگزینی برای معاملات بهره محور امروزی است.^{۱۴۴} در قرارداد مالی مضاربه، یک طرف سرمایه را تامین می‌کند و طرف دیگر با مهارت‌های تجاری خود آن را به کار می‌اندازد، و طرفین به صورت دو جانبه توافق می‌کنند که به صورت ذکر شده در قرارداد، در سود به دست آمده سهیم شوند.^{۱۴۵} اما قرارداد بیمه معامله‌ای است که بر اساس آن طرفین توافق می‌کنند که بیمه گذار حق بیمه‌ای را به صورت منظم بپردازد، و عامل بیمه با حق بیمه‌های پرداختی، در تجارتی قانونی سرمایه گذاری کند، بیمه گذار و عامل بیمه به نسبتی توافقی در سود این سرمایه گذاری شریکند. هم‌زمان عامل بیمه متعهد می‌شود که (در مقابل پرداخت حق بیمه) خسارت هرگونه زیان یا آسیب غیر قابل پیش‌بینی وارد بر موضوع قرارداد در آینده را به بیمه گذار پرداخت نماید. عملکرد اصل مالی مضاربه در قرارداد بیمه چنین است.

اساس دیگر عملکرد قرارداد بیمه، اصل مشارکت است، بدین معنا که عامل بیمه و بیمه گذاران در قرارداد مورد اجرای شرکت بیمه سهیم هستند.^{۱۴۶}

هشت. اصول حقوق و تعهدات

اساس قرارداد بیمه، اصول حقوق و تعهدات برخاسته از انسانیت و طبیعت است. به عنوان مثال، طبیعی و منطقی است که هریک از افراد جامعه تامین امنیت مالی و حمایت در برابر خطرات غیر قابل پیش‌بینی را به عنوان حق خود، اموال و خانواده اش، و نیز برای فقرا و نیازمندان، بیوه زنان و کودکان، ضروری بدانند. این تعهد و حق طبیعی را می‌توان با سنت زیر به خوبی توجیه نمود:

عن سعد ابن ابی وقاص قال: قال رسول الله (ﷺ) ... ان ترک ولدک اغنیاء خیر من ان تترکهم عالة یتکفون الناس...
 عامر بن سعد بن ابی وقاص از قول پیامبر (ﷺ) چنین نقل می‌کند: به درستی که بهتر آن است که فرزندان خود را (پس از مرگتان) ثروتمند باقی بگذارید نه فقیر و نیازمند به کمک دیگران...^{۱۴۷}

همچنین پیامبر (ﷺ) در سنت زیر بر اهمیت تامین امنیت مالی بیوه زنان و افراد تحت تکافل آنها تاکید می‌کند:

عن صفوان بن سلیم قال: قال رسول الله (ﷺ) الساعی علی الارملة والمسکین کالمجاهد فی سبیل الله او کالذی یصوم النهار و یقوم اللیل...

صفوان بن سلیم از قول پیامبر (ﷺ) چنین نقل می‌کند: کسی که از بیوه زنان و فقرا حمایت می‌کند مانند مجاهد راه خدا یا کسی است که تمام روز روزه می‌گیرد و تمام شب را به نیایش می‌گذراند...^{۱۴۸}

نه. اصول حقوق بشر

یکی از اهداف حقوق بشر ایجاد درک متقابل در جامعه و حمایت افراد در مقابل زیان، آسیب، یا دیگر اشکال خطر یا دشواری‌های پیش بینی نشده است. قرارداد بیمه منجر به تخفیف دشواری‌ها و نجات افراد از خطرات مادی غیر قابل پیش بینی می‌شود؛ بی‌شک چنین هدفی در گستره اصول حقوق بشر جای می‌گیرد. سنت زیر این امر را توجیه می‌کند:

عن ابی هريرة عن النبی (ﷺ) قال: من نفس عن مومن کربة من کرب الدنیا نفس الله عنه کربة من کرب یوم القیامة و من یسر علی معسر یسر الله علیه فی الدنیا و الآخرة.

... ابوهریره از پیامبر اسلام چنین نقل می‌کند: کسی که مومنی را از سختی دنیوی نجات دهد، خداوند وی را از یکی از سختی‌های آخرت نجات می‌دهد. کسی که درد نیازمندی را تسکین دهد، خداوند دردهای دنیوی و اخروی وی را تسکین می‌دهد...^{۱۴۹}

ده. اصول همکاری دو جانبه

در قرارداد بیمه، عامل بیمه و شریک (بیمه‌گذار) به صورت دو جانبه برای آغاز همکاری قانونی با یکدیگر توافق می‌کنند، بر اساس این توافق شریک (از طریق پرداخت سهم خود) سرمایه‌ای در اختیار عامل (شرکت بیمه) قرار می‌دهد، بدین ترتیب عامل بیمه می‌تواند (براساس اصل مضاربه) با مبالغ جمع شده، در تجارتي قانونی سرمایه‌گذاری کند. هم‌زمان عامل بیمه به صورت دوجانبه می‌پذیرد که در مقابل پرداخت مبالغ (حق بیمه)، در صورت وارد آمدن هرگونه زیان یا آسیب یا بروز هرگونه خطری بر موضوع قرارداد، خسارت وارده را به بیمه‌گذار پرداخت نماید. همکاری متقابل میان طرفین قرارداد بیمه با اصول الهی همکاری متقابل، همبستگی و برادری قابل توجیه است.^{۱۵۰} خداوند می‌فرماید:

و تعاونوا علی البر و التقوی

... و با پرهیزکاری و تقوا با یکدیگر همکاری کنید.^{۱۵۱}

۶-۲. منابع قانونی موثر بر بیمه

به طور کلی می‌توان منابع قانون بیمه را به پنج مقوله زیر طبقه‌بندی نمود:

۱-۶-۲. قوانین مصوب

یکی از منابع قانون بیمه، قوانین مصوب مجلس یا هر نهاد قانون گذار معتبر دیگر است. بیشتر فعالیت‌های بیمه‌ای عصر حاضر تحت نظارت قوانین مصوب است. فعالیت‌های بیمه‌ای در کشورهای اروپایی تحت نظارت هم‌زمان دولت مرکزی و محلی است. مالزی قانون بیمه مستقلی دارد که در ۱۹۶۳، طبق بند ۵ قانون مدنی ۱۹۵۶ به مورد اجرا در آمد،^{۱۵۲} اما قوانین انگلستان همچنان در فعالیت‌های بیمه‌ای محلی به کار برده می‌شود. علاوه بر قانون بیمه ۱۹۹۶، مواد مرتبط دیگر موجود در نظامنامه‌های دیگر مالزی نیز بر صنعت بیمه در این کشور حاکم است. از میان این نظامنامه‌ها می‌توان قانون قراردادهای ۱۹۵۰، قانون مدنی ۱۹۵۶ و قانون حمل و نقل جاده‌ای ۱۹۸۷ را نام برد.

۲-۶-۲. اصول قرارداد

قرارداد بیمه در اصل تابع اصول کلی انعقاد قرارداد است.^{۱۵۳} قرارداد بیمه معتبر باید دارای شرایط زیر باشد: برخورداری طرفین قرارداد از صلاحیت قانونی، پیشنهاد، پذیرش، وجه التزام (پرداخت حق بیمه)، مدت اعتبار و شرایط^{۱۵۴} - یعنی ضروریات هر نوع قرارداد معتبر.

۳-۶-۲. اصول تعهد^{۱۵۵}

در بعضی از موارد، قرارداد بیمه متکی بر قوانین تعهد نیز هست. در موارد به خصوص، قراردادهای خاصی نظیر قرارداد بیمه عمر، حوادث شخصی و تصادفات اتومبیل، تابع قانون خسارت نیز هستند. به عنوان مثال راننده‌ای که در اثر تصادف جاده‌ای تصادفی و غیر عمدی به عابری برخورد کرده و موجب فوت وی شود، پس از طرح شکایت از سوی وارثان متوفی، مشمول قوانین مربوط به صدمه و خسارت خواهد بود، نه قانون جزایی.

۴-۶-۲. اصل عمل به روال همیشگی

در انگلستان بر اساس آراء قضایی صادره، پیکره‌ای از قوانین با عنوان قانون غیر مدون وضع شده بود که از قرن دوازدهم تاکنون نافذ بوده است.^{۱۵۶} اساس قانون غیر مدون دعوی‌ها یا آراء دادگاه انگلستان است. احکام صادره در این موارد برای دادگاه‌های سطوح پایین‌تر نیز اجباری است، و این امر به رتبه‌بندی دادگاه صادر کننده رأی بستگی دارد. چنین عملی اصل عمل به روال همیشگی (یعنی وفاداری و حمایت از احکام و تصمیمات پیشین) نامیده می‌شود.^{۱۵۷} اما در مواردی نیز صدور احکام قضایی خاصی برای دادگاه‌های دیگر الزامی نیست، یکی از این موارد هنگامی است که باور حقیقی بر اشتباه بودن رویه قضایی پیشین باشد. در چنین شرایطی اصل عمل به روال همیشگی قابل اجرا نیست.^{۱۵۸} بنابراین احکام مرتبط با فعالیت‌های بیمه‌ای صادره از سوی دادگاه قانون غیرمدون یکی از منابع اصلی قانون بیمه است. به عنوان مثال پس از به رسمیت شناخته شدن شورای سلطنتی به عنوان بالاترین دادگاه در مالزی در سال ۱۹۷۸، اصل عمل به روال همیشگی در این کشور همواره پاس داشته شده است. در پرونده *خالد پانجانگ و شاکی عمومی*^{۱۵۹} (شماره ۲) دادگاه فدرال مالزی بر این باور بود که پیروی از پرونده موجود در شورای سلطنتی، که مربوط به اختلاف میان *میرزا اکبر و شاه*^{۱۶۰} بود (دعویی که در هندوستان اقامه شده بود)، در دادگاه فدرال و به شیوه‌ای منطقی تر، در کلیه دادگاه‌های عالی مالزی الزامی است.^{۱۶۱} به علاوه در پرونده *هندری و دی کروز* فدراسیون دادگاه فرجام خواهی مالایا خود را ملزم به پیروی از تصمیم دادگاه فرجام خواهی اتحادیه مالایا^{۱۶۲} در پرونده *باتلر مدن و کریشناسامی* دانست،^{۱۶۳} تأثیر پس نگرانه این آراء همچنان در دادگاه‌های مالزی به جای خود باقی است.

۵-۶-۲. سنت‌ها/عرف‌ها

سنت‌ها و عرف‌ها از روزگار انسان‌های اولیه تاکنون وجود داشته است. سنت‌ها، که مورد پذیرش تمام اعضای جامعه هستند، به صورت قوانین نانوشته به اجرا در آمده‌اند. به عنوان مثال در جامعه ابتدایی بابل خانواده و قبیله فرد در برابر خطرات از وی حمایت

می‌کرد. سپس در پی گزار از زندگی روستایی به شهری، افراد با کمبود همکاری و حمایت مواجه شدند؛ و سرانجام برای برخورداری از حمایت مادی نیازمند بیمه شدند. سرانجام بابلی‌ها نوعی قرارداد تجاری به نام *رهن تعهد*^{۱۶۴} ابداع نمودند، که اساس فعالیت‌های بیمه‌ای دنیای معاصر را پی افکند.

۲-۷. نتیجه

فعالیت‌های بیمه‌ای بر محور قانون غیر مدون، بر اساس عناصر بهره (ربا) شکل گرفته است، اما در قانون اسلامی، شیوه عملکرد بیمه خالی از عنصر ربا بوده و بر محور نظام مالی مضاربه (مشارکت در سود و زیان) شکل گرفته است. براساس قانون غیر مدون، حقوق عوامل شرکتی در قرارداد بیمه از محل حق بیمه‌های پرداختی بیمه‌گذار تأمین می‌شود. بر اساس قانون اسلامی بخشی از منافع و سود (سهام) شرکتی به عوامل و واسطه‌ها تعلق می‌یابد.^{۱۶۵} به علاوه واسطه حق دارد در برابر خدمات ارائه شده به بیمه گذار، مبالغی را به عنوان حق مشاوره از وی دریافت کند. در قرارداد تنظیم شده بر اساس قانون غیر مدون، مالک اسمی بهره ور مطلق است،^{۱۶۶} بدین معنی که به محض بروز خطری که زندگی بیمه گذار را تهدید کند، وی حق دارد کل مبلغ مورد توافق در قرارداد را از عامل بیمه دریافت نماید. از سوی دیگر در قانون اسلامی، مالک اسمی قرارداد، بهره‌ور مطلق نیست، بلکه تنها معتمد و متولی بیمه گذار است.^{۱۶۷} بر اساس قانون اسلامی بهره ور قرارداد بیمه عمر، بر اساس سیاست شرکت، تنها می‌تواند کل مبلغ حق بیمه‌های پرداختی، سهم منافع و سود (سهام) به دست آمده^{۱۶۸} و مبلغی از صندوق خیریه شرکت^{۱۶۹} را دریافت دارد. در قانون غیر مدون، نیازی نیست که طرفین قرارداد صداقت خود را در مورد همکاری متقابل (آشکارا) بیان کنند. از سوی دیگر در قانون اسلامی، یکی از شرایط اعتبار قرارداد صداقت طرفین در ایجاد همکاری متقابل، همبستگی و برادری است.^{۱۷۰} مبنای شیوه عملکرد قرارداد بیمه در قانون غیر مدون، قانون سنتی، قانون طبیعی و قانون موضوعه است. اما مبنای شیوه عملکرد قرارداد بیمه در قانون اسلامی، اصول شریعت است.^{۱۷۱}

در هر دو نظام قانونی، اعتبار قرارداد بسته به وجود موضوع قرارداد قانونی است. اما معیار سنجش قانونی بودن موضوع قرارداد در قانون غیر مدون، مصوبات نظامنامه‌ای و قانون موضوعه و در قانون اسلامی، الزامات الهی (شریعت) است. منابع قانونی موثر بر قرارداد بیمه در قانون غیر مدون عبارتند از قوانین مجلس، رویه‌های قضایی، سنت‌ها و اصول وابسته به قوانین و دادگاه اصناف. اما منبع بیمه در قانون اسلامی، الزامات الهی است.

۸-۲. جدول تطبیقی

تکافل و بیمه: دیدگاه‌های اصلی و اصول کلی

تکافل	بیمه
عملکرد آن بر اساس شیوه سرمایه‌گذاری مضاربه (مشارکت در سود و زیان) است و بهره و ربا نقشی در آن ندارد.	عملکرد آن بر اساس اصول ربا است.
بر اساس اصول مضاربه، عوامل شرکی باید در سود شرکت سهیم باشند.	حقوق عوامل شرکت از محل حق بیمه پرداختی بیمه‌گذاران تأمین می‌شود.
مالک اسمی معتمدی است که منافع قرارداد را دریافت کرده و براساس اصول میراث و وصیت میان وارثان متوفی توزیع می‌کند.	مالک اسمی بهره‌ور مطلق قرارداد است.
عنصر صداقت قلبی از ویژگی‌های اصلی قرارداد بیمه برای دستیابی به خشنودی خداوند است.	وجود عنصر صداقت قلبی برای تأمین اعتبار قرارداد بیمه ضروری نیست.
شیوه عملکرد قرارداد باید مطابق اصول شریعت باشد.	اساس شیوه عملکرد قرارداد قانون سنتی، قانون طبیعی و رویه‌های قضایی است.
معیار مشروعیت موضوع قرارداد اصول شریعت است.	معیار مشروعیت موضوع قرارداد قوانین مجلس، قانون موضوعه و غیره است.
منابع موثر بر قانون بیمه باید مطابق الزامات الهی، سنت‌ها و اصول مختلف اسلامی مرتبط باشد.	منابع موثر بر قانون بیمه عبارتند از مصوبات مجلس، احکام دادگاهی، سنت‌ها و رویه‌های موجود و اصول قرارداد و خسارت.

پی‌نوشت‌ها

۱. رجوع شود به "بیمه" درهاگز؛ همچنین رجوع شود به جیمز لانگلین، *دایرة المعارف جدید آموزگار*، (دهلی، خانه نشر اکاشدی، ۱۹۹۰)، جلد ۵، صفحه ۱۸۱۳.
۲. پیشین.
۳. اساس این پیشنهاد توجه به این حقیقت منطقی است که مبنای عملکرد قرارداد بیمه براساس قانون اسلامی، اصل مضاربه (مشارکت در سود و ضرر) است. بنابراین بر اساس این شیوه مشارکت در سود و ضرر، سود مازاد بر مبلغ قرارداد نیز باید به شریک پرداخت شود. باور راستین بر این است که چنین پیشنهادی می‌تواند بسیار موثر بوده و به رعایت مساوات کمک کند.
۴. با توجه به کوتاه بودن مدت قرارداد بیمه همگانی، برای رعایت انصاف در حق عامل بیمه، وی می‌تواند براساس سیاست مالی شرکت، مبلغ خدمات (برای مدیریت شرکت)، شامل درصدی از حق بیمه پرداخت شده را بابت حساب خیریه بردارد.
۵. مضاربه نوعی تکنیک مالی متقابل در قانون تجارت اسلامی است که بر اساس آن دو (یا چند) طرف موافقت می‌کنند که یک طرف سرمایه را تامین کند و طرف دیگر خدمات و مهارتهایی را در یک زمینه خاص تجاری ارائه دهد. طرفین در سود و ضرر حاصل از تجارت شریک خواهند بود. اساسا عملکرد بانک‌ها و موسسات بیمه اسلامی عصر حاضر، اصل مضاربه است، که جایگزینی برای معاملات بهره محور محسوب می‌شود.
۶. اساس بند اسلامی، اثر چاپ نشده مولف با عنوان "بیمه اسلامی: طرح اولیه و شرح گسترش آن" است.
۷. قرآن، سوره مائده، ۵:۲.
۸. رجوع شود به اس کی رشید "اسلامی‌سازی بیمه - تجربه مذهبی - قانونی در مالزی" در مروری بر مذهب و قانون (۱۹۹۳)، جلد ۲، شماره ۱، صفحه ۲۶ مکرر.
۹. رجوع شود به م. معصوم بالله، "بیمه عمر؟ دیدگاهی اسلامی" در *فصلنامه قانون عرب* (۱۹۹۳) جلد ۸، بخش ۴، صفحه ۳۱۹.
۱۰. پیشین، صفحه ۳۲۴.
۱۱. رجوع شود به فصل ۶.
۱۲. رجوع شود به فصل ۶.

۱۳. جو ایرولیو، قانون بیمه در آفریقا: نمونه‌ها، قوانین و اصول، (لندن: ویدربای و شرکا با مسئولیت محدود، ۱۹۸۷)، صفحه ۱. همچنین رجوع شود به
14. Mbf Insurance Sdn Bhd v Penang Garden Sdn Bhd [2005] AMR , 5615 CA.
۱۵. پو چو چای، قانون بیمه، ویراست دوم، (سنگاپور: ناشر لانگ من سنگاپور (Pte) با مسئولیت محدود، ۱۹۹۰، صفحه ۲ مکرر.
۱۶. [۱۹۷۹] ۲ WLR ۶۸۶.
۱۷. [۱۹۰۴] ۲ KB ۶۵۸.
۱۸. همچنین رجوع شود به دیگبی سی جس، بیمه خطرات تجاری: قوانین و کاربردها، ویراست دوم، (لندن: باترورتنز، ۱۹۹۳)، صفحه ۴.
۱۹. [۱۸۸۳] ۱۱ QBD ۳۸۰.
۲۰. پیشین، صفحه ۳۹۳.
۲۱. رجوع شود به دیگبی سی جس، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۳.
۲۲. مگاری وی سی در اتحادیه حمایت پزشکی با مسئولیت محدود و وزارت بازرگانی [۱۹۷۹] ۲ WLR ۶۸۶.
۲۳. پیشین.
۲۴. رجوع شود به بند ۱۶۶(۱) قانون بیمه؛ همچنین رجوع شود به بند ۲۳ قانون مدنی ۱۹۵۶.
۲۵. قرآن، سوره بقره، ۲:۲۰۱.
۲۶. قرآن، سوره نسا، ۴:۲۹.
۲۷. رجوع شود به پوشش تکافل، شرکت تکافل مالزی Sdn Bhd، کوالالامپور (nd).
۲۸. حجاز از لان خلیلی حج شمس الدین، بانکداری و امور مالی عمومی در اسلام، (کوالالامپور: Dewan Pustaka Fajar، ۱۹۸۸)، صفحه ۱۳.
۲۹. قرآن، سوره بقره، ۲:۲۷۴.
۳۰. قرآن، سوره آل عمران، ۳:۱۳۰.
۳۱. رجوع شود به مفتی محمد شفیع و دیگران، *Bimah Jendegi* مینای، انوار احمد، (ترجمه اردو - انگلیسی) بیمه عمر، (کراچی: دارالعیاسیت، ۱۹۹۵)، صفحه ۳۶.
۳۲. رجوع شود به بند ۱۶۶(۱) قانون بیمه ۱۹۹۶؛ بند ۲۳ قانون مدنی ۱۹۵۶؛ و بند ۱۱ قانون اموال زنان متاهل ۱۸۸۲ (انگلستان)
۳۳. رجوع شود به رای دادگاه عالی کراچی در *امتول حبیب و مسرت پروین* [۱۹۷۴] ۱۸۵PLD.

۱۲۰ □ تکافل کاربردی و بیمه مدرن

۳۴. رجوع شود به بالله، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۱۹.
۳۵. بند دوم قانون تکافل ۱۹۸۴.
۳۶. رجوع شود به چارلز هامیلتون، هدایت، اثر پیشین، جلد ۳، صفحه ۵۲۹.
۳۷. رجوع شود به فصل چهارم، طرفین قرارداد (بیمه گذار).
۳۸. قرآن، سوره مائده، ۵:۲.
۳۹. قرآن، سوره مائده، ۵:۲.
۴۰. م.ن. صدیقی، بیمه در اقتصاد اسلامی، (بریتانیا: بنیاد اسلامی، ۱۹۸۵)، صفحه ۶۷.
۴۱. پیشین.
۴۲. این پیشنهاد در کتاب وی مطرح شد، در محل ذکر شده.
۴۳. ای جرج رجا، اصول بیمه، ویراست سوم، (لندن: اسکات، فورسمن و شرکت، ۱۹۸۷)، صفحه ۷۲.
۴۴. پیشین، صفحه ۷۱.
۴۵. پیشین.
۴۶. پیشین.
۴۷. کنت ساتن، قانون بیمه در استرالیا، ویراست دوم، (استرالیا: شرکت کتاب‌های حقوقی، ۱۹۹۱)، صفحه ۴.
۴۸. رجوع شود به کتاب راهنمای شهرسازی و دولت محلی، نوامبر ۱۹۸۰، پاراگراف ۳۱۰۳، صفحه ۵۰۱.
۴۹. SASR [۱۹۷۲] ۲۲۰ در صفحه ۲۲۳ مکرر.
۵۰. ایروکوو، اثر فوق الذکر، صفحه ۴.
۵۱. پیشین، صفحه ۵.
۵۲. صحیح المسلم (عربی)، کتاب البر، ۵۹.
۵۳. قرآن، سوره بقره، ۲:۲۰۱.
۵۴. رجوع شود به بند ۲ قانون تکافل ۱۹۸۴.
۵۵. قرآن، سوره مائده، ۵:۲.
۵۶. قرآن، سوره بقره ۱۸۵:۲.
۵۷. رجوع شود به پرویز امتیاز احمد، "ابزارهای مالی کاربردی بانک اسلامی"، در/فق نو، شماره ۴۵، شماره ۱۹۹۵، صفحه ۳.

۵۸. پیشین.

۵۹. پیشین.

۶۰. قرآن، سوره آل عمران، ۳: ۱۳۰.

۶۱. رجوع شود به مفتی محمد شافع، بیمه عمر، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۵.

۶۲. رجوع شود به کلینگمولر، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۵.

۶۳. صحیح البخاری کتاب الفرائض، (ترجمه انگلیسی) دکتر محمد محسن خان، (لاهور:

انتشارات قاضی، ۱۹۷۹)، جلد ۸، شماره ۷۲۵، صفحه ۴۷۷.

۶۴. پیشین، کتاب الادب، شماره ۳۵، صفحه ۲۳.

۶۵. پیشین، کتاب الادب، شماره ۳۴، صفحه ۲۳.

۶۶. قرآن، سوره بقره، ۲: ۲۷۵.

۶۷. افضل الرحمن، اثر فوق الذکر، صفحه ۱۹.

۶۸. پیشین.

۶۹. جیمز ام. جکسون، "تجارت، قراردادهای و موافقت مجمعی: قوانین فدرالیسم و بیمه ایالتی"،

در نشریه قوانین بیمه، (۱۹۹۱)، صفحه ۲۴-۲۳.

۷۰. رجوع شود به ارل آر. پامروی، "قانون ایالتی یا فدرال: سیاست، بازیگران، دیدگاه‌ها" در

نشریه قوانین بیمه (۱۹۹۲)، صفحه ۶-۵.

۷۱. قرآن، سوره بینه، ۹۸:۵.

۷۲. بخاری و مسلم، (مورد توافق)، کتاب الوحی، (ترجمه انگلیسی)، م. محسن خان، اثر فوق

الذکر، جلد ۱، شماره ۱، صفحه ۱.

۷۳. صحیح المسلم، رجوع شود به النواوی، ریاض الصالحین، (ترجمه)، سید محمد علی و

دیگران، ریاض الصالحین، جلد ۱، مرکز اسلامی بنگلادش، داکا، (۱۹۹۰)، شماره ۷، صفحه ۵.

۷۴. مفتی مهد شافع، بیمه عمر، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۶.

۷۵. قرآن، سوره حدید، ۲: ۵۷.

۷۶. بند دوم قانون تکافل ۱۹۸۴- معنای "تجارت تکافل".

۷۷. قرآن، سوره آل عمران، ۱۹: "تنها مذهب مورد پذیرش خداوند اسلام (تسلیم به خواست او)

است."

۷۸. قرآن، سوره آل عمران، ۸۵.

۷۹. قرآن، سوره نسا، ۴: ۲۹.

۸۰. قرآن، سوره مائده، ۵:۲.
۸۱. یکی از شرایط قانونی ورود به قرارداد، رسیدن به سن قانونی است. به استناد الهادایت، سن قانونی برای زن و مرد پانزده سال است. (مبنای این دیدگاه، نظر غالب فقها است)؛ رجوع شود به چارلز هامیلتون، الهادایت، جلد ۳، اثر فوق الذکر، صفحه ۵۲۹.
۸۲. رجوع شود به اس. کی. رشید، اثر فوق الذکر، صفحه ۲۸.
۸۳. قرآن، سوره نسا، ۴:۲۹.
۸۴. رجوع شود به قواعد شورای نظارتی قواعد شریعت، فیصل، انتشارات بانک اسلامی سودان، مجموعه انگلیسی (۵)، سودان، بی تا، صفحه ۱۲.
۸۵. رجوع شود به مفتی محمد شفیع، بیمه عمر، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۶.
۸۶. پو چو چای، قانون بیمه، اثر فوق الذکر، صفحه ۲.
۸۷. [۱۹۷۹] ۲ WLR ۶۸۶ در صفحه ۶۹۰.
۸۸. ای جرج رجا، اثر فوق الذکر، صفحه ۷۱.
۸۹. پیشین.
۹۰. کامل خان، "معیار جدید مادیت در قانون بیمه"، در نشریه قانون تجارت، (۱۹۸۶)، صفحه ۳۷-۳۸.
۹۱. ایروکو، اثر فوق الذکر، صفحه ۳؛ همچنین رجوع شود به "اصلاح قانون بیمه" در نشریه قانون تجارت، (۱۹۸۱)، صفحه ۱؛ همچنین رجوع شود به دیگی سی. جس، "طرح اصلاح قانون بیمه"، در نشریه قانون نو، ۲۷ جولای ۱۹۸۴، صفحه ۶۳۵.
۹۲. جان بردز، "اصلاح قانون بیمه" در نشریه قانون تجارت، (۱۹۸۲) صفحه ۱، همچنین رجوع شود به ای. اچ. هادسون، "مشکلات قانون بیمه"، [۱۹۷۵] ۳۸MLR در صفحه ۲۱۳-۲۱۲؛ و سی.ای. پی. وارلو، "جنبه‌های مدرن فعالیت بیمه"، در نشریه قانون تجارت، (۱۹۷۶)، صفحه ۵.
۹۳. رجوع شود به نیک رمله محمود، قانون بیمه در مالزی، (مالزی: باترورترز، ۱۹۹۲)، صفحه ۱.
۹۴. جی چنل در شرکت بیمه پرودنشال و IRC [۱۹۰۴] ۲ KB ۶۵۰.
۹۵. رجوع شود به بند ۱۵۳ (۱) قانون بیمه ۱۹۹۶.
۹۶. رجوع شود به بندهای ۱۸، ۱۷ و ۱۹ قانون قرارداد ۱۹۵۰؛ همچنین رجوع شود به بند ۱۵۰ قانون بیمه ۱۹۹۶.
۹۷. رجوع شود به هیئت نظارتی قوانین شریعت، اثر فوق الذکر، صفحه ۱۲.

۹۸. رجوع شود به بند ۲ قانون تکافل ۱۹۸۴.
۹۹. قرآن، سوره نسا، ۹۵:۴.
۱۰۰. السیوطی، *اتقان فی العلوم القرآن*، نقل شده در عبدالرحمن آی دوی، شریعت: قانون اسلامی، (کوالامپور: اس نودین، ۱۹۸۴)، صفحه ۳۶.
۱۰۱. رجوع شود به قرآن، سوره مائده، ۵:۲.
۱۰۲. قرآن، سوره مائده، ۱:۵.
۱۰۳. قرآن، سوره بقره، ۲:۲۰۱.
۱۰۴. قرآن، سوره آل عمران، ۱۳۸:۳.
۱۰۵. قرآن، سوره نسا، ۴:۵۹.
۱۰۶. سنن الترمذی، جلد ۴، کاگری یایینلاری استانبول، ۱۹۸۱ در کتاب *الصفیة القيامة و الارلرکیک الورع*، باب ۶۰، شماره ۲۵۱۷، صفحه ۶۶۸.
۱۰۷. صحیح المسلم (عربی)، کتاب البر، حدیث شماره ۵۹.
۱۰۸. رجوع شود به گیب، *دایرة المعارف کوتاهتر اسلام*، اثر فوق الذکر، صفحه ۲۹.
۱۰۹. رجوع شود به صحیح البخاری، کتاب الدیات، اثر فوق الذکر، جلد ۸، شماره ۷۲۵، صفحه ۴۷۸.
۱۱۰. رجوع شود به گیب، *دایرة المعارف کوتاهتر اسلام*، اثر فوق الذکر، صفحه ۲۹.
۱۱۱. رد المختار، باب المستامن، جلد ۳، صفحه ۳۴۵.
۱۱۲. انوار احمد مینایی، (ترجمه)، بیمه عمر، اثر فوق الذکر، صفحه ۴۸.
۱۱۳. رجوع شود به شامیر منکابادی، "بیمه و قانون اسلامی"، *نشریه قانون عرب* (۱۹۸۹)، جلد ۴، صفحه ۲۰۱.
۱۱۴. پیشین.
۱۱۵. رجوع شود به م.ن. صدیقی "تفکر اقتصادی اسلامی: مروری بر نوشتارهای معاصر"، اثر فوق الذکر، صفحه ۲۱۷-۲۱۶.
۱۱۶. از میان این دیدگاه‌ها می‌توان به دیدگاه شیخ الازهر اشاره کرد که در *الاقتصاد الاسلامی*، جولای ۱۹۹۵، صفحه ۶۰ منتشر شده است.
۱۱۷. برای مشاهده بحث مفصل‌تر و منابع قیاسی بیشتر رجوع شود به عمران احسن خان نیازی، *تنوری‌های قانون اسلامی*، موسسه بین‌المللی تفکر اسلامی و موسسه تحقیقات اسلامی، اسلام آباد، ۱۹۹۴، صفحه ۱۳۱-۱۳۲ و ۱۴۰-۱۴۳.

۱۱۸. قرآن، سوره بقره، ۱۵۸:۲.
۱۱۹. رجوع شود به "العاقلة"، در گیب، اثر فوق الذکر، صفحه ۲۹.
۱۲۰. رجوع شود به سید السابق، فقه السنه، (لبنان: دار الكتاب العربی، ۱۹۷۱)، جلد ۳.
۱۲۱. تمرکز این نوشتارها بر حاکمیت مضاربه، مشارکت، وکالت، ودیعه و غیره است.
۱۲۲. رجوع شود به بند ۸(b) قانون تکافل ۱۹۸۴.
۱۲۳. رجوع شود به شامیر منکابادی، اثر فوق الذکر، صفحه ۲۰۰.
۱۲۴. رجوع شود به محمد السید الدوصوقی، التامین و مواقیف الشریعه الاسلامیه منه، اثر فوق الذکر، صفحه ۷۴-۷۷.
۱۲۵. از میان این موارد می توان به پرونده امتول حبیب و مسرت پروین [۱۹۷۴] SC ۱۸۵PLD اشاره کرد؛ بر اساس این رای، مالک اسمی قرارداد بهره ور مطلق نیست، بلکه فقط معتمد است.
۱۲۶. پیشین.
۱۲۷. رجوع شود به منکابادی، اثر فوق الذکر، صفحه ۲۰۲.
۱۲۸. حدائقه، اثر فوق الذکر، صفحه ۱۷.
۱۲۹. پیشین.
۱۳۰. پیشین.
۱۳۱. محمد شوکی، السلام والتمیم، صفحه ۱۴.
۱۳۲. قرآن، سوره مائده، ۱:۵.
۱۳۳. قرارداد بیمه نوعی قرارداد است، بنابراین مبنای تعیین صلاحیت قانونی باید اصول کلی انعقاد قرارداد باشد. برای اطلاعات بیشتر در زمینه صلاحیت قانونی سنی در انعقاد قرارداد، رجوع شود به چارلز هاملتون، هدایت، اثر فوق الذکر، جلد ۳، صفحه ۵۲۹.
۱۳۴. رجوع شود به Sistem Operasi dan Tatacara Pelan Takaful Siswa شرکت تکافل برهاد مالزی، بی تا، صفحه ۳-۱.
۱۳۵. قرآن، سوره نسا، ۴:۶.
۱۳۶. به عنوان مثال رجوع شود به م. مصلح الدین، مفهوم تعهد مدنی در اسلام و قانون خسارات، (لاهور: انتشارات اسلامی با مسئولیت محدود، ۱۹۸۲)، صفحه ۶۲؛ همچنین رجوع شود به علی خان نیازی لیاقت، قانون خسارت اسلامی، (لاهور: کتابخانه تحقیقاتی تراست سل دایال سینگ، ۱۹۸۸)، صفحه ۳۳۹.

۱۳۷. قرآن، سوره نسا، ۴:۲۹.
۱۳۸. [۱۹۷۴] x1 MLJ. همچنین رجوع شود به بهادون ابن حاجی حسن، متوفی، [۱۹۷۴] ۱ MLJ ۱۴.
۱۳۹. [۱۹۷۴] ۱۸۵ PLD.
۱۴۰. رجوع شود به م. معصوم بالله، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۳۱۹.
۱۴۱. رجوع شود به مجله الاحکام العادیه، تایسر (ترجمه)، کاستاریکا، The Mejelle، (لاهور: شرکت انتشارات حقوقی)، بی تا، مقاله شماره ۱۴۴۹.
۱۴۲. اصل ضمان با جزئیات کامل در چارلز هامیلتون، هدایت، اثر فوق‌الذکر، جلد ۳، صفحه ۳۱۸، بیان شده است.
۱۴۳. س. م. یوسف، عدالت اقتصادی در اسلام، ش. محمد اشرف، لاهور، ۱۹۷۷، صفحه ۹۲-۹۳.
۱۴۴. رجوع شود به دولت پاکستان، شورای ایدئولوژی اسلامی، تعرض جسمانی
۱۴۵. رجوع شود به مفتی محمد شافع، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۳۶.
۱۴۶. رجوع شود به قانون شرکت‌های مضاربه و نظارت بر التزام مضاربه ۱۹۸۰ (روزنامه رسمی پاکستان، چاپ مجدد، ۲۶ ژوئن ۱۹۸۰، بند ۱، ماده ۲۲).
۱۴۷. برای جزئیات بیشتر در مورد مضاربه رجوع شود به نیازی، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۲۲۷ و برای شراکت رجوع شود به صفحه ۴۲۰.
۱۴۸. صحیح البخاری، کتاب الادب، اثر فوق‌الذکر، جلد ۸، شماره ۷۲۵، صفحه ۴۷۷.
۱۴۹. پیشین، کتاب الادب، شماره ۳۵، صفحه ۲۳.
۱۵۰. صحیح المسلم، کتاب البر، ۵۹.
۱۵۱. رجوع شود به بند ۲ قانون تکافل ۱۹۸۴.
۱۵۲. قرآن، سوره مائده، ۵:۳.
۱۵۳. رجوع شود به بند ۵۱ و ۲ (قانون مدنی ۱۹۵۶. قانون بیمه ۱۹۶۳ با قانون بیمه ۱۹۹۶) جایگزین شده است.
۱۵۴. پو چو چای، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۲.
۱۵۵. رجوع شود به ضوابط و قوانین در پرونده شرکت کفپوش‌های چوبی آکمه با مسئولیت محدود و مارتم (۱۹۰۴) LT ۳۱۳؛ کمیسیون ۹ پرونده ۱۵۷ صفحه ۱۶۲ و پرونده شرکت آلیس چالمرز و شرکت پیمان داری و امانت مری لند (۱۹۱۶) LT ۱۱۴ ۴۳۳.
۱۵۶. رجوع شود به دایرة المعارف جدید بریتانیکا، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۶۸۹.

۱۵۷. رابرت آی. مهر و دیگران، اصول بیمه، ویراست هفتم، (ایالات متحده آمریکا: شرکت انتشاراتی ریچارد دی. ایروین، ۱۹۸۰)، صفحه ۹۰.
۱۵۸. رجوع شود به "Stare Decisis" در جاویت، اثر فوق الذکر، صفحه ۱۶۹۳.
۱۵۹. رابرت آی. مهر و دیگران، اثر فوق الذکر، صفحه ۹۰.
۱۶۰. [۱۹۶۴] ۱۰۸ MLG.
۱۶۱. ۳۳۶ IA ۶VLR.
۱۶۲. میننت سو، قانون بیمه مالزی، اثر فوق الذکر، صفحه ۲۳.
۱۶۳. [۱۹۴۹] ۲۵ MLJ.
۱۶۴. [۱۹۷۴] ۱۶۳ MULR.
۱۶۵. کلیتون، اثر فوق الذکر، صفحه ۱۳.
۱۶۶. همانگونه که در خلاصه کلی و با تکیه بر قضاوت مقایسه‌ای اصول سرمایه گذاری مضاربه‌ای پیشنهاد شد.
۱۶۷. رجوع شود به بند ۲۳ قانون مدنی ۱۹۵۶ و بند ۱۶۶ قانون بیمه ۱۹۹۶.
۱۶۸. رجوع شود به پرونده محمد و سردار خاتون [۱۹۴۹] ۳۸ AIR.
۱۶۹. این پیشنهاد به موازات اصول سرمایه گذاری مضاربه‌ای مطرح شده است.
۱۷۰. این امر به شرایط مالی بهره ور و سیاست شرکت بستگی دارد.
۱۷۱. رجوع شود به بند ۲ قانون تکافل ۱۹۸۴؛ همچنین رجوع شود به مفتی محمد شافع، بیمه عمر، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۶.

دیدگاه‌های موافق و مخالف درباره ی تکافل و بیمه

مقدمه

در حدود ۴۰۰۰ پیش از میلاد، بابلی‌ها با ابداع و کاربرد قرارداد رهن تعهد^۱، برای نخستین بار مفهوم بیمه را به جهان شناساندند. از آن زمان تاکنون هیچ دیدگاه مخالفی علیه مفهوم بیمه مطرح نشده است. به لحاظ تاریخی هیچ مدرکی دال بر مخالفت کلی با اهمیت و اعتبار فعالیت‌های بیمه‌ای در سطح قانون غیر مدون، چه از سوی مردم و چه از سوی مقامات حقوقی، در دست نیست.

از سوی دیگر در جهان اسلام علما در مساله اعتبار بیمه با هم اختلاف نظر دارند. این اختلاف نظر، علما را به سه گروه عمده تقسیم کرده است: گروه اول فعالیت بیمه را تا آنجا که مطابق با اصول شریعت باشد، می‌پذیرد؛ گروه دوم فعالیت‌های بیمه عمومی را می‌پذیرد، اما قرارداد بیمه عمر را فاقد اعتبار می‌داند؛ و گروه سوم با کلیه اشکال فعالیت بیمه مخالفت کرده و ادعا می‌کند که کلیت ایده بیمه بر خلاف آموزه‌های اساسی اسلام است.^۲

در این فصل ابتدا می‌کوشیم شواهدی برای نشان دادن این حقیقت ارائه دهیم که در تاریخ قانون غیر مدون در خصوص اعتبار و اهمیت فعالیت‌های بیمه‌ای تفاوتی وجود نداشته است. سپس به بررسی اختلافات موجود میان علمای اسلامی در خصوص اعتبار

بیمه، اساس استدلال‌های آنها و توجیه احتمالی فعالیت‌های بیمه‌ای بر اساس قانون شریعت خواهیم پرداخت.

۳-۱. اختلاف نظرهای موجود درباره‌ی تکافل

۳-۱-۱. اختلاف نظر علما

علما دیدگاه‌های مختلفی در باره اعتبار فعالیت‌های بیمه‌ای دارند. دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان را می‌توان به سه گروه کلی تقسیم کرد:

- فعالیت بیمه‌ای کاملاً و مطلقاً مشروع است، مشروط بر آن‌که عنصر ربا در آن وجود نداشته باشد. از میان علمایی که دارای چنین دیدگاهی هستند می‌توان افراد زیر را نام برد: شیخ محمد عبده^۳، وکیل حنفی شیخ ابن عابدین^۴، محمد تقی امینی، شیخ محمود احمد، مصطفی احمد زرقا، سید محمد صدیق الروحانی، ابراهیم تحوی، احمد طه السنوسی، یوسف موسی، محمد البهی، علی الخفیف، ظفر شدیدی، محمد نجات الله صدیقی، محمد مصلح الدین، م.ن. منان، علی جمال الدین عواد^۵ و آیت الله خمینی^۶.
- بعضی از دانشمندان مسلمان فعالیت‌های بیمه و قوانین بیمه‌ای عمومی را می‌پذیرند، اما مخالف قرارداد بیمه عمر هستند، چرا که چنین قراردادی مستلزم عناصر میسر (قمار) و غرر (عدم قطعیت) بوده و با اصول میراث و وصیت مغایر است. این دیدگاه در همایشی که در ۶ می ۱۹۷۲ در مراکش برگزار شد، مورد پذیرش قرار گرفت.^۷ از میان علمایی که دارای چنین دیدگاهی هستند می‌توان افراد زیر را نام برد: عبدالرحمن عیسی، احمد ابراهیم، مهد موسی، مفتی محمد باخیت، محمد ابو زهرا^۸ و شیخ الازهر شیخ جد الحق علی جد الحق^۹. این دیدگاه در بیانیه‌ای ناشناس در اخوت اسلامی^{۱۰} و نیز در همایش مجمع مسلمین در قاهره، به سال ۱۹۶۵^{۱۱} نیز مورد تأیید و پذیرش قرار گرفت.
- گروه سوم هرگونه فعالیت بیمه‌ای را آشکارا و به طور مطلق رد کرده و چنین استدلال می‌کنند که بیمه مستلزم عناصر ربا، میسر و غرر است، و کلیه این عناصر، در شریعت به شدت منع شده است. از میان علمایی که دارای چنین

دیدگاهی هستند می‌توان مصطفی زید، عبدالله القلقیلی و جلال مصطفی السید را نام برد.^{۱۲}

اما در تلاش برای توجیه فعالیت بیمه با هدف مشروع و معتبر ساختن آن، توضیح برداشت‌های نادرستی که بر ایده بیمه و عملکرد آن سایه انداخته است، ضروری به نظر می‌رسد. چنین برداشت‌های نادرستی موجب شده که بعضی از دانشمندان مسلمان ایده بیمه را رد کنند. در اینجا می‌کوشیم با زایل ساختن چنین برداشت‌هایی، زمینه را برای پذیرش بیمه به عنوان یک شیوه سرمایه‌گذاری توجیه شده در شریعت، برای امت اسلامی فراهم سازیم.

۲-۳. برداشت‌های نادرست

بعضی از برداشت‌های نادرست موجود به شرح زیر است:

۱. قرارداد بیمه مستلزم عنصر ربا است و معامله‌ای که ربا در آن وجود داشته باشد از ابتدا باطل است. بر اساس آیه زیر خداوند هرگونه معامله ربا محور را منع کرده است:

احل الله البیع و حرم الربا

... خداوند تجارت را مجاز و ربا را منع کرده است...^{۱۳}

۲. قرارداد بیمه مستلزم عنصر شرط بندی است. چرا که در این قرارداد بیمه گذار امیدوار است که سود مادی به دست آورد، و این همان چیزی است که در شرط بندی رخ می‌دهد. این دیدگاه در همایش قضایی برگزار شده در مکه در شعبان ۱۳۸۹ هجری قمری، مطرح شده و مورد تایید و پذیرش کلیه علما قرار گرفت.

۳. قرارداد بیمه مستلزم عنصر غرر است. غرر به معنای عدم قطعیت در هدف یا موضوع معامله است. بر اساس قانون شریعت، معامله‌ای که مستلزم عنصر غرر باشد از ابتدا باطل است. پیامبر اسلام (ﷺ) در سنت زیر ورود به هرگونه معامله مشتمل بر عنصر غرر را منع کرده است:

نهی رسول الله (ﷺ) عن بيع الغرر

...پیامبر معامله‌ای را که در آن غرر (عدم قطعیت) باشد منع کرده بود.^{۱۴}

۴. قرارداد بیمه مستلزم عنصر میسر (قمار) است، عملی که خداوند در قرآن کریم به شدت منع کرده است.^{۱۵} معامله مشتمل بر قمار زمانی رخ می‌دهد که قمار باز مبلغ مشخصی راپردازد، و امیدوار باشد که از آن سود مادی افزوده شخصی به دست آورد. بنابراین، استدلال بر این است که قرارداد بیمه مستلزم عنصر میسر است، چرا که بیمه گذار امیدوار است که در ازای پرداخت حق بیمه، مبلغ قابل ملاحظه‌ای به وی بازگردانده شود. بنابراین با استناد به منع میسر در آیه زیر، چنین استدلال می‌شود که معامله‌ای که مستلزم عنصر غیر مشروع میسر باشد، مجاز نیست:

يسالونك عن الخمر و الميسر قل فيهما اسم كبير...

... و هنگامیکه از تو درباره شراب و قمار پرسیدند، بگو: در آنها گناه بزرگی است...^{۱۶}

۵. در هیچیک از منابع مبین اصول الهی نمی‌توان اشاره آشکاری برای توجیه فعالیت بیمه یافت. استدلال بر این است که هر معامله‌ای که مغایر با قرآن کریم و سنت پیامبر (صلی‌آله‌علیه‌وآله) باشد، باطل است. خداوند می‌فرماید:

و من يبتغ غير السلام دينا فلن يقبل منه

... دین کسی که خواهان دین (نظام) دیگری غیر از اسلام

باشد، هیچگاه از جانب خداوند پذیرفته نخواهد شد...^{۱۷}

۶. قرارداد بیمه مغایر با اصل توکل است. در این قرارداد، بیمه گذار به جای اعتماد به خداوند متعال، برای حمایت در برابر زیان‌های غیر قابل پیش بینی به عامل بیمه اعتماد می‌کند. چنین عملی مغایر با اصل توکل است، چراکه هر فرد با ایمانی تنها باید به خداوند اعتماد و توکل کند. خداوند می‌فرماید:

و علی الله فتوكلوا ان كنتم مومنین

...و اما به خداوند اعتماد (توکل) کنید اگر ایمان دارید...^{۱۸}

۷. قرارداد بیمه مغایر با اصول میراث و وصیت است. زیرا در قرارداد بیمه عمر، پس از فوت بیمه گذار، مالک اسمی، بر اساس قرارداد، بهره ور مطلق است. در نتیجه وارثان فرد متوفی از حقوق قانونی خود، بر اساس اصول میراث و وصیت، محروم می‌شوند.^{۱۹}

۸. بعضی از مسلمانان و حتی بعضی از دانشمندان مسلمان ادعا می‌کنند که بیمه عمر به معنای تضمین زندگی فرد در مقابل مرگ است و چنین عملی غیر مشروع است. از میان حامیان این دیدگاه می‌توان موارد زیر را نام برد: شیخ الازهر شیخ جد الحق علی جد الحق،^{۲۰} ادعایی ناشناس در /نخوت/ اسلامی منتشر شده به سال ۱۹۴۱،^{۲۱} تصمیم جمعی دانشمندان مسلمان در همایش مراکش، ۶ می ۱۹۷۲،^{۲۲} و حکم دادگاه عالی اسلامی مصر در ۲۷ دسامبر ۱۹۲۶.^{۲۳} اساس استدلال این دیدگاه چنین است که هیچ موجودی نمی‌تواند تضمین کننده مرگ یا زندگی دیگری باشد، مگر خداوند متعال که تنها پرورنده و برپادارنده قدرتمند کل هستی است. خداوند می‌فرماید:

ان الله عنده علم الساعة و ينزل الغيث و يعلم ما فی الارحام و ما تدری نفس ماذا تكسب غدا و ما تدری نفس بای ارض تموت... ان الله علیم خبیر

به راستی که دانش زمان نزد خداوند است. اوست که باران را نازل می‌کند، و اوست که می‌داند در درون رحم‌ها چیست - هیچکس نمی‌داند فردا چه اتفاقی رخ خواهد داد و هیچکس نمی‌داند در چه سرزمینی خواهد مرد. به راستی که همه دانش‌ها نزد خداوند است و اوست که از همه چیز آگاه است...^{۲۴}

۹. قرارداد بیمه حفاظت از ثروت و اموال فرد را تضمین می‌کند. بر اساس قانون شریعت، معامله تضمین حفاظت از اموال تنها در سه مورد مشروع و معتبر است: ترس از ثروتمند شدن به شیوه‌ای غیر منصفانه؛ ترس از دست دادن اموال؛ و ترس از تخریب یا نابودی اموال. این دیدگاه شیخ الازهر شیخ جد الحق و استدلال وی برای رد اعتبار قرارداد بیمه است.^{۲۵}

۱۰. قرارداد بیمه عمر مستلزم عناصر غیر شرعی است. همانگونه که پیامبر اسلام (ﷺ) در سنت زیر ذکر می‌کند، قراردادی که بر اساس عناصر غیر مشروع منعقد شده باشد، الزام آور نیست:

المسلمون علی شروطهم الا شرطاً حرم حلالاً و احل حراماً
... مسلمانان ملزم به اجرای شروط خود هستند، مگر شروطی
که حلال را منع کرده و حلال را مجاز بدانند...^{۲۶}

۱۱. سرانجام آنکه شیخ الازهر شیخ جد الحق علی جد الحق به مسلمانان توصیه کرده است که از انعقاد قراردادهای بیمه، خصوصاً بیمه عمر، اجتناب کنند چرا که این قراردادها مستلزم عناصر غیر شرعی است، و چنین نتیجه گرفته است که مسلمانان نباید از طریق ابزارهای غیر شرعی به کسب درآمد و سود پردازند.^{۲۷}

۳-۳. رد برداشت‌های نادرست

۱. الگوی قرارداد بیمه اسلامی مستلزم عنصر ربا نیست. اساس چنین قراردادی اصول شیوه سرمایه‌گذاری مضاربه است؛^{۲۸} بدین معنا که عامل بیمه و بیمه‌گذار به نسبت مورد توافق طرفین، در منافع، سود پرداختی به بیمه‌دار، و سود سهام به دست آمده از حق بیمه‌های پرداختی شریک خواهند بود. اساس این معامله توافق دو جانبه میان طرفین قرارداد است و بر اساس دیدگاه هیئت نظارت بر امور شریعت در سودان، چنین معامله‌ای مغایر با اصول شریعت نبوده و مستلزم هیچ عنصر غیر مشروعی نیست.^{۲۹} به علاوه

چنین عملی را می‌توان با اصل الهی معامله متقابل توجیه نمود؛ خداوند می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض منکم».

«ای کسانی که ایمان آورده اید اموالتان را در میان خودتان به بیهودگی مصرف نکنید بلکه بگذارید در میاتتان تجارت و خرید و فروش براساس حسن نیت متقابل برقرار شود».^{۲۰}

۲. قرارداد بیمه بر خواست خداوند ارجح نیست. هدف از چنین قراردادی (خصوصاً قرارداد بیمه عمر) تضمین و تعیین زندگی و مرگ فرد یا تعیین موفقیت مالی افراد تحت تکافل وی در آینده نیست. به علاوه قرارداد بیمه عمر متضمن دیدگاه تلاش بیمه گذار برای حفاظت از زندگی خویش در مقابل مرگ و مقابله با خواست خداوند نیست. قرارداد بیمه به معنای تعیین توانایی مالی آینده از سوی بیمه گذار نیست. در هردو قرارداد بیمه عمومی و بیمه عمر، عامل بیمه و بیمه گذار به عنوان طرفین قرارداد، به طور متقابل در مورد جبران خسارت یا تامین امنیت در برابر فاجعه‌ای غیر قابل پیش بینی توافق می‌کنند. بی شک چنین مفهومی هماهنگ با این اصل اسلامی است که مسلمانان را تشویق می‌کند تا نهایت تلاش خود را برای غلبه بر مشکلات زندگی به کار برند. پیامبر اسلام (ﷺ) فرموده است:

«عن ابی هريرة عن النبی (ﷺ) قال: من نفس عن مومن كربة من كرب الدنيا نفس الله عنه كربة من كرب يوم القيامة و من يسر علی معسر يسر الله علیه فی الدنيا والآخرة».

«...ابوهریره از پیامبر اسلام (صلی‌آله‌علیه‌وآله) چنین نقل می‌کند: کسی که مومنی را از سختی دنیوی نجات دهد، خداوند وی را از یکی از سختی‌های آخرت نجات می‌دهد.

کسی که درد نیازمندی را تسکین دهد، خداوند دردهای

دنیوی و اخروی وی را تسکین می‌دهد...»^{۳۱}

۳. در قرارداد بیمه، بیمه گذار برای برخورداری از حمایت و حفاظت در آینده، به عامل بیمه توکل نمی‌کند. بلکه قرارداد بیمه معامله‌ای دو جانبه است که بر اساس آن طرفین موافقت می‌کنند که برای تامین رفاه یا حمایت از بیمه گذار در برابر وقوع حوادث غیر منتظره متجر به زیان یا آسیب، تلاش نمایند. چنین تلاشی هماهنگ با اصل الهی همکاری متقابل است، همانگونه که خداوند می‌فرماید:

«و تعاونوا علی البر و التقوی»

«... و با پرهیزکاری و تقوا با یکدیگر همکاری کنید...»^{۳۲}

۴. قرارداد بیمه مستلزم عنصر قمار یا شرط بندی نیست. مصطفی الزرقا بر این باور است که در معامله قمار یا شرط بندی، قمارباز همواره در تلاش برای به دست آوردن پول و شکست دادن قماربازان دیگر است، اما با آنها همکاری نمی‌کند.^{۳۳} بالعکس طرفین قرارداد بیمه در کنار هم و با روحیه همکاری متقابل و حسن نیت می‌کوشند امنیت مالی یتیمان^{۳۴}، بیوه زنان^{۳۵}، افراد تحت تکافل دیگر^{۳۶} و خود را در مقابل زیان، آسیب، یا خطرات پیش بینی نشده آینده تامین نمایند.

۵. قرارداد بیمه مستلزم عنصر غرر (عدم قطعیت) نیز نیست. معمولاً موضوع قرارداد بیمه زندگی یا اموالی است که باید در برابر خطرات آینده محافظت شود. موضوع قرارداد بیمه قطعی و مشخص است. به همین ترتیب، موضوع قرارداد بیمه عمر، زندگی بیمه گذار است؛ زندگی که خداوند به او اعطا کرده است و روزی به خواست خود آن را از او خواهد گرفت. مسأله زندگی و مرگ قطعی و مشخص است، همانگونه که خداوند می‌فرماید:

«کل نفس ذائقة الموت»

«... هر نفسی مرگ را تجربه می‌کند...»^{۳۷}

بنابراین اتهام استلزام عناصر غرر (عدم قطعیت) در قرارداد بیمه بی پایه است.

۶. عده‌ای بر این باورند که قرارداد بیمه با الزامات الهی آشکار و صریح قابل توجیه نیست، بنابراین مشروعیت ندارد. در پاسخ به این برداشت نادرست باید گفت که در قرآن کریم و سنت پیامبر (ﷺ) تصریحات بسیاری وجود دارد که اصول همکاری متقابل^{۳۸} و اصل سرمایه‌گذاری مضاربه‌ای، به ترتیب، از آنها استنباط شده است.^{۳۹} در حقیقت این دو اصل الهی اساس فعالیت‌های بیمه‌ای شریعت محور امروز هستند. به علاوه مفهوم بیمه و کاربرد آن ریشه در اصل سستی عاقله دارد که در یکی از احکام صادره پیامبر اسلام (ﷺ) در خصوص اختلافی که میان دو زن از قبیله هذیل رخ داده بود، مورد تأیید ایشان قرار گرفت.^{۴۰} بنا بر روایت زیر، پیامبر (ﷺ) قضاوت نهایی خود را چنین اعلام کرد:

«عن ابی هريرة قال: اقتلت امرأتان من هذیل فرمت احدهما الاخری بحجر فقتلتها و ما فی بطنها. فاختصموا الی النبی صلی الله علیه و سلم فقضى ان دية جنینها غرة عبد او ولیدة و قضی دية المرأة علی عاقلتها (رواه البخاری).»

«ابوهریره چنین روایت می‌کند: دو زن از قبیله هذیل با هم اختلاف پیدا کردند، یکی از آنها سنگی به طرف دیگری پرتاب کرد که موجب مرگ وی و جنین درون رحمش شد. بازماندگان قربانی در در دادگاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم اقامه دعوی کردند. پیامبر چنین حکم داد که تاوان کشتن جنین، آزاد کردن یک برده مرد یا زن و تاوان کشتن زن پرداخت خونبها (دیه) از سوی عاقله (اقوام پدری) متهم است.»^{۴۱}

متعاقباً اصل عاقله مورد تأیید خلیفه دوم، عمر، قرار گرفت و بر اساس دستور وی اجرای این اصل در بعضی از موارد اجباری شد.^{۴۲} در نتیجه این اتهام که بیمه هیچ‌بنایی ندارد و قابل توجیه نیست، بی اساس است.

۷. عده‌ای استدلال می‌کنند که فعالیت بیمه مغایر با اصل اسلامی توکل (اعتماد به خداوند) است. اما در اینجا باید گفت که هم عامل بیمه و هم بیمه‌گذار قرارداد به صورت دو جانبه توافق می‌کنند که اقدامی را برای حمایت از بیمه‌گذار در مقابل وارد آمدن خطر، زیان یا آسیب غیر قابل پیش‌بینی به موضوع قرارداد، آغاز کنند؛ در عین حال طرفین، اعتماد خود را بر خداوند متعال که تنها پرورنده و برپادارنده کل جهان هستی است، می‌نهند. در واقع چنین اقدامی از سوی طرفین قرارداد به معنای انحراف از اصل توکل نیست، بلکه تلاشی است تا بتوانند در حد توان خود بر مشکلات غیر قابل پیش‌بینی در آینده غلبه کنند و مفهوم دیگری ندارد. البته بر اساس مفهوم اسلامی توکل انسان باید پیش از اعتماد به خداوند، نهایت توان خود را برای انجام هر عملی به کار بندد. پیامبر اسلام (ﷺ) در حدیث زیر مفهوم توکل را روشن ساخته است:

«عن انس بن مالک قال: قال رجل يا رسول الله اعقلها و اتوكل؟ قال: قال اعقلها و توكل...»

«انس بن مالک چنین نقل می‌کند که پیامبر (ﷺ) به عربی بدوی که بدون آنکه شتر خود را با طناب ببندد، آن را به امید خداوند رها کرده بود، فرمود: ابتدا شتر را ببند، سپس آن را به خداوند بسپار...»^{۴۳}

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فعالیت بیمه مغایرتی با اصل اسلامی توکل ندارد.

۸. قرارداد بیمه عمر مغایر با اصول میراث و وصیت نیست. در پرونده/متول حبيب و مسرت پروین،^{۴۴} دادگاه عالی پاکستان اعلام کرد که مالک اسمی در قرارداد بیمه عمر، تنها متولی و معتمدی است که موظف به دریافت منافع قرارداد از سوی وارثان بیمه‌گذار (متوفی) و توزیع آن در میان آنها بر اساس اصول اسلامی میراث و وصیت است. بنابراین در اینجا مالک اسمی

بهره ور مطلق نیست، بلکه تنها معتمد یا عامل است،^{۴۵} و در صورتی که از وارثان قانونی متوفی باشد، سهمی از آن منافع به وی تعلق خواهد گرفت.

۴-۳. توجیه بیشتر

علاوه بر موارد بالا، استدلال‌های دیگری هم برای توجیه فعالیت بیمه وجود دارد. این استدلال‌ها عبارتند از:

۱. معامله بیمه مانند اصل ودیعه است؛ طرفین وارد توافقی می‌شوند که بر اساس آن یکی از آنها پولی را نزد دیگری به ودیعه می‌گذارد و دیگری با هدف امانت داری، به عنوان کفیل امانت عمل می‌کند.^{۴۶} چنین شیوه معامله‌ای بر قرارداد بیمه هم حاکم است: بیمه گذار با هدف تامین امنیت خود در آینده، مبلغی را نزد عامل بیمه به ودیعه می‌گذارد. اصل ودیعه از آیه قرآنی زیر برگرفته شده است؛ خداوند می‌فرماید:

«ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها»

«... به راستی که خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌های

خود را به به کسانی بپردازید که بتوانند آن را ادا کنند...»^{۴۷}

۲. معامله‌ای که ریشه در سنت‌های گذشته یا عرف داشته باشد مجاز است، مشروط بر آنکه چنین سنتی مغایر با اصول الهی و اصل پاس داشته در قرآن کریم و سنت پیامبر (ﷺ) نباشد. اسلام همواره در مساله پذیرش هرگونه سنت یا عرف سودمند برای جامعه انعطاف پذیر بوده است، مشروط بر آنکه چنین سنتی هماهنگ با شریعت باشد. توجیه عرف را می‌توان در حدیث زیر یافت:

«ما رای المسلمون حسن فهو عندالله حسن»

«...آنچه نزد مسلمانان پسندیده است، نزد خداوند هم پسندیده

است.»^{۴۸}

می‌توان گفت قرارداد بیمه ریشه در سنت کهن (عرف) اعراب یا اصل عاقله دارد، و مورد تأیید پیامبر نیز قرار گرفته است.^{۴۹} بنابراین بر اساس مثال بالا، عنصر عرف (سنت) در تکافل (بیمه اسلامی) وجود دارد.^{۵۰}

۳. علت هر معامله‌ای موجه فرض می‌شود، مگر آن‌که بر اساس منبع و سندی بی اعتباری آن به اثبات برسد. سیوطی این اصل را در فراگفت زیرچنین بیان می‌کند:

«الاصل فی الاشياء الاباحه حتی يدل الدلیل علی التحريم»

«علت هر چیزی معتبر است مگر آنکه منبع و سندی بی

اعتبار بودن آن را ثابت کند.»^{۵۱}

۴. اندیشه اصلی قرارداد بیمه برگرفته از سنت کهن عاقله در میان اعراب است. هدف اصلی این قرارداد همکاری متقابل است؛ عملی که بر اساس قرآن (سوره مائده، ۲:۵) توجیه پذیر است. اساس عملکرد قرارداد بیمه اصل مصالح المرسله و سرمایه‌گذاری مضاربه‌ای است که به سود همه اعضای جامعه است. بنابراین بیمه مورد تأیید و توجیه شریعت است. پس کاملاً منطقی و طبیعی است که چنین قراردادهای بیمه‌ای معتبر و قانونی تلقی شود.

۵. هر معامله‌ای که طی آن طرفین مسئولیت اجرای وظایف قانونی خود را بر عهده گیرند معتبر بوده و طرفین آن ملزم به اجرای تعهدات خود هستند. چرا که شریعت بر اهمیت پایبندی به تعهدات و پیمان‌ها تأکید بسیار کرده است. پیامبر اسلام (ﷺ) در یکی از سنت‌های خود می‌فرماید:

«المسلمون علی شروطهم الا شرطاً حرم حلالاً او احل حراماً

(الترمذی)»

«... مسلمانان ملزم به اجرای شروط خود هستند، مگر

شروطی که حلال را منع کرده و حلال را مجاز بدانند...»^{۵۲}

این امر در قرآن کریم نیز از زبان خداوند، به این مضمون توجیه شده است:

«یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به عهد خود وفا کنید.»^{۵۳}

۶. شرایط مقرر در قرارداد بیمه میان دو طرف قانونی است، بنابراین طرفین ملزم به اجرا و پایبندی به آنها هستند. بر اساس دیدگاه فرقه مالکی قرارداد بیمه، تعهدی الزام آور و در نتیجه از دیدگاه شریعت، مجاز است.

۷. اساس فعالیت بیمه اصل منافع عمومی (مصالح المرسله) نیز هست، چرا که به مسأله از میان بردن سختی‌های زندگی فرد و نیز اقدام برای تأمین رفاه فقیرانی که ممکن در نتیجه زیان یا آسیب دچار سختی شده باشند، می‌پردازد. این امر در قرآن کریم توجیه شده است؛ خداوند همواره برای بندگان خویش خواهان زندگی سعادت‌مندانه و مرفه و بدون نیاز به رویارویی با مشکلات است.^{۵۴} خداوند می‌فرماید:

«یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر»

«... خداوند هرگونه آسانی را برای شما می‌خواهد، اما

نمی‌خواهد شما در سختی‌ها بیفتید...»^{۵۵}

۸. قرارداد بیمه به معنای ایجاد فرصتی برای به دست آوردن منافع مالی برای بیمه گذار نیست. بلکه معامله‌ای است که بر اساس آن بیمه گذار اقدامی را آغاز می‌کند تا در صورت وقوع زیان، آسیب، یا خطر غیر قابل پیش‌بینی، خسارت یا غرامت وارده به وی پرداخت شود. پرداخت خسارت یا ضمانت پرداخت آن مورد توافق دوجانبه طرفین قرارداد؛ بیمه گذار و عامل بیمه، قرار گرفته است، و این امر دال بر وجود عنصر همکاری متقابل میان طرفین قرارداد بیمه است. اصل همکاری متقابل در شریعت توجیه شده است. خداوند می‌فرماید:

«و تعاونوا علی البر و التقوی»

«... و با پرهیزکاری و تقوا با یکدیگر همکاری کنید.»^{۵۶}

۹. قرارداد بیمه بر اساس اصل ضرورت عمل می‌کند. معامله‌ای که هماهنگ با ضرورت عمل کند مجاز بوده و براساس فراگفت زیر توجیه پذیر است:

«الضرورات تبيح المحظورات»

«ضرورت، آنچه را ممنوع شده است به لحاظ شرعی بی ضرر می‌سازد...»^{۵۷}

بنابراین قرارداد بیمه عمر که بر اساس اصل ضرورت تامین امنیت مالی بیوه زنان، فرزندان و افراد تحت تکافل بیمه گذار، در صورت فوت وی، منعقد می‌شود، توجیه پذیر است. پیامبر اسلام (ﷺ) در یکی از سنت‌های خود چنین توصیه می‌کند:

«عن سعد بن وقاص قال: قال رسول الله (ﷺ) ... ان تركت ولدك اغنياء خير من ان تتركهم عالة يتكفون الناس»

«سعد بن ابی وقاص از قول پیامبر (ﷺ) چنین نقل می‌کند: به درستی که بهتر آن است که فرزندان خود را (پس از مرگتان) ثروتمند باقی بگذارید نه فقیر و نیازمند به کمک دیگران...»^{۵۸}

پیامبر (ﷺ) در سنت دیگری می‌فرماید:

«عن صفوان بن سليم قال: قال النبي (ﷺ) الساعي على الارملة والمسكين كالمجاهد في سبيل الله او كالذي يصوم النهار و يقوم الليل ...»

«صفوان بن سلیم از قول پیامبر (ﷺ) چنین نقل می‌کند: کسی که از بیوه زنان و فقرا حمایت می‌کند مانند مجاهد راه خدا یا کسی است که تمام روز روزه می‌گیرد و تمام شب را به نیایش می‌گذراند...»^{۵۹}

۱۰. قرارداد بیمه مستلزم عنصر مشارکت (مسامحه) است.^{۶۰} به عنوان مثال در قرارداد بیمه عمومی، بیمه گذار با هدف جبران خسارت -از سوی عامل بیمه- در صورت وقوع زیان یا آسیب غیر قابل پیش بینی در مورد موضوع قرارداد، حق بیمه‌ای را به صورت منظم پرداخت می‌کند. در قرارداد بیمه عمر، حق بیمه را به عنوان سهم مشارکت در رفاه افراد تحت تکافل خود

می‌پردازد، همزمان عامل بیمه هبه‌ای را از محل صندوق خیریه، به عنوان مازاد حق بیمه‌های پرداختی و سهم منافع، به بهره‌ور(ان) بیمه‌گذار اختصاص می‌دهد.^{۶۱} پیامبر اسلام نیز معمولاً هبه را می‌پذیرفت.^{۶۲} بنابراین معامله‌ای مانند قرارداد بیمه که مستلزم عناصر مشارکت و هبه است، قانونی است.

۱۱. ماهیت قرارداد بیمه عمر مانند طرح مستمری حقوق بازنشستگی است. الزرقا و الالوان معتقدند که تمام دانشمندان مسلمان عصر حاضر در مورد اعتبار طرح مستمری حقوق بازنشستگی توافق نظر دارند.^{۶۳} عادل صلاحی بر این حقیقت صحه گذاشت که تمام حقوق‌دانان مسلمان با ایده پرداخت مستمری موافق هستند، چرا که در صورت بروز مشکل یا فوت (خود شخص)، این اقدام ضامن امنیت پذیره‌نویس و خانواده وی خواهد بود.^{۶۴} بر همین اساس، صلاحی از اعتبار بیمه عمر نیز دفاع کرد. سوال وی این بود که چرا تأمین امنیت خانواده در طرح مستمری، قانونی، و در قرارداد بیمه عمر غیر قانونی محسوب می‌شود، در حالیکه شیوه عملکرد هردو مورد بالا عملاً یکسان است.^{۶۵} استنباط صلاحی چنین بود که علت پذیرش ایده مستمری حقوق بازنشستگی از سوی علما، پذیرش و کاربرد گسترده آن بوده است. بنابراین می‌توان پذیرفت که قرارداد بیمه عمر به دلیل شباهت با طرح مستمری، باید قانونی و معتبر باشد.

۱۲. بر اساس آموزه‌های اسلامی، هر مسلمانی باید ثروت خود را از طریق قانونی و مشروع به دست آورده و به همین طریق مصرف کند، و همزمان با برنامه ریزی اقتصادی بخشی از درآمد خود را به عنوان امنیت آینده در برابر خطرات غیر قابل پیش‌بینی، پس‌انداز کند. پیامبر اسلام (ﷺ) دستورالعملی برای برنامه اقتصادی ارائه داده است:

«خداوند افرادی را که ثروت خود را به شیوه‌ای پسندیده کسب می‌کنند، برکت می‌بخشد، چرا که این ثروت به شیوه‌ای

پسندیده صرف شده و باقی مانده آن برای آینده و زمان بروز
خطر پس انداز می‌شود.^{۶۶}

قرارداد بیمه از دستورالعمل ارائه شده توسط پیامبر اسلام (ﷺ) در حدیث بالا
عدول نمی‌کند، زیرا ماهیت قرارداد بیمه چنین است که بیمه گذار حق بیمه‌ای را به
صورت منظم به عامل بیمه می‌پردازد (این امر خصوصا در قرارداد بیمه عمر صادق
است)؛ حق بیمه نوعی پس انداز برای تامین امنیت آینده و امکان برخورداری از حمایت
در برابر خطرات غیر قابل پیش بینی است.

بنابراین با استناد به بحث‌های بالا، ادعا و تاکید می‌شود که قرارداد بیمه، که اساس آن
اصل اسلامی مضاربه است، باید معتبر و قابل اجرا باشد. همچنین ادعا می‌شود که
استدلال‌های مطرح شده توسط دانشمندان مسلمان مخالف اعتبار بیمه، کاملاً قابل رد و
باطل است.

۳-۵. ارزیابی دیدگاه منفی موجود نسبت به بیمه

به لحاظ تاریخی از زمان آغاز فعالیت بیمه در ۴۰۰۰ پیش از میلاد^{۶۷} در جامعه بابل، به
صورت *قرارداد رهن تعهد* تا کنون، نمی‌توان هیچ مدرکی دال بر وجود دیدگاهی منفی
نسبت به فعالیت بیمه، بر اساس قانون غیر مدون یافت.^{۶۸} مردم جوامع ابتدایی به دلیل
حمایت خانواده و قبیله در هنگام بروز خطر^{۶۹} نیازی به بیمه نداشتند، اما با چنین
فعالیت‌هایی مخالفت هم نمی‌کردند. رابرت دسمت در *Trait Theoretique et Pratique*
Des Assurances Maritime می‌گوید:

«مردم جوامع ابتدایی نیازی به بیمه احساس نمی‌کردند، چرا
که نیازهای آنها در خانواده یا قبیله، که اشتراک آن همانگونه
که در بیمه مقرر می‌شود، غیر قابل انکار است، کاملاً تامین
می‌شد. چنین اشتراکی در تمدنهای باستانی مصر، فینیقیه،
یونان و روم مشاهده نمی‌شود؛ در این جوامع فرد با خطرات

بسیاری مواجه می‌شد، بدون آنکه امکان دستیازی به کمک خانواده را داشته باشد.»^{۷۰}

در قانون عرف، نیاز یا لزوم فعالیت‌های بیمه شناسایی شده بود و آن را به عنوان طرح مالی مشترک پذیرفته بودند که در آن شرکت بیمه، امنیت مالی بیمه شده را در برابر ضررها و آسیب‌های غیرمنتظره تامین می‌نمود.

۶-۳. نتیجه‌گیری

در قانون عرف، هیچ اختلاف عقیده‌ای بین دانشمندان بر سر درستی فعالیت‌های بیمه وجود ندارد و هیچ کس نمی‌تواند اهمیت و لزوم داشتن بیمه نامه را رد کند. به همین منوال، فق‌های اسلامی (که نسبتاً یا کاملاً با بیمه مخالفند) باید پا پیش گذاشته و با پیشنهاد راه‌حلی برای مشکلات بیمه‌ی سنتی، مشکل را حل کنند. اما اگر آنها در عقاید مربوط به صحت بیمه نامه اختلاف داشته باشند، این امر به چشم انداز و استقلال اقتصادی امت مسلمان و امت‌های آینده ضرر می‌زند.

از این رو توصیه می‌شود که کاردanan بیمه در این مورد به اختلافشان خاتمه دهند، اما در عین حال به یافتن راه حل بهتر برای از بین بردن عوامل غیرقانونی بیمه کمک کنند تا بیمه‌ای بیافرینند که امت مسلمان را قادر به مبادلات عادلانه و قانونی بر اساس اصول شرع نماید. این به این معناست که اصول بیمه تنها بر اساس قوانین مضاربه استوار است. علت این است که این نوع مبادله نوعی همکاری متقابل و نیت خیر محسوب می‌شود و طرفین قرارداد بیمه باید در عین شراکت و همکاری از حقوق یکدیگر دفاع کنند.

از این رو امید است که فق‌های اسلامی اختلافاتشان در خصوص صحت بیمه را حل نموده و راه‌حلی برای این مشکلات توصیه نمایند تا جامعه‌ی اسلامی امروزی و آیندگان از آن بهره بگیرند.

پی‌نوشت‌ها

۱. آرتور کوهن، "یادداشت‌هایی بر قانون بیمه"، در *Law Quarterly Review* (۱۹۹۵)، جلد ۱۱، صفحه ۱۱۸-۱۱۹.
۲. رجوع شود به م.ن. صدیقی، "تفکر اقتصادی اسلامی: بررسی نوشتارهای عصر حاضر" در خورشید احمد، (ویراستار)، *در مطالعاتی در اقتصاد اسلامی*، (بریتانیا: بنیاد اسلامی، ۱۹۸۰)، صفحه ۳۱۵-۲۶۵.
۳. رجوع شود به واردیت، *اثر فوق‌الذکر*، صفحه ۳۲؛ و منکابادی، *اثر فوق‌الذکر*، صفحه ۲۱۰.
۴. رجوع شود به کلینگمولر، *اثر فوق‌الذکر*، صفحه ۳۰.
۵. رجوع شود به م.ن. صدیقی، "تفکر اقتصادی اسلامی: بررسی نوشتارهای عصر حاضر" در خورشید احمد، (ویراستار)، *در مطالعاتی در اقتصاد اسلامی*، (بریتانیا: بنیاد اسلامی، ۱۹۸۰)، صفحه ۳۱۵-۲۶۵.
۶. رجوع شود به امام خمینی (ره)، *توجیه المسائل*، ۱۹۷۹، مساله شماره ۲۸۶۳-۶۵، نقل شده در ش. امین، *قانون اسلامی در جهان امروز*، گلاسکو، ۱۹۸۵، صفحه ۷۹.
۷. رجوع شود به منکابادی، *اثر فوق‌الذکر*، صفحه ۲۰۲.
۸. رجوع شود به م.ن. صدیقی، "تفکر اقتصادی اسلامی"، *اثر فوق‌الذکر*، صفحه ۲۱۶.
۹. رجوع شود به *اقتصاد اسلامی*، جولای ۱۹۹۵، صفحه ۶۰.
۱۰. رجوع شود به کلینگمولر، *اثر فوق‌الذکر*، صفحه ۳۵.
۱۱. همایش در ۱۹۶۵ در قاهره برگزار شد؛ همچنین رجوع شود به رشید، *اثر فوق‌الذکر*، صفحه ۳۷ شماره ۱۷.
۱۲. رجوع شود به م.ن. صدیقی، "تفکر اقتصادی اسلامی"، *اثر فوق‌الذکر*، صفحه ۲۱۶، همچنین رجوع شود به مفتی محمد شافع، بیمه عمر، *اثر فوق‌الذکر*، صفحه ۸۶.
۱۳. قرآن، سوره بقره، ۲:۲۷۵.
۱۴. امام ملک بن اناس، *الموطه*، گردآوری شده توسط دکتر سعد فاروق، دارالافتق الجدیدة، بیر.وت، ۱۹۸۵، فصل *بیع الغرر*، شماره ۶۳ در صفحه ۵۵۴، ترجمه ای. ای. بیولی، ۳۴:۳۱، شماره ۷۵، صفحه ۲۷۰.
۱۵. قرآن، سوره بقره، ۲:۲۱۹.
۱۶. قرآن، سوره بقره، ۲:۲۱۹.

۱۷. قرآن، سوره آل عمران، ۳:۵۸.
۱۸. قرآن، سوره مائده، ۵:۲۶.
۱۹. رجوع شود به م. معصوم بالله، "بیمه عمر؟ دیدگاه اسلامی"، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۱۶.
۲۰. رجوع شود به اقتصاد اسلامی، جولای ۱۹۹۵، صفحه ۶۰.
۲۱. رجوع شود به کلینگمولر، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۵.
۲۲. رجوع شود به منکابادی، اثر فوق الذکر، صفحه ۲۰۲.
۲۳. رجوع شود به السنهوری، قانون مدنی، جلد ۷، ۱۹۶۴، در ۱۰۸۸ (عربی)، نقل شده در منکابادی، در محل ذکر شده، صفحه ۲۰۱.
۲۴. قرآن، سوره لقمان، ۳۱:۳۴.
۲۵. رجوع شود به اقتصاد اسلامی، اثر فوق الذکر، صفحه ۶۰.
۲۶. الترمضی نقل شده توسط شیخ جد الحق در اقتصاد اسلامی، اثر فوق الذکر، صفحه ۶۰.
۲۷. رجوع شود به اقتصاد اسلامی، در محل ذکر شده.
۲۸. رجوع شود به مفتی محمد شافع، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۶.
۲۹. رجوع شود به قوانین هیئت نظارت، سودان، اثر فوق الذکر، صفحه ۱۲.
۳۰. قرآن، سوره نسا، ۴:۲۹.
۳۱. صحیح المسلم، کتاب البر، ۵۹.
۳۲. قرآن، سوره مائده، ۵:۳.
۳۳. رجوع شود به مصطفی الزرقا، نظام التامین، موسسات الرساله؛ بیروت، ۱۹۸۴، صفحه ۴۶.
۳۴. برای توجیه رجوع شود به صحیح البخاری، کتاب الادب، اثر فوق الذکر، جلد ۸، شماره ۳۴، صفحه ۲۳.
۳۵. پیشین، کتاب الادب، شماره ۳۵، صفحه ۲۴.
۳۶. صحیح البخاری، کتاب الادب، اثر فوق الذکر، شماره ۵، صفحه ۲۴.
۳۷. قرآن، سوره آل عمران، ۱۵۸:۳.
۳۸. قرآن، سوره مائده، ۵:۲.
۳۹. مفتی محمد شافع، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۶.
۴۰. رجوع شود به ابن اسیر، النهایه قریب الحدیث، جلد ۳.
۴۱. برای متن، رجوع شود به صحیح المسلم، (تحقیق) شماره ۱۰۳۲، صفحه ۲۷۴. همچنین رجوع شود به صحیح البخاری، کتاب الدیات، باب جنین المرآت، شماره ۶۳۹۵. برای ترجمه رجوع

- شود به صحیح المسلم الف. حامد صدیقی، (ترجمه)، دار العربیة، لبنان، (۱۹۷۸)، جلد ۳، شماره ۴: ۶۸، صفحه ۹۰۵.
۴۲. رجوع شود به گیب، و دیگران، اثر فوق الذکر، صفحه ۲۹.
۴۳. سنن الترمذی، اثر فوق الذکر، شماره ۲۵۱۷، صفحه ۶۶۸.
۴۴. [۱۹۷۴] ۱۸۵PLD، SC.
۴۵. رجوع شود به بند ۱۶۷ قانون بیمه ۱۹۹۶.
۴۶. رجوع شود به محمد الزبیدی، تاج العروس، جلد ۲، کویت، (۱۹۶۷)، صفحه ۵۹۱.
۴۷. قرآن، سوره نسا، ۴: ۵۸.
۴۸. ابن قداما، ردة النظر (بی تا)، صفحه ۸۵.
۴۹. رجوع شود به گیب، اثر فوق الذکر، صفحه ۲۹.
۵۰. رجوع شود به مجله، اثر فوق الذکر، مقالات شماره ۳۶، ۴۰ و ۴۵.
۵۱. الامام جلال الدین عبد رحمان سیوطی، الاشباه و النظائر، دار الکتب الاعلامیة، (لبنان)، ۱۹۸۳، صفحه ۶۰.
۵۲. الترمذی، نقل شده توسط شیخ جد الحق، "التأمين على الحياة غير الزائرین"، در اقتصاد اسلامی، اثر فوق الذکر، صفحه ۶۰.
۵۳. قرآن، سوره مائده، ۱: ۵.
۵۴. رجوع شود به حدقا، اثر فوق الذکر، صفحه ۵۶.
۵۵. قرآن، سوره بقره، ۲: ۱۵۸.
۵۶. قرآن، سوره مائده، ۲: ۵.
۵۷. مجله، مقاله شماره ۲۱؛ همچنین رجوع شود به ابن ناظم، اثر فوق الذکر، صفحه ۴۸.
۵۸. صحیح البخاری، کتاب الفرائض، اثر فوق الذکر، جلد ۸، شماره ۷۲۵، صفحه ۴۷۷.
۵۹. پیشین، کتاب الادب، شماره ۳۵، صفحه ۲۳.
۶۰. در فصل شش به تفصیل بحث شده است.
۶۱. رجوع شود به م. معصوم بالله، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۲۴.
۶۲. رجوع شود به محمد السنانی، سبل السلام، (مصر)، ۱۹۸۷، جلد ۳-۱، صفحه ۹۰.
۶۳. رجوع شود به الزرقا، اثر فوق الذکر، صفحه ۶۲، وعبدالله الالوان، حکم الاسلام فی التامين، (مصر: دارالاسلام، ۱۹۸۷)، صفحه ۱۳.

فصل ۳. دیدگاه‌های موافق و مخالف درباره‌ی تکافل و بیمه □ ۱۴۷

۶۴. عادل صلاحی، "آیا بیمه عمر حرام است؟" در *اتقی نو*، بانکداری و بیمه اسلامی، شماره ۴۵، نوامبر ۱۹۹۵، صفحه ۱۲.

۶۵. پیشین.

۶۶. صحیح البخاری و مسلم، (در این مرحله نمی‌توان منبع اولیه‌ای یافت). نقل شده از *تکافل* (بیمه اسلامی)، (کوآلامپور: برت، ۱۹۹۶)، صفحه ۱۱۸.

۶۷. *دایرة المعارف جدید بریتانیکا*، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۶۹۰.

۶۸. ترنری، مقایسه شود، *خاستگاه و تاریخچه اولیه بیمه*، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۱-۱۲.

۶۹. *افضل الرحمن*، *آیین اقتصادی اسلام*، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۹.

۷۰. نقل شده در جی. کلیتون، *بیمه بریتانیایی*، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۳.



عوامل خارجی تاثیرگذار بر قراردادهای تکافل و بیمه

مقدمه

هم عرف و هم قانون اسلامی در این دیدگاه متفقند که صحت بیمه نامه به برخی عوامل خارجی متکی است. آن عوامل عبارتند از موضوع بیمه نامه، خطر، طرفین قرارداد و توافق دوجانبه‌ی آنها برای امضای قرارداد. زمانی که فردی قصد خرید بیمه دارد باید اطمینان حاصل نماید که موضوع بیمه نامه در زمان امضای قرارداد موجود باشد، از اعتبار قانونی برخوردار بوده و خطری که با آن روبروست، موثق باشد.^۱ به علاوه طرفین قرارداد بیمه باید دارای صلاحیت قانونی لازم باشند و رضایت متقابل^۲ آنها موجود باشد تا قرارداد بیمه‌ای کاملاً منطقی و عادلانه حاصل آید.

علیرغم این که به منظور تایید صحت قرارداد بیمه، هر دو سیستم قانونی به عوامل فوق الذکر نیاز دارند، تفاوت‌هایی به ویژه در اصول و مکانیزم فعالیت‌های هر دو سیستم وجود دارد.

در این فصل، بر عوامل خارجی مهمی که قرارداد بیمه را هم در عرف و هم در قانون اسلامی تحت تاثیر قرار می‌دهند تاکید شده است. همچنین هدف از این فصل، شناسایی و تاکید بر همه‌ی تفاوت‌های دو سیستم قانونی فوق الذکر است.

۴-۱. موضوع بیمه نامه

۴-۱-۱. رویه‌ی تکافل

قراردادی که دارای موضوع نباشد از اعتبار لازم برخوردار نیست. در قرارداد بیمه، موضوع به چیزی اطلاق می‌شود که بیمه شونده از آن در برابر خطری پیش بینی نشده محافظت می‌کند. به عنوان مثال در قرارداد بیمه‌ی عمر، عمر انسان (که در خطر مرگ ناگهانی قرار دارد) یا در قرارداد بیمه‌ی آتش سوزی، ساختمان (که در معرض تخریب ناشی از آتش سوزی قرار دارد). در این نمونه‌ها، عمر و ساختمان، موضوعات بیمه نامه را تشکیل می‌دهند.

هم در قانون عرف و هم در قانون اسلامی، پیش از امضای قرارداد باید موضوع آن موجود باشد. آیا در هر دو این سیستم‌ها، موضوعات بیمه نامه مشترکند؟ اگرچه هر دو سیستم به موضوعات منطقی نیازمندند، ماهیت موضوع مورد نیاز، یکی نیست. این از آن جهت است که در عرف، اصول آن برای تشخیص موضوع بیمه نامه بکار می‌رود. به عبارت دیگر، توجیهی برای این کار وجود ندارد که افراد به دنبال سودجویی از موضوعاتی باشند که در شریعت معتبر شناخته نمی‌شوند. توجیه این امر، آیه‌ی قرآنی زیر است:

«و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الاخره
من الخاسرین»

«هر کس غیر از اسلام، دینی اختیار کند، هرگز از او پذیرفته
نیست و او در آخرت از زیانکاران است.»^۳

در اینجا تلاش شده تا نگرش قوانین اسلامی در خصوص تاثیر موضوع بیمه نامه بر قراردادهای معتبر تکافل، مورد بررسی قرار گیرد.

موضوع بیمه را می‌توان اینگونه تعریف کرد: "چیزی که می‌توان از آن در زمان نیاز بهره جست." و در زبان عربی، آن را مال می‌نامند.^۴ دو دسته مال وجود دارد: متقوم (ارزشمند) و غیر متقوم (غیر ارزشمند).^۵ مال متقوم دست کم ۴ ویژگی دارد:

۱. باید ارزش تجاری داشته باشد.

۲. باید دارای سود باشد.

۳. باید از نظر قانونی تحت مالکیت افراد باشد.

۴. باید از نظر شریعت، مال متقوم شناخته شود.^۶

شریعت، مال غیر متقوم را از راه‌های زیر شناسایی می‌کند:

نخست اینکه آن چیز یا مال باید در تعالیم اسلامی، صریحاً غیرمتقوم شناخته شده باشد. به عنوان مثال، شراب، گوشت خوک و خون، غیرقانونی اعلام شده‌اند. ممنوعیات قرآنی عبارتند از:

«یا ایها الذین آمنوا انما الخمر... رجس من عمل الشیطان
فاجتنبوه لعلکم تفلحون»

«ای اهل ایمان! شراب... پلیدو از عمل شیطان است، از آن
البتہ دوری کنید تا رستگار شوید.»^۷

«حرمت علیکم المیتہ و الدم و لحم الخنزیر»

«برای شما مومنان گوشت مردار و خون و خوک همه حرام
شده...».^۸

دوم این که برخی اموال در ابتدا متقوم بوده اما به دلیل پیشامدهایی چون مال دزدی، قاجاق یا هر نوع دستبرد یا اختیار مال از راه‌های غیرقانونی، غیرمتقوم شده است. مال در شرایط فوق الذکر، ابتدا متقوم بوده اما پیامدهای بعدی باعث غیرمتقوم شدن آن گشته است.

«و لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل»

«مال یکدیگر را به ناحق نخورید.»^۹

سوم این که، برخی اموال نه در ابتدا غیرمتقوم بوده‌اند و نه شرایطی سبب غیرمتقوم شدن آن شده است، بلکه^{۱۰} شک یا عدم وجود یا ناتوانی در دستیابی^{۱۱} به آن مال، آن را بنابر اصول شک (الغرر) غیرمتقوم ساخته است. پیامبر اکرم (ﷺ) ما را از معامله‌ی اموال نامشخص نهی نموده است.

«عن سعید المسیب ان رسول الله (ﷺ) نهی عن بیع الغرر»

«از سعید المسیب نقل شده که رسول خدا (ﷺ) ما را از معامله‌ی اموالی که در آن شک وجود دارد منع نموده است.»^{۱۲}

طبق اصول اسلامی، شناخت موضوع قرارداد بیمه باید بر اساس اصول فوق صورت گیرد. از اینرو، موضوع بیمه نامه باید از ۴ شرط زیر تبعیت کند: به این معنی که باید قانوناً تحت تملک باشد، ارزش تجاری داشته باشد، از مزایای قانونی برخوردار باشد، نباید دارای خطر محض باشد و شریعت باید آن را به عنوان مال متقوم شناسایی نماید. به عنوان مثال در قرارداد بیمه‌ی عمر، جان فرد بیمه شده، موضوع قرارداد است. تحت مالکیت بیمه شده قرار دارد، دارای ارزش تجاری است و از آنجا که وقتی بیمه شده در قید حیات نباشد، تامین مایحتاج افراد تحت قیمومیت وی به خطر می‌افتد، از اینرو شریعت آن را مال متقوم می‌داند. از اینجاست که عمر به دلیل اهمیت آن برای جامعه دارای اهمیتی قطعی است. به علاوه، عمر همیشه در معرض خطر مرگ ناگهانی قرار دارد. همانطور که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«کل نفس ذائقة الموت»

«هر نفسی شربت مرگ را خواهد چشید.»^{۱۳}

اما شرایطی وجود دارد که عمر به دلایل مالی، غیرمتقوم شناخته می‌شود. آن شرایط شامل عدم تناسب پزشکی، حبس، اسارت یا طعمه‌ی گروگان بودن یا محرومیت از سرمایه می‌باشد. در این شرایط، عمر به سایرین وابسته می‌شود و توانایی تامین درآمد، برای وابستگان از بین می‌رود. از این رو اگر مشخص شود که فرد استقلال کامل ندارد، حق امضای قراردادهایی از قبیل قرارداد بیمه از وی سلب می‌شود. قرارداد بیمه، قراردادی دو طرفه است که به اصول قرآنی وابسته می‌باشد:

«و تعاونوا علی البر و التقوی»

«باید شما به یکدیگر در نیکوکاری و تقوی کمک کنید.»^{۱۴}

در این جا این پرسش پیش می‌آید که آیا عمر این گونه افراد می‌تواند تحت بیمه‌ی عمر قرار گیرد یا خیر؟ چرا که اگر بیمه شونده قادر به همکاری متقابل با بیمه‌گر در

زمینه‌ی حفظ سلامت خود نباشد، در حق بیمه‌گر اجحاف می‌شود و هرگونه بی‌عدالتی در محضر خدا ممنوع است.

«ان الله يامر بالعدل»

«همانا خداوند فرمان به عدل می‌دهد.»^{۱۵}

به همین منوال، تعیین موضوع منطقی قرارداد نیز بر اصول مال متکی است.^{۱۶} از اینرو چیزهایی که تحت پوشش بیمه نامه قرار می‌گیرند باید در شریعت دارای ارزش مالی باشند، یعنی باید در آنها سود وجود داشته باشد، تحت مالکیت قرار گیرد^{۱۷} و خطری آن را تهدید نماید. در عوض، اموالی وجود دارند که غیر متقوم نامیده می‌شوند و از اینرو بیمه نامه آنها را تحت پوشش قرار نمی‌دهد. این اموال عبارتند از: توافق بینابین، اموال قاجاق یا دزدی، کالای اختیار شده توسط دستبرد در اموال یا سایر راه‌های غیرقانونی^{۱۸} یا اموال حاوی عناصر ربا^{۱۹}، قمار^{۲۰}، شراب، گوشت خوک یا سگ. به علاوه اموالی وجود دارند که منابع الهی آن را غیر متقوم ندانسته‌اند اما باز هم موضوعاتی نیستند که تحت پوشش بیمه قرار گیرند. این اموال عبارتند از چیزهایی مثل دارایی‌های غیر تملکی^{۲۱}، اموال خارج از حیطه‌ی خطر، اموال مبهم^{۲۲} و اموال متروک که دارای ارزش مالی نیستند. اینها موضوعات مناسبی برای قرارداد بیمه نیستند چراکه مورد تأیید طرفین قرارداد یا به نفع پوشش بیمه نبوده‌اند.

۲-۴. موضوع بیمه تحت خطر

۱-۲-۴. تعالیم بیمه

موضوع قرارداد بیمه چیزی است که بیمه‌کننده از قرار گرفتن آن در معرض خطر می‌ترسد. به عنوان مثال در بیمه نامه‌ی موتور، موتور ماشین (که بیمه‌کننده از قرار گرفتن آن در معرض خطر می‌ترسد) موضوع قرارداد است، اما در بیمه نامه‌ی عمر، عمر بیمه شونده که خطر مرگ آن وجود دارد، موضوع است.

موضوع بیمه از موضوع بیمه نامه متفاوت است.^{۲۳} موضوع بیمه، پول یا سود مالی است که از آن در برابر ضرر محافظت می‌شود.^{۲۴} برت در رینر وی پرستون^{۲۵} شرح داده

که موضوع بیمه، پول است اما موضوع قرارداد بیمه، مثلاً در بیمه‌ی آتش سوزی، خانه یا سایر موارد در خطر، و در بیمه‌ی سفر دریایی، کشتی یا کالای موجود در آن است.^{۲۶} از اینرو، موضوع قرارداد بیمه، چیزی است که بیمه کننده از قرار گرفتن آن در معرض خطر می‌هراسد، درحالی‌که موضوع بیمه، سود بیمه یا سود مادی است که از آن در برابر ضرر و زیان احتمالی محافظت به عمل می‌آید. نمونه‌ی تفاوت‌های بین این دو در جدول زیر مورد بررسی قرار گرفته اند:

موضوع بیمه	موضوع قرارداد بیمه
در بیمه‌ی عمر، حیات بیمه شده	سود مالی بیمه نامه در صورت فوت بیمه شده
در بیمه‌ی سوانح، بدن بیمه شده ^{۲۷}	جبران خسارت مالی ناشی از فقدان بخشی از بدن یا وارد شدن جراحت در آن بخش
در بیمه‌ی مسئولیت، محافظت در برابر مسئولیت‌های بیمه شده ^{۲۸}	پرداخت هزینه‌های محافظت در برابر مسئولیت‌ها
در بیمه‌ی آتش سوزی، ساختمان و غیره ^{۲۹}	جبران خسارت مالی ضرر و زیان وارده به ساختمان
در بیمه‌ی موتور، موتور خودرو	جبران ضرر و زیان
در بیمه‌ی سفرهای دریایی، قایق و کالای داخل آن	جبران مالی آسیب‌های وارده
در بیمه‌ی اموال، مال مورد نظر ^{۳۰}	جبران یا تثبیت ضرر و زیان موجود در اموال

در قرارداد بیمه، لازم است که طرفین، هر دو نوع موضوع را (موضوع بیمه^{۳۱} و موضوع قرارداد بیمه) بشناسند. برت ال جی در گریفیث و برملی مور^{۳۲} بر نیاز به شناسایی موضوعات بیمه^{۳۳} تاکید نمود و اظهار داشت که این دو باید برای بیمه‌گر و بیمه شده مشخص شوند، چراکه این امر بر لزوم اجرای بیمه تاثیر می‌گذارد. پروفیسور ایوامی نیز خاطرنشان ساخت که اگر موضوع قرارداد بیمه مبهم باشد، بیمه نامه معتبر نخواهد بود.^{۳۴}

۴-۳. مدیریت خطر

۴-۳-۱. تعالیم تکافل

هیچ کس را نمی‌توان به طور کامل از مواجهه با خطر غیرمنتظره نجات داد؛^{۳۵} خواه خطر جانی باشد، خواه مالی و خواه تجاری.^{۳۶} شریعت، نظام پویایی است که فرد را بدون راهنمایی یا محافظت در مواجهه با خطرات تنها نمی‌گذارد. به عنوان مثال در طول جنگ احد، بسیاری از مسلمانان شهید شدند و یتیمان و بیوه‌هایشان بدون سرپناه ماندند. باقی‌مانده‌ی جامعه‌ی مسلمانان وظیفه‌ی محافظت از رفاه این یتیمان و بیوه‌ها را متقبل شدند.^{۳۷} پس از آن خداوند به جامعه (آن دسته از افرادی که قادر به حفظ عدالت بودند) دستور داد که برای حفظ امنیت این افراد بی سرپناه، چندهمسری پیشه کنند. از سوی دیگر اگر ترس از عدم توانایی در حفظ عدالت نسبت به همسران را دارند از چندهمسری بپرهیزند و تنها با یک نفر ازدواج کنند. خداوند می‌فرماید:

«و ان خفتم ان تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من

انساء مثنی و ثلاث و رباع، فان خفتم الا تعدلوا فواحدة»

«و اگر بترسید که مبدا درباره‌ی یتیمان مراعات عدل و داد

نکنید پس آن‌کس از زنان را به نکاح خود درآورید که مرشما

را نیکو و مناسب با عدالت است، دو یا سه یا چهار (نه بیشتر)

و اگر بترسید که چون زنان متعدد گیرید راه عدالت نییموده و

به آنان ستم کنید پس تنها یک زن اختیار کنید.»^{۳۸}

در این آیه، خداوند چند همسری را برای کسانی که می‌توانند عدالت را رعایت

کنند، مجاز و در عین حال آن را برای افرادی که قادر به آن نیستند غیرمجاز دانسته تا

یتیمان و زنان بیوه را از ترس ناشی از خطر برخورد ناعادلانه محافظت نماید.

به همین منوال در احکام نماز و حشت، مسلمانان مجازند تا نمازشان را به سبکی

متفاوت به عمل آورند. این فتوی برای محافظت از جنگجویان در برابر ترس از خطرات

احتمالی حمله توسط دشمن است. روش اقامه‌ی نماز و حشت به قرار زیر است:

«از یحیی بن سعید نقل شده که... شکل نماز وحشت این گونه است که امام با گروهی از اصحابش می ایستد، درحالی که گروه دیگر در حال مبارزه با دشمنان هستند. امام یک رکعت را با آنها به جا می آورد و به سجده می رود و سپس می ایستد. او می ایستد در حالی که سایرین، خود رکعت بعدی را به جا می آورند. سپس تشهد و سلام می گویند و در مقابل دشمن می ایستند، اما امام بر جای خود می ماند تا گروه دیگری که نماز به جا نیاورده اند بیایند و پشت اما تکبیر بگویند. ا. یک رکعت با آنان دعا می کند و به سجده می رود. سپس سلام می گوید، اما سایرین می ایستند و رکعت دوم را خود به جا می آورند و سپس سلام می دهند.»^{۳۹}

در نمونه های فوق الذکر از قرآن کریم و سنت، مشاهده شده که شریعت عموماً موارد جایگزینی برای محافظت در برابر خطرات پیش بینی نشده مطرح می کند. قرارداد بیمه نیز باید توسط فتوی های فوق توجیه شوند، چراکه هدفشان محافظت در برابر خطرات پیش بینی نشده است. در اینجا مشخص شده که بیمه نامه، خطراتی را پوشش می دهد که به حفاظت مادی نیاز دارند، نه خطراتی را که موقعیت سنجی یا سودطلبی و رای آن نهفته است. توجیه این نکته نیز، کلامی از پیامبر اکرم (ﷺ) در زمان هجرت است. در نخستین روزهای پیدایش اسلام، فتوایی برای مسلمانان صادر شد که از مکان های خطرناک به سرزمین های امن مهاجرت کنند. این فتوی در جهت محافظت جان، مال و ایمان مسلمانان در برابر کفار و مشرکین صادر شده بود و نه به خاطر مقاصد مالی. سپس پیامبر اکرم (ﷺ) به مسلمانان هشدار داد که پیش از مهاجرت، نیتشان را برای خدا خالص کنند. نیت آن مهاجرت، دستیابی به رضایت پروردگار بود و نه مزیای مادی. از این رو زمانی که فردی به نیت سود مادی مهاجرت می کرد، آن مهاجرت در نظر پروردگار، لکه دار می نمود. تفسیر سنت از این رویداد این گونه است:

«قال رسول الله ﷺ انما الاعمال بالنيات و انما لكل امری ما نوى فمن كانت هجرته الى الله و رسوله فهجرته الى الله و رسوله و من كانت هجرته لدنيا يصيبها او امرأه ينكحها فهجرته الى ماهاجر اليه (متفق عليه)»

«نقل شده که پیامبر اکرم فرمود: پاداش اعمال خیر به نیت افراد بستگی دارد و هر فردی بنا به نیتش پاداش می‌گیرد. از این رو هرکس به خاطر مزایای دنیوی یا ازدواج با یک زن مهاجرت کند، مهاجرت او به نیتی که داشته ثبت می‌شود.»^{۴۰}

در پرتوی این تعالیم الهی، اینطور می‌توان نتیجه‌گیری کرد که خطرات تحت پوشش بیمه باید دارای شرایط زیر باشند:

۱. خطری غیرمتظره اما تعریف شده باشد.
 ۲. هدف از داشتن امنیت در برابر خطر باید محافظت مالی در برابر ضرر باشد و نه سود مالی
 ۳. خطر نباید ساختگی باشد
 ۴. خطر موضوعات غیرمجاز نباید تحت پوشش بیمه قرار گیرد
 ۵. وقوع خطر نباید پیش از وقوع شناسایی گردد.
- دانشورانی هستند که با احکام بیمه مخالفند زیرا آن را بر اصول همکاری متقابل و عنصر عدم اطمینان برقرار می‌دانند.^{۴۱} این امر از آن روست که معاملاتی که در آنها تردید وجود دارد به فتوای پیامبر ممنوع اعلام شده اند.^{۴۲} موضوع بیمه نامه سه جنبه دارد: "خود موضوع"، "ترس از خطر" و "وقوع خطر". از این رو، مجادلات مخالفان بسته به این که تردید موجود در خصوص ترس از خطر است یا مواجهه با آن یا خود موضوع، کلی هستند و نه مشخص. این مجادلات از آن جهت مطرح می‌شود که سوء برداشت‌های مخالفانی را رد کند که معتقدند "موضوع" بیمه‌نامه مبهم نیست و دارنده‌ی قرارداد پیش از امضای آن از آن مطلع است، دوم این که "ترس از خطر" موضوع (مثلاً در بیمه‌ی عمر، مرگ بیمه شده و در بیمه‌ی کلی، سانحه‌ی مربوط به موضوع، ترس از خطر اطلاق

می‌شود) مبهم نیست و پیش از آغاز هر قرارداد شناسایی شده است. از این‌رو در این‌جا پیشنهاد شده که هیچ ابهامی در زمینه‌ی دو جنبه‌ی موضوع قرارداد بیمه وجود نداشته باشد. اما عامل شک تنها در "وقوع" خطر پدیدار می‌شود (به عنوان مثال در قرارداد بیمه‌ی عمر درباره‌ی زمان، مکان و علت مرگ یا خود خطر هرگونه زیان جانی و این‌که آیا اتفاق در مدت قرارداد افتاده یا خیر؛ به همین شکل در قرارداد بیمه‌ی کلی، زمان، مکان و علت رویداد خطر، عناصر وقوع خطر به شمار می‌آیند). قطعاً وقوع خطر باید برای بشر، غیرمشخص و مبهم باشد زیرا طبق آیه‌های قرآن خداوند تنها کسی است که مالکیت مطلق رویدادهای غیرمنتظره را در اختیار دارد:

«ان الله علام الغیوب»

«و خداوند داننده‌ی غیبه‌است.»^{۴۳}

این امر بار دیگر با بیانات پروردگار توجیه شده:

«همانا علم ساعت نزد خداست و او باران را فروبارد و او آنچه از نر و ماده زشت و زیبا که در رحم‌های آبستن است می‌داند و هیچ‌کس نمی‌داند که فردا چه خواهد کرد و هیچ کس نمی‌داند که کدام سرزمین مرگش فرا می‌رسد پس خدا به همه چیز دانا و بر کلیه اسرار و دقائق عالم آگاهست.»^{۴۴}

بنابراین این ادعا علیه فعالیت‌های بیمه مبنی بر وجود شک در آن، کاملاً پوچ و بی اساس است. سپس این سوال پیش می‌آید که از آنجا که تنها خدا از بروز خطر آگاه است، اگر دارنده‌ی قرارداد این فکر به ذهنش خطور نماید که در کار خدا دخالت کند و قبل یا بعد از شروع بیمه‌نامه، خطری چون خودکشی یا آتش سوزی ایجاد کند، تکلیف چه خواهد بود؟ این کار، برنامه ریزی صرف است و خود دارنده‌ی بیمه نامه نیز نمی‌تواند موفقیت آن را تضمین نماید. در چنین حالتی، بیمه نامه به دلیل نقض حسن نیت باطل تلقی می‌شود اما علت ابطال آن، شک نیست.

دسته بندی‌های متعددی برای خطر وجود دارد. پرسش این است که آیا بیمه نامه، همه‌ی خطرات را پوشش می‌دهد یا خیر؟ ۹ دسته خطر در زیر به طور خلاصه مطرح شده اند:

یک. خطر ذهنی

درجه‌ی خطر متغیر است. به عنوان مثال فرض می‌شود که ساختمان‌ی در خطر آتش سوزی یا تخریب قرار دارد، اما در هر حال خطری آن را تهدید می‌کند. در این نوع از خطر، یا ضرر به موضوع قرارداد وارد می‌شود و یا هیچ ضرری وارد نمی‌شود، اما در آن هیچ شانس‌ی برای بدست آوردن سود وجود ندارد.

دو. خطر واقعی

خطری که در آن همیشه ترس از خطر برای موضوع قرارداد وجود دارد. در نتیجه هیچ شانس‌ی برای سود وجود ندارد و تنها گزینه‌ی موجود، ضرر (با ماهیت غیرمنتظره) است. نمونه‌ای از این نوع خطر، بیمه‌نامه‌ی تحصیلات است که در آن همیشه ترس از هزینه‌های تحصیلی آینده وجود دارد؛ یا بیمه‌ی تامین اجتماعی. مثلاً طرح بیمه‌ی بازنشستگی برای کسانی که احساس می‌کنند بعد از بازنشستگی هر آن امکان از دست دادن درآمد برایشان وجود دارد.

سه. خطر محض و تعریف شده

ترس از خطری مشخص درباره‌ی موضوعی خاص. در نتیجه، در این نوع خطر هیچ شانس‌ی برای سود وجود ندارد و تنها گزینه‌های ممکن، ضرر یا عدم تغییر موضوع است. به عنوان مثال خودروی موتورسیکلت همیشه در معرض تصادف قرار دارد، اما این خطر همیشه روی نمی‌دهد، بلکه ممکن است اتفاق بیفتد یا نیفتد. اما اگر اتفاق بیفتد، ضرر بوده. در غیر این صورت تغییری در آن بروز نکرده اما سودی نیز از آن انتظار نمی‌رود.

چهار. خطر حدسی

که در آن ترس از خطر موضوع وجود دارد اما صاحب موضوع قرارداد معتقد است که خطر یا به سود می‌انجامد یا به ضرر. نمونه‌ای از این نوع خطر، قمار است که در قرآن کریم اکیداً رد شده است:

«یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المسیر و الانصاب و الازلام
رجس من الشیطان فاجتنبوه»

«ای اهل ایمان، شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای
گروبندی همه اینها پلید و از عمل شیطان است. پس از آن
دوری کنید.»^{۴۵}

پنج. خطر وقایع خاص

تنها خداست که از وقوع خطر آگاهی دارد اما همه می‌دانیم که خطر قطعاً وجود دارد. مثلاً اگر ساختمانی ترک برداشته باشد صاحب آن به محض آگاهی از این خطر، به اداره‌ی بیمه رجوع می‌کند تا ساختمان را بیمه نماید. چنین اقدامی کاملاً سودجویانه و فریب کارانه و برخلاف اهداف بیمه است و در نتیجه چنین خطری تحت پوشش بیمه نامه قرار نمی‌گیرد. خداوند در قرآن به صراحت سودجویی از طریق راه‌های غیرقانونی یا از راه فریب را منع می‌کند.

«یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل»

«ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق نخورید.»^{۴۶}

شش. خطرات تعمدی

برخی خطرات به عمد و در جهت سودجویی و فریب شرکت بیمه توسط بیمه شده ایجاد می‌شود. نمونه‌هایی از این خطرات عبارتند از خودکشی یا ایجاد خطر عمدی برای چیزهای خاص. چنین خطری نباید تحت پوشش بیمه قرار گیرد^{۴۷} چرا که هدف از آن، فریب بیمه‌گر است و نه همکاری متقابل. حکم خداوند این است:

«و تعاونوا علی البر و التقوی»

«و به یکدیگر در نیکوکاری و تقوی کمک کنید.»^{۴۸}

هفت. خطر موضوعات غیرقانونی

انواع مختلفی از موضوعات وجود دارند که شریعت آن را غیرقانونی می‌داند. این مسائل عبارتند از چیزهایی که ذاتاً غیرقانونی شمرده می‌شوند مثل خوک، الکل، سگ و غیره و چیزهایی مثل اموال دزدی یا قاچاق، کالای شامل ربا یا قمار و غیره که به خاطر ارتباطشان با مسائل غیرقانونی، غیرقانونی شمرده می‌شوند. چنین موضوعات غیرقانونی نمی‌تواند تحت پوشش بیمه قرار گیرد چراکه هدف بیمه، کمک متقابل به حفظ امنیت است نه ایجاد تخریب در جامعه. اگر پوشش بیمه برای چنین مسائلی قانونی شمرده می‌شد به تخریب می‌انجامید نه همکاری. بر اساس آنچه در آیات قرآن کریم آمده چنین چیزی خلاف تعالیم خداوند است:

«والله لا يحب الفساد»

«و خداوند مفسدان را دوست ندارد.»^{۴۹}

هشت. خطر مسائل پذیرفته نشده

این حالت زمانی روی می‌دهد که یک دارایی بدون مالک، تحت خطر قرار داشته باشد. بیمه چنین دارایی‌هایی را تحت پوشش قرار نمی‌دهد زیرا مالکیت قطعی برای آن مشخص نیست. توجیه این مسئله نیز عدم قطعیت است. موضوعی تحت خطر قرار دارد، اما مالک مشخصی برای آن وجود ندارد و فردی که قصد بیمه کردن آن را به عنوان غریبه، وکیل یا فرد غیرقانونی یا مستاجر یا استخدام کننده^{۵۰} دارد، هیچ حق قانونی برای بیمه کردن آن را ندارد، زیرا اثبات مالکیت موضوع پیش از بیمه کردن آن ضروری است، یعنی مالک باید فردی باشد که در برابر دارایی به وی سود برسد و مدعی یا مالک موقت نباشد.

نه. خطر مسائل ناشناخته^{۵۱}

مسئله‌ای تحت خطر قرار دارد اما نه تحت مالکیت قرار دارد و نه شرایط فیزیکی آن برای فردی که قصد بیمه کردن آن را دارد شناخته شده است.^{۵۲} چنین مسائلی نامشخص^{۵۳}

تلقی می‌شوند. موضوعات نامشخص تحت پوشش بیمه قرار نمی‌گیرند، زیرا این حالت، معامله ای است که تحت تعالیم پیامبر (ﷺ) ممنوع اعلام شده است:

«عن سعید ابن مسیب ان رسول الله (ﷺ) نهی عن بيع الغرر»
 «از سعید بن مسیب نقل شده که پیامبر اکرم (ﷺ) مسلمانان را از معاملات نامشخص نهی فرموده است.»^{۵۴}

سه مورد اول از ۹ رده‌ی خطر (یعنی خطر ذهنی، واقعی و محض) تحت پوشش تکافل قرار می‌گیرند^{۵۵} اما ۶ مورد دیگر به دلیل عدم مطابقت با قوانین شرعی تحت پوشش قرار نخواهند گرفت.^{۵۶}

۲-۳-۴. تعالیم بیمه

هیچ کس قطعاً از خطرات غیرمنتظره بری نیست زیرا همه‌ی ما در معرض خطرات جانی و مالی قرار داریم.^{۵۷} بیمه راهی است برای غلبه بر مشکلات موانع ناشی از ضررها و آسیب‌های غیرمنتظره.

در حقیقت، خطر را می‌توان بسته به ماهیتش در ۴ دسته‌ی زیر گنجاند.^{۵۸}

یک. خطر ذهنی

به عنوان مثال در مورد کشتی که دارای دو مالک باشد و یکی از آنها بیش از دیگری از بروز آسیب به آن نگران باشد. این نوع خطر را خطر عینی می‌نامند زیرا در آن درجه‌ی ضرر متفاوت است.

دو. خطر واقعی

این نوع خطر توسط ضررهای واقعی محاسبه می‌شود. خطر واقعی ممکن است در معرض تغییر قرار گیرد و/امکان ضرر نامیده شود. در خطر واقعی همیشه امکان ضرر وجود دارد و فقط به این معناست که در آن امکان دستیابی به سود از راه ضرر وجود ندارد یا هیچ تغییری در موضوع ایجاد نخواهد شد.

سه. خطر محض

نوعی از خطر که پیامدهایی برای موضوع ایجاد می‌کند یا اصلاً خطری وجود ندارد.

چهار. خطر حدسی

به شرایطی اطلاق می‌شود که همیشه ضرر یا سود مطلق را در بر دارد. این نوع خطر خیلی شبیه قمار است.^{۵۹}

بیمه نامه، همه‌ی خطرات را تحت پوشش قرار نمی‌دهد بلکه تنها برای سه مورد اول قابل اجراست.^{۶۰} خطر حدسی شبیه قمار است و در نتیجه تحت پوشش بیمه قرار نمی‌گیرد.^{۶۱} خطر، رده‌های دیگری نیز دارد که تحت پوشش بیمه قرار نمی‌گیرد مثل:

- خطر مشخص^{۶۲}
- خطرات تعمدی^{۶۳}

در شرکت بیمه رویال انگلستان^{۶۴}، بیمه شده به عمد موضوع قرارداد را آتش زد تا ادعای ضرر کند. همین‌طور در شرکت بیمه‌ی برسفورد و رویال^{۶۵}، این تصمیم اتخاذ شد که اگر بیمه شده به عمد مرتکب خودکشی شود، وارثان وی مجاز به دریافت حق بیمه نخواهند بود. دکتر سیفول اظهر روزلی خطر حدسی رانوعی از خطر می‌داند که در آن فرد، شرایطی ره به عمد به وجود می‌آورد و در نتیجه این‌طور نتیجه‌گیری می‌کند که فرد احتمال وقوع ضرر را می‌دهد و می‌خواهد از آن سود به دست آورد.^{۶۶}

نتیجه این‌که، بیمه نامه در صورتی به افراد حق بیمه می‌دهد که مورد پیش آمده، تحت پوشش بیمه قرار داشته باشد. برای تشخیص بیمه پذیر بودن خطر باید آن را در سه دسته‌ی خطرات ذهنی، محض و واقعی گنجانند. به علاوه باید دارای شرایط زیر نیز باشند:

- قابل پیش بینی
- قابل اندازه گیری
- در منطقه‌ی جغرافیای وسیع
- مورد قبول شرکت بیمه^{۶۷}

۴-۴. ظرفیت قانونی طرفین قرار داد بیمه و تکافل

در بیمه نامه، طرفین قرارداد معمولاً شرکت بیمه (بیمه‌گر)، دارنده‌ی قرارداد (بیمه‌شده)، وکیل، کارگذار، نماینده و ذینفع هستند.^{۶۸} همه‌ی این طرفین به یکدیگر وابسته‌اند و در برقراری قرارداد بیمه با یکدیگر مشارکت دارند. طرفین قرارداد بیمه تحت قوانین اسلامی مشابه طرفین بیمه‌نامه‌ی عرفی هستند. تنها تفاوت بین آنها اصول هدایت مربوط به طرفین و حقوق و مزایای‌شان است. در این بخش بر تفاوت‌های بین اصول کاری بیمه‌ی اسلامی و بیمه‌ی عرفی تمرکز خواهد شد.

۴-۵. تعالیم بیمه‌ی تکافل

۴-۵-۱. عامل تکافل

عامل کسی است که پرداخت خسارت بیمه را بر عهده می‌گیرد تا بیمه‌شده را در برابر خطرات غیرمنتظره‌ای که به موضوع قرارداد وارد می‌شود محافظت نماید. تحت قوانین اسلامی، عامل، اصطلاح دیگری که برای بیمه‌گر به کار می‌رود.

قانون ۱۹۸۴ تکافل، شرایط زیر را برای تجارت به عنوان عامل بیمه مطرح می‌سازد:

تحت این قانون، تکافل نباید غیر از موارد زیر توسط افراد دیگری اجرا شود:

الف) شرکت‌های تعریف شده در قانون شرکت‌های ۱۹۶۵

ب) موسسه‌ی ثبت شده توسط قانون موسسات مشارکتی

بخش ۴ (۲) قانون تکافل به قرار زیر است:

هیچ شرکتی نباید تجارت خانوادگی یا عام یا هر دو را در مالزی راه اندازی کند،

مگر در شرایط زیر:

الف) تحت این قانون به نام این نوع تجارت یا دسته و یا هر دو ثبت شده باشد

ب) در مورد شرکت‌های تعریف شده در قانون شرکت‌های سال ۱۹۶۵ و موسسات

نام برده در زیربخش ۱ (ب)، همیشه مازاد بر دارایی‌ها بیش از مقدار پیش بینی شده هستند.

ج) دارای سپرده‌ی مورد نیاز این قانون باشد. و

د) عضو سازمان بیمه‌ی مورد تایید وزیر باشد به شرط آن‌که این بند تا تأسیس چنین سازمانی کاربرد نداشته باشد.

از آنجا که هر فرد^{۶۹} یا شرکت^{۷۰} یا سازمانی^{۷۱} این حق را دارد که به عنوان عامل تکافل فعالیت نماید، دارا بودن شرایط زیر برای آن الزامی است:

۱. فرد یا شرکت یا سازمانی که قصد فعالیت در زمینه‌ی بیمه را دارد باید دارای ظرفیت قراردادی باشد. قوانین مربوط به این ظرفیت مشابه قوانین قراردادهای تجاری هستند.^{۷۲}

۲. فرد، شرکت یا سازمانی که قصد فعالیت در زمینه‌ی بیمه را دارد باید پیش از آغاز کار، مجوز فعالیت به عنوان عامل را داشته باشد. علت این است که فعالیت بیمه، مبادله‌ی مالی مطلق است که در آن، عامل نقش مدیریتی و مسئول کل سرمایه را دارد. اگر چنین فردی بدون مجوز قانونی چنین مسئولیتی را به عهده داشته باشد، قطعاً احتمال خطر کلاهبرداری یا فریب یا سوء استفاده از اموال مردم می‌رود. از اینرو لزوم ثبت قانونی عاملیت شرکت پیش از آغاز کار برای جلوگیری از فعالیت‌های غیرقانونی، باعث دوام کار شرکت بیمه می‌شود. این مورد توسط یکی از احادیث پیامبر اکرم (ﷺ) تایید شده که عدم صداقت یا رفتار نامطلوب یا فریب در معامله را مکروه می‌داند.

«نهی رسول الله (ﷺ) عن النجش»

«پیامبر اکرم (ﷺ) مسلمانان را از نجش (عدم صداقت،

رفتار نادرست و فریب در معامله) باز می‌دارد.»^{۷۳}

پیامبر اکرم در حدیثی دیگر قلب در معامله را رد می‌کند. او فرموده:

«عن عبدالله ان رجلاً ذکر للنبی (ﷺ) انه یخدع فی البیوع

فقال اذا بايعت فقل لا خلا به»

«از عبدالله نقل شده که فردی نزد پیامبر آمده و گفت همیشه در معامله به او خیانت شده است. پیامبر اکرم (ﷺ) به وی فرمود در زمان خرید قید کند که تقلب در کار نباشد.»^{۷۴}

از این رو قانون ۱۹۸۴ تکافل نیازمند آن است که عامل ابتدا مجوز ثبت شده‌ای داشته باشد.^{۷۵} در بخش ۵ این قانون قید شده که فردی که بدون مجوز به هر نوع تجارت بیمه مشغول باشد متهم شناخته شده، موظف به پرداخت جریمه‌ی ۲۰.۰۰۰ ریالی یا حبس به مدت ۱۲ ماه یا هر دو این‌ها و جریمه‌ی روزانه ۴۰۰۰ ریال^{۷۶} است. مدیرعامل فعالیت‌های تکافل در شرایط زیر دارای حق رد درخواست متقاضیان مجوز عاملیت تکافل می‌باشد. بخش ۸ (۴) قانون تکافل قید کرده که: مدیرعامل اگر بفهمد متقاضی قصد دارد با استفاده از نام شرکت‌های دیگر کلاهبرداری کند می‌تواند از ارائه‌ی مجوز سر باز زند.

بخش ۸ (۵) قانون مجدداً همان مسائل را مطرح می‌کند: مدیرعامل (مدیر بانک مرکزی) می‌تواند در صورت عدم رضایت خود، درخواست متقاضیان را رد کند، مگر این‌که بپذیرند:

الف) اهداف و فعالیت‌های تکافل که قصد انجام آن را دارند نباید هیچ یک از عناصر مورد تایید سیره نیستند را شامل شود.

ب) در قوانین عاملان تکافل که قصد تاسیس مشاوره‌ی سیره را دارند و مورد تایید مدیرعامل است باید این تضمین داده شود که هیچ چیز مغایر با تاییدات سیره نیست. در برخی موارد، علیرغم ثبت مجوز عاملیت، اگر فرد مغایر با قوانین عمل کند، مجوز وی لغو می‌شود. یکی از ویژگی‌های اصول اولیه‌ی تکافل این است که نباید مغایر با اصول شریعت باشد. از این رو یکی از فرمان‌های قرآنی این است که کسانی که می‌خواهند عاملی غیراسلامی را در معاملات تجاری یا زندگی غیر عادی‌شان اعمال کنند، مورد تایید خدا نیستند. وی در قرآن فرموده:

« من یتبع غیر اسلام دیناً فلن یقبل منه »

«کسانی که غیر از اسلام دینی برگزینند از آنها پذیرفته نخواهد

بود.»^{۷۷}

قانون تکافل ۱۹۸۴ به مدیر عامل فعالیت‌های تکافل، حق لغو ثبت مجوز عمل در حیطه‌ی تکافل در موارد زیر را داده است:

مدیر عامل می‌تواند در شرایط زیر، حکم بر لغو مجوز عاملیت بیمه را بدهد:

الف) عامل در حال انجام فعالیت‌هایی باشد که به هر نحو توسط سیره تایید نشده است؛

ب) عامل در مدت ۱۲ ماه پس از دریافت مجوز، فعالیت خود را آغاز نکرده باشد؛

ج) عامل هر گونه فعالیت در زمینه‌ی تکافل را کنار گذاشته باشد؛

د) عامل طبق زیربند ۲ (ب) بخش ۴ مازاد درآمد را پرداخت نکرده باشد؛

ذ) عامل در زمان پرداخت بودجه، دستور مدیر عامل مبنی بر رفع مشکلات و کسری‌ها را نادیده گرفته یا رد کرده باشد؛

ر) عامل با بستنکاران خود قصد ترتیب دادن برنامه‌هایی را داشته باشد یا این کار را کرده باشد یا در معرض نابودی یا انحلال قرار گیرد؛

ز) عامل در حالی کارش را انجام دهد که به ضرر مزایای افراد باشد؛

ف) عامل قادر به رعایت مقررات نباشد؛

ک) در انجام تدارکات بیمه‌ی اتکایی تکافل موفق عمل نکرده باشد؛

گ) از مقررات و قوانین یا شرایط مدیر عامل تخلف کرده باشد؛

م) تحت این قانون جرمی از وی سرزده باشد یا یکی از افسرانی که به سمت مدیریت یا اجرایی منصوب کرده خلافتی مرتکب شده باشند؛

ه) اطلاعاتی نادرست، گمراه کننده یا ناقص ارائه داده باشد یا در زمان ثبت، از بیان حقایق سر باز زده باشد؛

ی) لغو شرکت به سود منافع عام باشد.

۱. فرد متقاضی عاملیت بیمه‌ی اسلامی باید پیش از درخواست مجوز ثابت

کند که دارایی کافی برای این کار را داراست. علت این امر این است که

عامل باید بودجه‌ی مالی زیادی را اداره کند. اگر فردی دارای ظرفیت کافی یا سرمایه‌ی مناسب برای تجارت نباشد، اداره‌ی موسسه‌ی مالی برای وی کار شاقی خواهد بود. قانون تکافل ۱۹۸۴ مقرر کرده که عامل باید قادر به نشان دادن این باشد که سرمایه‌ی کافی برای این کار را دارد و میزان آن در دوره‌های مختلف^{۷۸}، بسته به شرایط اقتصادی کشور، متفاوت است.

۲. در نهایت، عامل باید پیش از دریافت مجوز کار، نوعی سپرده امانت بگذارد. این سپرده به ماهیت تجارتی بستگی دارد که وی می‌خواهد راه بیاندازد. سپرده، یکی از ملزومات کار است و پول‌های جمع شده به عنوان سپرده به عنوان حفظ امنیت کاری در برابر ورشکستگی احتمالی نگاه داشته می‌شود. این سپرده همچنین به دستور قرآن و برای حفظ امنیت در مشارکت به کار برده می‌شود:

«و تعاونوا علی البر و التقوی»

«و شما باید به یکدیگر در نیکوکاری و تقوی کمک کنید.»^{۷۹}

بنابراین قانون تکافل ۱۹۸۴ این شرط را مطرح کرده که مدیرعامل نباید به عنوان عامل فعالیت‌های بیمه ثبت نام کند مگر این که متقاضی سپرده‌ی مورد نظر قانون^{۸۰} را تامین نماید که بسته به زمان کار و توسط وزیر اقتصاد تعیین می‌شود.^{۸۱}

۲-۵-۴. بیمه شده

در بیمه نامه، بیمه شده (که معمولاً فردی است که خود را در برابر خطرات مشخص، بیمه می‌کند) هزینه‌هایی را به شرکت بیمه می‌سپارد تا موضوع قرارداد را از خطرات آینده محافظت نماید درحالی‌که عامل متعهد می‌شود که در قبال وجه دریافت شده، امنیت وی را در برابر ضرر یا تخریب تضمین نماید.

اصولاً همه‌ی افراد با هر سن، طبقه‌ی اجتماعی، مذهب، جنسیت یا هر مشخصاتی می‌توانند برای مواردی که احساس خطر می‌کنند بیمه بخرند. این حق طبیعی که در همه‌ی اعضای جامعه یکسان است توسط احکام قرآن نیز مجاز شمرده شده و قید

گرفته که تمامی افراد این حق را دارند که از راه‌های تعامل مشترک، برادری و دوستی بهره ببرند. خداوند فرموده:

«و تعاونوا علی البر و التقوی»

«و شما باید به یکدیگر در نیکوکاری و تقوی کمک کنید.»^{۸۲}

اما در عمل، حق مشارکت به دلایل خاصی به برخی از افراد جامعه تعلق نمی‌گیرد.^{۸۳} چنین محدودیتی به طور کلی برای منافع عام تعیین شده است تا همکاری متقابل، تضامن و برادری حفظ شود.

از این رو باید این‌طور برداشت کرد که افراد خاصی باید از خرید بیمه یا داشتن بیمه نامه بازداشته شوند تا از زحمات ناشی از مبادلات بیمه کاسته شود و هدف اصلی بیمه که همان همکاری متقابل و تضامن است تأمین شود. قرآن کریم در آیهی زیر، زندگی مرفه را مجاز شمرده است:

«یرید الله بکم الیسیر و لا یرید بکم العسر»

«و شما باید به یکدیگر در نیکوکاری و تقوی کمک کنید.»^{۸۴}

افرادی که نمی‌توانند طرف قرارداد بیمه باشند کسانی هستند که حق بستن هیچ قراردادی را ندارند. بیمه نامه نوعی قرارداد است و در نتیجه تعیین ظرفیت قانونی افراد نیز بر اساس قوانین قرارداد تعیین می‌شود. عوامل محدودکنندهی طرفین قرارداد عبارتند از:

اول. عامل سن

طبق حکم قرآن، افراد خردسال، پیش از رسیدن به سن رشد قادر به امضاء قرارداد یا دفاع از اموال خود نیستند:

«فان ءانستم منهم رشدا فادفعوا الیهم اموالهم»

«اگر آنها را دانا به درک مصالح زندگی (دارای بلوغ فکری)

دانستید، اموالشان را به آنها بازگردانید.»^{۸۵}

بلوغ فکری در آیه ی بالا به سنی تفسیر شده که فرد به سن بلوغ^{۸۶} رسیده و رشد کافی یافته است^{۸۷}. علامت رشد در خردسالان، رشد جسمی^{۸۸} یا محاسبه ی سن تقویمی است. دانشمندان اسلامی در تعیین سن رشد از طریق سال تقویمی دیدگاه‌های متفاوتی دارند.

طبق نظر بسیاری از فقها از جمله ابوحنیفه، محمد الشیبانی، ابویوسف، ابن قداما، امام نوای و پیروان مجله که دیدگاه مشترکی دارند زمانی که فرد به سن ۱۵ سالگی برسد (زن یا مرد) بالغ محسوب می‌شود^{۸۹}. گزارشات ضعیفی از ابوحنیفه وجود دارد مبنی بر اینکه سن رشد در مردان ۱۹، ۱۸ یا ۱۷ و در زنان ۱۷ سال است^{۹۰}. هدایا حداقل سن رشد را در مردان، ۱۲ سال و در زنان، ۹ سال می‌داند^{۹۱}. محمسانی مدعی است که فرد صغیر (زیر سن رشد یا ۱۵ سال) می‌تواند طرف قرارداد باشد مگر اینکه ثابت شود قرارداد به نفع اوست یا مورد تایید ولی او قرار دارد^{۹۲}.

از دیدگاه‌های متعدد فوق می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که معامله‌ی بیمه کمی تفاوت از سایر اشکال قرارداد می‌باشد. علت این امر آن است که بیمه‌نامه قراردادی است که برای سود امضا نمی‌شود بلکه برای محافظت در برابر خطرات غیرمنتظره است. هیچ کس در جامعه به طور کامل از خطر بری نیست چه مرد باشد، چه زن و چه نوزاد و چه این خطر برای مال باشد یا جان. از این‌رو سن طرف قرارداد باید با در نظر گرفتن ماهیت قرارداد و خطر غیرمنتظره تعیین شود.

از این‌رو گفته می‌شود که معامله‌ی بیمه، قراردادی است برای محافظت مادی در برابر خطرات احتمالی که در آن تنها افراد بالغ نیستند که در خطرند. نوزاد نیز می‌تواند تحت خطر قرار گیرد (به ویژه از نظر تغذیه، سلامت، مسکن و تحصیلات) همچنین کودک یا حتی جنینی^{۹۳} که در درون رحم مادر است ولی روح دارد نیز تحت خطر است. روش‌های زیر برای تعیین عادلانه‌ی حداقل سن طرف قرارداد و ظرفیت قانونی وی در ارتباط با بیمه‌نامه توصیه گردیده تا هدفی درست از طریق همکاری متقابل برای بیمه تعیین گردد که در آن فرصتی مناسب در اختیار همه‌ی افراد جامعه قرار گیرد تا از خود در برابر مشکلات احتمالی محافظت نمایند. روش‌های مزبور به قرار زیرند:

۱. زمانی که فرد صغیر به سن ۱۵^{۹۴} رسید باید با وی مانند افراد بزرگسال برخورد شود و حق امضاء قرارداد و داشتن بیمه نامه‌ی بدون محدودیت به او اعطاء می‌شود.^{۹۵}

۲. فرد صغیری که زیر ۱۵ سال سن دارد نیز حق دارد به عنوان طرف قرارداد بیمه قرار گیرد به شرطی که به سود باشد. او باید قرارداد را کاملاً درک کند و قرارداد مورد تایید ولی او باشد. اما فرد صغیر حق ندارد بیمه نامه را به کسی واگذار کند یا کسی بیمه نامه را به او واگذار نماید، زیرا ولی او باید بر آن نظارت داشته باشد.

۳. نوزاد یا کودک نیز حق دارد تحت قرارداد بیمه قرار گیرد به شرطی که بیمه نامه برای او سودمند باشد. در این شرایط، هرچند ولی او می‌تواند بیمه را به نام وی خریداری کند، باید بر آن نظارت کامل داشته باشد. در عین حال سرپرست حق واگذاری بیمه نامه را ندارد زیرا به نفع نوزاد خریداری شده و به سود وی به کار می‌رود.

۴. جنینی که در رحم مادر در او روح دمیده شده نیز حق بیمه شدن دارد (زیرا خطرات متعددی سلامت او را تهدید می‌کند) به شرطی که سرپرست او، بیمه نامه‌ای را صرفاً به نفع جنین خریداری کند. این بیمه نامه به ویژه در برابر خطرات درمانی جنین منعقد می‌شود.

می‌توان این‌طور استدلال کرد که جنین در رحم مادر در شرایط نامشخصی قرار دارد زیرا جنسیت و هویتش مشخص نیست و تنها در رحم قرار گرفته است. از اینرو این نامشخص بودن نوعی شک (الغرر) است که قرارداد بیمه را نادرست می‌کند. اما تنها جنسیت و ظاهر جنین مشخص نیست، و وجود روح و ساختار جسمی جنین، مشخص است. قرارداد بیمه نه برای امنیت جنسیتی است و نه امنیت ظاهری بلکه برای محافظت در برابر خطراتی است که در حیات، سلامت، اموال و چیزهایی از این دست صورت می‌گیرد. از این رو می‌توان گفت که اگر کسی مدعی است جنین را نمی‌توان به دلیل نامشخص بودن بیمه کرد، این ادعا به دلایل فوق، بی پایه است.

سپس مجدداً می‌توان این‌طور استدلال کرد که چون نوزاد درون رحم نام ندارد، سرپرستش او را به چه نامی بیمه کند؟ توصیه می‌شود که برای هدف شناسایی، نوزاد نام مادر را اتخاذ کند. مثلاً اگر نام مادر رحیمه است، نام قید شده در قرارداد باید رحیمه باشد. همچنین توصیه می‌شود که حداکثر مدت برای این نوع بیمه زمانی است که جنین متولد شود.

دوم. عدم سلامت جسمی

افراد خاصی وجود دارند که مبتلا به بیماری‌های جدی چون ایدز و سرطان باشند یا از نظر ذهنی مشکل داشته باشند. در چنین مواردی اگر پزشک تایید کند که چنین بیماری قادر به انجام امور خود یا اموالش نیست^{۹۶} یا برای زندگی به دیگران متکی است نمی‌تواند طرف قرارداد بیمه باشد.

این افراد از قرارداد بیمه مستثنی هستند چون هدف اصلی بیمه حفظ همکاری متقابل، تضامن و برادری از طریق بیمه است.^{۹۷} پس اگر فردی بیمار یا به دیگران متکی است، چگونه می‌تواند با بیمه همکاری متقابل داشته باشد؟ اگر این افراد بیمار می‌توانستند طرف قرارداد بیمه باشند باعث بی عدالتی در حق عامل می‌شد و هدف اصلی بیمه را خدشه دار می‌کرد. اما اگر افراد فوق‌الذکر تحت سرپرستی ولی خود (به ویژه والدین) قرار دارند، توصیه می‌شود که سرپرستان بیمه نامه را به نام بیمار تهیه کند تا او را از خطرات محافظت نماید. این امر، خوراک، پوشاک و سلامت فرد را تضمین خواهد کرد. حدیث زیر از پیامبر اکرم (ﷺ)، این نظر را تایید می‌کند:

«نقل است از ابو هریره، از پیامبر اکرم (ﷺ) که می‌فرماید: هرکس مشکلی از دوش مومنی بردارد خداوند در آخرت مشکل را از او مرتفع خواهد کرد. کسی که نیازمندی را تسکین دهد، خداوند در این دنیا و در آخرت او را تسکین می‌دهد.»^{۹۸}

سوم. ورشکستگی (افلاس)

فردی که بدهی‌هایش از دارایی‌اش بیشتر باشد، به محض آن‌که طلبکار، طلبش را از وی مطالبه نماید ورشکسته (مفلس) نامیده می‌شود.^{۹۹}

ورشکستگی^{۱۰۰} نیز از دلایلی است که افراد را از قرار گرفتن تحت پوشش بیمه بازمی‌دارد. در بیمه نامه، از طرف قرارداد انتظار می‌رود که با مشارکت در فعالیت‌های عامل، با وی همکاری نماید، اما اگر فردی ورشکسته است و پولی ندارد چگونه می‌تواند با شرکت بیمه همکاری کند؟ فرد ورشکسته می‌تواند از بیمه‌ی تأمین اجتماعی درخواست کمک کند اما خود نمی‌تواند طرف قرارداد مشارکت دوطرفه باشد و دلیل آن تنها این است که این کار بی‌عدالتی در حق عامل محسوب می‌شود و برخلاف اهداف بیمه است.

چهارم. اسیر

زندانی یا گروگان این حق را دارد که طرف قرارداد باشد اما نه در قرارداد بیمه. قرارداد بیمه از سایر اشکال قرارداد متفاوت است، زیرا قرارداد مشارکتی است برای حفظ امنیت در برابر خطرات احتمالی که در آن انتظار می‌رود که هم مشتری و هم عامل قرارداد با یکدیگر همکاری نمایند. به عنوان مثال مشتری از طریق پرداخت پول مشارکت می‌کند ولی عامل در ازای دریافت این مبلغ از وی در برابر خطرات و ضررهای احتمالی محافظت به عمل می‌آورد.

اما اگر فردی زندانی یا گروگان باشد، حق اداره‌ی امور مالی از وی سلب شده و حقوق دیگری دارد. از اینرو وی قادر به همکاری دوجانبه نخواهد بود و از امضای قرارداد مشارکتی مستثنی خواهد بود.

پنجم. فرد غیرمجاز^{۱۰۱}

در بیمه‌ی عمر، فرد غیرمجاز به کسی اطلاق می‌شود که می‌خواهد بیمه نامه‌ای برای فرد دیگری تهیه کند اما حق قانونی لازم برای انجام این کار را ندارد یا فردی که می‌خواهد اموالی را بیمه کند که متعلق به خود وی نیست. بیمه، فرصتی برای سودجویی نیست بلکه

مبادله‌ی مالی دوجانبه‌ای است برای حفظ امنیت مالی در برابر خطرات احتمالی. از این‌رو تنها فردی که دارای مالکیت قانونی بر عمر و دارایی موردنظر است می‌تواند در پی بیمه نمودن آن باشد و اگر غیر از این باشد فرد هیچ حقی برای انجام این کار ندارد چون به دنبال سودجویی از طریق اموال دیگران است. این امر در واقع هدف کلی بیمه یعنی ایجاد همکاری متقابل، تضامن و برادری را زیر سوال می‌برد. توجیه این قانون، حکم قرآنی زیر است که می‌گوید رضایت متقابل باید پیش از آغاز مبادله جلب شده باشد:

«یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منکم»^{۱۰۲}

۶-۴. فعالیت‌های تحت بیمه

۱-۶-۴. بیمه گر

اصطلاح بیمه‌گر به فرد یا افراد یا شرکتی^{۱۰۳} اطلاق می‌شود که به عنوان بیمه‌گر به فعالیت‌های بیمه اشتغال دارد.^{۱۰۴} قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ مشخص کرده که هیچ فردی که در آن واحد هم عامل باشد و هم بیمه‌گر، بیمه‌گر شناخته نمی‌شود.^{۱۰۵} بیمه‌گر به عنوان هویتی قانونی باید دارای شرایط زیر باشد: هر فرد یا گروهی که بخواهد به فعالیت‌های بیمه اشتغال داشته باشد باید ثبت شده باشد. در مالزی، قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶^{۱۰۶} بر آن است که هر شرکتی که بخواهد به عنوان بیمه‌گر به فعالیت‌های بیمه اشتغال داشته باشد باید در این قانون ثبت شده باشد^{۱۰۷}. در استرالیا قانون بیمه‌ی ۱۹۷۳^{۱۰۸}، و قانون بیمه‌ی عمر^{۱۰۹} ۱۹۴۵، همین شرط را مطرح کرده‌اند. در انگلستان با استناد به ماده ۲ ی قانون شرکت‌های بیمه، هر فعالیت بیمه که توسط بیمه‌گر غیرمجاز انجام شده باشد، باطل است^{۱۱۰}. همین‌طور در هندوستان ماده‌ی ۳ قانون ۱۹۳۸ قید کرده که پیش از آغاز قرارداد بیمه به صورت قانونی، بیمه‌گر باید گواهی ثبت اتخاذ نماید. از این‌رو بیمه‌گر غیرقانونی باید منتظر عواقب زیر باشد:

- به استناد ماده‌ی ۱۹(۱) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶، بیمه‌گر باید جریمه‌ی ۱۰ میلیون ریالی یا ۱۰ سال حبس یا هر دو را تحمل نماید. قانون انگلستان در این زمینه

کمی متفاوت از قانون مالزی است. بخش ۱۴ قانون شرکت‌های بیمه‌ی ۱۹۸۲ قید کرده که بیمه‌گر غیرمجاز باید متحمل جریمه^{۱۱۱} یا حبس دو ساله یا هر دوی این‌ها شود.

- بیمه شده می‌تواند انتخاب کند که بیمه نامه را ابطال نماید یا مجاز بشمارد. اگر بیمه نامه غیرقابل اجرا و باطل تلقی شود می‌تواند درخواست استرداد هزینه‌ی پرداخت شده و جبران ضرر و زیان ناشی از آن را نماید.^{۱۱۲}

۲-۶-۴. بیمه شده

در بیمه نامه، بیمه‌گر کسی است که متعهد می‌شود در ازای دریافت مبلغی به عنوان حق بیمه، فردی را در برابر خطرات احتمالی محافظت نماید. فردی که انتظار محافظت دارد، بیمه شده^{۱۱۳} یا دارنده‌ی بیمه نامه نامیده می‌شود.

آیا همه‌ی افراد این حق قانونی را دارند که درخواست بیمه دهند؟ از آنجایی که بیمه‌نامه، نوعی مبادله‌ی مالی است که هدف محافظت در برابر خطرات را دنبال می‌کند، می‌توان این‌طور برداشت کرد که همه‌ی افراد باید این حق را داشته باشند که از آنها در برابر خطرات احتمالی و غیرمنتظره محافظت به عمل آید. اما در عمل، عوامل خاصی وجود دارد که افراد خاصی را از دریافت بیمه به عنوان بیمه شده بازمی‌دارد. این عوامل در زیر مطرح شده اند:

یک. فاکتور سن

هرچند بیمه نامه نوعی قرارداد تلقی می‌شود، ظرفیت قانونی سنی دارنده توسط اصول کلی قرارداد تعیین نشده است بلکه اصولی آن را پوشش می‌دهد که بالاخص برای عملیات بیمه طراحی شده‌اند. به عنوان مثال در مالزی، شایستگی طرفین قرارداد، سن اکثریت است^{۱۱۴}. طبق قانون سن اکثریت ۱۹۷۱،^{۱۱۵} سن اکثریت برای قرارداد، برای زنان و مردان، ۱۸ سالگی است. بخش ۴ (ج) قانون سن اکثریت ۱۹۷۱ قید کرده که سن قانونی اکثریت نباید همه‌ی موارد را تحت تأثیر قرار دهد. از این‌رو سن مناسب دارنده‌ی بیمه‌نامه

در قرارداد بیمه توسط قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ تعیین می‌شود. بخش ۱۵۳ (۱) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ قید کرده که: «با توجه به این که هیچ قانونی بر خلاف این قانون وجود ندارد، فرد صغیری که به سن ده سالگی رسیده باشد اما به سن ۱۶ سالگی نرسیده باشد، می‌تواند با اجازه‌ی ولی: الف) بیمه‌ی عمر خود یا هر فرد دیگری را تایید نماید؛ یا ب) بیمه‌ی عمر برای خودش تهیه نماید».

در بخش ۱۵۳ (۲) نیز این‌طور قید شده؛ فرد صغیری که به سن ۱۶ سالگی رسیده باشد: الف) می‌تواند بیمه‌ی عمر خود یا هر فرد دیگری را تایید نماید؛ یا ب) برای خود بیمه‌ی عمر تهیه نماید.

و در همه‌ی زمینه‌ها شایستگی لازم را دارد تا از قدرت و مزایای خود در رابطه با بیمه‌ی عمری که صاحب آن است استفاده نماید.

از این‌رو به موجب ماده‌ی ۱۵۳ (۱) و (۲) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶، افراد صغیر بین سنین ۱۰ تا ۱۶ می‌توانند (با ارائه‌ی اجازه‌ی مکتوب والدین یا سرپرست) بیمه‌ی عمر خود یا افراد دیگر را لازم الاجرا نمایند و همچنین می‌توانند برای خود بیمه‌ی عمر تهیه کنند، درست مانند کسانی که به سن قانونی رسیده‌اند.^{۱۱۶} قانون بیمه‌ی عمر استرالیا نیز شرایط مشابهی دارد^{۱۱۷} و مانند قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ مالزی قید کرده که افراد صغیر نیز حق بیمه شدن دارند.^{۱۱۸}

جایگاه حق افراد صغیر در بیمه‌نامه در انگلستان محدود است.^{۱۱۹} به عنوان مثال، در قانون تغییر قوانین خانواده ۱۹۶۹ (انگلستان) قید شده که فرد زیر ۱۸ سال، صغیر تلقی می‌شود.^{۱۲۰} این پرسش که آیا افراد صغیر زیر ۱۸ سال در قانون انگلستان مجاز به دریافت بیمه هستند یا خیر در ماده‌ی ۶۰ قانون جوامع دوستانه‌ی ۱۹۷۴ انگلستان به صورت زیر پاسخ داده شده است:

- جامعه یا گروه اجتماعی، افراد صغیر را جزو اعضای خود می‌شمارد؛
- افراد صغیری که بالای ۱۶ سال سن دارند (یا زیر ۱۶ سال با اجازه‌ی ولی یا سرپرستان) می‌توانند همه‌ی قوانین را اجرا کنند و تحت لوای قوانین، خدمات لازم را دریافت کنند.^{۱۲۱}

اما به استناد ماده‌ی ۶۰ قانون جوامع سالم سال ۱۹۷۴، فرد صغیر، آزادی لازم برای دریافت بیمه نامه را دارد به شرط آن‌که بیمه مزایایی برای وی در بر داشته باشد.^{۱۲۲} در بیمه‌ی ارتش رستگاری ریچی^{۱۲۳} دادگاه فرجام خواهی تصویب کرد که فرد صغیر بیمه شده زمانی که موضوع قرارداد^{۱۲۴} تحت خطر قرار گیرد یا زمانی که فرد صغیر مزایایی در خصوص حق بیمه‌ی پرداختی دریافت کرده باشد، نمی‌تواند حق بیمه پرداختی^{۱۲۵} را بازپس بگیرد. اما در استینبرگ و اسکال^{۱۲۶} این‌طور تصمیم‌گیری شد که فرد صغیر می‌تواند در موارد فسخ قرارداد، با اثبات این‌که تا به حال هیچ سودی از قرارداد نبرده، هزینه را بازپس گیرد. به علاوه، فرد صغیر می‌تواند بیمه نامه داشته باشد اما در جایگاهی نیست که بتواند پولی از شرکت بیمه قرض کند^{۱۲۷} و علت آن این است که بیمه‌گر برای قرض دادن پول به یک فرد صغیر به ازای بیمه‌ی عمر، در جایگاه امنی قرار ندارد.^{۱۲۸}

تشابهات و تفاوت‌های بین قوانین مالزی، استرالیا و انگلستان در خصوص بیمه‌ی افراد صغیر به صورت زیر خلاصه می‌شود:

ظرفیت قانونی افراد صغیر در فعالیت‌های بیمه		
مالزی	استرالیا	انگلستان
بیمه شده باید به سن ۱۶ سالگی رسیده باشد. ^{۱۲۹}	موقعیت، مشابه قوانین مالزی است. ^{۱۳۰}	فرد صغیر ۱۶ ساله می‌تواند بیمه شود؛ ^{۱۳۱} اما اگر زیر ۱۶ سال باشد این کار باید با اجازه‌ی ولی یا سرپرست صورت گیرد ^{۱۳۲} که در این صورت قرارداد، از سوی فرد صغیر قابل ابطال است. ^{۱۳۳}
فرد صغیر بین ۱۰ تا ۱۶ سال می‌تواند خود را به شرطی بیمه کند که پیش از امضای قرارداد رضایت والدین یا سرپرست اخذ شده باشد. فرد صغیر می‌تواند بیمه را واگذار نیز بکند. ^{۱۳۴}	جایگاه افراد مانند مالزی است ^{۱۳۵} اما از نظر واگذاری بیمه نامه توسط فرد صغیر، کمی متفاوت است. ^{۱۳۶}	اگر فرد صغیر از بیمه نامه سودی برده باشد، قرارداد قابل ابطال نخواهد بود و لازم الاجراست. ^{۱۳۷}
		فرد صغیر بیمه شده نمی‌تواند از بیمه پول قرض کند. ^{۱۳۸}

۷-۴. تکافل و واسطه‌گری بیمه

۷-۴-۱. صنعت تکافل

همان‌طور که دیدیم، فعالیت‌های بیمه، مبادلات مالی دوجانبه‌ای هستند که در برابر خطرات احتمالی، محافظت به عمل می‌آورند. خطر، چیزی نیست که با اخطار قبلی صورت گیرد بلکه به طور تصادفی در زندگی یا مال یا حتی تجارت افراد پیش می‌آید و مشکلات پیش‌بینی نشده‌ای به بار می‌آورد. برای غلبه بر چنین خطرات پیش‌بینی نشده‌ای، همه‌ی افراد بیمه باید بیمه بخرند تا جان، مال و تجارت خود را که در معرض خطر است بیمه نمایند، زیرا بیمه از این مسائل در برابر ضرر و زیان وارده به موضوع بیمه‌نامه محافظت به عمل می‌آورد.

در جوامع امروزی، افراد مختلف دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی داشتن بیمه نامه دارند. برخی معتقدند که فعالیت‌های بیمه برای محافظت از جامعه در برابر خطرات ضروری است، در حالی که برخی دیگر برخی از این باورها را پذیرفته‌اند و با برخی از جنبه‌های آن مخالفند زیرا آن را مخالف تعالیم شریعت می‌دانند. گروه دیگری نیز هستند که همه‌ی فعالیت‌های بیمه را رد می‌کنند زیرا طرفدار این دیدگاهند که چنین فعالیت‌هایی با دشواری و خطر هماهنگی دارد.^{۱۳۹}

برای برطرف کردن این سوء تفاهم‌ها درباره‌ی فعالیت‌های بیمه، نیاز مبرمی به ارائه‌ی اطلاعات درست در خصوص بیمه و راهنمایی افراد در همه‌ی سطوح جامعه وجود دارد. چنین راهنمایی‌هایی متضمن این است که بیشتر اعضای جامعه بتوانند به طور مستقل بر دشواری‌ها و خطرات غلبه کنند.

در فعالیت‌های بیمه، واسطه‌هایی چون واسطه و کارگزار نقش مهمی در ارتقاء فعالیت‌های بیمه در همه‌ی سطوح اجتماعی ایفا می‌نمایند. اعتقاد عموم بر این است که واسطه و کارگزار در فعالیت‌های بیمه به عقلانی‌تر شدن دادن فعالیت‌های بیمه کمک می‌کنند. از این رو توصیه می‌شود که وکیل و کارگزار نادیده گرفته نشوند بلکه به عنوان عوامل پیشرفت و اعضای لاینفک شرکت در همه‌ی جنبه‌های تجارت آن در نظر گرفته شوند.

واسطه و کارگزار در قوانین اسلامی، وکیل محسوب می‌شوند. واژه‌ی وکیل در قرآن کریم حدود ۲۴ بار تکرار شده است. به عنوان مثال خداوند فرموده:

«لا اله الا هو فاتخذہ وکیلاً»^{۱۴۰}

پیامبر اکرم (ﷺ) نیز حکیم ابن خیرام را در خرید شتر برای قربانی وکیل خود ساخته بود. در موقعیتی دیگر نیز وی امیربن عام را برای جاری ساختن خطبه‌ی عقد بین مادر وی و خود پیامبر وکیل قرار داده بود.^{۱۴۱}

المورگینانی اظهار داشته که فرد می‌تواند وکیلی برای انجام کاری از جانب خود بگمارد. در اینجا این قانون به توافق متقابل، عقد قرارداد و انجام فعالیت‌های ناشی از فروش و خرید اقلام یا سایر مواد تجاری محدود شده است.^{۱۴۲}

آیا واسطه و کارگزار در فعالیت‌های بیمه به یک فرد اطلاق می‌شود؟ آیا این افراد تنها به نیابت از شرکت عمل می‌کنند؟ و مزایای ایفای این نقش برای واسطه و کارگزار چیست؟

باید تصریح کرد که نقش واسطه و کارگزار و مزایای این کار برای آنان در فعالیت‌های سستی، کمی متفاوت از جایگاه عامل و کارگزار در فعالیت‌های بیمه است. اهمیت حضور واسطه و کارگزار در فعالیت‌های بیمه را نباید نادیده گرفت زیرا اینها به رواج و ارتقاء بهتر فعالیت‌های بیمه در همه‌ی سطوح جامعه کمک می‌کنند. جایگاه و مزایای داشتن عامل و کارگزار در بیمه‌ی اسلامی در این جا مورد بررسی قرار گرفته اند و تاکید بیشتر بر روی اصول وکالت و مضاربه است.

اول. واسطه (وکیل)

در فعالیت‌های بیمه، واسطه توسط بیمه‌گر منصوب می‌شود و این انتصاب می‌تواند پاره‌وقت باشد یا تمام وقت. وظیفه‌ی واسطه، رواج فعالیت‌های بیمه، استفاده از اطلاعات درست برای تشریح اهمیت بیمه نامه و پر کردن فرم درخواست برای متقاضیان بیمه است. که در این صورت واسطه باید پیش از امضای قرارداد، اطلاعات درست را در خصوص شرایط و ماهیت بیمه در اختیار متقاضی قرار دهد. همچنین واسطه می‌تواند در گردآوری

اطلاعات مربوط به خدمات ارائه شده و حفظ^{۱۴۳} اعتبار و روابط حسنه‌ی بین شرکت و خریدار مثمر ثمر باشد.

بیمه‌ی اسلامی بر اساس اصول تسهیم سود و زیان مضاربه در سیستم مالی فعالیت می‌کند. سود و زیان شرکت باید بین بیمه‌گر و بیمه‌شونده تقسیم شود. در فعالیتهای بیمه، وکلا برای شرکت کار می‌کنند و در بهبود تصویر و وظایف شرکت، نقش مهمی ایفا می‌نمایند. از این‌رو مزایای آنها باید از خارج از مزایای شرکت تامین شود. به عبارت دیگر، وکلا حق سهیم شدن در مزایای شرکت را دارند. سهم هر وکیل از سود شرکت، لزوماً یکسان نیست بلکه به عملکردشان بستگی دارد یعنی بسته به تعداد بیمه‌شدگان، مقداری از سود شرکت را دریافت می‌کنند. به عنوان مثال اگر واسطه، مشتری را متقاعد به خرید بیمه‌ی عمر کند که میزان پرداختی مثلاً ۵۰۰ ریال در ماه باشد و واسطه‌ی دیگر، بیمه‌ی خودرو را به مشتری دیگری ۱۰۰۰ ریال در ماه بفروشد، سهم واسطه‌ی اول که بیمه‌ی عمر را فروخته بیشتر از واسطه‌ی دوم که بیمه‌ی موتور فروخته خواهد بود.

دوم. کارگزار

کارگزار بیمه نیز نوعی واسطه است اما وظایفش کمی متفاوت از واسطه‌ی شرکت بیمه می‌باشد. واسطه توسط شرکت منصوب می‌شود و از جانب آن فعالیت می‌کند اما از سوی دیگر، کارگزار توسط بیمه‌شونده منصوب می‌شود تا از جانب وی فعالیت نماید. کارگزار دو مسئولیت دارد: برای بیمه‌شده کار می‌کند و به وی مشاوره ارائه می‌دهد و در عین حال از طریق پیدا و متقاعد کردن مشتری برای خرید بیمه در خدمت شرکت بیمه است. از این‌رو هرچند در ظاهر، کارگزار، وکیل بیمه‌شونده است اما در عمل وکیل هر دو طرف محسوب می‌شود.

مقررات کارگزار در قبال بیمه‌شده، بین طرفین و عبارت است از: تهیه‌ی بیمه‌نامه از طرف مشتری، بررسی بیمه‌نامه، یافتن بازار مناسب با هزینه‌ی اندک، پر کردن فرم درخواست با اطلاعات درست، فاش کردن حقایق و مسائل تاثیرگذار بر بیمه‌نامه، دریافت حق بیمه، ارائه‌ی مشاوره به بیمه‌شده در مسائل مربوط به بیمه‌نامه و کمک به وی در انجام کارهای مربوط به آن و رسیدگی به سود ناشی از آن. در عین حال، وظایف

کارگزار در قبال عامل عبارت است از ارائه‌ی اطلاعات درست درباره‌ی شرکت به مشتری، پیدا کردن مشتری‌های بهتر برای شرکت و فاش کردن حقایق و مسائل برای شرکت.

مزایای ارائه شده به کارگزار کمی بیش از مزایای واسطه است چون واسطه تنها برای شرکت کار می‌کند. برای کارگزار، ماهیت سود بستگی به اصول وکالت و مضاربه دارد. کارگزاری که توسط مشتری منصوب می‌شود وکیل وی محسوب می‌شود چون درخصوص بیمه، اطلاعات درست و همکاری‌های زیادی به وی ارائه می‌دهد. به خاطر ارائه‌ی چنین خدماتی از سوی کارگزار به بیمه شده، کارگزار حق دارد هزینه‌ی خدماتی معقولی از مشتری دریافت نماید. کارگزار همچنین با پیدا کردن مشتریان علاقمند به خرید بیمه به شرکت کمک می‌کند و در جهت ارتقاء فعالیت‌های آن، همکاری‌هایی ارائه می‌دهد. کارگزار، علاوه بر این که مشاور شرکت است، بخشی از آن محسوب می‌شود. از اینرو، حق وی برای سهم شدن در سود شرکت نباید نادیده گرفته شود و بخشی از آن به وی تخصیص داده شود.

تعیین سود دریافتی کارگزار از مشتری به درک متقابل بین کارگزار و مشتری بستگی دارد. سود دریافتی وی از شرکت نیز نباید در همه یکسان باشد بلکه بسته به تعداد مشتری‌ها و میزان قرارداد متفاوت است. به عنوان مثال اگر کارگزاری قرارداد یک ساله‌ای به ارزش ۲۰.۰۰۰ ریال جور کرده باشد، از سود این قرارداد سهم می‌گیرد.

۲-۷-۴. واسطه‌ی بیمه

واسطه‌ی بیمه کسی است که دیگران را به ارائه‌ی پیشنهاد یا درخواست دعوت می‌کند یا سایرین را دعوت به عقد قرارداد با شرکت بیمه می‌سازد. واسطه‌های بیمه عبارتند از واسطه و کارگزار.

اول. واسطه

تحت قوانین عرف، وظایف واسطه تحت نظارت قوانین وکالت^{۱۴۴} قرار دارد. در مالزی، قانون وکالت در تجارت بیمه به مفاد ۱۹۱-۱۳۵ قانون قراردادهای بیمه ۱۹۵۰ ارجاع داده

می‌شود. اما به طور خاص، بندهای مربوط به وکیل در تجارت بیمه تحت نظارت مفاد ۱۸۶-۱۶۴ قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ قرار دارد.

واسطه‌ی بیمه توسط شرکت بیمه منصوب می‌شود تا از جانب شرکت فعالیت کند.^{۱۴۵} وی باید دارای حقوق لازم برای فعالیت باشد از این نظر که باید سن لازم و قدرت فکری مناسب را دارا باشد.^{۱۴۶} فعالیت‌های وی به تجارت بیمه در حیطه‌ی فعالیت بیمه‌گر محدود می‌شود.^{۱۴۷} بیمه‌گر، به نیابت از بیمه‌شدگان، مسئول نظارت بر فعالیت‌های واسطه در طول انجام تجارت بیمه است و باید تضمین کند که فعالیت وی، قانونی است.^{۱۴۸} در شرکت بیمه‌ی غربی استرالیا^{۱۴۹} قانونی تصویب شد که بیمه‌گر را موظف به نظارت بر فعالیت‌های واسطه می‌کرد تا درست و قانونی بودن آن تایید شود.^{۱۵۰} بیمه‌گر نباید مسئول فعالیت‌های غیرقانونی واسطه‌ای باشد که از حیطه‌ی مسئولیت‌های خود فراتر رفته است.^{۱۵۱} از این رو اگر واسطه مرتکب فریب یا عملکرد نادرست شود، خود وی باید مسئولیت عملکرد خود را تقبل کند.^{۱۵۲} نمونه‌ی مشابهی در انگلستان در پرونده‌ی فیتزهربرت ماتر روی داده بود.^{۱۵۳}

قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ قید کرده که واسطه توسط بیمه‌گر منصوب و تنفیذ شده تا تجارت بیمه را از جانب وی انجام دهد. از این رو، هیچ واسطه‌ی ناشایسته‌ای مجاز به انجام تجارت بیمه در مالزی نخواهد بود.^{۱۵۴} قانون بیمه جرمه‌هایی برای این گونه وکلا در نظر گرفته که برابر ۳ میلیون ریال یا حبس سه ساله یا هر دوی اینهاست.^{۱۵۵} در شرایط خاص، واسطه توسط بیمه‌گر منصوب می‌شود. به عنوان مثال فرد می‌تواند برای خرید بیمه یا دریافت مشاوره به وی رجوع نماید.^{۱۵۶}

دوم. کارگزار بیمه

کارگزار بیمه واسطه‌ای است بین بیمه‌گر و مشتری. کارگزار باید مهارت لازم^{۱۵۷} برای انجام این گونه فعالیت‌ها را داشته باشد زیرا از جانب طرف دیگر یا بیمه‌شده، سیاست‌های بیمه را اجرا می‌نماید.^{۱۵۸} در عمل، کارگزار بیمه کسی است که بیشترین دستمزد را برای ارائه‌ی بهترین پوشش بیمه برای بیمه‌شده دریافت می‌کند.^{۱۵۹} هرچند

کارگزار بیمه گاهی اوقات برای بیمه شده کار می‌کند، دستمزدش را از بیمه‌گری که مشتری را تحت پوشش بیمه گرفته دریافت می‌نماید. هرچند کارگزار بیمه برای بیمه شده کار می‌کند، عامل وی محسوب نمی‌شود بلکه عامل بیمه‌گر است.^{۱۶۰}

بیمه‌گر معمولی از بیمه‌گر لیوید متفاوت است.^{۱۶۱} کارگزار و صادرکننده‌ی لیوید همان قدرت مدیر را دارند. در این موارد، صادر کننده‌ی بیمه با کارگزار طرف است و نه با بیمه شده‌ی اتکایی درحالی که کارگزار به عنوان مدیر لیوید با بیمه شدگان اتکایی سروکار دارد.^{۱۶۲} به علاوه، کارگزار لیوید توسط قانون لیوید ۱۸۷۱ اداره می‌شود درحالی که کارگزار معمولی توسط اصول کلی وکالت.^{۱۶۳}

در مالزی در حقیقت سه نوع کارگزار وجود دارد. کارگزار بیمه، کارگزار لیوید و کارگزار بیمه‌ی اتکایی. اما کارگزار بیمه، شخص یا گروهی است که به عنوان واسطه‌ی بیمه شده (مشتری) فعالیت می‌کند.^{۱۶۴} که وظیفه‌ی تهیه‌ی بیمه برای مشتری و حفظ روابط بین بیمه شده و بیمه‌گر را به عهده دارد.^{۱۶۵} از سوی دیگر، کارگزار لیوید فرد یا گروهی است که به عنوان عضو لیوید لندن فعالیت می‌کند و در عین حال روابط بیمه شده و بیمه‌گر را در مالزی حفظ می‌نماید. اما کارگزار پیش از اجرای این وظایف به عنوان کارگزار لیوید باید مدرکی از مدیرعامل بیمه‌ی مالزی دریافت کند، در حالی که در سنگاپور، مدرک از مسئول کمیسیون بیمه‌ی سنگاپور اتخاذ می‌شود.^{۱۶۶} کارگزار بیمه‌ی اتکایی کسی است که در تدارک پوشش بیمه‌ی اتکایی تخصص دارد. کارگزار بیمه‌ی اتکایی مجاز است که نه تنها برای بیمه اتکایی بلکه برای فعالیت‌های مستقیم بیمه کار کند.^{۱۶۷}

آقای انیل، ویراستار مجله‌ی قانون تجارت پیشنهاد داده که کارگزار بیمه در همه حال برای بیمه شده کار کند، اما گاهی اوقات این کارگزار بسته به نوع بیمه نامه، نقش واسطه را برای بیمه شده و بیمه‌گر ایفا نماید.^{۱۶۸} در استاکتون و میسون،^{۱۶۹} دادگاه فرجام انگلستان حکم بر این داد که کارگزار در قراردادهای بیمه‌ی فیما بین، نقشی ضمنی داشته باشد.^{۱۷۰}

کارگزاران توسط اصول وکالت قانون عرف اداره می‌شوند. در مالزی، کارگزاران توسط اصول وکالت مفاد ۱۹۱-۱۳۴ قانون قراردادهای سال ۱۹۵۰ و مفاد ۱۸۶-۱۸۴ قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ اداره می‌شوند که با کارگزار بیمه سروکار دارد.

در مالزی، کارگزار این حق را دارد که به استناد ماده‌ی ۱۸۴ (۱) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶، در صورت دریافت مدرک مورد تایید بانک مرکزی^{۱۷۱}، قدرت خود را به عنوان کارگزار به کار بگیرد.

از سوی دیگر در انگلستان، به استناد ماده‌ی ۱ (الف) و (ب) قانون کارگزاران بیمه‌ی ۱۹۷۷، کارگزار می‌تواند در صورت ثبت مدرک خود، قدرت خود را به عنوان کارگزار اعمال نماید.^{۱۷۲} هیچ فرد، گروه یا شرکتی نمی‌تواند به عنوان کارگزار ثبت شود مگر آن‌که توانایی فنی مورد نیاز را از طریق ویژگی‌های موردنظر آزمون و تجارب خود در تجارت بیمه کسب نماید.^{۱۷۳}

از این‌رو هر کارگزار بیمه‌ای که مدرک ندارد و مغایر با قوانین بیمه‌ی ۱۹۹۶ عمل نماید به استناد ماده‌ی ۱۸۴ (۱) قانون متهم به نقض قانون شده و جریمه‌ای تا سقف ۳ میلیون ریال یا زندانی تا سقف ۳ سال یا هر دو این‌ها برای وی تعیین می‌گردد.^{۱۷۴} وظایف اصلی کارگزار بیمه در زیر جمع بندی شده است.

یک. تامین بیمه نامه

وظیفه‌ی کارگزار این است که به نیابت از موکلش قرارداد بیمه را مورد بررسی قرار دهد و سپس با در نظر گرفت شرایط آن را تهیه نماید.^{۱۷۵} به علاوه وظیفه‌ی وی این است که ماندگاری مشتری را با مهار و دقت لازم تضمین نماید.^{۱۷۶} در شرکت اکانر و کیبری،^{۱۷۷} کارگزار آموزش لازم را در خصوص مشتری اعمال نکرده و از مهارت و دقت خود به درستی استفاده نکرده بود. دادگاه فرجام قید کرده که کارگزار در دو وظیفه‌ی خود کوتاهی نموده که عبارتند از نادیده گرفتن وظیفه‌ی خود در اطلاع رسانی به مشتری و کوتاهی در مدیریت وظایف.^{۱۷۸} در این شرایط، نوعی چالش علائق بوجود می‌آید که نخستین وظیفه‌ی کارگزار در قبال بیمه شده است و نه طرف دیگر. در روزان و بون^{۱۷۹}

فصل ۴. عوامل خارجی تأثیرگذار بر قراردادهای تکافل و بیمه □ ۱۸۵

قید شده بود که کارزار نباید هیچ آموزشی از طرف سوم دریافت کند که باعث ایجاد درگیری در وظائف بیمه شده می‌شود.^{۱۸۰}

دو. تکمیل فرم درخواست

یکی از وظایف واسطه، تکمیل فرم درخواست از سوی مشتری است. به همین شکل، کارگزار باید فرم را از جانب بیمه شده پر کند.^{۱۸۱}

سه. یافتن بهترین معامله برای مشتری

از آنجایی که کارگزار به نفع مشتری کار می‌کند، باید در تلاش باشد تا بهترین معامله را برای وی ترتیب دهد.^{۱۸۲}

چهار. ارائه پوشش موقت

کارگزار بیمه تلویحاً دارای این حق است که پوشش بیمه‌ی موقتی از جانب بیمه‌گر صادر کند. لورد دیپلوک در استاکتون و میسن^{۱۸۳} تصریح کرده‌اند که بیمه‌گر قادر به تکذیب مسئولیت‌های ناشی از پوشش موقت ارائه شده نیست.^{۱۸۴}

پنج. مدیریت حق بیمه

در صورت تایید بیمه‌گر، کارگزار دارای حق قانونی لازم برای جمع‌آوری حق بیمه از بیمه شده به نیابت از بیمه‌گر می‌باشد. این امر در ماده‌ی ۱۶۹۰ قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ تصریح شده که برای عامل و کارگزار قابل اجراست. این ماده به این دو این حق را می‌دهد که به نیابت از شرکت بیمه، حق بیمه را از مشتری دریافت کنند.^{۱۸۵} در گروه بیمه‌ی رویال و دیوید،^{۱۸۶} به نظر می‌رسید که حق بیمه از طریق کارگزار به بیمه‌گر پرداخت شده و مبلغ مستقیماً به بیمه‌گر پرداخت نمی‌شد.

شش. فاش سازی حقایق و مسائل

یکی از وظایف اولیه‌ی کارگزار فاش سازی همه‌ی حقایق مادی بیمه نامه مربوط به خطر مشتری در موضوع مورد نظر و مشاوره با مشتری برای آگاه سازی وی از خطرات بیمه نامه است.^{۱۸۷} در مک نیلی و شرکت بیمه‌ی پنین،^{۱۸۸} تصمیم بر آن شد که کارگزار وظیفه دارد حقایق مادی را فاش نماید و نقض این وظیفه وی را متهم به تسامح می‌سازد. به همین صورت در شرکت بیمه‌ی پن آتلانتیک و آنور و پاین،^{۱۸۹} بنا بر این گذاشته شد که مسئول عدم فاش حقایق مادی برای بیمه شده، شخص کارگزار است.

۸-۴. ذی نفع

۱-۸-۴. تاثیرات نقش ذی نفع

هم قانون عرف و هم قانون شرع در این دیدگاه که بیمه نامه باید یکی از افراد را در قرارداد، ذی نفع معرفی کند،^{۱۹۰} سهیمند.

از این رو این سوال پیش می‌آید که جایگاه و حقوق قانونی ذی نفع چیست؟ به عنوان مثال آیا ذی نفع مالک قرارداد است یا فقط کسی است که بیمه نامه را دریافت می‌کند تا به مالک اصلی برساند. در این بخش، تلاش بر آن بوده که جایگاه قانونی و حقوق ذی نفع در بیمه‌نامه‌ی اسلامی مورد تحلیل قرار گیرد.^{۱۹۱}

در قانون اسلامی، مقامات زیادی می‌توانند تنفیذ شخص به عنوان امین قرارداد را تایید نمایند. از این رو در قانون اسلامی، ذی نفع، همان متولی است که توسط اصول ذی نفع در قانون امانت اداره می‌شود. واژه‌ی امانت به معنای قابلیت اطمینان، حسن نیت، وفاداری، صداقت، و راستی است. کلمه‌ی امین نیز به معنای قابل اطمینان، محافظ، قانونی، نماینده و نگهبان است.^{۱۹۲} طبق گفته‌ی المرقینانی، نویسنده‌ی الهدایا، ذی نفع کسی است که توسط فرد دیگر به عنوان متولی وی برای انجام مسئولیت دارایی‌اش انتخاب می‌شود. اما متولی، مسئول اطمینانی که وی وجود دارد نیست مگر آن که نشانه‌ای از اهمال در نقض این اطمینان به اثبات برسد.^{۱۹۳}

آیات قرآنی زیادی وجود دارد که با قوانین مربوط به تنفیذ افراد (تولی) سروکار دارد که نمونه‌هایی از آن به قرار زیرند:

«والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون»

«و کسانی که به عهد و امانات خود پایبندند.»^{۱۹۴}

شرایطی وجود دارد که در آن به فرد، مسئولیتی درخصوص نگهداری از اموال فردی صغیر واگذار می‌شود. در چنین شرایطی، مسئولیت متولی این است که پس از تایید بلوغ فرد، اموال وی را به او تحویل دهد. خداوند می‌فرماید:

«وابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشدا

فادفعوا الیهم اوالهم و لا تاكلوا اسرافا»

«یتیمان را تحت سرپرستی خود بگیرید تا زمانی که به سن

ازدواج برسند، سپس اگر قضاوت خوبی از آنان داشتید

اموالشان را به آنان واگذارید؛ اما در آن اسراف نکنید.»^{۱۹۵}

خداوند در آیه‌ی دیگری به عدم خیانت در امانت و اعتماد دستور داده است. وی

می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم

و انتم تعلمون»

«ای ایمان آورندگان! به اعتماد خدا و رسولش خیانت نکنید

و همین‌طور به چیزهایی که به شما واگذار شده و خود

می‌دانید.»^{۱۹۶}

بار دیگر خداوند به بازگرداندن اموال امانت به صاحبانش دستور داده است:

«ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها»

«به درستی که خداوند شما را به بازگرداندن امانات به

اهلش دستور داده است.»^{۱۹۷}

خداوند در جایی دیگر به کسانی هشدار داد که در امانت خیانت می‌کنند. وی

می‌فرماید:

«و لا تجادل عن الذين يختانون انفسهم* ان الله لا يحب من كان خواناً اثيماً»

«با آنان که به خود خیانت می‌کنند مجادله نکنید زیرا خداوند کسانی را که مرتکب گناه و خیانت می‌شوند را دوست ندارد.»^{۱۹۸}

«ان الله يدافع عن الذين آمنوا ان الله لا يحب كل خوان كفور»
«به درستی که خداوند مدافع کسانی است که به او ایمان دارند و خیانت‌کاران را دوست ندارد.»^{۱۹۹}

«اما تخافن من قوم خيانه فانذرو اليهم على سواء ان الله لا يحب الخائنين»

«اگر از خیانت‌کاران می‌ترسید، از آنان دوری کنید، زیرا خداوند خیانت‌کاران را دوست ندارد.»^{۲۰۰}

بین دانشمندان و فقها، اختلاف آرای زیادی وجود دارد. برخی مدعی‌اند که متولی در بیمه باید صاحب بیمه نامه تلقی گردد که نسبت به اموال صاحب دارایی، مسئولیت تام دارد.^{۲۰۱} برخی نیز طرفدار این دیدگاهند که تولی در قرارداد بیمه ضروری است و مزایای آن به عنوان هبه (هدیه) در اختیار متولی قرار می‌گیرد.^{۲۰۲}

در رد دیدگاه‌های فوق درخصوص جایگاه متولی در بیمه لازم به ذکر است که اگر متولی بیمه نامه، صاحب آن تلقی شود این امر مغایر با احکام خداوند در خصوص میراث و وصیت خواهد بود. علت این امر آن است که بیمه نامه طی توافقی قراردادی به صاحب آن واگذار می‌شود که در طی این قرارداد، خود وی مبلغ آن را می‌پردازد. از این‌رو، دارنده‌ی بیمه نامه باید صاحب آن باشد، درحالی‌که مزایای بیمه باید درخصوص اموال دارنده‌ی بیمه نامه باشد که بر اساس آن، صاحب بیمه طبق اصول تولی مشخص نمی‌شود؛ بلکه طبق اصول میراث و وصیت مشخص می‌شود. از این‌رو متولی تنها باید مسئولیت تقسیم اموال بین وارثان قانونی را عهده دارد باشد.

طبق نظر دوم، بیمه نامه باید نوعی هبه تلقی شود و متولی باید از مزایای مطلق بیمه نامه به عنوان هبه‌ای از سوی صاحب بیمه نامه بهره مند شود. هرکسی مختار است تا هبه انجام دهد اما هبه در حق کسی صورت می‌گیرد که بر آن، مالکیت و اختیار تام داشته باشد. در بیمه نامه، صاحب بیمه است که می‌تواند فردی را به عنوان متولی استفاده از مزایای آن معرفی نماید. در حقیقت، این هدیه، دائمی نیست بلکه مشروط است. علت این امر آن است که تولی توسط صاحب بیمه نامه باید با این درک صورت گیرد که اگر صاحب بیمه نامه پیش از رسیدن به بلوغ جان خود را از دست دهد، متولی، حق استفاده از مزایای اموال را خواهد داشت اما تا زمانی که صاحب بیمه نامه زنده باشد، متولی حقی در استفاده از اموال ندارد. در این شرایط، بیمه نامه نوعی هدیه تلقی می‌شود که طبق اصول اسلامی نیست. زیرا: اولاً هدیه ماهیتاً دائمی نیست بلکه شرطی است.^{۲۰۳} دوماً اگر به متولی حق استفاده‌ای تام از مزایای بیمه داده شود، ممکن است صاحبان ارث از آن محروم شوند و این، مغایر با اصول میراث است و سوماً بیمه نامه همیشه به صاحب آن تعلق دارد. بنابراین اگر دارنده‌ی بیمه نامه کسی را متولی استفاده از مزایای بیمه نماید، می‌تواند یک سوم^{۲۰۴} آن را به وی واگذار کند و نه بیشتر.

بر اساس اصول قرآنی فوق‌الذکر و توضیحات بیشتر، این‌طور می‌توان نتیجه‌گیری کرد که متولی، تنها فردی قابل اطمینان است و از این‌رو حق استفاده از مزایای امانت را ندارد بلکه باید از آن به درستی محافظت نماید و بدون توقع سود، اموال را به وراثت قانونی تحویل دهد. طبق این مباحثات و آیات قرآن کریم، توصیه می‌شود که:

۱. تولی یکی از ضروریات بیمه نامه برای تضمین امنیت مزایای بیمه و همین‌طور توزیع عادلانه‌ی مزایا بین وراثت قانونی به شمار می‌آید، خواه متولی از بین وراثت باشد و خواه غیر از آنان.

۲. حق بیمه‌ی پرداختی توسط دارنده‌ی بیمه نامه و مزایای حاصل از آن باید به عنوان دارایی محض وی در نظر گرفته شود در حالی که نماینده باید تنها متولی محسوب شود که مسئولیت توزیع عادلانه‌ی مزایای بیمه بین وراثت را به عهده دارد.^{۲۰۵}

در هدایت الله و مست رحیمان^{۲۰۶}، دیوان عالی سند حکم داد که سپردن بیمه نامه به به نماینده هیچ اشکالی ندارد اما جایگاه نماینده در قانون اسلامی (طبق اصول میراث و وصیت) چیزی بیش از یک متولی نیست که مسئولیت توزیع عادلانه‌ی آنها بر اساس اصول میراث و وصیت را بر عهده دارد. به عنوان مثال در مالزی، وقتی ر. اسمائیل و ب. رنتا، یکی از اعضای شرکت مشارکتی خدمات عمومی مالزی درگذشت^{۲۰۷}، تنها دخترش را متولی دریافت سهم ارث خود نمود. تولی در چنین مواردی نوعی وصیت است که صحت آن به رضایت سایر وراث بستگی دارد. متعاقباً در پاکستان در مورد نورمحمد مست سردار خاتون^{۲۰۸}، رای این بود که حق دریافت، برابر با حق حق دریافت سود نیست. به این معنا که نماینده‌ی اموال تنها حکم متولی ای را دارد که سود را دریافت می‌کند اما از آن سود نمی‌برد بلکه باید طبق قانون وصیت اسلامی، آن را به وراث قانونی تحویل دهد.^{۲۰۹} قاضی وحیدالدین احمد در مقدر خان بورماشل^{۲۱۰} این‌طور حکم کرده که تحت قوانین میراث اسلامی، نماینده نباید وراث قانونی متوفی باشد و از این‌رو از مزایای اموال بهره نمی‌برد.

اما در دیوان عالی کراچی، آقای کایانی والهی بخشا خمیسانی در کریم و حنیفا^{۲۱۱} که بر ماده‌ی ۲۷ قانون جوامع مشارکتی بمبئی سال ۱۹۲۷ حکم داده که نماینده‌ی بیمه نامه صرفاً مدیر یا مجری نیست که از جانب وراث متوفی، سود را دریافت کند، بلکه خود وی حق مطلق بر سود دارد بی آنکه نیازی به تقسیم آن با سایرین داشته باشد. این تصمیم شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت چراکه با قانون میراث اسلامی در تضاد بود و از این‌رو تنزیل الرحمان در مجموعه‌ی قوانین اسلامی^{۲۱۲} توصیه کرد که ماده‌ی ۲۷ قانون جوامع مشارکتی طوری تصحیح شود که با قوانین میراث اسلامی (وصیت و هبه) هماهنگ باشد.^{۲۱۳}

بعدها صورت صحیح این رأی دیوان عالی کراچی در دادگاه عالی پاکستان در پرونده‌ی امت الحیب و مسرت پروین^{۲۱۴} مورد استفاده قرار گرفت و در آن تصمیم بر آن شد که تولی در بیمه نامه، نه هدیه است و نه وصیت و از این‌رو نباید وراث قانونی^{۲۱۵} را از حق خود محروم نماید.

در همین خصوص در سال ۱۹۷۳، شورای ملی امور مذهبی مسلمانان فتوایی در خصوص میراث و ماترک^{۲۱۶} صادر کرد مبنی بر این که نماینده‌ی بیمه‌ی عمر، تنها نقش متولی ای را دارد که مزایای بیمه را دریافت می‌کند و آن را طبق اصول میراث و وصیت، بین وراث تقسیم می‌نماید.

طبق تصمیمات قضایی، فتوی و احکام صادره از قضات و فقهای اسلامی که در فوق بدانها اشاره شد، می‌توان نتیجه گرفت که دارنده‌ی بیمه نامه می‌تواند به منظور تضمین امنیت و توزیع عادلانه‌ی اموال، کسی را به عنوان نماینده منصوب کند. اما این انتصاب، حکم دریافت بخشی از سود بیمه توسط نماینده نیست بلکه امانتی است که نشان می‌دهد وی باید مزایا را دریافت نموده و آن را به طور عادلانه بین وراث متوفی تقسیم نماید. اما اگر نماینده، یکی از وراث باشد، تنها بخشی از سود که حق قانونی اوست به وی تعلق می‌گیرد. اما اگر صاحب بیمه نامه، ارثی برای متولی در نظر گرفته باشد، تنها تا سقف یک سوم سود را می‌تواند دریافت نماید و اگر متولی از وراث باشد و صاحب بیمه نامه برای سود وی وصیت نامه تنظیم کرده باشد، تنها یک سوم آن به وی تعلق می‌گیرد و این امر، منوط به رضایت سایر وراث است.^{۲۱۷}

۲-۸-۴. تأثیر انتصاب نماینده در بیمه

در گذشته، یکی از اصول قانون عرف این بود که متولی بیمه نامه حق مطالبه‌ی هیچ حقی از بیمه‌گر نداشت زیرا هیچ امر محرمانه‌ای بین نماینده و بیمه‌گر وجود ندارد.^{۲۱۸} در مراحل بعدی توسعه‌ی صنعت بیمه، این نگرش در خصوص این مسئله تغییر یافت و به جایی رسید که نماینده‌ای که نامش در بیمه نامه قید شده، تنها ذی‌نفع آن محسوب می‌شود.^{۲۱۹} در املاک ره شبسمن؛ لیبت و انگلباخ^{۲۲۰}، دختر خانواده، پدرش را ذینفع بیمه‌ی عمر معرفی کرده بود. دادگاه نیز پدر را نماینده‌ی تام بیمه نامه تلقی کرد. به همین صورت در مورد متوفی ره شبسمن^{۲۲۱}، نماینده به عنوان ذی‌نفع تام، مزایای بیمه نامه را حفظ نمود. اصول ره شبسمن در دادگاه عالی نیو ولز در مورد پرونده‌ی کتز^{۲۲۲} که در آن

شوهر، همسرش را به عنوان ذی نفع معرفی کرده بود دنبال شد و همسر، هزینه‌ی بیمه را دریافت نمود. دادگاه اعلام کرد که همسر، در این مورد ذی نفع تام خواهد بود. در هند، قانون بیمه‌ی ۱۹۳۸ شامل یک بند نمایندگی است. ماده‌ی ۳۹ (۱) قانون بیمه‌ی ۱۹۳۸ به شرح زیر می‌باشد:

«دارنده‌ی بیمه نامه‌ی عمر در زمان عقد قرارداد یا پیش از زمان پرداخت می‌تواند فرد یا افرادی را به عنوان متولی دریافت حق بیمه‌ی مرگ خود معرفی نماید.»^{۲۲۳}

در مالزی در خصوص مسئله‌ی تولی، جایگاه قانونی نماینده، نزد قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ مشابه قوانین انگلستان، استرالیا و هندوستان بود. به عنوان مثال، ماده‌ی ۲۳ (۱) قانون مدنی ۱۹۵۶ که بر اساس قانون حقوق زنان متاهل سال ۱۸۸۲ (انگلستان)^{۲۲۴} تنظیم شده به قرار زیر است:

«بیمه‌ی تضمین عمر افراد که در جهت سود همسر تنظیم می‌شود باید اطمینانی در جهت منافع افرادی باشد که در بیمه‌نامه نامشان درج شده است...»^{۲۲۵}

بند فوق نشان از آن دارد که نماینده‌ی بیمه نامه، ذی نفع تام است. در پرونده‌ی متوی ره من بن میهات^{۲۲۶}، طبق ماده‌ی ۲۳ (۱) قانون مدنی ۱۹۵۶، صوفیان رأی بر این داد که نماینده، تنها ذی نفع متوفی محسوب می‌شود. سپس این رأی توسط عبدالحمی و بهادن بن حاجی حسن^{۲۲۷} دنبال شد که در آن، همسر متوفی، متولی بیمه محسوب می‌شد. دادگاه رأی بر آن داد که به استناد ماده‌ی ۲۳ (۱) قانون مدنی ۱۹۵۶، مبلغ بیمه باید به بیوه تعلق گیرد چرا که وی طبق بیمه نامه، ذی نفع تام محسوب می‌شد. لازم به ذکر نیست که تصمیم صوفیان در مورد متوفی رحمان بن میهات بر اساس تصمیم دادگاه انگلستان در بیمه‌نامه‌ی ره یوکیمدیس^{۲۲۸} بود که حکم نهایی این بود که پول بیمه از نظر قانونی به بیوه‌ی متوفی (متولی) تعلق می‌گیرد و این امر در خصوص دارایی‌های شوهر صدق نمی‌کند.^{۲۲۹}

اما پس از تصویب قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶، جایگاه نمایندگی در بیمه مالزی در مقایسه با کشورهای دیگر که در آنها قوانین عرفی اجرا می‌شد، کمی محدود بود.

به استناد ماده‌ی ۱۶۶ (۱) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶، نماینده‌ی بیمه نامه، ذی‌نفع تام محسوب می‌شود^{۲۳۰}، اما این فرد تنها از بین افرادی مشخص و از نزدیکان صاحب بیمه نامه انتخاب می‌گردد. تنها همسر و فرزندان^{۲۳۱} و در غیاب این دو، والدین^{۲۳۲}، می‌توانند نماینده‌ی فرد باشند. تفاوت حقیقی بین قوانین بیمه‌ی ۱۹۹۶ و قوانین مدنی ۱۹۵۶ این است که در بندهای پیشین، نه تنها همسر و فرزندان، بلکه افراد دیگر نیز می‌توانستند به عنوان نماینده منصوب شوند^{۲۳۳} اما قانون ۱۹۹۶ تنها همسر و فرزندان و در غیاب آنها، والدین متوفی را پوشش می‌دهد.^{۲۳۴}

بندهای ماده‌ی ۱۶۶ قانون بیمه ۱۹۹۶ تنها درباره‌ی بیمه شدگان غیرمسلمان صدق می‌کند.^{۲۳۵} در ماده‌ی ۱۶۷ این قانون که در خصوص بیمه شدگان مسلمان^{۲۳۶} است قید شده که نماینده‌ی بیمه نامه به عنوان تنها مجری آن محسوب می‌شود و نه به عنوان ذی‌نفع مزایای بیمه. به علاوه، مزایای بیمه نامه تنها بخشی از دارایی دارنده‌ی بیمه تلقی می‌گردد و شامل بدهی‌های وی نیز می‌شود.^{۲۳۷} تفاوت‌های بین ماده‌ی ۱۶۶ و ۱۶۷ قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ به قرار زیر است:

مقایسه‌ی مفاد ۱۶۶ و ۱۶۷ قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶	
ماده‌ی ۱۶۶ (۱) و (۲)	ماده‌ی ۱۶۷ (۱) و (۲)
تنها غیرمسلمانان را پوشش می‌دهد	تنها مسلمانان و قوانین مربوط به وراثت مسلمانان را پوشش می‌دهد.
نمایندگی به همسر، فرزندان یا والدین محدود می‌شود.	در تعیین نماینده، محدودیتی وجود ندارد
نماینده، ذی‌نفع تام بیمه تلقی می‌شود.	نماینده تنها مجری بیمه نامه تلقی می‌شود نه ذی‌نفع تام.
مزایای بیمه نه سایر دارایی‌های متوفی را در بر می‌گیرد و نه بدهی‌های وی را.	مزایای بیمه، سایر دارایی‌ها و بدهی‌های وی را نیز شامل می‌شود.

ماده‌ی ۱۶۶ قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ برابر با ماده‌ی ۲۳ قانون مدنی ۱۹۵۶ است. هر دوی این مفاد توافق بین افراد و بیمه شدگان غیرمسلمان را پوشش می‌دهند. ماده‌ی ۱۶۷ قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ و ماده‌ی ۲۵ قانون مدنی ۱۹۵۶ مطابق قوانین اسلامی است. درخصوص تاثیر نمایندگی در بیمه نامه نیز، ماده‌ی ۱۶۷ قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ این‌طور قید کرده که نماینده نباید ذی‌نفع تام بیمه نامه باشد، بلکه تنها باید مجری آن تلقی گردد. به همین شکل در ماده‌ی ۲۵ قانون مدنی ۱۹۵۶ قید شده که بخش ۷ این قانون نباید کشف دارایی‌های را طبق قانون مسلمانان اجرا نماید.^{۲۳۸} از این‌رو، نمایندگی تحت ماده‌ی ۲۳(۱) بخش ۷ قانون مدنی ۱۹۵۶ تنها در خصوص بیمه شدگان غیرمسلمان صدق می‌کند.

طبق قانون مسلمانان، مزایای بیمه باید بخشی از دارایی دارنده‌ی بیمه باشد و از این‌رو، نماینده بیمه نامه باید مجری صرف تلقی شود، نه ذینفع تام؛ مزایای بیمه نیز (بعد از مرگ دارنده‌ی بیمه) شامل بدهی‌های دارنده‌ی بیمه خواهد بود و طبق اصول قانون توزیع اسلامی، بین افراد ذی‌نفع متوفی تقسیم خواهد شد.^{۲۳۹}

تحت سایه‌ی موارد فوق، تطبیق رای صوفیان با پرونده‌ی متوفی ره من بن میهات^{۲۴۰} کار آسانی نیست چرا که حکم پرونده اش بر اساس اصول انگلستان و همین‌طور، ماده‌ی ۲۳(۱) قانون مدنی ۱۹۵۶ صادر شده که نماینده و همسر متوفی را ذی‌نفع تام بیمه نامه می‌داند.

متعاقباً، این تصمیم توسط عبدالحمید در پرونده‌ی متوفی ره بهادون بن حاجی حسن^{۲۴۱} دنبال شد. اما اصول مربوطه‌ی انگلیسی و بندهای ماده‌ی ۲۳(۱) قانون مدنی ۱۹۵۶ همان‌طور که در ماده‌ی ۲۵ قانون مدنی ۱۹۵۶ آمده درباره‌ی مسلمانان صدق نمی‌کند.

در حال حاضر، هرچند ماده‌ی ۱۶۷ قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ جایگاه نماینده‌ای را دارد که توسط بیمه داران مسلمان منصوب شده، اما باید تاثیرات قانونی قضاوت‌های پرونده‌ی مرحوم ره من بن میهات و ره بهادون بن حاجی حسن را مشخص نمود. این کار از سردرگمی‌های بعدی در خصوص اثرات نمایندگی در بیمه‌ی اسلامی جلوگیری می‌نماید. نکات زیر، جایگاه فعلی این مسئله را خلاصه‌وار مطرح می‌سازد:

۱. در هر دو مورد، متوفی مسلمان بوده و از این رو واگذاری مزایا به موجب ماده‌ی ۲۵ قانون مدنی ۱۹۵۶ باید بر اساس قانون مسلمانان باشد نه بر اساس ماده‌ی ۲۳(۱) قانون و تصمیمات دادگاه.^{۲۴۲} ماده‌ی ۲۳(۱) قانون مدنی ۱۹۵۶ و اصول انگلستان درخصوص جایگاه نماینده‌گان نیز تنها درباره‌ی غیرمسلمانان کاربرد دارد.

۲. نماینده‌ی بیمه نامه در قانون اسلام باید مجری صرف تلقی شود نه ذی‌نفع تام.^{۲۴۳} چگونه دادگاه‌ها در دو مورد فوق تأیید نمودند که نماینده (علیرغم نمایندگی بیمه شدگان مسلمان) طبق بیمه نامه‌ی متوفی، ذی‌نفع تام است؟ تصمیم‌گیری‌های غیر از این مغایر با قانون اسلام است.

۳. ماده‌ی ۲۵ قانون مدنی ۱۹۵۶ تصریح نموده که بخش ۷ این قانون از جمله ماده‌ی ۲۳(۱) نباید درخصوص مسلمانان بکار رود چرا که واگذاری اموال‌شان تنها بر اساس قوانین مسلمانان صورت می‌گیرد. همچنین قضات این دو پرونده متوجه شدند که نباید با نادیده گرفتن ماده‌ی ۲۳(۱)، بر اصول انگلیسی ماده‌ی ۲۳(۱) قانون ۱۹۵۶ تکیه می‌کردند. این امر در عمل به نادیده گرفتن قانون می‌انجامید. تحت قانون عرف، نادیده گرفتن حقیقت قابل اغماض است اما نادیده گرفتن قانون، خیر. این دیدگاه به اصول لاتین زیر بازمی‌گردد: نادیده گرفتن حقیقت را می‌توان بخشید اما نادیده گرفتن قانون را خیر.^{۲۴۴}

در پرتوی مسائل فوق، می‌توان نتیجه گرفت که در دو مورد فوق، تصمیمات درستی اتخاذ نشده است. به علاوه، به استناد مفاد ۱۶۶ و ۱۶۷ قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶، قوانین مطرح شده در این دو پرونده دیگر در نمایندگی مسلمانان کاربردی ندارد.

۴-۹. ذینفع

۴-۹-۱. ذینفع در فعالیت‌های تکافل

در قانون اسلامی، ذی‌نفع بیمه نامه کسی نیست که دارنده‌ی بیمه او را نماینده‌ی خود معرفی کرده است. نمایندگی بیمه نامه تنها حالتی نهادین دارد و بر مزایای بیمه تأثیرگذار

نیست. علت این امر آن است که مزایای بیمه نامه خارج از دارایی‌های دارنده‌ی بیمه نیست، بلکه هر بیمه نامه یا هر نوع پس انداز وی باید دارایی او تلقی گردد و سند رسمی برای آن داشته باشد.

به منظور تعیین ذی‌نفع بیمه نامه باید بررسی کرد که آیا فرد مزبور، سود بیمه‌ی خاصی از موضوع بیمه نامه می‌برد یا خیر. سود بیمه در قانون اسلامی، بر اساس اصول مالکیت، میراث و وصیت انجام می‌شود. به عبارت دیگر، مزایای بیمه نامه، در زمان حیات بیمه شده، دارایی وی تلقی می‌شود. از این‌رو زمانی که در قید حیات است، مالکیت تام^{۲۴۵} بر آن دارد مگر آن‌که آن را وقف نماید.^{۲۴۶} اما پس از مرگ وی، مزایای بیمه بر اساس اصول میراث و وصیت بین افراد قانونی تقسیم می‌شود.

طبق این توافقات، این‌طور می‌توان نتیجه گرفت که حقوق ذی‌نفع در هر قراردادی باید بر حقوق فرد بیمه شده‌ای که حق بیمه را می‌پردازد^{۲۴۷} مقدم باشد. اما در دو صورت مالک بیمه می‌تواند از حقوق ذی‌نفع به خاطر منافع قرارداد صرف نظر کند. نخست این‌که اگر دارنده‌ی بیمه، قرارداد را وقف کرده باشد، وقف، دارایی خداوند خواهد بود. سپس واقف هیچ حقی درباره‌ی اموالش ندارد.^{۲۴۸} دوم این‌که اگر مزایای بیمه مشمول بدهی‌های فرد باشد، به محض مرگ دارنده‌ی بیمه نامه، حقوق ذی‌نفع از راه‌های زیر به افراد زیر واگذار می‌شود:^{۲۴۹}

۱. نخست، کل مزایای بیمه به همراه سایر دارایی‌های دارنده‌ی بیمه نامه محاسبه می‌شود.
۲. اگر دارنده‌ی بیمه نامه در طول زندگی‌اش بدهی داشته باشد و در زمان مرگش این بدهی‌ها تسویه نشده باشد، میزان این بدهی‌ها محاسبه شده و از دارایی‌های وی کسر می‌گردد. بدهی، حق بندگان (حق الناس) خداست و باید پیش از حق خداوند (حق الله)^{۲۵۰} تسویه شود. در صورت مرگ فرد، حق الناس، هر نوع بدهی‌ای است که وی به گردن دارد و حق خدا، نماز میت است. بنابراین، در تعالیم اسلامی، یکی از اصول این است که

بدهی‌های فرد در گذشته باید پیش از خاکسپاری وی تسویه شود. این مساله در آیات زیر به تکرار قید شده است.

«من بعد وصیه یوصی بها او دین.»^{۲۵۱}

«من بعد وصیه توصون بها او دین.»^{۲۵۲}

«من بعد وصیه یوصین بها او دین.»^{۲۵۳}

پیامبر اکرم (ﷺ) نیز می‌فرماید:

«اقضوا الديون قبل ان تجلد المیت»

«بدهی‌های متوفی را پیش از خاکسپاری وی پرداخت

نمایید.»^{۲۵۴}

در آیات فوق الذکر از قرآن و سنت، به وضوح قید شده که توزیع ثروت و دارایی‌های متوفی باید پس از تسویه‌ی بدهی‌ها و دیون وی انجام شود.

۱. پس از تسویه‌ی بدهی‌های دارنده‌ی بیمه، هزینه‌های کفن و دفن وی باید از مابقی دارایی کسر شود.^{۲۵۵} شیخ محمد عبدو در یکی از سخنرانی‌های خود اظهار داشت که در قوانین اسلامی باید هزینه‌های تدفین متوفی را از سایر اموال وی جدا کرد.^{۲۵۶}

۲. گام بعدی، کسر بخشی از مال است که بر آن وصیت^{۲۵۷} انجام شده. وصیت درباره‌ی یک سوم مال قابل اجراست.^{۲۵۸} این امر در فرمایشات پیامبر اکرم (ﷺ) کاملاً مشهود است:

«عن عامر بن سعد بن ابی وقاص قال: مرضت بمکه مرضاً

فاشرفت منه علی الموت فاتانی انبی (ﷺ) یعودنی فقلت یا

رسول الله ان لی مالا کثیرا و لیس یرثنی الا ابتنی فاتصدق

مثلی مالی؟ قال: لا. قلت: الشطر؟ قال: لا. قلت: الثلث؟ قال

الثلث الکبیر، ان ترکت ولدک اغنیاء خیر من اترکهم عاله

یتکفون الناس»

«نقل است از امیر بن سعد بن ابی وقاص که می‌گفت: در سفر حج بیمار شدم و احساس کردم که قرار است بمیرم. رسول خدا نزد من آمد و از او پرسیدم: مال زیادی دارم و تنها وارثم دختر من است. آیا می‌توانم کل دارایی ام را وقف خیریه کنم؟ فرمود: خیر؟ گفتم آیا می‌توانم دو سوم را وقف خیر کنم؟ فرمود خیر. باز گفتم یک سوم چگونه؟ فرمودند: با مالی که تو داری یک سوم برای امور خیر کافی است. چون بهتر است فرزندان را غنی بگذاری تا نیازمند و محتاج دیگران.»^{۲۵۹}

همچنین شایان ذکر است که ارث تنها می‌تواند به نفع غریبه‌ها باشد زیرا ارثی که به نزدیکان واگذار شود درست نیست مگر این‌که سایر وراثت به آن راضی باشند.^{۲۶۰} پیامبر اکرم (ﷺ) می‌فرماید:

«عن شر حبیل بن مسلم الخولانی قال: قال رسول الله (ﷺ): ان الله قد اعطی کل ذی حق حقه، فلا وصیه لوارث»
 «نقل است از شرحبیل بن مسلم خولانی که پیامبر فرمود: خداوند حق هر کس را به او می‌دهد، پس برای وارث، وصیت نکنید.»^{۲۶۱}

پیامبر اکرم (ﷺ) همچنین می‌فرماید:

«عن ابن عباس قال: قال رسول الله (ﷺ) لا تجوز لوارث وصیه الا ان یشاء الورثه»

«از ابن عباس نقل است که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: وصیت برای وارث مجاز نیست مگر با رضایت سایر وراثت.»^{۲۶۲}

اما شافی دو دیدگاه در خصوص وصیت به نفع یکی از وراثت بیان نموده است. نخست این‌که وصیت به نفع یکی از وراثت طبق حدیث نقل شده از ابن خرجا درست نیست.

فصل ۴. عوامل خارجی تأثیرگذار بر قراردادهای تکافل و بیمه □ ۱۹۹

«عن ابن خارجه قال: قال رسول الله (ﷺ) و سلملا وصيه لوارث الا ان يجيز الورثه»

«از ابن خارجه نقل است که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: وصیت برای وارث مجاز نیست مگر با رضایت سایر وراث.»^{۲۶۳}

دومین دیدگاه الشافعی این است که وصیت به نفع وارث در صورتی صحیح است که سایر وراث راضی به آن باشند. این دیدگاه بر اساس حدیث زیر است:

«عن ابن عباس قال: قال رسول الله (ﷺ) لا تجوز لوارث وصيه الا ان يشاء الورثه»

«از ابن عباس نقل است که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: وصیت برای وارث مجاز نیست مگر با رضایت سایر وراث.»^{۲۶۴}

نتیجه این که، وصیت تنها درباره‌ی یک سوم مال^{۲۶۵} صحیح است و همچنین وصیت نباید به نفع یکی از وراث باشد مگر با رضایت سایر وراث.^{۲۶۶}

وصیت باید در زمان حیات وارث انجام شود اما موروث نمی‌تواند پیش از مرگ وارث از ارث بهره‌بردار. بحر الرقاق و مجما الانحر فرمان داده‌اند:

«الوصيه تملیک مضاف لما بعد الموت بطريق التبرع»

«وصیت، عملی است که فرد را پس از فوت فرد دیگر، صاحب اموال وی می‌کند.»^{۲۶۷}

در نقل زیر نیز، اصل دیگری نهفته است:

«هی تملیک مضاف الی ما بعد الموت»

«مالکیت وصیتی تنها پس از وفات وصی انجام می‌شود.»^{۲۶۸}

المقدیسی نیز این را به بیانی دیگر می‌گوید:

«الوصيه الامر بالتصرف بعد الموت»

«وصیت راهی است برای تصرف دارایی‌های فرد پس از مرگ

وی.»^{۲۶۹}

الهلیلی نیز فتوای مشابهی ارائه داده است:

«الوصیه هی تملیک عین او منفعه بعد الوفاء.»

«وصیت چیزی است که تنها پس از مرگ وارث، مالکیت یا

سود اموال وی را به فرد دیگر واگذار می‌کند.»^{۲۷۰}

در پرتوی این تحلیل‌ها و بر اساس اختیارات شرح داده شده، این‌طور نتیجه‌گیری می‌شود که اگر دارنده‌ی بیمه غریبه‌ای را (غیر از ورثه) مسئول بیمه نامه می‌کند، فرد نماینده هیچ حقی در استفاده از مزایای بیمه ندارد و تنها متولی رسیدگی به امور آن است.^{۲۷۱} اما اگر دارنده‌ی بیمه صریحاً قید کند که مزایای بیمه باید به عنوان وصیت به نفع متولی استفاده شود، وی می‌تواند از حق یک سوم کل اموال وی استفاده کند. اگر دارنده‌ی بیمه یکی از ورثه را به عنوان نماینده انتخاب کند، در این حالت نیز فرد، تنها نماینده است و طبق اصول میراث هیچ حقی برای استفاده‌ی ویژه از اموال وارث ندارد. اما در صورتی که نماینده از ورثه باشد و وارث صریحاً قید کرده باشد که بیمه نامه به نفع وی مورد استفاده قرار گیرد، اجرای آن بسته به موافقت سایر وارثین است.

پس از همه‌ی این کارها، گام آخر تقسیم باقیمانده‌ی اموال متوفی بین ورثه بر اساس اصول میراث است. در آیه‌ی فوق، این امر به وضوح قید شده است:

«للرجال نصیب مما ترک الوالدان والاقریبون وللنساء نصیب

مما ترک الوالدان والاقریبون مما قل منه او کثر نصیباً مفروضاً»

«از آنچه از والدین و نزدیکان به جا می‌ماند، سهمی برای زنان

و سهمی برای مردان است و کمی و زیادی مال، میزان آن را

تعیین می‌کند.»^{۲۷۲}

نتیجه این‌که بر اساس اصول بیمه، پس از مرگ دارنده‌ی بیمه و پیش از تقسیم اموال او ابتدا باید بدهی‌ها تصفیه گردد، هزینه‌های تدفین پرداخت شود، و سپس بخشی که روی آن وصیت شده (که نباید از یک سوم کل دارایی‌ها، افزون شود) پرداخته شود.^{۲۷۳}

۲-۹-۴. ذی‌نفع در فعالیت‌های بیمه

در اصول بیمه نامه در قانون عرف، ذی‌نفع با درنظر گرفتن این‌که فرد موردنظر، سود بیمه‌ای در موضوع بیمه دارد یا ندارد تعیین می‌شود. البته داشتن سود بیمه برای فرد کافی نیست بلکه دارنده‌ی بیمه باید نام وی را در بیمه نامه به عنوان نماینده‌ی خود قید کرده باشد. به عبارت دیگر، وجود هر دوی این شرایط برای ذی‌نفع الزامی است. از این‌رو ذی‌نفعی که یکی را دارد و دیگری را ندارد از دریافت مزایای بیمه محروم می‌شود زیرا شرایط لازم را دارا نیست.^{۲۷۴}

در انگلستان، ماده‌ی ۱۸ قانون بازی قید کرده که بیمه بدون سود بیمه مانند شرط‌بندی است که از پایه باطل است. در ماده‌ی ۴(۱) بیمه‌ی سفرهای دریایی ۱۹۰۶ (انگلستان) قید شده که بیمه سفرهای دریایی برای بازی و شرط‌بندی باطل است و در نتیجه طبق ماده‌ی ۴(۲) همان قانون، قرارداد بیمه بدون سود مانند مبادله‌ی قمار و شرط‌بندی حرام و باطل است. با این وجود، مفاد هر دو، قانون قمار ۱۸۴۵ و قانون بیمه‌ی سفرهای ۱۹۰۶ بر اساس ماده‌ی ۱ قانون بیمه‌ی عمر ۱۷۷۴ (انگلستان) است که طبق آن، بیمه‌ی بدون سود بیمه مانند شرط‌بندی باطل است.^{۲۷۵} ماده‌ی ۲ قانون بیمه‌ی عمر ۱۷۷۴ قید کرده که بیمه نامه معتبر نخواهد بود مگر آنکه افراد ذی‌نفع با درج نام در بیمه نامه مشخص شده باشند.^{۲۷۶} ماده‌ی ۳ همان قانون نیز محدودیتی برای افراد ذی‌نفع قائل می‌شود از این قرار که سود دریافتی بیمه نباید بیش از کل ارزش موضوع قرارداد باشد.^{۲۷۷} بنابراین، برای این‌که فردی تحت قانون بیمه‌ی انگلستان، ذی‌نفع محسوب شود باید سود بیمه‌ای داشته باشد، نامش در قرارداد قید شده باشد و ارزش سود قرارداد بیش از مجموع ارزش موضوع قراردادش نباشد.

در مالزی، طبق ماده‌ی ۵(۱) قانون مدنی ۱۹۵۶، قانون مربوط به ذی‌نفع بیمه نامه در عرف بر اساس قوانین انگلستان تعیین می‌شود.^{۲۷۸} افراد ذی‌نفع، تحت قانون مالزی توسط تست دو جانبه‌ی زیر تعیین می‌شوند:

اول. وجود سود بیمه

فرد در صورتی می‌تواند ذی‌نفع بیمه‌نامه شود که در موضوع بیمه نامه، سود بیمه‌ای عایدش شود. ماده‌ی ۲۳(۱) قانون مدنی ۱۹۵۶ افرادی را در بر می‌گیرد که مانند بیمه شده، همسر، فرزندان و افراد صغیر تحت قیمومیت وی، یا هر کسی که تا حدی یا به طور کامل به بیمه شده وابسته است^{۲۷۹} مثل والدین، وصی یا موصی، بدهکار یا طلبکار، ولی یا خدمتکار، شرکت یا مدیر، طرح تعلیق، متولی، مدیر یا کارمند، مستاجر یا موجر^{۲۸۰}، سودی از این بیمه عایدشان شود.^{۲۸۱}

دوم. معرفی توسط دارنده‌ی بیمه

فردی که سود بیمه داشته باشد به خودی خود ذی‌نفع بیمه نامه نخواهد بود بلکه دارنده‌ی بیمه باید او را تحت این عنوان معرفی کرده باشد. علت این است که کسی بدون نمایندگی نمی‌تواند سود بیمه نامه را مدعی شود.^{۲۸۲}

پس زمانی که فرد دارای دو ویژگی فوق باشد در بیمه نامه، ذی‌نفع معرفی خواهد شد. صوفیان در پرونده‌ی متوفی ره من ابن میهات^{۲۸۳} درخصوص تصمیم‌گیری درباره‌ی قدرت مطلق ذی‌نفع در بیمه نامه،^{۲۸۴} بر اصول انگلیسی^{۲۸۵} و ماده‌ی ۲۳(۱) قانون مدنی ۱۹۵۶ تکیه کرد. عبدالحمید نیز در پرونده‌ی متوفی ده مهادن بین حاجی حسن از همین رأی پیروی کرد.^{۲۸۶}

قوانین مربوط به ذی‌نفع در بیمه نامه در انگلستان، مالزی، و هند و سایر کشورهای که قانون عرف در آنجا حاکم است تا حدودی مشترک است؛ از جمله‌ی این اشتراکات می‌توان به این نکته اشاره کرد که ذی‌نفع در صورتی می‌تواند از مزایای بیمه استفاده کند که دارای سود بیمه بوده و دارنده‌ی بیمه وی را به عنوان نماینده معرفی کرده باشد.

۱۰-۴. توافق و رضایت دوجانبه‌ی آزاد

۱-۱۰-۴. فعالیت‌های تکافل

رضایت محض، ماهیتاً متفاوت از رضایت دوجانبه، رضایت دوجانبه‌ی آزاد و رضایت آزاد است. رضایت صرف، حالتی کلی دارد و هرگونه رضایت قانونی و غیرقانونی را

شامل می‌شود. رضایت غیرقانونی نوعی است که ناخواسته یا با استفاده از خشونت حاصل شده باشد.^{۲۸۷} از این‌رو رضایت محض همیشه لزوماً قانونی نیست. از سوی دیگر، رضایت دوجانبه، جلب هماهنگی فکری بین طرفین درگیر است که الزاماً مثبت نبوده، چون برخی توافقات از راه زور و اجبار یا راه‌های غیرقانونی حاصل می‌آید. از سوی دیگر، رضایت آزاد، خواسته‌ی آزاد (عاری از هر گونه اجبار) است که یک یا هر دو طرفین به آن دست می‌یابند. به عنوان مثال در مبادلات، یکی از طرفین رضایت آزاد خود را داده اما این رضایت، ویژگی‌های ظاهری موضوع قرارداد را شامل نمی‌شود، در صورتی که طرف دیگر در همه‌ی موارد رضایت آزاد خود را اعلام نموده است. بنابراین، رضایت آزاد لزوماً در همه‌ی موارد الزامی نیست. نهایتاً رضایت دوجانبه‌ی آزاد در مبادله از سه مورد فوق متفاوت است. این نوع رضایت بدون هیچ عامل فشار، زور یا اجبار، در همه‌ی موارد بین طرفین بوجود آمده. از این‌رو در مبادله‌ی درست، این نوع رضایت دوجانبه‌ی آزاد باید بین طرفین حاصل شده باشد^{۲۸۸} و دو عامل آزاد و دوجانبه در آن رعایت شود. در شریعت، کسی که ثروتش را بدون رضایت دوجانبه‌ی آزاد یا از راه سوء استفاده یا ناخواسته به دست آورده باشد، به رسمیت شناخته نمی‌شود. این مورد در آیه‌ی زیر کاملاً مشهود است:

«یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منکم»

«ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق نخورید بلکه بگذارید

بین شما و بر تجارتان، رضایت حکمفرما باشد.»^{۲۸۹}

در بیمه نامه، رضایت بیمه‌گر و بیمه شده باید پیش از عقد قرارداد جلب شده باشد. در این معامله، اصول حاکم مربوط به رضای نیز بر اساس اصول کلی رضایت در مبادلات تجاری تعیین می‌شوند. از این‌رو، برای اجرای بیمه نامه، جلب رضایت صرف کافی نیست بلکه رضایت باید متقابل و آزاد نیز باشد. در صورت عدم وجود این دو ویژگی، رضایت با اصول اولیه‌ی قرارداد هماهنگی ندارد چراکه دستور خداوند مبنی بر همکاری متقابل را نادیده می‌گیرد:

«و تعاونوا على البر و التقوى و لا تعاونوا على الاثم و العدوان
باید شما به یکدیگر در نیکوکاری و تقوی کمک کنید و نه در
گناه و دشمنی.»^{۲۹۰}

شرایطی وجود دارد که بیمه نامه را غیرقابل اجرا می‌کند و علت آن، عدم وجود رضایت متقابل طرفین قرارداد است. آن شرایط عبارتند از:

۱. مبادله‌ای که رضایت طرفین با بی میلی جلب شده باشد، چون در این نوع رضایت، حضور قلب وجود ندارد.^{۲۹۱} مجله نیز اکراه را عملی معرفی می‌کند که با استفاده از آن، دیگری را به انجام کاری وادار کنند که حقی در آن ندارند یا فردی کاری را از سر بی میلی و بدون رضایت متقابل انجام دهد.^{۲۹۲} پیامبر اکرم (ﷺ) می‌فرماید: «هیچ کس مسئول کاری نیست که تحت فشار انجام داده باشد.»

«قال رسول الله (ﷺ) ان الله تعالى وضع عن امتی الخطا و النسيان و ما استكروها عليه (بلوغ المرام)»

«پیامبر اکرم (ﷺ) فرمودند که خداوند مسئولیت هرگونه عملی که تحت فشار، به اشتباه و از روی فراموشی انجام شده را از دوش شما برداشته است.»^{۲۹۳}

در قرآن نیز نقل شده که خداوند کسی را به خاطر عملی که تحت فشار انجام داده مواخذه نمی‌کند.

«من كفر بالله بعد ايمانه الا من اكره و قلبه مطمئن
بالايمان... فعليه غضب من الله و لهم عذاب عظيم»

«کسی که بعد از ایمان آوردن به خدا کافر شود، غضب خداوند بر آنان است و عذابی بزرگ در انتظارشان خواهد بود، مگر کسانی که تحت اجبار این کار را کرده اند و قلبشان
مملو از ایمان است.»^{۲۹۴}

در پرتوی موارد ذکر شده این طور می توان نتیجه گیری کرد که بیمه نامه در صورتی که رضایت طرفیت یا یکی از آنها، تحت اجبار کسب شده باشد، باطل خواهد بود.^{۲۹۵}

۲. نفوذ ناروا نیز نوعی فشار است زیرا فردی که تحت نفوذ ناروای فرد دیگر به چیزی تن در دهد، برخلاف حق انتخاب خود عمل کرده است.^{۲۹۶}

بنابراین رضایتی که مبنای آن فشار یا استفاده از نفوذ ناروا بوده باشد اساساً باطل است چون به دور از رضایت متقابل و آزاد بوده است.^{۲۹۷} اما اگر در قرارداد بیمه، رضایت طرفین با استفاده از نفوذ ناروا یا خارجی (مثلاً از سوی عامل بیمه) بدست آمده باشد و در آن، صاحب بیمه نامه قادر به اظهار نظر یا تصمیم گیری بر سر منافع خود نباشد، قرارداد باطل خواهد بود. علت آن نیز این است که چنین بیمه نامه ای بر خلاف اصول آزادی قرارداد است و به نقض حقوق طبیعی و آزادی های افراد می انجامد. در بیمه نامه ای که فرد یا طرفین به اشتباه رضایت خود را ابراز کرده باشند، قرارداد به دلیل اشتباه غیرقابل اجراست، چرا که پیامبر اکرم (ﷺ) فرموده هیچ کس مسئول عملی نیست که از روی اشتباه صورت پذیرفته است.

«قال رسول الله (ﷺ) ان الله تعالى وضع عن امتي الخطا و النسيان و ما ستركهوا عليه بلوغ المرام»

«پیامبر اکرم (ﷺ) فرمودند که خداوند مسئولیت هرگونه عملی که تحت فشار، به اشتباه و از روی فراموشی انجام شده را از دوش امت من برداشته است.»^{۲۹۸}

۳. شرایطی وجود دارد که تحت آنها، علیرغم آن که فرد، صریحاً رضایت خود را اعلام نموده، بیمه نامه باز هم از اعتبار ساقط است. به عنوان مثال وقتی رضایت از سوی کسی جلب شده که ناقص العقل^{۲۹۹}، نوزاد^{۳۰۰}، رو به موت^{۳۰۱}، مجنون^{۳۰۲}، ابله^{۳۰۳} یا مست^{۳۰۴} است. این افراد نمی توانند از قوهی تفکر خود برای تمییز درست از غلط و تصمیم گیری استفاده نمایند. بنابراین اگر رضایت از چنین فردی جلب شده باشد بیمه نامه بر اساس

قوانین حقوق فردی باطل است چرا که رضایت حاصله، ناشی از قدرت درست تصمیم‌گیری نبوده است. از این‌رو این امر در آیات قرآنی به شدت توصیه شده که رضایت متقابل باید حاصل از درک درست طرفین باشد تا معامله از صحت لازم برخوردار باشد.

«یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منکم»

«ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق نخورید بلکه بگذارید بین شما و بر تجارتتان، رضایت حکمفرما باشد.»^{۳۰۵}

۴. بیمه نامه‌ای که رضایت طرفین در آن بر اساس ارائه‌ی اطلاعات نادرست یا نیرنگ یا پنهان کاری کسب شده باشد نیز نادرست است.^{۳۰۶} کسی که رضایت فرد دیگر را از این راه بدست آورده باشد، به همتای خود حقیقتی که در قلبش پنهان بوده را نگفته و یکی از گناهان نابخشودنی را نزد خداوند انجام داده است تا چیزی متفاوت از حقیقت را ارائه دهد و این عمل، نوعی فریب محسوب می‌شود. خداوند هشدار داده:

«یا ایها الذین آمنوا لم تقولوا ما لا تفعلون کبر متقا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون»

«ای اهل ایمان، چرا چیزی را بگوئید که انجام نداده اید؟ که اگر این کار را بکنید گناهی عظیم مرتکب شده اید.»^{۳۰۷}

اگر رضایت افراد از یکی از روش‌های فوق بدست آمده باشد، رضایت متقابل آزاد محسوب نمی‌شود و در این صورت، بیمه نامه از اعتبار لازم برخوردار نیست. منطقی است که همه‌ی افراد درباره‌ی اصول بیمه نامه توافق ندارند اما مراحل قانونی باید با کسب رضایت متقابل آزاد در همه‌ی موارد عملی بیمه نامه طی شود.^{۳۰۸}

۲-۱۰-۴. فعالیت‌های بیمه

در همه‌ی قراردادهای، باید رضایت متقابل آزادی بین طرفین وجود داشته باشد. قرارداد بیمه نیز از این قانون مستثنی نیست.

ایده‌ی توافق در مبادلات بازرگانی در قانون قراردادهای سال ۱۹۵۰ قید شده است که بر این مبناست که طرفین قرارداد باید بر سر موضوعات قرارداد توافق داشته باشند.^{۳۰۹} این توافق، همان رضایت متقابل آزاد است.^{۳۱۰} این به این معناست که رضایت باید به دور از فشار،^{۳۱۱} نفوذ ناروا،^{۳۱۲} فریب،^{۳۱۳} اطلاعات نادرست،^{۳۱۴} یا اشتباه^{۳۱۵} صورت پذیرد. از این‌رو اگر کسی از ویژگی‌های بیمه‌نامه مطلع نباشد، توافق، آزاد نبوده است. در شرکت بیمه‌ی آسیا و شرکت بیمه‌ی بین‌المللی آمریکا^{۳۱۶} دادگاه صریحاً حکم داده که در عقد قرارداد بیمه باید صریحاً ثابت شود که طرفین قرارداد، رضایت کامل و آزاد دارند.^{۳۱۷} به علاوه اگر هر دو طرف بر سر موضوع قرارداد رضایت دارند اما از نواقص کار ناآگاهند، هر یک می‌توانند به دنبال تصحیح آن باشند. در شرکت بیمه‌ی تی هین سنگ و بیمه‌ی چین^{۳۱۸} براون ج به یکی از طرفین اجازه‌ی تصحیح بیمه‌نامه را نداد^{۳۱۹} چراکه بین طرفین، توافق حاصل نشد.^{۳۲۰}

رضایت طرفین باید مکتوب باشد. به عنوان مثال، توافق در بیمه‌نامه‌ی مسافرت‌های دریایی می‌تواند حالت شفاهی نیز داشته باشد^{۳۲۱} البته تا زمانی که طرفین، به طور صریح، رضایت خود را از انجام مبادلات مذکور نشان دهند. این مورد را می‌توان در قانون عرف انگلستان^{۳۲۲} و در قانون قراردادهای مالزی مشاهده نمود^{۳۲۳} که می‌گوید توافق شفاهی بین طرفین قرارداد نیز نافذ است. در شرکت بیمه‌ی مورفیت و رویال^{۳۲۴} تصمیم بر این شد که توافق متقابل، چه کتبی و چه شفاهی درست تلقی شوند به شرطی که طرفین قرارداد در مفاد آن متفق‌القول باشند.^{۳۲۵}

۱۱-۴. نتیجه گیری

صحت موضوع قرارداد، تحت قانون عرف شرایطی دارد که قانون، اصول قانونی و سنت آنها را تعیین می‌کند. از سوی دیگر، موضوع قرارداد در قوانین اسلامی باید ارزشمند باشد و ماهیت ارزش یک چیز، تنها از طریق اصول شریعت تعیین می‌شود. از این‌رو چیزی مانند گوشت خوک یا شراب (علیرغم آن‌که تحت خطر باشد) ارزشمند نیست و به حکم شرع نمی‌تواند موضوع قرارداد بیمه باشد.

درجه‌ی خطر موضوع قرارداد به طور متفاوتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. قانون عرف خطر را صرف خطر بودن آن قبول می‌کند اما قانون اسلامی به خطرات تعریف شده و مشخص نیاز دارد. موضوعی که بر اساس آن، خطر تعریف می‌شود در هر دوی این سیستم‌های قانونی، متفاوت است. حداقل سن فرد واجد شرایط بیمه در عرف، ۱۶ سال است اما کودکان بین ۱۰ تا ۱۶ سال می‌توانند با رضایت مکتوب والدین تحت بیمه قرار گیرند. برعکس، در قانون اسلامی، حداقل سن بیمه شده ^{۳۲۶} سن بلوغ است اما افراد زیر سن بلوغ هم اگر شرایط لازم را داشته باشند (مثل داشتن درک درست از بیمه نامه و داشتن رضایت والدین) می‌توانند تحت پوشش قرار گیرند.

سود واسطه و کارگزار، تحت فعالیت‌های بیمه‌ی سستی شامل درصدی است که از حق بیمه‌ی بیمه شده به آنها پرداخت می‌شود. برعکس در تعالیم بیمه توصیه شده که هم واسطه و هم کارگزار باید در سود شرکت سهام باشند و کارگزار علاوه بر آن، هزینه‌ی مشاوره‌ی فرد بیمه شده را نیز دریافت می‌کند.

در قوانین عرفی، نماینده، تنها ذینفع بیمه نامه است. از سوی دیگر قانون اسلامی، نماینده را تنها متولی رسیدگی به امور بیمه می‌داند که در بیمه هیچ نفعی نمی‌برد.

ذی‌نفع بیمه‌ی عمر در قانون عرف حق دارد کل مبلغ توافقی در بیمه نامه را طلب کند اما در قانون اسلامی ذی‌نفع تنها می‌تواند حق مضاربه را که شامل حق بیمه‌ی پرداختی (پس از کسر خدمات شارژ و هزینه‌ی خیریه)، سهم سود و سهم شرکت از بودجه‌ی خیریه (در صورت نیاز) دریافت کند.

۱۲-۴. جدول تطبیقی

عوامل موثر بر قراردادهای بیمه و تکافل	
فعالیت‌های بیمه	فعالیت‌های تکافل
اعتبار موضوع قرارداد بیمه بر اساس اصول عرف یا اصول قانونی تعیین می‌شود	صحت موضوع بیمه نامه به این است که باید ارزشمند باشد و ارزش مسائل بر اساس اصول شرعی تعیین می‌شود
خطر باید از نظر تعریف، خطر تلقی شود.	خطر باید مشخص باشد
حداقل سن بیمه شده ۱۶ سال است اما افراد ۱۰ تا ۱۶ ساله می‌توانند با کسب مجوز مکتوب والدین بیمه شوند.	حداقل سن بیمه شده، سن بلوغ است اما اگر بیمه برای فرد سود داشته باشد، می‌تواند در صورت داشتن درک درست از موضوع قرارداد و تحت نظارت قیم تحت پوشش بیمه قرار گیرد.
وکیل و کارگزار تنها درصدی از حق بیمه را دریافت می‌کنند.	وکیل و کارگزار تکافل باید سهمی از سود شرکت داشته باشد و کارگزار از مشتری نیز حق مشاوره دریافت می‌کند.
نماینده‌ی بیمه، ذی‌نفع بیمه نامه محسوب می‌شود.	نماینده‌ی بیمه نامه، ذینفع نیست بلکه تنها نوعی متولی رسیدگی به امور است.
ذی‌نفع بیمه‌ی عمر حق دارد کل مبلغ بیمه نامه را درخواست نماید.	ذی‌نفع، حق دارد بر اساس فنون مالی اصول مضاربه عمل کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. صدیقی، بیمه در اقتصاد اسلامی، ص ۱۵-۱۴
۲. نیک راماله محمود، قانون بیمه در مالزی. ص ۱۴
۳. سوره‌ی العمران، آیه‌ی ۸۵
۴. رجوع شود به المال، در خان م اکرم، *واژه‌نامه‌ی اقتصاد اسلامی*، (لندن، منسل، ۱۹۹۰) ص ۸۴
۵. رجوع شود به مال متقوم، در همان منبع فوق، ص ۸۶
۶. خان، م اکرم، ص ۸۴
۷. سوره‌ی المائده، آیه‌ی ۹۰
۸. سوره‌ی المائده، آیه‌ی ۳
۹. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۸
۱۰. رجوع شود به الحسن، عبدالوهاب احمد، "آزادی قرارداد، از تعالیم محروم سازی و ممنوعیت قرارداد در قانون اسلامی و سودان" *هفته‌نامه‌ی قوانین عرب* (۱۹۸۵) ۱:۱، صفحات ۵۱-۵۴
۱۱. غرافی، *القروغ*، جلد ۳، ص ۲۶۵
۱۲. ایمان ملک بن اناس، المواتا (عربی) کتاب البویا، شماره‌ی ۶۳، ص ۵۵۴
۱۳. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۸۵
۱۴. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۲
۱۵. سوره‌ی النحل، آیه‌ی ۹۰
۱۶. رجوع شود به اصول خان، م اکرم، ص ۸۴
۱۷. رجوع شود به م اکرم خان، ص ۸۴ برخی اموال تحت قانون عرف، متقوم و تحت قانون اسلامی، غیر متقوم هستند. به عنوان مثال خوک، شراب، سگ، ربا و ... در شریعت، متقوم نیستند. رجوع شود به همان منبع، ص ۸۶ همچنین رجوع شود به عربی، اسامه، *بازسازی السنه‌وری قانون اسلامی نواقص قرارداد*، در *مجله‌ی مطالعات اسلامی*، ۶:۲، ص ۷۰-۵۳
۱۸. رجوع شود به قرآن، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۸
۱۹. مواردی چون ربا توسط پیامبر اکرم (ﷺ) حرام شناخته شده‌اند.

عن علی امیر المومنین علیه السلام قال لعن رسول الله (ﷺ): آکل الربا و موكله و كاتبه و شاهده و الحال و محلل و مانع الصوته و المواشمه و المشوشمه (مسند احمد)

از علی (علیه السلام) نقل شده که رسول اکرم (ﷺ) ده نفر را لعنت کرده: رباخوار، ربا دهنده، نگارنده ی آن، شاهد آن و غیره (مسند احمد)

۲۰. رجوع شود به قضاوت رجا خوشبخت، ص ۲۳۹

۲۱. به خاطر این که هرچند کالا یا توافقنامه های استخدام- خرید، مکتوب هستند و تحت مالکیت استخدام کننده قرار ندارند، اما او می تواند در آینده ی نزدیک مالکیت آن را داشته باشد.

۲۲. مثل اموال گمشده، چراکه برخلاف دستور پیامبر اکرم (ﷺ) هستند که هرگونه معامله ی مبهم را مردود اعلام نمود (الواتا شماره ی ۶۳، ص ۵۵۴) همچنین رجوع شود به حمید، م الفاتح، "آزادی تصریح در قراردادهای قانون اسلامی" در مجله ی قانون اسلامی و تطبیقی (۱۹۷۶) جلد ۶، ص ۲۲-۲۹

۲۳. ایوامی، ای آرهاردی، اصول کلی قانون بیمه، چاپ پنجم (لندن: باترورث، ۱۹۹۶)، ص ۱۱

۲۴. ویلیامز، ص ۴

۲۵. (۱۸۸۱) ۱۸ ج د ۱

۲۶. رجوع شود به همان منبع

۲۷. رجوع شود به ایوامی، ای آرهاردی، اصول کلی قانون بیمه، ص ۱۲

۲۸. همان منبع

۲۹. همان منبع

۳۰. همان منبع

۳۱. همان منبع، ص ۱۳

۳۲. (۱۸۷۸) ۴، ۷۰

۳۳. رجوع شود به همان منبع، ص ۷۳

۳۴. رجوع شود به ایوامی ای آرهاردی، اصول کلی قانون بیمه، ص ۱۳

۳۵. م ن صدیقی، بیمه در اقتصاد اسلامی، ص ۱۳

۳۶. چادهری محمد صدیق، "بیمه ی اسلامی (تکافل): تئوری و عمل" در فرهنگ نامه ی اسلامی بانکداری و بیمه، لندن، ص ۱۹۷

۳۷. رجوع شود به عبدالله یوسف علی، معنای قرآن کریم، (آمریکا: شرکت امارا، ۱۹۹۲) شماره‌ی ۵۰۸، ص ۱۸۴
۳۸. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳،
۳۹. پاولامام ملک بن اناس، المواتا (ترجمه‌ی انگلیسی) بولی، عایشه عبدور رحمان، المواتای امام ملک بن اناس (لندن: موسسه‌ی بین‌المللی کگان پاول، ۱۹۸۹) شماره‌ی ۱۱:۲ ص ۸۹
۴۰. صحیح البخاری، کتاب الوحی، جلد ۱، ش ۱، ص ۱
۴۱. رجوع شود به م ن صدیقی، کتاب الوحی، جلد ۱، شماره‌ی ۱، ص ۱
۴۲. المواتا، شماره‌ی ۶۳
۴۳. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۷۸،
۴۴. سوره‌ی لقمان آیه‌ی ۳۴،
۴۵. سوره‌ی المائده آیه‌ی ۹۰،
۴۶. سوره‌ی النساء آیه‌ی ۲۹،
۴۷. رجوع شود به اظهر روسلی، ص ۲۳
۴۸. سوره‌ی المائده آیه‌ی ۹۰،
۴۹. سوره‌ی البقره آیه‌ی ۲۰۵،
۵۰. به جز مواردی که دارایی تحت قرارداد اجاره‌خريد تصاحب شده باشد زیرا این نوع دارایی تملکی محسوب می شود.
۵۱. رجوع شود به م. ه. کمالی، "قانون تجاری اسلامی: تحلیل آینده" در مجله‌ی آمریکایی علوم اجتماعی اسلامی، ۱۳:۲، ۱۹۹۶، ۲۰۵
۵۲. ابن طیمیه، الفتوی الکبری، جلد ۳، ص ۲۷۵
۵۳. رجوع شود به م. م. سانوسی، در مجله‌ی قانون یوم، ۳:۲، ۱۹۹۳، ص ۱۷
۵۴. اما ملک بن اناس، المواتی، دارول افق الجدید، بیروت، ۱۹۸۵، کتاب البیوع، شماره‌ی ۶۳، ص ۵۵۴
۵۵. این سه دسته خطر از عوامل غیرقانونی بری هستند و اهداف اصلی بیمه یعنی همکاری متقابل در درست کرداری و تقوی را برآورده می سازند.
۵۶. به عنوان مثال قمار، شک، غضب، خمر، گوشت خوک و فریب.
۵۷. م ن صدیقی، بیمه در اقتصاد اسلامی (لندن: بنیان اسلامی، ۱۹۸۵) ص ۱۳

فصل ۴. عوامل خارجی تأثیرگذار بر قراردادهای تکافل و بیمه □ ۲۱۳

۵۸. رجوع شود به مارک س، معرفی مدیریت خطر و بیمه، (نیوجرسی: موسسه‌ی پرنیتیس‌هال، ۱۹۹۱)، ص ۸
۵۹. منبع قبل، ص ۲۰
۶۰. مهر، رابرت ای، اصول بیمه، چاپ دوم، (آمریکا، ایروین، ۱۹۸۶) ص ۲۴
۶۱. رجوع شود به درتمن، مارک س، ص ۲۰
۶۲. همان منبع قبل
۶۳. بردز، جان، قانون بیمه‌ی مدرن، چاپ دوم. (لندن: سوئیت و ماکسول، ۱۹۸۸) ص ۱۶۱
۶۴. (۱۸۶۶) ۴ ف و ۹۰۵، ص ۱۶۱
۶۵. (۱۹۸۳) ۵۸۶
۶۶. سیفول اظهار روزلی، "بیمه‌ی اسلامی، تکافل" انتشارات خورشید، ۱۵ مارس ۱۹۹۶، ص ۲۳
۶۷. منبع قبل
۶۸. پرز، هاراندو، ب، قانون بیمه و قانون ورشکستگی با توصیه‌ها و پیشنهادات. (مانیلا: موسسه‌ی تامین کتب دانشگاهی، ۱۹۸۳) ص ۲۰
۶۹. کسی که دارای حق قانونی قرارداد و برآوردن سایر ملزومات از جمله داشتن مجوز ثبت شده، سرمایه، دارایی و غیره باشد. رجوع شود به بخش ۴ (۲) قانون تکافل ۱۹۸۴
۷۰. رجوع شود به قانون تکافل
۷۱. رجوع شود به همان منبع
۷۲. به عنوان مثال نوزاد، مجنون، فرد ورشکسته و غیره دارای حق قرارداد نیستند. رجوع شود به نیازی، لیاقت خان، همچنین رجوع شود به رینر، ص ۱۲۱-۱۳۰
۷۳. صحیح البخاری، کتاب البیو، (ترجمه‌ی انگلیسی)، جلد ۳، شماره ی ۳۵۲، ص ۱۹۹
۷۴. صحیح البخاری، کتاب البیو، (ترجمه‌ی انگلیسی)، جلد ۳، شماره ی ۳۵۲، ص ۱۹۹
۷۵. رجوع شود به قانون تکافل ۱۹۸۴، ۴ (۲)
۷۶. همان منبع
۷۷. سوره‌ی العمران آیه‌ی ۵۸،
۷۸. بخش ۴ (۲) قانون تکافل ۱۹۸۴
۷۹. سوره‌ی المائده آیه‌ی ۲،
۸۰. بخش ۸ (۷) قانون ۱۹۸۴ تکافل
۸۱. همان منبع ۱۳ (۱)

۸۲. سوره‌ی المائده آیه‌ی ۲،
۸۳. مثل نوزاد، مجنون و غیره
۸۴. سوره‌ی المائده آیه‌ی ۲،
۸۵. سوره‌ی النساء آیه‌ی ۶،
۸۶. رجوع شود به راینر نظریه‌ی قرارداد در قانون اسلامی، ص ۱۲۲
۸۷. رجوع شود به هیملتون، (ترجمه)، هدایا، ص ۵۳۰
۸۸. همان منبع
۸۹. همان منبع، همچنین رجوع شود به ابن قدما، المغنی، قاهره، (۱۳۶۷)، جلد ۴، ص ۴۶۰،
همچنین رجوع شود به نوای، منهاج ال طالبین، ص ۱۶۷، همچنین رجوع شود به مجله، مقاله
۹۸۶
۹۰. هدایا، ص ۵۲۹
۹۱. همان منبع، ص ۵۳۰، همچنین رجوع شود به مجله، مقاله ۹۸۲
۹۲. س محمسانی، النظریه اعمه لیل مجبیات والعقود فی الشریعتی الاسلامیه، بیروت، (۱۹۴۸)،
جلد ۲، ص ۱۰۴
۹۳. صالح، نبیل، "تعریف و شکل گیری قرارداد تحت قوانین اسلامی و عربی" در هفته نامه ۵:۲،
ص ۱۰۱-۱۱۱
۹۴. از آنجا که از نظر بسیاری از فقهای اسلامی، سن رشد است.
۹۵. بسته به مفاد مقاله‌ی ۹۸۱ مجله
۹۶. رجوع شود به راینر، نظریه‌ی قرارداد در قانون اسلامی، ص ص ۱۲۵-۱۲۴
۹۷. در هر رویدادی و هر خطری می‌توان این افراد را تحت پوشش بیمه‌ی تامین اجتماعی قرار
داد و سرپرست آنان حق خرید بیمه برای آنان را دارد.
۹۸. صحیح البخاری، کتاب المظالم، شماره‌ی ۳
۹۹. اما اگر دیون وی از ارزش کل دارایی اش تجاوز نکند، ورشکسته نامیده نمی‌شود؛ رجوع
شود به نوای، منهاج الطالبین، ص ۱۶۱
۱۰۰. رجوع شود به سنهاری، عبدالرزاق احمد، مصادیر الحق فی الفقه الاسلام، قاهره، (۱۹۵۴)،
جلد ۵، ص ۱۹۲-۱۸۰
۱۰۱. برای مشاهده‌ی جزئیات، رجوع شود به اصول افراد غیرمجاز در شاشت، ج، مقدمه‌ای بر
قانون اسلامی (آکسفورد: انتشارات کلارندون، ۱۹۸۲) ص ۱۵۹

۱۰۲. سورهی النساء آیهی ۲۹،
۱۰۳. رجوع شود به مادهی ۲ (۹) الف قانون بیمهی ۱۹۸۳ (هند)؛ همچنین رجوع شود به مادهی ۶ قانون بیمه‌گران سال ۱۹۷۸ (فیلیپین)
۱۰۴. رجوع شود به مادهی ۹ (۱) الف قانون بیمهی ۱۹۹۶
۱۰۵. رجوع شود به منبع قبل، مارهی ۸ (۲)
۱۰۶. رجوع شود به مادهی ۹ (۱) الف و مادهی ۱۰ قانون ۱۹۹۶
۱۰۷. همان منبع
۱۰۸. رجوع شود به مادهی ۲۱ قانون بیمهی ۱۹۷۳ (استرالیا)
۱۰۹. رجوع شود به مادهی ۱۵ بیمه‌ی عمر ۱۹۴۵ (استرالیا)
۱۱۰. رجوع شود به رأی دادگاه دادخواست شرکت بیمه‌ی ققنوس یونان و شرکت بیمه‌ی هالوانون (۱۹۸۶) لوید ۵۵۲
۱۱۱. جریمه در انگلستان از ۱۰۰۰ پوند تجاوز نمی‌کند.
۱۱۲. رجوع شود به مادهی ۱۳۲ قانون خدمات مالی ۱۹۸۶ (انگلستان)؛ همچنین رجوع شود به بردز. ج، "باز هم قراردادهای غیرقانونی" در مجله‌ی قانون تجارت. ص ۴۹
۱۱۳. همچنین رجوع شود به "قرارداد بیمه" در ایوامی، هاردی، فرهنگ لغات قانون بیمه، (لندن: باترورث)، ص ۳۳
۱۱۴. رجوع شود به قانون قراردادهای سال ۱۹۵۰
۱۱۵. رجوع شود به قانون سن اکثریت سال ۱۹۷۱
۱۱۶. مادهی ۱۵۳ (۱) و (۲) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶
۱۱۷. رجوع شود به مادهی ۱۱۴ (۱) قانون بیمه‌ی عمر ۱۹۴۵ استرالیا
۱۱۸. همان منبع
۱۱۹. مادهی ۱۵۳ (۱) الف و (ب) قانون بیمه ۱۹۹۶
۱۲۰. رجوع شود به بخش ۱ قانون تغییر قوانین خانواده (۱۹۶۹) انگلستان
۱۲۱. مادهی ۶۰ (۱) و (۲) قانون جوامع سالم ۱۹۷۴ (انگلستان)
۱۲۲. کولینواکس، قانون بیمه، چاپ پنجم (لندن: سوئیت و مکسول، ۱۹۸۴)، ص ۲۹۶، بند ۱۴-۲۰
۱۲۳. (۱۹۳۰) ۳۱
۱۲۴. همان منبع

۱۲۵. کولینواکس، ص ۲۹۶، بند ۱۴-۰۲.

۱۲۶. دو فصل، ۴۵۲ (۱۹۲۳)

۱۲۷. مادهی ۱ قانون نوزادان، ۱۸۷۴ (انگلستان)

128. Nottingham Permanent Benefit Building Society v Thustan (1903) AC6

۱۲۹. مادهی ۱۵۳ (۲) قانون بیمه ۱۹۹۶

۱۳۰. مادهی ۸۵ (۱) قانون بیمه‌ی عمر ۱۹۴۵ (استرالیا)

۱۳۱. مادهی ۶۰ (۱) و (۲) قانون جوامع سالم ۱۹۷۴ (انگلستان)

۱۳۲. همان منبع

۱۳۳. رجوع شود به استینبرگ و اسکالا (سوپرا)

۱۳۴. مادهی ۱۵۳ (الف) و (ب) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶

۱۳۵. مادهی ۸۵ (الف) قانون بیمه‌ی عمر ۱۹۴۵ (استرالیا)

۱۳۶. همان منبع، مادهی ۸۵ (ب)

۱۳۷. رجوع شود به استینبرگ و اسکالا (سوپرا)

۱۳۸. مادهی ۱ قانون نوزادان ۱۸۷۴ (انگلستان)

۱۳۹. چنین دیدگاه‌های متفاوتی له و علیه فعالیت‌های بیمه از تجارب جوامع مختلف و به ویژه جوامع اسلامی حاصل شده است.

۱۴۰. سوره‌ی المزمّل آیه‌ی ۷۳،

۱۴۱. نقل صحیح، از همیلت به نقل از همیلتون، هدایا (لاهور: خانه‌ی کتاب پرمیر، ۱۹۸۲) ص

۳۷۶

۱۴۲. رجوع شود به الهدایا

۱۴۳. برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص اصول کلی وکالت رجوع شود به نواوی، منهاج الطالبین (ترجمه‌ی انگلیسی) برگ، راهنمای قوانین محمد بر اساس مکتب شافعی (لاهور:

انتشارات قانونی، ۱۹۷۷) ص ۱۸۱

۱۴۴. قوانین هالسبری استرالیا، جلد ۱۵ (استرالیا: باترورث) ص ۲۴۰-۲۳۵ همچنین رجوع شود به

مادهی ۲ قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶

۱۴۵. مادهی ۱۳۵ قانون قراردادهای ۱۹۵۰

۱۴۶. همان منبع مادهی ۱۳۷

۱۴۷. همان منبع، مادهی ۱۴۱

۱۴۸. همان منبع، ماده‌ی ۱۷۵
۱۴۹. (۱۹۲۴) ۳۵۵
۱۵۰. ماده‌ی ۱۷۶ قوانین قرارداد ۱۹۵۰
۱۵۱. همان منبع، ماده‌ی ۱۸۱
۱۵۲. همان منبع، ماده‌ی ۱۹۱
۱۵۳. (۱۷۸۵) ۱ TR ۱۲
۱۵۴. ماده‌ی ۱۸۴ (۱) قانون قراردادهای ۱۹۹۶
۱۵۵. همان منبع
۱۵۶. مینیت سو ص ۷۱
۱۵۷. انیل، "کارگزاران بیمه و دستمزد آنها" در مجله‌ی قانون تجارت (۱۹۷۸) ص ۳۳۹
۱۵۸. لیم هو "کارگزاران بیمه و صنعت بیمه" در بیمه‌ی آسیا (۱۹۷۵) ژانویه-فوریه، ص ۳۳
۱۵۹. همان منبع
۱۶۰. نیک راماله محمود، قانون بیمه در مالزی (مالزی: باترورث، ۱۹۹۲)، ص ۱۲۰
۱۶۱. مینت سو، ص ۷۶
۱۶۲. ایوامی، فرهنگ لغات قوانین بیمه، ص ۷۶
۱۶۳. کوهلی، مقدمه‌ای بر فعالیت بیمه و اصول آن در سنگاپور و مالزی (سنگاپور: مرکز آموزش بیمه‌ی سنگاپور، ۱۹۸۲) ص ۱۶
۱۶۴. تاجران انگلیسی آفریقایی و بیلی، (۱۹۷۰*) ص ۳۲۲
۱۶۵. رجوع به کوهلی، ص ۱۶
۱۶۶. همان منبع، ص ۱۷
۱۶۷. همان منبع
۱۶۸. رجوع به مجله‌ی قانون تجارت (انگلیسی) (۱۹۷۹) در ستون ویراست، ص ۶
۱۶۹. (۱۹۷۸) لیوید، ۴۳۰
۱۷۰. رجوع به مجله‌ی قانون تجارت (انگلیسی) (۱۹۷۹) در ستون ویراست، ص ۶
۱۷۱. رجوع به ماده‌ی ۱۸۴ (۲) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶
۱۷۲. رجوع به مجله‌ی قانون تجارت (انگلیسی) (۱۹۷۷) ص ۳۵۶
۱۷۳. همان منبع، ص ۳۵۳
۱۷۴. ماده‌ی ۱۸۴ (۱) قانون تجارت ۱۹۹۶

۱۷۵. رجوع به نیک راماله محمود ص ۱۲۰
۱۷۶. همان منبع
۱۷۷. (۱۹۷۲) ۹۰
۱۷۸. نیک راماله محمود، ص ۱۲۰
۱۷۹. (۱۹۲۸) ۹۸
۱۸۰. رجوع به پوه چو چای، "عامل بیمه و بیمه شده" (۱۹۸۶) ۱۱
۱۸۱. رجوع به نیک راماله محمود ص ۱۲۰
۱۸۲. رجوع به لیم هو این، و دایسون آنتونی، روندهای جاری و آینده‌ی واسطه‌های بیمه، مقاله‌ی ارائه شده در کنفرانس سالانه‌ی نوسان تغییر در ۱۳ اوت ۱۹۸۷ در شانگ‌های هتل کوآلامپور: همچنین رجوع به مک‌لین، جان، "ضررهای قابل پیشگیری بار-نقش بیمه" در بیمه‌ی آسیا (۱۹۷۴) می-ژوئن، ص ۱۷ و ۲۰
۱۸۳. (۱۹۷۸) ۲ لیوید، ۴۳۰ ص ۱۲۱
۱۸۴. رجوع به نیک راماله محمود ص ۱۲۱
۱۸۵. ماده‌ی ۱۶۰(۱) و (۲) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶
۱۸۶. (۱۹۷۶) ۱۲۸
۱۸۷. ژرمی، ژوآنا رازامالار و سایرین، "واسطه‌ی بیمه: نوعی وکیل ویژه" (۱۹۹۵): همچنین رجوع شود به "مسئله‌ی دشوار بیمه" در مجله‌ی خورشید، ۳۱ اوت ۱۹۹۶، ص ۱۸
۱۸۸. (۱۹۷۸) لیوید ۱۸
۱۸۹. (۱۹۹۴) همه‌ی ای آر، ۵۸۱
۱۹۰. برای قانون عرف، ماده‌ی ۲۳ قانون کشور ۱۹۵۶؛ ماده‌ی ۳۹(۱) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ (هند) و ماده‌ی ۱۱ قانون اموال زنان متاهل ۱۸۸۲ (انگلستان). و برای قانون اسلامی، موارد موردنیاز در فرم وصی تهیه شده توسط شرکت بیمه‌ی بی ایچ دی مالزی موجود است.
۱۹۱. بندهای قانون عرف مربوط به مسئله در این فصل مورد تاکید قرار گرفته است.
۱۹۲. کوون، جی میلتن، فرهنگ واژگان مدرن عربی مکتوب، هانوسویتز، ویسبادن، (۱۹۶۱)، ص ۲۷۸
۱۹۳. رجوع شود به هامیلتون سی، هدایا، ص ۴۷
۱۹۴. سوره‌ی المومنون آیه‌ی ۸
۱۹۵. سوره‌ی النساء آیه‌ی ۶

۱۹۶. سوره‌ی الانفال آیه‌ی ۲۷،
۱۹۷. سوره‌ی النساء آیه‌ی ۵۸،
۱۹۸. سوره‌ی النساء آیه‌ی ۱۰۷،
۱۹۹. سوره‌ی الحج آیه‌ی ۳۸،
۲۰۰. سوره‌ی الانفال آیه‌ی ۵۸،
۲۰۱. این دیدگاه توسط یکی از مدیر عاملان یک شرکت بیمه‌ی عمر مطرح شده است. رجوع شود به افق جدید، بانکداری و بیمه‌ی اسلامی، شماره‌ی ۵۹، ژانویه ۱۹۹۷، لندن، ص ۸
۲۰۲. رجوع شود به افق جدید
۲۰۳. این امر مغایر با اصول هبه است زیرا اصول کلی هبه، دائمی است و نه شرطی.
۲۰۴. تحت قوانین اسلامی وصیت، فرد می تواند یک سوم اموال خود را وصیت نماید.
۲۰۵. رجوع شود به ماده‌ی ۱۶۷ (۱) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶
۲۰۶. ایر، ۱۹۳۵ سند ۷۳
۲۰۷. (۱۹۴۰)، ۹۸
۲۰۸. ایر، ۱۹۴۹ سند ۳۸
۲۰۹. رجوع شود به تنزیل الرحمان، قانون شخصی مسلمانان، (کراچی: ناشران اسلامی، ۱۹۸۰)، جلد ۲، ص ۲۷۱
۲۱۰. (۱۹۶۸) (کراچی) ۵۲۳
۲۱۱. (۱۹۷۰) کراچی، ۶۱۳
۲۱۲. ۹۷۳، جلد ۴، ص ۱۳۴۹
۲۱۳. تنزیل الرحمان، ص ۲۷۲
۲۱۴. (۱۹۷۴) ۱۸۵
۲۱۵. محمد نور (۱۹۲۸) دادگاه در این خصوص حکم داد که اگر کسی وصیتی به سود یکی از وراث تنظیم نماید و سایرین را از ارث محروم نماید، این کار صحیح نمی باشد
۲۱۶. رجوع شود به (۱۹۷۴) ۱ م ل
۲۱۷. رجوع شود به اسماعیل رنتا، متوفی، (۱۹۴۰) ۹۸
۲۱۸. مینت سو، ص ۹۵
۲۱۹. بنرجی، قانون بیمه، چاپ سوم، جلد ۱، (الله آباد، کتاب قوانین ۱۹۸۰) ص ۳۹۳
۲۲۰. (۱۹۲۴) فصل ۳۴۸

۲۲۰ □ تکافل کاربردی و بیمه مدرن

۲۲۱. (۱۹۴۴) فصل ۸۳

۲۲۲. ۱۹۵۹۹. ۲۹ ص ۲۷۱

۲۲۳. مادهی ۳۹ (۱) قانون بیمه‌ی ۱۹۳۸ (هندوستان)

۲۲۴. این بند نیز مشابه مادهی ۷۳ قانون انتقال به غیر و قانون اموال ۱۹۰۹ (سنگاپور) است.

۲۲۵. مادهی ۲۳ (۱) قانون مدنی ۱۹۵۶

۲۲۶. (۱۹۶۵) ۲

۲۲۷. (۱۹۷۴) ۱۴

۲۲۸. (۱۹۲۵) فصل ۴۰۳

۲۲۹. (۱۹۶۵) ۲-۳

۲۳۰. مفاد ۱۶۶ (۱) و (۲) و ۱۶۶ (۱)، (۲) و (۳) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶

۲۳۱. همان منبع، مادهی ۱۶۶ (الف)

۲۳۲. همان منبع، مادهی ۱۶۶ (ب)

۲۳۳. رجوع شود به مادهی ۲۳ (۱) قانون مدنی ۱۹۵۶ و همچنین قانون بیمه‌ی ۱۹۶۳ (مالزی)

۲۳۴. مادهی ۱۶۶ (الف) و (ب) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶

۲۳۵. همان منبع، مادهی ۱۶۶ (۱)

۲۳۶. همان منبع، مادهی ۱۶۷ (۲)

۲۳۷. همان منبع، مادهی ۱۶۷ (۱)

۲۳۸. رجوع شود به مادهی ۲۵ قانون مدنی ۱۹۵۶

۲۳۹. رجوع شود به مادهی ۱۶۷ (۱) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶؛ همچنین رجوع به فتوای کمیته‌ی ملی

امور مسلمانان (مالزی) ۱۹۷۳ (۱۹۷۴)

۲۴۰. (۱۹۶۵) ۱

۲۴۱. (۱۹۷۴) ۱۴

۲۴۲. پروفیسور احمد ابراهیم در سال ۱۹۷۶، در همین خصوص تردیدهایی را مطرح کرد. رجوع

به احمد ابراهیم، توزیع داریی بر اساس قانون شافی، (سنگاپور: قانون مالزی، ۱۹۷۶) ص ۱۹

۲۴۳. رجوع به مفاد ۱۶۶ (۱) و (۲) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶

۲۴۴. رجوع به چادهری، واژگان لاتین قانون، (لاهور، انتشارات قانونی خیبر، ۱۹۷۹)، ص ۵۶-

۲۴۵. که در آن، مالک حق تام دارد که از مزایای بیمه بهره ببرد. (رجوع شود به اصول کلی مالکیت، مقاله‌ی ۱۲۵ مجله)
۲۴۶. مالکیت واقف، پس از وقف به خداوند واگذار می شود. رجوع به سلبی دکتر محمود مصطفی.
۲۴۷. تکیه بر اصول مالکیت
۲۴۸. رجوع به تنزیل الرحمان در ص ۱۰۴ و ۱۰۸. همچنین رجوع به دکتر محمد مصطفی اسلامی. مهادارات فی الواقف و الوصیت. قاهره، ۱۹۵۶ ص ۹
۲۴۹. با تکیه بر اصول کلی مالکیت. رجوع به اصول کلی مالکیت. مقاله‌ی ۱۲۵ مجله
۲۵۰. دیدگاه اما ابوحنیفه و مالک. رجوع به رحمان شریعت: قانون اسلامی (کوآلامپور. نورالدین، ۱۹۹۰) ص ۲۹
۲۵۱. سوره‌ی النساء آیه‌ی ۱۲،
۲۵۲. همان منبع
۲۵۳. سوره‌ی النساء آیه‌ی ۱۱،
۲۵۴. نقل از تنزیل الرحمان، جلد ۲، ص ۴۲۵
۲۵۵. رجوع به علی یوسع. معنای قرآن کریم. ص ۱۸۶ و ۵۱۶
۲۵۶. رجوع به الفتوی الاسلامیه، دارالافتی المسیریة، قاهره، ۱۹۸۱، جلد ۳. ص ۹۸۴
۲۵۷. همان
۲۵۸. رجوع به علی یوسف ص ۱۸۶ و ۲۱۵
۲۵۹. صحیح البخاری، کتاب الفراید. جلد ۸ شماره‌ی ۷۲۵. ص ۴۷۷
۲۶۰. رجوع به تنزیل الرحمان، قانون شخصی مسلمانان ماده‌ی (۱)۲۴۱
۲۶۱. البیهقی احمد ابن حسین، السنن السنایی، قاهره ۱۳۲۷، جلد ۷، ص ۳۳۷؛ همچنین رجوع به مشکات المصابیح، ۲:۳۴، ص ۳۲۴
۲۶۲. دارالقطنی. علی بن عمر، سنن. مطبل الانصاری دهلی. ۱۳۱۰ ص ص ۸۹-۸۸، همچنین رجوع به مشکات.
۲۶۳. دارالقطنی، همچنین رجوع شود به الفتوی الاسلامیه، دارالافتی المصریه، قاهره، ۱۹۸۱، جلد ۳، ص ۹۸۴؛ همچنین رجوع شود به مشکات
۲۶۴. دارالقطنی، ص ص ۸۹-۸۸، همچنین رجوع شود به الفتوی الاسلامیه، همچنین به مشکات
۲۶۵. ابن رشد، بدایت المجتهد، کتاب الوصایا، قاهره، جلد ۲، ص ۳۳۶

۲۶۶. الدین، شیخ نیجام، رجوع شود به فتوی علمگیری، دوباند هند، جلد ۴، ص ۲۲۳، همچنین رجوع شود به الحسکافی، الدرالمختار، قاهره، ۱۳۲۴، جلد ۵، ص ۵۹۳، همچنین رجوع شود بهالسرخشی، المبسوط، قاهره، ۱۳۲۴، ص ۱۷۵-۷۶
۲۶۷. نجیم، ابن بحر الرقاق، قاهره جلد ۸، ص ۴۰۳، همچنین رجوع شود به افندی، دامن، مجمع الانحر، قاهره، جلد ۲، ص ۶۹۱
۲۶۸. الحسکافی، الدرالمختار، جلد ۱، ص ۴۵۸
۲۶۹. المقدسی، الاقرا، قاهره، جلد ۳، ص ۴۷
۲۷۰. الحلّی، شریعه الاسلامیه، بیروت، ص ۲۵۸
۲۷۱. رجوع شود به هدایت الله و رحیمان (۱۹۳۵)
۲۷۲. سورهی النساء آیهی ۷، برای توزیع دقیق ثروت رجوع شود به قرآن، همان سوره، آیات ۱۱ و ۱۲
۲۷۳. ابن عابدین ۲، قره العین اخیار، قاهره، ۱۲۹۹، جلد ۲، ص ۴۳۶، همچنین رجوع شود به البیرتی اکمل الدین، العنایه، کلکته، ۱۸۳۰، ص ۱۳۷
۲۷۴. مادهی ۱۸ قانون بازی ۱۸۴۵ (انگلستان)
۲۷۵. مادهی ۱ قانون بیمه ی عمر ۱۷۷۴ (انگلستان)
۲۷۶. همان منبع، مادهی ۲
۲۷۷. همان منبع مادهی ۳، همچنین رجوع شود به لئونگ کوم وای و بیمه ی کیو بی ای، ۶۶۸
۲۷۸. رجوع شود به مادهی ۵ قانون مدنی ۱۹۵۶
۲۷۹. مادهی ۴۰ (۲) قانون بیمه ی ۱۹۶۳
۲۸۰. رجوع شود به لی کام خوان، ص ۶۹، همچنین رجوع شود به مادهی ۱۵۲ (۲) قانون بیمه ی ۱۹۹۶
۲۸۱. همان منبع، مادهی (۱)۲۳
۲۸۲. رجوع به مادهی (۱)۲۳ قانون مدنی ۱۹۵۶؛ همچنین رجوع شود به مادهی (۱)۱۶۶ (۱) قانون بیمه ی ۱۹۹۶
۲۸۳. (۱۹۶۵). ۲۸۳
۲۸۴. (۱۹۶۵) ۲
۲۸۵. مادهی ۱۱ قانون امور زنان متأهل ۱۸۸۲ که به دنبال مادهی ۳۹ قانون بیمه ی ۱۹۳۸ (هند) مطرح می شود

۲۸۶. (۱۹۷۴) ۱-۱۴

۲۸۷. رجوع شود به یوسف علی، معنای قرآن کریم، ۵۴۱، ص ۱۹۳

۲۸۸. رجوع شود به محمد عبدالله، "قوانین سود شخص ثالث در قانون اسلامی قرارداد"، در

مجله ی قوانین اسلامی و مقایسه‌ای، (۱۹۸۰) جلد ۹، ص ۷

۲۸۹. سوره‌ی النحل آیه‌ی ۱۰۶،

۲۹۰. سوره‌ی المائده آیه‌ی ۲،

۲۹۱. سویوتی جلال الدین، الاشبه والنظیر، میسیر، ۱۹۳۸، ص ۲۳۰

۲۹۲. مجله، مقاله‌ی ۹۴۸

۲۹۳. التقلانی، ابن‌هاجر، بلوغ المرام به نقل از میر ولی الله، فقه اسلامی و قانون جرائم قرآنی

(لاهور، خدمات کتاب اسلامی، ۱۹۸۲) ص ۹۳

۲۹۴. سوره‌ی النساء آیه‌ی ۲۹،

۲۹۵. رجوع شود به علی ص امیر، فقه محمدی (لاهور: شرکت انتشارات قانونی، ۱۹۶۵)، ص

۴۹

۲۹۶. سرخشی، کتاب المبسوط، جلد ۲۴، ص ۳۸، سنه‌وری، هـ رزاق، مصادیرالحق، جلد ۲، ص

۲۰۰، جلد ۴ ص ۱۳۹، همچنین رجوع شود به ابن عابدین، ردالمهر علی الدر مختار، جلد ۴،

قاهره، ۱۹۶۶ تا ۶۹، ص ۱۰۴

۲۹۷. زیلایی، تبیین الحقایق، ص ۱۸۱؛ همچنین رجوع شود به رابنر، نظریه‌ی قرارداد در قانون

اسلام (لندن، گراهام و تراومن، ۱۹۹۱) ص ۲۴۵

۲۹۸. التقلانی، ابن‌هاجر، بلوغ المرام به نقل از میر ولی الله، فقه اسلامی و قانون جرائم قرآنی

(لاهور، خدمات کتاب اسلامی، ۱۹۸۲) ص ۹۳

۲۹۹. رجوع شود به قدما، ابن‌المقنی، جلد ۴ ص ۴۵۶

۳۰۰. رجوع شود به رلوم الحضور بخش، (۱۹۴۷)، ص ۵ و ۶، همچنین رجوع شود به مجله،

مقاله‌ی ۹۴۳

۳۰۱. رجوع شود به نورالمحمد خان (۱۹۸۵) ۱۶۹

۳۰۲. رجوع شود به مجله، مقاله ۹۴۶

۳۰۳. همان منبع، مقاله‌ی ۹۴۶

۳۰۴. رجوع شود به سوره‌ی النساء آیه‌ی ۴۳

۳۰۵. سوره‌ی النحل آیه‌ی ۲۹،

۳۰۶. رجوع شود به ماده‌ی ۲۸ قانون تکافل ۱۹۸۴
۳۰۷. سوره‌ی الصنف آیة‌ی ۲ و ۳،
۳۰۸. ماده‌ی ۲۸ قانون تکافل ۱۹۸۴ برای افرادی که با استفاده از فریب افراد را وادار به عقد قرارداد بیمه می‌کنند مجازاتی در نظر گرفته است. یعنی مسائل بیمه باید با حسن نیت بر افراد و طرفین قرارداد فاش شود. اما مسائل غیرضروری در حیطه‌ی این حکم قرار ندارند.
۳۰۹. ماده‌ی ۱۳ قانون قراردادها ۱۹۵۰
۳۱۰. همان منبع، ماده‌ی ۱۱۰(۱)
۳۱۱. همان منبع، ماده‌ی ۱۴ (الف) و ۱۵
۳۱۲. همان منبع، ماده‌ی ۱۴ (ب) و ۱۶
۳۱۳. همان منبع، ماده‌ی ۱۴ (ج) و ۱۷
۳۱۴. همان منبع، ماده‌ی ۱۴ (د) و ۱۸
۳۱۵. همان منبع، ماده‌ی ۱۴ (ه)
۳۱۶. ۸۷ (۱۹۵۳)
۳۱۷. همان منبع، ص ۸۸
۳۱۸. ۳۸ (۱۹۵۳)
۳۱۹. همان منبع، ص ۴۱
۳۲۰. نیک راماله محمود، قانون بیمه در مالزی، ص ۱۵
۳۲۱. توافق متقابل آزاد در بیمه‌ی سفرهای دریایی به استناد ماده‌ی ۲۲ قانون بیمه‌ی دریایی ۱۹۰۶ (انگلستان) اجرا می‌شود که به استناد ماده‌ی ۵ قانون مدنی ۱۹۵۶ در مالزی نیز قابل اجراست.
۳۲۲. چشایر، قانون قرارداد فیفوت و فورمستون (سناپور و مالزی) (باترورث آسیا، سنگاپور، ۱۹۹۴) ص ۲۱۳
۳۲۳. رجوع شود به ماده‌ی ۹ قانون قراردادها ۱۹۵۰
۳۲۴. ۳۳۴-۳۸ (۱۹۲۲)
۳۲۵. نیک راماله محمود، قانون بیمه در مالزی ص ۱۵
۳۲۶. رجوع شود به عنوان "بیمه شده" در این فصل

عوامل ضروری مؤثر بر قراردادهای بیمه و تکافل

مقدمه

بیمه نامه از درجه‌ی اعتبار ساقط خواهد بود مگر آن‌که پیوندی بین ذی‌نفع و موضوع قرارداد موجود باشد. این پیوند که سود بیمه نامیده می‌شود، لازمه‌ی بیمه نامه است.^۱ علت این امر نیز آن است که عدم وجود سود بیمه، بیمه نامه را مانند بیمه‌ی قمار یا شرط‌بندی می‌کند.^۲ در عرف، افرادی که در بیمه نامه، سود بیمه دارند عبارتند از خود بیمه شده، همسر، افراد خردسال تحت قیمومیت، فرزندان و متعلقان وی.^۳

در قوانین اسلامی، صاحب بیمه نامه‌ی معتبر باید در موضوع آن، سود بیمه داشته باشد. دارا بودن یا نبودن این سود نیز تنها از طریق اصول میراث و وصیت تعیین می‌شود. اعتبار بیمه نامه نیازمند آن است که طرفین قرارداد، حسن نیت خود که از شرایط مهم قرارداد است را به کار گیرند.^۴ قراردادهای بیمه و تکافل در خصوص لازمه‌ی حسن نیت در قرارداد، دیدگاه‌های یکسانی دارند اما تفاوت‌های بین این دو سیستم قانونی، منابع حاکم بر اصول حسن نیت و روش به کار گیری آنهاست.

در این فصل بر دو مسئله‌ی فوق (سود بیمه و حسن نیت) در قانون عرف و قانون شرع تاکید شده و این کار با مقایسه‌ی این دو صورت گرفته است.

۱-۵. سود بیمه

۱-۱-۵. تحت تکافل

شرکت‌های بیمه‌ی اسلامی، راهبردهای خاصی برای تعیین سود بیمه دارند.^۵

قرارداد بیمه نه به افراد، فرصت سودجویی را می‌دهد و نه موقعیتی برای ثروتمند شدن از راه فریب در اختیارشان قرار می‌دهد بلکه قراردادی است با هدف متعالی ایجاد امنیت مادی در برابر خطرات غیر منتظره. برای نیل به این هدف باید سود بیمه را در موضوع هر قرارداد تعیین نمود. قرارداد بیمه بدون سود بیمه مانند قرارداد قمار یا شرط‌بندی است که در آن، دارنده‌ی قرارداد منتظر فرصتی برای برنده شدن است و نه همکاری متقابل در ایجاد امنیت. علت این امر آن است که در قرارداد بدون سود بیمه، دارنده‌ی قرارداد از موضوع قرارداد، مثلاً جان خود در بیمه‌ی عمر، به عنوان روشی برای سودجویی استفاده می‌کند و به محض ایجاد خطر برای جان خود، طلب سود می‌نماید. هر نوع معامله‌ای که در آن اثری از قمار یا شرط‌بندی باشد توسط قوانین اسلام، ممنوع اعلام شده است. خداوند به تکرار در قرآن فرموده:

«يسالونك على الخمر والميسر قل فيهما اثم كبير و منافع

للناس و اثمهما اكبر من نفعهما»

«درباره‌ی شراب و قمار از تو می‌پرسند، پس به آنها بگو اینها بزرگترین گناه‌ها هستند و سود هم دارند اما گناهش از سودش بیشتر است...»^۶

«يا ايها الذين آمنوا انما الخمر والميسر والانصاب والازلام

رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلكم تفلحون»

«ای کسانی که ایمان آورده اید! همانا شراب و قمار، سنگ و کمان اعمالی پلیدند، پس از آنها اجتناب کنید تا رستگار شوید.»^۷

«انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم العداوه والبغضاء في الخمر

والميسر و يصدكم عن ذكر الله و عن الصلاه فهل انتم منتهون»

«همانا شیطان می‌خواهد از طریق شراب و قمار بین شما دشمنی و نفرت ایجاد کند و شما را از یاد خدا بازدارد. پس از آنها دوری کنید.»^۸

در پرتوی این تعالیم الهی می‌توان گفت که هر مبادله‌ای که در آن رد پایی از قمار و شرط‌بندی باشد جایی در تعالیم اسلامی ندارد. از این رو قرارداد بیمه بدون سود بیمه مانند مبادله‌ی قمارآمیز است و جایی در قانون اسلام ندارد و قراردادهایی از این دست باطل شمرده می‌شوند.

در این بخش تلاش بر این بوده که نمونه‌ای برای اصول حاکم بر سود بیمه توصیه گردد که همان تکیه بر اصول کلی مالکیت، حقوق و التزامات^۹ (ناشی از بدهی)، وقف، الزامات روحانی (مثل هزینه‌های تدفین)، وصیت، و میراث است.

آزمون‌های خاص مورد استفاده برای تعیین سود بیمه‌ی دارنده‌ی بیمه نامه در موضوع قرارداد چیست و چه کسی می‌تواند چنین سودی در بیمه نامه ببرد؟

قرارداد بیمه (از طریق پرداخت حق بیمه) توسط خریدار از راه ثروت شرعی او منعقد می‌گردد. از این رو بیمه نامه و سود حاصل از آن باید از نظر قانونی به وی تعلق داشته باشد. تست تعیین سود بیمه‌ی فرد بر اساس اصول کلی توزیع دارایی انجام می‌شود که در آن، کسی دارای این نوع سود است که به موضوع قرارداد بیمه مربوط باشد یا از بروز ضرر ناگهانی به آن، تاثیر بگیرد.

ویژگی فردی که دارای ظرفیت لازم برای سود بیمه در قراردادهای بیمه‌ی اسلامی، با تکیه بر آزمون فوق‌الذکر به صورت زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۲-۱-۵. توجیه قراردادهای بیمه در تعالیم تکافل

یک. مال/جان بیمه شده

بیمه شده کسی است که بیمه را به نام خود خریداری می‌کند و از دارایی‌های خودش، حق بیمه را پرداخت می‌نماید. از آنجایی که بیمه شده، قرارداد بیمه را به نام خود دارد و آن را پرداخت می‌کند، تحت اصل کلی مالکیت، مالک بیمه تلقی می‌گردد.^{۱۰} طبق نظر

فقه‌های اسلامی، مالکیت، ارتباطی است بین انسان و شیء که تحت نظارت کامل اوست.^{۱۱} سه نوع حق وجود دارد که در مالکیت می‌گنجد: حق رغبه (مالکیت)، ملک الیاد و ملک التصرف.^{۱۲}

در قرارداد بیمه، طرف قرارداد مالکیت بیمه نامه را به عهده دارد چراکه بیمه به نام اوست و حق بیمه را او می‌پردازد. به علاوه سه حق فوق را دربارهی بیمه نامه دارد. زیرا از آنجا که مالک آن است، حق رغبه در اختیار اوست، پیش از بلوغ، عنوان مالک بیمه نامه و پس از آن، حق استفاده از آن را به عهده دارد که ملک الیاد است و حق تصرف در آن را دارد (پیش از بلوغ و استفاده از مزایای بیمه) چرا که مالک آن است. بر اساس این مطالب، گفته می‌شود که طرف قرارداد در زمان حیات (حتی پس از سررسید قرارداد) مالکیت آن را بر عهده دارد و دارای سود بیمه است.

دو. موقوف علیه (متولی خیریه)

از آنجا که بیمه شده، مالکیت قرارداد را به عهده دارد، حق دارد هر کاری در آن انجام دهد حتی مزایای معنوی آن را هر طور که می‌خواهد واگذار نماید. اگر مالک قرارداد بخواهد بیمه نامه‌اش را وقف کند باید حق آن را داشته باشد چرا که مالکیت آن را به عهده دارد.

وقف به عمل انتقال اموال ارزشمند به مالکیت خداوند اطلاق می‌شود طوری که هدف از آن فعالیت‌های مذهبی، رستگاران و خیریه دینی باشد.^{۱۳} امام شفیعی و صحابه‌ی وی (امام ابویوسف و امام محمد) همین دیدگاه را دارند که واقف باید هیچ حقی بر وقف نداشته باشد و مالکیت آن را به خداوند واگذار کند.^{۱۴} الحلی اینطور می‌نویسد:

«الوقف عقد ثمرته تحبس الاصول و تطلق المنفعه»

«وقف قراردادی است که نگهداری از اموال را حفظ می‌کند و

سود آن را واگذار می‌نماید.»^{۱۵}

«واقف در زمان وقف می‌تواند قید کند که عمل وقف پس از مرگش نافذ باشد که در این صورت، وقف الوصیت نامیده می‌شود.»^{۱۶}

بر اساس این مجادلات می‌توان گفت که طرف تکافل حق دارد بیمه نامه و مزایای آن را وقف نماید. زمانی که مالک بیمه، آن را وقف شده اعلام کند، مالکیت آن به افراد متولی^{۱۷} واگذار می‌شود که وقف به نام اوست. در چنین قراردادی، فرد پس از وقف، نسبت به بیمه نامه سود بیمه دارد. اما صاحب بیمه نامه می‌تواند زمان تنفیذ وقف و مزایای آن را پس از مرگ خود اعلام کند و در چنین صورتی، متولی تنها پس از مرگ مالک بیمه نامه، حق تصرف در آن را دارد.

سه. مدیون اصلی

اصولاً سه نوع بدهی تجاری وجود دارد: بدهی شخصی، بدهی عمومی و بدهی معنوی. بدهی شخصی حاصل از هرگونه وام یا عدم پرداخت دیون شخصی یا حق شخصی مالی است. بدهی عمومی عبارت است از عدم پرداخت مالیات، زکات یا هرگونه بدهی است که نفع آن عام می‌باشد. بدهی معنوی نیز شامل صدقه یا كفاره ایست که به گردن شماست اما آن را پرداخت نکرده اید. کسی که این بدهی‌ها را به گردن دارد، بدهکار و کسی که باید بدهی به وی پرداخت شود، طلبکار نامیده می‌شود.

قانون اسلام به طلبکار حق بیشتری می‌دهد تا طلب خود را از بدهکار دریافت نماید و در عین حال، بدهکار ملزم به تصفیه بدهی خود در اسرع وقت می‌باشد. پیامبر اکرم (ﷺ) فرمودند:

«عن ابی هریره ان رسول الله (ﷺ) قال: ایما رجل افلس

فادرك الرجل ماله بعینه فهو احق به من غیره»

«از ابوهریره نقل است که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمودند: اگر

کسی ورشکسته شود و مال او دست کسی باشد، او نسبت به

آن از هر کس دیگری شایسته تر است.»^{۱۸}

هر مؤمنی وظیفه دارد در زمان حیاتش، بدهی‌های خود را تصفیه نماید و کسی که بدهی معوقه داشته باشد، نزد خداوند گناه بزرگی مرتکب شده است. پیامبر اکرم (ﷺ) می‌فرماید:

«عن ابی موسی عن النبی (ﷺ) قال: ان اعظم الذنوب عندالله ان یلقه بها عبد بعد الكبائر التي نهی الله عنها ان یموت رجل و علیه دین لا یدع له قضاء»

«نقل است از ابی موسی که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: همانا بزرگترین گناه در محضر پروردگار این است که فردی پس از مرگش بدهی پرداخت نشده داشته باشد و چیزی برای تصفیه‌ی آن از خود باقی نگذاشته باشد.»^{۱۹}

پیامبر اکرم (ﷺ) یک بار دیگر به مؤمنان یادآوری می‌کند که نباید دنیا را با بدهی‌های پرداخت نشده ترک کنند.

«عن ابی هریره قال: قال رسول الله (ﷺ) نفس المومن معلقه بدینه حتی یقضی عنه»

«نقل است از ابی موسی که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: روح مومن با بدهی‌هایش معلق می‌ماند تا زمانی که بدهی‌ها پرداخت شود.»^{۲۰}

حتی شهید هم اگر با دین به شهادت برسد، باز هم گنااهش بخشیده نخواهد شد. پیامبر اکرم (ﷺ) در تایید همین نکته فرموده:

«عن عبدالله بن عمرو ان رسول الله (ﷺ) قال: یغفر للشهید کل ذنب الا الدین»

«نقل است از عبدالله بن عمرو که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: همه‌ی گناهان شهید بخشوده می‌شود مگر دین او.»^{۲۱}

به بدهکارانی که بدهی شان حتی پس از مرگ پرداخت نشده هشدار داده شده که تا وقتی بدهی شان تصفیه نشود، وارد بهشت نخواهند شد. پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود:

«عن محمد ابن عبدالله قال: كنا جلوسا بفناء المسجد... قال محمد فسالت رسول الله (ﷺ) ما التشديد الذي نزل قال في الدين و الذي نفس محمد بيده لو ان رجلاً قتل في سبيل الله ثم عاش ثم قتل في سبيل الله ثم عاش ثم قتل في سبيل الله ثم عاش و عليه دين ما دخل الجنة حتى يقضى دينه»

«از محمد ابن عبدالله نقل است که فرمود: نزد محمد (ﷺ) در مسجد نشستیم. از پیامبر اکرم (ﷺ) پرسیدیم: بزرگترین توصیه ای که خداوند نازل کرده چیست؟ وی فرمود: دین، کسی که حیات محمد در دستان اوست فرموده اگر کسی بارها و بارها شهید شود و باز به زندگی بازگردد، تا زمانی که بدهی اش تصفیه نشده باشد وارد بهشت نخواهد شد.»^{۲۲}

پیامبر اکرم (ﷺ) برای کسی که بدهی اش را پرداخت نکرده بود تا زمان تصفیه‌ی آن، نماز میت نمی‌خواند.

«عن ابی هريره قال: كان رسول الله (ﷺ) يوتي بالرجل المتوفى عليه الدين فيسال هل ترك لدينه قضاء فان حدث انه ترك وفاء صلي و الا قال للمسلمين صلوا على صاحبكم»

«نقل است از ابی موسی که هروقت مرده ای را نزد پیامبر اکرم (ﷺ) می‌آوردند از اطرافیان وی سوال می‌کرد که آیا مالی برای پرداخت دیونش به جا گذاشته؟ اگر پاسخ مثبت بود، نماز میت را به جا می‌آورد اما اگر پاسخ منفی بود

مسلمانان را خطاب قرار می‌داد و می‌فرمود: بر او نماز به جای آورید.^{۲۳}

همچنین به دلیل عقوبت عظیمی که در انتظار افراد مقروض است، پیامبر اکرم (ﷺ) بارها از خداوند درخواست می‌کرد که وی را از دین و گناه محفوظ دارد.

«عن عائشه اخبرت ان رسول الله (ﷺ) كان يدعوا في الصلوه قائلاً: اللهم اعوذ بك من كل ذنب و من المغمرم فساله رجل: "ما اكثر ما تعيذ يا رسول الله من المغمرم". قال: "ان الرجل اذا اغرم حدث فكذب و وعد الاخلف"»

«نقل است از عائشه که پیامبر اکرم (ﷺ) در نماز خود این‌گونه خدا را خطاب قرار می‌داد و می‌گفت: خدایا از هر گناه و دینی به تو پناه می‌برم. مردی از او پرسید "یا رسول الله! از چه چیز بیش از همه‌ی گناه‌ها باید ترسید؟ فرمود: این‌که فردی بده‌کار باشد، در عین حال دروغ بگوید و خلف وعده کند."^{۲۴}

خداوند دستور داده که طلبکار، حق بزرگی به گردن بده‌کار دارد و از این رو، تصفیه‌ی بدهی باید پیش از تقسیم ثروت متوفی صورت گیرد. خداوند می‌فرماید:

«من بعد وصیه یوصی بها او دین»

«تقسیم ثروت باید پس از پرداخت دین صورت گیرد.»^{۲۵}

در سایه‌ی تعالیم قرآنی فوق و فرموده‌های پیامبر اکرم (ﷺ)، می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که مؤمنان به تصفیه‌ی دیون خود در زمان حیات توصیه شده‌اند. اما اگر کسی با بدهی تصفیه نشده از دنیا برود، اقوام و نمایندگان وی باید پیش از به جا آوردن نماز میت از مالی که باقی گذاشته، دیونش را تصفیه نمایند. به عبارت دیگر، تعالیم اسلامی، حق طلبکار در مطالبه‌ی بدهی‌اش را از اموال بدهکار، حتی پس از مرگ وی به رسمیت می‌شناسد.

در قرارداد تکافل اگر طلبکار، قرارداد بیمه‌ی عمر بدهکار را در دست داشته باشد، حق برداشت مزایای بیمه نامه به او داده می‌شود اما تنها به مقدار طلبی که از وی دارد.

چهار. جسد بیمه شده

فرد در گذشته دیگر حقی در اموال خود ندارد. به عبارت دیگر، مالکیت فرد بر اموالش تا زمانی است که در قید حیات باشد، مگر حقی که جسد وی در برابر اموالش دارد. حق جسد در اینجا به معنای هزینه‌های کفن و دفن (شامل هزینه‌ی تابوت، دفن، و هزینه‌های مراسم^{۲۶} برای روح و جسم متوفی) است. نگارندگان العنایت و غره العیون الاخیار در این دیدگاه شریکند که حق فرد بر اموالش تا می‌تواند تا پس از مرگش نیز ادامه داشته باشد (حق جسد تنها به قدر هزینه‌های کفن و دفن و مراسم^{۲۷} که از اموال به جا مانده از متوفی تامین می‌شود.^{۲۸}

با تکیه بر این اصول میراث (درخصوص هزینه‌های تدفین) توصیه می‌شود از آنجایی که قرارداد بیمه‌جزو اموال متوفی است و مزایای آن پس از مرگ وی برای جسد وی بکار می‌رود، هزینه‌های لازم برای این کار از مزایای بیمه کسر شود. این حقی است که انسان پس از مرگش درباره‌ی اموال خود دارد و باید تا زمان پرداخت هزینه‌های کفن و دفن از آن برخوردار باشد.

پنج. مورث

اگر کسی در زمان حیات وصیتی انجام دهد، میراث‌گذار (وصی)^{۲۹} و افرادی که از آن وصیت بهره می‌برند، وارث (موصی له)^{۳۰} نامیده می‌شوند. وصیت می‌تواند در طول حیات مورث تنظیم شود اما پس از مرگ او لازم الاجراست.^{۳۱}

«عن سعد ابن ابی وقاص قال عادی رسول الله ﷺ و انا مریض فقال اوصیت؟ قلت نعم. قال کم؟ قلت بمالی کله فی سبیل الله قال فما ترکک لولدک؟ قلت هم اغنیاء بخیر. فقال

اوص بالعشر. فما زلت اناقصه حتى قال او ث بالثلث و الثلث
کثیر.»

«از سعد بن ابی وقاص نقل است که روزی بیمار بودم و پیامبر
اکرم (ﷺ) نزد من آمد و از من پرسید: آیا وصیت کرده‌ای؟
گفتم بله. فرمود چقدر؟ عرض کردم: همه‌ی اموالم را در راه
خدا وصیت کردم. فرمود برای فرزندان چه گذاشته‌ای؟ پاسخ
دادم آنها به میزان کافی ثروت دارند. وی فرمود یک دهم را
وصیت کن. فکر کردم کم است و وی فرمود، یک سوم را
وصیت کن و یک سوم زیاد هم هست.»^{۳۲}

عموماً وصیت تنها زمانی صحیح است که در حق کسانی غیر از ورثه تنظیم شده
باشد. پیامبر اکرم (ﷺ) این امر را در حجة الوداع صراحتاً قید نموده‌اند:

«عن ابی امامه قال: سمعت رسول الله (ﷺ) يقول فی خطبته
عام حجة الوداع: "ان الله قد اعطى ذی حق حقه فلا وصیه
لوارث."»

«از ابو امامه نقل است که: شنیدم پیامبر (ﷺ) در حجت
الوداع فرمود همانا خداوند به هر کس حقی داده. پس سهم
الارث ورثه نباید در وصیت قید شود.»^{۳۳}

البته این قانون استثنا هم دارد. مثلاً در مواردی که در صورت رضایت سایر ورثه،
وصیت به نفع یکی از آنها صورت گیرد. این نکته هم در فرمایشات پیامبر اکرم (ﷺ)
وجود دارد:

«عن ابن عباس عن نبی (ﷺ) قال: لا وصیه لوارث الا ان
یشاء الورثه و فی رواية الدار القطنی قال: لا تجوز وصیه
لوارث الا ان یشاء الورثه.»

«نقل است از ابن عباس که پیامبر اکرم (ﷺ) می‌فرماید:

برای ورثه، وصیت لازم نیست مگر با رضایت آنان. در

حدیثی دیگر از دارالقطنی وی می‌فرماید وصیت برای یکی از

وراث مجاز نیست مگر با رضایت سایر ورثه.»^{۳۴}

همچنین تعالیم الهی برآنند که حق کسی که بر او وصیت شده باید پیش از تقسیم

ثروت بین ورثه پرداخت شود. خداوند می‌فرماید:

«من بعد وصیه یوصی بها او دین»

«تقسیم ثروت باید پس از پرداخت حق وصیت و دیون

صورت گیرد.»^{۳۵}

از نکات فوق می‌توان نتیجه گرفت که اگر بیمه شده، به عنوان موصی له از بیمه‌ی

عمر وصی سود ببرد، در صورتی که وصیت در حق یکی از وراث صورت نگیرد (یا

سایر ورثه راضی به آن باشند)، می‌تواند از یک سوم کل مزایای قرارداد بهره بگیرد.^{۳۶}

علاوه بر این، حق موصی له در سود بیمه تنها پس از مرگ^{۳۷} وصی قابل برداشت است.

شش. ورثه

هیچ شکی درباره‌ی حق وارث از اموال فرد در زمان حیات وی وجود ندارد و حق وارث

تنها پس از مرگ مورث به وجود می‌آید.^{۳۸} تحت قوانین شرع هر زن و مردی حق باقی

گذاشتن اموالش را دارد. این حق میراث تنها پس از مرگ فرد قابل اجراست و این امر در

آیه‌ی قرآنی زیر نشان داده شده است.

«للرجال نصيب مما ترك الوالدان و الأقربون و للنساء نصيب

مما ترك الوالدان و الأقربون مما قل منه او كثر نصيبا مفروضا»

«از آنچه از والدین و نزدیکان باقی مانده، سهمی است برای

زنان و مردان، خواه این مال کم باشد یا زیاد، سهمی معین از

آن به آنها تعلق می‌گیرد.»^{۳۹}

اما در همه‌ی موارد، تقسیم اموال متوفی باید تنها پس از پرداخت حق جسد (کفن و دفن)، حق طلبکاران و حق موصی له صورت گیرد. این امر در آیات قرآنی نیز قید شده و خداوند در این آیات می‌فرماید:

«من بعد وصیه یوصی بها او دین»

«تقسیم ثروت باید پس از پرداخت دین صورت گیرد.»^{۴۰}

«من بعد وصیه یوصین بها او دین»

«تقسیم ثروت باید پس از پرداخت دین صورت گیرد.»^{۴۱}

«من بعد وصیه توصین بها او دین»

«تقسیم ثروت باید پس از پرداخت دین صورت گیرد.»^{۴۲}

تحت قانون ارث، ۴ دسته وارث وجود دارد که می‌توانند حق اموال به جا مانده از متوفی را طلب نمایند و عبارتند از:

۱. داوی الفرود (کسانی که در ارث سهمی دارند).

۲. اسبه (باقی ماندگان)

۳. داوی الارحام (اقوام دور)

۴. بیت المال (اموال عمومی)^{۴۳}

نخست، اموال بر اساس سهم مشخص قانونی بین داوی الفرود (کسانی که در ارث سهمی دارند) تقسیم می‌شود.^{۴۴} سپس اموال عصبه به آنان تعلق می‌گیرد که در آن طبق آیات قرآن، مردان دو برابر زنان سهم می‌برند.

«یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین»

«خداوند به شما توصیه می‌کند که سهم الارث فرزندان تان را

به آنان بدهید که حق مردان دو برابر زنان است.»^{۴۵}

به نقل از مکاتب حنفی، شافعی، حنبلی و شیعه، اگر اسبه‌ای برای متوفی وجود نداشته باشد، اموال سهم آنها به داوی الفرود تعلق می‌گیرد.^{۴۶} که اموال را بر اساس قوانین اسبه (سهم مرد، دو برابر سهم زن) تقسیم می‌شود. اما اگر نه داوی الفرود و نه اسبه در قید حیات باشند، اموال به بیت المال تعلق می‌گیرد.^{۴۷} اما اگر مدیریت درستی بر بیت المال

وجود نداشته باشد، اموال به داوی الارحام (اقوام دور) تعلق می‌گیرد^{۴۸} که بر اساس اصول لسه آن را تقسیم می‌نمایند.

اگر کسی بیمه‌ی تکافل عمر یکی از ورثه‌ی قانونی خود را داشته باشد و حق بیمه، خارج از ثروت مشروع وی باشد، دارنده‌ی بیمه نسبت به آن، سود بیمه می‌برد. حق سود بیمه تنها پس از مرگ بیمه شده قابل استفاده است و صاحب بیمه باید بر اساس قانون تقسیم اموال، سهم خود از ارث را ثابت نماید.

۳-۱-۵. موانع سود بیمه‌ی تکافل

علیرغم وجود حق سود بیمه در قانون قرارداد، همان‌طور که در بالا بدان اشاره شد طبق اصول مالکیت، حقوق و التزامات، وقف، وصیت و میراث، برخی از افراد برای ادعای حق بیمه‌ی خود ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی دارند. این موانع در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

اول. مرگ

حق مالکیت فرد در خصوص اموالش تنها در طول حیات در اختیار اوست و پس از مرگ این حق از بین می‌رود مگر درباره‌ی جسد و روح متوفی که تا حد کفن و دفن و مراسم آن و طلب آمرزش برای وی ادامه دارد.^{۴۹} اصل کلی ارث تحت قوانین اسلامی این است که به محض مرگ، فرد حق قانونی خود برای مالکیت اموال و حق ارث را از دست می‌دهد و علت آن این است که پس از مرگ، این حقوق به افراد دیگر واگذار می‌شود. (برای مراسم کفن و دفن، طلبکار، وارث و موصی له متوفی)^{۵۰}

بر اساس این اصول میراث، این‌طور نتیجه می‌گیریم که در قرارداد بیمه نیز حق بیمه شده درباره‌ی سود بیمه تنها در طول حیات وی قابل استفاده است و بعد از مرگش هیچ حقی بر بیمه نخواهد داشت (مگر در میزان محدود مورد نیاز برای کفن و دفن و مراسم‌های آن).

از نکات فوق چنین برمی آید که طرف قرارداد حق دریافت سود از بیمه نامه را به محض مرگ از دست می دهد، اما این حق به ذی نفع قانونی وی (طلبکاران، ورثه و موصیان) واگذار می شود.

سوالی که در اینجا پیش می آید این است که آیا بعد از مرگ طرف قرارداد به هر علتی، خواه طبیعی و خواه تصادفی، افراد ذی نفع می توانند در ازای قرارداد بیمه، حق بیمه را طلب کنند؟ به عبارت دیگر تنها سند مرگ وی کافی است و علت آن اهمیتی ندارد. مثلاً یک نفر به مرگ طبیعی یا تصادفی جان خود را از دست می دهد، درحالی که یک نفر دیگر در اثر روش های غیرطبیعی (مثلاً خودکشی، کشته شدن در حین ارتکاب جرم یا مرگ توجیه یافته ی قانونی) درگذشته است. آیا علل این وفات ها، حق ذی نفع را برای دریافت حق بیمه تحت تاثیر قرار می دهد؟

در قوانین اسلامی، علت مرگ در تعیین حق ذی نفع برای دریافت سود بیمه بی اهمیت است. اگر گواهی وفات وجود داشته باشد که ادعای ذی نفع را ثابت کند، همین کافی است. علت نیز آن است که هیچ یک از مخلوقات خداوند، راه گریزی از مرگ ندارند و هر کس طعم مرگ را می چشد. این امر در آیه ی زیر نشان داده شده است.

«کل نفس ذائقة الموت»

«هر نفسی، طعم مرگ را می چشد.»^{۵۱}

علم به مرگ و زندگی مخلوقات خدا در دست خداوند است و این امر در آیه ی زیر نشان داده شده است:

«ان الله عنده علم الساعة و ينزل الغيث و يعلم ما فی الارحام و ما تدری نفس ماذا تکسب غدا و ما تدری نفس بای ارض تموت ان الله علیم خبیر»

«همانا علم زمان در دست خداوند است. اوست که باران را از آسمان فرو می ریزد و از آنچه در رحم مادر است خبر دارد. هیچ کس نمی داند فردا چه خواهد شد و کسی نمی داند در چه سرزمینی خواهد مرد. همانا علم کامل نزد خداست و اوست که داننده ی همه چیز است.»^{۵۲}

از آیات قرآنی فوق می‌توان استنباط کرد که هر مخلوقی طعم مرگ را می‌چشد و دانش آن تنها در دست خداوند است. اما علت مرگ می‌تواند بسیار متفاوت باشد، برخی طبیعی و برخی خیر. (مثلاً تصادفات، خودکشی، قتل در حین ارتکاب جرم یا مرگ موجه قانونی). اگر مرگ علت طبیعی داشته باشد، هیچ کس در محضر خدا مسئول نیست چراکه هیچ مرگی چه تصادفی و چه طبیعی، جرمی در بر ندارد. اما در مرگ به علت نیت شیطانی (خودکشی یا مرگ در حین ارتکاب جرم) خود فرد نزد خدا مسئول است. علت نیز آن است که هر مخلوقی باید در روز قیامت مسئول اعمال شیطانی خود باشد که به تکرار توسط انسان انجام می‌شود:

«تلك امه قد خلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم»

«حال این افراد در گذشته‌اند و باید حاصل اعمالشان را بچشند و شما نیز حاصل اعمالتان را.»^{۵۳}

«ليجزي الله كل نفس ما كسبت ان الله سريع الحساب»

«خداوند هر نفسی را طبق آنچه کسب کرده مجازات می‌کند و خداوند سریع الحساب است.»^{۵۴}

همان‌طور که در آیه‌ی زیر آمده در بررسی کارهای مخلوقات در روز حساب هیچ بی‌عدالتی صورت نمی‌گیرد.

«اليوم تجزي كل نفس بما كسبت لا ظلم اليوم ان الله سريع الحساب»

«آن روز همه بر آنچه انجام داده‌اند مورد مجازات قرار می‌گیرند و همانا خداوند سریع الحساب است.»^{۵۵}

«والذين كسبوا السيئات جزاء سيئه بمثلها و ترهقهم ذله ما لهم من الله من عاصم كانما اغشيت وجوههم قطعا من الليل مظلماً اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون»

«اما آنان که اعمال شیطانی از آنان سر زده پاداشی مانند پاداش شیطان خواهند گرفت. پلیدی صورتشان را فرا خواهد

گرفت: هیچ کس در برابر خشم خداوند از آنان دفاع نخواهد کرد، تاریکی شب آنها را فرا خواهد گرفت و تا ابد در آن جاودانه خواهند ماند.^{۵۶}

از آیات فوق می توان این طور نتیجه گرفت که مخلوقات خدا در روز قیامت بر اساس اعمالشان مورد قضاوت قرار خواهند گرفت. از این رو آنان که با پرونده‌ی نیکو (عمل صالح) در محضر خدا ظاهر شوند بر اساس آن پاداش دریافت خواهند کرد و کسانی که با معصیت ظاهر شوند، مسئول اعمال پلید خود هستند.

به عنوان مثال ارتکاب خودکشی، عملی پلید است و خود فرد مسئول عواقب آن نزد خداست^{۵۷}، چه در این دنیا و چه در آخرت. به همین خاطر خداوند انسان را از ارتکاب به آن نهی کرده است:

«و لا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً»

«خود را نکشید چون براستی که خداوند در حق شما مهربان ترین است.»^{۵۸}

همین طور پیامبر اکرم (ﷺ) برای کسانی که مرتکب خودکشی می شوند، مجازات عظیمی پیش بینی نموده است. وی می فرماید:

«عن ابی هریره قال: قال رسول الله (ﷺ) من ترمی من جبل فقتل نفسه فهو فی نار جهنم یترمی فیها خالداً مخلداً فیها ابداً و من تحسی سما فقتل نفسه فسمه فی یدیه یتحساه فی نار جهنم خالداً مخلداً فیها ابداً و من قتل نفسه بحدیده فحدیدته فی یدیه یتوجل بها فی بطنه فی نار جهنم خالداً مخلداً فیها ابداً (متفق علیه)»

«نقل است از ابو هریره که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: کسی که خود را از کوه به پایین پرتاب کند مرتکب خودکشی شده و در آتش جهنم جاودان است. کسی که سم بخورد و خود را بکشد، سم در دست اوست و آن را با خود به جهنم خواهد

برد و همیشه در آن جاودان خواهد بود. کسی که خود را با اسلحه بکشد، تفنگ به دست وارد جهنم خواهد شد و همیشه در آن جاودان خواهد بود.^{۵۹}

«عن ابی هریره قال: قال رسول الله (ﷺ) الذی یخنق نفسه یخنقها فی النار و الذی یطعنها، یطعنها فی النار»
 «از ابوهریره نقل است که پیامبر فرمود هر کس خود را به دارد بیاویزد در جهنم به دار آویخته خواهد شد و هر کس به خود شلیک کند در جهنم به وی شلیک خواهد شد.»^{۶۰}

از روایات فوق می توان این طور استنباط کرد که هروقت علت مرگ، عوامل شیطانی باشد، متوفی در روز قیامت در محضر خداوند پاسخگو خواهد بود. فردی که به خاطر شر زاییده ی اعمال خود باعث مرگ خویش شود، در محضر خداوند مسئول است اما آیا اطرافیان و افراد ذی نفع وی باید به دلیل اعمالش مجازات شوند؟

طبق اصول و تعالیم وراثت، وقتی فردی جان خود را از دست دهد، بدون توجه به علت مرگ، حق مالکیت اموالش به ذی نفع وی واگذار می شود. از آنجایی که بیمه نامه نیز جزو اموال متوفی است، باید به طور قانونی به ذی نفع منتقل گردد. به خاطر تقسیم عادلانه ی ثروت بین افراد ذی نفع نیز هیچ سوالی نباید درباره ی علت مرگ مطرح شود. علت مرگ طرف قرارداد در تعیین حق یا سود بیمه ی او هیچ اهمیتی ندارد.

از این رو، علت مرگ طرف قرارداد در تعیین حقوق ذی نفع هیچ تاثیری ندارد. بنابراین وقتی مرگ فرد تایید شود، همین امر برای پرداخت حق بیمه کافی است. علت نیز آن است که مرگ مخلوقات خدا توسط خداوند تعیین می شود. وی می فرماید:

«و ما کان لنفس ان تموت الا باذن الله کتابا موجلا»

«هیچ نفسی نمی میرد مگر به اذن خداوند.»^{۶۱}

به علاوه فردی که مرتکب خودکشی یا اعمال پلید شود خود مسئول آن است و ذی نفع نباید به سبب آن عمل مجازات شود. این امر در آیات زیر آمده:

«لها ما کسبت و لکم ما کسبتم»

«او نتیجه‌ی هر چه کرده را می‌بیند و نتیجه‌ی هر چه کردی را.»^{۶۲}

و متهم مسئول اعمال خویش است اما این به این معنا نیست که به دلیل آنچه کرده ذینفع از مزایای اقتصادی اموال وی محروم شود. علت نیز آن است که پس از مرگ وی، مسئولیت و مالکیت اموال و دارایی‌هایش به بازمانده‌ها و افراد ذی‌نفع واگذار می‌شود. چطور می‌توان تصمیم درباره‌ی حقوق ذی‌نفع و استفاده از اموال وی را توجیه نمود؟ این، حق طبیعی هر انسان و موجود زنده‌ای است که از معامله بهره‌بردار، چه تجارت و چه هر گونه مبادله‌ی قانونی. چنین حق شخصی‌ای باید بدون در نظر گرفتن بی‌گناهی یا گناه‌کاری افراد در حق آنان اعمال شود.^{۶۳} از این رو ذی‌نفع طرف قرارداد بیمه نباید به سبب اعمال متوفی مورد برخورد متفاوتی قرار گیرد. علت هرچه باشد، آنها باید حق قانونی خود را از بیمه‌ی متوفی طلب نمایند.

آیا مرگ ورثه‌ی طرف قرارداد وی را از حق بیمه‌ی وی محروم می‌کند؟ از نظر ماهیت مرگ ورثه‌ی طرف قرارداد، سه موقعیت وجود دارد که باعث می‌شود وارث (که در گذشته) حق دریافت سود بیمه را از دست دهد. نخست این‌که هم وارث و هم موروث جان خود را در یک زمان از دست دهند. دوم این‌که هر دو در تصادفی جان خود را از دست دهند که مشخص نشود کدام یک اول مرده‌اند. و سوم وقتی که وارث زودتر از طرف قرارداد بمیرد. این سه موقعیت بر اساس اصول کلی وراثت تعیین شده است.^{۶۴}

بنابراین منطقی این است که طبق قوانین اسلام، همان عوامل مانع میراث درباره‌ی وارث قرارداد بیمه بکار رود.

اگر طرف قرارداد و با خودرو به مسافرت بروند و در اثر تصادف هر دو جانشان را در آن واحد از دست دهند یا هر دو در خانه‌ای بخوابند و ناگهان در اثر آتش سوزی کشته شوند و در آن لحظه علت مرگشان مشخص نباشد، هر کدام زودتر مرده باشند، باز هم حق بیمه از وارث وی ساقط می‌شود. تحت قوانین میراث اسلامی، در این شرایط، وارث از دریافت حق بیمه محروم است.^{۶۵} تنزیل الرحمان اذعان داشته که وارث باید در زمان مرگ طرف قرارداد در قید حیات باشد تا از مزایای بیمه‌ی وی استفاده کند.^{۶۶} در سه

موقعیت فوق الذکر، وجود وارث در زمان حیات طرف قرارداد مورد تایید قرار نمی گیرد و از این رو از ادعای دریافت حق بیمه محروم می شود. در این شرایط، حق بیمه‌ی وارث در گذشته بین سایر ورثه تقسیم می شود. این دیدگاه با دیدگاه ۴ مکتب قانون اسلامی (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی)^{۷۷} مشترک است و همچنین با قوانین امروزی بیمه در مصر، سوریه، تونس و مراکش برابری می کند.^{۷۸} قوانین حاکم بر این کشورها بر این است که اگر وارث به سه حالت زیر جانش را از دست دهد، تقسیم اموال طرف قرارداد بین سایر ورثه صورت می گیرد.^{۷۹} این قانونگذاری همچنین توسط زید ابن تابیت درباره‌ی شهدای جنگ‌های جمل و صفین تایید شده است. سندی نیز توسط عمر ابن عبدالعزیز ارائه شده که نشان می دهد کسانی که همزمان کشته شوند و لحظه‌ی مرگشان نامشخص باشد از یکدیگر ارث نمی برند.^{۷۰}

سپس این سوال پیش می آید که چطور می توان با قطعیت زمان مرگ طرف قرارداد و وارث وی را تعیین کرد. مثلاً درباره‌ی صاحب بیمه‌ای که ساعت ۹ صبح بیهوش به بیمارستان منتقل شده، پزشک مسئول ساعتی بعد مثلاً ۱۰ صبح را زمانی اعلام کرده که بیمار دیگر بدون دستگاه اکسیژن قادر به تنفس نبوده است. ۱۵ دقیقه بعد دستگاه تنفس مصنوعی به وی متصل می شود. در همین حین وارث با اطلاع از جریان در راه بیمارستان است که در ساعت ۱۱ دچار سانحه‌ی تصادف می شود و در همان لحظه جان می سپرد و در همان لحظه مورث وی با تنفس مصنوعی در بیمارستان است.

در این شرایط، طرف قرارداد طبیعتاً باید طبق گزارش پزشک بین ساعت ۱۰ تا ۱۰:۱۵ مرده باشد اما دستگاه تنفس به وی وصل بوده. بنابراین در حال طبیعی، مورث قبل از وارث مرده است. اما به دلیل راه‌های مصنوعی، مورث در زمان مرگ وارث نفس می کشیده و از این رو وارث پیش از مورث مرده است و حق بیمه از وی سلب می شود. راه حل ممکن برای رفع این ابهامات و تعیین زمان مرگ افراد در این گونه شرایط چیست؟

توجیه سستی این است که مرگ زمانی تایید می شود که تنفس و ضربان قلب متوقف شود^{۷۱} از این رو مرگ مغزی، آخرین آزمایش حیات انسان است.^{۷۲} با پیشرفت سریع

فناوری، حیات مغزی انسان و عملکرد قلب و تنفس به طور مصنوعی از طریق دستگاه‌های تنفس طولانی‌تر می‌شود. این‌ها به بیمار اجازه می‌دهد تا به مدت طولانی‌تری به حیات خود ادامه دهد.^{۷۳}

از این رو این‌طور استنباط می‌شود که مرگ زمانی مورد تایید قرار می‌گیرد که مرگ مغزی روی دهد یا توسط دستگاه به حیات ادامه دهد. علت نیز آن است که زندگی و مرگ انسان در دست خداوند قدرتمند و داناست و روح را نیز در اختیار دارد. هرچند دستگاه تنفس، بیمار را قادر به ادامه‌ی حیات می‌کند، تنها عاملی واسطه است که هیچ تضمینی برای دوام حیات بیمار ندارد. این امر در آیات خداوند مشهود است:

«ان الله عنده علم الساعة و ينزل الغيث و يعلم ما فی الارحام و ما تدری نفس ماذا تکسب غدا و ما تدری نفس بای ارض تموت ان الله علیم خبیر»

«همانا علم زمان در دست خداوند است. اوست که باران را از آسمان فرو می‌ریزد و از آنچه در رحم مادر است خبر دارد. هیچ کس نمی‌داند فردا چه خواهد شد و کسی نمی‌داند به چه سرزمینی خواهد مرد. همانا علم کامل نزد خداست و اوست که داننده‌ی همه چیز است.»^{۷۴}

از این رو می‌توان نتیجه گرفت که فرد تا زمانی که از نظر مغزی زنده باشد، ابزار حیات وی طبیعی باشد یا مصنوعی، زنده تلقی می‌شود. از این رو تعیین حقوق ذی‌نفع بیمه شده در نمونه‌ی فوق به زمان مرگ مغزی بستگی دارد. از این رو اگر مرگ مغزی بیمار زودتر از مرگ وارثش باشد، وارث می‌تواند از سود بیمه استفاده کند، در غیر این صورت، از آن محروم می‌شود و مزایای آن بین سایر ورثه تقسیم می‌گردد.

دوم. مرگ هنگام تولد یا پیش از آن

جنین در شکم مادر سهمی از ارث ندارد،^{۷۵} چه زنده باشد و چه مرده. برای دریافت سهم الارث، جنین باید حتماً زنده به دنیا بیاید.^{۷۶} این نکته در سنن پیامبر (ﷺ) مشخص

است. برای دریافت سهم الارث نوزاد، باید حتماً جنین به دنیا بیاید و دست کم که نفس در این دنیا بکشد. پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود:

«عن جابر قال: قال رسول الله (ﷺ) اذا استهل الصبی صلی علیه و ورث (ابن ماجه و الدارمی)»

«از جابر نقل شده است که: رسول اکرم (ﷺ) فرمود زمانی که کودک نفس کشید باید بر او نماز گذارد و سپس او ارث می برد. (ابن ماجه داریمی).»^{۷۷}

دکتر تنزیل الرحمان اظهار داشته که برای این که جنین بتواند سهم الارث ببرد باید زنده به دنیا بیاید و دستگاه های مغزی وی دارای عملکرد مثبت باشند و دست کم نیمی از اندام او زنده باشد. سپس می افزاید اگر نوزاد زنده به دنیا بیاید اما اندام مغزی اش کامل نباشد یا مرگ مغزی شده باشد، مرده تلقی می شود و سهمی از ارث نخواهد برد.^{۷۸}

این دیدگاه دکتر تنزیل الرحمان، دیدگاه خودش مبنی بر وجود حق ارث بیمه برای افراد زنده در زمان مرگ طرف قرارداد را به چالش می کشد.^{۷۹} همچنین فرموده ی پیامبر (ﷺ) که نوزاد برای دریافت سهم الارث باید زنده به دنیا بیاید و در این دنیا یک نفس بکشد را رد می کند.^{۸۰} از این حکم رسول اکرم (ﷺ) می توان استنباط کرد که زنده فرض کردن نوزاد نیازمند آن است که تنها یک نفس در این دنیا بکشد. تنفس نوزاد به فعالیت مغزی وی بستگی دارد. مرگ فرد در صورتی ثابت می شود که مغز از کار بیفتد^{۸۱} و این که چند درصد از بدن وی زنده باشد اهمیتی ندارد. علت نیز آن است که مرگ مخلوق توسط خدا تعیین می شود. وی می فرماید:

«و ما کان لنفس ان تموت الا باذن الله کتابا موجل»

«هیچ روحی نمی میرد مگر به اذن خدا که کتابی مشخص است.»^{۸۲}

از این رو ادعای دکتر تنزیل الرحمان مبنی بر لزوم زنده بودن نیمی از اندام های نوزاد برای اعلام حیات وی بی اساس و مردود است.

از این رو می‌توان نتیجه گرفت که در قرارداد تکافل، جنین باید سهمی از بیمه نامه داشته باشد (بعد از مرگ وی) البته به این شرط که زنده به دنیا بیاید و دست کم یک نفس در این دنیا بکشد. اما اگر نفس نکشد و مرگ مغزی او تایید شود، هیچ حقی بر ارث نخواهد داشت.

تنزیل الرحمان همچنین اذعان می‌دارد که اگر جنین در رحم زنده باشد و در اثر تسامح پزشکان مرده به دنیا بیاید از حق ارث محروم نمی‌شود.^{۸۳} اما این دیدگاه نیز با این توجیه ساده رد می‌شود که چه مرگ نوزاد طبیعی باشد و چه بر اثر تسامح پزشکان، باز هم مرگ، مرگ است و نوزاد، مرده تلقی می‌شود. علت نیز آن است که مرگ و زندگی بشر دست خداست و نمی‌توان آن را به هر علت تغییر داد. اصول نظری قرآن نیز راهنمایی بر این تعاریف هستند.^{۸۴}

بنابراین اگر جنین مرده به دنیا بیاید، علت هرچه باشد، نوزاد مرده تلقی می‌شود و ارث به وی تعلق نمی‌گیرد و این، حکم پیامبر اکرم (ﷺ) درباره‌ی تقسیم سهم الارث جنین است.^{۸۵}

سوم. قاتل

تحت اصول کلی میراث اگر کسی دیگری را بکشد، قاتل از اموال فردی که کشته، ارث نخواهد برد. پیامبر اکرم (ﷺ) می‌فرماید:

«عن ابی هریره قال: قال رسول الله (ﷺ) القاتل لا يرث (الترمذی و ابن ماجه)»

«نقل است از ابی هریره که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود قاتل ارث نمی‌برد. (الترمذی و ابن ماجه).»^{۸۶}

پیامبر اکرم (ﷺ) در جای دیگر می‌فرماید:

«عن ابن عباس قال: قال رسول الله (ﷺ) من قتل قتلاً فانه لا يرثه و ان لم يكن وارث غيره و ان كان والده فليس للقاتل شيء»

«نقل است از ابن عباس که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود کسی که قتلی مرتکب شود از مقتول ارث نمی‌برد حتی اگر قاتل، وارث دیگری نداشته باشد و حتی اگر پدر یا پسرش باشد، باز هم سهمی از ارث به وی تعلق نمی‌گیرد.»^{۸۷}

در احادیث ذکر شده از پیامبر اکرم (ﷺ)، واژه‌ی قتل، مفهومی کلی است. قتل طبق ماهیت و اثرات قانونی‌اش، ۵ دسته است:

- قتل عمد
- قتل شبه عمد
- قتل از روی خطا
- قتل منجر به بروز خطا
- قتل غیرمستقیم (معاونت در قتل)

سوالی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا احادیث فوق، درباره‌ی همه‌ی این دسته‌هاست؟

بین مکاتب مختلف اسلامی در خصوص این که کدام یک از این دسته‌ها در احادیث فوق مورد نظر بوده یا نبوده و در نتیجه از سهم الارث محرومند یا نیستند، اختلاف نظر وجود دارد.

اما ابوحنیفه اظهار داشته که در هر نوع قتل، عمدی یا غیرعمدی، متهم از سهم الارث محروم می‌شود. اما در قتل غیرمستقیم، متهم نباید از ارث محروم شود.^{۸۸} مکتب قانونی ظهیری دیدگاهی مشابه مکتب قانونی حنفی دارد.^{۸۹} مکتب قانونی ملکی بر آن است که تنها متهمان قتل عمد باید از دریافت ارث از مقتول محروم شوند.^{۹۰} مکتب فقه اسلامی دیدگاه سخت‌گیرانه‌ای مانند مکتب ظهیری اتخاذ نموده است.^{۹۱} اما مکتب شافعی آنقدر

افراطی است که می‌گوید متهمین به هر یک از انواع قتل باید از ارث محروم شوند.^{۹۲} مکتب حنبلی عقیده دارد اگر کسی مرتکب قتل شود که از نظر قانون باید برای آن مجازات در نظر گرفته شود، قاتل باید از دریافت ارث از اموال مقتول محروم شود، اما اگر قاتل جرم قابل مجازاتی مرتکب نشده باشد، از ارث محروم نمی‌شود.^{۹۳}

در خاتمه این‌که قوانین قابل کاربرد برای میراث در شرایط فوق باید در خصوص قرارداد تکافل نیز قابل اجرا باشد، چراکه قرارداد تکافل نیز بخشی از اموال قانونی افراد است. از این رو در قرارداد تکافل، اگر فرد طرف قرارداد توسط ذی‌نفع کشته شود، قاتل باید از حقوق وراثت اموال مقتول محروم شود که البته جزئیات آن بسته به دیدگاه مکاتب فقه اسلامی فوق‌الذکر متفاوت می‌باشد.

چهارم. مرتد

اگر مسلمانی از دین خود برگردد و مرتد شود از سایر مسلمانان ارث نمی‌برد.^{۹۴} این امر در احکام پیامبر اکرم (ﷺ) کاملاً مشهود است:

«عن اسامه ابن زید قال: قال رسول الله (ﷺ) لا يرث

المسلم الكافر ولا كافر المسلم (متفق علیه)»

«نقل است از اسامه ابن زد که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود

مسلمان از کافر و کافر از مسلمان ارث نمی‌برد.»^{۹۵}

«عن عبدالله قال: قال رسول الله (ﷺ) لا يتوارث اهل الملتین

شتی»

«نقل است از عبدالله که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: پیروان دو

دین مختلف نباید از هم ارث ببرند.»^{۹۶}

در پرتوی این سنت‌ها، آن‌طور استنباط می‌شود که محدودیت‌های قائل شده برای افراد مرتد تنها در خصوص وراثت است. این به معنای محرومیت مرتد از ادعای حقوق ناشی از توافقات قراردادی (از جمله مبادلات مالی، تجارت و غیره) نیست.

از آن رو می توان نتیجه گرفت که اگر وارث تکافل مرتد شود، به دلیل ارتدادش حق دریافت بیمه را نخواهد داشت. پرسشی که بین طرف قرارداد و ذی نفع مطرح می شود، مسأله ای میراث است. اما اگر خود طرف قرارداد مرتد شود حق دریافت سود بیمه را از دست نخواهد داد زیرا حق دریافت سود بیمه برای او بین وی و شرکت بیمه است و به قوانین وراثت ارتباطی ندارد. از این رو در احکام خدا قانونی وجود ندارد که مرتد را از منافع اقتصادی ناشی از توافق و قرارداد با مسلمانان محروم کند.

پنجم. نماینده (متولی)

به منظور امنیت قرارداد تکافل، لازم است که دارنده ی بیمه، فرد را به عنوان نماینده انتخاب کند. نماینده ی بیمه نامه می تواند غریبه باشد یا آشنا و یکی از وراثت در همه ی این شرایط، نماینده ی بیمه تحت قوانین اسلامی حق دریافت سود بیمه و مالکیت آن را ندارد. علت آن نیز این است که تحت قوانین میراث و وصیت نماینده ی قرارداد بیمه تنها نوعی متولی است که وظیفه اش، دریافت مزایای بیمه و تقسیم آن بین افراد ذی نفع است.^{۹۷} دادگاه عالی پاکستان در امت الحیب و مسرت پروین^{۹۸} این طور قید کرده اند که نمایندگی قرارداد بیمه هیچ حقی به نماینده در مطالبه ی حقوق بیمه نمی دهد. اما اگر نماینده از ورثه باشد، طبق قوانین میراث و وصیت، تنها به میزان تعیین شده برای هر نفر ارث می برد، نه کمتر و نه بیشتر.^{۹۹}

ششم. ناقض حسن نیت

هر فردی می تواند در مبادلات مشروع (مود تایید شرع) فعالیت داشته باشد و خداوند نیز مجوز کلی این کار را صادر نموده است. خداوند می فرماید:

«أحل الله البيع و حرم الربا»

«خداوند تجارت را حلال کرده و ربا را حرام.»^{۱۰۰}

انسان در اعمال آزادی های خود در تجارت باید عدالت، انصاف و صداقت را

رعایت نماید. خداوند می فرماید:

«و اقيموا الوزن بالقسط و لا تخسروا الميزان»

«و حکم کرد که ای بندگان هرگز در میزان عدل (و احکام

شرع من) تعدی و نافرمانی نکنید.»^{۱۰۱}

بار دیگر خداوند در حفظ صداقت در مبادلات تاکید می‌نماید:

«يا ايها الذين آمنوا لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان

تكون تجاره ان تراض منكم»

«ای اهل ایمان! مال یکدیگر را به ناحق نخورید، مگر آن‌که

تجارتی از روی رضا و رغبت کرده باشد.»^{۱۰۲}

از این احکام الهی می‌توان دریافت که لازمه‌ی یک مبادله‌ی صحیح این است که

طرفین حاضر باید قوانین حسن نیت را در کمال عدالت، انصاف و صداقت رعایت

نمایند. بنابراین اگر مبادله‌ای بر مبنای عدم صداقت شکل گیرد، غیرمعتبر خواهد بود زیرا

عوامل غیرشرعی در آن دخیل بوده‌اند و طبق فرمایشات پیامبر اکرم (ﷺ) چنین مبادله‌ای

طرفین را متعهد نخواهد کرد.

«المسلمون على شروطهم الا شرطا حرم حلالا او احل

حراما»

«مسلمانان باید به شرایطشان پایبند باشند مگر شرایطی که

موارد شرع را نقض نماید یا مسائل ممنوع را مجاز بداند.»^{۱۰۳}

در سایه‌ی این تحلیل‌ها می‌توان نتیجه گرفت که قرارداد تکافل مبادله‌ای مالی است

که بین بیمه شده و عامل منعقد می‌گردد و در آن توافق شده که طرفین حسن نیت خود

را نقض نکنند تا لازم الجرا بودن بیمه نامه تایید شود. اما اگر بیمه شده از اصول حسن

نیت تخطی نماید، بیمه نامه معتبر نخواهد بود. و چنین کاری باعث برکنار کردن وی از

حق استفاده از بیمه خواهد شد.

هفتم. فرزند نامشروع

فرزند مشروع فرزندی است که پدر و مادرش به عقد رسمی یکدیگر درآمده باشند و همچنین حاصل آمیزش زیستی پدر و مادر باشد که در طی این آمیزش، پیوند اسپرم و تخمک باعث ساختن جنین شده است. از سوی دیگر، فرزند نامشروع کسی است که پدر و مادرش به عقد رسمی و شرعی یکدیگر درنیامده باشند. پروفیسور احمد ابراهیم بر این باور است که در تضمین مشروع بودن فرزند، اثبات ازدواج پدر و مادر ضروری است^{۱۰۴} و فرزند باید رابطه‌ای زیستی با پدر داشته باشد. از این رو در غیاب این ملزومات، فرزندی که به مادر واگذار می‌شود، نامشروع تلقی می‌شود.^{۱۰۵}

تحت قوانین ارث اسلامی، فرزند نامشروع نه از پدرش ارث می‌برد و از او به پدر ارث می‌رسد.^{۱۰۶} پیامبر اکرم (ﷺ) می‌فرماید:

«عن عمرو شعيب عن ابيه عن جده عن نبي (ﷺ): ايما رجلا عاهر بحرره او امه، الولد او ولد الزنا لا يرث ولا يورث (الترمذی)»

«بن شعيب به نقل از پدرش و او به نقل از جدش و جدش به نقل از پیامبر (ﷺ): کسی که با زنی آزاد یا برده ای زنا کند، فرزندشان نامشروع خواهد بود. نه از او و نه به او ارث خواهد رسید.»^{۱۰۷}

مکاتب فقه اسلامی مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی در این دیدگاه توافق دارند که محدودیت ارثی برای فرزندان نامشروع تنها به پدر زیستی و اقوام پدری مربوط می‌شود. اما همین محدودیت در خصوص مادر و اقوام مادری اعمال نمی‌گردد.^{۱۰۸} ماده‌ی ۴۷ قانون مواریث، شماره‌ی ۷۷ قانون ۱۹۴۳ مصر مشخص کرده که فرزند نامشروع علیرغم محدودیت از نظر دریافت ارث از پدر و خانواده‌ی پدری، باید از ثروت مادر و خانواده‌ی مادری بهره‌بردار.^{۱۰۹}

در پرتوی این تحلیل‌ها می‌توان نتیجه گرفت که همان دلایلی که محدودیت فرزند نامشروع از دریافت سهم الارث از اموال پدر را توجیه می‌نماید درباره‌ی محدودیت وی در دریافت حق بیمه‌ی پدر نیز صدق می‌کند. اما اگر مادر فرزند نامشروع، بیمه داشته باشد، فرزند نباید از دریافت حق بیمه از بیمه‌نامه‌ی مادر محروم شود.

علیرغم تحلیل‌های فوق سوالی که در اینجا پیش می‌آید این است که اگر کودکی با استفاده از لقاح مصنوعی (ترکیب تخمک مادر و اسپرم پدر در رحم زنی دیگر و در نتیجه تغذیه‌ی جنین از جفت و در نهایت، به دنیا آمدن فرزند از رحم آن زن) بوجود بیاید، آیا چنین کودکی در رده‌ی فرزندان نامشروع قرار می‌گیرد؟

تست سنجش مشروعیت فرزند این است که باید ازدواج رسمی بین پدر و مادر صورت گرفته باشد و کودک، ارتباط زیستی با پدرش داشته باشد و از مادری متولد شود که بین وی و پدرش ازدواج رسمی صورت گرفته شده باشد.

کودکی که از راه لقاح مصنوعی بوجود بیاید، تنها رابطه‌ای زیستی با پدری دارد که در واقع هیچ ازدواج رسمی‌ای بین او و مادرش صورت نگرفته است. از این رو، چنین فرزندی را نباید مشروع دانست چراکه هیچ سندی برای اثبات روابط زناشویی بین زن و پدر کودک وجود ندارد.

اما در شرایطی که اسپرم پدر و تخمک مادر در رحم زن دیگری با هم ترکیب شود و کودک از طریق آن زن متولد شود، چه دلیلی وجود دارد که چنین کودکی را نامشروع بدانیم؟ پاسخ به این سوال این است که زن و شوهری که به صورت قانونی با یکدیگر ازدواج کرده‌اند تنها اسپرم و تخمک را ارائه داده‌اند اما بخش انتقال روح به جسم جنین در جای دیگری صورت گرفته است. طبق زیست الهی، روح پس از ۴۰ روز از لقاح به جسم جنین وارد می‌شود.^{۱۱۰} این نکته در فرمایشات پیامبر اکرم (ﷺ) نیز مشهود است:

«حدثنا رسول الله (ﷺ) و هو الصادق المصدق قال: ان

احدکم یجمع خلقه فی بطن امه اربعین یوما ثم یکون علقه مثل

ذلک ثم یکون مضغه مثل ذلک، ثم یبعث الله ملکاً فیومر باریع

برزقه و اجله و شقی او سعید ثم ینفخ فیها الروح»

«پیامبر اکرم (ﷺ) که صادق ترین انسانهاست می‌فرماید: وقتی شما اسپرم و تخمک را در رحم مادر می‌آمیزید، پس از ۴۰ روز ابتدا لخته خون تشکیل می‌شود، سپس به تکه‌ای گوشت تبدیل می‌شود، سپس خداوند فرشته‌ای را نازل می‌کند که ۴ مسئله را تثبیت نماید: زیست، سرنوشت، رفتار و سعادت و شقاوت وی، سپس روح در آن دمیده می‌شود.»^{۱۱۱}

همچنین:

«عن ابن مسعود قال: قال رسول الله (ﷺ) ان احدكم يجمع خلقه في بطن امه اربعين يوماً ثم يكون في ذلك علقه مثل ذلك ثم يكون في ذلك مضغه مثل ذلك ثم يرسل الله اليه الملك فينفخ فيها الروح و يومر باريح كلمات»

«نقل است از عمر ابن مسعود که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: هر یک از شما پس از ۴۰ روز در رحم مادر قرار می‌گیرید، سپس لخته‌ی خون تشکیل می‌شود، سپس گوشت. سپس خداوند فرشته‌ای را می‌فرستد تا روح در آن بدمد و ۴ چیز را بر وی بنگارد.»^{۱۱۲}

رشد تدریجی جنین تا تبدیل آن به شکل انسانی در رحم زن صورت می‌گیرد. این مسئله نه به اسپرم مرد متکی است و نه به تخمک مادر. این امر در آیات قرآنی زیر نیز تصدیق شده است.

«ولقد خلقنا الانسان من سلاله من طين ثم جعلناه نطفه في قرار مكين ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغه عظاما فكسونا العظام لحما ثم انشأناه خلقا آخر فتبارك الله احسن الخالقين»

«همانا آدمی را از گل خالص آفریدیم. پس آنگاه او را نطفه گردانیده و در جای استوار (صلب و رحم) قرار دادیم. آنگاه

نطفه را علقه و علقه را گوشت پره و باز آن گوشت را
استخوان و سپس بر استخوانها گوشت پوشانیدیم. پس از آن
خلقتی دیگر انشا نمودیم. آفرین بر قدرت کامل بهترین
آفریننده.»^{۱۱۳}

به دلیل وجود روح در جنین و از آنجایی که رشد حقیقی جنین به شکل انسان کامل
تنها در رحم مادر صورت می‌گیرد و اوست که کودک را به دنیا می‌آورد، خداوند
باریتعالی، کسی که کودک را به دنیا آورده مادر او می‌داند نه کسی که تخمک را تولید
کرده. با این وجود کودکی که از راه تلقیحی به دنیا آمده باشد از اموال پدرش ارث
نمی‌برد اما این حق را دارد که از اموال زنی که او را به دنیا آورده ارث ببرد، چه مشروع
باشد و چه نامشروع.

«ان امهاتهم الا اللاتی ولدنهم»

«هیچ یک نمی‌تواند مادرشان باشد مگر آنکه آنان را به دنیا
آورده است.»^{۱۱۴}

از این رو در لقاح مصنوعی از آنجایی که رابطه‌ی زناشویی بین پدر و زنی که کودک
را به دنیا آورده وجود ندارد، فرزند متولد شده، نامشروع خواهد بود. از این رو فرزندی
که از روش لقاح مصنوعی بوجود آمده باشد از اموال پدرش ارث نمی‌برد اما حق دریافت
ارث از اموال مادری که او را بدنیا آورده را دارد، هرچند تولد او غیرمشروع باشد.^{۱۱۵}

اما شرایطی استثنایی وجود دارد که کودک متولد شده از روش لقاح مصنوعی،
نامشروع شمرده نشود و این در صورتی است که کودک از زنی به دنیا بیاید که پدر با او
پیوند زناشویی بسته باشد و مثلاً همسر دوم وی باشد.^{۱۱۶} در این حالت، فرزند هم از پدر
ارث می‌برد و هم از مادری که او را به دنیا آورده اما از مادری که تخمک را ارائه داده
ارث نخواهد برد. این از آن روست که معیار تعیین مادر فرزند، کسی است که او را به
دنیا می‌آورد و نه زنی که تنها تخمک را تولید کرده. این قضاوت منطقی در احکام قرآن
نیز تأیید شده و خداوند در آن به طور واضح راهی برای رفع این سوء تفاهم‌ها ارائه داده
است.^{۱۱۷}

در اینجا نتیجه می‌گیریم که زمینه‌هایی که کودک متولد شده از طریق لقاح مصنوعی را از ارث بازمی‌دارد همان زمینه‌هایی است که وی را از منافع تکافل بازمی‌دارد. اما کودک در این شرایط حق برداشت از بیمه نامی مادر را دارد (البته در صورتی که مادر، قرارداد بیمه داشته باشد). در این حالت استثنا هم وجود دارد و آن این است که زنی که کودک را به دنیا می‌آورد، رابطه‌ای شرعی با پدر داشته باشد؛ مثلاً همسر دوم وی باشد. به علاوه در این حالت، فرزند متولد شده از این راه تنها حق دریافت ارث از زنی را دارد که او را به دنیا آورده، نه زنی که تخمک را ارائه داده است.

۲-۵. سود بیمه

۱-۲-۵. تحت بیمه

در قرارداد بیمه، یکی از ملزومات این است که فردی که در قرارداد از او به عنوان ذی‌نفع یاد شده در موضوع قرارداد، سود ببرد.

در قانون بیمه‌ی عمر انگلستان قید شده که بیمه‌نامه برای افرادی که از موضوع آن سود نمی‌برند لازم‌الاجرا نخواهد بود.^{۱۱۸} همچنین در آن قید شده که بیمه‌نامه‌ای که از راه بازی یا قمار بدست آمده باشد موثر نیست.^{۱۱۹} در ماده‌ی ۱۸ قانون بازی ۱۸۴۵ (انگلستان)^{۱۲۰} (که اصولاً با ماده‌ی ۱ قانون بیمه‌ی عمر ۱۷۷۴ انگلستان مطابقت دارد) قید شده که هر نوع قرارداد مبتنی بر بازی و قمار باطل است. لزوم سود بیمه در بیمه‌نامه توسط قانون بیمه‌ی ۱۹۰۶ انگلستان مطرح شد که مقرر داشته که قرارداد بیمه‌ی سفرهای دریایی در غیاب سود بیمه یا از راه قمار و بازی باطل می‌باشد.^{۱۲۱} این قانون بعدها در قانون بیمه‌ی سفرهای دریایی ۱۹۰۹ مورد تأیید قرار گرفت که می‌گفت: داشتن بیمه‌نامه‌ای که در آن ذی‌نفع از بیمه سود نبرد جرم است.^{۱۲۲}

قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ مالزی کسانی که از بیمه‌ی عمر سود می‌برند را مشخص کرده است. ماده‌ی ۱۵۲(۲) این قانون می‌گوید: «فرد در صورتی از سود بیمه‌ی شخص دیگر سود می‌برد که آن فرد یکی از موارد زیر باشد:

الف) همسر، فرزند و فرد صغیر تحت تکافل وی

ب) کارفرما؛ یا

ج) غیر از افراد بند الف، کسی که در زمان اجرای بیمه، کاملاً یا تا حدودی به وی وابسته باشد».^{۱۲۳}

اصولاً مفهوم قانونی سود بیمه به موجب ماده‌ی ۵ قانون مدنی ۱۹۵۶ از قانون انگلستان اتخاذ گردید.^{۱۲۴} دلیل این امر آن است که دیدگاه‌ها و قوانین سود بیمه‌ی مالزی به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اساس ۶ قانون زیر قرار دارند: قانون بیمه‌ی عمر ۱۷۷۴؛^{۱۲۵} قانون اموال زنان متاهل ۱۸۸۲،^{۱۲۶} قانون بازی ۱۸۴۵،^{۱۲۷} قانون بیمه‌ی سفرهای دریایی ۱۹۰۶،^{۱۲۸} قانون بیمه‌ی سفرهای دریایی (سیاست‌های قمار) ۱۹۵۶،^{۱۲۹} و قانون اصلاح قوانین خانواده ۱۹۶۹.^{۱۳۰}

سود بیمه در مالزی سه حکم دارد که با ۶ قانون فوق الذکر انگلستان مطابقت دارند و عبارتند از: قانون قرارداد ۱۹۵۰،^{۱۳۱} قانون مدنی ۱۹۵۶^{۱۳۲} و قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶.^{۱۳۳} مسئله‌ی بعدی که باید تعیین شود این است که چه کسانی در بیمه نامه سود می‌برند؟ این، آزمونی دو جانبه است.

اول. افراد تعیین شده بر مبنای دوافکتو (بالفعل)

در ماده‌ی ۱۵۲(۱) و (۲) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ (که اصولاً بر اساس ماده‌ی ۲۳(۱) قانون مدنی ۱۹۵۶ بنا شده) قید شده که افرادی که سود بیمه به آنان تعلق می‌گیرد عبارتند از: صاحب قرارداد؛ همسر وی؛ افراد صغیر تحت تکافل وی؛ فرزندان؛ و افرادی که در زمان اجرای قرارداد، به وی کاملاً یا نسبتاً وابسته باشند.^{۱۳۴}

قانون مالزی در خصوص سود بیمه، به استناد ماده‌ی ۵ قانون مدنی ۱۹۵۶، بر پایه‌ی قوانین انگلستان قرار دارد. از این رو به استناد ماده‌ی ۳ قانون تفسیر ۱۹۶۷/۱۹۴۸، "فرد" می‌تواند شامل گروهی از افراد باشد که با هم همکاری کنند یا نکنند. در پرتوی این تفسیر، لی کام خوان، افراد زیر را نیز دارای حق دریافت سود بیمه خواند: والدین، ولی نعمت یا ذی‌نفع، بدهکار، سرور یا خدمتکار، شرکت یا مدیر، طرح تعلیق، متولی یا کارمند، شریک و موجر یا مستاجر.^{۱۳۵}

تحت قوانین انگلستان، علاوه بر افراد فوق الذکر افراد دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند سود بیمه را دریافت کنند. آنها عبارتند از: شریک زن (که به حمایت و مراقبت شریک مرد خود نیاز دارد)^{۱۳۶}، شریک همجنس^{۱۳۷} و فرزند نامشروع.^{۱۳۸}

دوم. افراد تعیین شده بر مبنای انتصاب (قانونی)

صرف داشتن حق دوفاکتو، فرد نمی‌تواند ادعای سود بیمه را داشته باشد. دارنده‌ی حق دوفاکتو باید پیش از آن توسط دارنده‌ی بیمه نامه منصوب شده باشد. ماده‌ی ۱۱ قانون زنان متاهل ۱۸۸۲ انگلستان به طور واضح قید کرده که دارنده‌ی حق دوفاکتو برای آن‌که بتواند مدعی سود بیمه شود باید توسط دارنده‌ی بیمه تعیین شده باشد.^{۱۳۹} ماده‌ی ۷۳ واگذاری اسناد و قانون اموال ۱۹۰۹ سنگاپور، ماده‌ی ۳۹ قانون بیمه‌ی ۱۹۳۸ هند^{۱۴۰} و ماده‌ی ۲۳ قانون مدنی ۱۹۵۶ اصولاً بر پایه‌ی ماده‌ی ۱۱ قانون اموال زنان متاهل ۱۸۸۲ انگلستان قرار دارد. همه‌ی این مفاد بر لزوم انتصاب توسط دارنده‌ی بیمه تأکید نموده‌اند. این موقعیت در مالزی مشابه قوانین انگلستان، هند و سنگاپور است. شرایط مستثنی نیز وجود دارد که تحت آن، حق دریافت سود بیمه از فرد گرفته می‌شود. این شرایط عبارتند از: فرد منصوب نشده^{۱۴۱}؛ کودک زیر ۱۰ سال^{۱۴۲}؛ محکومیت دارنده‌ی بیمه به حکم مرگ (در بیمه‌ی عمر) یا کشته شدن دارنده‌ی بیمه توسط ذی‌نفع. در ره استون^{۱۴۳} این‌طور برداشت شده که هرچند قاتل حق برداشت از سود بیمه را داشته باشد زمانی که بیمه شده را کشته باشد از آن حق محروم می‌شود.

زمانی که دارنده‌ی بیمه در بیمه‌ی عمر مرتکب خودکشی شود، زمینه برای متوقف کردن سود بیمه مهیا می‌شود. در انگلستان، پیش از قانون خودکشی ۱۹۶۰، خودکشی جرم تلقی می‌شد.^{۱۴۴} در شرکت بیمه‌ی برسفورد و رویال^{۱۴۵} مرکز تصمیم‌گیری‌ها تعیین نمود که هرگاه دارنده‌ی بیمه در سلامت عقل، مرتکب خودکشی شود از بیمه محروم می‌شود. اما در پی تصویب قانون خودکشی در سال ۱۹۶۱ تعیین شد که بیمه‌ی عمر در صورت خودکشی فرد نیز لازم الاجراست.^{۱۴۶} از این رو این امر، ذی‌نفع را از دریافت سود بیمه

محروم نمی‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به موجب ماده‌ی یک قانون خودکشی ۱۹۶۱ انگلستان، خودکشی دیگر جرم نیست.^{۱۴۷}

در استرالیا اگر فرد در دوره‌ی ۱۳ ماهه‌ی آغاز قرارداد مرتکب خودکشی شود، بیمه نامه باطل است.^{۱۴۸} جایگاه این مورد در نیوزلند، مشابه استرالیا است.^{۱۴۹} از سوی دیگر در آمریکا، این شرایط کمی متفاوت‌تر از انگلستان، استرالیا و نیوزلند است. در آمریکا اگر دارنده‌ی بیمه ظرف دو سال از آغاز قرارداد بیمه مرتکب خودکشی شود، قرارداد لازم الاجرا نخواهد بود. در شرکت بیمه‌ی عمر مشارکتی شمال غربی جانسون^{۱۵۰} یکی از دارندگان بیمه دو سال پس از آغاز قرارداد دست به خودکشی زد و تصمیم بر این شد که بیمه نامه معتبر و لازم الاجراست اما اصل در این مورد این بود که اگر دارنده‌ی بیمه در سلامت عقل یا غیر از آن، در مدت دو سال از آغاز قرارداد خودکشی کند، قرارداد باطل خواهد بود.

در مالزی، خودکشی هیچگاه در قوانین جزایی، جرم محسوب نشده است.^{۱۵۱} اما تحت قوانین جزایی، دست زدن به خودکشی یا معاونت در آن جرم محسوب می‌شود.^{۱۵۲} قانون بیمه ۱۹۹۶ هیچ حکمی درباره‌ی خودکشی نداده است. با این وجود، بیمه‌گران بند خودکشی را در قرارداد بیمه‌ی عمر جای می‌دهند. از این رو خودکشی بیمه شده در مالزی طی ۱۲ تا ۱۳ ماه،^{۱۵۳} ذی‌نفع وی را از دریافت حق بیمه‌ی وی محروم می‌سازد.^{۱۵۴}

ذی‌نفع در شرایط فوق این حق را دارد که تنها هزینه‌ی پرداختی را از شرکت بیمه طلب کند.^{۱۵۵} اما در شرایطی که سود شخص ثالث در بیمه‌ی عمر (زمانی که دارنده‌ی بیمه در مدت زمان مشخص شده دست به خودکشی بزند) افزایش یابد، حکم آن در مالزی متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال اگر دارنده‌ی بیمه، قرارداد را گرو بگذارد و از بانک وام دریافت کند، سود بانک به دلیل خودکشی دارنده‌ی بیمه قطع نخواهد شد.^{۱۵۶}

۲-۲-۵. نهایت حسن نیت

اول. فعالیت‌های تکافل

خداوند بشر را آفرید و به او دستور داد تا عدالت و انصاف را رعایت کند و از مبادلات ناعادلانه در زندگی خود پرهیز نماید. خداوند دستور داده:

«ان الله يامر بالعدل والاحسان و ايتاي ذى القربى و ينهاى عن

الفحشاء والمنكر و البغى يعظكم لعلكم تذكرون»

«خداوند به عدالت، احسان و نیکی با نزدیکان دستور داده و

از اعمال زشت و منکر نهی نموده است. او به شما درس

می‌دهد تا آن را به یاد داشته باشید.»^{۱۵۷}

حکم خداوند شامل مبادلات عادلانه در همه‌ی فعالیت‌های تجاری نیز می‌باشد. پروفیسور "س. مصباح الحسن"، به منظور برقراری عدالت و انصاف در فعالیت‌های تجاری پیشنهاد داده که عوامل قمار، شک، ربا، تک همسری، محدودیت‌های تجاری، احتکار اموال، فعالیت‌های نیرنگ آمیز، تبلیغات نیرنگ آمیز و تبعیض و مبادله‌ی کالا و خدمات که توسط احکام شرع، غیرقانونی هستند از همه‌ی مبادلات تجاری حذف شود.^{۱۵۸}

تجارت و بازرگانی آن‌طور که بین انسان‌ها اجرا می‌شود باید در حالت تعامل، انسجام و برادری اعمال شود و این‌ها باید با دیدگاه درستی اجرا شود که به هیچ وجه تحت تاثیر دیدگاه‌های شیطانی قرار نگرفته باشد. خداوند دستور می‌دهد:

«و تعاونوا على البر و التقوى و لا تعاونوا على الاثم و العدوان

و اتقوا الله ان الله شديد العقاب»

«به یکدیگر در درستی و تقوی یاری رسانید، اما به یکدیگر

در گناه و دشمنی کمک نکنید: زیرا خداوند عذابی بزرگ برای

آن در نظر گرفته است.»^{۱۵۹}

خداوند و پیامبر اکرم (ﷺ) تعالیم زیادی برای هدایت فرد به حفظ درستی، عدالت

و انصاف و همین‌طور ترس از خداوند در مبادلات تجاری ارائه داده‌اند. که حفظ این

صداقت، عدالت و انصاف با نهایت حسن نیت،^{۱۶۰} حکم اخلاقی بزرگی است که باید برای تضمین قانونی بودن مبادله نزد اصول شرعی مورد تاکید قرار گیرد. از این رو خداوند بندگان را از تملک نادرست اموال باز می‌دارد و آنان را به عمل در جهت حسن نیت متقابل دعوت می‌کند:

«يا ايها الذين آمنوا لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان تكون تجاره ان تراض منكم»

«ای اهل ایمان! مال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر تجارتي باشد که به آن راضی هستید.»^{۱۶۱}

ربا در معامله نیز بی عدالتی از سوی کسی است که مرتکب آن می‌شود. از این روست که خداوند ما را از هر نوع ربا در معامله باز می‌دارد. وی می‌فرماید:

«و احل الله البيع و حرم الربا»

«و خداوند مبادله را حلال و ربا را حرام نمود.»^{۱۶۲}

عامل شک نیز در وضوع قرارداد یا شرایط آن صورت می‌پذیرد.^{۱۶۳} شک در هر نوع مبادله نوعی حس شیطانی است که به عامل مبادله فرصت تقلب و ظلم به بی گناه را می‌دهد. از این روست که پیامبر اکرم (ﷺ) ما را از آن باز می‌دارد:

«حدثني يحيى بن مالك عن ابن حازم بن دينار عن سعيد بن

مسيب ان رسول الله (ﷺ) نهى عن بيع الغرر»

«نقل است از يحيى بن مالك از ابن حازم ابن دينار از سعيد

بن مسيب كه پيامبر اکرم (ﷺ) ما را از مبادله ای كه در آن

شك باشد نهی فرمود.»^{۱۶۴}

اشكال گوناگونی از تقلب و خیانت وجود دارد كه در مبادله بوجود می‌آید. هر مبادله‌ای كه مفید باشد و بر ارزش زندگی انسان می‌افزاید در تعالیم اسلام مجاز شمرده می‌شود به شرطی كه در آن هیچ گونه بی‌عدالتی جای نداشته باشد. پیامبر اکرم (ﷺ) طرفین قرارداد را به اعمال درستی در مبادله امر نموده است.

«عن عبدالله بن عمر ان رجلا ذكر للنبي (ﷺ) انه يخدع في البيوع فقال اذا بايعت فقل لا خلا به»

«نقل است از عبدالله بن عمر که مردی نزد پیامبر اکرم (ﷺ) آمد گفت همیشه در معامله به من خیانت می‌شود. پیامبر (ﷺ) به وی فرمود در هنگام خرید بگو تقلب در کار نباشد.»^{۱۶۵}

پیامبر اکرم (ﷺ) در حدیثی دیگر اعمال نجش (نوعی تقلب یا حقه در مبادله برای فریب طرف دیگر) را به شدت ممنوع ساخته است. وی می‌فرماید:

«عن نافع عن عبدالله بن عمر قال نهى النبي (ﷺ) عن النجش.»

«نقل است از نافع، از عبدالله بن عمر که پیامبر اکرم (ﷺ) نجش را ممنوع دانست.»^{۱۶۶}

«و قال ابن اوفى: النجش آكل الربا خائن و هو خداع باطل لا يحل. قال نبي (ﷺ) الخديعه في النار و من عمل عملاً ليس عليه امرنا فهو رد.»

«ابن اوفی گفت: هر کس مرتکب نجش شود رباخوار است و این کار شدیداً رد شده است. پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: نیرنگ شما را به جهنم می‌راند و کسی که مرتکب عملی خلاف احکام ما شود، عملش پذیرفته نخواهد بود.»^{۱۶۷}

در مبادله، یکی از نخستین وظایف طرفین قرارداد، رعایت نهایت حسن نیت است تا درستی مبادله تأیید گردد. مبادله‌ی درست شایسته‌ی رحمت خداوند است و این رحمت به طرفین مبادله عطا می‌شود. اما مبادله‌ی نادرست چیزی غیر از رحمت و برکت را برای فرد به همراه می‌آورد. پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود:

«عن حکیم بن حزام قال: قال رسول الله (ﷺ) البيعان بالخيار ما لم يفترقا او قال: حتى يفترقا فان صدقا و بينا بورك لهما في بيعهما و ان كنما و كذبا محقت بركة بيعهما»

«نقل است از حکیم بن حزام که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: اگر خریدار و فروشنده هر دو در نهایت صداقت، معايب کالا را مطرح کرده باشند حق دارند جنس را نگاه دارند یا پس دهند و در هر دو صورت مورد رحمت و برکت خدا قرار دارند و اگر دروغ بگویند و فریب در کارشان باشد نعمت از بین می‌رود.»^{۱۶۸}

پیامبر اکرم (ﷺ) عاقبت کسانی که از حسن نیت تخطی می‌کنند را این‌گونه بیان می‌کند:

«عن عبيد بن رفاعه عن ابيه عن النبي (ﷺ) قال: يحشرون يوم القيامة فجارا الا من اتقى و بر و صدق.»

«نقل است از عبید از پدرش که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: بازرگانان در روز قیامت به عنوان ستمگر گرد هم می‌آیند، مگر کسانی که تقوی، پرهیزکاری و نیکی را توشه‌ی راهشان کرده باشند.»^{۱۶۹}

پیامبر اکرم (ﷺ) خبر خوبی برای کسانی می‌آورد که با صداقت و درستی در معامله، حسن نیت را رعایت کرده اند. وی می‌فرماید:

«عن ابي سعيد قال: قال رسول الله (ﷺ) التاجر الصدوق الأمين مع نبين و الصديقين و الشهداء»

«نقل است از ابی سعید که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: تاجر درست کار با پیامبران، صدیقین و شهدا محشور خواهد بود.»^{۱۷۰}

یکی از اصحاب پیامبر اکرم (ﷺ) عقبه بن عامر، عواقب قانونی نقض حسن نیت در مبادله را مورد تأکید قرار می‌دهد:

«و قال عقبه بن عامر: لا يحل لامرئ يبيع سلعه يعلم ان بها
داء الا اخبره»

«عقبه بن عامر می‌فرماید: کسی که جنسی ایراددار را در حالی
که از آن اطلاع دارد بفروشد کاری غیرقانونی کرده مگر این‌که
خریدار را از آن عیب مطلع سازد.»^{۱۷۱}

از موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت که زندگی مرفه نیازمند آن است که انسان در
فعالیت‌های تجاری گوناگونی شرکت کند. چنین فعالیت‌هایی نه تنها مجاز است بلکه
بارها توسط احکام الهی به آن دستور داده شده. اما تحت قوانین اسلامی هرچند انسان
مجاز است که در فعالیت‌های تجاری شرکت کند، اما این فعالیت‌ها باید کاملاً با احکام
شرع مطابقت داشته باشد. یکی از ملزومات مهم این است که فرد در همه‌ی جنبه‌های
معامله، نهایت درستی و حسن نیت را رعایت نماید تا درستی معاملات تضمین شود و
مورد تأیید خداوند قرار گیرد. از این‌رو درستی فعالیت تجاری در قوانین شرع تا حدود
زیادی به رعایت حسن نیت بستگی دارد.

قرارداد بیمه نوعی فعالیت تجاری است و از این رو باید این‌طور نتیجه گرفت که
قرارداد بیمه نوعی قرارداد در نهایت حسن نیست می‌باشد. این یعنی این‌که صحت بیمه
نامه به اصول حسن نیت بستگی دارد. بنابراین اگر حسن نیت اعمال نشود، قرارداد لازم
الاجرا نخواهد بود.

ایده‌ی اصلی حسن نیت در قرارداد بیمه طرفین را ملزم می‌سازد تا حقایق یا مسائلی
که بیمه را تحت تأثیر قرار می‌دهد را فاش نمایند. از این رو در بیمه‌ی اسلامی، قراردادی
که خلاف این باشد باطل خواهد بود. علت نیز این است که بیمه نامه قراردادی متکی به
رضایت و حسن نیت طرفین است که در آن طرفین ملزم به رعایت قوانین و مقررات
اعمال شده هستند اما شرایط و مقررات نیز نگر آمیز، آنان را ملزم نمی‌سازد. پیامبر
اکرم (ﷺ) می‌فرماید:

«المسلمون علی شروطهم الا شرطا حرم حلالا او احل حراما
مسلمانان باید به شرایطشان عمل کنند مگر شرایطی که
غیرقانونی باشد یا شرایط غیرقانونی را سبب شود.»^{۱۷۲}

به علاوه اگر قرارداد بیمه‌ای امضا شده در نتیجه‌ی عدم فاش حقایق مربوط به آن
باشد شرع آن را معتبر نخواهد دانست. حدیث زیر این مورد را توجیه می‌نماید:

«عن حکیم ابن حزام عن النبی (ﷺ) قال: ... فان صدقا و بینا
بورک لهما فی بیعهما و ان کتما و کذبا محقت برکت بیعهما»
«نقل است از حکیم ابن حزام که پیامبر اکرم (ﷺ): ... و اگر
حقیقت را گفتند و یکدیگر را از معایب باخبر کردند، برکت در
معامله‌شان وارد خواهد شد و اگر چیزی را پنهان نمودند و
دروغ گفتند، برکت از آنان گریزان خواهد شد.»^{۱۷۳}

دوم. شیوه‌های عدم فاش حقایق

در بیمه نامه، عدم فاض حقایق توسط یکی از طرفین، یکی از اشکال زیر را دارد:

الف. تدلیس

تدلیس در بیمه نامه توسط بیمه‌گر یا بیمه شده یا حتی عامل انجام می‌شود. این حالت یا
در خصوص موضوع قرارداد است یا خود قرارداد. مثلا اگر فرد دو ساختمان یکسان
داشته باشد و خریدار بیمه قصد داشته باشد ساختمانی غیر از آنچه به شرکت بیمه معرفی
کرده را بیمه نماید یا یکی از طرفین، به منظور فریب طرف دیگر، بندی را به قرارداد
بیفزاید. به عبارت دیگر، مفهوم تدلیس عبارت است از بیان یا ارائه‌ی چیزی برخلاف
حقیقت.^{۱۷۴} در تعالیم الهی، نه تنها در قرارداد بیمه، بلکه در همه‌ی معاملات بشر هیچ
جایی برای تدلیس وجود ندارد. آیه‌ی قرآنی زیر این نکته را تصدیق می‌کند:

«یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتاً عند الله ان
تقولوا ما لا تفعلون»

«ای اهل ایمان! چرا چیزی را می‌گویید که انجام نداده اید که

این کار در نزد خداوند بسیار ناپسند است.»^{۱۷۵}

از این رو طرفین قرارداد از نظر اخلاقی مسئولند تا پیش از امضای قرارداد، حقایقی

که بر آن تاثیر می‌گذارد را بدون ذره ای تدلیس فاش نمایند. امام بخارایی می‌فرماید:

«إذا بین البیعان و لم یکتما و نصحا»

«اگر خریدار و فروشنده نکات مثبت و منفی معامله را فاش

کنند و چیزی را پنهان نسازند و توصیه‌های دوستانه ارائه

دهند در معامله موفق خواهند شد.»^{۱۷۶}

ب. کلاهبرداری

عمل یا حذف چیزی با نیت شر یا سوء نیت و یا به عنوان نیرنگ، کلاهبرداری نامیده

می‌شود. تحت قوانین اسلامی، جایی برای کلاهبرداری نیست، چرا که فعالیت تجاری

است که مرتکب به آن را به سود غیرقانونی امیدوار می‌کند و باعث بی‌عدالتی نسبت به

افراد بی‌گناه می‌شود.

ابن ابی اوفی می‌فرماید:

«قال ابن ابی اوفی: الناجش آکل ربا خائن و هو خداع باطل

لا یحل قال نبی (ﷺ) الخدیعه فی النار و من عمل عملا

لیس علیه امرنا فهو رد»

«ابن اوفی فرمود: هر کس مرتکب نجش شود رباخوار است و

این کار شدیداً رد شده است. پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود نیرنگ

شما را به جهنم می‌راند و کسی که مرتکب عملی خلاف

احکام ما شود، عملش پذیرفته نخواهد بود.»^{۱۷۷}

فقه‌های اسلامی این مطلب را این‌طور خلاصه نموده‌اند که کلاهبرداری در

فعالیت‌های تجاری شامل دو جنبه‌ی اصلی است:

- استثمار از راه فریب

- وادار کردن فرد به امضای قرارداد^{۱۷۸}

ماده‌ی ۱۲۵ قانون مدنی مصر علیه کلاهبرداری در فعالیت‌های تجاری حکم داده است. حکم مزبور به قرار زیر است:

«در صورت تدلیس و فریب از جانب یکی از طرفین یا

نمایندگان، قرارداد باطل خواهد بود»^{۱۷۹}

ماده‌ی ۱۵۱ قانون مدنی کویت نیز همین امر را مطرح نموده است:

«قرارداد در نتیجه‌ی تدلیس و در صورتی که یکی از طرفین

قرارداد به دلیل اختفاء حقایق از سوی فرد دیگر آن را امضا

کرده باشد، باطل است. باید نشان داد که فرد فریب خورده از

قرارداد راضی نیست و به خاطر فریبی که خورده آن را

نمی‌پذیرد.»^{۱۸۰}

قانون قرارداد سال ۱۹۶۹ بحرین، ماهیت فعالیت‌های خلافی را شرح می‌دهند که

پای تدلیس را به قرارداد باز می‌کنند:

۱. حقیقی نشان دادن مسائل نادرست توسط کسی که از نادرست بودن آن خبر

دارد و یا با بی توجهی به درست یا غلط بودن آن توجه ندارد.

۲. اختفاء حقیقت توسط کسی که از آن اطلاع دارد.

۳. دادن قول بدون هدف انجام آن

۴. هر گونه فعالیت نیرنگ آمیز

۵. هر گونه عمل یا اقدامی که توسط قانون، کلاهبرداری شناخته می‌شود.^{۱۸۱}

همین‌طور ماده‌ی ۱۸۵ قانون مدنی امارات متحده‌ی عربی کلاهبرداری در

فعالیت‌های تجاری را این‌گونه تعریف می‌کند:

«کلاهبرداری زمانی است که یک یا هر دو طرفین یکدیگر را

از طریق عبارات یا اعمال نیرنگ آمیز فریب می‌دهند و

دیگری را به امضای قراردادی متقاعد می‌کنند که در صورت

اعلام حقیقت وارد آن نمی‌شد.»^{۱۸۲}

در بیمه نامه، عمل نیرنگ آمیز یا دربارهی موضوع قرارداد بکار می‌رود یا دربارهی خود قرارداد و یا هر دوی اینها و می‌تواند از سوی بیمه گر یا بیمه شده یا توسط عامل انجام شود. این عمل زمانی روی می‌دهد که یکی از طرفین با نیت سوء، عبارتی را در دربارهی قرارداد بیان می‌کند تا از این طریق سود دریافت کند. به علاوه اگر قرارداد بیمه بر اساس نیرنگ بسته شود از اعتبار برخوردار نخواهد بود. حدیث زیر، مؤید این مطلب است:

«قال عقبه ابن عامر : لا یحل لامری یبیع سلعه یعلم ان بها داء
الا اخره»

«عقبه ابن عامر می‌فرماید: فروختن چیزی به کسی که از عیب آن خبر ندارد کاری غیرقانونی است، مگر آنکه خریدار را از آن مطلع سازند.»^{۱۸۳}

عبارت نیرنگ آمیز، از نظر قانونی ممنوعیت دارد و اگر چنین عبارت یا عملی باعث امضای قرارداد توسط فردی بی اطلاع از آن شود، فرد مزبور ملزم به اجرای قرارداد نخواهد بود. از این رو اگر بیمه نامه بر اساس چنین اظهاراتی منعقد گردد، فرد فریب خورده ملزم به اجرای آن نیست و قرارداد به دلیل تدلیس و نیرنگ لازم الاجرا نخواهد بود. حدیث زیر از پیامبر اکرم (ﷺ)، این گفته را توجیه می‌نماید:

«المسلمون علی شروطهم الا شرطاً حرم حلالاً او احل حراماً
مسلمانان باید به شرایطشان عمل کنند مگر شرایطی که
غیرقانونی باشد یا شرایط غیرقانونی را سبب شود.»^{۱۸۴}

ج. کتمان

در مبادلات تجاری اسلامی، فاش نمودن حقایق امور مربوط به موضوع قرارداد، وظیفه‌ی شرعی و اخلاقی افراد است. طرفین هیچ حقی برای پنهان یا مخفی کردن معایب موضوع قرارداد یا خود قرارداد را ندارند. همین امر دربارهی قرارداد بیمه نیز صدق می‌کند. بنابراین طرفین قرارداد وظیفه دارند معایب کار را بر یکدیگر فاش کنند.

بنابراین در بیمه‌ی اسلامی اگر هر یک از طرفین قرارداد، به عمد مطلبی را از دیگری پنهان کند که بر قرارداد تاثیر گذار است، قرارداد باطل است و علت آن، کتمان حقایق می‌باشد.

خداند متعال با اعطای برکت به قراردادهایی که در آن طرفین حقایق را از یکدیگر مخفی نمی‌کنند، آنها را مورد رحمت خود قرار می‌دهد اما در غیر این صورت، برکت مبادله از بین خواهد رفت. پیامبر اکرم (ﷺ) می‌فرماید:

«عن حکیم ابن حزام عن النبی (ﷺ) قال: ... فان صدقا و بینا بورک لهما فی بیعهما و ان کتما و کذبا محقت برکت بیعهما»

«نقل است از حکیم ابن حزام که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: ... و اگر حقیقت را گفتند و یکدیگر را از معایب باخبر کردند، برکت در معامله شان وارد خواهد شد و اگر چیزی را پنهان نمودند و دروغ گفتند، برکت از آنان گریزان خواهد شد.»^{۱۸۵}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم برای کسانی که با کتمان حقایق مربوط به قرارداد، آنها را فاش نکنند جریمه تعیین می‌کند. وی می‌فرماید:

«عن واثله ابن الاسقع قال: سمعت رسول الله (ﷺ) یقول من باع عیبا لم ینبه لم یزل فی مقت الله او لم تزل الملائکه تلعنه نقل است از واثله ابن الاسقع رضی الله: از پیامبر اکرم (ﷺ) شنیدم که می‌فرمود هر کس جنسی معیوب را بدون افشاء حقیقت به کسی بفروشد مورد خشم پروردگار و لعن و نفرین فرشتگان قرار می‌گیرد.»^{۱۸۶}

پیامبر اکرم (ﷺ) در موقعیتی دیگر درباره‌ی کسانی سخن می‌گوید که در مبادلات تجاری نیرنگ بکار می‌برند و می‌فرماید:

«قال النبی (ﷺ) الخدیعه فی النار و من عمل عملا لیس علیه امرنا فهو رد

پیامبر (ﷺ) می‌فرماید نیرنگ در مبادلات به آتش می‌انجامد و هر کس عملی مغایر با سنت ما انجام دهد آن عمل از او پذیرفته نخواهد بود.^{۱۸۷}

در خصوص تأثیر قانونی کتمان حقایق مبادلات، عقبه بن عامر و اما ملک به این نتیجه رسیده‌اند که افکار شیطانی (کتمان حقایق) باعث ابطال قرارداد می‌شود.^{۱۸۸} عقبه بن عامر می‌فرماید:

«قال عقبه ابن عامر : لا يحل لامری يبيع سلعه يعلم ان بها داء الا اخبره»

«عقبه ابن عامر می‌فرماید: فروختن چیزی به کسی که از عیب آن خبر ندارد کاری غیرقانونی است، مگر آنکه خریدار را از آن مطلع سازند.»^{۱۸۹}

«قال مالک رحمه الله: الامر بالمجتمع عليه عندنا فيمن باع عبدا او وليده او حيوانا بالبرائه من اهل الميراث او غير هم فقد برى من كل عيب فيما باع الا ان يكون علم في ذلك عيبا فكتمه لم تنفعه تبرئته و كان ما باع مردودا عليه»

«مالک رحمه الله می‌فرماید: روشی که عموم افراد بر آن توافق دارند این است که اگر فردی برده‌ی مرد یا زن یا حیوانی را بفروشد و در آن عیبی باشد، مسئول آن عیب نیست مگر آن‌که از آن اطلاع داشته باشد و آن را کتمان کند. در این صورت گفته‌های وی مبنی بر اینکه این مسائل به وی مربوط نیست، گناه را از دوش او بر نمی‌دارد و جنس فروخته شده به وی بازگردانده می‌شود.»^{۱۹۰}

ماهیت اختفاء عبارت است از گفتن یا انجام چیزی با مخفی کردن حقیقت درون قلب فرد که هدف از انجام آن، سود مادی است، اما نزد خداوند سودی ندارد. خداوند می‌فرماید:

«يقولون بافواههم ما ليس في قلوبهم و الله اعلم بما يكتُمون
 با دهانشان چیزی را می گویند که در قلبشان نیست و خداوند
 بر آنچه کتمان می کنند داناست.»^{۱۹۱}
 کتمان حقایق و بیان یا انجام کاری بر خلاف آن، یکی از گناهان بزرگ نزد خداست.
 خداوند می فرماید:

«يا ايها الذين آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون كبر مقتاً عند الله ان
 تقولوا ما لا تفعلون»

«ای اهل ایمان! چرا چیزی را می گوید که انجام نداده اید که
 این کار در نزد خداوند بسیار کریه است.»^{۱۹۲}

به همین خاطر است که خداوند به بشر دستور داد حقایق را کتمان نکنند و در
 معاملات، خلاف واقعیت را نشان ندهند. خداوند می فرماید:

«و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکنموا الحق و انتم تعلمون
 و به حقیقت لباس دروغ نپوشانید و زمانی که آن را می دانید،
 پنهانش نکنید.»^{۱۹۳}

بر اساس نکات فوق می توان نتیجه گرفت که بیمه نامه در صورتی که طرفین،
 حقیقتی را از یکدیگر پنهان کنند، باطل خواهد بود.

۳-۲-۵. محدودیت در افشاء حقایق

قرارداد بیمه حول یک سری اطلاعات می گردد. قانون افراد را ملزم ساخته تا حقایق
 مربوط به قرارداد را به طور کامل بر یکدیگر فاش نمایند. آیا قانون افراد را ملزم به افشاء
 همه ی اطلاعات می سازد؟ افشاء کلیه ی اطلاعات قرارداد، امری است ناممکن. اما عادلانه
 این است که کلیه ی اسرار، پیش از انعقاد قرارداد بر طرفین فاش شود. حدیث زیر از
 پیامبر اکرم (ﷺ) این گفته را تصدیق می نماید:

«عن حکیم ابن حزام عن النبی (ﷺ) قال: ... فان صدقا و بینا
 بورک لهما فی بیعهما و ان کتما و کذبا محقت برکت بیعهما

نقل است از حکیم ابن حزام که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: ...و اگر حقیقت را گفتند و یکدیگر را از معایب باخبر کردند، برکت در معامله شان وارد خواهد شد و اگر چیزی را پنهان نمودند و دروغ گفتند، برکت از آنان گریزان خواهد شد.^{۱۹۴} عموماً دو دسته حقیقت وجود دارد که لازمه‌ی هر قراردادی هستند. این‌ها عبارتند

از:

۱. خطرات اخلاقی؛ و

۲. خطرات فیزیکی^{۱۹۵}

اول. خطرات اخلاقی

خطر اخلاقی درباره‌ی بیمه شده حقیقتی مادی است که باید پیش از انعقاد قرارداد فاش شود. آیا این وظیفه درباره‌ی زمینه‌ی اخلاقی گذشته، حال و آینده‌ی فرد صدق می‌کند؟ در قانون اسلامی، خطرات اخلاقی حال، حقیقت مادی‌ای است که باید فاش شود. این خطر یا حقیقتی مربوط به قرارداد است که عدم افشاء آن بر قرارداد تاثیر می‌گذارد. اما همین امر لزوم افشاء حقایق گذشته را توجیه نمی‌کند.

علت این است که قرارداد بیمه نوعی مبادله‌ی مالی متقابل است که هدف از آن، تسهیم مسئولیت حفظ امنیت مادی فرد در برابر خطرات غیرمنتظره‌ی پیش آمده در جان، مال یا تجارت فرد است. همه‌ی افراد جامعه (بدون توجه به نژاد، جنسیت، مذهب یا رنگ) باید آزادی قانونی لازم برای شرکت در فعالیت‌های تجاری مجاز را داشته باشند. خداوند نه تنها تجارت را مجاز می‌شمارد بلکه بشر را به شرکت در فعالیت‌های تجاری به منظور حفظ هماهنگی جهان آزاد می‌گذارد. خداوند می‌فرماید:

«و اٰحلّ الله البیع و حرم الربا»

«و خداوند مبادله را حلال و ربا را حرام نمود.»^{۱۹۶}

بار دیگر خداوند می‌فرماید:

«فاذا قضيت الصلاه فانتشروا في الارض وابتغوا من فضل الله واذكروا الله كثيراً لعلكم تفلحون»

«و هنگامی که نماز گذاردید در زمین پخش شوید و به دنبال نعمات خداوند باشید (از طریق تجارت و تقبل حرفه‌های قانونی) و خداوند را به یاد داشته باشید تا رستگار شوید.»^{۱۹۷}

همین‌طور در آیه‌ی دیگری تجارت را برای افراد تا زمانی آزاد می‌شمارد که به‌طور قانونی و با حسن نیت به آن بپردازند. وی فرمان می‌دهد:

«يا ايها الذين آمنوا لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان تكون تجاره ان تراض منكم»

«ای اهل ایمان! مال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر تجارتی باشد که به آن راضی هستید.»^{۱۹۸}

از این رو هیچ حکمی از جانب خداوند در راستای تبعیض بین افراد در انجام مبادلات تجاری بر اساس پیشینه‌ی اخلاقی آنان وجود ندارد و افراد چه پیش از روز جزا و چه پس از آن مسئول فعالیت‌های غیر اخلاقی‌شان هستند اما این عدم رعایت اخلاقیات، آزادیشان در انجام فعالیت‌های تجاری را محدود نمی‌سازد. علت نیز این است که مجرمین و اصدقاء در محضر خداوند برابرند و می‌توانند هرطور بخواهند زندگی‌شان را اداره کنند. بنابراین طبق مسائلی که در اینجا مطرح شد می‌توان گفت که فرد مجرم نیز به همان اندازه‌ی افراد درستکار، حق دارد از خود، خانواده و تجارتش در برابر خطرات محافظت کند. اگر مجرم به دلیل گرایشات مجرمانه‌اش از چنین حقی محروم شود، چطور می‌تواند زندگی خود و خانواده‌اش را در این دنیا اداره کند و از خود و آنان در برابر خطرات محافظت نماید؟ تبعیض قائل شدن بین افراد در چنین مواردی از طریق جلوگیری از حقوق شخصی آنان در حفظ امنیت خود و خانواده‌شان در برابر خطرات، امری کاملاً ناعادلانه به شمار می‌آید.

از این رو می‌توان این‌گونه برداشت کرد که هرچند فرد مجرم مسئول جرائم خود است اما نباید به دلیل آن جرائم از حقوق تجاری‌اش محروم شود. از این رو می‌توان

این طور نتیجه گیری کرد که در بیمه نامه، تمایلات گذشته و آینده‌ی متقاضی، حقایقی نیست که پیش از انعقاد قرارداد نیازی به افشایشان باشد. همه‌ی افراد جامعه سوای از پیشینه‌ی جرائم شان باید فرصت ایجاد امنیت مادی معقول در برابر ضرر و زیان غیرمنتظره‌ی جانی و مالی را داشته باشند. این به این خاطر است که خداوند به مخلوقات خود دستور داده تا برای هدفی عالی و بدون توجه به گذشته‌ی یکدیگر، با هم همکاری نمایند. خداوند دستور می‌دهد:

«و تعاونوا علی البر و التقوی»

«و با یکدیگر در نیکوکاری و تقوی همکاری نمایید.»^{۱۹۹}

در قرارداد بیمه، خطرات اخلاقی حال حاضر، موضوع قرارداد را تشکیل می‌دهند و عدم افشاء چنین حقایقی بر بیمه نامه تاثیر می‌گذارد. موارد زیر، برخی از خطرات اخلاقی هستند که در بیمه‌ی اسلامی، مسئله می‌باشند.

الف. ویژگی‌ها و نگرش‌های کنونی

افراد جامعه بسیار متفاوت از یکدیگر هستند چرا که نگرش‌ها و ویژگی‌های متفاوتی دارند. در قرارداد بیمه، متقاضی باید این ویژگی‌های خاص را افشاء نماید زیرا عدم افشاء آن بر بیمه نامه تاثیر می‌گذارد. مثلاً اگر متقاضی به کشتن و سرقت افراد تمایل دارد، احتمال زندانی شدن او بسیار بالاست. در چنین مواردی شاید وی مجبور به پرداخت حق بیمه‌ی بالاتری باشد. اما همکاری با دارنده‌ی بیمه یکی از ملزومات بیمه نامه است. علت نیز این است که در مبادلات متقابل همکاری نباید یک جانبه باشد بلکه همه‌ی طرفین موظفند همکاری لازم را مبذول دارند. بر اساس احکام قرآن، این نوعی همکاری متقابل با مفهوم برادری است.^{۲۰۰}

هدف از این آیات ایجاد محیطی مبنی بر همکاری بین همه‌ی افراد بر سر هدفی متعالی است. از این رو از همه‌ی طرفین معامله انتظار می‌رود که در همه‌ی زمان‌ها همکاری را از یاد نبرند.

ب. شرایط مالی کنونی

شرکت بیمه نه موسسه‌ای خیریه است و نه سازمان رفاه بلکه موسسه‌ای مالی است با هدف ایجاد درک متقابل بین بیمه گر و بیمه شده از این نظر که هر دو قصد دارند در حفظ امنیت در برابر خطرات غیرمنتظره برای موضوع قرارداد با یکدیگر همکاری نمایند (از طریق مادی از جانب متقاضی و محافظت مادی توسط بیمه گر). از این رو برای متقاضی ضروری است که شرایط مالی کنونی خود را بر طرف دیگر فاش کند تا طرف دیگر بتواند تصمیم لازم برای قبول مسئولیت همکاری با چنین فردی را اتخاذ نماید. بنابراین اگر متقاضی (به دلیل ورشکستگی و ...) از نظر مالی ضعیف باشد نمی‌تواند حق بیمه را آنطور که باید و شاید پرداخت کند و این، هدف بیمه را زیر سوال می‌برد. آیه‌ی قرآنی زیر، این امر را اثبات می‌کند که در آن خداوند به بشر دستور داده تا همکاری متقابل داشته باشند و از آنها خواسته این همکاری، متقابل باشد. وی می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود»

«ای اهل ایمان! به تعهدات خود پایبند باشید.»^{۲۰۱}

از این رو کاملاً عادلانه است که بیمه گر از متقاضی انتظار داشته باشد تا موقعیت مالی خود را فاش نماید زیرا افشاء آن از ملزومات اصلی قرارداد است.

دوم. خطرات فیزیکی

مسئله‌ی خطرات فیزیکی عموماً از موضوع قرارداد بر می‌آید. هر موضوع یا حقیقتی که توسط متقاضی فاش نشده باشد، شرکت بیمه را به قبول تقاضای فرد بر اساس حقایق نادرست متقاعد می‌کند. به عنوان مثال در بیمه‌ی عمر، جان متقاضی، موضوع بیمه نامه است. اگر متقاضی از نظر ذهنی ناتوان باشد، مسئله‌ی خطر فیزیکی مطرح می‌شود که باید در زمان درخواست فاش شده باشد. یا در بیمه‌ی موتور، خودرو موضوع بیمه نامه است. اگر بدنه‌ی خودرو نواقص جدی داشته باشد، این آسیب‌ها، خطر فیزیکی محسوب می‌شود. در دو مورد فوق، متقاضی باید این حقایق را پیش از انعقاد قرارداد افشاء نموده باشد تا شرکت درباره‌ی قبول یا رد درخواست وی تصمیم بگیرد.

خطر فیزیکی، حقیقتی مادی است و متقاضی بیمه‌ی این نوع خطر موظف است حقایق مربوط به آن را پیش از انعقاد قرارداد فاش نماید. حکم زیر از پیامبر اکرم (ﷺ) این مسئله را توجیه می‌نماید:

«عن حکیم ابن حزام عن النبی (ﷺ) قال: ... فان صدقا و بینا

بورک لهما فی بیعهما و ان کتما و کذبا محقت برکت بیعهما

نقل است از حکیم ابن حزام که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود:

...و اگر حقیقت را گفتند و یکدیگر را از معایب باخبر کردند،

برکت در معامله شان وارد خواهد شد و اگر چیزی را پنهان

نمودند و دروغ گفتند، برکت از آنان گریزان خواهد شد.»^{۲۰۲}

طبیعتاً خطرات فیزیکی متعددی برای موضوع قرارداد پیش می‌آید و متقاضی وظیفه ندارد تمامی این خطرات و افشاء کند، بلکه باید حقایقی را بیان کند که عدم افشاء شان باعث گمراهی بیمه‌گر در تصمیم‌گیری در خصوص قبول یا رد تقاضا می‌شود. خطرات فیزیکی که باید پیش از انعقاد قرارداد افشاء شوند عبارتند از:

- ملیت؛
- محل اقامت؛
- شغل؛ و
- علائق و سرگرمی‌ها

در قرارداد بیمه‌ی عمر، متقاضی باید ملیت، محل اقامت، شغل و سرگرمی‌های کنونی خود را پیش از انعقاد قرارداد افشاء نماید. علت اهمیت این مسائل این است که بیمه‌گر از پرداخت حق بیمه و عدم قصور متقاضی در آن مطمئن باشد تا در هنگام نیاز از آنها بهره بگیرد. چنین اطلاعاتی برای پرداخت غرامت یا سود بیمه از جانب عامل ضروری است. در هر معامله‌ای، فعالیت باید آسان باشد و دشواری‌ها به حداقل رسانیده شود. علت نیز این است که خداوند نمی‌خواهد بندگان را به مشکل بیندازد. خداوند می‌فرماید:

«یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر»

«خداوند برای بندگانش رفاه را خواسته نه سختی را.»^{۲۰۳}

الف. پیشینه‌ی تکافل

تاریخچه‌ی تکافل در اینجا به این معنی است که آیا موضوع قرارداد مورد تقاضا (که در خطر است و درخواستی مبنی بر پوشش آن توسط بیمه مطرح شده است) در معرض یکی از موارد ذیل قرار گرفته یا خیر:

- رد صدور بیمه نامه توسط عامل
- رد تمدید بیمه نامه از سوی عامل
- لغو قانونی
- تعیین حق بیمه‌ی بیشتر به دلایل خاص
- وجود بیمه‌ی دیگر

چنین اطلاعاتی برای قرارداد بیمه بسیار اهمیت دارد و علت این است که اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری را در اختیار عامل قرار می‌دهد؛ اطلاعاتی از قبیل مسائل قانونی قرارداد (مثل اموال سرقت شده و ...).

تحت قوانین اسلامی، طرفین معامله باید با تراضی متقابل و حسن نیت با یکدیگر همکاری نمایند. اما اگر با استفاده از اطلاعات غلط به این رضایت دست یابند، قرارداد باطل تلقی می‌شود. این مورد در آیه‌ی قرآنی زیر آمده است:

«یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره ان تراض منکم»

«ای اهل ایمان! مال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر تجارتی باشد که به آن راضی هستید.»^{۲۰۴}

با تکیه بر این حکم قرآنی می‌توان نتیجه گرفت که در خواست عامل مبنی بر ارائه‌ی اطلاعات درست در خصوص پیشینه‌ی بیمه‌ای متقاضی، امری است کاملاً عادلانه و منطقی.

ب. موقعیت فعلی موضوع قرارداد

موقعیت فعلی موضوع قرارداد از جمله معایب و مسائل قانونی (از جمله اموال قاپچاق، دزدی و سوء تملیک و ...) از مسائل مهم قرارداد است که باید پیش از انعقاد قرارداد بر عامل افشاء گردد. علت نیز این است که عدم افشاء معایب و حقایق موضوع قراردادهای تجاری از دید شرع، کاملاً غیرقانونی است. عقبه بن عامر این طور اظهار داشته:

«و قال عقبه بن عامر : لا يحل لامری یبیع سلعه یعلم ان بها
داء الا اخبره»

«عقبه بن عامر می‌فرماید: کسی که جنسی ایراددار را در حالی
که از آن اطلاع دارد بفروشد کاری غیرقانونی کرده مگر این‌که
خریدار را از آن عیب مطلع سازد.»^{۲۰۵}

از این رو مالک موضوع قرارداد موظف است پیش از انعقاد قرارداد، معایب موجود
در موضوع را ابراز نماید. پیامبر اکرم (ﷺ) امت خود را اینگونه پند داده است:

«عن حکیم بن حزام قال: قال رسول الله (ﷺ) البيعان
بالخيار مالم يفتقا او قال: حتى يفتقا فان صدقا و بينا بورک
لهما فی بيعهما و ان کتما و کذبا محقت بيعهما»

«نقل است از حکیم بن حزام که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود:
اگر خریدار و فروشنده هر دو در نهایت صداقت، معایب کالا
را مطرح کرده باشند حق دارند جنس را نگاه دارند یا پس
دهند و در هر دو صورت مورد رحمت و برکت خدا قرار
دارند و اگر دروغ بگویند و فریب در کارشان باشد نعمت از
بین می‌رود.»^{۲۰۶}

پیامبر اکرم (ﷺ) در جایی دیگر عاقبت افرادی که معایب قرارداد را بر طرف دیگر
فاش نمی‌کنند این گونه شرح می‌دهد. وی می‌فرماید:

«عن وائله بن الاسقع قال: سمعت رسول الله (ﷺ) يقول من باع عيياً لم ينبه لم يزل في مقت الله او لم تزل الملائكة تلغنه نقل است از وائله بن الاسقع: شنیدم پیامبر اکرم (ﷺ) می فرمود کسی که جنسی معیوب را بی آنکه به خریدار بگوید بفروشد مورد خشم پروردگار قرار می گیرد و فرشتگان بر وی نفرین می فرستند.»^{۲۰۷}

بنابراین موقعیت فعلی موضوع و جایگاه قانونی آن، حقایقی هستند که در بیمه نامه از اهمیت برخوردارند. با تکیه بر احادیث فوق می توان دریافت که متقاضی وظیفه دارد نواقص موجود و جایگاه قانونی موضوع قرارداد را پیش از انعقاد آن بر بیمه گر فاش نماید تا هدف بیمه که همان همکاری بین عامل و متقاضی و تسهیم مسئولیت محافظت در برابر خطرات پیش بینی نشده است به انجام رسد.

ج. پیشینه ی پزشکی

پیشینه ی پزشکی متقاضی برای تعیین احتمال سلامت وی به ویژه در بیمه ی عمر از اهمیت زیادی برخوردار نیست. زیرا مرگ و زندگی در دستان خداوند است و نمی توان آن را با پیشینه ی پزشکی تعیین کرد. خداوند در قرآن می فرماید:

«ان الله عنده علم الساعة و ينزل الغيث و يعلم ما فی الارحام و ما تدری نفس ماذا تکسب غداً و ما تدری نفس بای ارض تموت ان الله علیم خبیر»

«همانا علم ساعت نزد خداوند است. اوست که باران را بر زمین می فرستد و از درون رحم خبر دارد. هیچ کس نمی داند در کجا خواهد مرد. همانا خداوند علیم و خبیر است.»^{۲۰۸}

از این روست که مثلاً در خانواده ای پدر مریضی شدیدی دارد و پسر کاملاً سالم است. پسر به طور تصادفی پیش از پدر می میرد، هرچند از پدر سالمتر بوده. آیا در این مثال درست است که پدر را به دلیل سابقه ی بیماری بیمه نکنیم و پسر را بیمه کنیم؟ از

این رو تعیین احتمال مرگ افراد از روی پیشینه‌ی پزشکی‌شان کاملاً بی‌اساس است. علت نیز این است که مرگ به بیماری بستگی ندارد بلکه در دستان خداوند است. خداوند می‌فرماید:

«و ما کان لنفس ان تموت الا باذن الله کتاباً موجلاً»

«هیچ نفسی نمی‌تواند بدون اجازه‌ی خداوند بمیرد زیرا مرگ و زندگی نزد خداوند مکتوب است.»^{۲۰۹}

اما دو دلیل وجود دارد که نشان می‌دهد پیشینه‌ی پزشکی متقاضی در بیمه نامه اهمیت دارد و باید پیش از انعقاد قرارداد فاش شود:

۱. برای تضمین پرداخت حق بیمه از سوی متقاضی. قرارداد بیمه نوعی مبادله‌ی مالی بر سر همکاری متقابل است که در آن، مسئولیت بین عامل و متقاضی تقسیم می‌شود. در چنین مبادله‌ای مسئولیت متقاضی، پرداخت حق بیمه و مسئولیت بیمه‌گر، محافظت از وی در برابر خطرات وارده به موضوع قرارداد است. بیمه شده ممکن است از بیماری خطرناکی (مانند ایدز، فلج موقت، جنون و ...) رنج ببرد و این امر وی را به کس دیگری وابسته کند. اگر چنین باشد وی نمی‌تواند حق بیمه را پرداخت کند. از این رو در این مورد وظیفه‌ی متقاضی این است که حقایق را بر شرکت بیمه فاش نماید.

۲. پیشینه‌ی پزشکی متقاضی در مورد بیمه‌ی سلامت نیز اهمیت دارد. در بیمه‌ی سلامت، پوشش بیمه بر روی بیماری‌هاست. از این رو متقاضی چنین بیمه نامه‌ای وظف است پیشینه‌ی پزشکی خود را ارئه دهد تا بیمه بتواند درباره‌ی آن تصمیم بگیرد.

د. حقایق دیگری که در بیمه نامه اهمیت دارند

پیش از پذیرش تقاضای افراد برای قرار گرفتن تحت پوشش بیمه، طرفین حق دارند از یکدیگر در خصوص حقایق و مشخصات قرارداد پرسش و تفحص به عمل آورند که باید بر آنها فاش شود. به این صورت هیچ یک از طرفین فریب نخواهند خورد و در

نتیجه‌ی اطلاعات ناکافی دچار ضرر نمی‌شوند. همچنین با آگاهی کامل قرارداد را امضا می‌کنند و همکاری‌ها را آغاز می‌نمایند تا هدف بیمه که همان حفظ همکاری در حفظ امنیت در برابر خطرات احتمالی است برآورده شود. آیه‌ی زیر توجیهی است بر این امر:

«و تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان به یکدیگر در درستی و تقوی یاری رسانید، اما به یکدیگر در گناه و دشمنی کمک نکنید.»^{۲۱۰}

و. حقایقی که در بیمه نامه اهمیت ندارند

حقایق و مسائل خاصی وجود دارد که در بیمه نامه اهمیت چندانی ندارند. افشاء چنین اطلاعاتی از سوی طرفین ضروری نیست. این اطلاعات عبارتند از:

- حقایقی که متقاضی از آن آگاهی ندارد
- حقایقی که بیمه از آن صرف نظر کرده
- حقایقی که شناخته شده است
- حقایقی که خطر وارده به موضوع قرارداد را کاهش می‌دهد.
- حقایقی که بر عامل بیمه شناخته شده هستند
- حقایقی که طرفین آن را بی‌اهمیت می‌دانند؛ و
- حقایقی که اگر فاش شود خطرات ناخواسته یا اضافه‌ای را برای خود موضوع یا متقاضی پیش می‌آورند.

۴-۲-۵. مدت افشاء

یکی از اصول کلی قرارداد در قوانین اسلامی این است که طرفین قرارداد همه‌ی حقایق مربوط به قرارداد و موضوع را بر یکدیگر فاش نمایند تا طرف دیگر قادر به تصمیم‌گیری درست باشد. به همین خاطر خداوند دستور داده که بشر به تعهدات خود پایبند باشد. وی می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود»

«ای اهل ایمان! به تعهدات خود پایبند باشید.»^{۲۱۱}

طرفین قرارداد باید پیش از انعقاد قرارداد صریحا اعلام نمایند که قرارداد کاملا صحیح است. پیامبر اکرم (ﷺ) می فرماید:

«عن عبدالله بن عمر ان رجلا ذکر للنبی (ﷺ) انه یخدع فی البیوع فقال اذا بایعت فقل لا خلا به»

«نقل است از عبدالله بن عمر که مردی نزد پیامبر اکرم (ﷺ) آمد گفت همیشه در معامله به من خیانت می شود. پیامبر (ﷺ) به وی فرمود در هنگام خرید بگو ثقل در کار نباشد.»^{۲۱۲}

علاوه بر این اصل کلی، انتظاراتی نیز وجود دارد که طرفین قرارداد را به استفاده از حق انتخاب در افشاء حقایق مربوط به موضوع قرارداد حتی پس از انعقاد آن متقاعد می کند. این اصل استثنای حق انتخاب در اصطلاح تجاری، اختیار خوانده می شود. اصولاً دو دسته اختیار وجود دارد:

۱. اختیار طرفین قرارداد که در آن دوره‌ی اختیاری برای افشاء حقایق مربوط به موضوع قرارداد به توافق طرفین بستگی دارد؛ و
۲. اختیار قانونی که شامل اختیارات در تدلیس، نواقص یا تفحص است.^{۲۱۳}

در همه‌ی موارد اختیار مدت زمان محدودی دارد. رهنمودهای پیامبر اکرم (ﷺ) حاکی از آن است که اختیار در معامله نباید از سه روز تجاوز کند:

«قال مالک ما اصاب العبد او الولیده فی الایام الثلاثه فهو من البائع و ان عهده السنه من الجنون و البرص و الجذام فاذا مضت السنه فقد بریء البائع من العهده کلها»

«نقل است از مالک که فرمود: معایب برده‌ی زن و مرد ظرف سه روز پس از فروش به عهده‌ی فروشنده است و شناسایی

جنون، برص و جذام، یک سال مهلت دارد. بعد از یک سال دیگر مسئولیتی بر گردن فروشنده نخواهد بود.»^{۲۱۴}

در حدیثی دیگر، اختیار تا سه برابر افزایش یافته است. پیامبر اکرم (ﷺ) می‌فرماید:

«عن حکیم بن حزام قال: قال رسول الله (ﷺ) البیعان بالخیار مالم یفترقا قال همام: وجدت فی کتابی: یختار ثلاث مرار فان صدقا و بینا بورک فی بیعهما و ان کذبا و کتما ففسی ان یربحا ربحا و یمحق برکه بینهما»

«نقل است از حکیم بن حزام که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود:

اگر خریدار و فروشنده هر دو در نهایت صداقت، معایب کالا را مطرح کرده باشند حق دارند جنس را نگاه دارند یا پس دهند؛ همام می‌فرماید: در کتابی خواندم خریدار و فروشنده هر دو سه بار حق قبول یا رد معامله را دارند و اگر حقیقت را گفتند و نواقص را کتمان نکردند، برکت به معامله شان می‌آید و در غیر این صورت سود می‌کنند اما برکت خدا را از دست می‌دهند.»^{۲۱۵}

اکثر فقها از جمله اما ابوحنیفه، شافعی، مالک و ابویوسف در این دیدگاه مشترکند که حق انتخاب در افشاء حقایق قرارداد به مدت سه روز از انعقاد قرارداد تمدید می‌شود. اما اگر طرفین در طی این سه روز حقایق را فاش نکنند، طرف بی‌گناه حق انتخاب دارد که قرارداد را لغو نماید یا آن را با قبول ضرر و زیان مربوطه تایید کند.^{۲۱۶}

در مجموع، در هر نوع مبادله در قوانین اسلام، طرفین باید پیش از انعقاد قرارداد، حقایق مربوط به آن را بر یکدیگر فاش نمایند. اما اگر پیش از انعقاد این کار صورت نگرفت، حق اختیار به آنان اجازه می‌دهد تا سه روز این کار را به تعویق بیندازند.

۵-۲-۵. عواقب نقض نهایت حسن نیت در تکافل

در قرارداد بیمه اگر یکی از طرفین پس از انعقاد قرارداد یا اتمام وقت اختیار، متوجه شود که طرف دیگر حقایق را پنهان نموده و بتواند آن را اثبات کند، طرف خطاکار باید به یکی از سه مورد زیر تن دهد:

۱. قرارداد به دلیل کتمان حقایق مربوط به موضوع قرارداد لغو یا ابطال

می شود. حدیث زیر، موید این مطلب است:

«لا یحل لامری بییع سلعه یعلم ان بها داء الا اخبره»

«کسی که جنسی ایراددار را در حالی که از آن اطلاع دارد

بفروشد کاری غیرقانونی کرده مگر این که خریدار را از آن

عیب مطلع سازد.»^{۲۱۷}

احادیثی نیز از پیامبر اکرم (ﷺ) وجود دارد که تنبیهات شدیدی برای عدم افشاء

حقایق قرارداد وعده می دهد. پیامبر اکرم (ﷺ) می فرماید:

«عن وائله بن الاسقع قال: سمعت رسول الله (ﷺ) یقول من

باع عیباً لم ینبه لم یزل فی مقت الله او لم تزل الملائکه تلعه»

«نقل است از وائله بن الاسقع: شنیدم پیامبر اکرم (ﷺ)

می فرمود کسی که جنسی معیوب را بی آنکه به خریدار بگوید

بفروشد مورد خشم پروردگار قرار می گیرد و فرشتگان بر وی

نفرین می فرستند.»^{۲۱۸}

۲. اگر یکی از طرفین حقایق قرارداد را ظرف مدت موردنظر افشاء نکنند،

طرف دیگر می تواند قرارداد را لغو یا ابقاء نماید. اما اگر تصمیم وی بر ابقاء

بود می تواند از طرف مقصر، ادعای ضرر و زیان کند.^{۲۱۹}

۳. در صورت ابطال قرارداد یکی از تنبیهات زیر اعمال می شود: اگر بیمه شده

حقایق را فاش نکرده باشد، سود بیمه باید به همراه سود آن به بیمه گر

بازگردانده شود.^{۲۲۰} اما اگر عامل، حقایق را کتمان نماید باید کلیه ی حق

بیمه‌ی پرداختی را به همراه سود آن و همین‌طور مبلغ ضرر و زیان را به طرف دیگر بازگرداند.

۶-۲-۵. نهایت حسن نیت

اول. فعالیت‌های بیمه

یکی دیگر از وظایف طرفین قرارداد بیمه این است که پیش از انعقاد قرارداد با نهایت حسن نیت برخورد نمایند. علت نیز این است که تدلیس، نیرنگ و کتمان حقایق در قرارداد، باعث ابطال آن می‌شود. به علاوه قرارداد بیمه، قراردادی مبتنی بر نهایت حسن نیت^{۲۲۱} یا حسن نیت کامل^{۲۲۲} یا حسن نیت خالص^{۲۲۳} است. از این رو وظیفه‌ی طرفین این است که در افشاء حقایق مربوط به قرارداد با نهایت حسن نیت برخورد نمایند. اسکروتن در روزن بوون^{۲۲۴} این‌طور مشاهده نموده: «وظیفه‌ی متقاضی این است که در هنگام عقد قرارداد بدون هیچ پرسشی از سوی طرف دیگر، حقایق را برملا نماید».

همین‌طور لورد منزفیلد در کارتر و بوهم^{۲۲۵} این‌طور مشاهده کرده: «حسن نیت یکی از اصول اساسی قراردادهای بیمه است. حسن نیت، باعث می‌شود هر یک از طرفین دیگری را از آنچه نمی‌داند مطلع سازد. عدم رعایت این اصل، تدلیس محسوب می‌شود و در صورت بروز آن، قرارداد باطل است».

حکم لزوم وجود نهایت حسن نیت در قرارداد بیمه از انگلستان نشأت می‌گیرد.^{۲۲۶}

نهایت حسن نیت، حسن نیت اعلی نیز نامیده می‌شود.

هر مبادله‌ی تجاری باید با نهایت حسن نیت طرفین انجام شود. اما لازم نیست که طرفین همه‌ی حقایق را برملا سازند. این از آنروست که طبق اصل کاویت امپتور، فروشنده موظف نیست همه‌ی معایب را به خریدار اطلاع دهد. بلکه خریدار باید کالای مورد نظر را پیش از خرید بررسی نماید.^{۲۲۷} در قرارداد بیمه نیز طرفین وظیفه ندارند همه‌ی موارد را به یکدیگر اطلاع دهند بلکه باید حقایقی که طرف دیگر برای تصمیم‌گیری بدان احتیاج دارد را برملا سازند. حقایق مورد نظر عبارتند از حقایقی که خطر به بار می‌آورد^{۲۲۸} یا بر تصمیم‌گیری فرد در قبول یا رد خطر تاثیر می‌گذارد.^{۲۲۹}

در انگلستان، اصل نهایت حسن نیت به شدت رعایت می‌شود. ماده‌ی ۱۷ قانون بیمه‌ی سفرهای دریایی ۱۹۰۶ این‌طور نوشته:

«قرارداد بیمه‌ی سفرهای دریایی قراردادی است بر پایه‌ی نهایت حسن نیت و اگر توسط طرفین رعایت نشود، طرف دیگر می‌تواند قرارداد را لغو نماید.»^{۲۳۰}

در شرکت بیمه‌ی وست گیت و بانک امور مالی دو لا سیت^{۲۳۱} قید شد که جریمه‌ی نهایت حسن نیت تأثیر قراردادی دوبرابر دارد. محدودیت قانون انگلستان این است که اطلاعات فاش شده از اهمیت زیادی برخوردار است. البته افشاء حقیقی که طرف دیگر از آن اطلاعی ندارد ضروری نیست بلکه تنها به حقایق ضروری وابسته است که در حیطه‌ی دانش طرفین می‌گنجد. قاضی فلچر مولتون در شرکت بیمه‌ی جوئل و اتحادیه‌ی قانون و تاج^{۲۳۲} این‌طور نتیجه‌گیری کرد که افشاء حقایق، یک وظیفه است که به دانش افراد درباره‌ی آن حقایق بستگی دارد.

در مالزی اصل نهایت حسن نیت بر اساس اصول تدلیس و نیرنگ در قانون قراردادهای ۱۹۵۰^{۲۳۳}، قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶^{۲۳۴}، قانون تصادفات جاده‌ای ۱۹۵۸^{۲۳۵}، و قانون حمل و نقل جاده‌ای ۱۹۸۷^{۲۳۶} مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نقض نهایت حسن نیت در قراردادهای بیمه دو حالت دارد: حذفی یا کمیسیون. نقض نهایت حسن نیت حذفی یا از طریق عدم افشاء حقایق مهم یا کتمان آنها صورت می‌پذیرد اما نقض حسن نیت کمیسیونی از طریق عمل نیرنگ آمیز یا تدلیس.

اصل کلی نقض حسن نیت در ماده‌ی ۱۵۰ قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ قرار دارد که فرم درخواست آن شامل اختطاری به متقاضی در خصوص ارائه‌ی کلیه‌ی اطلاعات لازم است و این‌که عدم رعایت آن به انحلال قرارداد می‌انجامد.^{۲۳۷} لزوم افشاء حقایق تنها درباره‌ی حقایقی است که دانستن آن از سوی بیمه‌گر ممکن است باعث رد درخواست یا ایجاد شرایطی خاص برای فرد شود.^{۲۳۸}

به همین شکل، قانون ترافیک جاده‌ای ۱۹۵۸ اظهار داشته که افشاء تنها درباره‌ی حقایقی صدق می‌کند که قضاوت فرد در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش درخواست را

تحت تاثیر قرار می‌دهد و در صورت پذیرش، چه شرایطی برای قبول وجود دارد.^{۲۳۹}
 ماده‌ی ۸۰ (۳) ۱۹۵۸ قید کرده: «اگر حقایقی از سوی متقاضی فاش نشده باشد... بیمه‌گر نباید مبلغی به او پرداخت کند... و می‌تواند به دلیل عدم افشاء حقایق غلط از پذیرش آن سرباز زند.»^{۲۴۰}

قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ قید کرده که در صورت توانایی بیمه‌گر در اثبات دروغ یا نادرست بودن حقایق ارائه شده از جانب متقاضی، قرارداد لازم الاجرا نخواهد بود.^{۲۴۱}
 ماده‌ی ۱۷ قانون قراردادهای ۱۹۵۰ واژه‌ی نیرنگ را این‌گونه تعریف می‌کند: «عملی که به قصد فریب طرف دیگر صورت گرفته باشد.» ماده‌ی ۱۸ همان قانون نیز واژه‌ی جعل حقیقت را، ارائه‌ی نادرست اطلاعات می‌داند.

نقض نهایت حسن نیت در قرارداد بیمه نیازمند اثبات عوامل زیر است:

- عدم افشاء یا ارائه‌ی نادرست اطلاعات از سوی طرفین باید درباره‌ی حقایق و مسائل مهم باشد.
 - عدم افشاء یا ارائه‌ی نادرست اطلاعات از سوی طرفین باید در حیطه‌ی دانش فرد باشد.
 - عدم افشاء یا ارائه‌ی نادرست اطلاعات از سوی طرفین باید خطری دربر داشته باشد.
 - عدم افشاء یا ارائه‌ی نادرست اطلاعات از سوی طرفین باید تاثیری بر قضاوت بیمه‌گر در خصوص قبول یا رد درخواست متقاضی داشته باشد.
- از این رو طرفین قرارداد بیمه ملزم به افشاء کلیه‌ی اطلاعات نیستند بلکه تنها باید اطلاعاتی را ابراز کنند که مهم و در حیطه‌ی دانش فرد باشد. چگونه می‌توان اطلاعات مهم را از غیرمهم تشخیص داد؟ مک‌کناج در شرکت بیمه‌ی لمبرت^{۲۴۲}، تست زیر را برای تشخیص موارد توصیه می‌نماید:

- بیمه‌گر باید آنها را مهم بشناسد.^{۲۴۳}
- حقایق از نظر بیمه‌گر، مهم بوده و در قضاوت او تاثیرگذار باشد.^{۲۴۴}
- یک بیمه‌گر محتاط باید اهمیت آن را به دقت مورد بررسی قرار دهد. و یا

- حقایق مورد نظر توسط افراد منطقی مهم تلقی شود.^{۲۴۵}
- ایوامی ۵ دسته از حقایق را جزو حقایق مهمی قرار می‌دهد که افشائشان بر قرارداد بیمه تاثیر می‌گذارد. این حقایق عبارتند از:
 - حقایقی که قرارداد را به خطر می‌اندازد؛
 - حقایقی که به بیمه شده انگیزه می‌بخشد؛
 - حقایقی که برای بیمه‌گر مسئولیت‌های بیشتری ایجاد می‌نماید؛
 - حقایق مربوط به خطرات اخلاقی؛
 - حقایق تحت حیطه‌ی دانش بیمه شده که در نظر بیمه‌گر، مهم جلوه می‌کند.^{۲۴۶}
- فلچر مولتون از شرکت بیمه‌ی اتحادیه‌ی قانونی کراون^{۲۴۷} خاطر نشان می‌سازد که افشاء حقایق از وظایف طرفین است و خود آنها، حیطه‌ی این وظیفه را می‌شناسند. این حیطه به سطح اطلاعات فرد بستگی دارد. نقض وظایف طرفین بیمه‌دارای یکی از معیارهای ذیل است:
 - عبارت، عمل یا فعالیت در قالب کتمان یا ارائه‌ی نادرست حقایق باشد؛
 - در حد دانش فرد باشد؛
 - درباره‌ی حقایق مادی‌ای باشد که موضوع قرارداد را تحت تاثیر قرار می‌دهد.
- وظیفه‌ی نهایت حسن نیت تنها به عهده‌ی بیمه شده نیست بلکه بیمه‌گر نیز به عنوان عامل قرارداد بیمه در آن وظیفه‌ای دارد.^{۲۴۸} فاور ل. ج از شرکت بیمه‌ی تصادفات بردلی و سافلاکی^{۲۴۹} مشاهده نموده‌اند که قراردادهای بیمه، قراردادهایی از روی حسن نیت هستند که در آن، هر دو طرف باید وظیفه‌ی حسن نیت را به جای آورند. به همین صورت استین. جی از شرکت بیمه‌ی بانک قیصر اولمن و اسکاندیا (انگلستان)^{۲۵۰} اظهار داشته‌اند که بیمه‌گر در برابر افشاء حقایق تاثیرگذار بر قرارداد به بیمه شده مسئول است. حقایق مهم تاثیرگذار بر قرارداد بیمه بر اثر کتمان یا ارائه‌ی غلط اطلاعات به دو دسته تقسیم شده‌اند: خطرات اخلاقی و خطرات فیزیکی.

دوم. خطرات اخلاقی

در قرارداد بیمه، خطر اخلاقی طرفین، چیزی است که در مقایسه با خطر واقعی، ریسک بیشتری دارد. اسلسر ل. جی از شرکت بیمه‌ی لاکر و ولف و شرکت بیمه‌ی استرالیا^{۲۵۱} این‌طور توصیه می‌کنند:

- یکی از ابتدایی‌ترین اصول شرکت‌های بیمه این است که پیش از انعقاد قرارداد با متقاضی، مسئله‌ی انسجام اخلاقی متقاضی یا همان خطر اخلاقی در نظر گرفته شود.^{۲۵۲}

عوامل زیر باید به عنوان عوامل خطر اخلاقی تاثیرگذار بر قرارداد بیمه در نظر گرفته شوند:

یک. محکومیت جنایی، تخلفات یا اتهامات کیفری

اگر بیمه‌گر یا بیمه شده یا عامل، سوابق کیفری^{۲۵۳} یا جرائم و تعهدات خود را بر طرف دیگر فاش نکنند، این امر، حق عدم اجرای مفاد قرارداد را به طرف مقابل خواهد داد. در رزینا بوستون^{۲۵۴}، فرد بیمه شده به بیمه‌گر نگفته بود که ۱۲ سال اخیر به سرقت پوست حیوانات محکوم بوده. دادگاه در این مورد تشخیص داد که بیمه‌گر می‌تواند از وظایف قراردادی خود به دلیل عدم افشاء حقایق از سوی طرف دیگر قرارداد صرف نظر نماید. به همین صورت، در شرکت اسکولمن وهال^{۲۵۵} تصمیم بر این شد که در صورت کتمان حقایق از سوی بیمه شده، بیمه‌گر در برابر قرارداد بیمه تعهدی نخواهد داشت. مکنیر از شرکت بیمه‌ی راسلدوج و کسل^{۲۵۶} بر آنند که عدم افشاء پیشینه‌ی قاچاق الماس از سوی بیمه شده، زمینه‌ی لازم برای فرار از تعهدات بیمه را برای بیمه‌گر مهیا می‌سازد.

دو. ملیت و ریشه‌ی ملی

پیش از قانون روابط نژادی ۱۹۷۶ (انگلستان) در فعالیت‌های بیمه رسم این بود که نژاد، ملیت یا ریشه به عنوان حقایق مهم قرارداد بیمه فاش شوند. کتمان یا ارائه‌ی نادرست نژاد افراد، زمینه‌ی خوبی برای نقض قرارداد فراهم می‌آورد.

در شرکت پرن لهستان^{۲۵۷}، قرار بر این شد که عدم افشاء ملیت و ریشه‌ی افراد در فرم درخواست باعث لغو تعهدات شود. اما پس از قانون روابط نژادی ۱۹۷۶ انگلستان، عدم افشاء نژاد، ملیت یا ریشه، زمینه‌ای برای نقض حسن نیت فراهم نمی‌آورد، چراکه ملیت، مبدأ و نژاد دیگر جزء حقایق مهم قرارداد محسوب نمی‌شوند.^{۲۵۸}

سه. تاریخیچه‌ی بیمه

شرایط زیر که می‌تواند در پیشینه‌ی فرد بیمه شده وجود داشته باشد در حیطه‌ی خطرات اخلاقی می‌گنجد:

- رد درخواست از سوی شرکت بیمه
- رد تمدید قرارداد از سوی شرکت بیمه
- لغو قرارداد
- تعیین نرخ بیمه‌ی بالاتر^{۲۵۹}

شرایط فوق، حقایق مهمی هستند که هرچند برای موضوعات متفاوتی پیش می‌آیند، اما ماهیتی اخلاقی دارند.^{۲۶۰} بیمه شده در هر یک از شرایط فوق، وظیفه دارد حقایق را در فرم تقاضا فاش نماید و عدم انجام این کار، تقاضای توقف خدمات بیمه از جانب طرف دیگر قرارداد را به دنبال دارد. به عنوان مثال در شرکت بیمه‌ی امنیت تان کانگ هوآ^{۲۶۱}، از آنجا که بیمه شده، این حقیقت را بر بیمه گر فاش نکرده بود که دو سال پیش از قرارداد بیمه‌ی موتور استفاده می‌کرده، دادگاه فدرال تصمیم دادگاه عالی را بازگرداند. دادگاه عالی این‌طور اظهار داشت که چنین کتمان‌ی از جانب بیمه شده، برای قرارداد حقیقتی کلیدی محسوب می‌شود و به دلیل عدم افشاء آن، قرارداد ابطال می‌گردد.

در انگلستان، ۴ مورد فوق در قرارداد از اهمیت زیادی برخوردارند. در شرکت لاکر و ولف و شرکت بیمه‌ی غرب استرالیا^{۲۶۲}، رد درخواست بیمه‌ی موتور را حقیقتی مهم در نظر گرفته بود که می‌بایست در فرم تقاضا به عنوان حقیقتی مهم فاش می‌شده. افشاء همه‌ی حقایق پیشین در فرم تقاضا ضرورتی ندارد. مک کینون از شرکت بیمه‌ی اور^{۲۶۳} اظهار داشته که بیمه شده موظف به افشای همه‌ی حقایق نیست و حقایق مهم در هر

قرارداد به ماهیت پرسش‌های فرد متقاضی بستگی دارد.^{۲۶۴} لزوم افشای حقایق پیشین، بسته به اهمیتشان در قرارداد تعیین می‌گردد. دادگاه استیناف در شرکت بیمه‌ی گلیک‌زمن و لنکشایر^{۲۶۵} اظهار داشت که تعیین قبول یا رد تقاضای بیمه در موارد پیشین از حقایق کلیدی قرارداد محسوب می‌شود. در آن مورد، تصمیم بر این شد که رد درخواست پیشین بیمه‌ی سرقت از حقایق مهمی بوده که باید فاش می‌شد.^{۲۶۶}

چهار. موقعیت مالی

قوانین عرف، موقعیت مالی فرد متقاضی در زمان تقاضای بیمه از حقایق مهمی است که باید فاش گردد. این حقیقت مهم از خطرات اخلاقی به شمار می‌آید و عدم افشاء آن، زمینه‌ی خوبی برای بیمه‌گر ایجاد می‌کند تا تعهدات خود را زیر پا بگذارد. در شرکت بیمه‌ی ته سی چنگ و بریتانیای شمالی^{۲۶۷}، شرکت بیمه تعهدات خود را به این دلیل زیر پا گذاشت که متقاضی در هنگام انعقاد قرارداد این حقیقت را برملا نکرده بود که قضاوت ناخوشایندی درباره‌ی او صورت گرفته و اجناس تجاری اش جلب شده است. این قضاوت برای شرکت بیمه از حقایق مهمی است که باید فاش می‌شده است.

پنج. ضررها و تقاضاهای پیشین

افشای تقاضاهای پیشین بیمه و احیاناً رد این تقاضا، پیش از انعقاد قرارداد ضروری است. چنین اطلاعاتی در تقاضای افراد از اهمیت زیادی برخوردار است. سارتر. جی از شرکت بکر و مارشال^{۲۶۸} تقاضای پیشین متقاضی را در بیمه‌ی آتش سوزی، حقیقتی مهم در نظر گرفتند. در شرکت بیمه‌ی مشارکتی، کارکنان^{۲۶۹} این‌طور تعیین شده‌اند که افشاء ضرر پیشین و نوع بیمه‌ای که متقاضی قبلاً استفاده کرده از اهمیت زیادی برخوردار است.

شش. سابقه نقض تعهد نهایت حسن نیت

سابقه‌ی نقض تعهد نهایت حسن نیت، در همه حال، خطری اخلاقی محسوب می‌شود که باید فاش گردد. تفسیر دادگاه استیناف از ماده‌ی ۱۸(۱) قانون بیمه‌ی سفرهای دریایی

۱۹۰۶ انگلستان در شرکت مشارکتی اسنانوس و شرکت بین‌المللی حمل و نقل کانتینر^{۲۷۰} این است که عدم افشاء حقایق فوق‌الذکر باعث رد تقاضای فرد می‌گردد.

هفت. وجود قراردادهای دیگری با همان موضوع

وجود قراردادهای دیگری با همان موضوع، حقیقت مهمی نیست که نیاز به افشاء داشته باشد. ماده‌ی ۳۲ قانون بیمه‌ی سفرهای دریایی ۱۹۰۶ انگلستان اصولاً به بیمه شده حق می‌دهد تا هر تعداد بیمه‌نامه را برای خود تهیه نماید.^{۲۷۱} قانون عرف نیز این حق را به رسمیت می‌شناسد.^{۲۷۲} با این وجود استثنایی که در این خصوص وجود دارد این است که بیمه شده باید هر بیمه‌ای را که با همین عنوان خریده در زمان قرارداد فاش نماید. به طور مثال این حالت زمانی پیش می‌آید که بیمه‌گر پیشین شرط کرده باشد که بیمه شده حق ندارد بیمه‌ی دیگری با همین عنوان خریداری نماید.^{۲۷۳} در چنین موردی، این شرط، زمینه ساز حقیقتی مهم است که بیمه شده بر سر آن به بیمه‌گر اول تعهد داده و باید فاش شود.

دوم. خطر فیزیکی

خطر فیزیکی، نوعی از خطر است که بر موضوع قرارداد تاثیر می‌گذارد و باید پیش از انعقاد قرارداد، توسط بیمه شده فاش شود. روش تشخیص این نوع خطر این است که هرآنچه خطر و تعهد بیمه‌گر را افزایش دهد در دسته‌ی خطرات فیزیکی می‌گنجد. بیمه شده در چنین شرایطی وظیفه دارد حقیقت را فاش نماید.

نمونه‌ی واضحی از این مورد در موضوع قرارداد در بیمه‌ی عمر یا وقف است که در آن سن بیمه شده، حقیقتی مهم محسوب می‌شود و باید پیش از انعقاد قرارداد فاش شود. در شرکت بیمه‌ی کلینگ و پرل^{۲۷۴} دادگاه حکم داد که سن بیمه شده حقیقتی مهم است که شرکت بیمه باید در زمان اجرای قرارداد از آن آگاه باشد. در مالزی، ماده‌ی ۱۴۷(۱) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶، سن بیمه شده را حقیقتی مهم نمی‌داند.^{۲۷۵} عوامل زیر در رده‌ی خطرات فیزیکی می‌گنجد که از اهمیت زیادی برخوردارند و باید فاش شوند.

یک. محل سکونت

در قرارداد بیمه‌ی عمر یا وقف، محل اقامت فرد از حقایق مهمی است که باید فاش گردد. در برخی موارد طول عمر فرد با استفاده از تعیین سطح بهداشت محل سکونت فرد تعیین می‌شود که در سلامت و عمر فرد تاثیرگذار است. در شرکت هاگونین و بایلی^{۲۷۶} دادگاه رای بر این داد که محل سکونت بیمه شده حقیقتی مهم تلقی می‌گردد که در تعیین طول عمر وی تاثیر به سزایی دارد.

دو. شغل و سرگرمی‌ها

شغل و سرگرمی‌های متقاضی نیز از حقایق مهمی است که باید پیش از انعقاد قرارداد فاش شود. دلیل نیز این است که شرکت بیمه بر اساس طبقه‌ی مشخصی از مشاغل عمل می‌کند و همه‌ی اطلاعات مربوط به آنها برای تعیین حق بیمه و اتفاقات احتمالی توسط بیمه‌گر اهمیت دارد. در شرکت بیمه‌ی عمر بیگار و راک^{۲۷۷} بیمه شده در فرم تقاضا، شغل خود را صادرکننده‌ی چای معرفی کرده بود بی آنکه فاش کند صاحب بار (میخانه) است. دادگاه در این مورد نیز شغل بیمه شده را حقیقتی مهم در نظر گرفت.

سه. عادات متعادل

عادات خاص متقاضی یا بیمه شده نیز حقایق مهمی هستند که باید فاش شوند. عادات نامتعادلی چون اعتیاد به الکل یا مواد مخدر باید در زمان قرارداد فاش گردد، چراکه این عادات تاثیر زیادی بر طول عمر و سلامت فرد دارد. در شرکت بیمه‌ی یورک و یورکشایر،^{۲۷۸} دادگاه تصمیم گرفت که مصرف مواد مخدر، حقیقتی مهم است که باید بر بیمه‌گر فاش شود.

چهار. پیشینه‌ی پزشکی

پیشینه‌ی پزشکی متقاضی، حقیقتی مهم است و باید پیش از قرارداد فاش شود چرا که این پیشینه‌ها در تصمیم‌گیری شرکت در خصوص طول عمر فرد تاثیر دارد.^{۲۷۹} در شرکت

بیمه‌ی فاستر اسکاتلند^{۲۸۰} دادگاه تصمیم گرفت که فرد بیمه شده‌ای که از علائم بیماری متعددی رنج می‌برد وظیفه ندارد آنها را فاش نماید بلکه تنها باید حقایق را فاش کند که در تقاضا تعیین کننده هستند و در تعیین طول عمر فرد تاثیر گذار می‌باشند. پیشینه‌ی پزشکی متقاضی نیز با ارائه‌ی گزارش پزشکی به استناد قانون گزارشات پزشکی ۱۹۸۸ انگلستان^{۲۸۱} قابل دسترسی است به شرطی که پزشک موردنظر، گزارش کاملی از سلامت جسمی و روانی بیمار ارائه دهد.

پنج. هدف استفاده از موضوع مربوطه

در قرارداد بیمه‌ی موتور، هدف از قرارداد، حقیقت مهمی است که باید بر بیمه‌گر فاش شود. در شرکت بیمه‌ی لی یون هنگ مالزی^{۲۸۲} متقاضی هدف از بیمه‌ی موتور را استفاده‌ی شخصی مطرح کرده بود. اما خودروی وی به منظور حمل و نقل کالای تبلیغاتی استفاده می‌شد و رأی دادگاه بر این بود که بیمه شده، هدف اصلی خود، که حقیقتی مهم برای شرکت بیمه محسوب می‌شده را فاش نکرده است.

شش. نوع، ماهیت و شرایط دارایی

در بیمه‌ی اموال، حقیقت مهمی که باید فاش شود، نوع، ماهیت و شرایط دارایی مورد بیمه است. در شرکت بیمه‌ی آتش سوزی و سوانح هیلز^{۲۸۳} دارنده‌ی بیمه، فروشگاه خود را بیمه کرده بود اما در قرارداد قید نکرده بود که مواد محترقه در آنجا نگهداری می‌شود. دادگاه تصمیم گرفت که نگهداری از مواد آتشزا، از حقایق است که باید در قرارداد قید می‌شده چون خطر فیزیکی مهمی برای اموال ایجاد می‌کند.

۳-۵. سایر حقایق که مهم تلقی می‌شوند

حقایق مهم دیگری نیز وجود دارند که باید توسط بیمه‌گر یا متقاضی فاش شوند. به عنوان مثال در قرارداد بیمه‌ی سفرهای دریایی، حقایق دو نوع هستند:

۱. حقایق مربوط به قرارداد بیمه‌ی سفرهای دریایی

۲. حقایق مربوط به کالای حمل شده

تحت قوانین عرفی، حقایق که برای محموله‌ها اهمیت دارند حقایق هستند که بر سفر^{۲۸۴}، ماهیت سفر^{۲۸۵}، شرایط کشتی در آغاز خطر^{۲۸۶} و ضرر یا نواقص موجود در کشتی پیش از آغاز قرارداد^{۲۸۷} تاثیر می‌گذارند؛ اما حقایق که برای بار اهمیت دارند عبارتند از نوع و شرایط کالا در زمان انتقال به عرشه یا بندر؛ اما حقایق که برای بار اهمیت دارند عبارتند از نوع و شرایط کالا در زمان انتقال به عرشه یا بندر^{۲۸۸} و همچنین ارزش اصلی کالا و ارزش مورد انتظار آن (یا همان سود مورد نظر).^{۲۸۹}

۱-۳-۵. حقایق که نباید فاش شوند

بیمه‌گر تعهد دارد حقایق مهم قرارداد را فاش نماید. بنابراین حقایق بی‌اهمیت نیازی به افشاء ندارند. این تنها موید آن است که بیمه شده نباید مسئول عدم افشاء حقایق و مسائل بی‌اهمیت باشد. پرسش این است که چطور می‌توان حقایق مهم را شناسایی کرد؟ حقایق بی‌اهمیت از راه‌های زیر شناسایی می‌شوند:

اول. حقایق که بیمه‌گر از آن اطلاع دارد

در شرکت بیمه‌ی تان کانگ هوا^{۲۹۰} قرار بر این بود که بیمه شده وظیفه ندارد حقایق را فاش کند که بیمه‌گر از آنها مطلع است.^{۲۹۱} البته اطلاع صرف بیمه‌گر کافی نیست. مثلاً اگر بیمه‌گر بر اثر شایعه یا دروغ، حقیقتی را دانسته تلقی کند، بیمه شده وظیفه دارد حقایق کامل را برای وی فاش کند.^{۲۹۲}

دوم. حقایق که خطر را کاهش می‌دهد

ماده‌ی ۱۸(۳) قانون بیمه‌ی سفرهای دریایی ۱۹۰۶ انگلستان قید کرده که بیمه شده وظیفه ندارد حقایق که خطر را کاهش می‌دهند بر بیمه‌گر فاش نماید.^{۲۹۳}

سوم. حقایق که عموم از آن خبر دارند

کلیه‌ی حقایق که تحت حیطه‌ی دانش عام قرار دارد، تحت دانش بیمه‌گر نیز تلقی می‌گردد.^{۲۹۴}

چهارم. حقایق که بیمه شده از آنها اطلاعی ندارد

لرد گودارد از شرکت بیمه‌ی راک و اتحادیه‌ی قانونی راک^{۲۹۵} بر آن است که فرد تنها می‌تواند حقایق را فاش کند که از آن اطلاع دارد. به علاوه ناآگاهی از حقیقت، مسئولیت ایجاد نمی‌کند. از این رو، بیمه شده در برابر این نوع حقایق مسئولیتی ندارد.

پنجم. حقایق که بیمه‌گر از آنها صرف نظر کرده

علیرغم مهم بودن حقایق، اگر بیمه‌گر از آن صرف نظر کند، متقاضی نیازی به افشاء آن نخواهد داشت. جرج جی از شرکت بیمه‌ی شرقی مازارول^{۲۹۶} به این امر دست یافت که بیمه شده در قرارداد بیمه‌ی سفرهای دریایی فاش نکرده بود که کشتی یک بار به گل نشسته است. وکیل بیمه‌گر نیز پیش از قرارداد، از قرارداد پیشین صحبتی به میان آورده بود اما به گل نشستن کشتی را مهم تلقی نکرده بود.

ششم. حقایق که افشائشان به دلیل هرگونه تضمین آشکار یا ضمنی،

غیرضروری است^{۲۹۷}

رونالدسون جی از شرکت بیمه‌ی دو ماریر و بسشن^{۲۹۸} حکم بر این داده بود که وقتی تعهدات بیمه‌گر توسط فرد بیمه شده در اثر عدم افشاء برخی حقایق مهم زیر سوال رفته باشد، حق بیمه‌گر در رد صلاحیت فرد از بین می‌رود.

۲-۳-۵. مدت زمان افشاء

در قرارداد بیمه‌ی کلی، وظیفه‌ی بیمه شده در افشاء حقایق که بر بیمه نامه تاثیر می‌گذارند تا زمان انعقاد قرارداد بین طرفین ادامه دارد. به استناد ماده‌ی ۲۱ قانون بیمه‌ی سفرهای دریایی ۱۹۰۶ انگلستان، یوسف جی از شرکت بیمه‌ی لی بی سون مالزی^{۲۹۹} این‌طور خاطرنشان ساخت: «...وظیفه‌ی بیمه شده در افشای حقایق مهم بر بیمه‌گر تا زمانی است که قرارداد منعقد گردد...».

تحت قانون عرف، وظیفه‌ی افشاء در قانون بیمه تنها تا زمان انعقاد قرارداد تمدید می‌شود. پس از انعقاد قرارداد، افشاء مسائل، ارزش قانونی ندارد. در شرکت بیمه‌ی سوانح و آتش سوزی خودرو وایت ول^{۳۰۰} عدم افشاء حقایق مربوط به خودرو را از بیمه شده

نپذیرفت و این طور نتیجه گیری شد که مسئله‌ی عدم افشاء حقایق مهم تنها تا زمان قرارداد ادامه دارد و پیش از آن، بیمه‌گر حق تکذیب تعهدات خود را ندارد.

شرایطی استثنایی نیز وجود دارد که افشای حقایق حتی پس از انعقاد قرارداد نیز پذیرفته است. به طور مثال اگر شرایطی باشد که حتی پس از انعقاد قرارداد نیز افشای حقایق به کار می‌آید^{۳۰۱} یا در بیمه نامه‌ای که می‌توان قرارداد را بر اساس حقایق فاش شده تجدید نمود. این مسئله توسط کرسول از بیمه‌ی ویلسون اسکاتلند مطرح شد.^{۳۰۲}

از سوی دیگر، مدت افشاء حقایق مهم در بیمه‌ی عمر از سایر بیمه‌ها متفاوت است. در انگلستان، بیمه شده در بیمه‌ی عمر تا زمان پرداخت حق بیمه‌ی اولیه فرصت دارد حقایق را فاش نماید.^{۳۰۳} در شرکت بیمه‌ی راک و لوکر^{۳۰۴} بیمه شده در بیمه‌ی عمر برخی از بیماری‌ها را تا اولین پرداخت حق بیمه فاش نکرده بود. تصمیم بر این شد که بیمه‌گر به دلیل عدم افشای حقایق توسط طرف دیگر قرارداد، موظف به صدور بیمه نامه نیست.

در مالزی، شرایط با انگلستان فرق دارد. حق عدم افشاء حقایق در بیمه‌ی عمر تنها در حد سن و مسائلی از این دست است.

به استناد ماده‌ی ۱۴۷(۱) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶، بیمه‌ی عمر در عدم اظهار سن درست زیر سوال نمی‌رود. از این رو در بیمه‌ی عمر، بیمه‌گر به دلیل عدم ارائه‌ی مشخصات سنی درست، نه می‌تواند تعهداتش را لغو کند و نه آنها را زیر سوال ببرد. ماده‌ی ۱۴۷(۲) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ به بیمه‌گر حق می‌دهد که مجموع حق بیمه‌ی افراد و سود آنان را بر اساس نشان متفاوت اعلام نماید. به استناد ماده‌ی ۱۴۷(۴) قانون ۱۹۹۶، مشخص شده که بیمه شده تعهد دارد حقایق مربوط به گزارشات پزشکی و سایر اسناد مربوطه را ظرف دو سال از تاریخ صدور بیمه نامه ارائه دهد. پس از انقضای دوره‌ی دوساله، بیمه‌ی عمر به دلیل عدم افشاء حقایق لغو نمی‌شود مگر این که بیمه‌گر اثبات نماید که این عدم افشاء حقایق از روی فریب و تدلیس بوده است. اما در قانون مالزی با این مسئله منعطف‌تر از قوانین انگلستان برخورد می‌شود.

۴-۵. عواقب نقض حسن نیت

اگر بیمه شده، در افشاء حقایق مربوط به بیمه درست عمل نکند و بیمه‌گر بتواند نقض حسن نیت را ثابت نماید، قرارداد به نظر بیمه‌گر قابل لغو است.^{۳۰۵} بیمه‌گر حق دارد قرارداد بیمه را ابطال نموده و تعهدات خود به بیمه شده را نقض نماید^{۳۰۶} و همین‌طور به موجب قوانین تدلیس ادعای خسارت کند^{۳۰۷} یا صحت قرارداد را زیر سوال ببرد.^{۳۰۸} البته وقتی بیمه‌گر، این حالت را نادیده بگیرد، بیمه نامه از اعتبار لازم برخوردار خواهد بود. همچنین لازم به ذکر است که حق انتخاب بیمه‌گر نیز باید از لحظه‌ی گزارش نقض حسن نیت به بیمه‌گر اعمال شود.^{۳۰۹}

۵-۵. نتیجه‌گیری

علیرغم این‌که هم عرف و هم شرع برای دریافت سود بیمه و افشاء حقایق و موضوعات مهم قرارداد به ذی‌نفع نیاز دارند، تفاوت‌هایی نیز بین این دو سیستم قانونی وجود دارد. تفاوت‌های مربوط به سود بیمه و حسن نیت در این دو سیستم به شرح زیر است. تحت قوانین عرف، سود بیمه‌ی فرد بر اساس دو نکته تعیین می‌شود. در عامل دوفاکتو، افراد مربوطه از جمله خود دارنده‌ی بیم، همسر، فرزندان و غیره می‌توانند به عنوان ذی‌نفع منصوب شوند. از سوی دیگر در قانون اسلام، سود بیمه‌ی افراد تحت قوانین میراث و وصیت، صرفاً بر اساس عوامل دو فاکتو تعیین می‌شود که طبق آن، خود فرد دارنده‌ی بیمه و ورثه‌ی قانونی یا افراد ذی‌نفع می‌توانند حق بیمه را دریافت نمایند. تحت قوانین عرفی، خود نماینده‌ی بیمه نامه در دریافت سود بیمه، حق مطلق دارد، اما قانون اسلامی این حق را برای نماینده قائل نمی‌شود. بیمه شده در قوانین اسلامی باید کسی را منصوب کند که لزوماً از ورثه‌ی قانونی نیست و تنها وظیفه‌ی محافظت از سود بیمه و تقسیم آن بین ورثه را به عهده دارد. در این قانون، نماینده، متولی‌ای بیش نیست. تحت قوانین عرف، اگر دارنده‌ی بیمه‌ی عمر ظرف مدت دو سال از آغاز قرارداد مرتکب خودکشی شود، ذی‌نفع وی از دریافت سود بیمه محروم می‌شود. اما تحت قوانین اسلامی، خودکشی یا سایر جرائم، ذی‌نفع را از سود بیمه محروم نمی‌کند.

طرفین قرارداد، تحت قوانین عرفی باید همه‌ی مسائل و حقایق مهم را فاش کنند که شامل خطرات اخلاقی یا پیشینه‌ی اخلاقی فرد است. از سوی دیگر در قوانین اسلامی، پیشینه‌ی افراد، حقیقت مهمی تلقی نمی‌شود و تنها حال و آینده در آن اهمیت دارد. در قوانین عرف، مدت زمان افشاء حقایق تا زمان پرداخت حق بیمه و در بیمه‌ی عمر تا دو سال اول قرارداد است. اما در قانون اسلام، این مهلت تا پیش از انعقاد قرارداد است.

۵-۶. جدول تطبیقی

مسائل مهمی که بر قراردادهای بیمه و تکافل تاثیر می‌گذارند	
فعالیت‌های تکافل	فعالیت‌های بیمه
سود بیمه بر اساس عامل دو فاکتو و اصول میراث و وصیت تعیین می‌شود	سود بیمه بر اساس دو آزمون دوفاکتو و بالفعل تعیین می‌گردد.
نماینده‌ی بیمه شده تنها متولی است.	نماینده‌ی قرارداد بر سود بیمه حق تصرف کامل دارد.
ارتکاب به خودکشی یا سایر جرائم، زمینه‌ای برای عدم پرداخت سود بیمه نیست.	خودکشی ظرف دو سال اول قرارداد باعث ابطال قرارداد بیمه می‌شود و افراد ذی‌نفع را از سود بیمه محروم می‌سازد
مدت افشاء حقایق تا زمان انعقاد قرارداد است.	مهلت افشاء حقایق در قراردادهای کلی تا پرداخت اولین حق بیمه و در بیمه‌ی عمر، تا دو سال اول قرارداد است.

پی‌نوشت‌ها

۱. نیک راماله محمود، قانون بیمه در مالزی، ص ۲۵
۲. رجوع شود به ماده ی ۱ بیمه ی عمر ۱۷۷۴ (انگلستان)
۳. ماده ی ۱۵۲ (۱) و (۲) قانون بیمه ی ۱۹۹۶
۴. استاتون، "حسن نیت و عدالت در قانون قراردادهای تجاری" (۱۹۷۴) مجله ی قانون قرارداد
۵. به عنوان مثال، عاملان تکافل در مالزی نیازمند آنند که متقاضی بیمه نامه فرم وصی را پر کند و در آن، نام فردی را به عنوان دارنده ی سود بیمه قید نمایند. (از مصاحبه ای با ادارات مربوطه و تکیه بر اطلاعات موجود در فرم تکافل خانواده).
۶. سوره ی بقره، آیه ی ۲۱۹،
۷. سوره ی مائده، آیه ی ۹۰،
۸. سوره ی مائده، آیه ی ۹۱،
۹. رجوع شود به الزامات در قاموس الاقتصاد و التجارت (بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۸۵) ص ۲۴۲
۱۰. مجله، مقاله ی ۱۲۵
۱۱. صدرالشریعہ، شرح وقایع، جلد ۲، ص ۱۷۳؛ تفتازانی، تلویح، ص ۳۲۵، همچنین رجوع شود به رحیم ا. فقه محمدی، ص ۲۶۲
۱۲. رجوع شود به رحیم ص ۲۶۲ و ۲۶۳
۱۳. تنزیل الرحمان، قانون شخصی مسلمانان، ماده ی ۲۰۳ (الف)
۱۴. هسکافی، علی الدین، درالمختار، قاهره، ۱۲۵۶، جلد ۳، ص ۳۶۹، همچنین رجوع شود به تنزیل الرحمان، ص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ همچنین رجوع شود بهابن الحمان، فتح القدیر، قاهره، ۱۳۵۶، جلد ۶، ص ۳۷
۱۵. سوره ی مائده، آیه ی ۹۱،
۱۶. تنزیل الرحمان، قانون شخصی مسلمانان، ماده ی ۲۰۳ (ه)
۱۷. مثل مساجد، مدارس اسلامی و اماکن عمومی
۱۸. امام ملک ابن اناس، المواتا، کتاب البیو، (ترجمه) شماره ی ۴۲:۳۱ ص ۲۷۶
۱۹. مشکات المصابیح، ترجمه ی کریم الحاجی فضل، (لاهور، خانه ی کتب قانونی، ۱۹۳۹) کتاب دوم، شماره ی ۱۴، ص ۲۱۱
۲۰. مشکات المصابیح، شماره ی ۱۳، ص ۲۱۰

۲۱. مشکات المصابیح، شماره‌ی ۱۱، ص ۲۱۰
۲۲. مشکات المصابیح، شماره‌ی ۲۹۰، ص ۲۱۴ و ۲۱۵
۲۳. مشکات المصابیح، شماره‌ی ۱۲، ص ۲۱۰
۲۴. صحیح البخاری، باب الادهان، ۱۴۹ و باب الاستقراء، ۱۰
۲۵. سوره‌ی النساء، آیه‌ی ۱۱
۲۶. الهسکافی، علی الدین، الدر المنطق، قاهره، ۱۳۲۸ جلد ۲، ص ۷۴۶
۲۷. تنزیل الرحمان، قانون شخصی مسلمانان، ماده‌ی ۲۸۶(۱)
۲۸. البابرته، اکمل الدین محمد، العنايت، کلکته، ۱۸۳۰، ص ۴۳۶
۲۹. رجوع شود به تنزیل الرحمان، قانون شخصی مسلمانان، ماده‌ی ۲۲۲(۲)
۳۰. همان منبع، ماده‌ی ۲۲۲(۴)
۳۱. المقديسی، الاغناء، قاهره، جلد ۳، ص ۴۷، همچنین رجوع شود به نصفی، کنز الدقائق، مجتبایی، دهلی، ص ۴۷۶، همچنین رجوع شود به قانون شخصی مسلمانان، ماده‌ی ۲۲۲(۱)
۳۲. مشکات المصابیح، فصل ... (ترجمه) حاج فضل الکریم. شماره‌ی ۳۳، ص ۳۲۴
۳۳. مشکات المصابیح، شماره‌ی ۳۴، ص ۳۲۴ و ۳۲۵
۳۴. رجوع شود به قانون شخصی مسلمانان، ماده‌ی ۲۴۱(۱)، در دیدگاه شیعه که در آن افراد می‌توانند بدون توجه به سایر ورثه در حق یکی از آنان وصیت کنند، وصیت درست است. رجوع شود به تنزیل الرحمان، ص ۲۷۵
۳۵. سوره‌ی النساء، آیه‌ی ۱۱
۳۶. دیدگاه مکتب ظهیری بر این است که هیچ وصیتی در حق ورثه حتی در صورت رضایت همگی شان، مجاز نیست. رجوع شود به ابن‌هاضم، المحلی قاهره، شماره‌ی ۷، ص ۴۲۵ تا ۴۳۸
۳۷. ماده‌ی ۱ قانون وصیت ۱۹۴۶ (مصر) این دیدگاه مورد قبول امام ملک نیز هست؛ رجوع شود به الابی، جواهر الاکلیل. جلد ۲، ص ۳۱۷ و ۳۱۸
۳۸. رجوع شود به المرگینانی، برهان الدین، الهدایا، کراچی، جلد ۳، ص ۲۴۲. همچنین رجوع شود به القوشیستانی، شمس الدین محمد. جامیور رامین، کازان، ۱۸۹۸، جلد ۳، ص ۴۵۵
۳۹. سوره‌ی النساء، آیه‌ی ۷
۴۰. سوره‌ی النساء، آیه‌ی ۱۱
۴۱. سوره‌ی النساء، آیه‌ی ۱۲

۴۲. سورهی النساء، آیهی ۱۲،
۴۳. رجوع شود به قانون شخصی مسلمانان. مفاد ۲۸۷ و ۲۸۸
۴۴. این سهمها در قرآن مشخص شده است. رجوع شود به سورهی نساء، آیات ۷ تا ۱۴
۴۵. سورهی النساء، آیهی ۱۱،
۴۶. رجوع شود به قانون شخصی مسلمانان، ص ۴۷۰ تا ۷۲
۴۷. دیدگاه امام ملک، همان منبع، ص ۴۷۱
۴۸. مکاتب قانونی مالکی و شافعی دیدگاهی مشترک دارند. رجوع به قانون شخصی مسلمانان، ص ۴۷۱ و ۷۲
۴۹. رجوع شود به قانون شخصی مسلمانان، مادهی ۲۸۶ (۱) و ص ۴۲۱
۵۰. رجوع شود به همان منبع؛ همچنین به نوای، محی الدین ابو ذکریا یحیی بن شریف، منهاج الطالبین، (ترجمه) هاوارد، کتابچهی راهنمای قانون محمدی طبق مکتب شافعی (لاهور: موسسهی انتشارات قانون، ۱۹۷۷) ص ۲۴۶
۵۱. سورهی العمران، آیهی ۱۸۵،
۵۲. سورهی لقمان، آیهی ۳۴،
۵۳. سورهی البقره، آیهی ۱۳۴،
۵۴. سورهی ابراهیم، آیهی ۵۱،
۵۵. سورهی کافر، آیهی ۱۷،
۵۶. سورهی یونس، آیهی ۲۷،
۵۷. رجوع شود به عمری، جلال الدین "خودکشی یا اتمام حیات" بهاتیا در مطالعات قوانین اسلامی (دهلی نو، انتشارات دیپ و دیپ، ۱۹۸۹) ص ۳۹۰ و ۹۱
۵۸. سورهی نساء، آیهی ۲۹،
۵۹. توافق، مشکات المصابیح، کتاب القصص، حاج فضل الکریم (ترجمه) کتاب ۲، شمارهی ۵۵، ص ۵۱۳ و ۱۴
۶۰. همان منبع، شمارهی ۵۶، ص ۵۱۴
۶۱. سورهی العمران، آیهی ۱۴۵،
۶۲. سورهی نساء، آیهی ۲۹،
۶۳. بیلا "نمونه ای از بیمه ی عمر در اقتصاد اسلامی معاصر" (۱۹۹۶)
۶۴. رجوع شود به قانون شخصی مسلمانان، مادهی ۳۲۳

۶۵. ابوبکر و عمر و زید بین تائیت، متفق القول این عقیده را مطرح کرده‌اند؛ رجوع شود به قانون شخصی مسلمانان، ص ۶۱۰
۶۶. رجوع شود به قانون شخصی مسلمانان، ص ۶۱۱
۶۷. رجوع شود به ابن قداما، المقدسی، المقنی، سلفیه، مدینه. جلد ۸ ص ۱۸۶
۶۸. رجوع شود به قانون شخصی مسلمانان، ص ۶۱۱
۶۹. الجرجانی، المذهب، قاهره، جلد ۱، ص ۱۴۲؛ همچنین رجوع شود به الفیروزآبادی، الشریفیه، کراچی. جلد ۲ ص ۲۶
۷۰. رجوع شود به تنزیل الرحمان، ص ۶۱۰
۷۱. م داود بکر. "اصول قوانین اسلامی در مسائل پزشکی روز" در مجله‌ی فیما (فدراسیون موسسات پزشکی اسلامی) جلد ۱. شماره‌ی ۱، ۱۹۹۶، ص ۱ تا ۳
۷۲. همان منبع
۷۳. همان منبع
۷۴. سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۳۴.
۷۵. سهم وی تا زمان تولد نگاه داشته می‌شود.
۷۶. رجوع شود به تنزیل الرحمان، قانون شخصی مسلمانان، ص ۵۵۸
۷۷. مشکات المصابیح، کتاب الفراید. کریم. محمد فضل. شماره‌ی ۴۷، ص ۳۳۲
۷۸. تنزیل الرحمان، قانون شخصی مسلمانان، ماده‌ی ۳۱۳ (۲)
۷۹. همان منبع ص ۵۵۸، خطوط ۱ تا ۲ پاراگراف اول
۸۰. مشکات المصابیح، کتاب الفراید شماره‌ی ۴۷، ص ۳۳۲
۸۱. رجوع شود به باکر م داود "اصول قانون اسلامی در مسائل پزشکی روز" ص ۳
۸۲. سوره‌ی العمران، آیه‌ی ۱۴۵،
۸۳. تنزیل الرحمان، ماده‌ی ۳۱۳ (۲)
۸۴. سوره‌ی عمران، آیه‌ی ۱۴۵،
۸۵. مشکات المصابیح، کتاب الفراید. شماره‌ی ۴۷، ص ۳۳۲، متن پانویشت
۸۶. مشکات المصابیح، کتاب الفراید. کریم. محمد فضل. شماره‌ی ۴۵، ص ۳۳۱
۸۷. رجوع شود به قداما المقدسی. جلد ۸ ص ۱۶۱
۸۸. تنزل الرحمان ص ۵۹۴
۸۹. همان، ص ۵۹۵

۹۰. الابی. جلد ۲، ص ۳۳۸
۹۱. الحلّی، جلد ۲، ص ۱۸۲
۹۲. ابن قداما، المقدیس، جلد ۷، ص ۱۶۳
۹۳. همان منبع ص ۱۶۲، همچنین رجوع شود به الخرگی، عمر بن حسین، المختصر. داماسکوس، ۱۹۶۴، ص ۱۲۶.
۹۴. رجوع شود به قانون شخصی مسلمانان، ماده ۳۲۱
۹۵. مشکات المصابیح، کتاب الفراید. کریم. محمد فضل. شماره ۴۵، ص ۳۳۰-۳۳۱
۹۶. همان منبع، شماره ۴۴، ص ۳۳۱.
۹۷. این مسئله در فتوای شورای مل مسائل مسلمانان مالزی مورد تاکید قرار گرفته است. (۱۹۷۴)
۹۸. (۱۹۷۴) ۱۸۵
۹۹. وصیت نباید از یک سوم اموال وصی تجاوز کند.
۱۰۰. سوره البقره، آیه ۲۷۵
۱۰۱. سوره الرحمان، آیه ۹
۱۰۲. سوره النساء، آیه ۲۹
۱۰۳. سنن التیرمذی، کتاب الاحکام، شماره ۱۷
۱۰۴. احمد ابراهیم، قانون اسلام در مالزی، (کوالالامپور: موسسه تحقیقات جامعه شناختی مالزی، ۱۹۷۵) ص ۲۳۴
۱۰۵. رجوع شود به تنزیل الرحمان ص ۵۸۰ و ۸۱
۱۰۶. و همچنین از اموال خانواده‌ی پدری
۱۰۷. مشکات المصابیح، کتاب الفراید شماره ۵۰ ص ۳۳۳
۱۰۸. رجوع شود به ابواللیت سمرقندی، خرنات الفقه. بغداد، جلد ۱. ص ۴۱۲؛ همچنین رجوع شود به تنزیل الرحمان، ص ۵۸۰-۵۸۳
۱۰۹. برای خانواده‌ی پدری رجوع شود به تنزیل الرحمان، ص ۵۸۳
۱۱۰. مایکل، دکتر علی. آغاز و ارتباط با نکات بهداشتی "مقاله‌ی ارائه شده در سمینار مدیریت پیوند عضو و بهداشت از دیدگاه اسلام"، جاکارتا، ۲۹-۳۰ ژوئن ۱۹۷۶. ص ۷
۱۱۱. صحیح البخاری، کتاب الامام، شماره ۱۰۱
۱۱۲. صحیح المسلم
۱۱۳. سوره‌ی المومنون، آیه ۱۲ تا ۱۴،

۱۱۴. سورهی المجادله، آیهی ۲،
۱۱۵. رجوع شود به مشکات المصابیح: کتاب الفراید. شمارهی ۹۹۰، ص ۳۳۳
۱۱۶. سلیمان، عبدالوهاب ابراهیم ابو، فقه الدرورا و تطبیقته الموثره افق و ابد، المهد الاسلامیه البحوط و التدريب، جده، ۱۹۹۳، ص ۱۶۸
۱۱۷. سورهی المجادله، آیهی ۲، رجوع شود به متن ص ۱۱۷
۱۱۸. رجوع شود به مادهی ۱
۱۱۹. همان منبع
۱۲۰. رجوع شود به رز، شرایط بلک استون در قرارداد و خارج از قرارداد، چاپ دوم (لندن: انتشارات بلک استون: ۱۹۸۹) ص ۳
۱۲۱. مادهی ۱(۲) قانون بیمهی سفرهای دریایی ۱۹۰۶ انگلستان
۱۲۲. مادهی ۱(۱) قانون بیمهی سفرهای دریایی (بیمه ی قمار) ۱۹۰۹
۱۲۳. رجوع شود به مادهی ۱۵۲(۲) قانون بیمهی ۱۹۹۶
۱۲۴. مادهی ۱۱ قانون اموال زنان متاهل ۱۸۸۲ (انگلستان)
۱۲۵. مفاد ۱ و ۲ و ۳
۱۲۶. مادهی ۱۱
۱۲۷. مادهی ۱۸
۱۲۸. مادهی ۴(۱) و (۲)
۱۲۹. مادهی ۱(۲)
۱۳۰. مادهی ۱۹(۱)
۱۳۱. مادهی ۳۱(۱). طبق این ماده قرارداد بر مبنای شرط بندی حرام است. از این رو قرارداد بیمه بدون سود مانند شرط بندی است (مادهی ۱۸ قانون بازی ۱۸۴۵)
۱۳۲. مادهی ۲۳(۱)
۱۳۳. مادهی ۱۵۲(۱) و (۲)
۱۳۴. همچنین رجوع شود به تان لی من، "سود بیمه در بیمهی عمر" در مادهی ۲۳ ۱۹۸۱. ص ۱۴۳، ۱۳۷
۱۳۵. رجوع شود به کام خوان، ص ۶۹، مفادبرابر رده بندیهای ذینفع را می توان در مادهی ۵۷(۲) قانون ۱۹۶۵ سنگاپور مشاهده نمود.
۱۳۶. رجوع شود به نیک راماله محمود، ص ۳۳

۱۳۷. همان منبع

۱۳۸. مادهی ۱۹(۱) قانون اصلاح خانواده ۱۹۶۹ (انگلستان)

۱۳۹. مادهی ۱۱ قانون اموال زنان متاهل ۱۸۸۲ انگلستان

۱۴۰. در این جا باید خاطرنشان ساخت که مادهی ۳۹ قانون بیمه‌ی ۱۹۳۸ هند، مرد متاهل را ذی‌نفع نمی‌داند. علت این امر نیز آن است که این ماده بر اساس مادهی ۶ قانون اموال زنان متاهل ۱۸۷۴ هند قرار دارد که مرد را در صورتی که توسط زن منصوب شده باشد نیز از دریافت سود بیمه محروم می‌داند.

۱۴۱. مادهی ۲۳ قانون مدنی ۱۹۵۶

۱۴۲. مادهی ۱۵۳(۱) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶، مادهی ۸۵ قانون بیمه‌ی عمر ۱۹۵ استرالیا

۱۴۳. ۱۹۸۹ (۳۵۱)

۱۴۴. مرکین، رابرت م و سایرین، قانون قرارداد بیمه (لندن: انتشارات کلور؛ ۱۹۹۰) ص ۱-۲

۱۴۵. ۱۹۳۸ (۵۸۶)

۱۴۶. مرکین، ۱۹۶۱ (انگلستان)

۱۴۷. مادهی ۱ قانون خودکشی ۱۹۶۱ انگلستان

۱۴۸. مادهی ۱۲۰ قانون بیمه‌ی عمر ۱۹۵ استرالیا؛ همچنین رجوع شود به تار، ۲۱۱

۱۴۹. رجوع شود به تار و سایرین، قانون بیمه در نیوزلند، چاپ دوم (ولز جنوبی: شرکت کتب قانونی، ۱۹۹۲) ص ۱۹۴

۱۵۰. رجوع شود به کولینوکس راثول، قانون بیمه (لندن: سوئیت و ماکسول، ۱۹۸) ص ۶۰-۲۴۵ آمریکا ۹۶، (۱۹۲۰)

۱۵۱. در اسکاتلند، خودکشی جرم نیست (رجوع شود به مرکین، ص ۱-۲)

۱۵۲. رجوع شود به ص ۳۰۹-۳۰۵ قانون جزا (مالزی)

۱۵۳. این تنوع زمانی به بندهای مختلف قرارداد در شرکت‌های مختلف بیمه بستگی دارد.

۱۵۴. رجوع شود به مینت سو، ص ۹۴، همچنین رجوع شود به لی کام خوان، ص ۱۰۵

۱۵۵. لی کام خوان، ص ۱۰۶

۱۵۶. همان منبع

۱۵۷. سوره‌ی المجادله، آیه‌ی ۲،

۱۵۸. حسن، س مصباح، "حسن رفتار و عدالت در مبادلات تجاری: قانون عرف، قانون مدنی و

دیدگاه اسلامی" ارائه شده در مالزی در اپریل ۱۹۹۶، ص ۲۸

۱۵۹. سورهی المائده، آیهی ۲، همچنین رجوع شود به صدیق، چدهوری محمد، "بیمه ی اسلامی (تکافل): مفهوم و عمل" در دایره المعارف بانکداری و بیمه ی اسلامی، لندن، ۱۹۹۵، ص ۱۹۹-۱۹۷
۱۶۰. رجوع شود به امخان عدنان، "عملکرد خاص قوانین قرارداد عرب" (۱۹۹۴)، هفته نامه ی قانون، ۹:۴، ص ۳۲۴ تا ۳۲۶
۱۶۱. سورهی النساء، آیهی ۲۹،
۱۶۲. سورهی البقره، آیهی ۲۷۵،
۱۶۳. رجوع شود به الحسن، عبد الوهاب احمد، "آزادی قرارداد، اصول ناامیدی و ممنوعیت قرارداد در قانون سودان و قانون اسلام"، (۱۹۸۵)، هفته نامه ی قانون عرب ۱:۱ ص ۵۱ در شماره ی ۵۴۸
۱۶۴. اما ملک بن اناس، الواتا، کتاب البیو. شماره ی ۳۱:۷۵، ص ۲۷۰
۱۶۵. صحیح البخاری، کتاب البیو، جلد ۳، شماره ی ۳۲۸، ص ۱۸۶
۱۶۶. همان منبع، شماره ی ۳۵۲، ص ۱۹۹
۱۶۷. همان منبع، فصل ۶۱، (النجش) ص ۱۹۸
۱۶۸. صحیح البخاری، کتاب البیو، (ترجمه) جلد ۳، شماره ی ۲۹۳، ص ۱۶۶
۱۶۹. مشکات المصابیح، کتاب البیو، کریم الحاج عبد، (ترجمه) کتاب ۲، شماره ی ۶، ص ۲۶۹
۱۷۰. همان منبع، شماره ی ۴، ص ۲۶۹
۱۷۱. سورهی المجادله، آیهی ۲،
۱۷۲. سورهی المجادله، آیهی ۲،
۱۷۳. صحیح البخاری، کتاب البیو (ترجمه) جلد ۳، شماره ی ۲۹۶، ص ۱۶۷
۱۷۴. عربی، اسامه "بازسازی قانون اسلامی معایب قرارداد السنهوری" در مجله ی مطالعات اسلامی. ۶:۲ ص ۱۵۳ در شماره ی ۱۶۷
۱۷۵. سورهی صف، آیهی ۲-۳،
۱۷۶. صحیح البخاری، کتاب البیو (ترجمه) جلد ۳، فصل ۲۰، ص ۱۶۵
۱۷۷. صحیح البخاری، کتاب البیو (ترجمه) جلد ۱۴، فصل ۶۱، ص ۱۹۸
۱۷۸. رجوع شود به راینر، نظریه ی قرارداد در قانون اسلامی، ص ۲۱۳
۱۷۹. رجوع شود به قانون مدنی مصر (قانون شماره ۱۳۱ سال ۱۹۴۸) ماده ی ۱۲۵
۱۸۰. رجوع شود به قانون مدنی کویت (قانون شماره ۶۷ سال ۱۹۸۰) ماده ی ۱۵۱

۱۸۱. قانون قرارداد ۱۹۶۹ بحرین، مادهی ۲۰ (۱)
۱۸۲. قانون مدنی امارات متحده ی عربی، مادهی ۱۸۵؛ همچنین رجوع شود به قانون مدنی اردن (قانون ۴۳ سال ۱۹۷۶) مادهی ۱۴۳
۱۸۳. صحیح البخاری، کتاب البیو (ترجمه) ش ۲۹۲، ص ۱۶۶
۱۸۴. سنن الترمیذی، کتاب الاحکام. شماره ی ۱۷
۱۸۵. صحیح البخاری، کتاب البیو (ترجمه) جلد ۳، شماره ی ۲۹۳، ص ۱۶۶
۱۸۶. مشکات المصابیح، کتاب البیو (ترجمه) کریم، شماره ی ۵۵، ص ۲۸۴
۱۸۷. صحیح البخاری، کتاب البیو (ترجمه) جلد ۳، شماره ی ۲۹۶، ص ۱۶۷
۱۸۸. همچنین رجوع شود به مجله، مقاله ۳۴۰
۱۸۹. صحیح البخاری، کتاب البیو (ترجمه) ش ۲۹۲، ص ۱۶۶
۱۹۰. اما ملک ابن اناس، المواتا، کتاب البیو (ترجمه) ش ۳۱۴، ص ۲۴۹
۱۹۱. سوره ی العمران، آیه ی ۱۶۷،
۱۹۲. سوره ی صف، آیه ی ۲-۳،
۱۹۳. سوره ی البقره، آیه ی ۴۲،
۱۹۴. صحیح البخاری، کتاب البیو (ترجمه) جلد ۳، شماره ی ۲۹۶، ص ۱۶۷
۱۹۵. رجوع شود به ذوالکفلی مزلان، "سیستم کاری تجارت کلی تکافل" در تکافل (بیمه ی اسلامی)، مفاهیم و سیستم عامل از دیدگاه عملی. ص ۷۴-۷۳
۱۹۶. سوره ی البقره، آیه ی ۲۷۵،
۱۹۷. سوره ی الجمعه، آیه ی ۱۰،
۱۹۸. سوره ی النساء، آیه ی ۲۹،
۱۹۹. سوره ی المائده آیه ی ۲،
۲۰۰. همان منبع، رجوع به پانوشت ص ۲۰۳
۲۰۱. سوره ی المائده، آیه ی ۱،
۲۰۲. صحیح البخاری، کتاب البیو (ترجمه) جلد ۳، شماره ی ۲۹۶، ص ۱۶۷
۲۰۳. سوره ی البقره، آیه ی ۱۸۵،
۲۰۴. سوره ی النساء، آیه ی ۲۹،
۲۰۵. صحیح البخاری، کتاب البیو (ترجمه) جلد ۳، شماره ی ۲۹۲، ص ۱۶۶
۲۰۶. صحیح البخاری، کتاب البیو، (ترجمه) جلد ۳، شماره ی ۲۹۳، ص ۱۶۶

۲۰۷. مشکات المصابیح، کتاب البیو، (ترجمه) کریم، شماره‌ی ۵۵، ص ۲۸۴
۲۰۸. سوره‌ی لقمان آیه‌ی ۳۴،
۲۰۹. سوره‌ی العمران، آیه‌ی ۱۴۵،
۲۱۰. سوره‌ی المائد، آیه‌ی ۲،
۲۱۱. سوره‌ی المائد، آیه‌ی ۱،
۲۱۲. صحیح البخاری، کتاب البیو، جلد ۳، شماره‌ی ۳۲۸، ص ۱۸۶
۲۱۳. رجوع شود به کوریدز "تاثیر قانون اسلامی در سیستم قانونی معاصر آسیای میانه، شکل گیری و نیروی اجرایی قرارداد" در مجله‌ی قانون بین‌المللی کلمبیا ۹:۲، (۱۹۷۰) ص ۴۰۷
۲۱۴. اما ملک بن اناس، الواتا کتاب البیو، ترجمه، شماره‌ی ۳۱ تا ۳۳ ص ۲۴۸
۲۱۵. صحیح البخاری، کتاب البیو، (ترجمه) جلد ۳، شماره‌ی ۳۲۷، ص ۱۸۴
۲۱۶. رجوع شود به لیاقت علی خان نیازی، قوانین اسلامی قرارداد، تحقیق (لاهور: کتابخانه‌ی تراست دیال سینگ، ۱۹۹۰) ص ۱۸۸ و همچنین راینر، نظریه‌ی قرارداد در قوانین اسلامی، ص ۳۱۰، ۳۱۳، ۳۲۲؛ همچنین رجوع شود به ابن همام، فتح القدیر، جلد ۵، ص ۱۳۲، و همچنین شیعی کتاب الام، جلد ۸، ص ۸۷ تا ۱۵۰
۲۱۷. صحیح البخاری، کتاب البیو، (ترجمه) جلد ۳، شماره‌ی ۲۹۲، ص ۱۶۵-۱۶۶
۲۱۸. مشکات المصابیح، کتاب البیو، (ترجمه) کریم، شماره‌ی ۵۵، ص ۲۸۴
۲۱۹. سیسکاس، قوانین شرعی سنی و امامی (لاهور: انتشارات قانون) جلد یک، ص ۵۰۱
۲۲۰. مجله، مقاله‌ی ۳۴۵
۲۲۱. بلدو سینگ، نهایت حسن نیت در قرارداد بیمه، (۱۹۹۶)
۲۲۲. شرکت بیمه‌ی بریتون رویال (۱۸۲۹) ۵۰۳ در ۵۱۸
۲۲۳. پریپارک در اورت و دسبورک، (۱۸۲۹) ۵۰۳ در ۵۱۸
۲۲۴. (۱۹۲۸) ۳۲-۹۸
۲۲۵. (۱۷۶۶) ۱۹۰۹
۲۲۶. رجوع شود به نیک راماله محمود، قانون بیمه در مالزی، ص ۴۳
۲۲۷. برای جزئیات این اصل به "کاوت امپتور" در بیلام معصوم رجوع شود. کاوت امپتور نوعی درگیری است بین قانون عرف و قانون اختیار اسلامی (۱۹۹۵)
۲۲۸. پو چو چای، قانون بیمه، ۵۵
۲۲۹. ماده‌ی ۹۶(۵) قانون عبور و مرور جاده‌ای (۱۹۸۷)

۲۳۰. مادهی ۱۷ قانون قراردادهای بیمه ۱۹۰۶ انگلستان
۲۳۱. (۱۹۸۰) گزارش نشده، مشاهده شده در مرکین، رابرت م، ۲۳۲. (۱۹۰۸) ۸۶۳
۲۳۳. رجوع شود به مفاد ۱۷، ۱۸ و ۱۹
۲۳۴. رجوع شود به مادهی ۱۵۰ (۱)، (۲)، (۳) و (۴)
۲۳۵. رجوع شود به مادهی ۸۰
۲۳۶. رجوع شود به مادهی ۹۶ (۵)
۲۳۷. رجوع شود به مادهی ۱۵۰ (۱)، (۲)، (۳) و (۴) قانون بیمه ۱۹۹۶
۲۳۸. همان منبع، مادهی ۱۴۷ (۵)
۲۳۹. مادهی ۸۰ (۵) قانون عبور و مرور جادهای ۱۹۸۵؛ همچنین رجوع شود به مادهی ۹۶ (۵) قانون حمل و نقل جادهای ۱۹۸۷، مادهی ۱۰ (۵) قانون ترافیک جادهای ۱۹۳۴ (انگلستان) و مادهی ۹۶ (۵) قانون خودروهای موتوری (خطر شخص ثالث و جبران آن) ۱۹۸۵ سنگاپور
۲۴۰. مادهی ۸۰ (۳) قانون عبور و مرور جادهای ۱۹۵۸، همچنین رجوع شود به پو سیو چونگ و شرکت بیمه‌ی بین‌الملل آمریکا (۲۰۰۶) ۶۰۲
۲۴۱. مادهی ۱۴۷ (۴) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶
۲۴۲. (۱۹۷۵) لیوید ۴۸۵
۲۴۳. رجوع شود به قضاوت ته سه چنگ، شرکت بیمه‌ی بازرگانی انگلستان (۱۹۲۱)
۲۴۴. مادهی ۱۸ (۲) قانون بیمه‌ی سفرهای دریایی ۱۹۰۶ انگلستان؛ همچنین رجوع شود به ژرمی ج ر "اجراپذیری قراردادهای بیمه توسط اصول فاش نشده و وظیفه‌ی افشاء" (۱۹۹۴)
۲۴۵. برای مطالعه‌ی جزئیات رجوع شود به تان چی منگ، قانون بیمه در سنگاپور، (سنگاپور؛ باترورث، ۱۹۸۸) ص ۷۱
۲۴۶. رجوع شود به ایوامی، اصل کلی قوانین بیمه ص ۱۲۳، همچنین رجوع شود به بلدو سینگ، "وظیفه‌ی افشاء حقایق از جانب طرفین قرارداد بیمه"، (۱۹۹۴)
۲۴۷. (۱۹۰۸) ۸۶۳
۲۴۸. رجوع شود به مادهی ۱۹ قانون بیمه‌ی سفرهای دریایی ۱۹۰۶؛ همچنین کووان، ورونیکا، "عدم افشاء، شرایطی برابر؟" در قانون و فعالیت‌های بیمه‌ی تالی، جلد ۴، ش ۱، ۱۹۹۴، ص ۲۰
۲۴۹. (۱۹۱۲) ۴۱۵ در ۴۳۰
۲۵۰. (۱۹۸۷) لیوید ۶۹

۲۵۱. ۴۰۶ (۱۹۳۶).
۲۵۲. همان منبع، ۱۰۸.
۲۵۳. برای تعریف محکومیت کیفری به ماده‌ی ۱ (۴) قانون برخورد با مجرمان ۱۹۷۴ (انگلستان) رجوع کنید.
۲۵۴. ۴۶۶ (۱۹۵۷) لیوید
۲۵۵. ۱۳۹ (۱۹۵۱) لیوید
۲۵۶. ۱۱۳ (۱۹۶۶) لیوید
۲۵۷. ۳۶۴ (۱۹۲۲)
۲۵۸. مفاد ۱ (۱۹)، ۳ (۱) و ۲۰ (۲) ج قانون روابط نژادی ۱۹۷۶ انگلستان که تبعیض از سوی بیمه‌گر بر مبنای نژاد، ملیت و مبدا را ممنوع می‌سازد.
۲۵۹. مرکین، ۴ تا ۸
۲۶۰. همان منبع
۲۶۱. ۶ (۱۹۷۳)
۲۶۲. ۴۰۶ (۱۹۳۶)
۲۶۳. ۱۹۳ (۱۹۳۷)
۲۶۴. نیک راماله محمود، قانون بیمه در مالزی، ص ۶۲
۲۶۵. ۱۳۹ (۱۹۲۷)
۲۶۶. دادگاه استیناف در شرکت بیمه‌ی اسنانوس و بیمه‌ی بین المللی کانتینر، اصول مشابهی را اتخاذ نمود. (۱۹۸۴) ۴۷۶
۲۶۷. ۲۴۸ (۱۹۲۱)
۲۶۸. ۱۱۴ (۱۹۲۲)
۲۶۹. ۱۹۳۷ (۱۹۳۷)
۲۷۰. ۴۷۶ (۱۹۸۴) لیوید
۲۷۱. شرکت بیمه‌ی سفرهای دریایی تامز و مرسی و شرکت گانفورد (۱۹۱۱) ۳۱۲
۲۷۲. مرکین. ص ۴ تا ۱۳
۲۷۳. همان منبع
۲۷۴. ۵۷۳ (۱۹۲۳)
۲۷۵. این ماده قید کرده که هیچ بیمه‌ی عمری نباید سن بیمه شده را مهم تلقی کند.

۲۷۶. ۱۸۱۵ (۱۸۱۶)
۲۷۷. ۱۹۰۲ (۱۹۰۳): شرکت بیمه‌ی مسافرتی پرین و مارین (۱۸۵۹) ۳۱۷
۲۷۸. ۱۹۱۸ (۱۹۱۹) ۶۶۲
۲۷۹. رجوع شود به شرکت بیمه‌ی عمر عمومی گو چونی لئونگ (۱۹۶۴) ۵
۲۸۰. ۱۸۷۳ (۱۸۷۴) ۳۵۱
۲۸۱. ماده‌ی ۲ قانون دسترسی به گزارشات پزشکی ۱۹۸۸ انگلستان
۲۸۲. ۱۹۶۴ (۱۹۶۵) ۴۵۳
۲۸۳. ۱۹۶۰ (۱۹۶۱) ۳۹۱
۲۸۴. شرکت بیمه‌ی تیمز و مرسی گانفورد (۱۹۱۱) ۵۲۹
۲۸۵. بیتز و هرویت (۱۸۶۷) ۵۹۵
۲۸۶. ماندرو و بل (۱۷۹۵) ۳۷۳
۲۸۷. فیتزهربرت و ماتر (۱۷۸۵) ۱۲
۲۸۸. شرکت بیمه‌ی پانا وانا لچومانان (۱۹۳۹) ۳۱
۲۸۹. شرکت بیمه‌ی تات تای و آنتور (۱۸۷۹) ۴۸۲
۲۹۰. ۱۹۷۳ (۱۹۷۴) ۶
۲۹۱. موارد مشابهی نیز در شرکت‌های بیمه‌ی آسیایی و شرکت بیمه‌ی بین‌المللی آمریکا (۱۹۵۳)، شرکت بیمه‌ی فوک یو تیمبر (۱۹۶۰) ۷۲ مشاهده می‌شود. همچنین رجوع شود به کلارک، ملکوم، "عدم افشاء و قوانین مربوط به آن: اهمیت این‌ها" در مجله‌ی قانون تجارت (۱۹۸۸) ص ۲۰۶
۲۹۲. شرکت بیمه‌ی ته سی چنگ (۱۹۲۱) ۲۴۸
۲۹۳. رجوع شود به تصمیم قاضی بوهم (۱۷۶۶) ۳ بر ۱۹۰۵، ۱۱۶۲
۲۹۴. همان منبع
۲۹۵. ۱۹۳۶ (۱۹۳۷) ۶۲۵
۲۹۶. ۱۹۸۳ (۱۹۸۴) ۳۲۸
۲۹۷. ماده‌ی ۱۸ (۳) (د) قانون بیمه‌ی سفرهای دریایی ۱۹۰۶ انگلستان
۲۹۸. ۱۹۶۷ (۱۹۶۸) لیوید ۵۵۰
۲۹۹. ۱۹۸۰ (۱۹۸۱) ۲۵۲ و ۲۵۳
۳۰۰. ۱۹۲۷ (۱۹۲۸) ۴۱۸

۳۰۱. نیک راماله محمود، قانون بیمه در مالزی، ص ۴۷

۳۰۲. (۱۹۲۰) ۲۸

۳۰۳. کیننگ و فرگهر، (۱۸۸۶) ۷۲۷

۳۰۴. (۱۹۲۸) ۵۵۴

۳۰۵. رجوع شود به قضاوت کارتر بوهم (۱۷۶۶) ۳ بر ۱۹۰۵

۳۰۶. رجوع شود به همیلتون ج، "وظیفه ی افشاء در قانون بیمه- تاثیر خودقانونی" در بررسی

قانون تجاری استرالیا جلد ۲۳، ش ۵، اکتبر ۱۹۹۵، ۳۵۹ ص ۳۶۵

۳۰۷. کوهلی ص ۷۱

۳۰۸. همان منبع

۳۰۹. تحت قوانین بیمه ی ۱۹۹۶، زمان مشخصی قید نشده اما ر س کوهلی پیشنهاد داده که زمان

را می توان بر اساس موقعیت تعیین کرد.

عوامل قراردادی موثر بر بیمه و تکافل

مقدمه

عوامل قراردادی موثر بر بیمه نامه عبارتند از تشریفات، ضمانت اجرای قرارداد و میزان ضرر. تشریفات عبارت است از تقاضا، پذیرش و پوشش بیمه؛ ضمانت اجرای قرارداد که همان حق بیمه‌ی دریافتی است و ضمانت بیمه گر، محافظت و مزایای درخواست نشده (NCB).

موضوع بیمه نامه در برابر خطرات احتمالی بیمه می‌شود و زمانی که رویداد غیرمترقبه‌ای روی دهد، بیمه شده می‌تواند درخواست دریافت سود بیمه را نماید. زمانی که دارنده‌ی بیمه تایید کند که خطری روی داده، بیمه گر حق دارد در خصوص ادعای وی تفحص و بررسی‌های لازم را انجام دهد و علت حقیقی واقعه را تعیین کند. این علت در بیمه نامه، علت مستقیم نامیده می‌شود.^۱ اگر بیمه شده نتواند علت مستقیم را پیدا کند، می‌تواند از پرداخت مبلغ ضرر و زیان سر باز زند.^۲ در قراردادی که خطر بیمه شده برای موضوع قرارداد پیش آمده باشد، بیمه شده تنها حق دارد میزان ضرر و زیان را ادعا کند. اما میزان درخواستی نباید از حداکثر میزان توافقی تجاوز کند. اگر بیمه گر به بیمه شده غرامتی پرداخت کرده باشد می‌تواند میزان این دوره را کاهش دهد یا از قبول ادعا سر باز زند. چنین حقی پس از بررسی‌های دقیق و عادلانه از بیمه شده به بیمه گر منتقل

می‌گردد و این حق انتقال در قانون بیمه، وکالت (جانشینی) نامیده می‌شود. هم قانون عرف و هم قانون شرع در قراردادهای بیمه شان این عوامل را دارند اما هر یک روش‌ها و مقررات خاص خود را دارا هستند.

به طور مثال، ذی‌نفع قرارداد بیمه‌ی عمر در قانون عرف حق دارد در برابر ضررهای غیرمنتظره‌ای که برای موضوع قرارداد پیش می‌آید، بدون در نظر گرفتن مدت خطر، ادعای ضرر و زیان کند. اما ذی‌نفع بیمه‌ی عمر اسلامی می‌تواند تنها کل میزان پرداختی، سهم سود، سود سهام و مبلغ اختصاصی از بودجه‌ی خیریه را مطالبه نماید.^۳ دادگاه‌های مختلف قانون عرف در خصوص روند مربوط به تعیین میزان ضرر، نظرات مختلفی دارند که گاهی اوقات برای بیمه‌گر ناعادلانه به نظر می‌رسد اما ذی‌نفع فرد بیمه شده از سود آن لذت خواهد برد.^۴

این فصل به بررسی اصولی می‌پردازد که بر تشریفات، ضمانت اجرا و میزان ضرر بیمه نامه در عرف و شرع حاکم است تا چالش‌های موجود بین این دو سیستم را پیدا کند.

۶-۱. تشریفات

۶-۱-۱. فعالیت‌های تکافل

در قرارداد تجاری (عقد)، باید موضوعی (معقود علیه) موجود باشد که طرفین قرارداد بر آن توافق نظر و توافق^۵ دارند و متعهد می‌شوند که طبق اصول و شرایط قرارداد عمل کنند. طبق تعریف مجله، تشریفات قانونی قرارداد این است که طرفین بین خودشان بر سر ارائه یا قبول چیزی توافق نمایند.^۶ دکتر حسین حمید حسن اظهار داشته که تشریفات قرارداد در قوانین اسلام این است که بر اثر پیمان طرفین با یکدیگر در خصوص موضوع معامله، رابطه‌ای قانونی بین افراد بوجود آید.^۷

بیمه نامه نوعی مبادله‌ی مالی است که در آن، طرفین (عامل و مشتری) به پیمانی متعهد می‌شوند که بر اساس اصول کلی قرارداد شکل گرفته است. از آنجا که بیمه نامه نوعی قرارداد است، تشریفات مورد نیاز آن، همان تشریفات است که در سایر قراردادهای

تجاری وجود دارد. تشریفات مورد نیاز شرکت‌های بیمه‌ی اسلامی بر اساس همان تشریفات شریعتی شکل می‌گیرد که در اصول قرارداد (العقد) موجود است. تحت قوانین اسلامی، تشریفات اصلی بیمه نامه این است که باید موضوعی وجود داشته باشد که در خطر است و طرفین قرارداد با دو اصل ایجاب و قبول^۸ بر سر آن توافق حاصل کنند و متعهد شوند که در صورت بروز خطر غیرمترقبه، در سود و زیان آن شریکند. به عبارت دیگر، تشریفات در قرارداد بیمه عبارت است از ایجاب (تقاضا)، قبول و صدور برگه‌ی پوشش بیمه (سندی موقت در بیمه نامه که از سوی عامل بیمه به مشتری ارائه می‌شود).

اول. تقاضا (ایجاب)

در بیمه نامه، فردی که می‌خواهد اموالش را در برابر خطرات بیمه کند کسی است که باید با پرداخت حق بیمه برای محافظت از مال مورد نظر در برابر خطرات احتمالی با عامل بیمه همکاری نماید. از اینرو در بیمه نامه، صاحب موضوع قرارداد کسی است که درخواست انعقاد قرارداد بیمه را مطرح می‌نماید.

تقاضا می‌تواند از سوی دارنده‌ی موضوع قرارداد و بنا به تمایل وی مطرح شود، اما به منظور تضمین معامله‌ی بهتر بین عامل و مشتری، عامل، فرم درخواست رسمی‌ای جهت تکمیل به متقاضی ارائه می‌دهد. این فرم درخواست، شامل پرسش‌های اطلاعاتی ضروری^۹ است که بیمه گر باید پیش از انعقاد قرارداد از آن مطلع باشد. در تقاضانامه، متقاضی ملزم است تا معایب موضوع قرارداد که ممکن است قرارداد را تحت تاثیر قرار دهد را افشاء نماید. این الزام در حدیث زیر از پیامبر اکرم (ﷺ) تایید شده است:

«عن حکیم بن حزام قال: قال رسول الله (ﷺ) البيعان بالخيار ما لم يفتقا او قال: حتى يفتقا فان صدقا و بينا بورك لهما في بيعهما و ان كتما و كذبا محقت برکه بيعهما»

«نقل است از حکیم بن حزام که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: اگر خریدار و فروشنده هر دو در نهایت صداقت، معایب کالا را مطرح کرده باشند حق دارند جنس را نگاه دارند یا پس

دهند و در هر دو صورت مورد رحمت و برکت خدا قرار دارند و اگر دروغ بگویند و فریب در کارشان باشد نعمت از بین می‌رود.^{۱۰}

عقبه بن عامر نیز به همین نکته اشاره کرده:

«و قال عقبه بن عامر : لا يحل لامری بيعع سلعه يعلم ان بها داء الا اخبره»

«عقبه بن عامر می‌فرماید: کسی که جنسی ایراددار را در حالی که از آن اطلاع دارد بفروشد کاری غیرقانونی کرده مگر اینکه خریدار را از آن عیب مطلع سازد.»^{۱۱}

تقاضانامه نباید حاوی اظهارات یا اطلاعاتی از سوی متقاضی از روی سوء نیت و به قصد فریب بیمه گر باشد. این نکته نیز در فرمایشات پیامبر اکرم (ﷺ) نمود داشته است.

«عن عبدالله بن عمر ان رجلا ذكر للنبي (ﷺ) انه يخدع في البيوع فقال اذا بايعت فقل لا خلا به»

«نقل است از عبدالله بن عمر که مردی نزد پیامبر اکرم (ﷺ) آمد گفت همیشه در معامله به من خیانت می‌شود. پیامبر (ﷺ) به وی فرمود در هنگام خرید بگو تقلب در کار نباشد.»^{۱۲}

در قرارداد تجاری، تقاضا لزوماً مکتوب نیست و تقاضای شفاهی از طریق تلفن و تلکس نیز اعتبار دارد. اما آیا می‌توان همین امر را در خصوص تقاضای بیمه نامه اجرا کرد؟ به عبارت دیگر آیا تقاضانامه‌ی بیمه می‌تواند حالتی غیرمکتوب داشته باشد؟ پاسخ این است که هرچند بیمه نامه نوعی قرارداد تجاری است اما ماهیت آن از سایر قراردادها متفاوت است. این نوع قرارداد تنها با امور مالی سر و کار دارد. اگر تقاضانامه‌ی بیمه به حالتی غیر مکتوب باشد در طی زمان شرایط و مقررات و اطلاعات موجود در آن دستخوش تغییر می‌شود و زمینه ساز درگیری بین متقاضی و بیمه گر می‌گردد و به

مشتري فرصت می‌دهد تا سوء نیت را به معامله وارد نماید. در معامله‌ی بیمه نیز جایی برای افرادی که قصد نیرنگ در معامله را دارند وجود ندارد:

«و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان»

«اما به یکدیگر در گناه و دشمنی کمک نکنید.»^{۱۳}

خداوند در آیه‌ای دیگر اذعان داشته که افرادی که در پی تخریبند در معامله جایی ندارند. وی می‌فرماید:

«يسعون فی الارض فسادا و الله لا یحب المفسدين»

«و تلاش می‌کنند بر روی زمین فساد کنند اما خدا مفسدین را

دوست ندارد.»^{۱۴}

بنابراین تقاضانامه‌ی بیمه باید مکتوب باشد (تا از هرگونه درگیری و نزاع بین عامل و مشتری جلوگیری شود). آیا می‌توان تقاضانامه را از طریق رسانه‌های الکترونیک (پست الکترونیک، تلگراف یا سایر روش‌ها) یا از طریق پست یا روش‌های مکتوب دیگر ارسال نمود؟ این روش‌ها، مکتوب بودن قرارداد را ممکن می‌سازد و تقاضانامه‌ی مکتوب یعنی هر نوع سند قابل مشاهده. هدف از تقاضانامه‌ی مکتوب این است که در صورت نیاز، سندی برای اثبات توافقات در آینده در دست باشد.

حال می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که تقاضا نامه تنها زمانی که مکتوب باشد (حتی از طریق فاکس، پست الکترونیک، پست، چاپی یا تلگراف) اعتبار دارد. اما تقاضای شفاهی به دلیل جلوگیری از هرگونه نزاع و درگیری بین عامل و مشتری از اعتبار لازم برخوردار نخواهد بود.

زمانی که فرم تقاضا توسط متقاضی تکمیل شود و اطلاعات اظهارات دقیق در آن وارد گردد، باید توسط وی امضا و جهت ارزیابی به عامل بازگردانده شود.^{۱۵} سپس بیمه‌گر باید در خصوص قبول یا رد تقاضا تصمیم‌گیری کند. تقاضانامه از سوی متقاضی تعهدی بر وی ایجاد نمی‌کند^{۱۶} مگر آن‌که به طور رسمی پذیرفته شده باشد.^{۱۷} از این‌رو، متقاضی می‌تواند نه تنها تا زمانی که تقاضانامه‌اش بدست عامل نرسیده بلکه تا زمانی که به طور رسمی پذیرفته نشده باشد، درخواست خود را پس بگیرد. اما زمانی که تقاضا

پذیرفته شود، متقاضی به آن ملزم می‌شود و حق بازگشت ندارد. علت نیز این است که خداوند بر پابندی به تعهدات تاکید می‌نماید. خداوند می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا، اوفوا بالعقود»

«ای کسانی که ایمان آورده اید! به عهد خود پابند باشید.»^{۱۸}

دوم. پذیرش (قبول)

در بیمه نامه، پذیرش از سوی عامل صورت می‌گیرد. اما در مواردی خاص، پذیرش باید از سوی متقاضی باشد. به طور مثال وقتی عامل با تقاضای مشتری موافقت نکرده و قصد دارد شرایط و مقرراتی به آن بیفزاید، تقاضا برعکس می‌شود. نوع قبول تقاضا ناشی از عملکرد عامل بیمه است که از یکی از روش‌های زیر صورت می‌گیرد:

■ صدور بیمه نامه

■ صدور دفترچه‌ی موقت

■ صدور رسید رسمی برای دریافت حق بیمه‌ی اولیه

■ هر نوع قبول (از طریق فاکس، تلکس، تلگراف، پست الکترونیک و هرگونه پیام تایپ شده) درخواست مشتری.

پذیرش رسمی را نمی‌توان بعدها رد کرد. علت نیز این است که با انجام مراحل ایجاب و قبول، قرارداد منعقد شده است. زمانی که قرارداد پذیرفته شود، طرفین ملزم به قرارداد و اجرای آن خواهند بود. این احترام به قرارداد، راه را برای تداوم برادری و دوستی در معاملات تجاری باز می‌کند.^{۱۹}

اما اگر عامل بیمه بتواند نقض نهایت حسن نیت از سوی متقاضی را ثابت کند، پذیرش منتفی خواهد بود. در این صورت، عامل حق دارد قرارداد را لغو کند^{۲۰} یا با ایجاد شرایط خاص برای پرداخت ضرر و زیان^{۲۱} به آن ادامه دهد. تایید این مطلب در آیه‌ی زیر آمده است:

عن حکیم بن حزام قال: قال رسول الله (ﷺ) البيعان بالخيار ما لم يفترقا او قال: حتى يفترقا فان صدقا و بينا بورك لهما في بيعهما و ان كتما و كذبا محقت بركه بيعهما

نقل است از حکیم بن حزام که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: اگر خریدار و فروشنده هر دو در نهایت صداقت، معایب کالا را مطرح کرده باشند حق دارند جنس را نگاه دارند یا پس دهند و در هر دو صورت مورد رحمت و برکت خدا قرار دارند و اگر دروغ بگویند و فریب در کارشان باشد نعمت از بین می‌رود.^{۲۲}

سوم. صدور بیمه نامه‌ی موقت

در قرارداد بیمه، صدور بیمه‌ی موقت، دائمی شدن آن را تضمین نمی‌کند و تنها رسیدی است که از سوی بیمه‌گر جهت ارائه‌ی خدمات موقت صادر شده است. بیمه نامه‌ی موقت اصولاً برای بیمه نامه‌های عمومی (اموال، موتور، تجارت و غیره) صادر می‌شود.^{۲۳}

گاهی اوقات صدور بیمه نامه برای متقاضی پس از توافق بین طرفین ممکن نیست. اگر عامل در صدور بیمه نامه برای متقاضی تاخیر کند و در این حین خطری برای موضوع بیمه پیش بیاید، بیمه‌تعهده‌ی در قبال آن ندارد، زیرا هیچ سندی برای اثبات توافق وجود ندارد. در چنین شرایطی، دارنده‌ی بیمه نمی‌تواند ادعایی داشته باشد زیرا سندی برای اثبات ادعای خود در دست ندارد. در این موقعیت، سه اثر منفی بروز می‌کند:

۱. به عامل بیمه، فرصت فریب دارنده‌ی بیمه را می‌دهد. در قانون اسلامی، هیچ جایی برای طرفین معامله برای فریب یکدیگر وجود ندارد. حدیث زیر نیز موید این مطلب است.

«قال نبی (ﷺ) الخديعة في النار و من عمل عملاً ليس عليه امرنا فهو رد»

«پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود نیرنگ شما را به جهنم می‌راند و کسی که مرتکب عملی خلاف احکام ما شود، عملش پذیرفته نخواهد بود.»^{۲۴}

۲. دارنده‌ی بیمه از ادعای به حق خود در خصوص موضوع قرارداد محروم می‌شود و این امر به عامل فرصت سودجویی می‌دهد که در تعالیم اسلامی ممنوع است. خداوند می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره ان تراض منکم»

«ای اهل ایمان! مال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر تجارتی باشد که به آن راضی هستید.»^{۲۵}

۳. بین عامل و مشتری، شرارت و فساد رخ خواهد داد که در نظر خداوند پذیرفته نیست. خداوند می‌فرماید:

«و لا تبلغ الفساد فی الارض و الله لا یحب المفسدین»

«در زمین فساد نکنید زیرا خداوند مفسدین را دوست ندارد.»^{۲۶}

برای جلوگیری از این فساد، بی‌عدالتی و شرارت، صدور بیمه‌نامه‌ی موقت از سوی بیمه‌گر ضرورت دارد که برای استفاده در طول مدتی است که هنوز بیمه‌نامه‌ی دائمی صادر نشده است. این بیمه‌نامه‌ی موقت حکم سند اثبات قرارداد بین طرفین است و به مشتری فرصت اثبات ادعای خود در خصوص موضوع مورد بیمه را می‌دهد. داشتن سندی مکتوب برای اثبات معاملات در قرآن نیز تایید شده است:

«یا ایها الذین آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاكتبوه و لیکتب بینکم كاتب بالعدل و لا یاب کاتب ان یتب کما علمه الله»

«ای اهل ایمان! زمانی که قراردادی را امضا می‌کنید که در مدت زمانی خاص برایتان تعهد ایجاد می‌کند، آن را مکتوب

کنید، فرد متعهدی برای نگارش آن انتخاب کنید و نگذارید
خلاف دستور خدا چیزی را بنگارد.»^{۲۷}

سند مکتوب، نقش مهمی را به عنوان سند معتبر ایفا می‌نماید که باز هم در آیات
قرآن، مورد تایید خداوند قرار گرفته است. خداوند می‌فرماید:

«و جعلوا الملائكة الذين هم عباد الرحمن اناثا اشهدوا خلقهم
ستكتبهم شهداتهم و يسألون»

«و فرشتگان موثقی هستند که خدا را عبادت می‌کنند، بر خلق
خدا شاهدند و هر چه می‌بینند می‌نگارند و حسابی برایشان
می‌سازند.»^{۲۸}

بیمه نامهی موقت تنها اثری موقت دارد و مدت آن باید توسط عامل، تعیین و در
خود قرارداد ذکر شود. اما اگر بیمه‌گر، بیمه نامهی اصلی را پیش از انقضاء مدت بیمه
نامه‌ی موقت صادر کند، زود تر از تاریخ انقضاء غیر معتبر خواهد شد. از این رو، به محض
صدور بیمه نامهی اصلی، نسخه‌ی موقت از اعتبار ساقط خواهد شد.

۲-۱-۶. فعالیت‌های بیمه

قراردادهای عادی به توافق بین طرفین، هدف ایجاد روابط قانونی و مسائل ارزشمند نیاز
دارند. همین طور قرارداد بیمه به توافق بین طرفین بر سر تقاضای مورد نظر و قبول آن
(از طریق صدور بیمه نامهی موقت و غیره) و مسئله‌ی مالی (حق بیمه یا سود بیمه)
احتیاج دارند. تشریفات قرارداد بیمه در زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

اول. درخواست

معمولاً بیمه‌گر تقاضا نامه‌ای را به مشتری ارائه می‌دهد اما خود تقاضا از سوی متقاضی
مطرح می‌شود.^{۲۹} در برخی موارد، تقاضای متقاضی نظر بیمه‌گر را جلب نمی‌کند و خود
وی دست به ارائه‌ی تقاضا می‌زند. این تقاضا از سوی بیمه‌گر به متقاضی ارائه می‌گردد.^{۳۰}
درخواست لزوماً نباید کتبی باشد^{۳۱} مگر در مورد سفرهای دریایی، عمر و موتور^{۳۲} که به

درخواست کتبی نیاز دارند.^{۳۳} هرچند درخواست شفاهی، معمولاً مجاز است اما به دلیل جلوگیری از درگیری^{۳۴} توصیه نمی‌شود. علت نیز این است که در تقاضانامه‌ی شفاهی، بیمه‌گر می‌تواند به دلیل عدم وجود دلایل و اسناد معتبر، تعهدات خود را زیرپا بگذارد.

در بیمه سفرهای دریایی لندن، تقاضانامه، بیمه‌ی دریایی نامیده می‌شود. بیمه‌ی دریایی سندی است که حاوی ویژگی‌های اصلی^{۳۵} تقاضای مشتری است که برای ارائه‌ی مکتوب، تسلیم صادرکننده می‌شود. بیمه‌ی دریایی توسط بیمه‌گر یا صادرکننده‌ی بیمه تامین می‌شود و باید توسط وی تکمیل شود. تقاضانامه در عمل توسط کارگزار یا بوسیله‌ی متقاضی و با کمک کارگزار پر می‌شود.^{۳۶} عملکرد تقاضا زمانی آغاز می‌شود که به بیمه‌گر^{۳۷} یا صادرکننده‌ی بیمه تسلیم شود و صرف نظر از قرارداد تا آغاز کار امکان‌پذیر است البته به شرطی که پیش از پذیرش بیمه‌گر صورت گرفته باشد.^{۳۸}

دوم. پذیرش (قبول)

تقاضانامه‌ی بیمه تا زمان پذیرش بیمه‌گر، موثر و لازم الاجرا نخواهد بود.^{۳۹} پاسخ مثبت و بی‌قید و شرط بیمه‌گر، پذیرش تقاضا از سوی وی تلقی خواهد شد. در شرکت آلیس چالمرز و موسسه‌ی اعتباری مریلند^{۴۰} قید شده که قرارداد بیمه معتبر نخواهد بود مگر این‌که بین طرفین توافقی بر سر همه‌ی موارد قرارداد وجود داشته باشد.^{۴۱} پذیرش تقاضا نیز تا پیش از خبر دادن به مشتری قابل برگشت است.^{۴۲} حالت پذیرش بیمه نامه به یکی از راه‌های زیر است:

۱. از طریق بیمه‌گر یا صادرکننده‌ی بیمه با ذکر پذیرش آن^{۴۳}
۲. پذیرش رسمی غیرمشروط. اما اگر تقاضا، بر اساس شرایطی باشد، پذیرش مگر در صورت اجرای شرایط، معتبر نخواهد بود. در شرکت کینینگ و هور^{۴۴} قید شده که پذیرش تقاضا معتبر نیست مگر این‌که شرایط و تعهدات به جا آورده شوند.

۳. پذیرش از طریق صدور بیمه نامه. بیمه گر در صورت پذیرش تقاضا موظف به صدور بیمه نامه خواهد بود. از این رو بیمه گر پس از صدور بیمه نامه، حق رد آن را نخواهد داشت.^{۴۵}

۴. پذیرش از طریق عملکرد بیمه گر. هر عمل مثبتی از سوی بیمه گر در خصوص بیمه نامه موید پذیرش آن است، حتی اگر بیمه گر، حق بیمه را از مشتری دریافت نکرده یا بیمه نامه ای صادر نکرده باشد.^{۴۶} از این رو وقتی تقاضا از طریق عملکرد مثبت بیمه گر پذیرفته شده باشد، دیگر حق رد اعتبار آن را نخواهد داشت.

۵. پذیرش از طریق دریافت اولین حق بیمه. اگر اولین حق بیمه از متقاضی اخذ شود، حتی در صورت عدم صدور بیمه نامه یا سایر موارد، تقاضا پذیرفته شده تلقی خواهد شد.^{۴۷} از این رو زمانی که بیمه گر، حق بیمه را دریافت کرده باشد دیگر نمی تواند از وظایف خود عدول کند.

سوم. صدور بیمه نامه ی موقت

بیمه نامه ی موقت، مدرک موقتی^{۴۸} است که در پی درخواست متقاضی، توسط عامل^{۴۹} و به نیابت از بیمه گر صادر می شود. از این رو بیمه نامه ی موقت تا مدت محدودی نقش سند بیمه را ایفا می نماید. بیمه نامه ی موقت لازم نیست همیشه مکتوب باشد بلکه به صورت رسید^{۵۰} یا شفاهی^{۵۱} نیز اعتبار دارد. این نوع بیمه نامه در مواردی چون بیمه ی موتور، آتش سوزی و سرقت صادر می شود نه برای بیمه ی عمر.^{۵۲} هدف از این بیمه نامه ی موقت، ارائه ی پوشش بیمه در مواردی است که خطر مزبور، پیش از صدور بیمه نامه ی اصلی روی داده باشد.

معمولاً قراردادهای موقت سفید به عامل بیمه ارائه می شود و وی وظیفه دارد آنها را از جانب مشتری تکمیل نماید. در چنین شرایطی، بیمه گر مسئول هرگونه خطری است که برای بیمه شده و موضوع قرارداد پیش می آید.^{۵۳} اما اگر به عامل، اختیار تام داده نشده باشد، مسئولیت وی در صدور بیمه نامه محدود و به بیمه گر وابسته خواهد بود.^{۵۴} اگر بین شرایط بیمه نامه ی موقت و بیمه نامه ی معمولی اختلافی موجود باشد، بیمه نامه ی

اصلی معتبر خواهد بود. در شرکت ملی بیمه‌ی مالزی^{۵۵}، بیمه‌گر در بیمه‌ی آتش سوزی نسبت به شرایط بیمه‌نامه‌ی موقت تعهدی نداشت، چراکه با بیمه‌نامه‌ی اصلی در تضاد بود. اگر در بیمه‌نامه‌ی موقت قید نشده باشد که قرارداد عادی در کار است، قرارداد بیمه‌ی موقت بر اساس شرایط و مقررات بیمه‌نامه‌های معمولی خواهد بود.^{۵۶}

در خصوص مدت اعتبار بیمه‌نامه‌ی موقت نیز، رسم این است که محدودیت زمانی خاص در قرارداد قید شود و اعتبار آن تا زمان انقضاء آن باشد. اما زمانی که بیمه‌نامه صادر شود، اعتبار بیمه‌نامه هرچند تمام نشده باشد، پایان یافته تلقی خواهد شد.^{۵۷}

۲-۶. ضمانت اجرای قرارداد

قرارداد را نمی‌توان معتبر دانست مگر این‌که ضمانت اجرای معتبری موجود باشد. در قراردادهای تجاری، ضمانت اجرا معمولاً باعث تعهد می‌شود. اما هرچند قرارداد بیمه نوعی مبادله‌ی مالی است، اما نباید تنها از مشتری اخذ شود، بلکه هر دو طرف ملزم به ارائه‌ی این ضمانت هستند. ضمانت مشتری، تعهد پرداخت حق بیمه و ضمانت بیمه‌گر، تقبل پرداخت ضرر و زیان خطر بوجود آمده در خصوص موضوع قرارداد است.

قانون شرع و عرف در این دیدگاه مشترکند که در بیمه‌نامه‌ی معتبر باید نوعی ضمانت اجرا وجود داشته باشد اما در تعیین ارزش این ضمانت اختلاف دارند. در قانون عرف، ارزش مزبور از طریق قانون موضوعه، مفاد قانونی، برابری و فعالیت‌های مشتری تعیین می‌شود. اما در قانون شرع، تعالیم الهی، ارزش مزبور را مشخص می‌کنند. از این‌رو تحت قانون اسلامی اگر اصول شرع چیزی را ارزشمند ندانند، آن چیز ارزشمند تلقی نخواهد شد. به طور مثال اگر دارنده‌ی بیمه از پول دزدی برای پرداخت حق بیمه استفاده کند، ضمانت اجرای معتبری نخواهد بود.

ضمانت اجرا در قراردادهای بیمه چه در قانون عرف و چه در قانون شرع ذیلاً مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱-۲-۶. فعالیت‌های تکافل

اول. سهمیه

سهمیه در قرارداد بیمه، نوعی مساعدت مالی^{۵۸} از سوی مشتری است که وی در عوض پوشش بیمه از سوی بیمه‌گر، ملزم به پرداخت آن به شرکت بیمه است. قرارداد بیمه نوعی مساعدت متقابل است که در آن، ضمانت اجرای هر دو طرف ضروری است. لزوم پرداخت این سهمیه در مبادلات متقابل در آیه‌ی زیر آمده است:

«و تعاونوا علی البر و التقوی»

«به یکدیگر در درستی و تقوی یاری رسانید.»^{۵۹}

این آیه‌ی قرآن کریم، وظیفه‌ی همکاری متقابل را بر دوش نوع بشر می‌گذارد. به علاوه در قرارداد بیمه زمانی که قرارداد منعقد شده باشد، مشتری، نوعی بدهکار تلقی می‌شود که باید حق بیمه را بر اساس شرایط و مقررات قید شده در قرارداد به طور منظم پرداخت نماید. این امر در احادیث متعددی از پیامبر اکرم (ﷺ) مورد تایید قرار گرفته که فرد مدیون باید بدهی خود را در اسرع وقت پرداخت نماید.

«عن ابی رافع قال... قال رسول الله (ﷺ) اعطه اياه فان خیر الناس احسنهم قضاء»

«نقل است از ابی رافع که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود بهترین انسانها کسی است که بدهی خود را به موقع پرداخت می‌کند.»^{۶۰}

پیامبر اکرم (ﷺ) در جای دیگری فرمود:

«عن ابی هریره ان رجلاً تقاضی رسول الله (ﷺ) ... فان خیرکم احسنکم قضاء»

«نقل است از ابوهریره که فردی از پیامبر اکرم (ﷺ) پندی درباره‌ی استرداد دیون خواست. وی فرمود: بهترین شما کسی است که دیونش را پرداخت کند.»^{۶۱}

قرارداد بیمه نوعی تعهد است و از این رو عملکرد سهمیه‌ی طرفین از طریق پرداخت حق بیمه (از سوی مشتری) و ارائه‌ی خدمات (از سوی بیمه) تعهداتی است که باید اجرا شوند. این امر توسط آیه‌ی قرآنی زیر توجیه می‌شود. خداوند می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود»

«ای کسانی که ایمان آورده اید به عهدهایتان وفا کنید.»^{۶۲}

بیمه شده در قرارداد به مثابه فرد بدهکاری تلقی می‌شود که ملزم به پرداخت به موقع سهمیه‌ی مشارکت خود می‌باشد. یکی از ناتوانی‌های بشر، در پرداخت به موقع دیون خود به دلایل غیرمنتظره است. در چنین شرایطی، جایگاه قانونی مشتری و خود قرارداد بیمه چیست؟ در قوانین اسلامی اگر فرد مدیون قادر به تصفیه‌ی بدهی‌های خود نباشد نباید توسط فرد طلبکار تحت فشار قرار گیرد بلکه توصیه می‌شود که فرد دائن با نیت خیر، زمان پرداخت را تمدید نماید. پیامبر اکرم (ﷺ) می‌فرماید:

«عن ابی قتاده قال سمعت رسول الله (ﷺ) یقول من انظر

معسرا او وضع عنه انجاه الله عن کرب یوم القیامه»

«نقل است از ابو قتاده که از پیامبر اکرم (ﷺ) شنیدم که

می‌فرمود هر که به فرد مدیونی برای تصفیه وقت بیشتری بدهد،

خداوند از فشار روز قیامت بر او می‌کاهد.»^{۶۳}

پیامبر اکرم (ﷺ) می‌فرماید:

«عن عمران بن حصین قال: قال رسول الله (ﷺ) من کان له

علی رجل حق فمّن اخره کان له بکل یوم صدقه»

«نقل است از عمران ابن حصین که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود:

هر کس طلبی داشته باشد و در استرداد آن به فرد مزبور

مهلت دهد، هر روز برای او مزد صدقه محسوب خواهد

شد.»^{۶۴}

از این رو توصیه می‌شود که اگر مشتری بیمه گاهی اوقات نتواند حق بیمه را به موقع پرداخت کند، نه باید وی را جریمه کرد و نه بیمه نامه‌ی وی را ابطال نمود. در عوض،

باید بر اساس قوانین و مقررات قرارداد، به وی زمانی داد تا بدهی خود را پرداخت نماید.

اما اگر مشتری نتواند در زمان مزبور، بدهی‌اش را پرداخت کند، بیمه نامه باطل خواهد شد. علت نیز این است که قرارداد بیمه نوعی همکاری متقابل است. از این رو اگر یکی از طرفین همکاری خود را متوقف کند، طرف دیگر نمی‌تواند به صورت یک طرفه به کار خود ادامه دهد. بنابراین اگر بیمه نامه به دلیل عدم پرداخت حق بیمه متوقف شود، حق بیمه‌ی پرداختی را نباید نادیده تلقی کرد بلکه باید آن را به فرد بازگرداند. هزینه‌های پرداختی از سوی بیمه نیز باید از این هزینه‌ها کسر شود. توجیه این امر در آیه‌ی زیر آمده است:

«عن ابی هریره ان رسول الله (ﷺ) قال: ایما رجل افلس

فادرک الرجل ماله بعینه فهو احق به من غیره»

«از ابوهریره نقل است که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمودند: اگر

کسی ورشکسته شود و مال او دست کسی باشد، او نسبت به

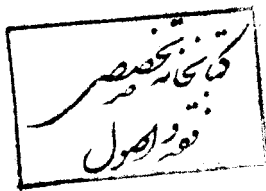
آن از هر کس دیگری شایسته تر است.»^{۶۵}

مجدداً توصیه می‌شود که تحت قوانین اسلامی هیچ موردی وجود ندارد که بتوان حق بیمه‌ی پرداختی را نادیده گرفت، حتی در صورتی که عدم حسن نیت فرد مقابل اثبات شود. علت نیز این است که قرارداد بیمه نوعی مبادله‌ی مالی است که در آن، حق بیمه‌ی پرداختی، حق قانونی فرد است و حتی در صورت عمل شیطانی نیز نباید نادیده گرفته شود. بیمه شده را می‌توان به دلیل عملش جریمه کرد اما نباید او را از حق بیمه‌ی پرداختی‌اش محروم کرد. حق بیمه، امانتی است که باید پرداخت شود. علت نیز این است که در قانون اسلام، متولی امانات نمی‌تواند امانت را به صاحبش بازنگرداند.^{۶۶} توجیه این امر، آیه‌ی زیر است:

«ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها»

«به درستی که خداوند شما را به بازگرداندن امانات به اهلش

دستور داده است.»^{۶۷}



همچنین خداوند در جای دیگر درباره‌ی کسانی که در امانت خیانت می‌کنند می‌فرماید:

«و لا تجادل عن الذين يختانون انفسهم * ان الله لا يحب من كان خواناً اثيماً»

«با آنان که به خود خیانت می‌کنند مجادله نکنید زیرا خداوند کسانی را که مرتکب گناه و خیانت می‌شوند را دوست ندارد.»^{۶۸}

از این رو تأکید می‌شود که تحت هیچ شرایطی در قوانین اسلامی نمی‌توان مشتری را از حق بیمه‌ی پرداختی‌اش محروم کرد بلکه باید ضرر و زیان را از آن کم کرده و مابقی را به وی بازگرداند.

پرسشی که در اینجا پیش می‌آید درباره‌ی بررسی حق بیمه‌ی پرداختی از سوی مالک بیمه است. آیا این حق بیمه باید حکم سرمایه یا مضاربه در معامله را داشته باشد یا باید نوعی خیریه تلقی گردد که باید به دو حساب ریخته شود؟ (یک بخش، سرمایه‌ی مضاربه و بخش دیگر، خیریه). در این خصوص، توصیه‌های زیر را می‌توان در نظر گرفت:

در هر نوع بیمه نامه‌ی عمر، حق بیمه‌ی پرداختی باید به دو بخش تقسیم شود: یک بخش سرمایه‌ی اصلی مضاربه و مابقی آن، خیریه که در حساب خیریه‌ی شرکت نگاه داشته می‌شود. درصد تخصیص حق بیمه‌ی پرداختی به دو بخش جداگانه به سیاست‌های شرکت بستگی دارد. دلیل این است که قرارداد بیمه طبق اصول مضاربه قرار دارد که در آن، مشتری موظف است حق بیمه را به طور منظم پرداخت نماید و عامل بیمه در قبال سهمی که به سود اختصاص داده شده حق دارد. اما بخشی از آن که به صدقه و خیریه اختصاص داده شده برای امنیت مالی ذی‌نفع متوفی بکار می‌رود. دلیل این که بخشی از حق بیمه به خیریه اختصاص داده می‌شود این است که تحت قوانین اسلامی، خیریه نوعی صدقه و هبه محسوب می‌شود.^{۶۹} ماهیت خیریه به گونه‌ای است که وقتی فرد بخشی را به آن اختصاص می‌دهد، مالکیت آن بدون هیچ حقی به فرد دیگر واگذار می‌شود. النسیفی تأکید می‌نماید که:

«هی تملیک العین بلا عوض»

«هبه یعنی اینکه فرد دیگری را مالک اموال خود کنیم بدون

آنکه سهمی از آن داشته باشیم».^{۷۰}

اما در قرارداد بیمه زمانی که دارنده‌ی بیمه نامه بخش خیریه را پرداخت کند، دیگر نسبت به آن هیچ حقی نخواهد داشت چرا که بدون هیچ حقی به دیگری واگذار شده است. بنابراین اگر خطری برای موضوع پیش بیاید، عامل بیمه وظیفه دارد میزان خیریه را به ذی‌نفع متوفی و نه خود او پرداخت نماید زیرا ذی‌نفع کسی است که به دلیل نیاز، محتاج خیریه است. از این‌رو اگر بخشی از حق بیمه به خیریه اختصاص داده شود این امر با اصول کلی صدقه و هبه تضادی ندارد.

در قرارداد بیمه‌ی عام (تحت اجرای شرکت‌های بیمه‌ی امروزی)^{۷۱} مالک بیمه نامه در دوره‌های زمانی کوتاه، حق بیمه‌ای به عامل پرداخت می‌کند و می‌پذیرد که این حق بیمه مانند سهم شراکتی است که برای جبران خطرات احتمالی بکار می‌رود. اگر خطری برای اموال وی بوجود بیاید، این مبالغ، آن را جبران می‌کند اما اگر خطری روی ندهد، هزینه نزد شرکت باقی می‌ماند. اما زمانی که قرارداد به پایان برسد و ادعایی بر مبلغ پرداختی وجود نداشته باشد، طبق سیاست‌های شرکت، بخشی از مبلغ بازگردانده می‌شود. ماهیت بیمه نامه‌ی عام این‌طور تعیین شده که حق بیمه‌ی پرداختی کوتاه مدت در آن مانند سهمیه‌ای (نه خیریه، نه صدقه و نه هبه) در یک سرمایه‌گذاری مشترک است که بیمه شده در آن، عضوی از شرکت محسوب می‌شود و اعضای مشخص شده، کسانی هستند که در صورت بروز خطرات غیرمنتظره از آنها حمایت به عمل می‌آید.

به طور مثال اگر سهمیه‌ی پرداختی در بیمه‌ی عام به عنوان خیریه، صدقه و هبه در نظر گرفته شود، این امر باعث ایجاد شبهه در مفاهیم خیریه، صدقه و هبه و تعالیم بیمه‌ی اسلامی خواهد شد. این شبهه ناشی از موارد زیر است:

۱. خیریه، صدقه و هبه در اصل واژگانی قابل تبادل هستند و معنای مشترکی دارند

که همان خیریه است.^{۷۲} از سوی دیگر واژه‌ی سهمیه^{۷۳} لزوماً در مفهوم صدقه

جایی ندارد.

علت این است که وقتی فردی به صدقه، هبه و خیریه مبادرت ورزد، به دلیل محبت، عشق یا منافع معنوی، اموالش را بصورت بلاعوض به دیگری واگذار کرده است.^{۷۴} این به این معنی است که وقتی فرد بخشنده، هبه‌ی خود را انجام دهد، حقوق مالکیت وی به فرد دیگر واگذار می‌شود.^{۷۵} مالکیت در این شرایط واگذار می‌شود و واهب هیچ حقی در برابر آن نخواهد داشت.

در قوانین اسلامی، ادعای واهب در خصوص اموال هبه شده غیرقانونی است و این امر به کرار در احادیث پیامبر اکرم (ﷺ) مشهود است.

«عن ابن عباس قال: قال رسول الله (ﷺ) العائد فی الهبه كالکلب یعود فی قیئه لیس لنا مثال السوء»

«نقل است از ابن عباس که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: کسی که هبه‌ی خود را بازپس گیرد مانند سگی است که بالا آورده‌ی خود را بخورد و کاری شیطانی است.»^{۷۶}

«عن ابن عمر و ابن عباس ان نبی (ﷺ) قال لا یحل للرجل ان یعطى عطیه ثم یرجع فیها الا الوالد فیما یعطى ولده و مثل الذی یعطى العطیه ثم یرجع فیها کمثل الکلب اکل حتی اذا شبع قاء ثم عاد فی قیئه»

«نقل است از ابن عمر و ابن عباس که پیامبر (ﷺ) فرمود: پسندیده نیست که فردی هدیه‌ای به کسی بدهد و آن را بازپس گیرد مگر پدری که آنچه به فرزندش داده ر پس گیرد. مثل کسی که هدیه را پس گیرد به مانند سگی است که تا حد سیری می‌خورد، سپس آن را بالا می‌آورد و باز همان را می‌خورد.»^{۷۷}

اما در قوانین سهمیه، حق بیمه‌ی پرداختی لزوماً نباید به نفع کس دیگری باشد و می‌تواند به نفع خود فرد باشد. به علاوه ماهیت سهمیه از هبه متفاوت است. در سهمیه، فرد پرداخت کننده، حق مالکیت خود را به طور کامل از دست نمی‌دهد و می‌تواند آن را

بازپس گیرد، مگر آن‌که به نیت صدقه و خیریه اعطاء شده باشد. به طور مثال سهمیه‌ای که در یک سرمایه‌گذاری مشترک به نیت سود سرمایه‌گذاران صرف شده باشد که در این صورت سهمیه‌گذاران موظف به مساعدت متقابل هستند. آیه‌ی قرآنی زیر موید این مسأله است که در آن خداوند به مؤمنان دستور داده در صورت آغاز همکاری از طریق سرمایه‌گذاری به آن ادامه دهند. خداوند می‌فرماید:

«و تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان
و اتقوا الله ان الله شدید العقاب»

«به یکدیگر در درستی و تقوی یاری رسانید، اما در گناه و
دشمنی شریک نشوید زیرا خداوند عذابی بزرگ برای آن
در نظر گرفته است.»^{۷۸}

۲. در قرارداد بیمه‌ی عام، هم عامل و هم متقاضی می‌پذیرند که سهمیه‌ی موردنظر را در ازای پوشش خطرات آینده در دوره‌ی زمانی مشخص شده بپردازند. اما در صورتی که خطری روی ندهد، متقاضی می‌تواند ادعای تخفیف ویژه نماید (NCB).^{۷۹} اما اگر سهمیه‌ی مزبور به عنوان صدقه پرداخت شده باشد قابل استرداد نیست. از این‌رو بین اصول کلی صدقه و اصول بیمه اختلاف بوجود می‌آید. علت نیز این است که فرد بیمه شده هرچند سهمیه‌ی پرداختی را به اسم صدقه پرداخت کرده باشد باز هم حق دارد نسبت به آن ادعا داشته باشد. اما اگر حق بیمه را سهمیه در نظر بگیریم، هیچ اختلافی بین اصول اسلامی و فعالیت‌های بیمه بوجود نمی‌آید زیرا فرد تحت پوشش بیمه می‌تواند سود سهمیه خود را مدعی شود. از این‌رو در بیمه نامه‌ی عام اگر فرد در برابر حق بیمه‌ی پرداختی، ادعای NCB کند، این ادعا با اصول اسلامی در تضاد نخواهد بود، چرا که حق بیمه‌ی پرداختی به عنوان سهمیه در نظر گرفته شده است.

تفاوت بین خیریه و سهمیه در جدول زیر آمده است:

مقایسه‌ی خیریه و سهمیه	
سهمیه	خیریه
از صدقه و هبه و صدالبته از خیریه متفاوت است	از نظر قانونی بسیار شبیه صدقه و هبه است.
حق مالکیت را از فرد نمی‌گیرد.	حق مالکیت را از فرد می‌گیرد.
فرد در برابر پرداخت سهمیه حقی دارد.	فرد بخشنده هیچ حقی در برابر آن ندارد.
لزوماً نباید به نفع دیگران باشد بلکه می‌تواند به نفع خود فرد باشد.	به سود دیگران واگذار می‌شود.
به خاطر سود مالی فرد یا متعلقان وی ارائه می‌گردد.	به دلیل عشق، محبت و سود معنوی واگذار می‌شود.

از این رو می‌توان نتیجه گرفت که خیریه از سهمیه‌ی بیمه متفاوت است. اموالی که به عنوان خیریه ارائه می‌شوند سود مادی‌ای برای فرد ندارند اما سهمیه‌ی بیمه به منظور سود مادی پرداخت می‌شود. از این رو ماهیت قرارداد بیمه به گونه‌ای است که دارنده‌ی بیمه به دلیل مزایای مادی، سهمیه‌ی خود را به صورت داوطلبانه پرداخت می‌کند و هیچ هدف معنوی‌ای ندارد.

بر اساس موارد فوق توصیه می‌شود که در قرارداد بیمه‌ی عام، سهمیه‌ی مورد نیاز بیمه‌گر که توسط بیمه شده پرداخت می‌شود باید به عنوان سهمیه در نظر گرفته شود و نه هبه. به این طریق اصول شریعت با اصول بیمه در تضاد نخواهد بود و در عین حال بیمه شده می‌تواند ادعای بازپس گیری حق بیمه‌ی پرداختی خود را مطرح کند.^{۸۰}

در قانون اسلامی، اصولاً ۴ دسته از اشخاص تحت پوشش بیمه وجود دارد که در فصل ۴ (بخش بیمه شده در قانون اسلامی) بدان پرداخته شد. بین این ۴ دسته افرادی وجود دارند که هرچند از نظر قانونی شایستگی لازم را دارند اما به دلیل عدم درک یا بلوغ نمی‌توانند بیمه را خریداری کنند. اما در این موارد سرپرستان بیمه را به نام آنها خریداری می‌کند. پرسشی که در اینجا پیش می‌آید این است که چه کسی حق بیمه را پرداخت می‌کند و آیا این سهمیه‌ی بیمه، سرمایه است یا هدیه یا صدقه؟ در این خصوص موارد زیر مطرح می‌شود:

۱. افراد ۱۵^{۸۱} ساله، دختر یا پسر، به سن رشد^{۸۲} رسیده اند و حق مدیریت اموال خود را دارند^{۸۳}. این امر در آیهی قرآنی زیر آمده است:

«و ابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکح فان انستم منهم رشدا

فادفعوا الیهم اموالهم»

«از ایتام نگهداری کنید تا زمانی که به سن ازدواج برسند

سپس اگر رشد آنان را تشخیص دادید، اموالشان را به آنها

بازگردانید.»^{۸۴}

در خصوص بیمه زمانی که فرد به سن ۱۵ سالگی برسد می‌تواند بیمه خریداری کند. پرداخت حق بیمه نیز باید از اموال خودش صورت گیرد زیرا بدون نیاز به سرپرست، قادر به مدیریت آنها می‌باشد. در این مورد، سهمیه‌ی بیمه‌ی فرد جزو اموال وی تلقی می‌شود چراکه توسط خود او پرداخت شده است.

۲. فرد صغیر زیر ۱۵ سال (گذشته از جنسیت) می‌تواند بیمه بخرد به شرطی که قرارداد به نفع وی باشد و درک کاملی از آن داشته باشد. در این مورد، سرپرست باید نظارت کاملی بر قرارداد انجام دهد تا فرد صغیر از هرگونه خطر یا فریبی مبرا باشد. در چنین مواردی، حق بیمه یا از اموال خود فرد است و یا از اموال سرپرست وی که در این صورت، سهمیه‌ی پرداختی، هدیه‌ای از سوی سرپرست به فرد صغیر محسوب می‌شود که از روی عشق و محبت پرداخت شده است. علت نیز این است که در قوانین اسلامی هیچ اشکالی وجود ندارد که فرد به فرزندش هدیه‌ای بدهد.^{۸۵} خلیفه اول و دوم بر اینند که وقتی فردی مالش را به نفع فرزندش هبه کند، به محض اعلام صحیح می‌باشد.^{۸۶}

۳. صغیر یا نوزاد (صرف نظر از جنسیت) زیر ۱۵ سال درک درستی از قرارداد بیمه ندارد اما بیمه نامه به نفع وی خواهد بود. در این شرایط، سرپرست او می‌تواند بیمه نامه را به نام وی خریداری کند و حق بیمه را از اموال وی پرداخت نماید؛ اما اگر نوزاد یا صغیر، هیچ مالی از خود نداشته باشد، هزینه‌ی پرداختی از سوی سرپرست، هبه‌ای به سود او خواهد بود.^{۸۷}

۴. زمانی که جنین در رحم مادر شکل بگیرد و روح در او دمیده شود می‌تواند بیمه شود و در برابر خطرات سلامتی یا امنیتی محافظت گردد. هدف از قرارداد بیمه، ایجاد امنیت مادی در برابر خطرات غیرمنتظره مالی، جانی، سلامتی یا تجاری است. از این‌رو همه‌ی افراد صرف نظر از سنشان در معرض خطر قرار دارند، حتی جنین در رحم مادر. اما ماهیت خطر بسته به سن و سایر عوامل بین افراد متفاوت است. از این‌رو این‌که بگوییم بیمه تنها بزرگسالان را پوشش می‌دهد و افراد صغیری که در خطرند را نادیده می‌گیرد، بسیار ناعادلانه است.

در چنین شرایطی، سرپرست جنین می‌تواند بیمه را به نام وی (مادر وی) خریداری کند، اما سرپرست باید هزینه را پرداخت کند چون جنین تا زمانی که به دنیا نیامده اموالی از خود ندارد. توصیه می‌شود که حق بیمه‌ی پرداختی از جانب سرپرست هبه‌ای به سود جنین باشد تا جنین به ویژه در صورت بروز خطرات پزشکی تحت پوشش بیمه قرار گیرد. در قانون اسلام وقتی فردی بخواهد از روی عشق و محبت هدیه‌ای به فرد دیگر دیگر بدهد، مانعی وجود نخواهد داشت.^{۸۸}

در نهایت این‌که حق بیمه‌ی پرداختی از سوی بیمه شده در بیمه‌ی عمر می‌تواند به دو بخش تقسیم شود: شخصی و قابل اهدا. مقدار سپرده شده در حساب شخصی سرمایه‌ی بیمه شده تلقی می‌شود و تحت اصول مضاربه با آن برخورد می‌شود و میزان سپرده به حساب خیریه حکم صدقه دارد که بیمه شده دیگر در آن حقی ندارد و آن را به نفع سایرین هبه نموده است. اما در قرارداد بیمه‌ی عام، حق بیمه‌ی پرداختی نباید هبه محسوب شود بلکه سهمیه‌ای است که بیمه شده در قبال آن (در صورت بروز خطر) حق مالکیت و (در صورت عدم بروز خطر) تخفیف ویژه دارد. این توصیه با اصول قوانین بیمه‌ی اسلامی و بویژه اصول خیریه، صدقه، هبه و سهمیه و مضاربه و همچنین اهداف اصلی بیمه در تعالیم شریعت تضادی ندارد.

در پرتوی موارد فوق و مطابق تعالیم الهی، توصیه‌های زیر در خصوص قراردادهای بیمه‌ی عام ارائه می‌شود.

۱. سهمیه‌ی پرداختی بیمه شده به بیمه‌گر نباید خیریه، هبه یا صدقه تلقی شود.
۲. حق بیمه می‌تواند به عنوان سهمیه در نظر گرفته شود.^{۸۹}

۳. حق بیمه‌ی پرداختی را می‌توان به عنوان سرمایه‌ی مشترک به حساب سپرد.
 ۴. بودجه‌ی پرداختی به سه دسته تقسیم می‌شود. نخست درصدی به مدیریت شرکت تخصیص داده می‌شود.^{۹۰} دوم، درصدی در حساب خاصی نگهداری می‌شود که تنها برای جبران خطر وارده به موضوع قرارداد بکار می‌رود و بخش سوم به حسابی سپرده می‌شود که در صورت عدم بروز خطر، به بیمه شده بازپس داده شود.
 ۵. منابع این بودجه می‌تواند حق بیمه‌ی پرداختی از سوی شدگان باشد. از این‌رو دارنده‌ی بیمه عضوی از بودجه گذاران محسوب می‌شود و می‌تواند در صورت بروز خطر در طول مدت قرارداد، ادعای خسارت کند.
- دلیل این‌که در قراردادهای بیمه‌ی عام، حق بیمه را سهمیه تلقی می‌کنیم و نه خیریه و صدقه و هبه این است که این سه از نظر معنایی و بویژه در اصطلاح قانونی به جای هم بکار می‌روند. به عبارت دیگر وقتی فرد به سود کس دیگری هبه، خیریه یا صدقه می‌دهد، حق مالکیت از وی به آن فرد واگذار می‌شود و حق مالکیت به کلی از وی سلب می‌شود. در قانون سهمیه، حق بیمه لزوماً نباید به سود کس دیگری باشد بلکه می‌تواند به سود خود فرد باشد. به طور مثال اگر گروهی برای مسافرت آماده می‌شوند و اعضای آن گروه توافق می‌کنند که در صورت بروز خطرات درمانی در طول سفر، هر یک مبلغی برای درمان فرد بیمار یا آسیب دیده پرداخت کنند، سهمیه‌ی هر یک به سود اعضای گروهی است که قصد سفر دارند.
- از این‌رو در قرارداد بیمه‌ی عام، دارنده‌ی بیمه تنها به خاطر خیریه سهمیه نمی‌دهد بلکه با درک متقابل به این‌که در صورت بروز خطر می‌تواند ادعای خسارت کند این کار را انجام می‌دهد. اما اگر هیچ خطری روی ندهد هم می‌تواند درخواست تخفیف ویژه را مطرح سازد.
- از این‌رو اگر حق بیمه‌ی پرداختی در بیمه‌ی عام، خیریه، صدقه یا هبه تلقی شود با اصول اولیه‌ی قانون اسلام در تضاد خواهد بود. تحت قوانین اسلام وقتی فرد به نفع کسی خیریه، هبه یا صدقه دهد، مالکیت از وی سلب و به فرد مزبور واگذار می‌شود. این امر در حدیث زیر مشخص است:

« عن ابن عباس قال: قال رسول الله (ﷺ) العائد في الهبة كالكلب يعود في قيئه ليس لنا مثال السوء »

« نقل است از ابن عباس که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: کسی که هبه‌ی خود را بازپس گیرد مانند سگی است که بالا آورده‌ی خود را بخورد و کاری شیطانی است. »^{۹۱}

اما اگر حق بیمه‌ی پرداختی در بیمه‌ی عام، سهمیه تلقی شود با قوانین اسلام هیچ تضادی ندارد. علت این است که در قانون اسلام، فردی که در چیزی سهمیه داشته باشد از ادعای منفعت از آن مبرا نمی‌شود. هدف از بودجه‌ی مشترک ارائه‌ی سود برابر به همه‌ی سرمایه‌گذاران است. این امر در آیه‌ی قرآنی زیر قید شده است:

«و تعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الاثم والعدوان
به یکدیگر در درستی و تقوی یاری رسانید، اما به یکدیگر در
گناه و دشمنی کمک نکنید.»^{۹۲}

خلاصه این که حق بیمه‌ی پرداختی در بیمه‌ی عام، سهمیه تلقی می‌شود و بیمه شده می‌تواند در قبال پرداخت آن مدعی پوشش بیمه باشد و حق دارد هر زمان که بخواهد از مشارکت کنار بکشد و سهمیه‌اش را دریافت کند.

دوم. غرامت

مسئله‌ی غرامت در قرارداد بیمه زمانی پیش می‌آید که در هر زمان پس از آغاز قرارداد و پیش از اتمام دوره‌ی آن، خطری برای موضوع قرارداد پیش بیاید. با انعقاد قرارداد، بیمه‌گر می‌پذیرد که در ازای حق بیمه‌ی پرداختی، هرگونه ضرر و زیان وارده به موضوع قرارداد را متقبل شود. امنیت مادی مورد توافق عامل بیمه در قرارداد، غرامت نامیده می‌شود. فراهم نمودن غرامت در قرارداد بیمه، همکاری متقابلی از سوی عامل به بیمه شده است چراکه بیمه شده، سهمیه‌ی خود را با پرداخت حق بیمه ادا کرده است. این راهی است که همکاری متقابل به قراردادهای بیمه راه می‌یابد و در آیات قرآنی به کرات از آن یاد شده است.^{۹۳}

نکته‌ی دیگری که در این جا باید مورد بررسی قرار گیرد، طریقه‌ی فراهم نمودن غرامت از سوی عامل است و این که چه باید کرد که این غرامت مطابق با اصول شریعت باشد و در عین حال اهداف اصلی فعالیت‌های بیمه را برآورده سازند. روش‌های زیر در این خصوص ارائه شده‌اند.

در بیمه‌ی عمر اگر هر زمان پس از آغاز قرارداد و پیش از اتمام آن، خطری برای بیمه شده روی دهد و در زمان مناسب با بیمه‌گر تماس بگیرد، بیمه‌گر وظیفه دارد غرامت مزبور را به ورثه‌ی متوفی پرداخت نماید. اگر متوفی نماینده‌ای را در قرارداد مشخص کرده باشد، غرامت باید به نماینده پرداخت شود و نماینده وظیفه دارد آن را بین ورثه تقسیم نماید. اما اگر نماینده‌ای مشخص نشده باشد، غرامت مستقیماً به افراد ذی‌نفع منتقل می‌شود.^{۹۴} غرامت بیمه‌ی عمر، مزایای زیر را شامل می‌شود:

۱. سهمیه‌ی پرداختی از سوی بیمه شده به دو دسته تقسیم می‌شود (حساب شخصی و حساب هبه). بخش سپرده شده به حساب شخصی، سرمایه‌ی بیمه شده است و بخش هبه، خیریه محسوب می‌شود.
۲. عامل بیمه وظیفه دارد علاوه بر سهم سود مبلغ سپرده‌ی شخصی بیمه شده، مبلغ مزبور را بر اساس سیاست‌های شرکت (طبق اصول مضاربه)^{۹۵} و با در نظر گرفتن شرایط مالی ذی‌نفع، بخشی از مبلغ خیریه را به وی اختصاص دهد. علت نیز این است که طبق اصول حاکم بر خیریه،^{۹۶} بخش خیریه به افراد نیازمند تعلق می‌گیرد.

علت این است که هرچند بیمه شده حقی در بخش خیریه ندارد، طبق اصول اسلامی، خیرات به نیازمند مسئله‌ای ندارد. در این شرایط، افراد ذی‌نفع وابسته به بیمه شده با مرگ وی به دلیل از دست دادن نان آورشان، نیازمند محسوب می‌شوند. اما اگر افراد ذی‌نفع نیازمند مساعدت مالی باشند، نه تنها از بخش خیریه مبلغی به آنها تعلق می‌گیرد، بلکه از زکات اسلامی نیز به آنان پرداخت می‌شود. خداوند می‌فرماید:

«انما الصدقات للفقراء والمساكين»

«همانا صدقه برای فقراء و نیازمندان است.»^{۹۷}

در قرارداد بیمه‌ی عمر، وقتی بیمه شده جان خود را از دست دهد، همسر، فرزندان و وابستگانش را نیازمند ترک می‌کند. در این شرایط، بیوه و یتیمان وی نه تنها از بخش خیریه حق دارند بلکه به مساعدت‌های مالی دیگر نیز نیازمندند. پیامبر اکرم (ﷺ) بارها بشر را به مراقبت از یتیمان، بیوه‌ها و نیازمندان جامعه توصیه کرده است. وی می‌فرماید:

«عن سهل ابن سعد عن النبي (ﷺ) قال: انا و كافل اليتيم في الجنة هكذا و قال باصبعيه السبابة و الوسطى»

«نقل است از سهل ابن سعد که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: من و کسی که از یتیم نگهداری کند در بهشت جای داریم^{۹۸}. این خط و این نشان»

پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود:

«ان صفوان ابن سليم يرفعه الى النبي (ﷺ) قال: الساعي على الارمله و المسكين كالمجاهد في سبيل الله او كالذي يصوم النهار و يقوم الليل»

«نقل است از صفوان بن سلیم که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: کسی که برای بیوه و نیازمندی کاری کند مانند مجاهد در راه خداست و مانند کسی که در روز روزه می‌گیرد و در شب نماز می‌خواند.^{۹۹}»

به علاوه، پس از مرگ بیمه شده، ذی‌نفع وابسته به وی نیز نیازمند تلقی می‌شوند. در تعالیم اسلامی، اگر فردی با مشکل مواجه شود، سایر اعضای جامعه در قبال یافتن راه حلی برای رفع مشکلات وی مسئولند. این امر در حدیث زیر توسط پیامبر اکرم (ﷺ) توصیه شده است:

«عن ابي هريره عن النبي (ﷺ) قال: من نفس عن مومن كربه من كرب الدنيا نفس الله عنه كربه من كرب يوم القيامة و من يسر على معسر يسر الله عليه في الدنيا و الآخرة»

«نقل است از ابی هریره که رسول خدا (ﷺ) فرمود: کسی که باری از دوش کسی بردارد خدا در روز قیامت باری از دوش وی بر می‌دارد و کسی که فرد نیازمندی را تسکین دهد، خداوند در دنیا و آخرت او را تسکین می‌دهد.»^{۱۰۰}

اما اگر افراد ذی‌نفع نیازمند نباشند، از مبلغ خیریه به آنان پرداخت نمی‌شود اما از حساب سود شرکت مبلغی به آنها پرداخت می‌گردد. علت نیز این است که قانون اسلامی تنها افراد نیازمند از بخش خیریه سود می‌برند و افراد دارای ثبات مالی و مستقل از آن مستثنی هستند.

به منظور تعیین موقعیت مالی افراد ذینفع متوفی پس از مرگ وی، بازرس معتبری تعیین می‌شود تا تفحص عادلانه‌ای درخصوص شرایط مالی آنها انجام دهد و در مدت زمان مناسب، گزارش معقولی ارائه کند تا عامل بیمه بتواند عادلانه درخصوص تخصیص بودجه‌ی خیریه به ذی‌نفع تصمیم‌گیری نماید.

در قرارداد بیمه‌ی عام، روند پرداخت غرامت کمی متفاوت از روال فوق است که بیشتر در خصوص بیمه‌ی عمر کاربرد دارد. از این‌رو در قرارداد بیمه‌ی عام زمانی که خطری برای موضوع قرارداد روی دهد، بیمه شده عامل بیمه را در موقع مناسب از آن باخبر می‌کند تا عامل بتواند رسیدگی‌های لازم برای پرداخت خسارت را انجام دهد.

۱. نخست این‌که حق بیمه‌ی پرداختی از سوی بیمه شده، سهمیه تلقی می‌شود. این سهمیه به سه حساب تقسیم می‌شود (یک بخش برای مدیریت شرکت، بخش دیگر برای پرداخت غرامت در صورت وقوع خطر و بخش باقی مانده برای ارائه‌ی تخفیف حق بیمه‌ی دوره‌ی بعد در صورت عدم بروز خطر). حساب مخصوص غرامت برای پرداخت غرامت بیمه شده در دوره‌ی قرارداد بکار می‌رود.

۲. در صورت ادعای غرامت از سوی بیمه شده، عامل، بازرسی را برای بررسی عادلانه‌ی خطر و تعیین خسارت در زمان مقتضی منصوب می‌کند. در این شرایط، هم بازرس و هم عامل موظفند در تعیین خسارت و پرداخت آن به بیمه

شده طبق اصول عدالت و صداقت رفتار کنند. این امر در اصول کلی صداقت و عدالت مورد تایید قرار گرفته است. خداوند می‌فرماید:

«ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل»

«همانا خداوند دستور داده که امانت را به صاحبش بازگردانید

و بین مردم به عدل قضاوت کنید.»^{۱۰۱}

توصیه می‌شود که در طول انعقاد قراردادهای بیمه‌ی عمر و بیمه‌ی عام، مبلغ ثابتی به عنوان حداکثر ارزش قرارداد تعیین شود. این به این معنی نیست که بیمه‌گر بدون در نظر گرفتن خطر و میزان خسارت، موظف به پرداخت همان مبلغ است. هدف اصلی بیمه، حفظ همکاری متقابل در برابر خطرات غیرمنتظره است اما این امر نباید به بیمه شده فرصت سودجویی دهد. در مبادلات متقابل، هیچ یک از طرفین نباید از اتفاقات ناگوار روی داده سودجویی کنند چراکه این کار اساس معامله را ویران می‌کند. معاملاتی که بر اساس گناه و عداوت در عوض راستی و تقوی بنا شده باشد صحیح نیست. خداوند می‌فرماید:

«و تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان
به یکدیگر در درستی و تقوی یاری رسانید، اما به یکدیگر در
گناه و دشمنی کمک نکنید.»^{۱۰۲}

از این رو مبلغ تعیین شده در قرارداد، حداکثر ارزش قرارداد است اما در صورت بروز خطر، بیمه‌گر تنها مبلغ خسارت وارده به موضوع بیمه نامه را پرداخت می‌کند. با این وجود اگر بیمه‌گر بخواهد به منظور جذب افراد بیشتر برای خرید بیمه، مبلغی اضافه بر غرامت را به بیمه شده پردازد اشکالی ندارد، زیرا این مبلغ از حساب خود شرکت پرداخت می‌شود. این کار باعث می‌شود افراد بیشتری در جامعه برای شرکت در همکاری مالی در برابر خطرات غیرمنتظره جانی، مالی، سلامت یا تجاری تشویق شوند.

سوم. موارد عدم ادعای خسارت

مسئله‌ی عدم ادعای خسارت (NCB) تنها پس از اتمام مدت قرارداد و در صورتی مطرح می‌شود که در طول قرارداد هیچ ادعایی برای پرداخت غرامت صورت نگرفته باشد. بیمه شده در تمامی انواع بیمه هیچ محدودیتی در ارائه‌ی چنین درخواستی ندارد.^{۱۳} به طور مثال در بیمه‌ی عمر، حق بیمه‌ی پرداختی از سوی بیمه شده، سرمایه‌ی امور مالی سهام سود و ضرر مضاربه است که در طی آن طبق توافق حاصله بین بیمه‌گر و بیمه شده، سهمیه‌ی پرداختی (به استثنای میزان سپرده شده در حساب خیریه) در هر دو موقعیت (ادعای خسارت یا عدم ادعای خسارت) به عنوان سرمایه در نظر گرفته خواهد شد و بیمه شده و بیمه‌گر موظفند علاوه بر سهام پرداخت شده در سود و ضرر نیز شریک باشند. از سوی دیگر در بیمه نامه‌ی عام، حق بیمه‌ی پرداختی به عنوان مضاربه (سهمیه) در نظر گرفته خواهد شد که چه خطر روی دهد و چه ندهد، بیمه شده حق دارد ادعای غرامت یا NCB نماید. علت نیز این است که در قوانین اسلامی هیچ مشکلی وجود ندارد که سهامدار در ازای همکاری خود انتظار استفاده از مزایا را داشته باشد، زیرا حق بیمه برای منفعت خود او صرف می‌شود.

روش درخواست عدم ادعای خسارت (NCB) چیست و مزایای آن چه می‌تواند باشد؟ برای پاسخ به این سوال بر اساس قوانین اسلامی و در عین حال حفظ اصول و اهداف بیمه موارد زیر مطرح می‌شوند:

۱. در قرارداد بیمه‌ی عمر، زمانی که عامل بیمه دریابد که بیمه شده در طول قرارداد ادعای خسارت نکرده پس از اتمام دوره‌ی قرارداد باید طی نامه‌ای وی را از اتمام دوره‌ی قرارداد مطلع سازد و وی را به ادعای NCB در دوره‌ی مقتضی دعوت نماید.

۲. NCB در بیمه‌ی عمر شامل موارد زیر است:

الف. کل حق بیمه‌ی پرداختی در طول دوره‌ی قرارداد (به استثنای مبلغ سپرده‌ی خیریه)

ب. سهم سود حاصله از حق بیمه

- ج. سهام سود بر اساس سیاست‌های شرکت
- د. پاداش در نظر گرفته شده بر اساس سیاست‌های شرکت
- هـ. تخفیفی که بیمه‌گر تصمیم به ارائه‌ی آن به بیمه شده گرفته.
۳. همین‌طور در قرارداد بیمه‌ی عام، اگر بیمه‌گر از روی موارد ثبت شده دریافت کند بیمه شده‌ای در طول مدت قرارداد ادعای خسارت نکرده باید پس از اتمام مدت قرارداد وی را از اتمام آن باخبر و وی را برای تسلیم ادعای NCB دعوت نماید.
۴. منبع NCB در قرارداد بیمه‌ی عام بودجه‌ی اختصاص داده شده به این منظور است.
۵. NCB در بیمه نامه‌ی عام شامل سود مجموع هزینه‌ای است که به این منظور اختصاص داده شده و بر اساس سیاست‌های شرکت تعیین می‌شود. میزان سود با در نظر گرفتن عوامل زیر تعیین می‌شود:
 - الف. ارزش موضوع قرارداد
 - ب. میزان حق بیمه‌ی پرداختی به عنوان سهمیه؛
 - ج. سیاست مالی عامل در رسیدگی به عدم ادعای خسارت بیمه شدگان.
۶. حال در اینجا لازم است که روش پرداخت NCB در بیمه نامه‌ی کلی را مورد بررسی قرار دهیم و تعیین نماییم که این مبلغ باید نقداً پرداخت شود یا از حق بیمه‌ی دوره‌ی بعد کسر شود.
- عدم ادعای خسارت (NCB) حق قانونی بیمه شده است و از این‌رو باید خود تعیین کند که آن را نقداً دریافت نماید یا مبلغ آن از صورت حساب دوره‌ی بعد کسر شود. بیمه‌گر حق ندارد بیمه شده را مجبور کند که NCB را نقداً یا از طریق چک دریافت نکند و در عوض مبلغ را از صورت حساب دوره‌ی بعد کم کند. چنین اجبار یا فشاری در قرارداد بیمه، همکاری در ایجاد دشمنی محسوب می‌شود. همکاری متقابل در تعالیم اسلامی به شرطی مجاز است که حول گناه و عداوت شکل نگرفته باشد. این امر در آیه‌ی زیر مشهود است:

«و تعاونوا على البر والتقوى و لا تعاونوا على الاثم و العدوان
به یکدیگر در درستی و تقوی یاری رسانید، اما به یکدیگر در
گناه و دشمنی کمک نکنید.»^{۱۰۴}

۲-۲-۶. قراردادهای بیمه

اول. حق بیمه

بیمه شده در همه‌ی انواع بیمه‌ی عام حق دارد حق بیمه‌ی تعیین شده را مستقیماً به بیمه‌گر (شرکت بیمه) یا افراد تعیین شده از سوی شرکت از جمله وکیل یا کارگزار بپردازد.^{۱۰۵} از این‌رو بیمه شده وظیفه دارد تحت قوانین قراردادی مبلغ را به خود شرکت یا افراد مجاز از طرف آن پرداخت کند. اما اگر بیمه شده مبلغ را به فرد غیرمجاز بپردازد، شرکت بیمه می‌تواند قرارداد را به دلیل عدم پرداخت لغو کند.^{۱۰۶}

به محض پرداخت حق بیمه توسط بیمه شده و دریافت آن از جانب بیمه‌گر، بیمه‌گر موظف به صدور بیمه نامه است. پرداخت حق بیمه از سوی بیمه شده و صدور بیمه نامه از سوی بیمه‌گر، اجرای قرارداد توسط طرفین است. از این‌رو اگر بیمه‌گر پس از دریافت حق بیمه، بیمه نامه را صادر نکند این امر، پیمان شکنی در قرارداد محسوب می‌شود. در شرکت بیمه‌ی برهان الدین بن حاجی جانتارا و شرکت بیمه‌ی بین‌المللی آمریکا^{۱۰۷} دادگاه عالی رای بر این داد که پرداخت حق بیمه و صدور بیمه نامه جزو وظایف قراردادی طرفین قرارداد است و عدم انجام یکی از آنها باعث لغو قرارداد می‌شود.

در قرارداد بیمه تحت قوانین عرف زمانی که قرارداد توسط تقاضا و پذیرش منعقد گردد، بیمه شده موظف به پرداخت حق بیمه‌ی توافقی به بیمه‌گر است. اما بیمه‌گر موظف نیست آن را از بیمه شده دریافت کند. علت این است که در قرارداد بیمه (در خصوص پرداخت حق بیمه) بیمه شده به مثابه بدهکار اصلی مورد برخورد قرار می‌گیرد و بیمه شده به عنوان طلبکار^{۱۰۸} و از این‌رو بدهی باید توسط بدهکار تصفیه شود، نه این‌که توسط طلبکار جمع گردد. در شرکت بیمه‌ی لای هنگ چین^{۱۰۹} یک دارنده‌ی

بیمه‌ی عمر به دنبال تاییدیه‌ای برای این بود که بیمه‌نامه‌اش به دلیل عدم پرداخت دو دوره حق بیمه باطل نشود چراکه به دلیل وضعیت شغلی ژاپنی‌ها در مالزی توان مالی لازم برای پرداخت آن را نداشت. گوردون اسمیت در رد تقاضای او اظهار داشت که وظیفه‌ی قانونی بیمه‌گر، جمع کردن حق بیمه نیست، بلکه وظیفه‌ی بیمه شده است که این حق بیمه را بپردازد.

پرداخت حق بیمه در قرارداد بیمه نشان دهنده‌ی نقض بیمه شده در اجرای قرارداد است. در صورتی که بیمه شده قادر به پرداخت حق بیمه نباشد و پرداخت به موقع را متوقف کند، حق بیمه‌ی پرداختی به دلیل عدم پرداخت به موقع حق بیمه‌های فعلی ضبط می‌گردد. ماده‌ی ۱۵۵ قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶ نشان می‌دهد که قرارداد بیمه‌ای که دست کم سه سال یا بیشتر در جریان بوده نباید به دلیل عدم پرداخت حق بیمه ضبط شود.^{۱۱۰} بلکه باید با تغییراتی از جانب بیمه‌گر به کار خود ادامه دهد. بیمه‌گر در این شرایط تغییرات خاصی را اعمال می‌کند البته به شرطی که شرایط موجود مورد تایید مدیرعامل بیمه‌ی مالزی قرار گیرد.^{۱۱۱}

در قراردادهای بیمه‌ی عمری که کمتر از سه سال در جریان بوده‌اند، قرارداد در صورت عدم پرداخت حق بیمه خود به خود معلق می‌شود.^{۱۱۲} اما در بیشتر قراردادهایی با این ماهیت، بیمه‌گر می‌تواند در صورت پرداخت حق بیمه در زمان مناسب و سود تاخیر آن، قرارداد را مجدداً به جریان درآورد.^{۱۱۳}

همه‌ی بیمه‌شدگان نمی‌توانند حق بیمه را در تاریخ مقرر یا پیش از آن پرداخت نمایند. در چنین شرایطی، معمول این است که بیمه‌گر زمان مورد نظر را کمی تمدید کند. این دوره‌ی تمدید، مهلت نامیده می‌شود. در مالزی رایج این است که مهلت پرداخت حق بیمه‌ی عام، ۱۵ روزه و مهلت بیمه‌ی عمر، ۳۰ روزه باشد. اما این مهلت برای بیمه‌ی خودرو و شخص ثالث کاربرد ندارد.^{۱۱۴} ماده‌ی ۹۱(۴) قانون عبور و مرور جاده‌ای ۱۹۸۷ قید کرده که بیمه‌نامه‌ی شخص ثالث خودرو مگر با در دست داشتن بیمه‌نامه اعتبار نخواهد داشت و چنین مدرکی صادر نخواهد شد مگر با پرداخت حق بیمه. اگر بیمه شده در پرداخت حق بیمه عدول نماید، بیمه‌نامه از درجه‌ی اعتبار ساقط خواهد شد.^{۱۱۵}

از سوی دیگر در بیمه‌ی عمر اگر بیمه شده بخواهد از بیمه صرف نظر کند حق انجام آن را دارد. ماده‌ی ۱۵۵(۱) قانون بیمه‌ی ۱۰۰۶ قید کرده که در بیمه‌ی عمری که سه سال یا بیشتر در جریان بوده یا در بیمه‌ی خدمات خانگی که ۶ سال یا بیشتر در جریان بوده، دارنده‌ی بیمه می‌تواند با ارائه‌ی درخواست مکتوب خود مبنی بر صرف نظر کردن خود از بیمه نامه، ارزش کل مبلغ پرداختی به عنوان حق بیمه و سود آن را به شرکت ارائه دهد و شرکت با کسر هزینه‌های بیمه نامه طبق قوانین و مقررات شرکت، به درخواست وی رسیدگی می‌کند.^{۱۱۶}

معمولاً دلیلی برای عدم استرداد حق بیمه به بیمه شده وجود ندارد زیرا حق بیمه، حق قانونی اوست. اما در قانون عرف استثنائاتی نیز برای این قضیه وجود دارد و آن زمانی است که قرارداد باطل اعلام شود و بیمه شده از حق بیمه‌ی پرداختی ساقط گردد. این موارد استثناً عبارتند از نقض نهایت حسن نیت^{۱۱۷} یا نقض ضمانت مورد تایید. قرارداد بیمه قرارداد حسن نیت است و نقض حسن نیت یا ضمانت باعث از دست رفتن اعتبار قانونی آن می‌گردد. در شرکت بیمه‌ی عمر اسپارنبرگ و ادینبرگ^{۱۱۸} بیمه‌ی عمر شامل بندی بود که بیمه را در صورت سفر بیمه شده به خارج از یک محدوده‌ی جغرافیایی باطل می‌کرد. بیمه شده به هند سفر کرد که خارج از محدوده‌ی مورد نظر بود و دادگاه حکم بر ابطال قرارداد و مصادره‌ی حق بیمه‌ی وی داد.^{۱۱۹}

دوم. غرامت

در مالزی به استناد ماده‌ی ۱۴۱(۱) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶، بیمه‌گر موظف به پرداخت غرامت به بیمه شده نیست مگر در صورتی که حق بیمه‌ی توافقی یا ضمانت دیگری به شرکت پرداخت شود.^{۱۲۰} اما در بیمه‌ی عمر بیمه‌گر تنها متعهد است که بیمه شده را پس از پرداخت اولین حق بیمه تحت پوشش قرار دهد.^{۱۲۱}

شرایط خاصی وجود دارد که بیمه‌گر وظیفه ندارد بر اساس قرارداد خسارتی بپردازد و بیمه شده نمی‌تواند ادعایی برای دریافت خسارت داشته باشد. به طور مثال وقتی که نهایت حسن نیت^{۱۲۲} نقض شده باشد یا بیمه شده پس از اتمام مهلت در نظر گرفته شده

حق بیمه را پرداخته باشد. در این شرایط بیمه شده حق ادعای غرامت را از دست می‌دهد. اما اگر بیمه‌گر نهایت حسن نیت را نقض کرده باشد بیمه شده می‌تواند حق بیمه‌ی پرداختی را پس بگیرد.^{۱۲۳} به علاوه اگر بیمه شده هر زمان در طول دوره‌ی مهلت جان خود را از دست دهد، بیمه‌گر نمی‌تواند از مسئولیت خود شانه خالی کند و باید با کسر حق بیمه‌ی پرداخت نشده، غرامت را پرداخت کند.^{۱۲۴}

اصولاً طبق ماهیت قراردادهای بیمه، سه روش پرداخت خسارت وجود دارد. به عنوان مثال قرارداد بیمه‌ی ارزشمند قراردادی است که در آن بیمه شده در صورت از دست دادن موضوع قرارداد، بدون در نظر گرفتن میزان خسارت وارده، کل مبلغ توافقی را دریافت می‌کند. اما اگر بخشی از موضوع قرارداد آسیب دیده باشد، بیمه‌گر تنها وظیفه دارد همان میزان خسارت را پرداخت نماید. در الکوک و تامپسون^{۱۲۵} موضوع قرارداد به دلیل آتش سوزی تا حدودی آسیب دیده بود. دادگاه میزان خسارت را بر اساس زمان آتش سوزی تعیین نمود. در قراردادهایی که ارزش موضوع قرارداد تعیین نشده باشد، بیمه‌گر وظیفه دارد تنها خسارت ضرر وارده به موضوع قرارداد را پرداخت نماید. در شرکت تولید فیلم گراهام^{۱۲۶} دادگاه حکم بر این داد که بیمه‌گر مبلغ ۱۵۳۰۰ یورو که ارزش تخمینی موضوع قرارداد بود را پرداخت نماید. در قرارداد تثبیت بیمه، بیمه‌گر باید هزینه‌ی تثبیت موضوع قرارداد را پرداخت کند اما در صورتی که مبلغ کافی نباشد بیمه شده می‌تواند مابقی هزینه را از بیمه‌گر مطالبه کند. در پرونده‌ی الکورن فرویل^{۱۲۷}، دادگاه در جریان یک آتش سوزی، علاوه بر هزینه‌ی تثبیت، مبلغی اضافی نیز تعیین نمود چراکه هزینه‌ی تثبیت برای آسیب وارده کافی نبود.

در قرارداد بیمه‌ی عمر در قانون عرف، اگر هر زمان پس از آغاز قرارداد خطری برای بیمه شده پیش بیاید، فرد مزبور می‌تواند کل میزان تعیین شده در قرارداد را دریافت کند و بیمه‌گر بر اساس مقررات ذکر شده در قرارداد و بدون در نظر گرفتن مبلغ حق بیمه‌ی پرداختی، موظف به پرداخت آن غرامت است.

سوم. موارد عدم ادعای خسارت (NCB)

در قانون عرف اگر پس از آغاز قرارداد و پیش از اتمام مهلت آن، خطری برای موضوع قراردادهای بیمه پیش بیاید بیمه‌گر موظف است این ضرر را جبران کند. اما اگر خطری روی ندهد یا ادعایی از جانب بیمه شده صورت نگیرد، بیمه شده می‌تواند پس از اتمام قرارداد درخواست NCB کند. لورد منسفیلد در استیونسون اسنو^{۱۲۸} این‌طور حکم داد که در صورت عدم وقوع خطر، بیمه شده حق دریافت غرامت ندارد. از این‌رو در بیمه‌ی عمر فرد می‌تواند بسته به شرایط و مقررات قید شده در قرارداد، ادعای خسارت ذکر شده در قرارداد به اضافه‌ی سود آن را مطرح نماید. در همه‌ی انواع قراردادهای بیمه‌ی عام، بیمه شده می‌تواند ادعای NCB را مطرح کند که معمولاً نقدی پرداخت نمی‌شود بلکه به شکل تخفیف در حق بیمه‌ی دوره‌ی بعد به بیمه شده اعطا می‌گردد.

۳-۶. میزان خسارت

۱-۳-۶. فعالیت‌های تکافل

هدف اصلی فعالیت‌های بیمه در قانون اسلامی، حفظ همکاری، انسجام و برادری^{۱۲۹} متقابل در امنیت مادی در برابر خطر است. امنیت مادی در برابر خطر، توقعی معقول است. به این معنی که بیمه شده تنها می‌تواند مبلغی مناسب را به عنوان ضرر و زیان مطالبه کند.^{۱۳۰}

از این‌رو قرارداد بیمه تحت قوانین اسلام به بیمه شده فرصت سودجویی یا کسب ثروت از طریق خسارت را نمی‌دهد.

در قرارداد بیمه، همکاری متقابل نه تنها از عامل بیمه بلکه از بیمه شده نیز انتظار می‌رود. از این‌رو اگر به بیمه شده فرصت ادعای خسارت در خصوص ضرر و زیان‌های متعدد داده شود و امنیت عامل بیمه در پرداخت خسارت‌های متعدد نادیده گرفته شود، هدف اصلی تعالیم الهی در خصوص همکاری متقابل از بین می‌رود. خداوند می‌فرماید:

«و تعاونوا علی البر و التقوی»

«به یکدیگر در درستی و تقوی یاری رسانید.»^{۱۳۱}

به علاوه تحمیل ضررهای متعدد بر دوش شرکت بیمه باعث دشواری کار برای وی می‌شود. در مبادله‌ی متقابل، وارد ساختن دشواری بر طرف مقابل و بهره‌گیری از مزایای آن امری است ناعادلانه که در حدیث زیر مورد تأیید قرار گرفته است:

«عن ابی هریره عن النبی (ﷺ) قال: من نفس عن مومن کربه من کرب الدنیا نفس الله عنه کربه من کرب یوم القیامه و من یسر علی معسر یسر الله علیه فی الدنیا و الاخره»

«تقل است از ابی هریره که رسول خدا (ﷺ) فرمود: کسی که باری از دوش کسی بردارد خدا در روز قیامت باری از دوش وی بر می‌دارد و کسی که فرد نیازمندی را تسکین دهد، خداوند در دنیا و آخرت او را تسکین می‌دهد.»^{۱۳۲}

این‌طور نتیجه می‌گیریم که از آنجاکه قرارداد بیمه معامله‌ای متقابل است، اگر دادگاه متوجه خسارات زیادی از جانب بیمه شده و نادیده گرفتن ظرفیت و امنیت آینده‌ی عامل بیمه شود، باید ناعادلانه بودن آن را هشدار دهد. زیرا در قوانین شرع اسلام هیچ چیز این امر را توجیه نمی‌کند که دادگاه عدالت، قضاوتی ناعادلانه صورت دهد. خداوند می‌فرماید:

«و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماء یعظکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً»

«همانا بین مردم با عدالت حکم کنید که خداوند آموزه‌های خوبی به شما می‌دهد. همانا خداوند بر همه چیز شنوا و بیناست.»^{۱۳۳}

از این‌رو در اینجا توصیه می‌شود که:

۱. در هر قراردادی، زمانی که خطری برای موضوع قرارداد پیش می‌آید، بیمه شده یا ذی‌نفع می‌تواند غرامت آسیب وارده به موضوع قرارداد را درخواست نماید.

۲. نباید جایی برای ادعای ضرر و زیان نامحدود در برابر خطر وجود داشته باشد. هدف از بیمه ایجاد امنیت مادی در برابر خطر است و این امر نباید زمینه ساز سودجویی شود.
۳. اگر قربانی خطر به امنیت مادی بیشتری نیاز داشته باشد باید موضوع مورد خطر را در قراردادهای متعدد بیمه کند. به این معنی که به جای بیمه‌ی شخص ثالث از بیمه‌ی شخصی استفاده نماید و از این راه امنیت مادی مورد نظر را کسب کند.
۴. قربانی همچنین می‌تواند از سیستم امنیت اجتماعی (مثل زکات، صدقه و غیره)^{۱۳۴} برای حفظ امنیت در برابر خطرات و ضررها استفاده نماید.
۵. نباید به قربانی اجازه داد بار فراوان امنیت مادی خود را بر دوش بیمه‌گر وارد نماید.

۲-۳-۶. فعالیت‌های بیمه

میزان خسارت در قرارداد بیمه اصولاً از طریق اصول کلی خارج از قرارداد تعیین می‌شود. هدف اصلی پرداخت غرامت، فراهم نمودن کمک‌های مالی مناسب به قربانیانی است که از ضرر، جراحت یا آسیب جانی و مالی رنج می‌برند بطوری که قربانی بتواند به موقعیت اولیه‌ی خود بازگردد.^{۱۳۵} اصولاً در تعیین میزان خسارت، دو نوع ضرر وجود دارد که عبارتند از "ضرر اقتصادی یا مالی" و "درد و رنج" که به آسیبات غیرمالی وابسته است.^{۱۳۶} در قرارداد بیمه، حیطه‌ی میزان ضرر به ضرر اقتصادی و مالی محدود می‌شود که شامل ضرر اقتصادی به اموال بیمه شده (و موضوع قرارداد با ماهیتی مشابه)، هزینه‌های پزشکی، درآمدهای آینده و ضرر بیمه‌نامه‌ی سوانح و بیمه‌نامه‌هایی با ماهیت مشابه است.^{۱۳۷}

طبیعت، جامعه و قانون همیشه فرض را بر این گذاشته‌اند که مجروح یا قربانی که از ضرر و زیان ناشی از خطرات غیرمنتظره رنج می‌برد باید مورد محافظت قرار گیرد.^{۱۳۸} اما روش‌های غلبه بر ضرر و خسارت قربانی چیستند؟ برخی معتقدند که قربانی باید مورد

حمایت طرف مقصر یا خطاکار قرار گیرد، برخی دیگر عقیده دارند که بیمه‌گر باید قربانی را زیر بال و پر خود بگیرد و برخی بر این باورند که طرح امنیت اجتماعی ملی باید جبران ضرر و زیان وارده به قربانی را بر عهده گیرد. آیا هیچ یک از این روش‌ها به تنهایی مشکل قربانی را حل می‌کند یا باید ترکیبی از این‌ها به یاری یکدیگر بیایند تا تاثیرگذاری داشته باشند؟

اعتقاد بر این است که هر سه این روش‌ها در کنار یکدیگر به رفع مشکلات قربانی کمک می‌کنند، خواه مشکل قربانی ناشی از قصور خود یا سایرین باشد. چه مشکل از خود فرد باشد و چه از سایرین، قربانی از دیدگاه بشردوستانه نیازمند حمایت است. این دیدگاهی است که پس از سال‌ها مطالعات فقهی از سوی پروفیسورها رون هاشم مطرح شده است. وی می‌گوید:

«در طول سال‌های زیادی که به عنوان قاضی خدمت می‌کردم نمی‌توانستم از همدردی با افرادی که بر اثر تصادفات و سوانح آسیب دیده بودند دست بردارم، چون این افراد از نظر قانونی شایستگی دریافت غرامت را نداشتند.»^{۱۳۹}

این به این معنا نیست که قربانی باید برای جبران همه‌ی دردها و آسیبات وارده به خود پیش از تصادف نیز به بیمه‌گر تکیه کند. هدف اصلی فعالیت‌های بیمه (به ویژه در قراردادهای عام) جبران خطر با استفاده از اصول همیاری است که در طی آن هم بیمه شده و هم بیمه‌گر باید با تشریک مساعی با یکدیگر همکاری نمایند. از این‌رو فعالین بیمه، فرصت سودجویی به افراد نمی‌دهد.

همان‌طور که در نمونه‌های ذیل می‌بینید، در مالزی دادگاه معمولاً طبق قوانین عرف خسارات وارده به افراد را به طرز معقولی تحت پوشش قرار می‌دهد.

در پرونده‌ی تصادف احمد دامان هوری کو چین یو^{۱۴۰} دادگاه مبلغ RM ۴۰۰ ماهانه برای رسیدگی به بیمار روان پریشی که در طی تصادف آسیب دیده بود اختصاص داد. در سیتی رحمه ماراپان^{۱۴۱} مبلغ ماهیانه RM ۳۵۰ برای نوجوان ۱۶ ساله‌ای تعیین کرد که دچار لطمات مغزی شده بود. همین‌طور در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۴ دادگاه عالی شاه علم در

پرونده‌ی کولدیپ سینگ و الف باکر محمد^{۱۴۲}، ماهیانه RM ۷۰۰ را به مدت ۱۶ سال برای کودک ۱۰ ساله‌ای که در سانحه‌ی تصادف فلج شده بود در نظر گرفت. همین‌طور در مرکز توسعه‌ی بالاچاندار پالانیسمی و آسیا^{۱۴۳} دادگاه ماهیانه RM ۱۰۰ به مراقبت از قربانی اختصاص داد که در طی تصادف دچار آسیب دیدگی شدید دست و پا شده بود. همچنین دادگاه شاه علم در مورد پرونده‌ی ایندرجیت سینگ و مزلان بن جسمان^{۱۴۴} ماهانه مبلغ RM ۵۰۰ برای پرستاری از قربانی ۲۴ ساله‌ی تصادف در نظر گرفت که ۷۰ ماه آزمایشی و ۲۰ سال دائمی پرداخت شود که جمعاً بالغ بر ۲۶ سال بود.

اما مواردی نیز در دادگاه‌های انگلستان وجود دارد که قضات خسارت را به مدت نامحدود تعیین کرده‌اند. به طور مثال در پرونده‌ی لیم پو چو کمندن و جامعه‌ی سلامت ایسلینگتون^{۱۴۵} مدعی، دکتر لیم پو چو که اصالتاً از پنانگ مالزی بود و در انگلستان سکونت داشت بر اثر عمل جراحی در تاریخ ۱ مارس ۱۹۷۳ در بیمارستان الیزابت گرت اندسون انگلستان دچار مرگ مغزی شد. دادگاه عالی مبلغ ۲۵۰۰۰۰ پوند که از بالاترین مبالغ تاریخ انگلستان است برای وی در نظر گرفت.^{۱۴۶} اما در مرحله‌ی بعد لرد لنینگ تلاش کرد این مبلغ را به نصف برساند اما دو قاضی فرجام دیگر با این درخواست موافقت نکردند و رای قاضی را مورد تایید قرار دادند. اداره‌ی قضات نیز با دیدگاه لرد لنینگ مخالفت نمود.

همین‌طور در پرونده‌ی وایزمن^{۱۴۷} کودک دو ساله‌ای که در پی قصور پزشکی بیمارستان دچار عارضه‌ی مغزی شده بود. کودک به تدریج فلج و نابینا شد، توانایی مکالمه و غذا خوردن و کنترل ادرار و مدفوع خود را از دست داد. در سن ۷ سالگی پزشکان طول عمر وی را ۲۰ تا ۴۰ سال تعیین کردند. دادگاه عالی مبلغ ۲۰۶۲۲۴ یورو برای پرستاری و هزینه‌ی درمانی و جبران سال‌های از دست رفته‌اش تعیین نمود. اما لرد دنینگ با تصمیم دادگاه عالی مخالفت کرد و ۱۵۶.۵۲۴.۷۲ یورو برای هزینه‌ی مراقبت از وی اختصاص داد.^{۱۴۸}

این هزینه‌ی ۱۵۶.۵۲۴.۷۲ یورویی در پرونده‌ی وایزمن توسط شورای محرمانه تایید و ۱ میلیون دلار به آن افزوده شد.^{۱۴۹} شورای محرمانه بعدها بندی الحاقی به قانون مدنی

۱۹۵۶ مالزی افزود که توانایی دادگاه در تعیین خسارات نامحدود را متوقف نمود. این الحاقات در تاریخ ۱ اکتبر ۱۹۸۴^{۱۵۰} به اجرا درآمد و مسئله‌ی پرستاری را از میان برداشت. پس از آن در ۴ سپتامبر ۱۹۹۵ در پرونده‌ی سوراژیم بن آکودوری و مهد اسماعیل بن عیسی و آنور^{۱۵۱} دادگاه کلانگ مالزی ۱.۸ میلیون RM به قربانی اختصاص داد. در این پرونده، قربانی مردی ۲۰ ساله بود که در اثر تصادف دست و پای خود را از دست داده بود. دادگاه رأی بر این داد که قربانی باید مبلغ ۵۰۰۰ RM دریافت نماید که هزینه‌ی پرستاری ۲۴ ساعته‌ی وی به مدت ۳۰ سال بود.

در نتیجه، این حکم توجه صنایع بیمه‌ی مالزی و دکتر مهاتیر محمد، نخست وزیر سابق را به خود جلب کرد که معتقد بود کشور نمی‌تواند از پس این هزینه‌های میلیونی بریاید و در نهایت شخص دیگری باید آن را پرداخت کند.^{۱۵۲}

هدف اصلی بیمه حفظ همکاری‌های متقابل در تامین امنیت مادی در برابر خطرات غیرمنتظره است اما نباید در این میان فرصت سودجویی میلیون دلاری برای افراد ایجاد شود.^{۱۵۳} از این رو اگر ارائه‌ی غرامت‌های متناوب با هزینه‌های بالا رایج شود، فعالیت بیمه به امری تک قطبی تبدیل می‌شود. نتایج قدرت دادگاه در ارائه‌ی غرامت‌های متعدد به قرار زیر است:

۱. صنایع بیمه برای امنیت خود حق بیمه‌ی بالاتری تعیین می‌کنند که بار زیادی بر دوش کسانی می‌گذارد که قصد خرید بیمه دارند. در نتیجه به خاطر سود یک نفر، همه‌ی بیمه شدگان باید از هزینه‌ی بالای بیمه رنج ببرند.
۲. اگر بیمه‌گر مجبور شود میلیون‌ها دلار برای یک خطر پردازد، آیا می‌تواند بدون ورشکستگی به کار خود ادامه دهد؟ آیا بیمه می‌تواند صدها مورد مشابه را در سال رسیدگی نماید؟ اگر اینچنین باشد آیا غرامت نامحدود برای شرکت بیمه عادلانه است؟

از این رو توصیه می‌شود که:

۱. قدرت دادگاه در تعیین غرامت نامحدود متوقف گردد.

۲. اگر قربانی به مقادیر نامحدودی برای جبران ضرر نیاز دارد نباید یک بیمه نامه تهیه کند بلکه باید چندین بیمه نامه داشته باشد تا بتواند بدون وارد کردن ضرر به اداره‌ی بیمه مورد حمایت مالی قرار گیرد.
۳. اگر قربانی قادر به خرید بیمه‌های متعدد نیست باید علاوه بر بیمه به موارد امنیت اجتماعی نیز رجوع کند.
۴. سیستم امنیت اجتماعی باید تحت مراقبت دولت در بخش‌های خصوصی فعالیت کند یا به صورت نیمه خصوصی و نیمه ملی به کار خود ادامه دهد تا بیمه شده امنیت کافی برای امور مالی حیات خود داشته باشد.
۵. به منظور بهره‌گیری از امنیت مادی در برابر خطرات پیش بینی نشده توصیه می‌شود که هر یک از اعضای جامعه یک بیمه‌ی عمر به نام خود خریداری نمایند. همچنین دولت می‌تواند قانونی اجباری تعیین کند که همه‌ی افراد جامعه یک بیمه‌ی عمر داشته باشند.
۶. امید است که دادگاه‌ها دیگر غرامت نامحدود برای کسی در نظر نگیرند چرا که این امر باعث ضرر زدن به شرکت بیمه و ایجاد بی‌عدالتی در حق وی می‌شود و به بیمه شده فرصت سودجویی می‌بخشد.

۴-۶. نتیجه‌گیری

۱. قرارداد بیمه در قانون عرف نباید لزوماً پس از تایید کلامی یا مکتوب منعقد گردد، بلکه حتی تا نخستین پرداخت حق بیمه غیرقابل اجراست. از سوی دیگر تحت قوانین اسلامی قرارداد پس از قبول عامل بیمه، حال شفاهی باشد یا مکتوب یا توسط اقوام مثبت شرکت بیمه، لازم الاجراست.
۲. در قانون عرف، حق بیمه‌ی پرداختی به دلایلی چون نقض نهایت حسن نیت یا صرف نظر کردن از بیمه نامه ضبط می‌گردد. اما در قانون اسلام حق بیمه قابل ضبط نیست. بلکه در اثر نواقص کار یا معایب قرارداد، ضرر و زیان از مبلغ بیمه کسر می‌شود.

۳. در قانون عرف، بیمه شده می‌تواند تا مبلغ تعیین شده در قرارداد ادعای غرامت کند. در قانون اسلامی اگر غرامت از میزان ثبت شده در قرارداد بگذرد، شرکت بیمه می‌تواند از مبلغ خیریه، بخشی را به وی اختصاص دهد.
۴. در قرارداد بیمه‌ی عمر قانون عرف به محض تایید مرگ فرد در دوره‌ی قرارداد، افراد ذی‌نفع می‌توانند کل مبلغ قید شده در قرارداد را مدعی شوند اما در قانون اسلام این مبلغ تنها هزینه‌ی قید شده در قرارداد را شامل نمی‌شود بلکه حق بیمه‌ی پرداختی، سود سپرده، اضافه پرداخت شرکت بیمه و بسته به اوضاع مالی وابستگان متوفی، بخشی از خیریه را در بر می‌گیرد.
۵. در خصوص مورد عدم ادعای غرامت (NCB) هم در قانون عرف و هم در شرع، درگیری‌هایی فنی وجود دارد. در خصوص بیمه‌ی عمر در عرف، عدم ادعای غرامت شامل ارزش قرارداد و نرخ سود آن بسته به سیاست‌های شرکت است. اما در بیمه‌ی عام (کوتاه مدت) عدم ادعای غرامت شامل درصد ثابتی از تخفیفاتی است که در حق بیمه‌ی دوره‌ی بعد اعمال می‌شود. از سوی دیگر در قانون شرع اسلام، عدم ادعای خسارت در بیمه‌ی عمر شامل کل هزینه‌های پرداختی، سهم سود، سهام و اضافه پرداخت تعیین شده بر اساس سیاست‌های شرکت است. اما در بیمه‌ی عام، شامل سهم سودی است که طبق اصول مضاربه به حساب شخصی فرد سپرده می‌شود.
۶. در خصوص میزان خسارت در فعالیت‌های بیمه‌ی قانون عرف، دادگاه در برخی موارد بدون در نظر گرفتن آینده‌ی شرکت بیمه، خسارت‌های نامحدودی برای افراد تعیین می‌کند. از سوی دیگر در قانون اسلام، خسارت نامحدود معنایی ندارد. علت نیز این است که در قانون اسلام، عادلانه و معقول بودن غرامت تعیین شده برای فرد خطاکار اصل است. قربانی نیز حق درخواست غرامت نامحدود ندارد چرا که این امر باعث بی‌عدالتی در حق خطاکار می‌شود. قرآن کریم حکم واضحی برای تعیین غرامت‌های معقول و عادلانه برای جراحات جسمی صادر کرده است:

فصل ۶. عوامل قراردادی مؤثر بر بیمه و تکافل □ ۳۵۵

۷. و برایشان این گونه تعیین کردیم: جان در ازای جان، چشم در ازای چشم، بینی در ازای بینی، گوش در ازای گوش، دندان در ازای دندان و جراحی در برابر جراحی برابر. اما اگر کسی بخواهد دیه بپردازد، می تواند برای آن را انجام دهد. و اگر کسی نتواند بر اساس حکم خدا قضاوت کند، ظالم است.^{۱۵۴}

۶-۵. جدول تطبیقی

عوامل قراردادی مؤثر بر فعالیت های بیمه و تکافل	
فعالیت های بیمه	فعالیت های تکافل
انعقاد قرارداد تنها پس از پرداخت اولیه لازم الاجراست	انعقاد قرارداد باید پس از پذیرش تقاضا صورت گیرد
برخی زمینه ها سبب ضبط حق بیمه ی پرداختی می شوند.	ضبط حق بیمه ی پرداختی ممکن نیست.
هزینه ی غرامت تا سقف تعیین شده در قرارداد است	هزینه ی غرامت تا سقف تعیین شده در قرارداد نیست و تا حد خسارت وارده افزایش می یابد.
در بیمه ی عمر، ذی نفع تنها می تواند مبلغ تعیین شده در قرارداد را درخواست کند.	در بیمه ی عمر، ذی نفع می تواند حق بیمه ی پرداختی، سود سهام و مبلغی از بخش خیریه را درخواست نماید.
درخواست NCB در بیمه ی عمر، میزان سود مشخص شده در قرارداد است.	درخواست NCB شامل سود سهام، اضافه پرداخت و سود باشد.
در برخی موارد دادگاه غرامت های نامحدود تعیین می کند.	پرداخت غرامت نامحدود توجیهی ندارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. رجوع شود به کلارک ملکولم، "بیمه: علت مستقیم در قانون انگلستان" مجله‌ی قانون کمبریج، ۴۰(۲) ۱۹۸۱، ص ۲۸۴
۲. ماده‌ی ۵۵ قانون بیمه‌ی سفرهای دریایی ۱۹۰۶ انگلستان
۳. با تکیه بر اصول مضاربه
۴. به طور مثال در مالزی، جلسات دادگاه کلانگ با تکیه بر رأی دادگاه انگلیسی در شرکت بیمه‌ی سلامت لیم پو چو و کمدن (۱۹۷۹)، هزینه‌ی پرستاری ۳۰ ساله بالغ بر ۱۸ میلیون
۵. الحسن، عبدالوهاب احمد، "آزادی قرارداد، ناکامی قرارداد در قانون سودان و قوانین اسلامی" (۱۹۸۵) هفته‌نامه‌ی قانونی عرب ص ۵۱ تا ۵۶
۶. مجله، مقاله ۱۰۳
۷. حسن، حسین حمید. المدخل لدراسات الفقه الاسلامی، مکتبه‌المتنبی، قاهره، ۱۹۷۹، ص ۲۴۲ و ۲۴۳
۸. رجوع شود به صالح، نبیل، "تعریف و شکل‌گیری قرارداد در قوانین اسلمی و عرب" (۱۹۹۰) هفته‌نامه‌ی قانون عربی، ۵:۲، ص ۱۰۱ در ص ۱۱۵
۹. هاردینور مهم نور، "مقدمه‌ای بر تجارت عام تکافل" در تکافل (بیمه‌ی اسلامی)، مفاهیم و سیستم عملیاتی، ص ۵۲
۱۰. صحیح البخاری، کتاب البیو، (ترجمه) جلد ۳، شماره‌ی ۳۲۷، ص ۱۸۴
۱۱. صحیح البخاری، کتاب البیو، (ترجمه)، جلد ۳، شماره‌ی ۲۹۲، ص ۱۶۶
۱۲. صحیح البخاری کتاب البیو، (ترجمه)، جلد ۳، شماره‌ی ۳۲۸، ص ۱۸۶
۱۳. سوره‌ی المائده، آیه‌ی ۲
۱۴. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۴
۱۵. هاردینور، مهد نور، "مقدمه‌ای بر تجارت تکافل" ص ۵۲
۱۶. مجله، مقاله‌ی ۱۰۱، ۱۰۳ و ۱۰۴
۱۷. همان منبع، مقالات ۱۰۲ تا ۱۰۴
۱۸. سوره‌ی المائده، آیه‌ی ۱
۱۹. همان منبع، متن پانویشت ۱۸
۲۰. مجله، مقاله‌ی ۳۵۷

۲۱. رجوع شود به همان منبع، مقاله‌ی ۳۴۵ و همچنین قوانین سیرکار، الشرایب، سنی و امامی به طور مثال جلد ۱ ص ۵۰۱.
۲۲. صحیح البخاری، کتاب البیو، (ترجمه) فصل ۶۱، ص ۱۹۸
۲۳. رجوع شود به احمد مظن زکفلی، "سیستم کاری تجارت بیمه‌ی عمومی" ص ۷۵
۲۴. همان منبع، فصل ۶۱، (النجش) ص ۱۹۸
۲۵. سوره‌ی النساء، آیه‌ی ۲۹،
۲۶. سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۸۲،
۲۷. سوره‌ی النساء، آیه‌ی ۲۹،
۲۸. سوره‌ی الزخرف، آیه‌ی ۱۹،
۲۹. شرکت بیمه‌ی راست و ابی (۱۹۷۹) لیوید ۳۳۴
۳۰. رجوع شود به شرکت بیمه‌ی تصادفات (۱۹۰۱) ۲۳۳
۳۱. شرکت بیمه‌ی مورفیت و رویال (۱۹۲۲) ۱۹۱، (۱۹۲۲)
۳۲. ماده‌ی ۴(۵) قانون خودروهای موتوری (شخص ثالث) ۱۹۸۵ سنگاپور
۳۳. ماده‌ی ۲۲ قانون سفرهای دریایی ۱۹۰۶ انگلستان و ماده‌ی ۲ قانون بیمه‌ی عمر ۱۷۴۴ انگلستان
۳۴. تات لی منگ، قانون بیمه در سنگاپور، (سنگاپور، باترورث، ۱۹۸۸) در ص ۲۲. همچنین رجوع شود به شرکت بیمه‌ی پوترا پندرا... (۲۰۰۵) ۲۳۳
۳۵. بردز جان، گارانتی در فرم درخواست بیمه، در مجله‌ی قانون تجارت (۱۹۷۷) ص ۲۳۱
۳۶. قانون مالزی و فیلیپین، (۱۹۹۶) شیخ مهد نور الم حسین، "اشتباهات عوامل در قرارداد بیمه"
۳۷. نیک راماله، قانون بیمه در مالزی، ص ۸
۳۸. ماده‌ی ۵ قانون قراردادها ۱۹۵۰
۳۹. ماده‌ی ۲۱ قانون بیمه‌ی دریایی ۱۹۰۶ انگلستان
۴۰. (۱۹۱۶) ۴۳۳
۴۱. ماده‌ی ۵(۱) قانون قراردادها ۱۹۵۰
۴۲. همان منبع، ماده‌ی ۵(۲)
۴۳. کوری و پتون، (۱۸۷۴) ۵۷۷
۴۴. (۱۸۸۵) ۵۲۶
۴۵. (۱۸۹۷) ۲۸۷ رجوع شود به بیمه‌ی مک الوری و لندن،

۴۶. شرکت بیمه‌ی رویال، (۱۹۸۲) ۶۶۹
۴۷. ابوامی، اصول کلی قانون بیمه، ۱۱۱
۴۸. بردز، جان، ارزش بیمه نامه‌ی موقت چیست؟ در بررسی قانون مدرن، جلد ۴۰، ۱۹۷۷، ص ۷۹ و ۸۰
۴۹. بردز، جان، قانون بیمه‌ی مدرن، ص ۷۳
۵۰. (۱۸۶۹) ۱۰۲ جامعه‌ی بیمه‌ی مکی و اروپا
۵۱. شرکت بیمه‌ی مورفیت و رویال، (۱۹۲۲) ۳۳۴
۵۲. ابوامی، اصول کلی قانون بیمه، ۱۰۳
۵۳. شرکت بیمه‌ی مکی و اروپا (۱۸۶۹) ۱۰۲
۵۴. شرکت بیمه‌ی لینفورد (۱۸۶۴) ۲۹۱
۵۵. (۱۹۷۷) ۱۶۱
۵۶. شرکت بیمه‌ی یوروکا و رایبسون (۱۸۶۷) ۲۶۴
۵۷. شرکت رابرتز (۱۸۹۷) ۱۱۱
۵۸. رجوع شود به موسی محمد یوسف، "آزادی فردی در قرارداد و شرایط آن بر اساس قوانین اسلامی" هفته نامه‌ی اسلامی، ۲:۱، ۱۹۵۵، ص ۲۵۲
۵۹. سوره‌ی المائده، آیه‌ی ۲،
۶۰. مشکات المصابیح، کریم، الحاج فضل، (ترجمه)، ص ۲۰۶ و ۲۰۷
۶۱. مشکات المصابیح، شماره‌ی ۵، ص ۲۰۷
۶۲. سوره‌ی المائده، آیه‌ی ۱،
۶۳. مشکات المصابیح (دین) کریم الحاج فضل، (ترجمه) ش ۳، ص ۲۰۶
۶۴. مشکات المصابیح، ش ۲۸۸، ص ۲۱۴
۶۵. امام ملک ابن اناس، المواتا، کتاب البویو، (ترجمه) شماره‌ی ۲۱ ص ۲۱۶
۶۶. هامیلتون چارلز، هدایا، جلد ۲، ص ۴۷۲
۶۷. سوره‌ی النساء آیه‌ی ۵۸،
۶۸. سوره‌ی النساء آیه‌ی ۱۰۷،
۶۹. الهلیلی، نجم الدین ابو جعفر، شراعی الاسلام، بیروت، جلد ۲، ص ۲۵۳. همچنین رجوع شود به خان، محمد اکرم، فرهنگ واژگان اقتصاد اسلامی، ص ۲۷۹
۷۰. النسفی، عبدالله محمد: کنز الدقایق، ص ۳۵۲

۷۱. از جمله عاملان تکافل در مالزی
۷۲. رجوع شود به الهلیلی، نجم الدین ابو جعفر، جلد ۲، ص ۲۵۳؛ همچنین رجوع شود به الهبه، الصدقه و التبوع در خان محمد اکرم، فرهنگنامه ی اقتصاد اسلامی، ص ۵۶، ۱۱۷، ۱۲۹. همچنین رجوع شود به هبه، خیریه و صدقه در فرهنگ لغات اقتصاد و بازرگانی، انگلیسی به عربی ص ۱۴۵، ۹۹ و ۵۲
۷۳. رجوع شود به واژه ی سهمیه در فرهنگ لغات اقتصادی و بازرگانی، انگلیسی به عربی، ص ۷۰
۷۴. النسفی، کنزالدقایق، ص ۳۵۲
۷۵. عربی، اسامه، بازسازی قوانین قرارداد اسلامی السنهوری، در مجله ی مطالعات اسلامی، ۶:۲، ۱۹۹۵. ص ۱۵۳ و ۱۶۹
۷۶. مشکات المصابیح، فصل هبه، (ترجمه) کریم الحاج فضل. کتاب دو. ش ۱۸ ص ۳۱۶
۷۷. مشکات المصابیح. ش ۲۱. ص ۳۱۸
۷۸. سوره ی المائده، آیه ی ۲
۷۹. این امر یکی از رسوم بیمه ی اسلامی در جهان امروزی از جمله مالزی است.
۸۰. محمد، عبدالله، "مقررات سود شخص ثالث در قانون قراردادهای اسلامی" در مجله ی قانون تطبیقی اسلامی. جلد ۹، ۱۹۸۰، ص ۷ و ۸
۸۱. اکثریت فقها بر سر این که فرد صغیر با هر جنسیتی وقتی به سن ۱۵ برسد، بالغ شده اختلاف نظر دارند. رجوع شود به همیلتون، هدایا. جلد ۳. ص ۵۲۹ و ۲۰
۸۲. رجوع شود به علی. یوسف. معنای قرآن کریم. ش ۱۲. ص ۱۸۵
۸۳. به دلیل این که وقتی فرد به سن رشد برسد می تواند اموالش را مدیریت نماید. مجله. مقاله ی ۹۸۱
۸۴. سوره ی النساء، آیه ی ۶
۸۵. اورانگرب و داوود خان (۱۹۵۷) ۸۵؛ رجوع شود به مهد افضل و خورشید بگم (۱۹۷۵) ص ۲۷ و ۲۸
۸۶. رجوع شود به السرخشی مبسوط، ص ۵۱ همچنین رجوع شود به ابن نجائم، بحر الرائق، قاهره، ۱۳۱۱، جلد ۷، ص ۲۸۸
۸۷. مهمسانی، نظریه الاما لی المجبیات و العقود فی الشریعه الاسلامیه. جلد ۲، ص ۱۰۲
۸۸. رجوع شود به ماده ی ۸۳ قانون شخصی مسلمانان

۸۹. رجوع شود به واژه‌ی "سهمیه" در فرهنگ لغات اقتصادی و بازرگانی، انگلیسی به عربی. ص ۷۰
۹۰. به دلیل دوره‌ی کوتاه مدت آن (برخلاف بیمه‌ی عمر) که در طول آن، شرکت زمان کافی برای جابجایی حق بیمه‌ی پرداختی و بهره‌برداری از آن را ندارد.
۹۱. مشکلات المصاییح، فصل هبه، (ترجمه) کریم الحاج فضل. کتاب دو. ش ۱۸ ص ۳۱۶
۹۲. سوره‌ی المائده، آیه‌ی ۲
۹۳. همان منبع، پانوش ۹۲
۹۴. ماده‌ی (۱) ۱۶۷ قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶
۹۵. موارد ذکر شده در فتوای‌های مختلف، موید این قضیه است (فتوای‌های صادر شده از شورای عالی علمای عربستان در سال ۱۹۳۷؛ شورای فقه جهان اسلام ۱۳۹۸؛ رأی مشترک علما در نخستین سمینار بیمه‌ی اسلامی ۱۴۰۵؛ و همچنین اقتصاد مکه در سال ۱۳۹۶) همچنین رجوع شود به صدیق، چادهوری محمود، "مفهوم و فعالیت‌های بیمه‌ی اسلامی (تکافل)" در فرهنگنامه‌ی بانکداری و بیمه‌ی اسلامی، ۱۹۹۵، ص ۱۹۷ تا ۲۰۰
۹۶. اصول قرآنی، سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۶۰
۹۷. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۶۰
۹۸. صحیح البخاری، کتاب الادب، خان، م محسن (ترجمه) جلد ۸ ش ۳۴، ص ۲۳
۹۹. صحیح البخاری، کتاب الادب، ش ۳۵
۱۰۰. صحیح المسلم، کتاب البر، ش ۵۹
۱۰۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۵۸
۱۰۲. سوره‌ی المائده، آیه‌ی ۲
۱۰۳. طبق اصول مضاربه (تسهیم سود و ضرر). رجوع شود به فصل ۱ (تحت چارچوب مفهومی قانون اسلامی)
۱۰۴. سوره‌ی المائده، آیه‌ی ۲
۱۰۵. مفاد ۱۴۱(۲)، ۱۶۰(۱) و (۲) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶
۱۰۶. لی چنگ و ارس، شرکت بیمه‌ی چین (۱۹۶۲) ۲۹۷
۱۰۷. (۱۹۸۷) ۲۲
۱۰۸. نیک راماله محمود، قانون بیمه در مالزی، ص ۹۴
۱۰۹. (۱۹۴۸-۴۹) ۸۵

۱۱۰. مفاد ۱۵۵(۱)، (۲) و (۳) قانون بیمه ۱۹۹۶
۱۱۱. نیک راماله محمود، قانون بیمه در مالزی، ص ۹۶
۱۱۲. ماده ۱۵۵(۲) و (۳) قانون بیمه ۱۹۹۶
۱۱۳. نیک راماله محمود، قانون بیمه‌ی مالزی، ص ۹۶
۱۱۴. همان منبع، ص ۹۵
۱۱۵. همان منبع؛ همچنین رجوع شود به لی کام خوان، ص ۱۱۲
۱۱۶. نیک راماله محمود، ص ۹۶
۱۱۷. رجوع شود به "چگونگی طرح دعاوی بیمه، رهنوهای بانک نگارا" در اوتوسان کاستومر، اواسط می، ۱۹۹۵، ص ۷
۱۱۸. ۱۹۱۲ (۱۹۵)
۱۱۹. همچنین رجوع شود به قرارداد بیمه‌ی عمر کومار هندوستان (۱۹۷۴) لیوید ۱۷۴، همچنین رجوع شود به ماده‌ی ۷۵ قانون قراردادهای ۱۹۵۰
۱۲۰. ماده‌ی ۱۴۱(۱) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶
۱۲۱. رجوع شود به نیک راماله محمود ص ۹۳
۱۲۲. شرکت بیمه‌ی جوئل و کراون (۱۹۰۸) ۸۶۳ ایزاک در شرکت بیمه‌ی عمر مشترک مای و کلونیال (۱۹۲۴). در این مورد توصیه این بود که در صورت مشاهده‌ی نقض نهایت حسن نیت، دادگاه بر اساس اصل برابری از قدرت خود در استرداد هزینه‌ی پرداختی به عنوان حق بیمه استفاده کند.
۱۲۳. شرکت بیمه‌ی پناهندگان کتلول (۱۹۰۹) ۲۴۳
۱۲۴. ایوامی، هادری، بیمه‌ی شخصی، بیمه‌ی عمر و سایر بیمه‌ها، (لندن: باترورث، ۱۹۸۰) ص ۱۰۰
۱۲۵. ۱۹۴۹ (۷۵۵)
۱۲۶. ۱۹۶۰ (۱۰۱)
۱۲۷. ۱۸۲۵ (فصل ۴۷)
۱۲۸. ۹۷ یورو، ۸۰۸ تا ۸۱۰
۱۲۹. ماده‌ی ۲ قانون تکافل ۱۹۸۴
۱۳۰. بطور مثال رجوع شود به امخان، عدنان، "عملکرد خاص قانون قراردادهای عرب، ۱۹۹۴"
- هفته نامه‌ی قانون عرب، ۹:۴، ص ۳۲۴، ش ۴
۱۳۱. سوره‌ی المائدة، آیه‌ی ۲

۱۳۲. صحیح المسلم، کتاب البر، ش ۵۹
۱۳۳. سورهی النساء، آیهی ۵۸
۱۳۴. رجوع شود به راشد، س ک، "تکافل، تحت حمایت مالی بودجهی زکات در جوامع اسلامی" مقاله‌ی ارائه شده در سمینار بین‌المللی لایوآن در زمینهی تکافل (بیمه‌ی اسلامی)، محل برگزاری: هتل شرایتون، لایان، ۱۹ و ۲۰ ژوئن، ۱۹۷۷، ص ۸
۱۳۵. حسن، م کبیر "تحلیل اقتصادی موارد آسیب شخصی به منظور بررسی‌های خارج از دادگاه" در تفکر اقتصادی، جلد ۵، ش ۱۸۲، ۱۹۹۵، ص ۳۵
۱۳۶. همان منبع
۱۳۷. همان منبع
۱۳۸. رجوع شود به وارن، مارتا، س، "رفیق! می‌تونی بیمه‌ی اجتماعی بخری؟ جبران تصادفات در طول بحران مالی" در بررسی قانونی و پزشکی جراحات شخصی"، جلد ۱، ش ۱، ۱۹۹۴، ص ۳۸
۱۳۹. هارون‌هاشم، "بودجهی سوکسو برای کمک به قربانیان تصادفات لازم است" در مجله‌ی استریت تایمز، ۲۶ اکتبر، ۱۹۹۵، ص ۱۲، همچنین رجوع شود به هارون هاشم "سخرانی سوم تون حسین ان" ۱۹۹۵، بند ۲۱، ص ۹
۱۴۰. ۷۴۷ (۱۹۹۰)
۱۴۱. رای صادره در سیتی رحمه ماراپان (۱۹۸۹) ۲۵۲
۱۴۲. ۲ (۱۹۹۶)
۱۴۳. ۷۸۳ (۱۹۵۵)
۱۴۴. ۳۹۵ (۱۹۹۵)
۱۴۵. ۳۳۲ (۱۹۷۹)
۱۴۶. رجوع شود به کنديا س، "تقاضای پرستاری/مراقبت از قربانیان فلج و ناتوانی ناشی از تصادفات: آیا این تقاضا باید درباره‌ی مراقبت در منزل باشد یا نگهداری در مراکز عمومی؟" (۱۹۹۶)
۱۴۷. ۷۱ (۱۹۸۲)
۱۴۸. همان منبع
۱۴۹. ۲۴۶ (۱۹۸۶)
۱۵۰. مفاد ۷۸ و ۱۲ قانون مدنی ۱۹۵۶، همچنین رجوع شود به کنديا

۱۵۱. (۱۹۹۶) ۲

۱۵۲. کاندیا

۱۵۳. پو چو چای، "دعاوی بیمه و اصول غرامت" (۱۹۸۳)

۱۵۴. سوره‌ی مائده، آیه ی ۴۵



سازوکارهای عملی تکافل

مقدمه

شرکت تکافل مالزی به عنوان شرکت مسئولیت محدود خصوصی در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۴^۱ تحت قوانین ۱۹۶۵ شرکت‌ها تشکیل و اخیراً در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۹۵، به شرکتی عام المنفعه تبدیل شد.^۲ این شرکت از زمان تاسیس توسط قانون ۱۹۸۴ تکافل اداره می‌شد. در مالزی دو شرکت برجسته‌ی تکافل وجود دارد که عبارتند از: شرکت تکافل مالزی و شرکت تکافل MNI. فعالیت‌های این دو شرکت و شعبه‌های آنها در سراسر کشور توسط قانون ۱۹۸۴ تکافل اداره می‌شود.

علیرغم موفقیت فعالیت‌های تکافل در مالزی، جنبه‌هایی از این فعالیت‌ها در نظریه و عمل وجود دارد که دستخوش تغییر و تحول هستند. این تغییر و تحولات باعث پیشرفت فعالیت‌های تکافل و تبدیل این شرکت‌ها به موسسات توانای مالی چون شرکت‌های بیمه‌ی سستی می‌شود.^۳ تغییر و تحولات بیشتر می‌تواند باعث تبدیل این فعالیت‌های تکافل به شرکت‌های بیمه‌ی اسلامی جامع شود که در پاسخ به همه‌ی سوء برداشت‌هایی عمل می‌کند که بر ایده‌ی اصلی بیمه در نظریه و عمل سایه افکنده‌اند.

هدف از این فصل تاکید بر جایگاه فعلی فعالیت‌ها و اصول تکافل در مالزی است. همچنین در این فصل تلاش بر این بوده که با ارائه‌ی توصیه‌هایی کارآمد، نقاط ضعف

جایگاه فعلی تکافل را برطرف سازیم تا توسعه‌ی تکافل در نظریه و عمل تضمین شود. این امر نه تنها با جامعه‌ی امروزی مالزی هماهنگ است بلکه از طریق ارائه‌ی راه حل‌های معقول برای سوء برداشت‌ها و انتقادات علیه فعالیت‌های تکافل، در راستای اهداف جامعه‌ی جهانی روز نیز عمل می‌کند.

۱-۷. بررسی صنعت تکافل در مالزی

پس از آن‌که شورای ملی مذهبی^۴ در سال ۱۹۷۲ فعالیت‌های سنتی بیمه (به ویژه بیمه‌ی عمر) که توسط قانون بیمه‌ی ۱۹۶۳ مالزی اداره می‌شوند را به دلیل قرار داشتن اصولشان بر پایه‌ی ربا، شک و قمار که بر خلاف اصول اسلامی هستند، غیرقانونی اعلام کرد، تکافل (بیمه‌ی اسلامی) در سال ۱۹۸۴ فعالیت‌هایش را در مالزی آغاز نمود.^۵ فتوای مشابهی نیز در همین خصوص از سوی مقامات مختلف مالزی صادر شد که عبارتند از: سلانگور در سال ۱۹۷۰، نگری سمیلان، ۱۹۷۲، پراک، ۱۹۷۴، ترنگانو، ۱۹۷۴، کلتان ۱۹۷۵ و مالاکا در سال ۱۹۸۰.^۶

پس از آن، این کمیته‌های فتوا برای ایجاد طرح اسلامی جایگزینی که همان تکافل (بیمه‌ی اسلامی) بود گرد هم آمدند.^۷ بعدها در سال ۱۹۸۲ دولت کمیته‌ای برای بررسی امکانات جایگزین اجرای فعالیت‌های بیمه‌ی اسلامی تاسیس کرد. در نتیجه گزارش ارائه شده توسط این کمیته در سال ۱۹۸۴ تصویب شد و در پی آن، مجلس نخستین قانون تکافل را در سال ۱۹۸۴ تصویب کرد.

تحت قانون تکافل ۱۹۸۴، نخستین شرکت بیمه‌ی اسلامی به نام شرکت تکافل سیاریکات مالزی (که امروزه با نام شرکت تکافل مالزی شناخته شده) در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۴ تحت قانون شرکت‌های ۱۹۶۵ تاسیس شد. فعالیت رسمی این شرکت در تاریخ ۲ اوت ۱۹۸۵ توسط دکتر مهاتیر محمد، نخست وزیر مالزی آغاز گردید.^۸

در این بخش تلاش بر این بوده که جایگاه فعلی تکافل در مالزی مورد تاکید قرار گیرد.^۹ این کار زمینه را برای درک بهتر طرح تکافل به عنوان جایگزینی برای فعالیت‌های سنتی بیمه مهیا می‌سازد.

۷-۱-۱. اصول تکافل

ماهیت اصول تکافل، متفاوت از اصول بیمه‌ی سستی است.^{۱۰} نخست این که طبق قوانین ۱۹۸۴ تکافل، اصول آن باید مطابق اصول دینی باشد.^{۱۱} اگر یکی از جنبه‌های عملیاتی تکافل برخلاف اصول شریعت باشد، کل فعالیت‌هایش باطل است. از این رو در صورت عدم تطابق با اصول شریعت، مجوز تکافل باطل اعلام خواهد شد.^{۱۲}

فعالیت تکافل بر اساس اصول تسهیم سود و زیان مضاربه^{۱۳} به عنوان فنی مالی^{۱۴} است که جایگزینی برای تکنیک‌های مالی-ربا، محور فعالیت‌های سستی بیمه محسوب می‌شود.^{۱۵}

ماده‌ی ۶۴ قانون ۱۹۸۴ تکافل قید کرده که افراد زیر ۱۸ سال (با هر جنسیتی) نمی‌توانند قراردادهای تکافل را امضا کنند.^{۱۶} از این رو حداقل سن برای خرید بیمه نامه ۱۸ سال است.

فعالیت تکافل عموماً توسط گروه مستقلی به نام شورای نظارت دینی^{۱۷} مورد نظارت قرار می‌گیرد که وظیفه‌اش ارائه‌ی مشاوره به عاملان بیمه مالزی درخصوص فعالیت‌هایشان است تا عدم دخالت عوامل تایید نشده در فعالیت شرکت‌های تکافل تضمین گردد.^{۱۸} به عبارت دیگر، تشکیل شورای نظارت دینی برای هر عامل تکافل، لازمه‌ی آغاز فعالیت‌های آن است.^{۱۹}

قانون تکافل با سخاوت هر چه تمامتر رهنمودهای منعطفی به عاملان بیمه درباره‌ی سرمایه‌گذاری در تکافل ارائه می‌دهد. آنها در سرمایه‌گذاری به هر روشی که می‌خواهند تا جایی که با تعالیم الهی همخوانی داشته باشد آزادند.^{۲۰}

همچنین یکی از اصول تکافل، حفظ نهایت حسن نیت بوده و علت آن این است که هر زمان اصل حسن نیت توسط یکی از طرفین قرارداد نقض شود، قرارداد تکافل زیر سوال می‌رود.

از این رو وظیفه‌ی افشاء حقایق و مسائل مادی نه تنها بر دوش بیمه‌گر است بلکه بیمه شده نیز به همان میزان در افشاء حقایق مسئولیت دارد. بنابراین قانون ۱۹۸۴ تکافل

برای افرادی که حسن نیت را زیر پا می‌گذارند، جریمه‌ی سنگین‌تری تعیین کرده‌است. ماده‌ی ۲۸ قانون این‌طور می‌نویسد: کسی که در گفتار، تعهد یا پیشگویی‌هایش چیزی را قرار دهد که فریبکارانه، دروغ یا نیرنگ باشد یا حقیقتی را پنهان نماید یا با این‌گونه کلام‌ها، فرد دیگری را وادار به انعقاد قرارداد تکافل کند، مقصر است و به پرداخت جریمه تا سقف ۲۰۰۰۰ ریال یا زندان تا سقف یک سال یا هر دوی این‌ها محکوم می‌شود.^{۲۱}

این اصل کلی درباره‌ی عدم افشاء سن صدق نمی‌کند. به عبارت دیگر، عدم افشاء سن، زمینه ساز نقض حسن نیت در تکافل نیست. اما قانون تکافل این‌طور می‌گوید: «سند تکافل به دلیل اظهار نادرست سن بیمه شده به سبب حفظ انسجام ارکان خانواده زیر سوال نمی‌رود».^{۲۲}

۲-۱-۷. فعالیت‌های تکافل

در مالزی دو دسته محصول تکافل ارائه می‌شود: تکافل عام و تکافل خانواده. این دو دسته‌ی اصلی شامل طبقات مختلفی از محصولات فرعی هستند. محصولات دسته‌ی عام در رده‌ی کوتاه مدت جای می‌گیرند اما محصولات گروه خانواده از این نظر که مدتشان از ۱۰ تا ۴۰ سال متغیر است، ماهیتی بلندمدت دارند.^{۲۳} روش‌های این محصولات در موارد زیر ارائه شده‌اند:

۱. حق بیمه پرداختی در همه‌ی انواع بیمه نامه‌ی عام، کوتاه مدت است، به این معنی که اگر در طول دوره‌ی قرارداد موردی برای دریافت خسارت پیش نیامده باشد، دارنده‌ی بیمه نامه باید با پایان دوره‌ی قرارداد آن را تمدید نماید.
۲. حق بیمه‌ی پرداختی در بیمه‌ی عام، تبرع (خیریه) تلقی می‌شود. دارنده‌ی بیمه نامه تنها در صورتی می‌تواند برای دریافت سود بیمه اقدام کند که در طول مدت قرارداد خطری برای موضوع قرارداد پیش آمده باشد اما در صورت عدم وقوع خطر، بیمه شده حق ندارد ادعای خسارت کند. به علاوه در فعالیت‌های تکافل در مالزی، عامل تکافل، دو دسته سود برای افرادی در نظر می‌گیرد که در طول مدت قرارداد خسارتی دریافت نکرده‌اند. این مزایا، عدم ادعای خسارت نامیده

می‌شوند که توسط بانک نگارا (بانک مرکزی) ایجاد شده و تخفیفی بین ۲۵ تا ۵۵ درصد در هزینه‌ی تمدید دوره‌ی بعد را شامل می‌شوند. روش دیگر دریافت این مزایا، سهمی از سود شرکت به عنوان اضافه پرداخت است که با پایان مهلت قرارداد بر اساس سیاست‌های شرکت تعیین می‌گردد.

۳. اگر دارنده‌ی بیمه‌ی عام سستی بخواهد شرکت بیمه‌ی خود را به شرکت تکافل تغییر دهد و قرارداد جدید خود را تحت قوانین تکافل تهیه نماید، شرکت تکافل، تمدید قرارداد را نمی‌پذیرد بلکه قراردادی جدید ایجاد می‌کند. این به این معناست که متقاضی باید هزینه‌های تکافل را مجدداً بپردازد. اما اگر متقاضی بتواند مدرک عدم ادعای خسارت را از شرکت بیمه‌ی قبلی به شرکت تکافل ارائه دهد، شرکت مزبور شاید مدرک وی را بپذیرد اما ممکن است تخفیفی معادل مدرک خود تکافل به مدرک بیمه‌ی سستی ارائه ندهد.

۴. در تکافل خانواده، حق بیمه‌ی پرداختی توسط دارنده‌ی بیمه به دو حساب سپرده می‌شود: حساب بیمه شده (PA) و حساب خاص بیمه شدگان (PSA). مقادیر سپرده شده به SPA، خیریه محسوب می‌شود در حالی که مبالغ PS سرمایه‌ی بیمه شده تلقی می‌گردد. عامل تکافل از PA به عنوان سرمایه‌ی مدیریت مالی مضاربه استفاده می‌کند که بیمه شده طبق اصول شرکت در سود و زیان آن سهم می‌شود.

۵. در قرارداد بیمه‌ی خانواده اگر خطر موردنظر که موضوع قرارداد در برابر آن بیمه شده، در هر زمان پس از آغاز قرارداد و پیش از اتمام آن روی دهد، ذی‌نفع حق دارد همان میزان خسارت را مدعی شود. اما منبع مزایای این ادعا شامل کل مبلغ پرداختی، سهم سود، اضافه پرداخت بر اساس سیاست‌های شرکت و باقی مانده‌ی مبلغ توافقی از PSA می‌باشد. اما اگر خطری برای موضوع قرارداد اتفاق نیفتد، خود بیمه شده می‌تواند موارد زیر را از شرکت بخواهد: کل مبلغ حق بیمه‌ی پرداختی، سهم سود حق بیمه، و اضافه پرداخت بر اساس سیاست‌های شرکت.

۶. در قرارداد بیمه‌ی خانواده، متقاضی باید یک نفر را به عنوان مجری تقسیم سود بیمه نامه پس از مرگ خود تعیین نماید. در این صورت، فرد نماینده تنها متولی بیمه است^{۲۴} که بر اساس اصول فرایند^{۲۵} سود را دریافت و بین افراد ذی‌نفع تقسیم می‌کند. اما اگر نماینده غیرمسلمان باشد، طبق قانون توزیع ۱۹۵۸ (مالزی)^{۲۶} ذی‌نفع تام محسوب می‌شود.

۷. در تکافل خانواده، اگر بیمه شده به جای تعیین کسی به عنوان مجری، فردی را به عنوان موهب الیه تعیین کند، همه‌ی اموال به عنوان هبه به وی واگذار می‌شود. طبق اصول هبه موهب الیه ذی‌نفع تام قرارداد محسوب می‌شود^{۲۷} البته اگر سن او بالای ۱۸ سال باشد.^{۲۸}

۸. در تکافل خانواده، اگر عامل بخواهد بیمه نامه را در هر زمان پیش از اتمام قرارداد واگذار کند، حق این کار را دارد و بیمه گر تکافل حق ندارد حق بیمه‌ی پرداختی وی را ضبط کند. بیمه شده در این شرایط می‌تواند کل مبلغ سپرده شده به حساب PA به اضافه‌ی سود سهام و اضافه پرداخت را طلب نماید. اما نمی‌تواند از مبلغ سپرده به PSA مبلغی بخواهد.

۷-۱-۳. دیدگاه‌های احتمالی در خصوص اصول نظری و عملی تکافل

به واقع مشاهده شده که فعالیت‌های بیمه‌ی اسلامی که تحت عنوان تکافل در مالزی اجرا می‌شوند پیشرفت مورد نظر را داشته‌اند.^{۲۹} ناعادلانه نیست بگوییم که مالزی در ایجاد فعالیت‌های بیمه‌ی دینی در دنیا سرآمد بوده و توانسته با اقتصاد پیشرفته‌ی دنیا خود را مطابقت دهد.

علیرغم این پیشرفت‌ها در فعالیت‌های بیمه‌ی اسلامی در مالزی هنوز هم جا برای توسعه وجود دارد. این تغییر و تحولات، تکافل را نه تنها برای جامعه‌ی مالزی بلکه برای کل جهان، هم در قرن حاضر و هم در قرون آینده سودمند و کارآمد می‌سازد. از این رو در بخش‌های آینده تلاش می‌شود که بر برخی از این معایب موجود در نظریه و کاربرد تکافل در اقتصاد معاصر مالزی تاکید شود.

۴-۱-۷. اصول تکافل

۱. معامله‌ی بیمه‌ی اسلامی، قرارداد مشارکت، انسجام و برادری متقابلی^{۳۰} است علیه خطرات و بلایای غیرمنتظره که در آن، از طرفین انتظار می‌رود صمیمانه با یکدیگر همکاری نمایند. از این رو جایی برای تقلب یا حقه در قرارداد وجود ندارد. قرارداد بیمه کسی را قادر به سودجویی یا حتی به کسب سود از آن، امیدوار نمی‌سازد. به علاوه قرارداد و سود آن، ثروت قانونی دارنده‌ی بیمه محسوب می‌شود. بنابراین باید رابطه‌ای قانونی بین خریدار بیمه نامه و ذی‌نفع آن وجود داشته باشد که ذی‌نفع را از کسب سود خود بازدارد. چنین رابطه‌ای در فعالیت‌های بیمه، سود بیمه نامیده می‌شود. و سود بیمه در قوانین اسلام تنها بر اساس اصول میراث و وصیت محاسبه می‌شود، به این معنا که سود قرارداد در قانون اسلام، دارایی خریدار محسوب می‌شود و در نتیجه فردی که می‌خواهد تحت بیمه نامه، ذی‌نفع باشد باید تنها بر اساس اصول فرایند تعیین شود. از این رو قرارداد، معتبر نخواهد بود مگر این‌که بین خریدار بیمه نامه و ذی‌نفع وی، سود بیمه وجود داشته باشد. اگر سود بیمه در کار نباشد، قراردادی که تنها هدف سودجویی دارد و هدف فعالیت‌های بیمه‌ی اسلامی طبق دستورات خداوند نمی‌تواند این باشد. خداوند می‌فرماید:

«ولا تعاونوا علی الاثم و العدوان»

«و نباید شما به یکدیگر در گناه و ستمکاری کمک کنید.»^{۳۱}

هرچند قانون ۱۹۸۴ تکافل شرایط بسیار جامعی در خصوص قوانین تکافل تعیین نموده که مورد تایید شریعت قرار دارد، علیرغم اهمیت سود بیمه در فعالیت‌های آن، این قانون هیچ مقرراتی در این خصوص تعیین نکرده است.

۲. قرارداد بیمه نوعی معامله‌ی مالی است که طرفین را بر اساس اصول قرارداد متعهد می‌سازد. حداقل سن طرفین قرارداد در قوانین اسلام، سن رشد اعلام شده است.^{۳۲}

اکثریت فقها از جمله ابوحنیفه شافعی، محمد، ابویوسف^{۳۳} و ابن قداما^{۳۴}، سن رشد را هم برای مردان و هم برای زنان ۱۵ سالگی اعلام کرده‌اند. از سوی دیگر هدایا حداقل سن رشد برای زنان را ۹ سال و برای مردان ۱۲ سال می‌داند.^{۳۵} یکی از عقاید ضعیف ابوحنیفه این است که ۱۸ سالگی را سن رشد می‌داند.^{۳۶} قانون مدنی مدرن کویت سن رشد را ۱۸ سالگی تعیین کرده است.^{۳۷}

اکثریت علما از جمله امام شافعی سن رشد را ۱۵ سالگی می‌دانند. به علاوه قانون اسلامی جامعه‌ی مالزی بر اساس مکتب فکری شیعی بنیان شده است. از این رو مشخص نیست که چرا ماده‌ی ۶۴ قانون تکافل ۱۹۸۴، حداقل سن فرد برای خرید بیمه را ۱۸ سال اعلام کرده است. باز هم نمی‌توان فهمید که پایه و اساس تعیین ۱۸ سالگی برای حداقل سن متقاضیان تکافل چه می‌تواند باشد.

۳. وکلا و کارگزاران قرارداد بیمه کسانی هستند که با همکاری متقابل به توسعه‌ی فعالیت‌های بیمه در جوامع تجاری یاری می‌رسانند. طبق مشاهدات، هرچند فعالیت تکافل در اقتصاد معاصر مالزی هنوز ادامه دارد و در حال رشد است اما موفق به تصاحب قلب مردم نبوده. دلیل اصلی این عدم محبوبیت، ضعف تبلیغات در خصوص مفهوم، اهمیت و برجستگی فعالیت‌های تکافل است. اعتقاد همگان بر این است که وکیل و کارگزار، منابع اصلی رواج مفهوم تکافل هستند و می‌توانند با متقاعد کردن جامعه بر اهمیت فعالیت‌های تکافل، به این مهم یاری رسانند. این امر، ادامه و موفقیت فعالیت‌های تکافل را تضمین می‌کند.

عاملان و کارگزاران علیرغم داشتن چنین نقش مهمی در فعالیت‌های تکافل در مالزی، هنوز هم فعالیتشان را چندان گسترش نداده‌اند. هرچند قانون تکافل مقررات مرتبطی را در خصوص این توسعه تعیین نموده اما عاملان بیمه تنها به فعالیت‌های داخل شرکتی مشغولند و افرادی که باید بیرون از شرکت مشغول به کار باشند، انتظارات لازم را برآورده نمی‌سازند.

۷-۱-۵. فعالیت‌های تکافل

۱. در تکافل عام، حق بیمه‌ی پرداختی بیمه شدگان، تبرع (خیریه) محسوب می‌شود و طرفین قرارداد تکافل هر دو می‌پذیرند که عامل تکافل در طول مدت قرارداد، در ازای حق بیمه‌ی پرداختی، مسئولیت پوشش مالی بیمه شده را در صورت بروز خطر برای موضوع قرارداد به عهده داشته باشد.

اصول اسلامی تبرع، معنای مشابه^{۳۸} و عواقب قانونی یکسانی چون صدقه، هبه و خیرات دارد. زمانی که فرد، چیزی را به عنوان خیرات به شخص دیگری واگذار کند، دیگر حق پس گرفتن آن را ندارد. در حقیقت فرد به محض تقدیم مال تحت عنوان تبرع، صدقه، هبه یا خیرات، به طور خودکار مالکیت آن را از دست می‌دهد. این امر در احادیث پیامبر نیز نمود داشته است:

«عن ابن عباس قال: قال رسول الله (ﷺ): العائد في الهبة

كالكلب يعود في قيئه ليس لنا مثال السوء»

«نقل است از ابن عباس که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: کسی

که هبه‌ی خود را بازپس گیرد مانند سگی است که بالا آورده‌ی

خود را بخورد و کاری شیطانی است.»^{۳۹}

از این رو می‌توان دریافت که با تکیه بر تحلیل فوق وقتی حق بیمه‌ی پرداختی، تبرع در نظر گرفته شود قابل استرداد نخواهد بود. اما در عمل، بیمه شده حق دارد هر زمان که خطری برای موضوع قرارداد پیش بیاید ادعای خسارت کند. بنابراین نمی‌توان توجیه شفافی برای این پرسش یافت که چرا حق بیمه پرداختی، تبرع تلقی می‌شود.

۲. غیرمسلمانان نیز می‌توانند بیمه‌نامه‌شان را از شرکت‌های تکافل خریداری کنند

اما این اصلاً به این معنا نیست که عامل تکافل باید در برابر آنها نرم‌تر برخورد کند، چرا که این کار با ماهیت اصلی فعالیت‌های تکافل متضاد است. بر اساس ماده‌ی ۲ قانون ۱۹۸۴ تکافل، ماهیت اصلی فعالیت‌های تکافل، مطابقت با قوانین شریعت است.

در عمل مشاهده شده که در تکافل خانواده، در صورتی که مالک بیمه نامه، فردی غیرمسلمان باشد و بخواهد فردی را به عنوان نماینده‌ی قرارداد معرفی کند، وی را ذی‌نفع تام قرارداد معرفی کرده و در قانون اسلامی فرایند و میراث اسلامی، این کار درست نیست، چرا که سایر وراث را از حق قانونی شان محروم می‌کند. به علاوه وقتی به فرد غیرمسلمان چنین اجازه ای داده شود، بیمه شدگان مسلمان نیز امیدوار می‌شوند که بتوانند چنین حقی را بدست آورند؛ یعنی تنها یک نفر از حق بیمه سود ببرد و سایر کسانی که از مرگ متوفی تأثیر می‌گیرند از آن محروم باشند. و در نهایت این‌که دادن چنین حقی به افراد، خلاف هدف تکافل یا همان حفظ برادری، انسجام و همکاری متقابل است.^{۴۰}

۳. بنابر آیات قرآن، حیات و مرگ مخلوقات توسط خدا تعیین می‌شود. خداوند می‌فرماید:

«و ما كان لنفس ان تموت الا باذن الله كتابا موجلا

هیچ نفسی نمی‌میرد مگر به اذن خداوند.»^{۴۱}

هیچ مخلوقی نمی‌تواند بر اساس حدس و گمان یا پیشگویی، طول عمرش را تعیین کند. در مالزی مشاهده شده که یکی از شرکت‌های تکافل در ارائه‌ی حق بیمه‌ی مقرری سالانه برای افراد، مبلغ بیشتری را به زنان اختصاص می‌دهد تا مردان. چنین تبعیض جنسیتی به این دلیل اتفاق می‌افتد که عامل شرکت گمان می‌کند زنان، طول عمر بیشتری در مقایسه با مردان دارند.^{۴۲}

این چنین تبعیض‌های جنسیتی این شک را در افراد به وجود می‌آورد که آیا این اصول، مورد تایید خداوند هستند یا خیر. طول عمر، صرف نظر از جنسیت مخلوقات توسط خداوند تعیین می‌شود و در نتیجه همانطور که در قرآن هم ذکر شده هیچ مخلوقی نباید قدرتی را بالاتر از قدرت خداوند بداند. به علاوه حقیقت این است که گاهی اوقات مردان زودتر از زنان می‌میرند و گاهی اوقات، بالعکس. بنابراین تبعیض قائل شدن بین جنسیت‌های مختلف درخصوص طول عمر، امری کاملاً بی پایه و اساس است.

۴. شرکت تکافل مالزی در پیشبرد اهداف تکافل به تازگی پوشش تکافل اتکایی را از طریق دو سیستم راه اندازی نموده است: سیستم قراردادی و سیستم اختیاری. پوشش از طریق سیستم اختیاری در دو دسته از شرکت‌های بیمه‌ی اتکایی

صورت می‌گیرد؛ یکی از این شرکت‌ها شرکت بیمه‌ی اتکایی محلی است که طبق اصول سستی فعالیت می‌کند و دیگری، گروه تکافل آستان (ATG) و شرکت بین‌المللی تکافل اتکایی آستان (ARIL)^{۴۳} است که طبق سیستم اختیاری و شرعی عمل می‌نماید. پوشش از طریق سیستم قراردادی از کارگزاران مربوطه در سطوح بین‌الملل گرفته می‌شود. این کارگزاران، قراردادهای تکافل شرکت تکافل مالزی را از موسسات بیمه‌ی اتکایی سستی و اسلامی تهیه می‌کنند.

شرکت تکافل مالزی، موسسه‌ی بین‌المللی تکافل اتکایی آستان را تحت قوانین متمم بیمه‌ی ۱۹۹۰ تأسیس نمود. این متمم که در تاریخ ۱۷ می ۱۹۹۷^{۴۴} ایجاد شد، در هر دو سیستم قراردادی و اختیاری از بیمه‌گران اتکایی پوشش می‌گیرد و بر اساس اصول سستی فعالیت می‌کند. شرکت تکافل مالزی در همه‌ی دوره‌ها شرکتی بوده که به استناد ماده‌ی ۲ قانون ۱۹۸۴ تکافل طبق اصول شرعی فعالیت نموده است. چگونه شرکت بیمه‌ی اسلامی‌ای چون شرکت تکافل مالزی که از موسسات بیمه‌ی اتکایی پوشش می‌گیرد می‌تواند بر اساس اصول سستی عمل کند؟ توجیه، این است که اگر شرکت تکافل مالزی به دریافت پوشش از بیمه‌گران اتکایی ادامه دهد، اختلاف زیادی با هدف اصلی فعالیت‌های تکافل ایجاد خواهد کرد.

به علاوه، ایجاد همکاری متقابل بین شرکت‌های بیمه‌ی اسلامی و غیراسلامی، ترکیب درست و غلط است و جایی در تعالیم غنی اسلام و قرآن نخواهد داشت:

«و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکنموا الحق و انتم تعلمون»

«و به حقیقت لباس دروغ نبوشانید و زمانی که آن را می‌دانید،

پنهانش نکنید.»^{۴۵}

۷-۲. توصیه‌ها

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، هرچند اصول و فعالیت‌های تکافل در اقتصاد مالزی در مقایسه با سایر نقاط دنیای امروزی، پیشرفته‌تر است اما اگر بخواهیم تکافل را جایگزین

مناسبی^{۴۶} برای فعالیت‌های بیمه‌ی مدرن کنیم، باید به جنبه‌هایی از اصول و فعالیت‌های تکافل بپردازیم که هنوز جای کار دارد.

در این فصل، توصیه‌هایی ارائه شده که به توسعه‌ی هرچه بیشتر فعالیت‌ها و اصول تکافل در مالزی و دنیای اسلام امروزی کمک می‌کند.

۷-۲-۱. توصیه‌هایی در خصوص اصول تکافل

۱. هدف از داشتن اصل مهم سود بیمه، درستی بیمه نامه و مزایای آن و در عین حال، تضمین این مسئله است که بیمه نامه به عنوان ابزاری برای ثقل و سودجویی با استفاده از روش‌های مادی پیش بینی نشده استفاده نشود. از اینرو، مطابقت با اصل سود بیمه در بیمه نامه، یکی از جنبه‌های ضروری بیمه است. اما متأسفانه قانون ۱۹۸۴ تکافل هیچ بندی را مطابق با سود بیمه مطرح نکرده است که با آیات قرآنی مطابقت داشته باشد. هرچند رهنمودهای مربوط به سود بیمه در قرارداد تکافل توسط نمایندگان آن به طور شفاهی تذکر داده می‌شود، اما این تذکرات، هیچ اساس قانونی ندارد. چنین رهنمودهایی هر زمان زیر سوال می‌رود، چرا که هیچ اساس قانونی مکتوبی برای اثباتش وجود ندارد.

از این‌رو در این جا توصیه می‌شود که طبق آیات قرآن، قانون ۱۹۸۴ تکافل باید اصول جامعی را در خصوص سود بیمه در بر گیرد. در این خصوص همچنین توصیه شده که اصول کلی سود بیمه باید بر اساس اصول فرایند باشد که طبق آن، سود بیمه، دارایی بیمه شده تلقی شود و پس از مرگ وی نصیب کسانی شود که طبق اصول فرایند نسبت به دارایی‌اش حق داشته باشند.

۲. هرچند معامله‌ی بیمه بر اساس اصول قرارداد است اما ماهیت آن متفاوت از سایر قراردادهای تجاری است. علت نیز این است که قرارداد بیمه برای تسهیم مسئولیت حفظ امنیت در برابر خطرات پیش بینی نشده‌ی جانی و مالی طراحی شده است. بنابراین هر کس در این دنیا زندگی کند و حتی جنین در رحم مادر که روح در او دمیده شده باشد نیز در خطر است، اما این خطر برای افراد مختلف، متفاوت است.

این به هیچ وجه عادلانه نیست که تنها بزرگسالان را در خطر بدانیم و خطرات سر راه کودکان خردسال و جنین در رحم مادر را نادیده بگیریم. علت نیز این است که نوزادان، به ویژه در خصوص خوراک، پوشاک، مسکن، درمان و تحصیلات و جنین از نظر سلامت و امنیت در خطرند. طبق نکات فوق، موارد زیر توصیه می‌شوند:

الف. ماده‌ی ۶۴ قانون ۱۹۸۴ تکافل که حداقل سن خرید بیمه را ۱۸ سالگی می‌داند باید اصلاح شود. در حقیقت هیچ توجیه شرعی برای تعیین ۱۸ سالگی برای خرید بیمه وجود ندارد. مکتب قانون اسلامی شافعی که در مالزی اجرا می‌شود، این را قبول ندارد و از این رو به نظر می‌رسد که قانون تکافل جدای از مکتب فقه شافعی عمل می‌کند. ب. قانون ۱۹۸۴ تکافل باید حداقل سن افراد برای خرید تکافل را طبق اصول مکتب شافعی تغییر دهد.

ج. از آنجا که اکثریت علما از جمله امام شافعی در این دیدگاه مشترکند که سن رشد دختر و پسر، ۱۵ سالگی است، توصیه می‌شود که وقتی فرد علیرغم سن و جنسیت، زمانی که به سن ۱۵ سالگی می‌رسد بتواند بیمه بخرد یا بدون نیاز به حضور سرپرست، بیمه نامه به وی تعلق گیرد.

د. افراد صغیر زیر ۱۵ سال که درک کاملی از قرارداد بیمه و اهمیت آن دارند می‌توانند با نظارت سرپرست و تایید منفعت بیمه برای آنان، تکافل را خریداری کنند. هـ. اگر کودک زیر ۱۵ سال، درک درستی از بیمه نداشته باشد اما ثابت شود که قرارداد بیمه به نفع اوست، والدین یا سرپرست وی می‌توانند به نام او بیمه را خریداری کنند. حق بیمه‌ی پرداختی به شرکت یا از مال خود کودک است و یا از اموال و دارایی‌های سرپرستش که بیمه را به عنوان هبه به او تقدیم می‌کند.

ی. درخصوص جنین نیز، زمانی که در رحم مادر شکل بگیرد و روح در او دمیده شود، سرپرست او می‌تواند با هزینه‌ی خود برای او بیمه تهیه کند تا او را به ویژه از خطرات درمانی محافظت نماید. هزینه‌ی پرداختی به عنوان حق بیمه باید هبه به نفع جنین تلقی شود.

۳. در فعالیت‌های بیمه، وکیل و کارگزار نقش ترویج کننده‌ی محصولات را ایفا می‌کنند. بر اساس قانون ۱۹۸۴ تکافل در مالزی توصیه می‌شود که عاملان

تکافل، وکلا و کارگزاران باسابقه‌ای را به کار بگمارند که در جهت رشد و توسعه‌ی فعالیت‌های تکافل عمل نمایند.

۴. قانون ۱۹۸۴ تکافل هیچ ماده‌ای را در خود ندارد که نشان دهد فعالیت تکافل بر اساس امور مالی مضاربه باشد که جایگزینی برای فعالیت‌های بیمه‌ی ربا-محور محسوب می‌شود. هرچند در عمل، مبادلات تکافل بر اساس اصول وکالت، تبرع و مضاربه عمل می‌کنند. از این رو توصیه می‌شود که قانون تکافل باید مفادی درخصوص این موارد در بر گیرد تا شبهه‌های موجود درباره‌ی اساس مضارب‌های تکافل از بین برود.

۲-۲-۷. توصیه‌هایی در خصوص فعالیت‌های تکافل

۱. تبرع، معنای مشابه^{۴۷} و عواقب قانونی یکسانی چون صدقه، هبه و خیرات دارد که هر سه معنای خیرات را در بر می‌گیرد. زمانی که فرد چیزی را به عنوان خیرات به شخصی دیگری واگذار کند، دیگر حقی نسبت به آن ندارد^{۴۸}. هنگامی که حق بیمه‌ی پرداختی در بیمه‌نامه‌ی عام حکم تبرع داشته باشد، با اصول اولیه‌ی بیمه و قوانین اسلامی خیریه در تضاد خواهد بود.

از این رو توصیه می‌شود که حق بیمه‌ی پرداختی در تکافل عام به جای تبرع، جنبه‌ی سهمیه داشته باشد. علت این امر این است که اگر حق بیمه در بیمه‌نامه‌ی عام، حکم سهمیه داشته باشد، بیمه شده در درخواست ضرر و زیان بیمه مشکلی نخواهد داشت. به علاوه در احکام شرعی، در درخواست ضرر از بیمه در ازای حق بیمه‌ی پرداختی ممنوعیتی وجود ندارد و ایجاد این چنین بودجه‌ی مشارکتی در احکام قرآنی توصیه شده است:

«و تعاونوا علی البر و التقوی»

«به یکدیگر در درستی و تقوی یاری رسانید»^{۴۹}

۲. فعالیت حاضر عاملان تکافل در مالزی بر این قرار است که نماینده‌ی تعیین شده توسط بیمه شده‌ی غیرمسلمان باید به عنوان ذی‌نفع تام بیمه‌نامه^{۵۰} در نظر گرفته

شود. این امر با روح اصلی فعالیت‌های تکافل که در ماده‌ی ۲ قانون ۱۹۸۴ تکافل آمده در تضاد خواهد بود که می‌گوید هیچ یک از عوامل تکافل نباید با اصول شرعی در تعارض باشد. غیرمسلمان بودن، توجیهی برای این امر نیست که با نمایندگی قرارداد مانند ذی‌نفع تام برخورد شود بلکه وی وظیفه دارد اموال متوفی را بین ورثه تقسیم نماید. این فرد تنها وظیفه دارد درباره‌ی اموال متوفی و تقسیم آن قضاوت کند.

از این رو توصیه می‌شود که چون تکافل، موسسه‌ای است که تحت نظر اصول شرعی ایجاد شده نباید با این اصول در تضاد باشد. بنابراین، نماینده در تکافل خانواده، گذشته از مذهب و آیینی که دارد، تنها متولی قرارداد است و باید مزایای بیمه را دریافت نموده، آن را بر اساس اصول میراث اسلامی بین ورثه تقسیم نماید. چرا که اگر شرکت بیمه خود را به چنین استثناهایی (از قبیل برخورد با نماینده‌ی بیمه شدگان غیرمسلمان به عنوان ذی‌نفع تام) متقاعد کند، برخلاف اصول شرعی عمل کرده است و توجیهی برای این مسئله وجود ندارد که برخی از اصول را رعایت کند و برخی دیگر را نادیده بگیرد. این کار، طبق آیات الهی، جایی در تعالیم شرعی ندارد:

«اقتومنون ببعض الكتاب و تكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم الا خزی فی الحياه الدنيا و يوم القیامه یردون الی اشد العذاب و ما الله بغافل عما تعملون»

«چرا به برخی از احکام کتاب ایمان آورده و به بعضی دیگر کافر می‌شوید، پس سزای چنین مردم بدکار چیست به جز خواری و ذلت در زندگی این جهان و سخت ترین عذاب در روز قیامت و خدا غافل از کردار شما نیست.»^{۵۱}

۳. در معاملات مالی، جایی برای تبعیض جنسیتی وجود ندارد. تعیین حق بیمه‌ی کمتر و تخصیص مقرری بیشتر برای زنان تنها به این دلیل که طول عمر مردان از زنان کمتر است، اقدامی ناعادلانه از سوی عاملان تکافل در مالزی است. این به این خاطر است که در تعالیم اسلام، تبعیض جنسیتی و نژادی در معاملات مالی جایی ندارد. آیه‌ی قرآنی زیر، توجیهی بر این امر است:

«يا ايها الذين آمنوا لا يسخر قوم من قوم عسى ان يكونوا خيرا منهم ولا نساء عسى عن يكن خيرا منهن»
 «ای اهل ایمان و مومنان هرگز نباید قومی قوم دیگر را مسخره و استهزا کنند شاید آن قوم که مسخره می‌کنید بهترین مومنان باشند و نیز بین زنان با ایمان آن قوم را سخریه نکنند که بسا آن قوم بهترین آن زنانند.»^{۵۲}

به علاوه مخلوقات خدا نمی‌توانند به سادگی طول عمر را تعیین کنند، چرا که این گونه مسائل در حیطه‌ی قدرت خداوند است و توسط آیه‌ی قرآنی زیر تصدیق شده است:

«و ما كان لنفس ان تموت الا باذن الله كتابا موجلاً»
 «و هیچ مخلوقی بی اذن خدا نمی‌میرد، همانا کتاب اجل در دستان خداست.»^{۵۳}

از این رو، تعیین طول عمر و تبعیض قائل شدن بین افراد بر این اساس از سوی عاملان بیمه امری بی پایه و اساس است.

بنابراین توصیه می‌شود که عاملان تکافل درباره‌ی طول عمر افراد قضاوت نکنند و در تعیین حق بیمه و مقرری سالیانه بین مردان و زنان تبعیض قائل نشوند. بلکه باید صرف نظر از جنسیت افراد در تعیین چنین مواردی اقدام نمایند.

۴. عاملان تکافل در مالزی نباید به دنبال دریافت پوشش از بیمه‌گران اتکایی سیستم سنتی باشند چرا که تکافل بر اساس اصول شرعی قرار دارد و نباید به این سادگی خود را به نظامی بسپارد که کاملاً خلاف این اصول عمل می‌کند. توجیه این مسئله نیز این است که قرآن کریم صراحتاً قید کرده که نباید با غیرمسلمانان همکاری کنند و از آنان یاری بخواهند.^{۵۴} خداوند می‌فرماید:

«لا يتخذ المومنون الكافرين اولياء من دون المومنين و من يفعل ذلک فليس من الله فی شیئ الا ان تتقوا منهم تقاه و يحذرکم الله نفسه و الی الله مصیر»

«نباید اهل ایمان، مومنان را وا گذاشته و کافران را دوست
گزینند و هرکه چنین کند رابطه‌ی او با خدا مقطوع است مگر
برای در حذر بودن از شر آنها و خدا شما را از عقاب خود
می‌ترساند و بدانید که بازگشت همه به سوی خدا خواهد
بود.»^{۵۵}

همین‌طور اینجا توصیه شده که:

(الف) عاملان تکافل در مالزی به دنبال پوشش بیمه از شرکت‌هایی نباشند که
فعالیتشان حول اصول غیرشرعی است.

(ب) عاملان تکافل به دنبال پوشش بیمه‌ی اتکایی از شرکت‌های تکافل دیگری باشند
که بر اساس اصول شرعی عمل می‌کنند.

(ج) کشورهای مسلمان نشین در دنیای معاصر به دنبال ایجاد شرکت‌های بیمه‌ی
اتکایی مورد تایید اصول شرع در حوزه‌ی محلی و بین المللی هستند. شرکت‌های بیمه‌ی
اتکایی متعددی تاسیس شده که بر اساس اصول شرع فعالیت می‌کنند و برخی از آنها
عبارتند از: شرکت تکافل و تکافل اتکایی اسلامی (باهاماس)، شرکت بین المللی تکافل
اتکایی آستان (مالزی)، شرکت بیمه و بیمه‌ی اتکایی اسلامی (IIRCO) (عربستان سعودی)،
شرکت تکافل و تکافل اتکایی اسلامی (ITRCO) (عربستان سعودی)، شرکت تکافل
اتکایی دریایی نیچیکو توکیو (سنگاپور)، بیمه‌ی اتکایی ملی سعودی (NRICO) (سودان)،
بیمه یاتکایی سعودی BEIT Iadaat Ettamine Tounsi (تونس) و ARIG (دوبی). این تنوع شرکتی، بیمه‌گران اسلامی سراسر دنیا و مالزی را قادر به دریافت
پوشش بیمه‌ی اتکایی از سیستم‌های قراردادی و اختیاری می‌سازد بی‌آن‌که نیازی به تکیه
به شرکت‌های بیمه‌ی سنتی باشد.

۷-۳. نتیجه‌گیری

مالزی، کشوری برجسته در اقتصاد اسلامی معاصر است که در زمینه‌ی تکافل، فعالیت‌های
جامعی داشته است. اما علیرغم این جایگاه، باز هم در هر دو زمینه‌ی نظری و عملی،
جای کار دارد و می‌تواند جایگزین فعالیت‌های بیمه‌ی سنتی شود. همچنین این سیستم

تکافل، علاوه بر جامعه‌ی مالزی می‌تواند انتظارات امت مسلمان سایر نقاط جهان را نیز برآورده کند.

امید است که توصیه‌های این فصل در خصوص توسعه‌ی بیشتر تکافل، به جایگاه نظری و عملی آن کمک کند تا بتواند روز به روز بدون تکیه بر بیمه‌ی سستی، در جلب نظر امت مسلمان سراسر دنیا موفق‌تر از پیش عمل نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. احمد، س و سیم، "بیمه‌ی اسلامی در مالزی، عارف، مهد در بخش خصوصی مسلمانان در جنوب شرقی آسیا، (سنگاپور: موسسه‌ی مطالعات جنوب شرق آسیا، ۱۹۹۱) ص ۱۸۷
۲. رجوع شود به مفاهیم و نظام عملیاتی تکافل (بیمه‌ی اسلامی) از دیدگاه افراد متخصص، برت، کوالالامپور، ۱۹۹۶، ص ۲
۳. به طور مثال تحت قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶
۴. رجوع شود به هوکر، بری، "فتوا در مالزی: ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۵، سومین سخنرانی کولسون" (۱۹۹۳) هفته‌نامه‌ی قانون عرب، ۹۳ ص ۹۹
۵. رجوع شود به نیک راماله محمود، قانون بیمه در مالزی، ص ۲۴۴، همچنین رجوع شود به "پیشینه‌ی تاسیس تکافل در مالزی" ص ۱
۶. رجوع شود به هوکر، بری، "فتوا در مالزی، ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۵" ص ۹۹
۷. همان منبع
۸. مفاهیم و نظام عملیاتی تکافل از دیدگاه متخصصان، ص ۲
۹. برای درک بهتر رجوع شود به یوسف، م فضلی، "چکیده‌ی مفاهیم و سیستم کاری تکفل" مقاله‌ی ارائه شده در نشست بین‌المللی بانکداری و اقتصاد اسلامی در دوبی. در تاریخ ۱۰-۱۳ نوامبر ۱۹۹۶، ص ۴۴۸-۴۵۷
۱۰. ابراهیم، احمد، "اداره‌ی موسسات مالی اسلامی" در مجله‌ی قانونی سیاریه، جلد ۷، ۱۹۹۱، ص ۱۳ تا ۱۹
۱۱. ماده‌ی ۲ قانون تکافل ۱۹۸۴
۱۲. ماده‌ی ۱۱(۱) قانون تکافل ۱۹۸۴
۱۳. یوسف، مهد فضلی، "خلاصه‌ی مفاهیم و سیستم‌های عملیاتی تکافل" (۱۹۹۶) ص ۷ تا ۹
۱۴. رجوع شود به قوانین هیئت نظارتی شریعت، سودان، منبع قبل، ص ۳۷، همچنین رجوع شود به نقد آقای امتیاز پرویز در رای فدرال شریعت در خصوص ربا. (لاهور، انتشارات پی ال دی، ۱۹۹۲) ص ۶۹
۱۵. نیک راماله محمود، "تکافل: سیستم اسلامی بیمه‌ی مشترک، تجربه‌ی مالزی" در هفته‌نامه‌ی قانون عرب، جلد ۶، ص ۲۸۰ تا ۲۸۲
۱۶. ماده‌ی ۶۴ قانون تکافل ۱۹۸۴

۱۷. ابراهیم، احمد، "سیستم تکافل در مالزی" مقاله‌ی ارائه شده در سمینار بیمه‌ی ۱۸ اکتبر ۱۹۸۳ (منتشر نشده) ص ۹، همچنین رجوع شود به راشد س ک "اسلامی سازی بیمه، تجربه‌ی قانونی دینی در مالزی" ص ۱۶ تا ۲۹
۱۸. ماده‌ی ۸(۵)(ب) قانون تکافل ۱۹۸۴
۱۹. همچنین رجوع شود به گودا عبدالستار، "الرغبة الشریعة فی البنوک الاسلامیه" مقاله‌ی ارائه شده در سمینار بین‌المللی لایوان درباره‌ی تکافل، برگزار شده در ژوئن ۱۹۹۷، هتل شرایتون لیوان، ص ۲
۲۰. ماده‌ی ۱۸(۵) قانون تکافل ۱۹۸۴
۲۱. ماده‌ی ۲۸ قانون تکافل ۱۹۸۴
۲۲. ماده‌ی ۲۶ قانون تکافل ۱۹۸۴
۲۳. رجوع شود به یوسف، مهد فضل، "خلاصه‌ی مفاهیم و سیستم‌های عملیاتی تکافل" (۱۹۹۶) ص ۷ تا ۱۵
۲۴. رجوع شود به قضاوت‌های اسماعیل بن رنتاه، متوفی (۱۹۴۰) ۹۸؛ هدایت الله رحیمان ۱۹۳۵ سند ۷۳. امت الحبيب مسرت پروین (۱۹۷۴) ۱۸۵؛ همچنین رجوع شود به فتوای ارث و وصیت (۱۹۷۴)
۲۵. "تقاضای حضور در برنامه‌ی تکافل خانواده و تحصیلات" تکافل سیاریکات مالزی. ص ۳
۲۶. همان منبع
۲۷. مراجعه شود به شفیع الله غلام جبار (۱۹۵۵)؛ همچنین به عبدالله بن محمود، الاختیار لتلیل المختار، قاهره، جلد ۳. ص ۵۳. همچنین رجوع شود به سنت رسول الله: عن ابن عباس قال: قال رسول الله ص العائد فی الهبة کالکلب یعود فی قیثه لیس لنا مثال السوء نقل است از ابن عباس که پیامبر اکرم (صلی‌آله‌علیه و آله) فرمود: کسی که هبه‌ی خود را بازپس گیرد مانند سگی است که بالاآورده‌ی خود را بخورد و کاری شیطانی است.
۲۸. رجوع شود به تقاضانامه‌ی برنامه‌ی تکافل خانواده، ص ۳
۲۹. "افتتاح نخستین شرکت بیمه‌ی اسلامی قطر" در بانک اسلامی، ژولای ۱۹۹۵، ص ۵
۳۰. ماده‌ی ۲ قانون تکافل ۱۹۸۴
۳۱. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۲
۳۲. مورد تایید تعالیم الهی. همچنین رجوع شود به سوره‌ی نسا آیه‌ی ۶
۳۳. هدایا، ص ۵۲۹

۳۴. ابن قداما، المغنی، جلد ۴، ص ۴۶۱
۳۵. هدایا، ص ۵۲۹ و ۵۳۰
۳۶. همان منبع، ص ۵۲۹
۳۷. مادهی ۸۸(۱) قانون مدنی کویت ۱۹۸۰
۳۸. رجوع شود به فصل ۶
۳۹. مشکلات المصاییح، کریم (ترجمه) فصل ۲۲، ش ۱۸، ص ۳۱۶
۴۰. مادهی ۲ قانون ۱۹۸۴ تکافل
۴۱. سورهی العمران، آیهی ۱۴۵،
۴۲. باکر، م. د. عظمی ابو، "برنامهی تکافل خانواده: مفاهیم، فعالیت‌ها و پشتیبانی" در تکافل (بیمه‌ی اسلامی" ص ۲۷
۴۳. یوسف، م فضلی، "تحلیل پیشرفت و موفقیت جهانی تکافل" مقاله‌ی ارائه شده در سمینار بین المللی لابوآن درخصوص تکافل (بیمه‌ی اسلامی) محل برگزاری: هتل شرایتون لابوآن، در تاریخ ۱۹ و ۲۰ ژوئن ۱۹۷۷، ص ۵ و ۶
۴۴. "متمم تکافل در لبوآن" در مجله‌ی سان (مالزی) ۵ ژولای ۱۹۷۷، ص ۴ (تجارت و خانه)
۴۵. سورهی البقره، آیهی ۴۲،
۴۶. برای درک بهتر رجوع شود به الحبشی، س عثمان، "تکافل: جایگزین مناسبی برای اقتصاد معاصر" مقاله‌ی ارائه شده در سمینار بین‌المللی لبوآن درباره‌ی تکافل (بیمه‌ی اسلامی) برگزار شده در هتل شرایتون لبوآن، ۱۹ و ۲۰ ژوئن ۱۹۹۷. ص ۱
۴۷. رجوع شود به فصل ۶
۴۸. به احادیث پیامبر رجوع شود: عن ابن عمر و ابن عباس ان نبی ص قال لا یحل للرجل ان یعطی عطیه ثم یرجع فیها. نقل است از ابن عمر و ابن عباس که پیامبر (صلی‌آله‌علیه‌وآله) فرمود: پسندیده نیست که فردی هدیه‌ای به کسی بدهد و آن را بازپس گیرد
۴۹. سورهی المائده، آیهی ۲
۵۰. همچنین رجوع شود به مادهی ۱۶۶(۲) قانون بیمه‌ی ۱۹۹۶
۵۱. سورهی المائده، آیهی ۱۲
۵۲. سورهی الحجرات، آیهی ۱۱
۵۳. سورهی آل عمران، آیهی ۴۵

۵۴. بیمه‌گران اتکایی سستی فعالیت‌شان را بر اساس افکار کافران بنا می‌کنند از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت که بیمه‌ی اتکایی سستی، حاصل کار بی‌ایمانان است.
۵۵. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۲۸



دیدگاه‌های نهایی

مقدمه

قانون غیر مدون و قانون اسلامی شروط و رهنمودهای لازم در مورد اصول و کاربرد بیمه را ارائه می‌دهند، اما هر دو نظام قانونی در خط مشی رقابتی خاص خود وجود دارند. کتاب حاضر تنها به بررسی اصول و کاربرد بیمه در هر دو نظام قانونی پرداخته، و می‌کوشد تفاوت‌های حقیقی موجود میان این دو نظام را کشف کند.

فصل نهایی این کتاب با ارائه خلاصه‌ای از تفاوت‌های موجود میان قانون غیر مدون و قانون اسلامی در خصوص بیمه، جدولی از تفاوت‌های موجود برای نشان دادن اختلافات حقیقی به صورت اجمالی، پیشنهادات و توصیه‌هایی برای توسعه بیشتر فعالیت‌های بیمه هم بر اساس قانون غیر مدون و هم بر اساس قانون اسلامی، و آرمان اسلامی سازی فعالیت‌های بیمه‌ای در جهان امروز به منظور برآوردن انتظارات امت، و بر اساس قوانین شریعت، به نتیجه گیری می‌پردازد.

۸-۱ خلاصه اصول نظری و عملی تکافل

ریشه فعالیت‌های بیمه‌ای به پیش از ظهور اسلام، و حتی پیش از تولد پیامبر اسلام (ﷺ) در ۵۷۰ پس از میلاد بازمی‌گردد. بیمه به صورت اصل عاقله میان قبایل عرب بدوی رواج داشت. بعدها، در پی ظهور اسلام، پیامبر اکرم (ﷺ) در یکی از قضاوت‌های خود درمورد زنی از قبیله هزیل، اصل عاقله را رسماً تأیید نمود. سپس در زمان خلافت خلیفه دوم، این اصل بیشتر به رسمیت شناخته شده و به مورد اجرا گذاشته شد.

ایده اصلی و جوهر قانونی فعالیت‌های بیمه توجیه پذیر با اصول شریعت، آن‌گونه که امروز می‌بینیم، اولین بار توسط وکیل حنفی، ابن عابدین در اوایل قرن نوزدهم میلادی مطرح شد.^۱ نتیجه آن‌که امروز شاهد فعالیت بیش از ۲۰ شرکت بیمه، بر اساس اصول شریعت در سراسر جهان هستیم. منابع قانون بیمه اسلامی عبارتند از: قرآن کریم، سنت پیامبر (ﷺ)، اجتهاد، منابع قیاسی، اصل مصالح المرسله، فقه و نوشتارهای مرتبط، نظامنامه‌ها، دعوی‌های اقامه شده، احکام دادگاهی، قواعد و دیدگاه‌های حقوقی (فتوا). به عبارت دیگر، اصول بیمه‌ی قانون اسلامی، پیرو تأیید اصول الهی شریعت است. اساس عملکرد بیمه اسلامی، اصل الهی همکاری متقابل، همبستگی، و برادری است. مبنای عملکرد آن اصل سرمایه‌گذاری به شیوه مضاربه، یعنی مشارکت در سود و زیان است؛ این اصل جایگزینی برای سرمایه‌گذاری بهره (ربا) محور است.

به رغم وجود توجیه کافی برای فعالیت بیمه براساس اصول شریعت، دانشمندان مسلمان در این خصوص دچار اختلاف دیدگاه هستند. این دانشمندان به سه گروه عمده، با دیدگاه‌های خاص موافق و مخالف خود در مورد اعتبار فعالیت بیمه، تقسیم می‌شوند. گروه اول معتقد است که کلیه فعالیت‌های بیمه مشروع و معتبر است، مشروط بر آن‌که مشتمل بر عنصر ربا نباشد.^۲ گروه دوم اعتبار فعالیت بیمه همگانی را می‌پذیرد، اما مشروعیت فعالیت بیمه عمر را کاملاً رد می‌کند.^۳ گروه سوم مشروعیت و اعتبار فعالیت‌های بیمه را کاملاً رد می‌کند.^۴ متأسفانه اساس رد ایده فعالیت بیمه از سوی گروهی از علما، بر رد این‌گونه فعالیت‌ها بر اساس نظام متعارف، استوار است. آنها نباید در مورد

این نکته فعل‌پذیر باشند؛ بلکه باید راه حلی جایگزین و توجیه‌پذیر بر اساس اصول شریعت بیابند، تا امت مسلمان دچار مشکل نشود.

بر اساس قانون اسلامی، حداقل سن خرید قرارداد بیمه برای زنان و مردان ۱۵ سال تمام است. البته در فصل چهارم، با اشاره به دیدگاه مقامات اجرایی توضیح داده شده است که صغیر یا کودک زیر ۱۵ سال از امکان خرید قرارداد بیمه برای حفاظت از جان و مال خود برخوردار است، مشروط بر آن‌که قرارداد تحت نظارت قیم وی تنظیم و اجرا شود. همچنین در فصل چهارم پیشنهاد شده است که بنابر دیدگاهی بشردوستانه، جنین زنده (دارای روح) داخل رحم نیز باید تحت حمایت قرارداد بیمه (خصوصاً برای مراقبت‌های پزشکی) قرار گیرد.

تنها مبنای تعیین سود قابل بیمه در قرارداد بر اساس قانون اسلامی، اصول کلی فرائض است. بنابراین مالک اسمی در قرارداد بیمه عمر تنها معتمد و متولی محسوب می‌شود، و بهره‌ور مطلق قرارداد نیست؛ بر اساس قرارداد وی موظف است که منافع قرارداد را دریافت داشته و بر اساس اصول فرائض میان افراد ذی‌نفع به حق، توزیع نماید. بر اساس قانون اسلامی، تحت هیچ شرایطی حق بیمه‌های پرداختی به عنوان غرامت بازگردانده نمی‌شود. چرا که اگر بیمه‌گذار مرتکب جرمی شود یا اصل حسن نیت را زیر پا بگذارد، مجازات قانونی شامل حال وی می‌شود، اما این مجازات شامل پرداخت حق بیمه‌های پیشین به عنوان غرامت نیست. بنابراین حق بیمه از محل اموال بیمه‌گذار پرداخت شده و به عنوان پس‌انداز وی در معامله‌ای تجاری تلقی می‌شود.

به علاوه کتاب حاضر تأکید می‌کند که در قانون اسلامی، بهره‌ور قرارداد بیمه حق ندارد کل مبلغ ذکر شده در قرارداد را ادعا کند، مبالغ مجاز مورد ادعا عبارتند از: کل مبلغ حق بیمه‌های پرداختی؛ سهمی از منافع و سود مشارکت و سهام بر اساس سیاست شرکت؛ و مبلغی از صندوق خیریه شرکت، که میزان آن به شرایط مالی بهره‌ور بستگی دارد.

در فصل ۶ گفته شده است که در قراردادهای بیمه همگانی، مبالغ یا حق بیمه‌های پرداختی تبرع (هبه) محسوب نمی‌شود، بلکه مسامحه (حق مشارکت) است، بنابراین قرارداد بیمه همگانی مغایرتی با آموزه‌های اساسی قانون اسلامی ندارد.

در قانون اسلامی، قربانی یا بیمه گذار بر مبنای هیچ توجیهی نمی‌تواند در برابر بروز خطر، تقاضای میلیون‌ها دلار خسارت کند. مبلغ مورد ادعا باید منطقی یا موجه باشد، تا مغایرتی با اهداف اصلی بیمه؛ یعنی همکاری متقابل، همبستگی و برادری، نداشته باشد. و سرانجام آن‌که چگونگی عملکرد صنعت تکافل در مالزی بسیار پیشرفته‌تر از کشورهای دیگر جهان است. تبدیل تکافل به نهاد مالی جایگزین و رقیب فعالیت‌های بیمه متداول، جنبه‌های بسیاری دارد که نیازمند توسعه است. در فصل ۷ پیشنهاداتی برای گسترش روند توسعه تکافل مطرح شده است.

۸-۲ خلاصه اصول نظری و عملی بیمه

شالوده فعالیت‌های بیمه اختیار شده در قانون غیرمدون، در جامعه باستانی بابل در فاصله سال‌های ۴۰۰۰-۳۰۰۰ پیش از میلاد و با انعقاد قراردادهای رهن تعهد پی ریزی شد. رهن تعهد اساساً بر عنصر ربا استوار بود.^۵ از زمان آغاز فعالیت بیمه از طریق قرارداد رهن تعهد، این قراردادها همواره بر محور بهره استوار بوده است؛ در تاریخ کاربرد قانون غیر مدون در بیمه تا به امروز، هیچ مدرکی دال بر تلاش برای حذف عناصر ربا از فعالیت‌های بیمه مشاهده نشده است.

منابع اصلی بیمه در قانون غیر مدون عبارتند از سوابق قضایی (قوانین بر آمده از دعوی‌های مطرح شده)، مصوبات نظامنامه‌ای مرتبط یا قوانین مجلس، سنت‌ها، نوشتارهای مربوطه و سرانجام قوانین مربوط به قرارداد و مسئولیت.

از هنگام آغاز فعالیت بیمه از طریق قرارداد رهن تعهد تاکنون، مدرکی دال بر مخالفت با فعالیت‌های بیمه یافت نشده است. تنها نکته‌ای که به نوعی مخالفت محسوب می‌شود این حقیقت است که پیش از معرفی قرارداد رهن تعهد در جوامع ابتدایی روستایی بابل، بابلیان نخستین با ایده بیمه مخالفت می‌کردند، چرا که در صورت مواجهه با خطر، قبیله و خانواده همواره از آنها حمایت می‌کردند.^۶

بر اساس قانون غیر مدون، حداقل سن خرید قرارداد بیمه ۱۶ سال است، اما صغیر ۱۰-۱۶ ساله نیز در صورت ارائه رضایتنامه کتبی قیم یا والد، می‌تواند وارد این قرارداد شود.^۷ مالک اسمی در قرارداد بیمه عمر، پس از مرگ بیمه‌گذار بهره‌ور مطلق منافع قرارداد

محسوب می‌شود.^۸ براساس قانون غیر مدون، کارگزار بیمه از سوی عامل بیمه منصوب می‌شود و منافع وی عموماً از محل حق بیمه‌های پرداختی بیمه‌گذار (با درصدی تعیین شده) تأمین می‌شود.

قرارداد فاقد سود قابل بیمه، مانند قمار است.^۹ بنابراین در قرارداد بیمه عمر، سود قابل بیمه به اشخاص خاصی واگذار می‌شود؛ یعنی خود بیمه‌گذار، همسر، فرزندان صغیر، مستخدم و غیره.^{۱۰}

تا آنجا که به اصل پایبندی به حسن نیت مربوط می‌شود، و بر اساس اصول قانون غیر مدون، طرفین قرارداد موظفند حقایق مادی و دیگر موضوعات مؤثر بر قرارداد را به روشنی بیان و کاملاً آشکار سازند. بیان روشن و آشکارسازی کامل حقایق مادی یا موضوعات دیگر، شامل موارد اخلاقی، جسمی یا هر دو مورد می‌شود؛ عدم آشکارسازی حقایق مادی یا موضوعات دیگر، موجب ابطال ارزش قانونی قرارداد از ابتدای امر می‌شود.^{۱۱}

بیمه‌گذار بر اساس وظیفه قراردادی خود، باید حق بیمه را به صورت منظم و برحسب شرایط قرارداد، پرداخت نماید، اما در صورت نقض اصل حسن نیت از سوی وی، حق بیمه‌های پرداختی (به عنوان غرامت فسخ قرارداد) به او مسترد خواهد شد. در قرارداد بیمه عمر براساس قانون غیر مدون، بهره‌ور بیمه‌گذار حق دارد پس از بروز خطر در خصوص موضوع قرارداد، کل مبلغ مورد توافق در قرارداد را ادعا کند؛ این ادعا در صورتی معتبر است که خطر وارد بر موضوع قرارداد در فاصله زمانی پس از شروع اعتبار و پیش از سررسید آن رخ دهد.

در مواردی دادگاه‌های قضایی با محوریت قانون غیر مدون، با تشخیص نامحدود بودن آسیب وارده، رأی بر پرداخت میلیون‌ها دلار خسارت صادر کرده‌اند. به نظر می‌رسد در صدور چنین آرائی، دادگاه تنها قربانی را در نظر می‌گیرد، اما به این حقیقت توجه نمی‌کند که صدور این رای منجر به پیدایش قربانی دیگری هم می‌شود (یعنی عامل بیمه ورشکست می‌شود). چنین حکمی برای عامل بیمه دور از عدالت و غیر منصفانه است. رأی عدم محدودیت آسیب وارده، هدف اصلی فعالیت بیمه، یعنی تداوم همکاری متقابل میان طرفین را مخدوش می‌کند. بنابراین در کتاب حاضر پیشنهاد شده است که اگر قربانی

خاصی بر وارد آمدن خسارات نامحدود تأکید دارد، نباید تنها بر یک عامل بیمه تکیه کند، بلکه باید چندین قرارداد بیمه منعقد نماید تا از حمایت کافی برخوردار شود. به علاوه پیشنهاد دیگر کتاب حاضر، اعمال محدودیت بر اختیار دادگاه‌ها برای صدور حکم آسیب نامحدود است، تا بدین ترتیب دادگاه بدون تعصب بیشتر یا تشویق افراد به کسب سود غیرقانونی، با قضاوتی عادلانه قدم در راه حمایت از جامعه بردارد.

۸-۳ خلاصه تفاوت‌ها

هدف اصلی پی گیری شده در تمام بخش‌های این کتاب، تحلیل نمودهای تفاوت‌های موجود میان قانون غیر مدون و تفکر قانونی اسلامی در زمینه شیوه‌های سرمایه‌گذاری متقابل در بیمه است. در این بخش می‌کوشیم با جمع بندی این تفاوت‌ها، به دلیل واقعی پافشاری هردو نظام قانونی بر جایگاه رقابتی خود، دست یابیم. خلاصه تفاوت‌های موجود به شرح زیر است:

۱. محور فعالیت‌های بیمه در قانون غیر مدون عناصر بهره (ربا) است، اما فعالیت‌های بیمه بر اساس قانون اسلامی، فاقد هرگونه عنصر ربا است. مبنای فعالیت بیمه اسلامی، اصول سرمایه‌گذاری به شیوه مضاربه، یعنی مشارکت در سود و زیان است.
۲. منابع قانون بیمه در قانون غیر مدون عبارتند از قوانین مرتبط مجلس، رویه‌های قضایی، اصل عمل به روال همیشگی، سنت‌ها، نوشتارهای مربوطه، و اصول خاص قرارداد و مسئولیت. در مقابل، منابع قانون بیمه با محوریت آموزه‌های اسلام عبارتند از منابع کلی حقوق اسلامی؛ خصوصاً اصل مصالح المرسله، اصول عقد، مصوبات آیین‌نامه‌ای مرتبط، و پرونده‌ها و نوشتارهای مورد تأیید اصول الهی.
۳. حداقل سن ورود به قرارداد در قانون غیر مدون از ۱۰ تا ۱۶ سال، و از ۱۶ سال به بالا است. بالعکس، در فصل ۴ کتاب حاضر گفته شده است که براساس قانون اسلامی، هر زن یا مردی، پس از رسیدن به ۱۵ سال تمام می‌تواند اقدام به خرید قرارداد بیمه نماید، و صغیر زیر ۱۵ سال یا حتی جنین دارای روح باید از امکان ورود به قرارداد بیمه، با شرط نظارت کامل قیم بر قرارداد، برخوردار باشد.

۴. حقوق نمایندگان و واسطه‌های قرارداد بیمه در قانون غیر مدون، از محل حق بیمه‌های پرداختی بیمه گذار تامین می‌شود. از سوی دیگر در قانون اسلامی چنین مطرح شده است که نمایندگان و واسطه‌ها به گسترش فعالیت‌های بیمه در میان اعضای جامعه کمک می‌کنند، پس در حقیقت در خدمت گسترش کسب و کار عامل بیمه هستند. بنابراین آنها بخشی از کسب و کار عامل بیمه تلقی می‌شوند و منطق حکم می‌کند که در منافع، سود مشارکت و سود سهام شرکت بیمه سهیم باشند.

۵. مالک اسمی در قرارداد بیمه با محوریت قانون غیر مدون، بهره ور مطلق قرارداد محسوب می‌شود. بالعکس، در قانون اسلامی، مالک اسمی قرارداد تنها امین و معتمد آن است، براساس قرارداد وی وظیفه دارد که منافع قرارداد را دریافت داشته و براساس اصول فرائض^{۱۲}، میان بهره‌وران به حق بیمه گذار، توزیع نماید؛ گویی منافع این قرارداد بخشی از اموال قانونی طرف قرارداد بوده است.

۶. در قانون غیر مدون، حق بهره برداری از سود قابل بیمه تنها به اشخاص خاصی^{۱۳} نظیر همسر، فرزندان، قیم، مستخدم و غیره اعطا می‌شود. از سوی دیگر در قانون اسلامی مبنای تعیین سود قابل بیمه، اصول کلی فرائض است، به این معنا که قرارداد بیمه گذار، بخشی از دارایی قانونی وی محسوب می‌شود. افرادی که براساس اصل فرائض از حق برخورداری از اموال طرف قرارداد برخوردارند، همان کسانی هستند که براساس قرارداد بیمه، حق دریافت سود قابل بیمه را دارند.

۷. یکی از عوامل مهم موثر در اعتبار قرارداد بیمه آن است که طرفین قرارداد با صداقت کامل کلیه حقایق مادی یا دیگر موضوعات موثر بر قرارداد را آشکار سازند.^{۱۴} براساس قانون غیر مدون، وظیفه آشکارسازی هم موارد اخلاقی و هم مشکلات جسمی مرتبط با قرارداد را شامل می‌شود. در مقابل، همان‌گونه که در فصل ۵ مطرح شده است، در قانون اسلامی وظیفه آشکارسازی شامل موارد اخلاقی گذشته نمی‌شود. یعنی موارد اخلاقی گذشته، نباید به عنوان حقایق مادی موثر بر قرارداد تلقی شود.

۸. بر اساس قانون غیرمدون، در شرایطی خاص حق بیمه‌های پرداختی مسترد می‌شود؛ به عنوان مثال در صورت نقض اصل نهایت حسن نیت از جانب بیمه گذار، مبالغ حق بیمه پرداختی به وی بازگردانده می‌شود.^{۱۵} از سوی دیگر در قانون اسلامی،

حتی در صورت نقض اصل نهایت حسن نیت، مبالغ حق بیمه پرداختی قابل عودت نیست. چرا که قرارداد بیمه معامله‌ای تجاری است که در آن حق بیمه‌های پرداختی جزء اموال طرف قرارداد محسوب می‌شود. اگر بیمه گذار یا عامل بیمه مرتکب نقض اصل حسن نیت یا هر جرم دیگری شود، بنابر قانون به دلیل ارتکاب آن جرم محاکمه خواهد شد، اما این به این معنا نیست که به دلیل اعمال خلاف قانون وی، اموال قانونی در معامله تجاری باید به عنوان خسارت مسترد شود.

۹. در قرارداد بیمه با محور قانون غیرمدون، بهره وران طرف قرارداد (پس از فوت وی) حق دارند کلیه مبلغ ذکر شده در قرارداد را ادعا نمایند؛ زمان فوت بیمه گذار چندان اهمیتی ندارد، و چنین ادعایی در صورتی که فوت در فاصله زمانی مابین شروع قرارداد و پیش از سررسید آن رخ دهد، معتبر است. از سوی دیگر، همان گونه که در فصل شش ذکر شده است، براساس قانون اسلامی بهره وران قرارداد تنها می‌توانند مبالغ زیر را ادعا نمایند: کل حق بیمه‌های پرداخت شده، سهم سود افزوده بر حق بیمه‌های پرداخت شده، سود مشارکت و سود سهام براساس سیاست شرکت، و مبلغی قابل توجیه به صورت هبه از محل حساب خیریه شرکت، بسته به وضعیت مالی بهره ور.

۱۰. براساس قانون غیر مدون، در صورتی که در زمان سررسید قرارداد بیمه گذار در قید حیات باشد، می‌تواند به صورت قانونی نسبت به دریافت کل مبلغ ذکر شده در قرارداد، به علاوه سود افزوده براساس سیاست شرکت یا شرایط قید شده در قرارداد، ادعا کند. از سوی دیگر بر اساس قانون اسلامی، اگر در زمان سررسید قرارداد شریک (بیمه گذار) در قید حیات باشد، می‌تواند ادعایی منصفانه، شامل دریافت این مبالغ مطرح نماید: کل مبلغ حق بیمه‌های پرداختی، سهم سود افزوده بر مبالغ فوق الذکر، سود مشارکت و سود سهام بر اساس سیاست شرکت.

۱۱. در قرارداد بیمه همگانی بر محور قانون غیر مدون، اگر بیمه گذار موفق به ایجاد شرایط عدم ادعای خسارت در برابر خطر احتمالی وارده بر موضوع قرارداد شود، از حق برخورداری از سود سهام بدون حق مطالبه (NCB) برخوردار خواهد شد. NCB در قانون غیر مدون به صورت پول نقد پرداخت نمی‌شود، بلکه به صورت تخفیف در حق بیمه مورد نیاز برای تجدید قرارداد، به بیمه گذار داده می‌شود. در مقابل همان گونه که در فصل

۶ مطرح شد، براساس قانون اسلامی، NCB باید به محض سررسید قرارداد، به صورت پول نقد یا چک به شریک (بیمه گذار) پرداخت شود، مشروط بر آن‌که در زمان اعتبار قرارداد، هیچ ادعایی مبنی بر دریافت خسارت مطرح نشده باشد.

۱۲. در مواردی^{۱۶} مشاهده شده است که دادگاه‌ها با اتکا بر قانون غیر مدون و با استفاده از قدرت خود، احکامی به نفع قربانیان و دال بر وارد آمدن آسیب نامحدود صادر کرده‌اند؛ این مساله خصوصاً در مورد دعوای اقامه شده در خصوص تصادفات رانندگی و حوادث صادق است. از سوی دیگر در قانون اسلامی قربانی یا شریک بر هیچ مبنایی نمی‌تواند ادعایی در خصوص وارد آمدن آسیب نامحدود مطرح نماید. بنابراین در فصل ۶ مطرح شده است که شریک یا قربانی می‌تواند در صورت بروز خطر، مبلغی قابل قبول را به عنوان خسارت ادعا نماید؛ مبلغ مورد ادعا باید متناسب با اهداف بیمه برای ایجاد و تقویت همکاری متقابل، همبستگی و برادری باشد. این بدین معناست که قرارداد بیمه نباید به جای ایجاد مسئولیت‌های مشترک و همکاری متقابل در مقابل خطر غیرقابل پیش‌بینی، به صورت ابزاری برای کسب منافع غیرقانونی درآید.

۴-۸ جدول تفاوت‌ها

اصول و کاربردهای تکافل و بیمه

تکافل	بیمه
فعالیت‌های بیمه فاقد عنصر ربا بوده ^{۱۷} و بر محور اصول سرمایه‌گذاری به شیوه مضاربه عمل می‌کند.	فعالیت‌های بیمه بر عناصر بهره (ربا) استوار است.
اساس منابع قانون بیمه اصول الهی است.	اساس منابع قانون بیمه تفکر و فرهنگ انسانی است.
حداقل سن خرید قرارداد بیمه ۱۵ سال تمام است. اما صغیر زیر ۱۵ سال ^{۱۸} و حتی نوزاد یا جنین می‌تواند تحت پوشش بیمه قرار گیرد، مشروط بر آنکه قرارداد تحت نظارت قیم وی باشد.	حداقل سن خرید قرارداد ۱۶ سال تمام است. اما افراد بین ۱۰ تا ۱۶ سال نیز با ارائه رضایت‌نامه کتبی قیم می‌توانند تحت پوشش بیمه قرار گیرند.
عوامل و واسطه‌های بیمه، جزء لاینفک شرکت بیمه محسوب می‌شوند، بنابراین باید از حق مشارکت در سهم شرکت، به صورت حقوق خود، برخوردار باشند.	حقوق عوامل و واسطه‌ها از محل حق بیمه‌های پرداختی بیمه‌گذاران پرداخت می‌شود.
مالک اسمی در قرارداد بیمه عمر، بهره‌ور مطلق	مالک اسمی در قرارداد بیمه عمر، بهره‌ور مطلق

نیست؛ بلکه تنها معتمد و عامل اجرایی محسوب می‌شود که موظف است منافع قرارداد را دریافت نماید و بر اساس اصول فرایض میان بهره‌وران به حق بیمه‌گذار توزیع نماید.	قرارداد محسوب می‌شود.^{۱۹}
اساس تعیین حق سود قابل بیمه، اصول کلی فرایض است.	حق سود قابل بیمه، تنها به افراد خاصی اختصاص می‌یابد.^{۲۰}
آشکار سازی حقایق مادی یا موضوعات دیگر، شامل موارد اخلاقی گذشته در خصوص موضوع قرارداد نمی‌شود.	آشکار سازی حقایق مادی یا موضوعات دیگر شامل موارد اخلاقی و جسمی وارد بر موضوع قرارداد نیز می‌شود.^{۲۱}
حق بیمه‌های پرداختی (در قرارداد بیمه عمر) واریز شده به حساب بستانکار بیمه‌گذار، حتی در صورت نقض اصل نهایت حسن نیت یا هر جرم دیگری، قابل استرداد نیست.	حق بیمه‌های پرداختی بیمه‌گذار قابل استرداد است، خصوصاً در صورت نقض اصل نهایت حسن نیت.
در قرارداد بیمه عمر، بهره‌وران بیمه‌گذار تنها حق دارند نسبت به مبالغ زیر ادعا نمایند: کل حق بیمه‌های پرداخت شده، سهم سود افزوده بر حق بیمه‌های پرداخت شده، سود مشارکت و سود سهام براساس سیاست شرکت، و مبلغی قابل توجیه به صورت هبه از محل حساب خیریه شرکت، بسته به وضعیت مالی بهره‌ور.	در قرارداد بیمه عمر، بهره‌وران بیمه‌گذار حق دارند نسبت به دریافت کل مبلغ مورد توافق در قرارداد ادعا نمایند، و زمان وقوع خطر در خصوص موضوع قرارداد بیمه، تاثیری بر میزان مبلغ دریافتی ندارد.
در صورتی که در زمان سررسید قرارداد، بیمه‌گذار در قید حیات باشد تنها می‌تواند برای دریافت مبالغ زیر ادعایی مطرح نماید: کل مبلغ حق بیمه‌های پرداختی، و سود افزوده، مشارکت و سهام بر اساس سیاست شرکت.	در صورتی که در زمان سررسید قرارداد، بیمه‌گذار در قید حیات باشد می‌تواند نسبت به دریافت کل مبلغ مورد توافق در قرارداد و سود آن (در صورت وجود) ادعا نماید.
به محض سررسید قرارداد بیمه‌همگانی، NCB به صورت پول نقد یا چک به بیمه‌گذار پرداخت می‌شود.	در قرارداد بیمه همگانی، NCB هیچگاه به صورت پول نقد یا چک پرداخت نمی‌شود، بلکه جزء لاینفک حق بیمه مورد نیاز برای تجدید قرارداد است که به صورت تخفیف در مبلغ پرداختی، به بیمه‌گذار داده می‌شود.
هیچ توجیهی برای صدور حکم آسیب نامحدود یا غیر قابل پذیرش وجود ندارد، خسارات مورد ادعا باید منطقی و قابل پذیرش بوده و با استناد به اصول حدود، قیاس، همکاری متقابل، و مسئولیت مشترک تعیین شود.	در بعضی از موارد دادگاهها مختار به صدور حکم وارد آمدن آسیب نامحدود بر علیه عامل بیمه هستند.

۸-۵ دیدگاه‌های تحلیلی

توانایی قانون غیر مدون و قانون اسلامی در تامین شرایط لازم برای کاربرد گسترده بیمه، مورد پذیرش همگانی قرار گرفته است. با این وجود، در هردو نظام قانونی جنبه‌هایی وجود دارد که مورد انتقاد، اصلاح و توسعه قرار گرفته است. در این بخش می‌کوشیم به بررسی این موضوعات، که در اصول و کاربرد هردو نظام قانونی وجود دارد، بپردازیم.

۸-۵-۱ دیدگاه‌های کلی درباره شیوه‌های تکافل

اول. بارها تکرار شده است که بیمه نوعی شیوه سرمایه‌گذاری متقابل است که منجر به ایجاد امنیت مادی در برابر وقوع زیان یا آسیب ناشی از خطر یا سانحه غیر منتظره برای زندگی، اموال، یا کسب و کار فرد، می‌شود. بنابراین قرارداد بیمه نباید وسیله‌ای برای کسب منافع مادی قلمداد شود؛ چنین قراردادی باید وسیله‌ای برای تامین امنیت مادی در برابر اتفاقات غیر منتظره باشد. چرا که هیچ انسانی نمی‌تواند مطمئن باشد که در طول زندگی با هیچ خطری مواجه نخواهد شد.

متأسفانه به رغم برخورداری از چنین اهمیت ویژه‌ای، بعضی از دانشمندان مسلمان به مخالفت با ایده و کاربرد بیمه ادامه می‌دهند، بدون آن‌که الگویی جایگزین و قابل توجیه با اصول الهی شریعت برای آن ارائه دهند. درست است که فعالیت بیمه براساس قانون غیر مدون بر محور عناصری مغایر با اصول شریعت استوار است،^{۲۲} اما این بدین معنا نیست که ایده بیمه کاملاً غیر شرعی تلقی شود.

به رغم وجود بعضی از عناصر مغایر با اسلام در شیوه‌های متداول بیمه، دانشمندان مسلمان نباید بدون ارائه الگویی جایگزین و قابل توجیه با اصول شریعت، به مخالفت با کلیت ایده بیمه برخیزند. چرا که چنین الگوی جایگزینی می‌تواند انتظارات امت اسلامی را برآورده سازد.

دوم. به دلیل اختلافات موجود میان دانشمندان مسلمان در مورد اعتبار و مشروعیت فعالیت‌های بیمه، و نبود اطلاعات دقیق، کافی و توجیه شده با اصول شریعت در مورد موضوع بیمه، هنوز بسیاری از مسلمانان در مورد ایده و فعالیت بیمه دچار سوء تعبیر

هستند. در نتیجه بسیاری از آنها از پذیرش فعالیت‌های بیمه به عنوان یکی از ابزارهای مهم زندگی تجاری روزمره، اجتناب می‌کنند. تداوم این سوءتعبیر در میان اکثریت امت مسلمان، بر رونق زندگی تجاری امت مسلمان عصر حاضر و امت آینده، تاثیر منفی خواهد گذاشت.

سوم. تفاوت دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان در مورد فعالیت‌های بیمه، ناشی از کمبود تحقیق و منابع مربوطه در زمینه بیمه از دیدگاه اسلامی است. بنابراین ایده اصلی، اصول حاکم، روش‌های کاربرد و اهمیت بیمه از نقطه نظر حقوق شریعت محور، به اندازه کافی توضیح داده نشده است تا به شیوه‌ای فراگیر امت مسلمان را نسبت به جایگاه فعالیت‌های بیمه آگاه سازد. باور قاطع بر آن است که در صورت تداوم چنین موقعیتی، امت اسلامی در مقابل دیگر جوامع دنیای مدرن، عقب مانده و از عهده تامین امنیت اقتصادی در برابر خطرات غیر قابل پیش بینی وارد بر زندگی، اموال، یا کسب و کار مسلمانان بر نخواهد آمد.

چهارم. در جوامع مسلمان سراسر جهان، اقشار مختلفی از مردم زندگی می‌کنند. بعضی از آنها تحصیلکرده و حرفه‌ای هستند، اما به رغم برخورداری از چنین دانش گسترده‌ای، همچنان در مورد بیمه دچار سوءتعبیر هستند. بعضی از آنها ماهیت بیمه را درک می‌کنند، اما می‌کوشند آن را به شیوه‌های دیگری تعبیر کنند. اما جمع کثیری از این جمعیت مسلمان، بیسواد و در نتیجه نسبت به ایده بیمه، اهمیت، و چشم انداز آینده آن بی‌اطلاعند. در نتیجه روند توسعه فعالیت‌های بیمه خصوصا در جوامع مسلمان بسیار کند است.

یکی از علل اصلی روند کند توسعه فعالیت‌های بیمه با محوریت اصول شریعت، کمبود تبلیغات یا فرارسانی از طریق رسانه‌های گروهی، نوشتارها، سخنرانی‌ها و تعاملات جمعی یا شخصی است؛ فرارسانی می‌تواند امت مسلمان دنیای امروز را که هنوز در مورد فعالیت‌های بیمه اسلامی و اهمیت آن در زندگی خود دچار سوءتعبیر است، با ایده عینی بیمه آشنا سازد.

پنجم. دولت‌های اسلامی نیز در ایجاد روند کند توسعه در فعالیت‌های بیمه مسئولند. بیشتر کشورهای اسلامی تحت حاکمیت حکام مسلمان هستند، اما اساس فعالیت‌های

بیمه در این کشورها هنوز هم نظام فکری متداول است، و توجه اندکی به ایجاد و توسعه الگویی جایگزین و توجیه پذیر با اصول شریعت، مبذول می‌دارند. این دولت‌های اسلامی و حکام مسلمان می‌توانند از طریق اصول الهی به راه‌حل‌های مناسبی در مورد فعالیت‌های بیمه جایگزین دست یابند، اما تاکنون نتوانسته‌اند از طریق کاربرد الگوی اسلامی بیمه، از فواید آن بهره ببرند.

بنابراین راه حل مشکل امت مسلمان در این خصوص آن است که دولت‌های اسلامی یا حکام مسلمان در مرزهای قلمرو خود، نظام متداول فعالیت‌های بیمه را به طور جدی مردود دانسته و اقداماتی را برای طراحی الگوی جایگزین نظام بیمه‌ای که با اصول شریعت قابل توجیه باشد، آغاز نمایند. به عنوان مثال، دولت فعلی مالزی، به رغم حکومت بر جامعه‌ای چند نژادی و چند مذهبی، تحت رهبری پویای دکتر ماهاتیر محمد (نخست وزیر پیشین)، قدمی مثبت به سوی معرفی چندین کالای تجاری، از جمله بانکداری و بیمه توجیه پذیر با اصول شریعت، برداشته است؛ چنین فعالیت‌هایی نه تنها پاسخگوی شرایط محلی است، بلکه می‌تواند در پیشرفت امت مسلمان جوامع جهانی امروز نیز موثر باشد.

ششم. امروزه در کشورهای مختلف جهان، چه اسلامی و چه غیر اسلامی، شرکت‌های بیمه اسلامی بسیاری تأسیس شده است، این شرکت‌ها خدمات متعددی ارائه می‌دهند که همگی با اصول شریعت قابل توجیه هستند، اما این شرکت‌ها نظامنامه کتبی مصوب مجلس کشور متبوع خود را در اختیار ندارند. در حال حاضر مالزی تنها کشوری است که دارای نظامنامه کتبی است؛ این نظامنامه در سال ۱۹۸۴ در مجلس به تصویب رسید و در اول ژانویه ۱۹۸۵ تحت عنوان قانون تکافل MNI Takaful Sdn Bhd و Takaful Malaysia Berhad براساس این دو شرکت بیمه، به نام Takaful Malaysia Berhad و MNI Takaful Sdn Bhd براساس این نظامنامه عمل می‌کنند و شعبات متعددی در سراسر کشور دارند.

شرکت‌های بیمه اسلامی که نظامنامه کتبی مصوب مجلس کشور متبوع خود را در اختیار ندارند تا از فعالیت آنها حمایت کند، ممکن است به دلایل بی اساس مورد اتهام قرار گیرند. و نتوانند برای حفاظت از خود در برابر چنین اتهاماتی، دفاعی قطعی ارائه دهند. زیرا نظامنامه کتبی توجیه شده با اصول شریعت، نقش مهمی در حمایت از

شرکت‌ها در برابر اتهامات غیر منصفانه ایفا می‌کند، همزمان این نظامنامه به عوامل شرکت امکان می‌دهد تا معاملات خود را به شیوه‌ای منصفانه و براساس دستورالعمل‌های ذکر شده در اصول الهی، به انجام رسانند.

هفتم. عامل بیمه کسی است که در مقابل حق بیمه (مشارکت) پرداختی از سوی شریک (بیمه‌گذار) تعهد می‌کند که در برابر زیان یا آسیب وارد بر موضوع قرارداد که ناشی از خطری پیش بینی نشده باشد، به نحوی قابل قبول امنیت مادی وی (بیمه‌گذار) را تامین نماید. در بعضی از موارد عامل بیمه ممکن است در تامین امنیت مادی قابل قبول در مقابل خطر، و براساس ادعای مطرح شده از سوی شریک، مشکلاتی داشته باشد یا با مسئولیتی سنگین مواجه شود. در فعالیت بیمه، عامل بیمه برای سبک کردن این مسئولیت از فعالیت‌های بیمه مجدد استفاده می‌کند.

به رغم پیشرفت چشمگیر فعالیت‌های بیمه اسلامی در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف جهان، توسعه فعالیت‌های بیمه مجدد براساس اصول شریعت و در زمینه ارائه پوشش بیمه مجدد و تسهیل مسئولیت‌های غیر ضروری عامل بیمه، روند بسیار کندی داشته است.

در نتیجه، بیشتر شرکت‌های بیمه اسلامی از طریق نظام‌های قراردادی و گزینشی، تحت پوشش بیمه (مجدد) عوامل بیمه مجدد متداول قرار می‌گیرند، بی شک فعالیت این شرکت‌ها بر عناصر مغایر با اصول شریعت استوار است. به عنوان مثال، Syarikat Takaful Malaysia Berhad به رغم برخورداری از پوشش بیمه مجدد بیمه‌گران مجدد اسلامی (مانند ATG، بعضی از شرکت‌های بیمه اسلامی جهان عرب و ARIL) همچنان از طریق سیستم‌های قراردادی و گزینشی، با بیمه‌گران مجدد متداول در ارتباط است.

اگر عوامل بیمه اسلامی در خصوص برخورداری از پوشش بیمه مجدد توجیه پذیر با اصول شریعت، هم در سطح محلی و هم در سطح بین‌المللی جدیت به خرج ندهند، ممکن است از هدف اصلی عملکرد خود فاصله بگیرند؛ به علاوه ممکن است متهم به التقاط و ایجاد مصالحه میان خدمات بیمه اسلامی و خدمات بیمه مغایر با اصول شریعت شوند.

به علاوه، اساس بیمه همکاری متقابل، همبستگی و برادری است. این همکاری متقابل تنها به فعالیت‌های دیندارانه و نیکوکارانه محدود می‌شود و قابل بسط به فعالیت‌های گناه‌آلود و بدخواهانه نیست؛ خداوند می‌فرماید:

«و تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العداون
با نیکوکاری و دینداری یکدیگر را یاری کنید، نه با گناه و
بدخواهی.»^{۲۴}

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در دستورات الهی توجیهی برای قرار گرفتن شرکت‌های بیمه اسلامی تحت پوشش بیمه مجدد شرکت‌هایی که فعالیت‌هایشان مشتمل بر عناصر مغایر با اصول شریعت است، وجود ندارد.

۲-۵-۸ دیدگاه‌های کلی درباره شیوه‌های بیمه

اول. اساس فعالیت‌های بیمه در قانون غیر مدون، عناصر بهره با نرخ ثابت است.^{۲۵} وضع یا تغییر نرخ بهره در هر نوع معامله‌ای، تحمیلی غیر منصفانه محسوب می‌شود. ایدئولوژی‌ها، مذاهب و فلسفه‌های مختلف به صورت مفهومی و عملی به بحث در مورد تأثیرات منفی نرخ بهره ثابت در فعالیت‌های تجاری پرداخته‌اند. و به این نتیجه دست یافته‌اند که معاملاتی که بر محور بهره استوار است، تملک غیر منصفانه و خصومت آمیز محسوب می‌شود. به عنوان مثال، ارسطو مصرف بهره را منع کرده است، و در ۳۴۰ پیش از میلاد، کاتو بهره را با قتل نفس برابر دانست.^{۲۶} در رم، Lex Genucia اعلام کرده بود که وضع نرخ بهره ثابت در هر نوع معامله‌ای غیر قانونی است.^{۲۷} براساس آموزه‌های یهودیت مصرف بهره با نرخ ثابت در هر معامله‌ای، تملک غیر منصفانه و خصومت آمیز محسوب می‌شود.^{۲۸} در ۱۳۱۰ پس از میلاد، پاپ کلمنت ادعا کرد که کلیه معامله‌های مشتمل بر عناصر ربا ممنوع است. بنابراین وی خواستار ابطال کلیه قوانین غیر دینی شد که معامله براساس نرخ بهره ثابت را مجاز می‌شمردند.^{۲۹} در آموزه‌های اسلام، مصرف بهره (ربا) بارها در قسمت‌های مختلف قرآن منع شده است.^{۳۰}

با استناد بر دیدگاه‌ها و اصول بالا، که برگرفته از مذاهب و ایدئولوژی‌های مختلف هستند، می‌توان نتیجه گرفت که مصرف منافع به دست آمده از طریق وضع یا مطالبه نرخ

بهره ثابت در هر معامله‌ای، تملک غیر منصفانه تلقی شده و بر خلاف اصول انسانیت است.

بنابراین فعالیت‌های بیمه در چارچوب قانون غیر مدون، از طریق اتخاذ عناصر بهره در عملکرد خود، درگیر معاملات غیر منصفانه می‌شوند. زیرا هدف اصلی فعالیت‌های بیمه، تداوم مشارکت و مسئولیت متقابل در برابر خطر است، اما ورود عنصر بهره به معامله، و لزوم پرداخت آن از سوی عامل بیمه حتی در صورت سنگین بودن مبلغ پرداختی، بیمه‌گر را دچار سختی کرده و منفعتی انحصاری برای بیمه‌گذار ایجاد می‌کند؛ بنابراین به جای مشارکت در مسئولیت در مقابل خطر، تنها سود (برای یک طرف) و سختی (برای طرف دیگر) به بار می‌آید.

دوم. بیمه معامله‌ای تجاری است که منجر به حمایت و حفاظت (بیمه‌گذار) در برابر خطرات غیر قابل پیش‌بینی وارد بر زندگی، کسب و کار یا اموال وی می‌شود. حمایت قرارداد بیمه نباید تنها بزرگسالان را تحت پوشش قرار داده و صغیران را نادیده بگیرد. زیرا همان‌گونه که با توجه به منطق و واقعیت بیان شده است، بزرگسالان و صغیران با خطرات مشابهی مواجه می‌شوند، اگرچه ممکن است ماهیت خطر وارد بر بزرگسال با ماهیت آنچه بر صغیر وارد می‌شود، متفاوت باشد.

بنابر قاعده‌ای کلی در قانون غیر مدون، حداقل سن خرید قرارداد بیمه ۱۶-۱۰ سال است، بنابراین در این قانون برای برخورداری صغیر، شیرخوار، و در بعضی از موارد زنان باردار^{۳۱} از حمایت قرارداد بیمه، محدودیت‌هایی وجود دارد.^{۳۲} در نتیجه فعالیت‌های بیمه در چارچوب قانون غیر مدون با محروم کردن افراد صغیر زیر ده سال از برخورداری از حمایت بیمه، برخوردی غیر منصفانه نسبت به این گروه روا می‌دارد، چرا که آنها را از حق برخورداری از حمایت در برابر خطرات غیر قابل پیش‌بینی وارد بر زندگی، سلامتی، آموزش، مسکن و غیره محروم می‌کند.

سوم. عوامل و واسطه‌های بیمه، به صورت ضمنی یا آشکار در خدمت گسترش فعالیت‌های بیمه در سطح جامعه هستند. مشاهدات نشان می‌دهد که در فعالیت‌های بیمه در چارچوب قانون غیر مدون، حقوق عوامل و واسطه‌ها از محل حق بیمه‌های پرداختی بیمه‌گذاران تأمین می‌شود. عوامل و واسطه‌ها برای عامل بیمه کار می‌کنند اما حقوقشان از

محل حق بیمه‌های پرداختی بیمه گذاران تأمین می‌شود. آیا می‌توان این امر را به لحاظ منطقی توجیه کرد که حقوق عوامل و واسطه‌ها توسط بیمه گذار پرداخت شود، اما آنها در خدمت عامل بیمه باشند؟ بنابراین از آنجا که این دو گروه برای عامل بیمه کار می‌کنند، حقوقشان باید از محل منافع عامل بیمه و بدون وابستگی به مبالغ حق بیمه‌ی بیمه گذاران پرداخت شود.

چهارم. در هر دین، مذهب و سستی، شروط و قرارهایی در مورد ارثیه متداول است، هر فردی وراثتی قانونی دارد که از حق قانونی برای برخورداری از بخشی از اموال متوفی، براساس اصول مربوط به تقسیم ارثیه برخورداری دارند. بنابراین غیر منصفانه است که متوفی پیش از مرگ کلیه اموال خود را به یکی از وراثت واگذار کرده و بقیه را از ارث محروم کند.

یکی از قیود کلی در فعالیت‌های بیمه در چارچوب قانون غیر مدون این است که مالک اسمی قرارداد بیمه عمر بهره‌ور مطلق^{۳۳} قرارداد بیمه گذار محسوب می‌شود.^{۳۴} چنین دیدگاهی نسبت به مالک اسمی، تلقی وی به عنوان بهره‌ور مطلق قرارداد، و محروم ساختن بقیه وارثان بیمه گذار از سهم خود از اموال وی، غیر منصفانه است، زیرا قرارداد هم بخشی از اموال بیمه گذار محسوب می‌شود.

پنجم. فردی ممکن است مفسده‌های بسیار داشته باشد، اما این بدین معنا نیست که این فرد نمی‌تواند از دیدگاه ضداخلاق خود تغییر موضع دهد. برخورد با چنین فردی، تنها بر اساس تاریخچه اخلاقی پیشین وی و بدون در نظر گرفتن تغییرات اخلاقی پدید آمده در شخصیت فعلی یا تحولات مثبتی که ممکن است در آینده رخ دهد، غیر منصفانه است.

یکی از ضرورت‌های کلی قانون غیر مدون این است که طرفین قرارداد باید پیش از انعقاد آن، کلیه حقایق مادی موجود و موثر بر قرارداد را صادقانه آشکار سازند. آشکارسازی حقایق مادی، موارد فیزیکی و اخلاقی (شخصیت‌های اخلاقی گذشته و حال) را در بر می‌گیرد. غیر منصفانه است که پذیرش درخواست فرد خواهان انعقاد قرارداد، مستلزم آشکار سازی موارد اخلاقی گذشته باشد.

ششم. بیمه معامله‌ای تجارتي است که در آن حق بیمه از محل اموال قانونی بیمه‌گذار پرداخت می‌شود؛ حق بیمه به هیچ دلیلی، حتی ارتکاب جرم از سوی بیمه‌گذار، قابل استرداد نیست. تجربه نشان داده است که در مواقعی، حق بیمه پرداختی بیمه‌گذار به دلایلی خاص، مانند نقض اصل نهایت حسن نیت، قابل استرداد است.

در صورت نقض اصل نهایت حسن نیت یا ارتکاب هر جرم دیگری از سوی بیمه‌گذار، وی مستحق مجازات است، اما این مجازات نباید شامل استرداد حق بیمه‌های پرداختی قانونی وی باشد.

هفتم. قرارداد بیمه فرد را به کسب منفعت امیدوار نمی‌سازد؛ این قرارداد معامله‌ای تجاری است که بر اساس آن بیمه‌گذار می‌تواند امیدوار باشد که در صورت بروز خطری غیر منتظره برای زندگی وی، وابستگانش از امنیت مالی برخوردار خواهند بود. براساس قانون غیر مدون، بهره‌وران بیمه‌گذار در قرارداد بیمه عمر، حق دارند مبلغ دقیق ذکر شده در قرارداد را ادعا نمایند، چه بیمه‌گذار در اوایل دوران اعتبار قرارداد فوت کند و چه در اواخر آن. برخورداری بهره‌وران از حق مطرح ساختن ادعای قانونی برای دریافت مبلغ دقیق ذکر شده در قرارداد، به آنها امکان بهره‌برداری مادی داده و عامل بیمه را در شرایطی غیر منصفانه قرار می‌دهد؛ این امر هدف اصلی فعالیت بیمه یعنی تداوم همکاری متقابل و مسئولیت‌های مشترک را خدشه دار می‌سازد.

هشتم. منظور از NCB در قراردادهای بیمه همگانی، حق قانونی بیمه‌گذار در صورت عدم دریافت هرگونه خسارت از محل قرارداد است. در فعالیت‌های بیمه در چارچوب قانون غیر مدون، NCB حق بیمه‌گذار است، اما به صورت پول نقد یا چک به وی پرداخت نمی‌شود، بلکه به عنوان بخشی از مبلغ پرداختی (تخفیف) حق بیمه مورد نیاز برای تمدید قرارداد، تلقی می‌شود. اما در صورت عدم تجدید قرارداد، NCB از بین خواهد رفت. چنین برخوردی با بیمه‌گذار غیر منصفانه است، چرا که او را از حقوق قانونیش محروم می‌سازد.

نهم. پیشتر ذکر شده است که هدف از انعقاد قرارداد بیمه تامین منافع مالی غیر قانونی نیست، بلکه معامله تجاری منصفانه‌ای است که در صورت وقوع آسیب یا زیان غیر منتظره، امنیت مالی بیمه‌گذار را در حدی معقول تامین می‌کند. بنابر قانون غیر مدون،

در مواردی دادگاه‌ها رأی بر وارد آمدن آسیب نامحدود و لزوم پرداخت میلیون‌ها دلار خسارت صادر می‌کنند؛ در چنین موقعیتی، خصوصاً در موارد بروز تصادف و سانحه، قربانی فرصت طلایی یک جانبه‌ای برای کسب مبلغ بسیار زیادی در ازای تامین امنیت مالی خود به دست می‌آورد، در حالی که عامل بیمه در شرایطی بسیار دشوار قرار می‌گیرد که ممکن است منجر به ورشکستگی وی شود.

در صورت تداوم عدم محدودیت قدرت دادگاه‌ها برای صدور حکم آسیب نامحدود، هدف واقعی فعالیت‌های بیمه مخدوش خواهد شد.

۶-۸. پیشنهادات و توصیه‌های انجام پذیر

قانون غیر مدون و قانون اسلامی شرایط لازم برای عملکرد بیمه را فراهم ساخته‌اند، اما هردو نظام قانونی همچنان نیازمند اصلاح و توسعه در زمینه اصول و کاربرد هستند. در کتاب حاضر فعالیت‌های بیمه در چارچوب قانون غیر مدون و قانون اسلامی، مورد بحث قرار گرفته است.

در این بخش به ارائه پیشنهادات و توصیه‌های عملی برای توسعه قوانین و کاربرد بیمه در چارچوب قانون غیر مدون و نیز اسلامی‌سازی اصول و فعالیت‌های بیمه، برای هماهنگ ساختن آن با اقتصاد دنیای معاصر، می‌پردازیم.

۱-۶-۸. توصیه‌هایی برای گسترش کاربرد تکافل در حقیقت اقتصادی عصر حاضر

اول. به رغم وجود رهنمودهای لازم در زمینه فعالیت‌های بیمه توجیه پذیر با اصول شریعت در اصول الهی، دانشمندان مسلمان و بسیاری از مسلمانان همچنان دچار اختلاف دیدگاه هستند. بعضی از آنها ایده بیمه را کاملاً رد می‌کنند و گروه دیگر تنها با بخش‌هایی از آن مخالفند. گروه مخالف ایده بیمه که همچنان بر نظر خود پافشاری می‌کنند، تلاشی برای ارائه الگویی جایگزین و توجیه پذیر با اصول شریعت نکرده‌اند. از آنجا که بیمه نقش مهمی در تامین منافع امت مسلمان، خصوصاً تامین امنیت اقتصادی آنها در برابر خطرات غیر قابل پیش بینی، ایفا می‌کند، مخالفان ممکن است با فعالیت‌های بیمه در چارچوب نظام متداول مخالفت کنند. اما در عین حال باید به طور جدی در جستجوی

راه حلی جایگزین برای امت اسلامی امروز، و خصوصاً راهکاری برای تأمین امنیت اقتصادی آنها در برابر خطر بود.

بنابراین پیشنهاد می‌شود که دانشمندان و گروه‌های مسلمان که بدون ارائه هرگونه راه حل احتمالی به مخالفت با ایده بیمه می‌پردازند، با استفاده از مهارت‌ها و دانش خود الگوی بیمه‌ای ارائه دهند که با اصول شریعت توجیه پذیر باشد. و اگر قادر به انجام چنین کاری نیستند، حداقل با گروه‌هایی که در تلاش برای دستیابی به الگوی بیمه‌ای فراگیر و متناسب با شرایط امروز هستند، همکاری کرده و تا حد امکان از آنها حمایت کنند.

دوم. پیشتر ذکر شد که به رغم نقش حیاتی بیمه، خصوصاً در زندگی اقتصادی روزمره، منابع و تحقیقات اندکی به بیمه از دیدگاه اسلامی اختصاص یافته است، حال آن‌که وجود چنین منابعی در افزایش میزان آگاهی امت بسیار موثر خواهد بود.

پیشنهاد این است که دانشمندان مسلمان می‌توانند برنامه یا طرحی سازنده تهیه نمایند و بخشی از اوقات گرانب‌های خود را به یافتن الگویی جایگزین از دیدگاه شریعت، اختصاص دهند. همزمان مؤسسات دانشگاهی و مالی که به ارائه آموزش و فعالیت در زمینه نظام‌های اقتصادی اسلامی می‌پردازند، می‌توانند واحدهای تحقیق با هدف توسعه فعالیت‌های بیمه راه اندازی نمایند. فعالیت‌های این واحدهای تحقیقی می‌تواند شامل موارد زیر باشد: کارهای دوره ای مرتبط؛ برگزاری همایش، سمپوزیوم، کنفرانس و غیره؛ و تأمین هزینه‌های پروژه‌های تحقیقی در زمینه جنبه‌های مختلف فعالیت‌های بیمه از دیدگاه شریعت.

سوم. فعالیت بیمه موجب تأمین بیشتر منافع امت شده و امنیت اقتصادی آنها را در برابر خطرات غیر قابل پیش بینی تأمین می‌کند. یکی از وظایف اصلی هر دولتی، تأمین امنیت شهروندان است. هیچ دولتی نمی‌تواند منکر این حقیقت شود که فعالیت‌های بیمه نقش مهمتری در تأمین امنیت اقتصادی شهروندان ایفا می‌کند.

دولت‌های مسلمان باید فعالیت‌های بیمه را به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی ملت‌های متبوع خود تلقی کنند. دولت‌های متبوع باید استفاده از خدمات بیمه را برای کلیه شهروندان اجباری کنند. دکتر مهد داود بکر پیشنهادی سازنده در خصوص فعالیت‌های بیمه اسلامی (تکافل) مطرح کرده است؛ این پیشنهاد ممکن است به عنوان

طرحی مالی با هدف تامین نیازهای اساسی امت در غیاب فعالیت‌های عاقله، اجباری اعلام شود.^{۳۵} طرح مطرح شده نه تنها امنیت مادی تک تک افراد را در برابر خطر تامین می‌کند، بلکه همزمان تضمین‌کننده پیشرفت اقتصادی امت نیز هست.

چهارم. در کشورهای مختلف جهان شرکت‌های بیمه اسلامی متعددی تأسیس شده است، این روند خصوصاً در اواخر قرن بیستم سرعت بیشتری داشته است. به رغم توسعه فعالیت‌های بیمه اسلامی، هیچ‌یک از شرکت‌های بیمه مذکور تحت حمایت آیین نامه کتبی انحصاری و مورد تصویب مجلس کشورهای متبوع خود نیستند؛ در این میان مالزی استثنا است، چرا که آیین نامه مكتوب خود را دارد که در سال ۱۹۸۴ با هدف نظارت بر فعالیتهای بیمه اسلامی در کشور، به تصویب مجلس رسیده است. شرکت‌های بیمه اسلامی در سراسر جهان (به استثنای مالزی) براساس قواعد، احکام یا دیدگاه‌های حقوقی (فتوا) خاصی اداره می‌شوند، اما هیچ‌یک از موارد فوق به اندازه آیین نامه مصوب مجلس معتبر نیست.^{۳۶}

بنابراین پیشنهاد می‌شود که تک تک شرکت‌های بیمه تأسیس شده تحت لوای آموزه‌های شریعت، آیین نامه‌هایی در اختیار داشته باشند که مورد تایید نهادهای قانون‌گذار کشور متبوع‌شان قرار گرفته باشد؛ وجود چنین آیین نامه‌ای به معنای پشتیبانی معتبر از این شرکت‌هاست. به علاوه، چنین آیین نامه‌ای به فعالیت‌های شرکت ثبات می‌بخشد.

پنجم. اساس فعالیت بیمه همکاری متقابل، همبستگی و برادری یا مسئولیت مشترک در برابر خطر است، اما بروز اختلاف میان طرفین قرارداد، در موقعیت‌های خاص، چندان غیر معمول نیست؛ خصوصاً اگر علت اختلاف ادعای خسارت یا تسویه باشد. چنین اختلافاتی باید به دادگاه ارجاع داده شود تا قضاوتی عادلانه بین طرفین انجام شود. اما حل و فصل اختلاف ناشی از معامله شریعت محور نباید به دادگاهی ارجاع شود که اصول شریعت بر آن حاکم نیست. به بیان دیگر، قضاوت در مورد دعوی مطرح شده بر اساس معامله‌ای شریعت محور، نباید به دادگاه غیر دینی ارجاع داده شود. زیرا در صورت بروز اختلاف میان مسلمانان، آنان باید در حل و فصل منصفانه و عادلانه آن از رهنمودهای خداوند و پیامبرش استفاده کنند. اما چگونه ممکن است دادگاهی غیر دینی

براساس رهنمودها و دستورهای خداوند و سنت عمل کند؟ اصل الهی زیر این استدلال را توجیه می‌کند. خداوند فرمان می‌دهد:

«فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تومنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تاویلا»
 «اگر در میان شما بر سر چیزی اختلاف پیش آمد، آن را به خداوند و پیامبرش ارجاع دهید، اگر به خداوند و روز قیامت ایمان دارید، این بهترین و مناسبترین روش برای تصمیم‌گیری نهایی است.»^{۳۷}

به علاوه خداوند فرمان بر رعایت عدل در هنگام قضاوت میان انسان‌ها می‌دهد. آیا می‌توان انتظار داشت که دادگاهی غیر دینی با تکیه بر عدل و روح اصول شریعت قضاوت نماید؟ پاسخ قطعاً منفی است. خداوند این امر را بدین مضمون بیان می‌کند:

«و اذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل»

«و هنگام قضاوت میان دو انسان، با عدل قضاوت کنید.»^{۳۸}

بنابراین توصیه می‌شود که در کشورهایی که شرکت‌های بیمه اسلامی فعال هستند، دادگاه‌های مستقل شریعت تأسیس شود تا موارد اقامه دعوی برخاسته از شرکت‌های بیمه اسلامی در دادگاه‌های شریعت مربوطه^{۳۹} و با حفظ روح عدل مورد انتظار در اصول الهی، مورد رسیدگی قرار گیرد. امید است که حل و فصل اختلافات برخاسته از موسسه‌ای شریعت محور برعهده دادگاه‌های شریعت گذاشته شود، و رسیدگی به این پرونده‌ها به دادگاه‌های غیر دینی واگذار نشود. به این طریق روح حقیقی اسلام در حل و فصل اختلافات برخاسته از فعالیت‌های بیمه بر اساس اصول شریعت، حفظ می‌شود.

ششم. در بیشتر کشورهای جهان، نظام‌های دوگانه‌ای برای فعالیت‌های بیمه وجود دارد،^{۴۰} بنابراین احتمال التقاط بعضی از عناصر فعالیت‌های بیمه متداول در فعالیت‌های بیمه اسلامی زیاد است، چرا که سرعت گسترش فعالیت بیمه در چارچوب نظام متداول در مقایسه با سرعت گسترش آن در چارچوب قانون اسلامی، بسیار زیاد است. به منظور جلوگیری از التقاط عناصر نظام متداول در فعالیت‌های شرکت‌های بیمه اسلامی، دو اقدام ضروری است: وجود متخصصان شریعت به عنوان مشاوران داخلی و درون سازمانی

شرکت بیمه، و ایجاد هیئت نظارت بر امور شریعت؛ وظیفه این هیئت اطمینان از عدم وجود هرگونه عنصر مغایر با آموزه‌های اسلام در فعالیت‌های شرکت است.

بنابراین پیشنهاد می‌شود که پیش از تاسیس هر شرکت بیمه اسلامی، یکی از مصوبات اصلی آیین نامه شرکت به ضرورت وجود شورای نظارتی متشکل از متخصصان شریعت، اختصاص یابد.^{۴۱} متخصصان شریعت می‌توانند نقش مهمی در ایجاد اطمینان از عملکرد مطلق شرکت براساس اصول شریعت ایفا نمایند. به علاوه شورا می‌تواند هر چند وقت یکبار مشورت‌ها و توصیه‌های لازم برای توسعه بیشتر قوانین و فعالیت‌های بیمه براساس اصول شریعت را در اختیار شرکت قرار دهد.

هفتم. بسیاری از مسلمانان با سواد و بی سواد سراسر جهان، هنوز با ایده بیمه و فعالیت‌های مرتبط با آن آشنایی ندارند. تبلیغ بیشتر می‌تواند در ایجاد ایده‌های سازنده در مورد اهمیت فعالیت‌های بیمه در دیدگاه این افراد موثر باشد. بنابراین توصیه می‌شود که دولت‌های مسلمان، شرکت‌های بیمه اسلامی و دیگر مقامات مربوطه اقداماتی را برای تبلیغ از طریق انواع رسانه‌های گروهی، جزوات، سخنرانی‌ها و تعاملات فردی و در نتیجه آموزش و آگاه سازی جمعیت مسلمان (در مورد بیمه) آغاز نمایند. چنین فعالیت‌هایی می‌تواند درک لازم از فعالیت‌های بیمه اسلامی را در افراد بی سواد و نا آگاه پدید آورد.

۸. برگزاری همایش، سمپوزیوم، کنفرانس، نشست و کارگاه‌هایی در زمینه‌های خاص، می‌تواند در ایجاد مقولات مختلف ادبیات و شکل دهی ایده‌های نو درباره موضوعی خاص، موثر باشد. باور بر آن است که برگزاری همایش‌ها و سمپوزیوم‌های منظم در موضوع فعالیت‌های بیمه از دیدگاه شریعت، در اسلامی سازی بیشتر فعالیت‌های بیمه موثر خواهد بود.

بنابراین توصیه می‌شود که موسسات و شرکت‌های بیمه اسلامی اقداماتی را به منظور سازماندهی منظم سمینار، سمپوزیوم، کارگاه، نشست و همایش‌های مرتبط با موضوع بیمه و با هدف توسعه بیشتر بیمه اسلامی، آغاز نمایند. برگزاری چنین همایش‌هایی دانش بهتر و ادبیات بنیادی و مرتبط برای تحقیق و توسعه بیشتر را در اختیار امت (مسلمان) قرار می‌دهد.

نهم. عامل بیمه در قرارداد بیمه باید در زمینه پذیرش مسئولیت تامین امنیت مادی قابل قبول در برابر خطر وارد بر موضوع قرارداد، نقشی ایفا کند. بنابراین تقریباً غیر ممکن است که عامل بیمه بتواند به تنهایی امنیت مادی لازم را در برابر خطر تامین نماید. برای سبک کردن بار عامل بیمه، پیشنهاد تأسیس شرکت‌های بیمه مجدد مطرح شده است. اما به رغم وجود شرکت‌های بیمه مجدد متعدد فعال در چارچوب نظام متداول، شرکت‌های بیمه اسلامی مجاز نیستند که تحت پوشش بیمه عوامل بیمه مجدد فعال بر اساس نظام متداول قرار گیرند، چرا که فعالیت‌های شرکت‌های اخیر متضمن بعضی از عناصر مغایر با روح شریعت است. در مقابل فعالیت بیمه تحت لوای قانون اسلامی، تابع اصول الهی است.

بنابراین توصیه می‌شود که مقامات مربوطه شرکت‌های بیمه اسلامی دنیای امروز، اقدامی موثر را آغاز نمایند تا علاوه بر پنج شرکت فعلی بیمه مجدد فعال تحت لوای اصول شریعت (ITRCO، Best Re، IIRCO، ARIL، ATG) شرکت‌های بیمه مجدد اسلامی دیگری نیز تأسیس شود.^{۴۲} چنین اقدامی با همکاری حکام مسلمان جهان و سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) امکان پذیر است؛ بدین ترتیب می‌توان شرکت‌های بیمه مجدد اسلامی را هم در سطح محلی و هم در سطح بین‌المللی تأسیس نمود. با تأسیس این شرکت‌ها، شرکت‌های بیمه اسلامی می‌توانند از طریق نظام‌های قراردادی و گزینشی، تحت پوشش بیمه مجدد این شرکت‌ها قرار گیرند، بدون آن‌که نیازی به فعالیت بیمه‌گران مجدد در چارچوب اصول متداول باشد.^{۴۳}

۲-۶-۸. توصیه‌هایی برای گسترش توسعه کاربرد بیمه در حقیقت اقتصادی عصر حاضر

اول. دیدگاه‌های ایدئولوژیکی و مذهبی بسیاری تصدیق کرده‌اند که معامله‌ای که شامل عناصر بهره باشد، غیر منصفانه و خصومت آمیز است. بنابراین توصیه می‌شود که عناصر بهره با نرخ ثابت از فعالیت‌های بیمه حذف شود. عنصر بهره را می‌توان با اصل سرمایه‌گذاری به صورت مشارکت در سود یا زیان جایگزین کرد؛ در شیوه اخیر طرفین قرارداد به منظور تامین هدف اصلی فعالیت‌های بیمه در مشارکت در مسئولیت‌های ناشی از خطر، مسئولیت آن را مشترکاً بر عهده می‌گیرند.

دوم. کارکرد اصلی قرارداد بیمه تامین امنیت مادی در برابر خطرات غیر قابل پیش‌بینی است، و تمام افراد جامعه از هر سن، نژاد، جنسیت، یا جایگاه اجتماعی در معرض خطر هستند. ماهیت این خطر بسته به سرنوشت فرد متفاوت است، اما بی‌شک همه افراد در معرض خطر هستند. بنابراین این ادعا که تنها بزرگسالان در معرض خطر هستند و هیچ خطری متوجه صغیران، نوزادان، یا جنین داخل رحم مادر نیست، کاملاً اشتباه است. گروه اخیر ممکن است در معرض خطرات مختلفی باشند، از جمله خطرانی که سلامتی، سرپرستی، آموزش، محل اقامت، و تغذیه آنها را تهدید می‌کند.

براساس اصول قانون غیر مدون حداقل سن لازم برای خرید قرارداد بیمه ۱۰-۱۶ سال و ۱۶ سال به بالاست، اما افراد زیر ده سال به رغم خطرات بسیاری که تهدیدشان می‌کند، فاقد صلاحیت لازم برای ورود به قرارداد بیمه هستند.

بنابراین باور بر آن است که اصول مربوط به سن در قانون غیر مدون، باید اصلاح شود. مصوبه اصلاحات باید شامل تایید صلاحیت افراد زیر ده سال و حتی جنین داخل رحم مادر برای برخورداری از خدمات بیمه باشد. قرارداد تحت نام قیم مربوطه خریداری می‌شود، قیم در قرارداد بیمه صغیر نقش سرپرست را ایفا می‌کند تا صغیر در برابر خطرات غیر قابل پیش‌بینی تحت حمایت قرار گیرد.

سوم. عوامل و واسطه‌ها، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، به ترویج تجارت بیمه کمک می‌کنند و اساساً در خدمت عامل بیمه هستند. بنابراین عوامل و واسطه‌های فعالیت بیمه جزء لاینفک کارمندان عامل بیمه محسوب می‌شوند، و مبالغ پرداختی به آنها یا باید به صورت حقوق ماهانه پرداختی از سوی عامل بیمه و یا به صورت حق برخورداری از سهمی از سود و دیگر منافع قابل قبول شرکت بیمه باشد. بنابراین پرداخت حقوق عوامل و واسطه‌ها نباید وابسته به درصد حق بیمه پرداختی بیمه‌گذاران باشد.

چهارم. تجربه فعالیت‌های بیمه در چارچوب قانون غیر مدون نشان می‌دهد که مالک اسمی تعیین شده توسط بیمه‌گذار در قرارداد بیمه عمر، پس از مرگ وی بهره‌ور مطلق محسوب می‌شود.^{۴۴} در چنین موقعیتی مالک اسمی از حق مطلق بهره‌برداری مادی از قرارداد برخوردار بوده و ملزم به مشارکت با دیگر بهره‌وران یا وارثان بیمه‌گذار که تحت

تأثیر مرگ وی قرار گرفته‌اند، نیست. چنین رفتاری با دیگر وارثان بیمه‌گذار غیر منصفانه است.

بنابراین توصیه می‌شود که قرارداد بیمه به عنوان بخشی از اموال بیمه‌گذار تلقی شود. مالک اسمی قرارداد بیمه عمر نباید بهره‌ور مطلق محسوب شود، بلکه باید عامل یا امینی مطلق باشد که منافع قرارداد را دریافت داشته و براساس اصول ارثیه میان بهره‌وران به حق بیمه‌گذار، توزیع نماید. بدین ترتیب با کلیه بهره‌وران اموال بیمه‌گذار منصفانه رفتار می‌شود.

پنجم. یکی از الزامات اصلی فعالیت در چارچوب قانون غیر مدون این است که طرفین قرارداد بیمه باید کلیه حقایق مادی یا موضوعات مرتبط با قرارداد را آشکارا بیان کنند. وظیفه آشکارسازی شامل موارد اخلاقی و جسمی مرتبط با موضوع قرارداد یا خود قرارداد است.

همان‌گونه که پیشتر مطرح شد، خصوصاً در قرارداد بیمه عمر موارد اخلاقی گذشته بیمه‌گذار، ارتباطی با قرارداد بیمه ندارد. زیرا از یک سو قرارداد در آینده به مورد اجرا در خواهد آمد و از سوی دیگر قرارداد بیمه معامله‌ای تجاری است و رفتار اخلاقی بیمه‌گذار در گذشته، در این قرارداد موضوعیت ندارد.

بنابراین توصیه می‌شود که وظیفه آشکار سازی حقایق مادی یا موضوعات دیگر در هنگام انعقاد قرارداد، مستلزم آشکار سازی موارد اخلاقی بیمه‌گذار در گذشته نباشد؛ چرا که چنین مواردی نباید تاثیری بر اجرای قرارداد داشته باشد.

ششم. در قرارداد بیمه عمر در چارچوب قانون غیر مدون، بهره‌وران حق دارند نسبت به دریافت مبلغ دقیق ذکر شده در قرارداد، ادعای قانونی مطرح نمایند؛ زمان فوت بیمه‌گذار یا میزان حق بیمه‌های پرداختی وی تاثیری در تغییر این مبلغ ندارد و تا زمانی که مرگ بیمه‌گذار در فاصله زمانی پس از آغاز اجرای قرارداد و پیش از سررسید آن تأیید شود، این حق به جای خود باقی است. چنین عملی در چارچوب قانون غیر مدون موجب می‌شود که بهره‌وران قرارداد به جای تمایل به برخورداری از حمایت مادی در صورت بروز خطر، در اندیشه کسب منافع مادی باشند. هدف اصلی فعالیت‌های بیمه

تداوم همکاری متقابل در برابر خطری غیر قابل پیش بینی است، نه ایجاد موقعیت کسب منافع مادی نامحدود برای افراد.

بنابراین توصیه می‌شود که حقوق مورد مطالبه بهره‌وران بیمه عمر به موارد زیر محدود شود: کل مبلغ حق بیمه‌های پرداختی، سهم سود افزوده بر حق بیمه‌های پرداختی، سود سهام و سود مشارکت، و هبه‌ای از محل صندوق شرکت در وجه بهره‌وران، که مبلغ آن به وضعیت مالی بهره‌وران و سیاست شرکت بستگی دارد. به این ترتیب روح همکاری متقابل به معنای واقعی حفظ می‌شود. مبلغ هبه پرداختی از محل صندوق شرکت، می‌تواند مبلغی اضافه برای رسیدن به مبلغ دقیق ذکر شده در قرارداد و افزوده‌ای بر کل مبلغ حق بیمه‌های پرداختی و غیره باشد.

هفتم. طبق قانون غیر مدون حق بیمه‌های پرداختی بیمه‌گذار در موقعیت‌های ویژه و با استناد بر دلایلی خاص، قابل استرداد است. به عنوان مثال در صورت نقض اصل نهایت حسن نیت، مفهوم استرداد به مورد اجرا در می‌آید. نقض اصل نهایت حسن نیت یا ارتکاب هر جرم دیگری، مستلزم مجازات بیمه‌گذار است، اما چنین مجازاتی نباید تا حد استرداد حق بیمه‌های قانونی پرداخت شده از سوی وی، گسترش یابد.

هشتم. قراردادهای منعقد شده در چارچوب قانون غیر مدون، NCB را به رسمیت می‌شناسد. اما به رغم به رسمیت شناخته شدن، مدعی حق ندارد این مبلغ را به صورت پول نقد یا چک ادعا کند؛ NCB بخشی از حق بیمه پرداختی مورد نیاز برای تجدید همان قرارداد محسوب می‌شود.

محرومیت مدعی از حق مطالبه مبلغ NCB به صورت پول نقد یا چک غیر منصفانه است. بنابراین توصیه می‌شود که به منظور برقراری معامله‌ای منصفانه میان عامل بیمه و بیمه‌گذار، مدعی از حق انتخاب برای چگونگی پرداخت NCB برخوردار باشد. بدین ترتیب مدعی می‌تواند طبق خواسته خود عمل کرده و NCB را به صورت پول نقد، چک یا بخشی از مبلغ پرداختی مورد نیاز برای تجدید قرارداد دریافت دارد.

نهم. در چارچوب قانون غیر مدون، دادگاه‌ها از قدرت خود برای صدور حکم وارد آمدن آسیب نامحدود و لزوم پرداخت میلیون‌ها دلار خسارت به نفع قربانی، استفاده کرده و می‌کنند؛ چنین احکامی خصوصاً در موارد تصادف و سانحه بسیار مشاهده می‌شود.

دادگاه نباید به سادگی و بدون در نظر گرفتن این حقیقت که قرارداد بیمه نوعی قرارداد همکاری متقابل بوده و هدف از انعقاد آن کسب منافع مادی نیست، بلکه بر اساس این قرارداد قربانی یا بیمه گذار مبلغی منطقی و قابل پذیرش را به عنوان خسارت دریافت می‌دارد؛ اقدام به صدور چنین حکمی نماید. قرارداد اساس کار بر اصول همکاری متقابل و مسئولیت مشترک، توازنی منطقی میان طرف مسئول و مدعی پدید می‌آورد.^{۵۰}

بنابراین قدرت دادگاه‌ها برای صدور حکم وارد آمدن آسیب نامحدود، باید کاهش یابد. به علاوه، اگر قربانی یا بیمه گذار انتظار دارد در برابر آسیب‌های وارده خسارت بیشتری دریافت نماید، باید تحت پوشش چندین قرارداد بیمه قرار گیرد. راه حل دیگر، تأسیس صندوق‌های امنیت اجتماعی خصوصی و دولتی است؛ این صندوق‌ها می‌تواند مبالغ اضافی لازم را به بیمه گذار یا قربانی پرداخت نماید. بدین ترتیب بیمه گذار می‌تواند بدون مواجهه با مشکلات بسیار، آینده خود را تأمین کند، اما نباید تنها به یک عامل بیمه تکیه کند. از سوی دیگر دادگاه‌ها نباید با صدور حکم وارد آمدن آسیب نامحدود بر بیمه‌گذار، عامل بیمه را موظف به پرداخت مبلغی سنگین و غیر منصفانه نمایند.

۷-۸ پیشنهاد نهایی

مؤلف کتاب حاضر متواضعانه کوشیده است تا اصول فعالیت‌های بیمه در چارچوب قانون غیر مدون و قانون اسلامی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. هردو نظام قانونی به صورت آشکار و ضمنی شرایط لازم برای ممکن ساختن فعالیت‌های بیمه را تأمین می‌کنند. به رغم وجود شرایط لازم، هردو نظام قانونی همچنان نیازمند اصلاح هستند. بنابراین در فصل پایانی کتاب تلاش بر آن بوده است تا توصیه‌ها و پیشنهاداتی عملی که ممکن است در پیشرفت بیشتر قوانین بیمه و فعالیت‌های مرتبط با آن در چارچوب قانون غیر مدون و قانون اسلامی موثر باشد، مطرح گردد.

امید آن است که بررسی و اتخاذ پیشنهادات و توصیه‌های مطرح شده، گامی دیگر به سوی تأمین منافع امت مسلمان باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ر.ک. ریسپلر واردیت، بیمه در جهان اسلام: خاستگاه‌ها، مشکلات، و شیوه‌های فعلی، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۳۰؛ همچنین ر.ک. ابن عابدین، *Hashiatur Raddul Muhtar* ویراست سوم، جلد ۴، میسیر، ۱۹۶۶، صفحه ۱۷۰-۱۷۳؛ همچنین ر.ک. م. احمد زرقا، عقد التامین و موقف علی الشریعة الاسلامیة منه، دمشق، ۱۹۶۲، صفحه ۶۹-۷۱.
۲. م.ن. صدیقی، "تفکر اقتصادی اسلامی"، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۲۶۵-۳۱۵.
۳. پیشین.
۴. پیشین.
۵. جی. کلیتون، بیمه بریتانیایی، اثر فوق‌الذکر، صفحه ۱۳.
۶. پیشین.
۷. بند ۱۵۳ قانون بیمه ۱۹۹۶.
۸. ر.ک. بند (a) (۳) ۱۶۳ قانون بیمه ۱۹۹۶.
۹. بند (۲) ۱۶۳ قانون قمار و شرط بندی ۱۹۷۷ (نیوزیلند)؛ همچنین بند ۱۸ قانون قمار ۱۷۱۰ (انگلستان)؛ و جولیان لانگ، "مفهوم سود قابل بیمه و اصلاحات قانون بیمه ۱۹۸۵" در مجله حقوقی دانشگاه اوکلند (AULR) ۱۹۹۱، صفحه ۸۰، شماره ۸۶.
۱۰. ر.ک. بند (۲) ۱۵۲ قانون بیمه ۱۹۹۶.
۱۱. هتل آسیا Sdn Bhd و شرکت بیمه مالزی Sdn Bhd [۱۹۹۲] ۲ MLJ ۶۱۵.
۱۲. ر.ک. حکم دادگاه عالی کراچی در پرونده امتول حبیب و مسرت پروین [۱۹۷۴] PLD (SC) ۱۸۵.
۱۳. ر.ک. بند ۳ قانون بیمه ۱۷۷۴ (انگلستان)؛ همچنین ر.ک. بند (۲) ۵ قانون بیمه دریایی ۱۹۶۰ (انگلستان).
۱۴. ر.ک. تیت و پسران و هیسلاپ (۱۸۸۵) ۱۵ QBD ۳۶۸.
۱۵. ر.ک. شرکت بیمه Sdn Bhd Pacific & Orient و خاطرولو [۱۹۹۲] ۱ MLJ ۲۴۹.
۱۶. قیمومیت فرانک آستر و نظام خطوط هوایی مالزی Bhd [۱۹۹۱] ۳ CLJ ۲۰۵۳.
۱۷. ر.ک. حکم دادگاه شریعت ریاض (۱۴۱۰) در [۱۹۹۵] MECLR ۹۴؛ قس حکم صادره (در پرونده ای نامعلوم) توسط شعبه امور تجاری دادگاه Cassation ۱۹/۷۷، ۲۵ ژوئن ۱۹۸۰ [۱۹۹۵] MECLR ۳.

۱۸. چارلز هامیلتون، هدایت، اثر فوق الذکر، جلد ۳، صفحه ۵۲۹؛ همچنین ر.ک. مجله، مقالات شماره ۹۳۴، ۹۶۸، ۹۸۱ و ۹۸۲.
۱۹. ر.ک. کریم و حنیفه [۱۹۷۰] PLD (کراچی) ۶۱۳.
۲۰. ر.ک. ای. آر. هاردی ایوامی، اصول کلی قانون بیمه، اثر فوق الذکر، صفحه ۱۹؛ همچنین ر.ک. دیدگاه جی. لارنس در لوسنا و کرافورد (۱۸۰۶) ۲ Bos & Pul (NR) ۲۶۹.
۲۱. ر.ک. نیک رمله محمود، قانون بیمه در مالزی، اثر فوق الذکر، صفحه ۵۹.
۲۲. عزیز ذوالکفلی، "تکافل - عوامل تمایز دهنده آن از بیمه متداول"، در هم‌اندیشی بانکداری و سرمایه‌گذاری اسلامی، دویی، ۱۹۹۶، صفحه ۸۸ در ۱۰۳.
۲۳. پیشین.
۲۴. قرآن، سوره مائده، ۲:۵.
۲۵. چندین کمیته فتوا نیز مدعی این امر شده‌اند. ر.ک. بری هوکر، "فتوا در مالزی: ۱۹۶۰-۸۵ سومین سخنرانی گرامیداشت کولسن" در [۱۹۹۳] ACL ۹۳، صفحه ۹۹.
۲۶. ر.ک. امتیاز احمد پرویز، "ابزارهای مالی مورد کاربرد بانک اسلامی"، در افق نو، شماره ۴۵، ۱۹۹۵، صفحه ۳.
۲۷. پیشین.
۲۸. پیشین.
۲۹. پیشین.
۳۰. قرآن، سوره بقره، ۲:۲۷۵؛ و سوره آل عمران ۳:۱۳۰.
۳۱. اگرچه آیین‌نامه‌هایی هم برای حمایت از حقوق زنان و صغیران در مقابل چنین تبعیض‌هایی وجود دارد مانند آیین‌نامه مشترک ایالات متحده در مورد حقوق مدنی، تبعیض نسبت زنان و کودکان در بیمه مستمری، سلامت و از کارافتادگی (۱۹۷۸)؛ قانون تبعیض بارداری ۱۹۷۸؛ قانون مدنی ۱۹۶۴.
۳۲. ر.ک. کنديس انگل، "تبعیض بارداری در صنعت بیمه - ۱۹۹۴" در مجله قانون خانواده (JFL) ۱:۳۴، ۱۹۹۶، صفحه ۱۷۷.
۳۳. مانونمانی و شرکت بیمه بزرگ ایسترن لایف با مسئولیت محدود [۱۹۹۱] ۱ MLJ ۳۶۴.
۳۴. ر.ک. بندهای ۱۶۳ (۳) (a) و ۱۶۶ (۱) قانون بیمه ۱۹۹۶.

۳۵. مهد داود بکر، "اجباری ساختن تکافل - دلایلی برگرفته از اهداف شریعت"، مقاله ارائه شده در نشست بین المللی تکافل (بیمه اسلامی) در لابوان، در هتل شرایتون لابوان، ۱۹-۲۰ ژوئن ۱۹۹۷، صفحه ۱۸.
۳۶. قانون تکافل ۱۹۸۴.
۳۷. قرآن، سوره نسا، ۴:۵۹.
۳۸. قرآن، سوره نسا، ۴:۵۸.
۳۹. ر.ک. احمد ابراهیم، "موانع قانونی در اسلامی سازی اقتصاد مالزی در خصوص بانکداری و بیمه"، مقاله چاپ نشده، UIA، ۱۹۸۵، صفحه ۴.
۴۰. متداول و اسلامی.
۴۱. ر.ک. س. عثمان الحبشی، "نقش و مسئولیت‌های شورای نظارت بر امور شریعت"، در هم اندیشی بانکداری و سرمایه گذاری اسلامی، دویی، ۱۹۹۶، صفحه ۴۳۷ در ۴۳۹.
۴۲. ر.ک. م. فضلی یوسف، "تحلیلی بر توسعه و موفقیت تکافل در جهان"، مقاله ارائه شده در نشست بین المللی تکافل (بیمه اسلامی) در لابوان، در هتل شرایتون لابوان، ۱۹-۲۰ ژوئن ۱۹۹۷، صفحه ۵-۶.
۴۳. مقررات شورای نظارتی امور شریعت، سودان، اثر فوق الذکر، صفحه ۳۲.
۴۴. نیل رمله محمود، "قانون بیمه" به ویراستاری وی. پاول اسمیت، در بررسی قانون مالزی - ۱۹۹۱، (مالزی: مجله قانون مالزی Sdn Bhd، ۱۹۹۱)، صفحه ۲۴۷ در ۲۵۳.
۴۵. ر.ک. پو چو چای، "ادعای خسارت و اصول تضمین پرداخت آن در بیمه"، [۱۹۸۳] ۱ MLJ در clxxxvii.

